



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

وَاللَّيْلَةَ

ترجمہ

استاد قرائتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه قرآن کریم - قرائتی

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

٥	فهرست
١٠	ترجمه قرآن کریم استاد قرائتی
١٠	مشخصات کتاب
١٠	الفاتحه
١٠	البقره
٦١	آل عمران
٨٩	النساء
١١٩	المائده
١٤٢	الأنعام
١٦٨	الأعراف
١٩٦	الأنفال
٢٠٧	التوبه
٢٢٨	يونس
٢٤٢	هود
٢٥٩	يوسف
٢٧٤	الرعد
٢٨١	إبراهيم
٢٨٨	الحجر
٢٩٣	النحل
٣٠٩	الإسراء
٣٢١	الكهف
٣٣٤	مريم
٣٤٢	طه
٣٥٤	الأنبياء

٣٦٥	الحج
٣٧٥	المؤمنون
٣٨٤	النور
٣٩٤	الفرقان
٤٠٢	الشعراء
٤١٢	النمل
٤٢٢	القصص
٤٣٤	العنكبوت
٤٤٢	الروم
٤٤٨	لقمان
٤٥٢	السجده
٤٥٥	الأحزاب
٤٦٦	سبا
٤٧٣	فاطر
٤٧٩	يس
٤٨٥	الصفافات
٤٩٢	ص
٤٩٩	الزمر
٥٠٨	غافر
٥١٨	فصلت
٥٢٤	الشورى
٥٣١	الزخرف
٥٣٨	الدخان
٥٤١	الجاثية
٥٤٤	الأحقاف
٥٤٩	محمد

٥٥٤	الفتح
٥٥٩	الحجرات
٥٦١	ق
٥٦٤	الذاريات
٥٦٧	الطور
٥٧٠	النجم
٥٧٣	القمر
٥٧٦	الرحمن
٥٧٩	الواقعه
٥٨١	الحديد
٥٨٦	المجادله
٥٩٠	الحشر
٥٩٣	المتحنه
٥٩٦	الصف
٥٩٨	الجمعه
٥٩٩	المنافقون
٦٠٠	التغابن
٦٠٣	الطلاق
٦٠٥	التحريم
٦٠٧	الملك
٦١٠	القلم
٦١٢	الحاقه
٦١٤	المعارج
٦١٦	نوح
٦١٧	الجن
٦١٩	المزمل

٦٢١	المدثر
٦٢٣	القيامه
٦٢٤	الإنسان
٦٢٤	المرسلات
٦٢٧	النبأ
٦٢٨	النازعات
٦٣٠	عبس
٦٣١	التكوير
٦٣٢	الانفطار
٦٣٢	المطففين
٦٣٣	الانشقاق
٦٣٤	البروج
٦٣٥	الطارق
٦٣٥	الأعلى
٦٣٦	الغاشية
٦٣٦	الفجر
٦٣٧	البلد
٦٣٨	الشمس
٦٣٨	الليل
٦٣٩	الضحى
٦٣٩	الشرح
٦٣٩	التين
٦٣٩	العلق
٦٤٠	القدر
٦٤٠	البينه
٦٤٠	الزلزله

- ٦٤١ العاديات
- ٦٤١ القارعه
- ٦٤١ التكاثر
- ٦٤١ العصر
- ٦٤١ الهمزه
- ٦٤٢ الفيل
- ٦٤٢ قريش
- ٦٤٢ الماعون
- ٦٤٢ الكوثر
- ٦٤٢ الكافرون
- ٦٤٢ النصر
- ٦٤٢ المسد
- ٦٤٣ الإخلاص
- ٦٤٣ الفلق
- ٦٤٣ الناس
- ٦٤٤ دربارہ مرکز

سرشناسه: قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور: ترجمه قرآن کریم / قرائتی

وضعیت نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱

مشخصات ظاهری: ۱ نوار کاست (۶۰') :مونو

توصیفگر: قرآن کریم

توصیفگر: ترجمه قرآن

الفاتحه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۲) (خدایی که) بخشنده و مهربان است. (۳) (خدایی که) مالک روز جزاست. (۴) (خدایا) تنها ترا می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم. (۵) (خداوندا!) ما را به راه راست هدایت فرما. (۶) (خداوندا! ما را به) راه کسانی که آنها را مشمول نعمت خود ساختی، (هدایت کن) نه غضب شدگان و نه گمراهان! (۷)

البقره

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) الف، لام، میم، (۲) آن کتاب (با عظمت که) در (حَقانیت) آن هیچ تردیدی راه ندارد، راهنمای پرهیزگاران است. (۳) (مُتَّقین) کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند. (۴) و آنان به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر پیامبران) نازل گریده، ایمان دارند و هم آنان به آخرت (نیز) یقین دارند. (۵) تنها آنان از جانب پروردگارشان بر هدایتند و آنان همان رستگاران هستند. (۶) همانا کسانی که کفر ورزیده اند، برای آنها یکسان است که هشدارشان دهی یا هشدارشان ندهی. آنها ایمان نخواهند آورد. (۷) خداوند بر دلها و بر گوش آنان مهر زده است و در برابر چشمانشان پرده ای است و برای آنان عذابی بزرگ است. (۸) و گروهی از مردم کسانی هستند که می گویند: به خدا و روز قیامت ایمان آورده ایم، در حالی که مؤمن نیستند. (۹) (منافقان به پندار خود) با خداوند و مؤمنان نیرنگ می کنند در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند، اما نمی فهمند! (۱۰) در دلهای منافقان، بیماری است پس خداوند بیماری آنان را بیافزاید. و برای ایشان عذابی دردناک است، به سزای آنکه دروغ می گویند. (۱۱) هرگاه به آنان (منافقان) گفته شود در زمین فساد نکنید، می گویند: همانا ما اصلاحگریم. (۱۲) آگاه باشید! همانا آنان خود اهل فسادند،

ولی نمی فهمند. (۱۳) و چون به آنان گفته شود، شما نیز همانگونه که (سایر) مردم ایمان آورده اند ایمان آورید، (آنها با تکبر و غرور) گویند: آیا ما نیز همانند ساده اندیشان و سبک مغزان، ایمان بیاوریم؟! آگاه باشید! آنان خود بی خردند، ولی نمی دانند. (۱۴) و چون با اهل ایمان ملاقات کنند گویند: ما (نیز همانند شما) ایمان آورده ایم. ولی هرگاه با (هم فکران) شیطان صفت خود خلوت کنند، می گویند: ما با شما هستیم، ما فقط (اهل ایمان را) مسخره می کنیم. (۱۵) خداوند آنان را به استهزا می گیرد و آنان را در طغیانشان مهلت می دهد تا سرگردان شوند. (۱۶) آنان کسانی هستند که به بهای (از دست دادن) هدایت، خریدار ضلالت و گمراهی شدند. اما این داد و ستد، سودشان نبخشد و در شمار هدایت یافتگان در نیامدند. (و یا به اهداف خود راهی نیافتند.) (۱۷) مثل آنان (منافقان)، مثل آن کسی است که آتشی افروخته، پس چون آتش اطراف خود را روشن ساخت، خداوند روشنایی و نورشان را ببرد و آنان را در تاریکی هایی که (هیچ) نمی بینند، رهاشان کند. (۱۸) آنان (از شنیدن حق) کر و (از گفتن حق) گنگ و (از دیدن حق) کورند، پس ایشان (بسوی حق) باز نمی گردند. (۱۹) یا چون (گرفتاران در) بارانی تند از آسمانند که در آن، تاریکی ها و رعد و برقی است که از ترس صاعقه ها و بیم مرگ، انگشتان خود را در گوشه‌هایشان قرار می دهند. و (لی) خداوند بر کافران احاطه دارد. (۲۰) نزدیک است که برق، نور چشمانشان را برباید. هرگاه که (برق آسمان در آن صحرای تاریک و بارانی) برای آنان بدرخشد، در آن حرکت کنند، ولی همین که تاریکی، ایشان را فرا گرفت بایستند. و اگر خداوند بخواهد، شنوایی و بینایی آنان را (از بین) می برد، همانا

خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۱) ای مردم! پروردگارتان که شما و پیشینیان شما را آفرید، پرستش کنید تا اهل تقوا شوید.

(۲۲) آن (خداوندی) که زمین را برای شما فرشی (گسترده) و آسمان را بنایی (افراشته) قرار داد و از آسمان، آبی فرو فرستاد و به آن از میوه ها، روزی برای شما بیرون آورد، پس برای خداوند شریکو همتایی قرار ندهید با آنکه خودتان می دانید (که هیچ یک از شرکا و بت ها، نه شما را آفریده اند و نه روزی می دهند و اینها فقط کار خداست.) (۲۳) و اگر در آنچه بر بنده ی خود (از قرآن) نازل کرده ایم، شک دارید، اگر راست می گوئید (لااقل) یک سوره همانند آن را بیاورید و گواهان خود را غیر از خداوند بر این کار دعوت کنید. (۲۴) پس اگر این کار را نکردید، که هرگز نتوانید کرد، از آتشی که هیزمش مردم (گناه کار) و سنگ ها هستند و برای کافران مهیا شده، پرهیزید. (۲۵) و کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، مژده بده که برایشان باغهایی است که نهرها از پای (درختان) آن جاری است، هرگاه میوه ای از آن (باغها) به آنان روزی شود، گویند: این همان است که قبلاً نیز روزی ما بوده، در حالی که همانند آن نعمت ها به ایشان داده شده است (نهی خود آنها) و برای آنان در بهشت همسرانی پاک و پاکیزه است و در آنجا جاودانه اند. (۲۶) همانا خداوند از اینکه به پشه ای (یا فروتر) یا بالاتر از آن مثال بزند شرم ندارد، پس آنهایی که ایمان دارند می دانند که آن (مثال) از طرف پروردگارشان به حق است، ولی کسانی که کفر ورزیدند گویند: خداوند از این مثل چه منظوری داشته است؟ (آری،)

خداوند بسیاری را بدان (مثال) گمراه و بسیاری را بدان هدایت می فرماید. (اما آگاه باشید که) خداوند جز افراد فاسق را بدان گمراه نمی کند. (۲۷) (فاسقان) کسانی هستند که پیمان خدا را پس از آنکه محکم بستند می شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند قطع می نمایند، و در زمین فساد می کنند، قطعاً آنان زیان کارانند. (۲۸) چگونه به خداوند کافر می شوید، درحالی که شما (اجسام بی روح و) مردگانی بودید که او شما را زنده کرد، سپس شما را می میراند و بار دیگر شما را زنده می کند، سپس به سوی او باز گردانده می شوید. (۲۹) اوست آن کس که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفریده، سپس به آفرینش آسمان پرداخت و آنها را به صورت هفت آسمان، استوار نمود و او بر هر چیزی آگاه است. (۳۰) و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بر آنم که در زمین جانشینی قرار دهم. فرشتگان گفتند: آیا کسی را در زمین قرار می دهی که در آن فساد کند و خون ها بریزد؟ در حالی که ما با حمد و ستایش تو، ترا تنزیه و تقدیس می کنیم. خداوند فرمود: همانا من چیزی می دانم که شما نمی دانید. (۳۱) و خداوند همه ی اسماء (حقائق و اسرار هستی) را به آدم آموخت، سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می گوئید، از اسامی اینها به من خبر دهید؟ (۳۲) فرشتگان گفتند: پروردگارا! تو پاکو منزهی، ما چیزی جز آنچه تو به ما آموخته ای نمی دانیم، همانا تو دانای حکیمی. (۳۳) (خداوند) فرمود: ای آدم فرشتگان را از نام های آنان خبر ده. پس چون آدم آنها را از نام هایشان خبر داد، خداوند فرمود: که آیا به شما نگفتم که اسرار

آسمان ها و زمین را می دانم و آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می داشتید (نیز) می دانم. (۳۴) و هنگامی که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید، همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر کرد، و از کافران گردید. (۳۵) و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در این باغ سکونت کن و از (هر کجای) آن هر چه می خواهید به فراوانی و گوارایی بخورید، اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمگران خواهید شد. (۳۶) پس شیطان آن دو را به لغزش انداخت و آنان را از باغی که در آن بودند، خارج ساخت و (در این هنگام به آنها) گفتیم: فرود آیید در حالی که بعضی شما دشمن برخی دیگر است و برای شما در زمین قرارگاه و تا وقتی معین بهره و برخورداری است. (۳۷) پس آدم از سوی پروردگارش کلماتی دریافت نمود، (و با آن کلمات توبه کرد)، پس خداوند لطف خود را بر او بازگرداند. همانا او توبه پذیر مهربان است. (۳۸) گفتیم: همگی از آن (باغ به زمین) فرود آیید، و آنگاه که هدایتی از طرف من برای شما آمد، پس هر که از هدایت من پیروی کند، نه بر ایشان بیمی است و نه غمگین خواهند شد. (۳۹) و (لی) کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنانند اهل دوزخ که همیشه در آن خواهند بود. (۴۰) ای فرزندان اسرائیل! نعمت هیم را که به شما ارزانی داشتم، به خاطر بیاورید و به پیمانم (که بسته اید) وفا کنید، تا من (نیز) به پیمان شما وفا کنم و تنها از من پروا داشته باشید. (۴۱) و به آنچه (از قرآن) نازل کردم، ایمان بیاورید که تصدیق می کند آنچه را (از تورات)

با شماست. و نخستین کافر به آن نباشید و آیات مرا به بهای ناچیز نفروشید و تنها از من پروا کنید. (۴۲) و حق را با باطل نپوشانید و حقیقت را با اینکه می دانید، کتمان نکنید. (۴۳) و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و همراه با رکوع کنندگان، رکوع نمایید. (۴۴) آیا مردم را به نیکی دعوت کرده و خودتان را فراموش می نمایید؟ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می خوانید، آیا هیچ فکر نمی کنید؟ (۴۵) و از صبر و نماز یاری جوئید و این کار جز برای خاشعان، گران و سنگین است. (۴۶) (خاشعان) کسانی هستند که به (قیامت و) ملاقات (با حساب) پروردگارشان و بازگشت به او ایمان دارند. (۴۷) ای بنی اسرائیل! نعمتم را که به شما ارزانی داشتم، به یاد آورید و این که من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم. (۴۸) و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی (از عذاب خدا) را از کسی دفع نمی کند و هیچ شفاعتی از کسی پذیرفته نمی شود، و از کسی غرامت و بدلی گرفته نشود و یاری نخواهند شد. (۴۹) و (نیز به خاطر بیاورید) آن زمان که شما را از فرعونیان رهایی بخشیدیم، که همواره شما را به بدترین وجهی آزار می دادند، پسران شما را سر می بریدند و زنان شما را زنده نگه می داشتند و در این امر، برای شما آزمایش بزرگ و سختی از طرف پروردگارتان بود. (۵۰) و (به خاطر بیاورید) هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات دادیم و فرعونیان را در حالی که شما تماشا می کردید، غرق کردیم. (۵۱) و (به خاطر بیاورید) هنگامی که با موسی چهل شب وعده گذاردیم و شما پس از (آمدن) او (به میقات)، گوساله را (معبود خود) گرفتید، در

حالی که ستمکار بودید. (۵۲) آنگاه پس از آن (انحراف) از شما درگذشتیم تا شاید شکر (این نعمت را) به جای آرید. (۵۳) و (نیز بخاطر آورید) هنگامی که به موسی کتاب (تورات) و فرقان دادیم، تا شاید شما هدایت شوید. (۵۴) و (بخاطر بیاورید) زمانی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما با (به پرستش) گرفتن گوساله، به خود ستم کردید. پس به سوی خالق خود توبه کرده و باز گردید و یکدیگر را به قتل برسانید، این کار برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است، پس خداوند توبه ی شما را پذیرفت، زیرا او توبه پذیر مهربان است. (۵۵) و (نیز بخاطر آورید) هنگامی که گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه خدا را آشکارا (به چشم خود) ببینیم، پس صاعقه (جان) شما را گرفت، در حالی که تماشا می کردید. (۵۶) سپس شما را پس از مرگتان (حیات بخشیدیم و) برانگیختیم، شاید شکر او را بجا آورید. (۵۷) و ابر را بر شما سایبان ساختیم و «من» و «سَیلوی» بر شما نازل کردیم (و گفتیم: از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی دادیم بخورید، ولی شما با بهانه جویی های خود، کفران نعمت کردید. بدانید که) آنها به ما ستم نکردند، بلکه به خودشان ستم نمودند. (۵۸) و (به خاطر بیاورید) زمانی که گفتیم: وارد این قریه (بیت المقدّس) شوید و از (نعمت های فراوان) آن، هر چه می خواهید با گوارایی بخورید و از در (معبد بیت المقدّس) سجده کنان و خاشعانه وارد شوید و بگویید: «حَطّه» (گناهان ما را بریز)، تا ما خطاهای شما را ببخشیم و به نیکوکاران، پاداشی افزون خواهیم داد. (۵۹) اما ستمگران (آن سخن را) به سخن دیگری غیر از آنچه به ایشان گفته شده

بود، تبدیل کردند (و به جای حطّه، به عنوان مسخره گفتند: حنطه، یعنی گندم). پسما بر آن ستمکاران به سزای گناهی که مرتکب می شدند، عذابی از آسمان فرو فرستادیم. (۶۰) و (بخاطر بیاور) زمانی که موسی برای قوم خویش طلب آب کرد، به او گفتیم: عصای خود را به سنگ بزن، ناگاه دوازده چشمه ی آب از آن بشکافت و جوشید، (بطوری که) هر یک از افراد (طوائف دوازده گانه بنی اسرائیل) آبشخور خود را شناخت. (گفتیم:). از روزی الهی بخورید و بیاشامید و در زمین، تبه کارانه فساد نکنید! (۶۱) و (نیز بخاطر آورید) زمانی که گفتید: ای موسی، ما هرگز یک نوع غذا را تحمیل نمی کنیم، پس پروردگارت را بخوان تا از آنچه (به طور طبیعی از) زمین می رویاند، از سبزی و خیار و سیر و عدسو پیازش، برای ما (نیز) برویاند. موسی گفت: آیا (غذای) پست تر را بجای نعمت بهتر می خواهید؟ (اکنون که چنین است بکشید از این بیابان خارج شده و) وارد شهر شوید، که هر چه خواستید برای شما فراهم است. پس (مُهر) ذلّت و درماندگی، بر آنها زده شد و (مجدداً) گرفتار غضب پروردگار شدند. این بدان جهت بود که آنها به آیات الهی کفر می ورزیدند و پیامب ران رابه ناحق می کشتند، و این به سبب آن بود که آنان گنه کار و سرکش و متجاوز بودند. (۶۲) همانا کسانی که (به اسلام) ایمان آورده و کسانی که یهودی شدند و نصاری و صابئان، هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پس برای آنها در نزد پروردگارشان، پاداش و اجر است و بر آنها ترسی نیست و آنها محزون نمی شوند. (۶۳) و (یاد کن) زمانی

که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بر فراز شما بالا بردیم (و گفتیم: آنچه را (از آیات و دستورات خداوند) به شما داده ایم، با قدرت بگیرد و آنچه را در آن هست، به خاطر داشته باشید (و به آن عمل کنید) تا پرهیزگار شوید. (۶۴) سپس شما بعد از این جریان (که کوه طور را بالای سر خود دیدید، بازهم) روی گردان شدید و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود قطعاً از زیانکاران بودید. (۶۵) قطعاً شما از (سرنوشت) کسانی از خودتان که در روز شنبه، نافرمانی کردند (و به جای تعطیل کردن کار در این روز، دنبال کار رفتند) آگاهید، ما (به خاطر این نافرمانی) به آنان گفتیم: به شکل بوزینه های مطرود در آید. (۶۶) ما این عقوبت را عبرتی برای حاضران معاصر و نسل های بعدشان و پندی برای پرهیزکاران قرار دادیم. (۶۷) و (بخاطر بیاورید) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: خداوند به شما فرمان می دهد (برای یافتن قاتل) ماده گاوی را ذبح کنید، گفتند: آیا ما را به تمسخر می گیری؟ (موسی) گفت: به خدا پناه می برم از اینکه از جاهلان باشم. (۶۸) (بنی اسرائیل به موسی) گفتند: از پروردگارت برای ما بخواه تا بر ما روشن کند که آن چگونه (گاوی) است؟ (موسی) گفت: همانا خداوند می فرماید: ماده گاوی که نه پیر و از کار افتاده باشد و نه بکر و جوان، (بلکه) میان این دو (و میان سال) باشد. پس آنچه به شما دستور داده شده (هر چه زودتر) انجام دهید. (۶۹) (آنان به موسی) گفتند: از پروردگارت برای ما بخواه تا بر ما روشن سازد که رنگش چگونه باشد؟ (موسی) گفت: همانا خداوند می گوید: آن ماده گاوی باشد

زرد یک دست، که رنگ آن بینندگان را شاد و مسرور سازد! (۷۰) (بار دیگر به موسی) گفتند: از پروردگارت برای ما بخواه تا بر ما روشن کند چگونه گاوی باشد؟ زیرا این گاو بر ما مشتبه شده و اگر خداوند بخواهد (با توضیحات تو) حتماً هدایت خواهیم شد. (۷۱) (موسی) گفت: خداوند می فرماید: همانا آن گاوی است که نه چنان رام باشد که زمین را شخم زند و نه کشتزار را آبیاری کند. از هر عیبی برکنار است و هیچ لگه ای در (رنگ) آن نیست. گفتند: الآن حقّ (مطلب) را آوردی! پس (چنان گاوی را پیدا کرده و) آنرا سر بریدند، ولی نزدیک بود انجام ندهند. (۷۲) و (به یاد آورید) هنگامی که فردی را به قتل رساندید و سپس درباره ی (قاتل) او، به نزاع پرداختید، ولی خداوند آنچه را شما پنهان می داشتید، آشکار می سازد. (۷۳) پس گفتیم: قسمتی از گاو ذبح شده را به مقتول بزنید (تا زنده شود و قاتل را معرفی کند). خداوند اینگونه مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما نشان می دهد، شاید تعقل کنید. (۷۴) سپس دلهای شما بعد از این جریان سخت شد، همچون سنگ یا سخت تر! چرا که از پاره ای سنگ ها، نهرها شکافته (و جاری) می شود و پاره ای از آنها، شکاف برمی دارد و آب از آن تراوش می کند، و بعضی از سنگ ها از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می افتد. (اما دلهای شما هیچ متأثر نمی شود) و خداوند از اعمال شما غافل نیست. (۷۵) (پس ای مؤمنان!) آیا انتظار دارید (که یهودیان سرسخت،) به (دین) شما ایمان بیاورند؟ در حالی که عده ای از آنان، سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهمیدنش، آنرا تحریف می کردند

با آنکه (حق را) می دانستند. (۷۶) و (همین یهودیان) هنگامی که مؤمنان را ملاقات می کنند، می گویند: ایمان آوردیم، ولی هنگامی که بعضی از آنها با بعضی دیگر خلوت می کنند، می گویند: چرا آنچه را که خداوند (درباره ی صفات پیامبر اسلام) برای شما (در تورات) گشوده (و بیان کرده، به مسلمانان) بازگو می کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه پروردگارتان بر ضد شما به آن استدلال کنند؟ پس آیا تعقل نمی کنید؟ (۷۷) آیا نمی دانند که خداوند آنچه را پنهان و آنچه را آشکار می کند، می داند. (۷۸) و بعضی از آنان (یهودیان)، افراد درس ناخوانده ای هستند که کتاب خدا را جز خیالات و آرزوهای خود نمی دانند، آنها تنها پایبند گمان خویشند. (۷۹) پس وای بر کسانی که مطالبی را با دست خود می نویسند، سپس می گویند: این از طرف خداست، تا به آن بهای اندکی بستانند، پس وای بر آنها از آنچه دست هایشان نوشت و وای بر آنها از آنچه (از این راه) به دست می آورند! (۸۰) و (یهود) گفتند: جز چند روزی محدود، هرگز آتش دوزخ به ما نخواهد رسید، بگو: آیا پیمانی از نزد خدا گرفته اید که البته خداوند هرگز خلاف پیمان خود نمی کند، یا اینکه بر خداوند چیزی را نسبت می دهید که به آن علم ندارید؟ (۸۱) آری، هر کس بدی کسب کند و گنااهش او را فراگیرد (و آثار گناهان سراسر وجودشان را بپوشاند)، آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند بود. (۸۲) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، آنان اهل بهشتند و در آن جاودانه خواهند ماند. (۸۳) و (به یاد آرید) زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم، جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان، احسان کنید

و با مردم، به زبان خوش سخن بگویند و نماز را برپای دارند و زکات بدهند. اما شما (با اینکه پیمان بسته بودید)، جز عده‌ی کمی، سرپیچی کردید و روی گردان شدید. (۸۴) و (به یاد آرید) هنگامی که از شما پیمان گرفتیم، خونهای یکدیگر را نریزید و همدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید، پس شما (به این پیمان) اقرار کردید و خود بر آن گواه هستید. (۸۵) اما این شما هستید که یکدیگر را به قتل می‌رسانید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان (آواره و) بیرون می‌کنید و بر علیه آنان، به گناه و تجاوز همدیگر را پشتیبانی می‌کنید. ولی اگر همانان به صورت اسیران نزد شما آیند، باز خریدشان می‌کنید (تا آزادشان سازید) در حالی که (نه تنها کشتن، بلکه) بیرون راندن آنها (نیز) بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید و به برخی دیگر کافر می‌شوید؟ پس جزای هر کس از شما که این عمل را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود و روز قیامت به سخت‌ترین عذاب باز برده شوند و خداوند از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست. (۸۶) آنها کسانی هستند که زندگی دنیا را به بهای (از دست دادن) آخرت خریده‌اند، پس در مجازات آنان تخفیفی داده نمی‌شود و آنها یاری نخواهند شد. (۸۷) و همانا ما به موسی کتاب (تورات) دادیم و از پس او پیامبرانی پشت سر یکدیگر فرستادیم و به عیسی بن مریم (معجزات و) دلایل روشن بخشیدیم و او را با روح القدس، تأیید و یاری نمودیم. پس چرا هرگاه پیامبری چیزی (از احکام و دستورات) بر خلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او

تکبر ورزیدید. (و به جای ایمان آوردن به او) جمعی را تکذیب و جمعی را به قتل رساندید؟! (۸۸) و آنها (به پیامبران) گفتند: دل‌های ما در غلاف است (و ما از گفته‌های شما چیزی نمی‌فهمیم). چنین نیست، بلکه خداوند به سبب کفرشان از رحمت خود دور ساخته (و به همین دلیل چیزی درک نمی‌کنند)، پس اندکی ایمان می‌آورند. (۸۹) و چون از طرف خداوند، آنان را کتابی (قرآن) آمد که مؤید آن نشانه‌هایی است که نزد آنهاست و پیش از این به خود نوید می‌دادند (که با کمک کتاب و پیامبر جدید) بر دشمنان پیروز گردند، اما چون آنچه (از کتاب و پیامبر که از قبل) شناخته بودند، نزد آنان آمد به او کافر شدند، پس لعنت خدا بر کافران باد. (۹۰) چه بد است آنچه که خویشان را به آن فروختند، که از روی حسد، به آیاتی که خدا فرستاده بود کافر شدند (و گفتند: که چرا خداوند از فضل خویش بر هر کس از بندگانش که بخواهد، آیاتش را) نازل می‌کند. پس به قهر پی در پی الهی گرفتار شدند و برای کافران، مجازاتی خوارکننده است. (۹۱) و هنگامی که به آنها گفته شود به آنچه خداوند نازل کرده ایمان آورید، گویند: ما تنها به چیزی ایمان می‌آوریم که بر (پیامبر) خودمان نازل شده باشد و به غیر آن کافر می‌شوند، در حالی که آن (قرآن) حق است و آنچه را (از تورات) با ایشان است، تصدیق می‌کند. بگو: اگر (به آیاتی که بر خودتان نازل شده) مؤمن بودید پس چرا پیامبران خدا را پیش از این به قتل می‌رساندید؟! (۹۲) و همانا موسی (آن همه) معجزات برای شما آورد، ولی شما پس از

(غیاب) او گوساله را (به خدایی) گرفتید، در حالی که ستمکار بودید. (۹۳) و (یاد کنید) آنگاه که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بر فراز شما بالا بردیم (و گفتیم: دستوراتی که به شما داده ایم، محکم بگیرید و گوش دهید (و عمل کنید. اما آنان) گفتند: شنیدیم و نافرمانی کردیم، و به سبب کفرشان به (پرستش) گوساله دل باختند. بگو اگر ادعای ایمان دارید، (بدانید که) ایمانتان شما را به بد چیزی فرمان می دهد. (۹۴) بگو: اگر سرای آخرت در نزد خداوند مخصوص شماست، نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید، اگر راست می گوید. (۹۵) ولی آنها هرگز به سبب آنچه از پیش فرستاده اند، آرزوی مرگ نکنند و خداوند به حال ستمگران، آگاه است. (۹۶) (ای پیامبر) هر آینه یهود را حریص ترین مردم، حتی (حریص تر) از مشرکان، بر زندگی (این دنیا و اندوختن ثروت) خواهی یافت، (تا آنجا که) هر یک از آنها دوست دارد هزار سال عمر کند، درحالی که (اگر) این عمر طولانی به آنان داده شود، آنان را از عذاب خداوند باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال آنها بیناست. (۹۷) (یهود می گویند: چون فرشته ای که وحی بر تو نازل می کند جبرئیل است و ما با جبرئیل دشمن هستیم، به تو ایمان نمی آوریم) بگو: هر که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست). چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است، (قرآنی) که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می کند و مایه ی هدایت و بشارت برای مؤمنان است. (۹۸) هر که دشمن خدا و فرشتگان و پیامبران او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است و بداند که) خداوند دشمن کافران است. (۹۹) همانا آیات (و نشانه های) روشنی به سوی

تو فرستادیم و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی ورزد. (۱۰۰) و آیا چنین نبود که هر بار آنها (یهود) پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند، جمعی از آنان آن را دور افکندند، حقیقت این است که بیشتر آنها ایمان ندارند. (۱۰۱) و هنگامی که فرستاده ای (چون پیامبر اسلام) از سوی خدا به سراغشان آمد، که آنچه را با ایشان است (یعنی تورات) تصدیق می کند، گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند، گویی اصلاً از آن خبر ندارند. (۱۰۲) و (یهود) آنچه (از افسون و سحر که) شیاطین (از جن و انس) در عصر سلیمان می خواندند، پیروی می کردند و سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود و) کافر نشد و لکن شیاطین، کفر ورزیدند که به مردم سحر و جادو می آموختند و (نیز) از آنچه بر دو فرشته، هاروت و ماروت، در شهر بابل نازل شده بود (پیروی نمودند. آنها سحر را برای آشنایی به طرز ابطال آن به مردم می آموختند.) و به هیچ کس چیزی نمی آموختند، مگر اینکه قبلاً به او می گفتند ما وسیله آزمایش شما هستیم، (بابکار بستن سحر) کافر نشوید (و از این تعلیمات سوء استفاده نکنید)، ولی آنها از آن دو فرشته مطالبی را می آموختند که بتوانند به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند (نه اینکه از آن برای ابطال سحر استفاده کنند). ولی هیچگاه بدون خواست خدا، نمی توانند به کسی ضرر برسانند. آنها قسمت هایی را فرامی گرفتند که برای آنان زیان داشت و نفعی نداشت، و مسلماً می دانستند هر کس خریدار اینگونه متاع باشد، بهره ای در آخرت نخواهد داشت و به راستی خود را به بد چیزی فروختند، اگر می فهمیدند. (۱۰۳) و اگر آنها ایمان آورده و پرهیزکار

شده بودند، قطعاً پاداشی که نزد خداست برای آنان بهتر بود، اگر آگاهی داشتند. (۱۰۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! (به پیامبر) نگوئید: «راعنا» مراعاتمان کن، بلکه بگوئید: «أنظرنا» ما را در نظر بگیر، و (این توصیه را) بشنوید و برای کافران عذاب دردناکی است. (۱۰۵) کافران از اهل کتاب و مشرکان، دوست ندارند که هیچ خیر و نیکی از طرف پروردگارتان بر شما نازل شود. در حالی که خداوند، رحمت خود را به هر که بخواهد اختصاص می دهد، و خداوند صاحب فضل بزرگ است. (۱۰۶) هر (حکم و) آیه ای را نسخ کنیم و یا (نزول) آنرا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آنرا می آوریم، آیا نمی دانی که خدا بر هر چیزی قادر است؟ (۱۰۷) آیا ندانستی که حکومت آسمان ها و زمین از آن خداست؟ (و او حق دارد هرگونه تغییر و تبدیلی را به مقتضای حکمت و حاکمیت خود، در قوانین و احکام بوجود آورد.) و جز خدا برای شما هیچ یاور و سرپرستی نیست. (۱۰۸) آیا بنا دارید از پیامبرتان سؤالات و درخواست هایی (ناجایا) بکنید، آنگونه که پیش از این، موسی (از طرف بنی اسرائیل) مورد سؤال قرار گرفت، و هر کس (با این بهانه جویی ها از ایمان سرباز زند و) کفر را با ایمان مبادله کند، پس قطعاً از راه مستقیم گمراه شده است. (۱۰۹) بسیاری از اهل کتاب (نه تنها خودشان ایمان نمی آورند، بلکه) از روی حسدی که در درونشان هست، دوست دارند شما را بعد از ایمانتان به کفر بازگردانند، با اینکه حق (بودن اسلام و قرآن)، برای آنان روشن شده است، ولی شما (در برابر حسادتی که می ورزند، آنها را) عفو کنید و درگذرید تا خداوند فرمان خویش بفرستد، همانا خداوند

بر هر کاری تواناست. (۱۱۰) و نماز را برپا دارید و زکات را پرداخت نمایید و هر خیری که برای خود از پیش می فرستید، آنرا نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت، همانا خداوند به اعمال شما بیناست. (۱۱۱) و گفتند: هرگز به بهشت داخل نشود مگر آنکه یهودی یا نصرانی باشد. اینها آرزوهای آنهاست، بگو: اگر راستگوید، دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید. (۱۱۲) آری، کسی که با اخلاص به خدا روی آورد و نیکوکار باشد، پس پاداش او نزد پروردگار اوست، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین خواهند شد. (۱۱۳) و یهودیان گفتند: مسیحیان بر حق نیستند، و مسیحیان گفتند: یهودیان بر حق نیستند، در حالی که (هر دو گروه) آنان، کتاب آسمانی را می خوانند! همچنین افراد نادان دیگر (همچون مشرکان کهخیر از کتاب ندارند)، همانند سخن آنها را گفتند. پس خداوند در روز قیامت در آنچه اختلاف دارند، در بین آنان داوری خواهد نمود. (۱۱۴) کیست ستمکارتر از آنکه نگذاشت نام خدا در مساجد الهی برده شود و سعی در خرابی آنها داشت؟ آنان جز با ترس و خوف، حق ورود به مساجد را ندارند. بهره ی آنان در دنیا، رسوایی و خواری و در آخرت عذاب بزرگ است. (۱۱۵) مشرق و مغرب از آن خداست، پس به هر سو رو کنید، آنجا روی خداست، همانا خداوند (به همه جا) محیط و (به هر چیز) داناست. (۱۱۶) و (برخی از اهل کتاب و مشرکان) گفتند: خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده است. منزّه است او، بلکه آنچه در آسمان ها و زمین است از آن اوست و همه در برابر او فرمان برند. (۱۱۷) پدید آورنده آسمان ها و زمین اوست و هنگامی که فرمان (وجود) چیزی را صادر کند، فقط می گوید: باش!

پس (فوراً) موجود می شود. (۱۱۸) کسانی که نمی دانند، گفتند: چرا خدا با خود ما سخن نمی گوید؟ یا آیه و نشانه ای بر خود ما نمی آید؟ همچنین گروهی که قبل از آنان بودند مثل گفته آنان را گفتند، دلها (و افکار) شان مشابه است، ولی ما (به اندازه ی کافی) آیات و نشانه ها را برای اهل یقین (و حقیقت جوینان) روشن ساخته ایم. (۱۱۹) (ای رسول!) ما ترا به حق فرستادیم تا بشارت گر و بیم دهنده باشی و تو مسئول (گمراه شدن) دوزخیان (و جهنم رفتن آنان) نیستی. (۱۲۰) (ای پیامبر!) هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا (آنکه تسلیم خواسته آنان شوی و) از آئین آنان پیروی کنی. بگو: هدایت تنها هدایت الهی است، و اگر از هوی و هوسهای آنها پیروی کنی، بعد از آنکه علم (وحی الهی) نزد تو آمد، هیچ سرور و یآوری از ناحیه خداوند برای تو نخواهد بود. (۱۲۱) کسانی که به آنها کتاب آسمانی داده ایم و آنرا چنان که سزاوار تلاوت است تلاوت می کنند، آنان به آن (قرآن یا پیامبر) ایمان می آورند و کسانی که به آن کافر شوند، آنان همان زیانکارانند. (۱۲۲) ای بنی اسرائیل! نعمت مرا که به شما ارزانی داشتم و شما را بر جهانیان برتری بخشیدم یاد کنید. (۱۲۳) و بترسید از روزی که هیچکس چیزی (از عذاب خدا) را از دیگری دفع نمی کند و هیچگونه عوضی از او قبول نمی گردد و هیچ شفاعتی، او را سود ندهد و (از جانب هیچ کسی) یاری نمی شود. (۱۲۴) و (به خاطر بیاور) هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با حوادث گوناگونی آزمایش کرد و او به خوبی از عهده آزمایش برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم.

ابراهیم

گفت: از فرزندان من نیز (امامانی قرار بده)، خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند شایسته این مقامند). (۱۲۵) و (به یاد آور) هنگامی که خانه (ی کعبه) را محل رجوع و اجتماع و مرکز امن برای مردم قرار دادیم (و گفتیم: از مقام ابراهیم، جایگاهی برای نماز انتخاب کنید و به ابراهیم و اسماعیل تکلیف کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و راکعان و ساجدان، پاک و پاکیزه کنید. (۱۲۶) و (به یاد آور) هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا! این (سرزمین) را شهری امن قرارده و اهل آن را، آنان که به خدا و روز آخرت ایمان آورده اند، از ثمرات (گوناگون) روزی ده. (اما خداوند) فرمود: به آنهایی که کافر شوند (نیز) بهره ی اندکی خواهم داد. سپس آنها را به قهر به سوی عذاب آتش می کشانم و چه بد، سرانجامی است. (۱۲۷) و (به یاد آور) هنگامی که ابراهیم، پایه های خانه (کعبه) را با اسماعیل بالا می برد (و می گفتند: پروردگارا از ما بپذیر، همانا تو شنوا و دانایی. (۱۲۸) (ابراهیم و اسماعیل همچنین گفتند: پروردگارا! ما را تسلیم (فرمان) خود قرارده و از نسل ما (نیز) امتی که تسلیم تو باشند قرارده و راه و روش پرستش را به ما نشان ده و توبه ی ما را بپذیر، که همانا تو، توبه پذیر مهربانی. (۱۲۹) پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان مبعوث کن تا آیات تو را بر آنها بخواند و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد و (از مفسد فکری، اخلاقی و عملی) پاکیزه شان نماید، همانا که تو خود توانا و حکیمی. (۱۳۰) کیست که از آئین ابراهیم روی بگرداند، مگر کسی که

خود را (فرب داده و) بی خردی کند؟ و همانا ما او را در این جهان برگزیدیم و قطعاً او در جهان دیگر (نیز) از صالحان است. (۱۳۱) (بخاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگار ابراهیم به او گفت: تسلیم شو. گفت: در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم. (۱۳۲) و ابراهیم و یعقوب، فرزندان خود را به همان آئین سفارش نمودند (و گفتند): فرزندان من! خداوند برای شما این دین (توحیدی) را برگزیده است. پس (تا پایان عمر بر آن باشید و) جز در حال تسلیم (و فرمانبرداری) نمیرید. (۱۳۳) آیا شما (یهودیان) هنگامی که مرگ یعقوب فرارسید، حاضر بودید؟! آن هنگام که به فرزندان خود گفت: پس از من چه می‌پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا، و ما در برابر او تسلیم هستیم. (۱۳۴) آنها امتی بودند که درگذشتند، دست آورد آنها مربوط به خودشان و دست آورد شما نیز مربوط به خودتان است و شما از آنچه آنان انجام داده‌اند، بازخواست نخواهید شد. (۱۳۵) (اهل کتاب) گفتند: یهودی یا مسیحی شوید تا هدایت یابید، بگو: (چنین نیست)، بلکه (پیروی از) آئین حق‌گرای ابراهیم (مایه هدایت است، زیرا) او از مشرکان نبود. (۱۳۶) (ای مسلمانان!) بگویید: ما به خدا ایمان آورده ایم و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (که پیامبرانی از نوادگان یعقوبند) و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر از طرف پروردگارشان نازل شده است، (ایمان آورده ایم. و) ما بین هیچیک از آنها جدایی قائل نیستیم (و میان آنان فرق نمی‌گذاریم و) در برابر خداوند تسلیم هستیم. (۱۳۷) اگر آنها (نیز) به مانند آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید،

ایمان بیاورند، همانا هدایت یافته اند، و اگر سرپیچی نمایند، پس جز این نیست که آنها (با حق) در ستیزند و خداوند شرّ آنان را از تو دفع می کند و او شنونده ی داناست. (۱۳۸) (این است) رنگ آمیزی الهی و کیست بهتر از خدا در نگارگری؟ و ما تنها او را عبادت می کنیم. (۱۳۹) (ای پیامبر! به اهل کتاب) بگو: آیا درباره ی خداوند با ما مجادله می کنید، در حالی که او پروردگار ما و شماست و اعمال ما برای ما و اعمال شما از آن شماست و ما برای او خالصانه عبادت می کنیم. (۱۴۰) یا می گوید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند؟ بگو: شما بهتر می دانید یا خدا؟ (چرا حقیقت را کتمان می کنید؟) و چه کسی ستمکارتر است از آن کس که گواهی و شهادت الهی را (درباره ی پیامبران) که نزد اوست، کتمان کند و خدا از اعمال شما غافل نیست. (۱۴۱) (به هر حال) آن امت بگذشت، آنچه آنان بدست آوردند برای خودشان است و آنچه شما بدست آوردید برای خودتان است و شما از آنچه آنان کرده اند، سؤال نخواهید شد. (۱۴۲) بزودی بی خردان از مردم، خواهند گفت: چه چیزی آنها (مسلمانان) را از (بیت المقدّس)، قبله ای که بر آن بودند برگردانید؟ بگو: مشرق و مغرب از آن خداست، هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند. (۱۴۳) و بدین سان ما شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر (نیز) بر شما گواه باشد. و ما آن قبله ای را که قبلاً بر آن بودی برنگردانیدیم، مگر برای آنکه افرادی را که از پیامبر پیروی می کنند از آنها که به جاهلیت بازمی گردند، بازشناسیم. و همانا این (تغییر

قبله،) جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده دشوار بود. و خدا هرگز ایمان شما را (که سابقاً به سوی بیت المقدس نماز خوانده اید،) ضایع نمی گرداند. زیرا خداوند نسبت به مردم، رحیم و مهربان است.(۱۴۴)(ای پیامبر!) همانا می بینیم که تو (در انتظار نزول وحی، چگونه) روی به آسمان می کنی، اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی، برمی گردانیم. پس روی خود را به جانب مسجدالحرام کن. و (شما ای مسلمانان) هر جا بودید، روی خود را به جانب آن بگردانید و همانا کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده، (به خوبی) می دانند که این فرمان به حق است که از ناحیه ی پروردگار صادر شده و خداوند از اعمال آنها غافل نیست.(۱۴۵) و (ای پیامبر!) اگر هرگونه آیه، (نشانه و دلیلی) برای (این گروه از) اهل کتاب بیآوری، از قبله ی تو پیروی نخواهند کرد، و تو نیز پیرو قبله آنان نیستی، (همانگونه که) بعضی از آنها نیز پیرو قبله دیگری نیست. و همانا اگر از هوسهای آنان پیروی کنی، پس از آنکه علم (وحی) به تو رسیده است، بی شک در این صورت از ستمگران خواهی بود.(۱۴۶)(یهود، نصاری و) کسانی که به آنان کتاب (آسمانی) داده ایم او (پیامبر اسلام) را همچون پسران خود می شناسند، و همانا گروهی از آنان با آنکه حق را می دانند، کتمان می کنند.(۱۴۷) حق، (آن چیزی است که) از سوی پروردگار توست، پس هرگز از تردیدکنندگان مباش.(۱۴۸) و برای هر کس قبله ای است که به آن سوی رو می کند. (بنابراین درباره ی جهت قبله گفتگو نکنید و به جای آن) در نیکی ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جوید. (و بدانید) هر جا

که باشید، خداوند همه شما را (در محشر) حاضر می کند، همانا خداوند بر هر کاری تواناست. (۱۴۹) و (ای پیامبر!) از هر جا (که به قصد سفر) خارج شدی، (به هنگام نماز) روی خود را به جانب مسجدالحرام بگردان، این دستور حقی است از طرف پروردگارت، و خداوند از آنچه انجام می دهی غافل نیست. (۱۵۰) و (ای پیامبر!) از هر جا خارج شدی پس (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مسجدالحرام بگردان، و (شما ای مسلمانان نیز) هر جا بودید (در سفر و در حضر) روی خود را به سوی آن بگردانید تا برای (هیچ کس از) مردم جز ستمگرانشان، امکان احتجاج (و مجادله) علیه شما نباشد. پساز آنها نترسید و تنها از من بترسید. و (بدانید تغییر قبله برای آن بود) تا نعمت خود را بر شما تمام کنم و شاید که شما هدایت شوید. (۱۵۱) همانگونه (که برای هدایت شما) رسولی در میان شما از نوع خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه نمی توانستید بدانید، به شما یاد دهد. (۱۵۲) پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و برای من شکر کنید و کفران نورزید. (۱۵۳) ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر حوادث سخت زندگی)، از صبر و نماز کمک بگیرید، همانا خداوند با صابران است. (۱۵۴) و به آنها که در راه خدا کشته می شوند مرده نگوئید، بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید. (۱۵۵) و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می کنیم و صابران (در این حوادث و بلاها را) بشارت بده. (۱۵۶) (صابران) کسانی هستند که هرگاه مصیبتی به آنها رسد، می گویند:

ما از آن خدا هستیم و به سوی او بازمی گردیم. (۱۵۷) آنانند که بر ایشان از طرف پروردگارشان، درودها و رحمت هایی است و همانها هدایت یافتگانند. (۱۵۸) همانا صفا و مروه، از شعائر خداست. پس هر که حج خانه ی خدا و یا عمره به جای آورد، مانعی ندارد که بین صفا و مروه طواف کند. و (علاوه بر واجبات،) هر کس داوطلبانه کار خیری انجام دهد، همانا خداوند سپاسگزار داناست. (۱۵۹) کسانی که آنچه را از دلائل روشن و اسباب هدایت را نازل کرده ایم، با آنکه برای مردم در کتاب بیان ساخته ایم، کتمان می کنند، خداوند آنها را لعنت می کند و همه لعنت کنندگان نیز آنان را لعن می نمایند. (۱۶۰) مگر آنها که توبه کردند و (اعمال بد خود را با اعمال نیک) اصلاح نمودند و (آنچه را کتمان کرده بودند) آشکار ساختند، که من (لطف خود را) بر آنان بازمی گردانم، زیرا من توبه پذیر مهربانم. (۱۶۱) همانا کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و مردم، همگی بر آنها خواهد بود. (۱۶۲) (آنان برای) همیشه در آن (لعنت و دوری از رحمت پروردگار) باقی می مانند، نه از عذابِ آنان کاسته می شود و نه مهلت داده می شوند. (۱۶۳) و معبود شما خدایی یگانه است، جز او معبودی نیست، بخشنده ی مهربان است. (۱۶۴) همانا در آفرینش آسمان ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی هایی که برای سودرسانی به مردم در دریا در حرکتند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین مرده را زنده نموده و انواع جنبندهگان را در آن گسترده و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان آسمان و زمین معلقند، برای مردمی که

می اندیشند، نشانه هایی گویاست. (۱۶۵) و بعضی از مردم کسانی هستند که معبودهایی غیر از خداوند برای خود برمی گزینند و آنها را همچون دوست داشتن خدا، دوست می دارند. امّا آنان که ایمان دارند، عشقشان به خدا (از عشق مشرکان به معبودهاشان) شدیدتر است و آنها که (با پرستش بت به خود) ستم کردند، هنگامی که عذاب خدا را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام نیروها، تنها به دست خداست و او دارای عذاب شدید است. (۱۶۶) در آن هنگام که عذاب را مشاهده کنند و پیوند میانشان بریده (و دستشان از همه چیز قطع) گردد، پیشوایان (کفر)، از پیروان خود بیزاری جویند. (۱۶۷) و (در آن موقع) پیروان گویند: ای کاش بار دیگری برای ما بود (که به دنیا برمی گشتیم) تا از این پیشوایان بیزاری جوئیم، همانگونه که آنها (امروز) از ما بیزاری جستند. بدینسان خداوند اعمال آنها را که مایه حسرت آنهاست، به آنها نشان می دهد و هرگز از آتش دوزخ، بیرون آمدنی نیستند. (۱۶۸) ای مردم! از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است بخورید و از گامهای (وسوسه انگیز) شیطان، پیروی نکنید. براستی که او دشمن آشکار شماست. (۱۶۹) همانا (شیطان)، شما را فقط بهبیدی و زشتی فرمان می دهد و اینکه بر خداوند چیزهایی بگویید که به آن آگاه نیستید. (۱۷۰) و هنگامی که به آنها (مشرکان) گفته شود: آنچه را خدا نازل کرده است پیروی کنید، گویند: بلکه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می نماییم. آیا (از آنان پیروی می کنند) هرچند پدرانشان چیزی نمی فهمیدند و هدایت نیافته بودند؟ (۱۷۱) و مثل کافران، چنان است که کسی به حیوانی که جز صدایی (از نزدیک) و یا ندایی (از دور) نمی شنود بانگ زند، اینان کران،

لالاین و کورانند و از اینروست که نمی اندیشند. (۱۷۲) ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید و شکر خدا را به جای آورید. اگر فقط او را پرستش می کنید. (۱۷۳) همانا خداوند مردار و خون و گوشت خوگ و آنچه را که (هنگام ذبح) نام غیر خدا بر آن برده شده، حرام کرده است، (ولی) آن کس که ناچار شد (به خوردن اینها) در صورتی که زیاده طلبی نکند و از حدّ احتیاج نگذراند، گناهی بر او نیست، همانا خداوند بخشنده و مهربان است. (۱۷۴) کسانی که آنچه را خداوند از کتاب نازل کرده، کتمان می کنند و بدان بهایی اندک می ستانند، آنها جز آتش در شکم های خود فرو نمی برند، و خداوند روز قیامت با آنها سخن نمی گوید و پاکشان نمی کند و برای آنها عذاب دردناکی است. (۱۷۵) آنها (کتمان کنندگان حق) کسانی هستند که گمراهی را به بهای از دست دادن هدایت و عذاب را به جای آموزش خریدند. پس به راستی چقدر در برابر عذاب خداوند تحمّل دارند؟ (۱۷۶) آن (عذاب) به جهت آن است که خداوند کتاب (آسمانی) را به حق نازل کرده است و البته کسانی که در کتاب (خدا با کتمان و تحریف) اختلاف (ایجاد) کردند، همواره در ستیزه ای عمیق هستند. (۱۷۷) نیکی (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق یا مغرب بگردانید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده و مال (خود) را با علاقه ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و در راه ماندگان و سائلان و در (راه آزادی) بردگان بدهد، و نماز را برپای

دارد و زکات را پردازد، و آنان که چون پیمان بندند، به عهد خود وفا کنند و آنان که در (برابر) سختی ها، محرومیت ها، بیماری ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می دهند، اینها کسانی هستند که راست گفتند (و گفتار و رفتار و اعتقادشان هماهنگ است) و اینان همان پرهیزکارانند. (۱۷۸) ای کسانی که ایمان آورده اید! (قانون) قصاص در مورد کشتگان، بر شما (چنین) مقرر گردیده است: آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن، پس اگر کسی از ناحیه برادر (دینی) خود (یعنی صاحب خون و ولی مقتول) مورد عفو قرار گیرد. (یا قصاص او به خون بها تبدیل شود) باید شیوه ای پسندیده پیش گیرد و به نیکی (دیه را به ولی مقتول) پردازد، این حکم تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگارتان، پس برای کسی که بعد از این (از حکم خدا) تجاوز کند، عذاب درناکی دارد. (۱۷۹) ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص، حیات (و زندگی نهفته) است. باشد که شما تقوی پیشه کنید. (۱۸۰) بر شما مقرر شده که چون یکی از شما را (نشانه های) مرگ فرا رسد، اگر مالی از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کند، این کار حق و شایسته پرهیزکاران است. (۱۸۱) پس هر کس که آن (وصیت را) بعد از شنیدن، تغییر دهد، گناهِش تنها بر کسانی است که آن را تغییر می دهند، همانا خداوند شنوا و داناست. (۱۸۲) پس کسی که از انحراف وصیت کننده (و تمایل بی جای او به بعضی ورثه) یا از گناه او (به اینکه به کار خلافی وصیت کند)، بترسد و میان آنها را اصلاح دهد، گناهی بر

او نیست (و مشمول قانون مجازات تبدیل وصیت نمی شود)، همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۸۳) ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما مقرر گردید، همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شده بود، باشد که پرهیزگار شوید. (۱۸۴) چند روزی معدود (روزه بر شما مقرر شده است)، ولی هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد، پس (به همان) تعداد از روزهای دیگر (را روزه بگیرد) و بر کسانی که طاقت روزه ندارند (همچون بیماران مزمن و پیرمردان و پیرزنان)، لازم است کفاره ای بدهند، مسکینی را اطعام کنند. و هر کس به میل خود بیشتر نیکی کند (و بیش از مقدار واجب، طعام بدهد)، برای او بهتر است، ولی اگر (آثار روزه را) بدانید، (می فهمید که) روزه گرفتن، برایتان بهتر است. (و هرگز به روزه خواری معذوران، غبطه نمی خوردید.) (۱۸۵) (روزه در) ماه رمضان، ماهی است که قرآن در آن نازل شده است. (و قرآن کتابی است که) هدایتگر مردم همراه با دلائل روشن هدایت و وسیله تشخیص حق از باطل است، پس هر کس از شما که این ماهرا دریابد، باید روزه بگیرد. و آنکس که بیمار یا در سفر باشد، روزهای دیگری روزه بگیرد. خداوند برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد (این قضای روزه) برای آن است که شماره مقرر روزها را تکمیل کنید و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، به بزرگی یاد کنید، باشد که شکر گزار گردید. (۱۸۶) و هرگاه بند گانم از تو درباره من پرسند (بگو): همانا من نزدیکم؛ دعای نیایشگر را آنگاه که مرا می خواند پاسخ می گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من

ایمان آورند، باشد که به رشد رسند. (۱۸۷) در شب های روزه (ماه رمضان)، آمیزش با همسرانتان برای شما حلال شد، آنها برای شما (همچون) لباسند و شما برای آنها (همچون) لباس. خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید (و آمیزش را که ممنوع بود، بعضاً انجام می دادید) پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. اکنون (می توانید) با آنها هم بستر شوید و آنچه را خداوند بر شما مقرر فرموده، طلب کنید. و بخورید و بیاشامید تا رشته سفید از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد. سپس روزه را تاشب به اتمام رسانید. و در حالی که معتکف در مساجد هستید، با زنان آمیزش نکنید. این حدود و احکام الهی است پس (به قصد تجاوز و گناه) به آن نزدیک نشوید. خداوند این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می سازد، باشد که پرهیزگار گردند. (۱۸۸) و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خودتان نخورید و اموال را به (عنوان رشوه، به کیسه) حاکمان و قاضی ها سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که خود می دانید (که خلاف می کنید). (۱۸۹) درباره (حکمت) هلال های ماه از تو سؤال می کنند، بگو: برای آن است که مردم اوقات (کارهای خویش) و زمان حج را بشناسند. (ای پیامبر به آنان بگو: نیکی آن نیست که (در حال احرام حج)، از پشت خانه ها وارد شوید، بلکه نیکی آن است که تقوی پیشه کنید و از درها وارد خانه ها شوید، از خدای بترسید، باشد که رستگار شوید. (۱۹۰) و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، بجنگید ولی از حد تجاوز نکنید، که خداوند تجاوزکاران را

دوست نمی دارد. (۱۹۱) و آنها را (بت پرستانی که از هیچ جنایتی ابا ندارند)، هرکجا یافتید بکشید و از (مکه) همان جایی که شما را بیرون کردند، آنها را بیرون کنید و فتنه (شرک و شکنجه) از قتل بدتر است. و نزد مسجد الحرام با آنها جنگ نکنید، مگر آنکه آنها در آنجا با شما بجنگند، پس اگر با شما جنگ کردند، آنها را (در آنجا) به قتل برسانید. چنین است جزای کافران. (۱۹۲) و اگر دست کشیدند، همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۹۳) و با آنها بجنگید تا فتنه (بت پرستی و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند و دین، تنها از آن خدا شود. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید. زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست. (۱۹۴) ماه حرام در برابر ماه حرام و (اگر دشمنان احترام آنرا شکستند و با شما جنگ کردند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید. زیرا) حرمت ها را (نیز) قصاص است و هر کس به شما تجاوز کرد، به مانند آن تجاوز، بر او تعدی کنید و از خدا پرهیزید (که زیاده روی نکنید) و بدانید که خداوند با پرهیزگاران است. (۱۹۵) و در راه خدا انفاق کنید (و با ترک انفاق)، خود را به دست خود به هلاکت نیاندازید. و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد. (۱۹۶) و حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید و اگر محصور شدید (و موانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری اجازه نداد که پس از احرام بستن، حج را کامل کنید) آنچه از قربانی فراهم است (ذبح کنید و از احرام خارج شوید). و سرهای خود را نترشید تا قربانی به قربانگاه برسد و اگر

کسی بیمار بود و یا ناراحتی در سر داشت (و ناچار بود سر خود را زودتر بتراشد)، باید کفّاره ای از قبیل روزه یا صدقه یا قربانی بجا آورد و چون (از بیماری و یا دشمن) درامان شدید، پس هر کس بدنبال عمره تمتّع، حج را آغاز کرده آنچه را از قربانی که میسر است (ذبح کند). و هر کس که قربانی نیافت، سه روز در ایام حج روزه بدارد و هفت روز به هنگامی که بازگشتید، این ده روز کامل است. (البته) این (حج تمتّع) برای کسی است که خاندانش ساکن (مکه و) مسجدالحرام نباشند. و از خدا پروا کنید و بدانید که او سخت کیفر است. (۱۹۷) (موسم عمره و) حج (در) ماه های معینی است (شوّال، ذی القعدة، ذی الحجه)، پس هر که در این ماه ها فریضه ی حج را ادا کند، (بداند که) آمیزش جنسی و گناه و جدال در حج روا نیست و آنچه از کارهای خیر انجام دهید خدا می داند. و زاد و توشه تهیه کنید که البته بهترین زاد و توشه، پرهیزگاری است. ای خردمندان! تنها از من پروا کنید. (۱۹۸) گناهی بر شما نیست که (به هنگام حج) به سراغ فضل پروردگارتان (و کسب و تجارت) بروید. پس چون از عرفات کوچ کردید، خدا را در مشعرالحرام یاد کنید، و او را یاد کنید از آن روی که شما را با آنکه پیش از آن از گمراهان بودید، هدایت کرد. (۱۹۹) سپس از همانجا که مردم کوچمی کنند، کوچ کنید و از خداوند طلب آمرزش نمایید که خداوند آمرزنده ی مهربان است. (۲۰۰) پس چون مناسک (حج) خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانگونه که پدران خویش را یاد می کنید، بلکه

بیشتر و بهتر از آن. پس بعضی از مردم کسانی هستند که می گویند: خداوندا! به ما در دنیا عطا کن. آنان در آخرت بهره ای ندارند. (۲۰۱) (اما) بعضی از مردم می گویند: پروردگارا! در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگهدار. (۲۰۲) آنها از کسب (و دعای) خود بهره و نصیبی دارند و خداوند به سرعت به حساب هر کس می رسد. (۲۰۳) و خدا را در روزهای معینی یاد کنید، (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ماه ذی الحجّه که به ایام تشریق معروف است). پس هر کس تعجیل کند (و اعمال مینی را) در دو روز (انجام دهد)، گناهی بر او نیست و هر پرهیزکاری که تأخیر کند (و اعمال را در سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست. و از خدا پروا کنید و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد. (۲۰۴) و از مردم کسی است که گفتارش درباره زندگی دنیا، مایه ی اعجاب تو می شود و خداوند را بر آنچه در دل (پنهان) دارد گواه می گیرد (در حالی که) او سرسخت ترین دشمنان است. (۲۰۵) و هر گاه به قدرت و حکومت رسد برای فساد در زمین و نابودی زراعت ها و نسل کوشش می کند و خداوند فساد را دوست ندارد. (۲۰۶) و هنگامی که به او گفته شود از خدای پروا کن، عزت و غروری که در سایه ی گناه بدست آورده او را بگیرد. پس آتش دوزخ برای او کافی است و چه بد جایگاهی است. (۲۰۷) و از مردم کسی است که برای کسب خشنودی خدا، جان خود را می فروشد و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. (۲۰۸) ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در صلح و آشتی در آئید (و

تسلیم مطلق خداوند شوید) و گامهای شیطان را پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست. (۲۰۹) و اگر بعد از آنکه نشانه های روشن برای شما آمد، دچار لغزش (و گمراهی) شدید، بدانید که خداوند عزیز و حکیم است. (طبق حکمت خود عمل می کند و هیچ قدرتی مانع اراده ی او نیست.) (۲۱۰) آیا جز این انتظار دارند که خداوند و فرشتگان در سایه های ابر به سوی آنها بیایند تا کار آنان یکسره شود؟ (در حالی که بعد از نزول آیات روشن، نیازی به چیز دیگری نیست.) و به سوی خدا تمام امور برمی گردد. (۲۱۱) از بنی اسرائیل بپرس: چه بسیار از دلایل روشن به آنها دادیم؟ و هر کس نعمت (هدایت) خدا را پس از آنکه به سراغ او آمد، (کفران و) تبدیل کند (بداند که) همانا خداوند سخت کیفر است. (۲۱۲) زندگی دنیا، در چشم کافران جلوه یافته است و (به همین دلیل) افراد با ایمان را مسخره می کنند. در حالی که مؤمنان و پرهیزکاران در قیامت از آنها برترند. و خداوند هر کس را بخواهد، روزی بی شمار مرحمت می کند. (۲۱۳) مردم (در آغاز) امتی یگانه و یکدست بودند (و در میان آنها تضاد و درگیری نبود. سپس در میان آنها اختلافات بوجود آمد)، پس خداوند پیامبران را بشارت آور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان کتاب آسمانی را به حق نازل نمود تا میان مردم در آنچه اختلاف داشتند حکم کند. و در آن (کتاب) اختلاف نکردند مگر کسانی که به آنان داده شده بود، (آن هم) پس از آنکه دلائل روشن برایشان آمد، (و بخاطر) حسادتی که میانشان بود. پس خداوند آنها را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به خواست

خود هدایت نمود. (امّا افراد بی ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف باقی ماندند.) و خداوند هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می کند. (۲۱۴) آیا گمان کردید داخل بهشت می شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر پیشینیان شما گذشت به شما نرسیده است؟! آنان گرفتار تنگدستی و ناخوشی شده و چنان زیر و زبر شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده و همراه او بودند، گفتند: یاری خدا چه وقت خواهد بود؟ آگاه باشید که یاری خداوند نزدیک است. (۲۱۵) از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر مالی که (می خواهید) انفاق کنید، برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان باشد. و (بدانید) هر کار خیری که انجام دهید، همانا خداوند به آن آگاه است. (۲۱۶) جهاد بر شما مقرر شد، در حالی که برای شما ناخوشایند است و چه بسا چیزی را ناخوش دارید، در حالی که خیر شما در آن است و چه بسا چیزی را دوست دارید، در حالی که ضرر و شرّ شما در آن است. و خداوند (صلاح شما را) می داند و شما نمی دانید. (۲۱۷) (ای پیامبر!) از تو درباره ی جنگ در ماه حرام سؤال می کنند، بگو: جنگ در آن ماه ها (ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب، گناهی) بزرگ است، ولی بازداشتن (مردم) از راه خدا و کفر ورزیدن به او و (بازداشتن مردم از) مسجدالحرام و اخراج ساکنانش از آنجا، (گناهش) نزد خداوند بزرگتر است. (زیرا ایجاد) فتنه، از قتل بالاتر است. (مشرکان) پیوسته با شما می جنگند، تا اگر بتوانند شما را از دیتان برگردانند، و هر کس از شما که از دینش برگردد و در حال کفر

بمیرد، اعمال آنان در دنیا و آخرت تباه می شود و آنان اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود. (۲۱۸) همانا کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که مهاجرت نموده و در راه خدا جهاد کرده اند، آنها به رحمت پروردگار امیدوار هستند و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۱۹) از تو درباره شراب و قمار می پرسند، بگو: در آن دو گناهی بزرگ است و منافی (مادی) نیز برای مردم دارند. (ولی) گناه آن دو از سود آنها بزرگ تر است. (همچنین) از تو می پرسند که چه انفاق کنند؟ بگو: افزون (بر نیاز خود را)، خداوند اینچنین آیات را برای شما روشن می سازد تا شاید اندیشه کنید. (۲۲۰) تا اندیشه کنید) در دنیا و آخرت. و از تو درباره یتیمان می پرسند، بگو: اصلاح امور آنان بهتر است و اگر زندگی خود را با زندگی آنان بیامیزید (مانعی ندارد)، آنها برادران (دینی) شما هستند. خداوند، مفسد را از مصلح بازمی شناسد و اگر خدا می خواست شما را به زحمتی انداخت، (و دستور می داد در عین سرپرستی یتیمان، زندگی و اموال آنها را بکلی از اموال خود جدا سازید، ولی خداوند چنین نمی کند). همانا او عزیز و حکیم است. (۲۲۱) و با زنان مشرک، ازدواج نکنید تا ایمان آورند و قطعاً کنیز با ایمان از زن (آزاد) مشرک بهتر است، اگرچه (زیبایی یا ثروت یا موقعیت او) شما را به شگفتی درآورد. و به مردان مشرک، زن ندهید تا ایمان آورند و قطعاً برده با ایمان از مرد (آزاد) مشرک بهتر است، هر چند (زیبایی و موقعیت و ثروت او) شما را به شگفتی وا دارد. آن مشرکان (شما را) به سوی آتش دعوت می کنند، در حالی

که خداوند با فرمان و دستورات خود، شما را به بهشت و آمرزش فرامی خواند و آیات خویش را برای مردم روشن می کند تا شاید متذکر شوند. (۲۲۲) و از تو درباره حیض (ایام عادت ماهانه زنان) سؤال می کنند، بگو: آن مایه ی رنج و آزار است، پس در حالت قاعدگی از (آمیزش با) زنان کناره گیری کنید، و با آنها نزدیکی ننمایید تا پاک شوند. پس هنگامی که پاک شدند (یا با غسل کردن ظاهر شدند)، آنگونه که خداوند به شما فرموده با آنها آمیزش کنید. همانا خداوند توبه کنندگان را دوست دارد و پاکان را نیز دوست دارد. (۲۲۳) زنان شما کشتزار شمایند، هر جا و هر گاه که بخواهید، به کشتزار خود درآید (و با آنان آمیزش نمائید) و (در انجام کار نیک) برای خود، پیش بگیرید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد، و به مؤمنان بشارت ده. (۲۲۴) برای نیکی کردن و پروا داشتن و اصلاح بین مردم، خدا را دست آویز سوگندهای خود قرار ندهید. همانا خداوند شنوا و دانا است. (۲۲۵) خداوند، شما را به خاطر سوگندهای لغو (که بدون قصد یاد کرده اید)، مؤاخذه نمی کند، اما به آنچه دلهای شما (از روی اراده و آگاهی و اختیار) کسب کرده، مؤاخذه می کند و خداوند آمرزنده و حلیم (بردبار) است. (۲۲۶) برای کسانی که (به قصد آزار همسر،) سوگند می خورند که با زنان خویش نیامیزند، چهار ماه مهلت است. پس اگر (از سوگند خود دست برداشته و به آشتی) برگشتند، (چیزی بر آنها نیست و) خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۲۷) و اگر تصمیم به طلاق گرفتند (آن هم با شرائطش، مانعی ندارد.) همانا خداوند شنوا و دانا است. (۲۲۸) زنان طلاق داده شده، خودشان را

تا سه پاکی در انتظار قرار دهند. (یکی پاکی که طلاق در آن واقع شده و دو پاکی کامل دیگر و همین که حیض سوم را دید، عده او تمام می شود.) و اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند، برای آنها روا نیست که آنچه را خدا در رحم آنها آفریده است، کتمان کنند. و شوهرانشان اگر سر آشتی دارند، به بازآوردن آنها در این مدّت، (از دیگران) سزاوارترند و همانند وظائفی که زنان بر عهده دارند، به نفع آنان حقوقی شایسته است و مردان را بر زنان مرتبتی است. و خداوند توانا و حکیم است. (۲۲۹) طلاق (رجعی که امکان رجوع و بازگشت دارد، حداکثر) دو مرتبه است. پس (در هر مرتبه) یا باید به طور شایسته همسر خود را نگه دارد و (آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها کند (و از او جدا شود). و برای شما مردان روا نیست که چیزی از آنچه به همسرانتان داده اید، پس بگیرید مگر اینکه دو همسر بترسند که حدود الهی را بر پا ندارند. پس اگر بترسید که آنان حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی ندارد که زن فدیّه و عوض دهد. (و طلاق خُلَع بگیرد.) اینها حدود و مرزهای الهی است، پس از آن تجاوز نکنید. و هر کس از حدود الهی تجاوز کند پس آنان ستمگرا نند. (۲۳۰) پس اگر (بعد از دو طلاق و دو رجوع، برای بار سوم) او را طلاق داد، دیگر آن زن بر او حلال نخواهد بود، مگر آنکه به نکاح مرد دیگری درآید (و با او آمیزش نماید). پس اگر (همسر دوّم) او را طلاق داد، مانعی ندارد که

به یکدیگر بازگشت کنند (و زن با همسر اول خود مجدداً ازدواج نماید). البته در صورتی که امید داشته باشند حدود الهی را برپا دارند. و اینها حدود الهی است که خداوند آن را برای افرادی که آگاهند بیان می کند. (۲۳۱) و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان مهلت (عده) رسیدند، پس یا به طرز شایسته آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید) و یا آنها را به طرز پسندیده ای رها سازید. و برای آزار رسانیدن، آنان را نگاه ندارید تا (به حقوقشان) تعدی کنید و کسی که چنین کند، به خویشتن ظلم کرده و مبادا آیات خدا را به مسخره بگیرید. و نعمتی را که خداوند به شما داده و کتاب آسمانی و حکمتی را که بر شما نازل کرده و شما را با آیند می دهد، یاد کنید و از خدا پروا داشته و بدانید خداوند به هر چیزی آگاه است. (۲۳۲) و هنگامی که زنان را طلاق دادید و مهلت (عده) خود را پایان رساندند، مانع آنها نشوید که با همسران (سابق) خویش ازدواج کنند، البته در صورتی که میان آنها به طرز پسندیده ای، توافق برقرار گردد. هر کس از شما که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، به این دستورات پند داده می شود. (مراعات) این امر مایه ی پیرایش و پاکی بیشتر شما است و خداوند می داند و شما نمی دانید. (۲۳۳) مادرانی که می خواهند دوران شیردهی را کامل سازند، دو سال تمام فرزندانشان را شیر دهند. و خوراک و پوشاک این مادران، به وجهی نیکو بر عهده (پدر و) صاحب فرزند است. هیچ کس جز به قدر توانش مکلف نمی شود. هیچ مادری به خاطر فرزندش

و نیز هیچ پدری به خاطر فرزندش نباید دچار ضرر شود. و (اگر پدر نباشد، هزینه خوراک و پوشاک مادر) بر عهده وارث اوست. و اگر پدر و مادر با توافق و مشورت یکدیگر بخواهند کودک را (زودتر از دو سال) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (به جهت عدم توانایی یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه ای برای فرزندانتان بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط اینکه آنچه را به وجهی پسندیده قرار گذاشته اید بپردازید. و از خدا پروا داشته و بدانید خدا به آنچه انجام می دهید بیناست. (۲۳۴) و کسانی از شما که می میرند و همسرانی باقی می گذارند، آن زنان باید چهار ماه و ده روز خویشان را در انتظار نگاه دارند و چون به پایان مهلت (عده) شان رسیدند، گناهی بر شما نیست در آنچه (می خواهند) درباره ی خودشان به طور شایسته انجام دهند. (و با مرد دلخواه خود از دواج کنند.) و خداوند به آنچه عمل می کنید آگاه است. (۲۳۵) و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه (از زنانی که در عده وفات و یا در عده طلاق غیر رجعی هستند)، خواستگاری کنید، یا (تصمیم خود را) در دل نهان دارید. خداوند می داند که شما آنها را یاد خواهید کرد، ولی با آنها وعده پنهانی (برای ازدواج مخفیانه) نداشته باشید، مگر آنکه (به کنایه) سخن پسندیده بگویید، ولی (در هر حال) اقدام به عقد ازدواج ننمایید تا مدت مقرر به سرآید، و بدانید که خداوند آنچه را که در دل دارید می داند، پس از (مخالفت با) او پرهیزید و بدانید خداوند آمرزنده و بردبار است. (۲۳۶) اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی و یا تعیین

مهر طلاق دهید، گناهی بر شما نیست، ولی آنها را (با هدیه ای مناسب) بهره مند سازید. آن کس که توانایی دارد، به اندازه توانش و آن کس که تنگدست است به اندازه ی وسعش، هدیه ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد). این کار برای نیکوکاران سزاوار است. (۲۳۷) و اگر زنان را قبل از آمیزش طلاق دهید، در حالی که برای آنها مهریه تعیین کرده اید، نصف آنچه را تعیین کرده اید (به آنها بدهید)، مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند و یا کسی که عقد ازدواج به دست اوست آنرا ببخشد، و اینکه شما گذشت کنید، (و تمام مهر آنان را پردازید) به پرهیزگاری نزدیکتر است. و گذشت و نیکوکاری در میان خود را فراموش نکنید که همانا خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست. (۲۳۸) بر انجام همه ی نمازها و (خصوصاً) نماز وسطی (ظهر)، مواظبت کنید و برای خدا خاضعانه بپاخیزید. (۲۳۹) پس اگر (از دشمن یا خطری) بیم داشتید، پیاده یا سواره (به هر شکل که می توانید نماز گزارید) و آنگاه که ایمن شدید خدا را یاد کنید، همانگونه که آنچه را نمی توانستید بدانید به شما آموخت. (۲۴۰) و کسانی از شما که در آستانه مرگ قرار می گیرند و همسرانی از خود به جای می گذارند، درباره ی همسرانشان این سفارش است که تا یک سال، آنها را (با پرداخت هزینه زندگی) بهره مند سازند و از خانه بیرون نکنند. ولی اگر آنها خود بیرون رفتند و تصمیم شایسته ای درباره ی خودشان گرفتند، بر شما گناهی نیست و خداوند توانا و حکیم است. (۲۴۱) و برای زنان طلاق داده شده، بهره ی مناسبی است که (پرداخت آن) بر مردان پرهیزکار سزاوار است. (۲۴۲) این چنین خداوند آیات خود را برای

شما تبیین می‌کنند، شاید که اندیشه کنید. (۲۴۳) آیا ندیدی کسانی را که از ترس مرگ از خانه‌های خود فرار کردند، در حالی که هزاران نفر بودند، پس خداوند به آنها گفت: بمیرید (و آنها مردند)، سپس آنان را زنده کرد (تا درس عبرتی برای آیندگان باشند؟) همانا خداوند نسبت به مردم احسان می‌کند، ولی بیشتر مردم سپاس نمی‌گذارند. (۲۴۴) و در راه خداوند پیکار کنید و بدانید که خداوند شنوا و داناست. (۲۴۵) کیست که به خداوند وام دهد، وامی نیکو تا خداوند آن را برای او چندین برابر بیافزاید و خداوند (روزی بندگان را) محدود و گسترده می‌سازد، و به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۲۴۶) آیا ندیدی گروهی از بزرگان بنی اسرائیل را که بعد از موسی به پیامبر خود گفتند: برای ما زمامدار (و فرماندهی) برانگیز تا (تحت فرماندهی او) در راه خدا پیکار کنیم، او گفت: آیا احتمال می‌دهید که اگر دستور جنگ به شما داده شود (نافرمانی کرده و) پیکار و جهاد نکنید؟ گفتند: چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه و فرزندانمان رانده شده ایم؟ پس چون دستور جنگبر آنان مقرر گشت، جز عده اندکی، سرپیچی کردند و خداوند به ظالمان آگاه است. (۲۴۷) و پیامبرشان به آنها گفت: همانا خداوند «طالوت» را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است، گفتند: چگونه او بر ما حکومت داشته باشد در حالی که ما از او به فرمانروایی شایسته‌تریمو به او ثروت زیادی داده نشده است؟ پیامبرشان گفت: خداوند او را بر شما برگزیده و توان علمی و جسمی او را افزون نموده است و خداوند ملکش (فرماندهی و رهبری) را به هر کس بخواهد می‌بخشد

و خداوند (احسانش) وسیع و (به لیاقت ها و توانایی های افراد) آگاه است. (۲۴۸) و پیامبرشان به آنها گفت: نشانه ی حکومت او این است که تابوت (عهد) به سوی شما خواهد آمد، (همان صندوقی که) آرامشی از پروردگارتان و یادگاری از میراث خاندان موسی و هارون در آن است، درحالی که فرشتگان آنرا حمل می کنند، همانا در این موضوع، نشانه ی روشنی برای شما است، اگر ایمان داشته باشید. (۲۴۹) پس هنگامی که طالوت، سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: خداوند شما را به یک نهر آب آزمایش می کند، پس هر که از آن بنوشد از من نیست و هر کس از آن نخورد از من هست، مگر آنکه بادیست، مثنی برگیرد (و بیاشامد). پس (همین که به نهر آب رسیدند،) جز اندکی همه از آن نوشیدند، سپس هنگامی که او و یاوران با ایمان او از آن نهر گذشتند، (و دشمن را دیدند) گفتند: امروز ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم. اما آنها که اعتقاد داشتند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز قیامت ایمان داشتند) گفتند: چه بسا گروهی اندک که با اذن خدا بر گروهی بسیار پیروز شدند و خداوند با صابران (و استقامت کنندگان) است. (۲۵۰) و هنگامی که در برابر جالوت و سپاهیان او قرار گرفتند، گفتند: پروردگارا صبر و شکیبایی بر ما فرو ریز و قدمهای ما را ثابت و استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز فرما. (۲۵۱) سپس آنها (طالوت و یاران او) به اذن خداوند، سپاه دشمن را درهم شکستند و داود (که جوانی کم سن و سال، ولی مؤمن، شجاع و از یاران طالوت بود،) جالوت را

(که فرمانده سپاه دشمن بود) کشت، و خداوند حکومت و حکمت به او عطا نمود و از آنچه می خواست به او آموخت. و اگر خداوند (فساد) بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، قطعاً زمین را فساد می گرفت. ولی خداوند نسبت به جهانیان لطف و احسان دارد. (۲۵۲) اینها آیات خداوند است که به حق بر تو می خوانیم و براستی تو از فرستادگان الهی هستی. (۲۵۳) نشانه های روشن (آن پیامبران، ما بعضی از آنان را بر بعضی برتری دادیم. از آنان کسی بود که خداوند با او سخن گفته و درجات بعضی از آنان را بالا برد، و به عیسی بن مریم و معجزات) دادیم او را با روح القدس (جبرئیل) تأیید نمودیم، و اگر خدا می خواست، کسانی که بعد از آنان (پیامبران) بودند، پس از آنکه نشانه های روشن برای آنها آمد، با هم جنگ و ستیز نمی کردند. (اما خداوند مردم را در پیمودن راه سعادت آزاد گذارده است)، ولی با هم اختلاف کردند پس برخی از آنان ایمان آورده و بعضی کافر شدند. (و باز) اگر خدا می خواست (مؤمنان و کافران) با هم پیکار نمی کردند، ولی خداوند آنچه را اراده کند انجام می دهد. (و اراده حکیمانه ی او بر آزاد گذاردن مردم است). (۲۵۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی، و (بدانید که) کافران همان ستمگران هستند. (که هم به خود ستم می کنند و هم به دیگران). (۲۵۵) اللّٰه، که جز او معبودی نیست، زنده و برپادارنده است. نه خوابی سبک او را فرا گیرد و

نه خوابی سنگین. آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آنکه جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند. گذشته و آینده آنان را می داند. و به چیزی از علم او احاطه پیدا نمی کنند مگر به مقداری که او بخواهد. کرسی (علم و قدرت) او آسمان ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری آن دو بر او سنگین نیست و او والا و بزرگ است. (۲۵۶) در (پذیرش) دین، اکراهی نیست. همانا راه رشد از گمراهی روشن شده است، پس هر که به طاغوت کافر شود و به خداوند ایمان آورد، قطعاً به دستگیره محکمی دست یافته، که گسستی برای آن نیست. و خداوند شنوای دانا است. (۲۵۷) خداوند دوست و سرپرست مؤمنان است، آنها را از تاریکی ها (ی گوناگون) بیرون و به سوی نور می برد. لکن سرپرستان کفار، طاغوت ها هستند که آنان را از نور به تاریکی ها سوق می دهند، آنها اهل آتشند و همانان همواره در آن خواهند بود. (۲۵۸) آیا آن کس (نمرود) را که خداوند به او پادشاهی داده بود، ندیدی که با ابراهیم درباره ی پروردگارش محاجّه و گفتگو می کرد؟ زمانی که ابراهیم گفت: خدای من کسی است که زنده می کند و می میراند، او گفت: من هم زنده می کنم و می میرانم. ابراهیم گفت: خداوند خورشید را از مشرق می آورد، پس تو (که می گویی حاکم بر جهان هستی)، خورشید را از مغرب بیاور. (در اینجا بود که) آن مرد کافر مبهوت و وامانده شد. و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند. (۲۵۹) یا همانند کسی (عزیر) که از کنار یک آبادی عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن بر روی سقف هایش فرو ریخته بود (و مردم آن مرده

و استخوان هایشان در هر سو پراکنده بود، او با خود) گفت: خداوند چگونه اینها را پس از مرگ زنده می کند؟ پس خداوند او را یک صد سال میراند و سپس زنده کرد (و به او) گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت یک روز، یا قسمتی از یک روز را درنگ کرده ام! فرمود: (نه) بلکه یک صد سال درنگ کرده ای، به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی) نگاه کن (که با گذشت سالها) تغییر نیافته است. و به الاغ خود نگاه کن (که چگونه متلاشی شده است، این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گویم) و (هم) تو را نشانه (رستاخیز) و حجتی برای مردم قرار می دهیم. (اکنون) به استخوانها (ی مرکب خود) بنگر که چگونه آنها را بهم پیوند می دهیم و بر آن گوشت می پوشانیم. پس هنگامی که (این حقایق برای آن مرد خدا) آشکار شد، گفت: (اکنون با تمام وجود) می دانم که خداوند بر هر کاری قادر و تواناست. (۲۶۰) و (به یاد آور) هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده ای؟ عرض کرد: چرا، ولی برای آنکه قلبم آرامش یابد. (خداوند) فرمود: چهار پرنده (طاووس، خروس، کبوتر و کلاغ) را بگیر و آنها را نزد خود جمع و قطعه قطعه کن (و درهم بیامیز) سپس بر هر کوهی قسمتی از آنها را قرار ده، آنگاه پرنده گان را بخوان، به سرعت بسوی تو بیایند و بدان که خداوند توانای حکیم است. (۲۶۱) مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یکصد دانه باشد و

خداوند آنرا برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع و (به همه چیز) دانا است. (۲۶۲) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند و سپس به دنبال آنچه انفاق کرده اند، منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداش آنها برایشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند. (۲۶۳) گفتار پسندیده (با نیازمندان) و گذشت (از تندی آنان)، از بخششی که بدنبال آن آزاری باشد، بهتر است. و خداوند بی نیاز بردبار است. (۲۶۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! بخشش های خود را با منت و آزار باطل نسازید، همانند کسی که مال خود را برای خودنمایی به مردم، انفاق می کند و ایمان به خدا و روز رستاخیز ندارد. پس مثال او همچون مثل قطعه سنگ صافی است که بر روی آن (قشر نازکی از) خاک باشد (و بذرهایی در آن افشاندن شود) پس رگباری به آن رسد (و همه خاک ها و بذرها را بشوید) و آن سنگ را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند! (ریاکاران نیز) از دستاوردشان، هیچ بهره ای نمی برند و خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند. (۲۶۵) و مثل کسانی که اموال خود را در طلب رضای خداوند و استواری روح خود انفاق می کنند، همچون مثل باغی است که در نقطه ای بلند باشد (و از هوای آزاد بحد کافی بهره بگیرد) و باران های درشت به آن برسد و میوه ی خود را دو چندان بدهد. و اگر باران درشتی نیارد، باران های ریز و شبنم (ببارد تا همیشه این باغ شاداب و پر طراوت باشد). و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست. (۲۶۶) آیا کسی از

شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته که از زیر درختان آن نهرها در جریان و برای او در آن (باغ) از هر گونه میوه ای وجود داشته باشد و در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندان (کوچک و) ضعیف دارد، گردبادی همراه با آتش سوزان به آن باغ بوزد و باغ را یکسره بسوزاند. این چنین خداوند آیات را برای شما بیان می کند تا شاید اندیشه کنید. (۲۶۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! از پاکیزه ترین چیزهایی که بدست آورده اید و از آنچه ما برای شما از زمین رویانیده ایم، انفاق کنید و برای انفاق به سراغ قسمت های ناپاک (و پست) نروید، درحالی که خود شما هم حاضر نیستید آنها را بپذیرید مگر از روی اغماض (و ناچاری) و بدانید که خداوند بی نیاز و ستوده است. (۲۶۸) شیطان (به هنگام انفاق)، شما را از فقر و تهی دستی بیم می دهد و شما را به فحشا و زشتی ها فرامی خواند، ولی خداوند از جانب خود به شما وعده ی آمرزش و فزونی می دهد و خداوند وسعت بخش داناست. (۲۶۹) (خداوند) حکمت و بینش را به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد و به هر کس حکمت داده شود، همانا خیری فراوان به او داده شده است و جز خردمندان (از این نکته) متذکر نمی گردند. (۲۷۰) و هر مالی را که انفاق کرده اید، یا نذری را که نذر کرده اید، پس قطعاً خداوند آن را می داند و برای ستمگران هیچ یآوری نیست. (۲۷۱) اگر صدقات را آشکارا بدهید، پس آن کار خوبی است، ولی اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، پس این برای شما بهتر است و قسمتی از گناهان شما را می زداید و

خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۲۷۲) هدایت یافتن آنان بر عهده تو نیست، بلکه خداوند هر که را بخواهد (و شایسته باشد) هدایت می کند. و آنچه را از خوبی ها انفاق کنید، به نفع خودتان است. و جز برای کسب رضای خدا انفاق نکنید و (پاداش) آنچه از خوبی ها انفاق کنید به طور کامل به شما داده خواهد شد و بر شما ستم نخواهد شد. (۲۷۳) انفاق شما باید) برای نیازمندی باشد که در راه خدا محصور شده اند. (به خاطر دین خدا، از وطن آواره و یا در جبهه های جهاد هستند). توان حرکت و سفر در زمین را (برای تأمین هزینه زندگی و یا کسب سرمایه برای تجارت) ندارند. از شدت عفاف و آبروداری، شخص بی اطلاع آنها را غنی می پندارد، اما تو آنها را از سیما و چهره هایشان می شناسی. آنان هرگز با اصرار از مردم چیزی نمی خواهند. و هر چیز نیکو و خیری را (به این افراد) انفاق کنید، پس قطعاً خداوند به آن آگاه است. (۲۷۴) کسانی که اموال خود را در شب و روز، پنهان و آشکارا انفاق می کنند، اجر و پاداششان نزد پروردگارشان است و نه ترسی برای آنهاست و نه غمگین می شوند. (۲۷۵) کسانی که ربا می خورند، (در قیامت از قبرها) بر نمی خیزند مگر همانند برخاستن کسی که بر اثر تماس شیطان، آشفته و دیوانه شده است. (نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می خورد و گاهی برمی خیزد). این (آسیب) بدان سبب است که گفتند: داد و ستد نیز مانند ربا است. در حالی که خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است. پس هر کس که موعظه ای از پروردگارش به او رسید و (از رباخواری)

خودداری کرد، آنچه در گذشته (از طریق ربا بدست آورده) مال اوست، و کار او به خدا واگذار می شود. اما کسانی که (دوباره به رباخواری) بازگردند، آنان اهل آتش خواهند بود و در آن جاودانه می مانند. (۲۷۶) خداوند ربا را نابود می کند، ولی صدقات را افزایش می دهد و خداوند هیچ انسان ناسپاس و کافر گنه کاری را دوست نمی دارد. (۲۷۷) همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده اند و نماز برپا داشته و زکات پرداخته اند، پاداششان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند. (۲۷۸) ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و آنچه را از (مطالبات) ربا باقی مانده است، رها کنید، اگر ایمان دارید. (۲۷۹) پس اگر چنین نکردید، (بدانید که) اعلان جنگ با خدا و رسولش داده اید و اگر توبه کنید، (اصل) سرمایه های شما از آن خودتان است. (و در این صورت) نه ستم می کنید و نه بر شما ستم می شود. (۲۸۰) و اگر (بدهکار) تنگ دست بود، او را تا هنگام توانایی مهلت دهید و (در صورتی که واقعاً توان پرداخت ندارد)، اگر ببخشید برای شما بهتر است، اگر (نتایج آنرا) بدانید. (۲۸۱) و پروا کنید از روزی که در آن به پیشگاه خداوند بازگردانده می شوید و سپس هر کس (جزای) آنچه را کسب کرده، بدون کم و کاست داده می شود و به آنان ستمی نمی رود. (۲۸۲) ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدّت داری (بر اثر وام یا معامله) به یکدیگر پیدا می کنید، آنرا بنویسید. و باید نویسنده ای در میان شما به عدالت (سند را) بنویسد. کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن خودداری کند، همانطور که خدا به او تعلیم داده است. پس

باید او بنویسد و آن کس که حق بر ذمه او (بدهکار) است املا کند و از خدایی که پرورگار اوست پرهیزد و چیزی از آن فروگذار ننماید. و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیهیا (از نظر عقل) ضعیف و یا (به جهت لامل بودن) توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (بجای او) با رعایت عدالت (مدت و مقدار بدهی را) املا کند و دو نفر از مردان را (بر این حق) شاهد بگیرد و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن از گواهان، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند (انتخاب کنید) تا اگر یکی از آنان فراموش کرد، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای ادای شهادت) دعوت می کنند خودداری نمایند. و از نوشتن (بدهی های) کوچک یا بزرگ مدت دار، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید)، این در نزد خدا به عدالت نزدیکتر و برای ادای شهادت استوارتر و برای جلوگیری از شک و تردید بهتر می باشد، مگر اینکه تجارت و داد و ستد نقدی باشد که در میان خود دست به دست می کنید که ایرادی بر شما نیست که آنرا ننویسید. و هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می کنید، (باز هم) شاهد بگیرید و نباید به نویسنده و شاهد (به خاطر حَقْگویی) زیانی برسد (و تحت فشار قرار گیرد) و اگر چنین کنید از فرمان خداوند خارج شده اید و از خدا پرهیزید و خداوند (راه درست زندگی را) به شما تعلیم می دهد و خداوند به هر چیزی داناست. (۲۸۳) و اگر در سفر بودید و نویسنده ای نیافتید، وثیقه ای بگیرید و اگر

به

یکدیگر اطمینان داشتید (وثیقه لازم نیست). پس کسی که امین شمرده شده، امانت (و بدهی خود را بموقع) بپردازد و از خدایی که پروردگار اوست پروا کند. و شهادت را کتمان نکنید و هر کس آنرا کتمان کند، پس بی شک قلبش گناه کار است و خداوند به آنچه انجام می دهید داناست. (۲۸۴) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، تنها از آن خداست. (بنابراین) اگر آنچه را در دل دارید آشکار سازید یا پنهان دارید، خداوند شما را طبق آن محاسبه می کند. پس هر که را بخواهد (و شایستگی داشته باشد) می بخشد و هر که را بخواهد (و مستحق باشد) مجازات می کند و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۸۵) پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده ایمان دارد و همه مؤمنان (نیز) به خدا و فرشتگان و کتاب ها (ی آسمانی) و فرستادگانش ایمان دارند (و می گویند): ما میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی گذاریم (و به همگی ایمان داریم) و گفتند: ما (ندای حق را) شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا! آمرزش تو را (خواهانیم) و بازگشت (ما) به سوی توست. (۲۸۶) خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کند، هر کس آنچه از کارها (ی نیک) انجام دهد به سود خود انجام داده و آنچه از کارها (ی بد) کسب کرده به ضرر خود کسب کرده است. (مؤمنان می گویند): پروردگارا! اگر (در انجام تکالیف چیزی را) فراموش یا خطا نمودیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! تکلیف سنگین بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند قرار دادی. پروردگارا! آنچه را (از مجازات) که طاقت تحمل آنرا

نداریم، بر ما مقرر نکن و از ما درگذر و ما را بیامرز و در رحمت خود قرارده، تو مولی و سرپرست مایی، پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان. (۲۸۷)

آل عمران

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) الف لام میم (۲) خداوند که معبودی جز او نیست، زنده و پاینده است. (۳) او کتاب را به حق بر تو نازل کرد، که تصدیق کننده کتاب های پیشین است و (او بود که) تورات و انجیل را فرو فرستاد. (۴) او پیش از این (تورات و انجیل را) برای هدایت مردم (فرو فرستاد) و اینک فرقان را (که وسیله ی تمیز حق از باطل است) نازل کرد، البته برای کسانی که به آیات الهی کفر ورزند، عذاب شدیدی است و خداوند شکست ناپذیر صاحب انتقام است. (۵) همانا هیچ چیز، نه در زمین و نه در آسمان، بر خداوند پوشیده نمی ماند. (۶) او کسی است که شما را آنگونه که می خواهد در رحم ها صورت می دهد. جز او که مقتدر حکیم است، معبودی نیست. (۷) او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد. بخشی از آن، آیات محکم (روشن و صریح) است که اصل و اساس این کتاب را تشکیل می دهد. (و هرگونه ابهامی در آیات دیگر، با مراجعه به این محکومات روشن می شود) و بخشی از آن، آیات متشابه است (که احتمالات مختلفی در معنای آیه می رود، ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها روشن می شود). امّا کسانی که در دلهایشان انحراف است، به جهت ایجاد فتنه (و گمراه کردن مردم) و نیز به جهت تفسیر آیه به دلخواه خود، به سراغ آیات متشابه می روند، در حالی که تفسیر این آیات را جز خداوند و راسخان در علم

نمی دانند. آنان که می گویند: ما به آن ایمان آورده ایم همه ی آیات از طرف پروردگار ماست (خواه محکم باشد یا متشابه) و جز خردمندان پند نگیرند. (۸) (راسخان در علم می گویند: پروردگارا! پس از آن که ما را هدایت کردی، دلهای ما را به باطل مایل مگردان و از سوی خود ما را رحمتی بیخش. به راستی که تو خود بسیار بخشنده ای. (۹) (راسخان علم در ادامه دعا گویند: پروردگارا! همانا تو مردم را برای روزی که در آن شکی نیست گرد آوری. همانا خداوند وعده ی خود را تخلف نمی کند. (۱۰) همانا کسانی که کفر ورزیدند، نه اموالشان و نه فرزندانشان در برابر (عذاب) خدا (در قیامت) هیچ به کارشان نمی آید و آنان خود هیزم و سوخت آتشدن. (۱۱) (شیوه کفار) مانند روش فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند، آیات ما را تکذیب کردند، پس خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان بگرفت. و خدا سخت کیفر است. (۱۲) به کسانی که کافر شدند بگو: به زودی شکست می خورید و به سوی جهنم رانده می شوید و چه بد جایگاهی است. (۱۳) به یقین در دو گروهی که (در جنگ بدر) با هم روبرو شدند، برای شما نشانه (و درس عبرتی) بود. گروهی در راه خدا نبرد می کردند و گروه دیگر که کافر بودند (در راه شیطان و هوس خود). کفار به چشم خود مسلمانان را دو برابر می دیدند (و این عاملی برای ترس آنان می شد) و خداوند هر کس را بخواهد به یاری خود تأیید می کند. همانا در این امر برای اهل بینش، پند و عبرت است. (۱۴) عشق و علاقه به زنان و فرزندان پسر و اموال زیاد از طلا و نقره و اسبان ممتاز و چهارپایان و کشتزارها

که همه از شهوات و خواسته های نفسانی است، در نظر مردم جلوه یافته است، (در حالی که) اینها بهره ای گذرا از زندگانی دنیا است و سرانجام نیکو تنها نزد خداوند است. (۱۵) بگو: آیا شما را به بهتر از اینها (که محبوب شماست) خیر دهم؟ برای کسانی که تقوا داشته باشند، نزد پروردگارشان باغهایی (بهشتی) است که از زیر (درختان) آن نهرها جاری است. برای همیشه در آنجا (بهره مند) هستند و همسرانی پاک (خواهند داشت) و رضا و خشنودی خداوند (شامل حالشان می شود) و خداوند به حال بندگان بیناست. (۱۶) (پرهیزگاران) کسانی اند که می گویند: پروردگارا! براستی که ما ایمان آورده ایم، پس گناهان ما را ببخش و ما را از عذاب آتش حفظ فرما. (۱۷) (پرهیزگاران، همان) صابران و راستگویان و فرمان برداران فروتن و انفاق کنندگان و استغفارکنندگان در سحرها هستند. (۱۸) خدایی که همواره به عدل و قسط قیام دارد، گواهی داده که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش (نیز به یگانگی او گواهی داده اند) جز او که مقتدر حکیم است، معبودی نیست. (۱۹) همانا دین (مورد پذیرش) نزد خداوند، اسلام (و تسلیم بودن در برابر فرمان خداوند) است و اهل کتاب اختلافی نکردند، مگر بعد از آنکه علم (به حقانیت اسلام) برایشان حاصل شد، (این اختلاف) از روی حسادت و دشمنی میان آنان بود و هر کس به آیات خداوند کفر ورزد، پس (بداند که) همانا خداوند زود حساب است. (۲۰) (از این رو) پس اگر با تو به گفتگو و ستیز و محاجه برخاستند، (با آنها مجادله مکن و) بگو: من و پیروانم روی به خدا تسلیم کرده ایم. و به اهل کتاب (یهود و نصاری) و اُمّیین (مشرکان بی سواد مکه) بگو: آیا

شما هم (در برابر خدا) تسلیم شده اید، پس اگر تسلیم شدند و اسلام آوردند همانا هدایت یافته اند، و اگر سرپیچی کردند (نگران مباش، زیرا) وظیفه ی تو فقط رساندن دعوت الهی است، (نه اجبار و اکراه) و خداوند به حال بندگان بیناست. (۲۱) براستی کسانی که به آیات خداوند کفر می ورزند و پیامبران را به ناحق می کشند و کسانی از مردم را که فرمان به عدالت می دهند می کشند، پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده. (۲۲) آنان کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده و هیچ یاورانی برای آنها نیست. (۲۳) آیا ندیدی کسانی را که از کتاب آسمانی (تورات و انجیل) بهره ای داده شدند، چون به کتاب الهی دعوت می شوند تا میانشان حکم کند، (و به اختلافات پایان دهد) گروهی از آنان (باعلم و آگاهی) از روی اعراض روی برمی گردانند؟ (۲۴) این (روی گردانی از حکم خدا) برای آن بود که اهل کتاب گفتند: هرگز آتش دوزخ جز چند روزی به ما نمی رسد. و این افتراها (و خیالبافی ها) آنان را در دینشان فریفته ساخت. (۲۵) پس (کسانی که گمان می کنند از قهر خداوند دورند)، چگونه خواهد بود حالشان، آنگاه که آنان را در روزی که شکی در آن نیست، گرد آوریم و به هر کس در برابر آنچه تحصیل کرده، پاداش یا کیفر داده شود و به آنان ستم نخواهد شد. (۲۶) بگو: خداوند! تو صاحب فرمان و سلطنتی. به هر کس (طبق مصلحت و حکمت خود) بخواهی حکومت می دهی و از هر کس بخواهی حکومت را می گیری و هر که را بخواهی عزت می بخشی و هر که را بخواهی ذلیل می نمایی، همه خیرها تنها به دست توست. همانا تو بر هر چیز

توانایی. (۲۷) (خداوند!!) تو شب را به روز و روز را به شب درآوری و زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون آوری و هر که را خواهی بی شمار روزی می دهی. (۲۸) نباید اهل ایمان، بجای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود برگزینند و هر کس چنین کند نزد خدا هیچ ارزشی ندارد، مگر آنکه از کفار پروا و تقیه کنی (و به خاطر هدف های مهم تر، موقتاً با آنها مدارا کنی) و خداوند شما را از (نافرمانی) خود هشدار می دهد و بازگشت (شما) به سوی خداوند است. (۲۹) بگو: اگر آنچه در سینه ها دارید پنهان سازید یا آشکارش نمایید، خداوند آن را می داند و (نیز) آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است می داند و خدا بر هر چیز تواناست. (۳۰) روزی که هر کس، هر کار نیکی انجام داده حاضر بیاید و هر چه بدی کرده، آرزو می کنی کاش بین آن عمل و او فاصله ای دور می بود. و خداوند شما را از (مخالفت امرش) بر حذر می دارد و (در عین حال) خداوند به بندگان مهربان است. (۳۱) (ای پیامبر!) بگو: اگر خداوند را دوست می دارید، پس مرا پیروی کنید، تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را بر شما بیخشد و خداوند بسیار بخشنده و مهربان است. (۳۲) بگو: خدا و رسول را اطاعت کنید. پس اگر سرپیچی کردند، (بدانید که) همانا خداوند کافران را دوست نمی دارد. (۳۳) برستی که خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید. (۳۴) فرزندان که بعضی از آنان از (نسل) بعضی دیگرند (از پدران برگزیده زاده شده و در پاکی همانند یکدیگرند) و خداوند شنوای داناست. (۳۵) (به یاد آور) هنگامی که همسر

عمران گفت: پروردگارا! همانا من نذر کرده‌ام آنچه را در رحم دارم، برای تو آزاد باشد (و هیچگونه مسئولیتی به او نسپارم تا تمام وقت خود را صرف خدمت در بیت المقدس کند)، پس از من قبول فرما، که براستی تو شنوای دانایی. (۳۶) پس چون فرزند را به دنیا آورد گفت: پروردگارا! من دختر زاده‌ام - در حالی که خداوند به آنچه او زاده دانایتر است و پسر مانند دختر نیست - و من نامش را مریم نامیدم و من او و فرزندانش را از (شرّ) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم. (۳۷) پس پروردگارش او را به پذیرشی نیکو پذیرفت و به رویشی نیکو رویاند و سرپرستی او را به زکریّا سپرد. هرگاه زکریّا در محراب عبادت بر مریم وارد می‌شد، خوراکی (شگفت آوری) نزد او می‌یافت. می‌پرسید: ای مریم این (رزق تو) از کجاست؟! مریم در پاسخ می‌گفت: آن از نزد خداست. همانا خداوند به هر کس که بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد. (۳۸) در این هنگام زکریّا (که این همه کرامت و مائده آسمانی را دید) پروردگارش را خواند و گفت: پروردگارا! از جانب خود نسلی پاک و پسندیده به من عطا کن که همانا تو شنونده دعائی. (۳۹) پس درحالی که زکریّا در محراب به نماز ایستاده بود، فرشتگان او را ندا دادند که خداوند تو را به (فرزندی به نام) یحیی بشارت می‌دهد که تصدیق کننده ی (حقّانیت) کلمه الله (حضرت مسیح) است و سیّد و سرور، و خویشان دار (از زنان) و پیامبری از صالحان است. (۴۰) (زکریّا) گفت: پروردگارا! چگونه برای من پسری خواهد بود، در حالی که پیری من فرا رسیده و همسرم نازاست؟! (خداوند) فرمود: این چنین خداوند هر

چه را بخواهد انجام می دهد. (۴۱) (زکریّا) گفت: پروردگارا! برای من نشانه ای قرار ده (تا علم من به یقین و اطمینان تبدیل شود. خداوند) فرمود: نشانه ی تو آن است که تا سه روز با مردم سخن نگویی، مگر از طریق اشاره. (البته به هنگام ذکر خدا زیانت بازمی شود. پس) پروردگار خود را (به شکرانه ی این نعمت) بسیار یاد کن و هنگام شب و صبح او را تسبیح گوی. (۴۲) و (به یاد آور) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و بر زنان جهانیان برتری داده است. (۴۳) ای مریم! (به شکرانه این همه نعمت،) برای پروردگارت خضوع کن و سجده بجای آور و با رکوع کنندگان رکوع نما. (۴۴) اینها از خبرهای غیبی است که ما به تو وحی می کنیم، حال آنکه تو نزد آنان نبودی، آنگاه که قلم های خود را (برای قرعه کشی) می افکندند تا (به وسیله قرعه معلوم شود که کدامیک) کفالت مریم را بر عهده بگیرد و نزد آنها نبودی آنگاه که (برای گرفتن سرپرستی مریم) با هم کشمکش می کردند. (۴۵) (به یاد آور) آنگاه که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه و نشانه ای از سوی خویش به نام مسیح، عیسی پسر مریم، بشارت می دهد. او که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان است. (۴۶) (آن فرزندی که به تو بشارت داده شد) در گهواره، (به اعجاز) و در میان سالی (به وحی) با مردم سخن می گوید و از شایستگان است. (۴۷) (مریم) گفت: پروردگارا! چگونه برای من فرزندی باشد، در حالی که هیچ انسانی با من تماس نداشته است؟ خداوند فرمود: چنین است (کار) پروردگار، او هر چه را بخواهد می آفریند. هرگاه

اراده کاری کند، فقط به آن می گوید: باش، پس (همان لحظه) موجود می شود. (۴۸) و خداوند به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل را می آموزد. (۴۹) و (عیسی را به) پیامبری به سوی بنی اسرائیل (فرستاد تا بگوید) که همانا من از سوی پروردگارتان برای شما نشانه ای آورده ام. من از گل برای شما (چیزی) به شکل پرنده می سازم، پس در آن می دمم، پس به اراده و اذن خداوند پرنده ای می گردد. و همچنین با اذن خدا کور ماد رزاد و مبتلایان به پیسی را بهبود می بخشم و مردگان را زنده می کنم و از آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می کنید به شما خبر می دهم، براستی اگر ایمان داشته باشید در این معجزات برای شما نشانه و عبرتی است. (۵۰) (عیسی فرمود:) من تصدیق کننده توراتی هستم که پیش روی من است و (آمده ام) تا برخی از چیزهایی که بر شما (به عنوان تنبیه) حرام شده بود برایتان حلال کنم. و از جانب پروردگارتان برای شما نشانه ای آورم. پس، از خداوند پروا و از من اطاعت کنید. (۵۱) به راستی که خداوند، پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید که این راه مستقیم است. (۵۲) پس چون عیسی از آنان (بنی اسرائیل) احساس کفر کرد، گفت: کیانند یاران من (در حرکت) به سوی خدا؟ حواریون (که شاگردان مخصوص او بودند) گفتند: ما یاوران (دین) خدا هستیم که به خداوند ایمان آورده ایم، و تو (ای عیسی!) گواهی ده که ما تسلیم (خدا) هستیم. (۵۳) پروردگارا! به آنچه نازل کرده ای ایمان آورده ایم و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس. (۵۴) و (دشمنان عیسی) تدبیر خود را (برای کشتن او) بکار بستند. خداوند نیز تدبیر خود را (برای

حفظ او) بکار برد و خداوند بهترین تدبیرکننده است. (۵۵) (به یاد آور) هنگامی که خداوند فرمود: ای عیسی! من تو را (از زمین) برگرفته و به سوی خود بالا- می برم و تو را از کسانی که کافر شده اند، پاک می کنم و تا روز قیامت پیروان تو را بر کافران برتری خواهم داد. سپس بازگشت شما به سوی من است، پس در آنچه اختلاف می کردید، میان شما داوری خواهم کرد. (۵۶) و اما گروهی که کافر شدند، در دنیا و آخرت به عذابی سخت عذابشان می کنم و برای آنها هیچ یاورانی نیست. (۵۷) و امّا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، پاداش های آنها را (خدا) بطور کامل خواهد داد و خداوند ستمگران را دوست نمی دارد. (۵۸) (ای پیامبر!) آنچه بر تو می خوانیم، آیه ها و اندرز حکمت آمیز است. (۵۹) همانا مثل (آفرینش) عیسی نزد خداوند، همچون مثل (آفرینش) آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: باش، پس موجود شد. (۶۰) حق، همان است که از جانب پروردگار توست، پس از تردیدکنندگان مباش. (۶۱) پس هر که با تو، بعد از علم و دانشی که به تو رسیده است، درباره او (عیسی) به ستیز و محاجّه برخیزد (و از قبول حق شانه خالی کند) بگو: بیائید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان را (کسی که به منزله خودمان است) و خودتان را بخوانیم، سپس (به درگاه خدا) مباحله و زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (۶۲) به راستی، داستانِ درست (زندگی مسیح) همین است و هیچ معبودی جز خداوند نیست و همانا خداست مقتدر حکیم. (۶۳) پس اگر از حق روی گردان شدند، همانا خداوند به (کار و حال) مفسدین

آگاه است. (۶۴) بگو: ای اهل کتاب! به سوی سخنی بیایید که میان ما و شما مشترک است. جز آنکه خداوند را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را بجای خدا ارباب نگیرد. پس اگر (از این پیشنهاد) سرباز زدند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمان و تسلیم خدائیم. (۶۵) ای اهل کتاب! چرا درباره ی ابراهیم گفتگو و نزاع می کنید؟ (و هر کدام او را پیرو آیین خود می دانید،) در حالی که تورات و انجیل، پس از او نازل شده است، چرا تعقل نمی کنید؟ (۶۶) هان (ای اهل کتاب!) شما همانان هستید که درباره (حضرت عیسی و) آنچه بدان علم داشتید محاجّه و نزاع کردید، پس چرا درباره (ابراهیم و) آنچه بدان علم ندارید نزاع می کنید؟ در حالی که خداوند می داند و شما نمی دانید. (۶۷) (برخلاف ادّعی یهودیان و مسیحیان،) ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه او فردی حق گرا و تسلیم خدا بود و هرگز از مشرکان نبود. (۶۸) همانا سزاوارترین افراد به ابراهیم، کسانی هستند که از او پیروی کردند و (نیز) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده اند، و خداوند سرور و سرپرست مؤمنان است. (۶۹) گروهی از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند، ولی جز خودشان را گمراه نمی کنند و (این را) نمی فهمند. (۷۰) ای اهل کتاب چرا به آیات خداوند (و نشانه های نبوت رسول خدا) کفر می ورزید، در حالی که خود (به درستی آن) گواھید. (۷۱) ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل مشتبه می سازید و (یا) حق را کتمان می کنید، در حالی که خود (به حقّانیت آن) آگاهید. (۷۲) و گروهی از اهل کتاب گفتند: به آنچه بر مؤمنان نازل شده است، در آغاز

روز ایمان آورید و در پایان روز کافر شوید، شاید (با این حيله آنها از اسلام) باز گردند. (۷۳) بزرگان يهود، برای جلوگیری از گرایش يهود به اسلام، به آنان می گفتند: جز به کسی که آيين شما را پیروی کند، ایمان نیاورید. (زیرا دین حق منحصر به ماست. ای پیامبر! به آنان) بگو: راه سعادت راهی است که خدا بنماید (و مانعی ندارد) که به امتی دیگر نیز همانند آنچه (از کتاب و شریعت) به شما داده شده، داده شود، تا در نزد پروردگار با شما احتجاج کنند. (همچنین ای پیامبر! به آنان) بگو: فضل و رحمت بدست خداست، او به هر که بخواهد عطا می کند و خداوند دارای رحمت وسیع و علم بی انتهاست. (۷۴) (خداوند) هر که را بخواهد به رحمت خویش اختصاص دهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است. (۷۵) و از اهل کتاب کسانی هستند که اگر او را بر اموال بسیاری امین گردانی، به تو بازمی گرداند و بعضی از آنان (به قدری نادرستند که) اگر او را بر دیناری امین گردانی، آن را به تو بر نمی گرداند، مگر آنکه (برای مطالبه آن) دائماً بالای سر او بایستی، این (خیانت در امانت)، به جهت آن است که گفتند: درباره ی امینین (غیر اهل کتاب) هرچه کنیم بر ما گناهی نیست، در حالی که آنها آگاهانه بر خداوند دروغ می بندند. (۷۶) آری، هر کس به عهد خویش وفا کند و تقوا داشته باشد، پس بی گمان خداوند پرهیزکاران را دوست می دارد. (۷۷) همانا کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خودشان را به بهای ناچیزی می فروشند، آنان برایشان نصیبی در آخرت نیست و خداوند در قیامت با آنها سخن نمی گوید و به آنان نیز نظر (لطف) نمی کند،

آنها را (از گناه) پاک نمی سازد و برای آنان عذابی دردناک است. (۷۸) و همانا از ایشان (اهل کتاب) گروهی هستند که زبان خود به خواندن کتاب (و دست نوشته ی خودشان چنان) می چرخانند که شما گمان کنید آن از کتاب آسمانی است، در حالی که از کتاب نیست و می گویند: آن (چه ما می خوانیم) از جانب خداست، در حالی که از جانب خدا نیست و آنها آگاهانه بر خداوند دروغ می بندند. (۷۹) هیچ (پیامبر و) بشری که خداوند به او کتاب و حکم و نبوت داده است، حق ندارد به مردم بگوید: به جای خدا، بندگان من باشید. بنابراین (شما دانشمندان اهل کتاب به طریق اولی چنین حقی ندارید، بلکه باید) به خاطر سابقه ی آموزش کتاب و تدریسی که دارید، ربّانی باشید. (۸۰) و (خداوند) به شما فرمان نمی دهد که فرشتگان و انبیا را ارباب خود قرار دهید، آیا ممکن است پس از آنکه تسلیم خدا شدید، او شما را به کفر فرمان دهد؟ (۸۱) و (به یاد آور) هنگامی که خداوند از پیامبران (پیشین) پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کرد، باید به او ایمان آورید و او را یاری کنید. (سپس خداوند) فرمود: آیا به این پیمان اقرار دارید و بار سنگین پیمان مرا (بر دوش) می گیرید؟ (انبیا در جواب) گفتند: (بلی) اقرار داریم، (خداوند) فرمود: خود شاهد باشید و من هم با شما از جمله گواهانم. (۸۲) پس کسانی که بعد از این (پیمان محکم)، روی برگردانند، آنان همان فاسقانند. (۸۳) پس آیا آنها جز دین خدا (دینی) می جویند؟ در حالی که هر که در آسمان ها و زمین

است، خواه ناخواه فقط تسلیم اوست و به سوی او بازگردانده می شوند. (۸۴) بگو: به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (پیامبران از نسل یعقوب) نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر، از طرف پروردگارشان داده شده (به همه ی آنها) ایمان آورده ایم و میان هیچ یک از آنها فرقی نمی گذاریم و ما تنها تسلیم (فرمان) او هستیم. (۸۵) و هر کس غیر از اسلام به سراغ دینی دیگر برود، پس هرگز از او قبول نمی شود و او در قیامت از زیانکاران خواهد بود. (۸۶) چگونه خداوند هدایت کند گروهی را که بعد از ایمان و گواهی بر حقانیت رسول و آمدن معجزات و دلایل روشن بر ایشان، باز هم کافر شدند، و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند. (۸۷) آنان (که با آن همه دلایل روشن و سابقه ی ایمان، مرتد شدند)، کیفرشان آن است که لعنت خدا و فرشتگان و عموم مردم بر آنان باشد. (۸۸) آنها همواره مورد لعن (خدا و فرشتگان و مردم) هستند، نه عذاب از آنان کاسته شود و نه به آنها مهلت داده شود. (۸۹) مگر کسانی که پس از آن، (از کفر و ارتداد) توبه نمایند و (کردار و افکار خود را) اصلاح نمایند، که همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. (۹۰) البته کسانی که پس از ایمان آوردن، کافر شدند و سپس بر کفر خود افزودند، هرگز توبه ی آنها پذیرفته نخواهد شد و آنها همان گمراهانند. (۹۱) همانا کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر (بدون توبه) مردند، اگر چه زمین را پر از طلا کرده و به عنوان فدیة و باز خرید (از عذاب)

بدهند، هرگز از هیچ یک از آنان پذیرفته نمی شود. آنان را عذابی دردناک است و برایشان هیچ یآوری نیست. (۹۲) هرگز به نیکی دست نمی یابید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و بدانید هر چه را انفاق کنید، قطعاً خداوند به آن آگاه است. (۹۳) همه ی غذاها و خوارکی ها برای بنی اسرائیل حلال بود، مگر آنچه را اسرائیل (یعقوب) پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود، بگو: اگر راست می گوئید (که اینها از قبل در تورات حرام بوده است)، تورات را بیاورید و آن را تلاوت کنید (تا ببینید بسیاری از چیزها را بدون نزول وحی از پیش خود، بر خودتان حرام کرده اید). (۹۴) پس بعد از این، هر کسی بر خدا به دروغ افترا ببندد، آنان ستمگران هستند. (۹۵) (ای پیامبر!) بگو: خداوند راستگو است، پس از آیین ابراهیم حقگرا پیروی کنید که او از مشرکان نبود. (۹۶) همانا اولین خانه ای که برای (عبادت) مردم مقرر شد، همان است که در سرزمین مکه است، که مایه ی برکت و هدایت جهانیان است. (۹۷) در آن (خانه) نشانه های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است و هر کس به آن درآید، درامان است و برای خدا بر عهده ی مردم است که قصد حج آن خانه را نمایند، (البته) هر که توانایی این راه را دارد. و هر کس کفر (و با داشتن توانایی به حج نرود، بداند که) همانا خداوند از همه ی جهانیان بی نیاز است. (۹۸) بگو: ای اهل کتاب، چرا به آیات خداوند کفر می ورزید، با آنکه خداوند بر اعمال شما گواه است. (۹۹) بگو: ای اهل کتاب! چرا کسانی را که ایمان آورده اند از راه خدا باز می دارید و می خواهید که آن (طریقه ی الهی) کج باشد، در

حالی که خود شما گواهید (که راه آنان درست است) و خداوند از آنچه انجام می دهید غافل نیست. (۱۰۰) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از گروهی از اهل کتاب اطاعت کنید، شما را بعد از ایمانتان به کفر بازمی گردانند. (۱۰۱) و چگونه شما کفر می ورزید، در حالی که آیات خدا بر شما تلاوت می شود و رسول او در میان شماست و هر کس به (دین و کتاب) خدا تمسک جوید، پس قطعاً به راه مستقیم هدایت شده است. (۱۰۲) ای کسانی که ایمان آورده اید! از خداوند پروا کنید آن گونه که سزاوار تقوای اوست و نمیرید مگر اینکه مسلمان باشید. (۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دلهایتان الفت انداخت و در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید، و بر لب پرتگاهی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد. این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند، شاید هدایت شوید. (۱۰۴) و از میان شما باید گروهی باشند که (دیگران را) به خیر دعوت نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند. (۱۰۵) و مانند کسانی نباشید که بعد از آنکه دلایل روشن برایشان آمد، باز هم اختلاف کرده و پراکنده شدند و آنان برایشان عذابی بزرگ است. (۱۰۶) (قیامت) روزی (است) که صورت هایی سفید و نورانی، و صورت هایی سیاه می شوند. پس کسانی که روسیاه شدند، (از آنان سؤال می شود): آیا بعد از ایمانتان کفر ورزیدید؟ پس به خاطر کفرتان عذاب الهی را بچشید. (۱۰۷) و اما آنان که روسفید شدند، غرق در رحمت خدا شده و در آن جاودانه اند. (۱۰۸) اینها

آیات خداوند است که ما آن را به حق بر تو می خوانیم و خداوند هیچ ستمی را بر جهانیان نمی خواهد. (۱۰۹) و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن خداست و بازگشت همه امور تنها به سوی خداست. (۱۱۰) شما بهترین امتی هستید که برای مردم ظاهر (و گزیده) شده اید. به خوبی ها فرمان می دهید و از بدی ها و زشتی ها، نهی می کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب (نیز به چنین آئین درخشانی) ایمان آورده بودند، قطعاً برایشان بهتر بود. برخی از آنان مؤمنند، ولی بیشترشان فاسق اند. (۱۱۱) آنها (اهل کتاب) جز آزاری اندک، هرگز به شما زیانی نخواهند رسانید و اگر با شما بجنگند، به شما پشت کرده و بگریزند، آنگاه هیچ یاری نشوند. (۱۱۲) (دشمنان شما به قدری ترسو و زبون هستند که) هر کجا یافت شوند، مُهر ذلت بر آنها خورده است، مگر آنکه به ریسمان (امان) الهی چنگ زنند (و از انحراف و فسق دست برداشته، ایمان آورند) و با مردم پیوندی برقرار کنند. آنها گرفتار خشم خدا گشتند و مُهر بیچارگی بر آنها زده شد. این به خاطر آن بود که به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند. این بدان سبب بود که عصیان ورزیده و تجاوز می کردند. (۱۱۳) اهل کتاب همه یکسان نیستند، طایفه ای از آنها (به طاعت خدا) ایستاده، آیات الهی را در دل شب تلاوت می کنند و سر به سجده می نهند. (۱۱۴) آنان به خدا و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در کارهای خیر شتاب می ورزند و آنان از افراد صالح و شایسته هستند. (۱۱۵) و آنچه از خیر انجام دهند، هرگز درباره

آن ناسپاسی نبینند و خداوند به (حال) پرهیزکاران داناست. (۱۱۶) همانا کسانی که کافر شدند، هرگز اموالشان و اولادشان چیزی از (عذاب) خدا را از آنان دفع نخواهد کرد و آنها همدم آتشد، همواره در آن ماندگار. (۱۱۷) مثل آنچه در این زندگی دنیا اتفاق می‌کند، چون مثل بادی است که در آن سرما و یا گرمای شدیدی باشد، بر کشتزار قومی که بر خود ستم کرده‌اند بوزد، پس آن را از بین ببرد. خداوند به آنان ستم نکرده است، بلکه آنان به خویشان ستم می‌کنند. (۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از غیر خودتان همراز نگیرید. آنان در تباهی شما کوتاهی نمی‌کنند، آنها رنج بردن شما را دوست دارند. همانا کینه و دشمنی از (گفتار) دهانشان پیدا است و آنچه دل‌هایشان در بردارد، بزرگتر است. به تحقیق ما آیات (روشنگر و افشاگر توطئه‌های دشمن) را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید. (۱۱۹) هان (ای مسلمانان)! این شماست که آنان را دوست می‌دارید، ولی آنها شما را دوست نمی‌دارند، در حالی که شما به همه‌ی کتاب‌ها (ای آسمانی) ایمان دارید (ولی آنها به کتاب شما ایمان نمی‌آورند). و هرگاه با شما دیدار کنند (منافقانه) می‌گویند: ما ایمان آوردیم، و چون (با هم) خلوت کنند، از شدت خشم بر شما، سرانگشتان خود را می‌گزند. بگو: به خشم‌تان بمیرید، همانا خداوند به درون سینه‌ها آگاه است. (۱۲۰) اگر خوبی به شما رسد، آنان را غمگین سازد و اگر بدی به شما رسد، آنها بدان شادمان می‌شوند و اگر (در برابرشان) صبر کنید و پرهیزکار باشید، حيله‌ی بدخواهانه‌ی آنان هیچ آسیبی به شما نرساند. همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد. (۱۲۱) و (به یاد آور) هنگامی که بامدادان (برای

جنگ اُحد) از نزد خانواده ات بیرون شدی (تا) مؤمنان را در مراکزی برای جنگیدن جای دهی، و خداوند (به گفتار و کردار شما) شنوا و داناست. (۱۲۲) آنگاه که دو گروه از شما بر آن شدند که (در جنگ) سستی نمایند، اما خداوند ولی آنان بود (و به آنان کمک کرد که از این فکر باز گردند)، پس مؤمنان تنها به خدا توکل کنند. (۱۲۳) و همانا خداوند شما را در جنگ بدر در حالی که ناتوان بودید یاری کرد، پس از خداوند پروا کنید، باشد که سپاس گزاری نمائید. (۱۲۴) و (به یاد آور) هنگامی که به مؤمنان می گفتی: آیا شما را کفایت نمی کند که پروردگارتان شما را به سه هزار فرشته ی فرود آمده یاری کند؟ (۱۲۵) البته اگر صبر و مقاومت کنید و پرهیزگاری نمائید (گرچه) دشمنان با خشم و خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته مخصوص مدد می رساند. (۱۲۶) و خداوند این (نزول فرشتگان) را جز مژده و بشارتی برای شما قرار نداد، تا دلهای شما بدان آرام گیرد و (بدانید که) هیچ پیروزی نیست مگر از جانب خداوند عزیز و حکیم. (۱۲۷) (امدادهای الهی برای آن بود) تا بعضی از کفار را ریشه کن کند یا ناکام و ذلیلشان گرداند که ناامید برگردند. (۱۲۸) هیچ امری (از هدایت یا کیفر مردم) در اختیار تو نیست. (تنها خداوند است که) یا لطف خود را بر آنها برمی گرداند یا عذابشان می کند، زیرا آنان ستمکارند. (۱۲۹) و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. او (طبق حکمت خود) هر کس را بخواهد می بخشد و هر کس را بخواهد عذاب می کند و خداوند بخشنده ی مهربان است. (۱۳۰) ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا (و

بهره ی پول) را با افزودن های مکرر نخورید، از خدا پروا کنید تا شاید رستگار شوید. (۱۳۱) و از آتشی که برای کافران آماده شده است. بپرهیزید. (۱۳۲) و خدا و رسول را اطاعت کنید، شاید مورد رحمت قرار گیرید. (۱۳۳) برای نیل به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن به قدر آسمان ها و زمین است و برای پرهیزکاران آماده گردیده، بشتابید. (۱۳۴) (متقین) کسانی هستند که در راحت و رنج انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از (خطای) مردم می گذرند، و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد. (۱۳۵) (افراد با تقوا) کسانی هستند که هرگاه کار زشتی انجام دهند و یا به خویشان ستم کنند، خدا را یاد کرده و برای گناهان خود استغفار می کنند. و جز خدا کیست که گناهان را ببخشد؟ و (متقین) چون به زشتی گناه آگاهند بر انجام آنچه کرده اند، پافشاری ندارند. (۱۳۶) پاداش آنان (متقین) از طرف پروردگارشان، مغفرت و باغ هایی است که از زیر درختان آنها نهرها جاری است و برای همیشه در آن (باغ ها) هستند و چه نیکوست پاداش اهل عمل. (۱۳۷) به یقین پیش از شما سنت هایی بوده (و سپری شده) است. پس در روی زمین گردش کنید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است. (۱۳۸) این (قرآن) برای همه ی مردم بیانی روشنگر، ولی برای متقین (وسیله ی) هدایت و پندآموزی است. (۱۳۹) و اگر مؤمن هستید، سستی نکنید و غمگین مباشید که شما برترید. (۱۴۰) اگر (در جنگ احد) به شما جراحی می رسد، پس قطعاً به گروه کفار نیز (در جنگ بدر) زخمی همانند آن رسیده است. و ما روزها (ی شکست و پیروزی) را در میان مردم می گردانیم تا خداوند (با امتحان) کسانی را که ایمان آورده اند، معلوم دارد و از شما

گواهانی (بر دیگران) بگ یرد و خداوند ستمگران را دوست نمی دارد. (گرچه گاهی به ظاهر پیروز شوند) (۱۴۱) و (فراز و نشیب های جنگ برای آن است) تا خداوند افراد مؤمن را پاک و خالص، و کافران را (به تدریج) محو و نابود گرداند. (۱۴۲) آیا گمان دارید که (با ادعای ایمان) وارد بهشت شوید، در حالی که هنوز خداوند مجاهدان از شما و صابران را معلوم نساخته است؟ (۱۴۳) همانا شما مرگ (و شهادت) را (پس از جنگ بدر) پیش از آنکه با آن روبرو شوید سخت آرزو می کردید، پس آن را (در جنگ اُحد) دیدید، ولی (ناخوشایند به آن) نگاه می کردید. (۱۴۴) و محمد جز پیامبری نیست که پیش از او نیز پیامبران (دیگری آمده و) در گذشته اند. (بنابراین مرگ برای انبیا نیز بوده و هست)، پس آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به (آئین) گذشتگان خود برمی گردید؟ و هر کس به عقب برگردد، پس هرگز هیچ ضرری به خداوند نمی زند و خداوند بزودی پاداش شاکران را خواهد داد. (۱۴۵) هیچ کس جز به فرمان خدا نمی میرد، (و این) سرنوشتی است تعیین شده. و هر کس پاداش دنیا را بخواهد از آن به او می دهیم، و هر کس پاداش آخرت را بخواهد از آن به او می دهیم، و بزودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد. (۱۴۶) و چه بسیار پیامبرانی که همراه آنان خداپرستان بسیاری جنگیدند، پس برای آنچه در راه خدا به آنان رسید، نه سستی کردند و نه ناتوان شدند و تن به ذلت ندادند و خداوند صابران را دوست دارد. (۱۴۷) و کلام آنها (رزمندگان مخلص و آگاه) جز این نبود که گفتند: «پروردگارا گناهانمان و زیاده روی هایمان را در کارمان بیخس و گامهای

ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری ده. (۱۴۸) پس خداوند پاداش دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد. (۱۴۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از کسانی که کفر ورزیدند اطاعت کنید، شما را به آئین گذشتگان کافرتان برمی گردانند، پس به خسارت و زیانکاری بازخواهید گشت. (۱۵۰) (از آنها که دوستدار شما نیستند پیروی نکنید)، بلکه خداوند مولای شماست و او بهترین یاوران است. (۱۵۱) بزودی در دلهای کسانی که کفر ورزیدند، بیم خواهیم افکند، زیرا چیزی را با خدا شریک کرده اند که بر (حقانیت) آن (خداوند) دلیلی نازل نکرده است و جایگاه آنان آتش دوزخ است و چه بد است جایگاه ستمگران. (۱۵۲) و قطعاً خداوند وعده ی خود را (مبنی بر پیروزی شما در جنگ اُحد) محقق گرداند، زیرا که دشمن را با خواست او می کشتید، تا آنکه سست شدید و در کار (جنگ و تقسیم غنائم) به نزاع پرداختید و از (دستور پیامبر) نافرمانی کردید، با آنکه خداوند (پیروزی و) آنچه را (از غن ائمه) که محبوب شما بود به شما نشان داده بود. برخی از شما خواهان دنیایند (و غنائم جنگی)، و برخی خواهان آخرت (و شهادت در راه خدا). پس آنگاه خداوند شما را از (تعقیب) آنان منصرف ساخت (و پیروزی شما به شکست انجامید)، تا شما را بیازماید، ولی از (خطای) شما درگذشت و همانا خداوند نسبت به مؤمنان، صاحب فضل و بخشش است. (۱۵۳) (به خاطر بیاورید) هنگامی که (در جنگ اُحد به هنگام فرار، از کوه) بالا می رفتید و به هیچ کس توجه نمی کردید، (در حالی که) پیامبر شما را از پشت سرتان فرامی خواند (که به

جای خود برگردید). پس به سزای آن، خداوند غمی بر غم هایتان افزود تا دیگر بر آنچه (از غنائی م) از کفتان رفته یا (از آسیب و زخم) بر سرتان آمد، اندوه نخورید و (بدانید که) خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۵۴) سپس (خداوند) به دنبال آن غم، آرامشی (به گونه ی) خوابی سبک بر شما فرو فرستاد که گروهی از شما را فراگرفت (و با آن، خستگی و اضطراب از تن شما بیرون رفت. این آرامش برای کسانی بود که از فرار خود در اُحد ناراحت و تائب بودند)، ولی گروه دیگر که همّتشان (حفظ) جان خودشان بود و به (وعده های) خدا همچون دوران جاهلیت گمان ناحق داشتند، (به طعنه) می گفتند: آیا چیزی از امر (نصرت الهی) با ماست؟ بگو: براستی که امر (پیروزی) همه اش بدست خداست. آنها در دل های خود چیزی را مخفی می کنند که برای تو آشکار نمی کنند، می گویند: اگر در تصمیم گیری (برای شیوه جنگ)، حقّی برای ما بود، ما در اینجا کشته نمی شدیم. (به آنان) بگو: اگر در خانه هایتان نیز بودید، آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، به سوی قتلگاه خود روانه می شدند و (حادثه اُحد) برای آن است که آنچه را در سینه های شماست، خدا بیازماید و آنچه را در دل دارید، پاک و خالص گرداند و خداوند به آنچه در سینه هاست داناست. (۱۵۵) همانا کسانی از شما که روز برخورد دو سپاه (در اُحد، از جنگ) روی برگرداندند (و فرار کردند)، جز این نبود که شیطان به خاطر بعضی از کردار (ناپسند)شان آنها را لغزانید و البتّه خداوند از آنها گذشت، براستی که خداوند آمرزنده ی بردبار است. (۱۵۶) ای کسانی که ایمان

آوردید! مانند کسانی که کفر ورزیدند نباشید که درباره ی برادران خود، که به سفر رفته یا رزمند بودند، گفتند: اگر نزد ما بودند نمی مردند و کشته نمی شدند. (بلکه با دلگرمی به جبهه بروید) تا خداوند آن (شجاعت و شهادت طلبی شما) را در دلهای کفار (و منافقان) مایه ی حسرت (رسیدن به هدفشان) قرار دهد و خداوند (است که) زنده می کند و می میراند و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست. (۱۵۷) و اگر در راه خدا کشته شوید و یا بمیرید (زیان نکرده اید، زیرا) آمرزش و رحمت خداوند از آنچه (آنان در طول عمر خود) جمع می کنند، بهتر است. (۱۵۸) و اگر بمیرید یا کشته شوید، قطعاً به سوی خداوند برانگیخته می شوید. (۱۵۹) (ای رسول ما!) پس به خاطر رحمتی از جانب خدا (که شامل حال تو شده)، با مردم مهربان گشته ای و اگر خشن و سنگدل بودی، (مردم) از دور تو پراکنده می شدند. پس از (تقصیر) آنان در گذر و برای آنها طلب آمرزش کن و در امور با آنان مشورت نما، پس هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش و) بر خداوند توکل کن. براستی که خداوند توکل کنندگان رادوست می دارد. (۱۶۰) اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر شما را خوار کند، پس چه کسی است که بعد از آن بتواند شما را یاری کند؟ (بنابراین) مؤمنان فقط باید بر خداوند توکل کنند. (۱۶۱) و هیچ پیامبری را نسزد که خیانت کند و هر کس خیانت کند، آنچه را که (در آن) خیانت نموده روز قیامت به همراه آورد، سپس به هر کس پاداش کامل آنچه کسب کرده، داده شود و آنها ستم نبینند. (۱۶۲) آیا کسی که در پی

خشنودی خداوند است، مانند کسی است که به خشم و غضب خدا دچار گشته و جایگاه او جهنم است؟ و چه بد بازگشتگاهی است. (۱۶۳) آنان نزد خداوند (دارای) درجاتی هستند و خداوند به آنچه انجام می دهند، بیناست. (۱۶۴) همانا خداوند بر مؤمنان منت گذاشت که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنها تلاوت کند و ایشان را پاک کرده و رشد دهد و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند که پیش از آن، قطعاً آنها در گمراهی آشکار بودند. (۱۶۵) آیا چون مصیبتی (در جنگ احد) به شما رسید که دو برابرش را (در جنگ بدر) به آنها (دشمن) وارد ساخته بودید، گفتند: این مصیبت از کجاست؟ (و چرا به ما رسید؟) بگو: آن از سوی خودتان است. قطعاً خداوند بر هر کاری تواناست. (۱۶۶) و آنچه روز مقابله ی دو گروه (کفر و ایمان در احد) به شما وارد شد، به اذن خدا بود (تا شما را آزمایش کند) و مؤمنان را مشخص کند. (۱۶۷) و چهره ی منافقان معلوم شود، (کسانی که چون) به آنها گفته شد: بیایید شما (هم مثل دیگران) در راه خدا بجنگید و یا (لااقل از حریم خود) دفاع کنید، گفتند: اگر (فنون) جنگی را می دانستیم، حتماً از شما پیروی می کردیم. آنها در آن روز، به کفر نزدیک تر بودند تا به ایمان. با دهانشان چیزی می گویند که در دلشان نیست و خداوند به آنچه کتمان می کنند آگاه تر است. (۱۶۸) منافقان کسانی هستند که (بعد از پایان جنگ احد، دست به تبلیغات یأس آور زده و در حالی که خود از جنگ سر باز زده و در خانه های) خود نشسته اند و در حق برادران خود گفتند:

اگر از ما پیروی می کردند کشته نمی شدند. به آنان بگو: اگر راست می گوئید، مرگ را از خودتان باز دارید. (۱۶۹) و هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده اند، مردگانند؛ بلکه آنها زندگانی هستند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. (۱۷۰) آنان بخاطر آنچه خداوند از فضلش به آنها داده، شادمانند و به کسانی که به دنبال ایشانند، ولی هنوز به آنها ملحق نشده اند، مژده می دهند که نه ترسی بر آنها است و نه غمی خواهند داشت. (۱۷۱) به نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پادشاه مؤمنان را تباه نمی کند، (آیندگان را) مژده می دهند. (۱۷۲) آنان که دعوت خدا و رسول را (برای شرکت دوباره در جهاد علیه کفار) پذیرفتند، با آنکه جراحاتی به آنان رسیده بود، برای نیکوکاران و پرهیزکاران آنها، پادشاه بزرگی است. (۱۷۳) مؤمنان کسانی هستند که (چون) مردم (منافق) به ایشان گفتند: بی شک مردم (کافر مکه) بر ضد شما گرد آمده (و بسیج شده) اند، پس از آنان بترسید، (آنها به جای ترس) بر ایمانشان بیافزود و گفتند: خداوند ما را کفایت می کند و او چه خوب نگهبان و یابوری است. (۱۷۴) پس (این مجروحینی که برای بار دوم آماده دفاع شدند؛ بدون رخ دادن عملیاتی) با نعمت و فضل خداوند (به مقر خود) بازگشتند، در حالی که هیچ گزندی به آنها نرسید و (همچنان) از رضای پروردگار پیروی کردند و خداوند صاحب فضل بزرگی است. (۱۷۵) این شیطان است که دوستان خویش را (از قدرت کفار) می ترساند، پس اگر ایمان دارید از آنان نترسید و فقط از (مخالفت) من بترسید. (۱۷۶) و (ای پیامبر!) کسانی که در کفر می شتابند، ترا اندوهگین نکنند. آنان هرگز به خداوند ضرری نمی زنند. خداوند خواسته است که برای آنها

هیچ بهره ای در قیامت قرار ندهد و برای آنان عذابی بزرگ است. (۱۷۷) قطعاً کسانی که ایمان را با کفر معامله کردند، هرگز به خداوند ضرری نمی رسانند و برای آنان عذاب دردناکی است. (۱۷۸) و کسانی که کافر شدند، میندارند مهلتی که به آنان می دهیم برایشان خوب است، همانا به آنان مهلت می دهیم تا بر گناه (خود) بیفزایند و برای آنان عذابی خوارکننده است. (۱۷۹) خداوند بر آن نیست که (شما) مؤمنان را بر آن حالی که اکنون هستید رها کند، مگر اینکه (با پیش آوردن آزمایش های پی در پی،) ناپاک را از پاک جدا کند. و خداوند بر آن نیست که شما را بر غیب آگاه سازد، ولی از پیامبرانش، هر که را بخواهد (برای آگاهی از غیب) برمی گزیند، پس به خدا و پیامبرانش ایمان آورید و (بدانید) اگر ایمان آورده و تقوا پیشه کنید، پس برای شما پاداش بزرگی خواهد بود. (۱۸۰) و کسانی که نسبت به (انفاق) آنچه خداوند از فضلش به آنان داده، بخل می ورزند، گمان نکنند که (این بخل) برای آنان بهتر است، بلکه آن برایشان بدتر است. به زودی آنچه را که بخل کرده اند در روز قیامت، (به صورت) طوقی بر گردنشان آویخته می شود. و میراث آسمان ها و زمین مخصوص خداست و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۱۸۱) همانا خداوند سخن کسانی را که گفتند: خدا فقیر است و ما توانگریم، شنید. به زودی این سخن آنان، و به ناحق کشتن آنان پیامبران را، خواهیم نوشت و به آنان خواهیم گفت: بچشید عذاب آتش سوزان را. (۱۸۲) آن (عذاب) به سبب دست آورد قبلی خودتان است و همانا خداوند نسبت به بندگان، ستمگر نیست. (۱۸۳) کسانی که گفتند: همانا خداوند

از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم، مگر آنکه (به صورت معجزه) یک قربانی برای ما بیاورد، که آتش (صاعقه آسمانی) آن را بخورد! بگو: (این حرف ها بهانه است)، بی گمان پیامبرانی پیش از من، با دلائلی روشن و (حتی) با همین (پیشنهادی) که گفتید، برای شما آمدند، پس اگر راست می گوئید چرا آنان را کشتید؟ (۱۸۴) (بنابراین) پس اگر تو را تکذیب کردند (چیز تازه ای نیست، زیرا) انبیای قبل از تو نیز که همراه با معجزات و نوشته ها و کتاب روشنگر آمده بودند، تکذیب شدند. (۱۸۵) هر کسی چشمنده ی مرگ است. و بی گمان روز قیامت پاداش های شما به طور کامل پرداخت خواهد شد. پس هر کس از آتش بر کنار شد و به بهشت وارد گشت، قطعاً رستگار است و زندگانی دنیا، جز مایه ی فریب نیست. (۱۸۶) قطعاً شما در اموال و جان های خویش آزمایش خواهید شد و از کسانی که پیش از شما کتاب (آسمانی) داده شده اند و از کسانی که شرک ورزیده اند، آزار بسیاری می شنوید و اگر صبوری و پرهیزگاری پیشه کنید، پس قطعاً آن (صبر، نشانه ی) عزم استوار شما در کارهاست. (۱۸۷) و (به یاد آور) زمانی که خداوند از کسانی که به آنان کتاب (آسمانی) داده شد، پیمان گرفت که حتماً باید آن را برای مردم بیان کنید و کتمان نکنید، پس آنها آن (عهد) را پشت سر خویش انداختند و به بهای کمی مبادله کردند، پس چه بد معامله ای کردند. (۱۸۸) گمان مبر کسانی که به آنچه کرده اند، شادمانی می کنند و دوست دارند برای آنچه نکرده اند ستایش شوند، مپندار که آنها از عذاب الهی رسته اند، (زیرا) برای آنها عذابی دردناک است. (۱۸۹) و حکومت آسمان ها و زمین برای خداست و

خداوند بر هر کاری تواناست. (۱۹۰) همانا در آفرینش آسمان ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، نشانه هایی (از علم، رحمت، قدرت، مالکیت، حاکمیت و تدبیر خداوند) برای خردمندان است. (۱۹۱) (خردمندان) کسانی هستند که ایستاده و نشسته و (خوابیده) بر پهلو یاد خدا می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین اندیشه می کنند (و از عمق جان می گویند): پروردگارا! این هستی را باطل و بی هدف نیافریده ای، تو (از کار عبث) پاک و منزهی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار. (۱۹۲) پروردگارا! هر که را تو (بخاطر اعمال بدش) به دوزخ افکنی، پس بی شک او را خوار و رسوا ساخته ای و برای ستمگران هیچ یاورانی نیست. (۱۹۳) پروردگارا! همانا ما دعوت منادی ایمان را شنیدیم که (می گفت): به پروردگارتان ایمان بیاورید، پس ایمان آوردیم. پروردگارا! پس گناهان ما را بیامرز و زشتی های ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران. (۱۹۴) (خردمندان می گویند): پروردگارا! آنچه را به واسطه ی پیامبران به ما وعده داده ای، به ما مرحمت فرما و ما را در روز قیامت خوار مساز، که البتّه تو خلاف وعده انجام نمی دهی. (۱۹۵) پس پروردگارشان دعای آنان را مستجاب کرد (و فرمود): که من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، خواه مرد یا زن، (گرچه) همه از یکدیگرید، تباه نمی کنم (و بی پاداش نمی گذارم). پس کسانی که هجرت کرده و از خانه هایشان رانده شده و در راه من آزار و اذیت دیده، جنگیده و کشته شدند، قطعاً من لغزش هایشان را می پوشانم و در باغ هایی که نهرا از زیرشان جاری است، واردشان می کنم. (این) پاداشی است از طرف خدا، و پاداش نیکو تنها نزد خداست. (۱۹۶) رفت و آمد کفار در شهرها ترا فریب ندهد. (۱۹۷) (بهره ی آنها

از این رفت و آمدها) متاع ناچیزی است، سپس جایگاه ابدی آنان جهنم است که بد جایگاهی است. (۱۹۸) لکن برای کسانی که نسبت به پروردگارشان پروا داشته باشند، باغ هایی است که نهراها از زیر درختانش جاری است. آنان برای همیشه در آنجا هستند و این پذیرایی (اولیه) از جانب خداوند است، ولی آنچه در نزد خداست برای نیکان بهتر است. (۱۹۹) و همانا بعضی از اهل کتاب، کسانی هستند که به خداوند و آنچه به شما نازل شده و آنچه به خودشان نازل شده، خاشعانه ایمان می آورند. آیات الهی را به بهای اندک معامله نمی کنند. آنها هستند که برایشان نزد پروردگارشان پاداش است. همانا خداوند سریع الحساب است. (۲۰۰) ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید و (در برابر دشمنان نیز) پایدار باشید (و دیگران را به صبر دعوت کنید) و از مرزها مراقبت کنید و از خداوند پروا داشته باشید، شاید که رستگار شوید. (۲۰۱)

النساء

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، آن کس که شما را از یک نفس آفرید و همسرش را نیز از (جنس) او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را (در روی زمین) پراکنده ساخت و از خدایی که (با سوگند) به او از یکدیگر درخواست می کنید، پروا کنید. و (نسبت) به ارحام نیز تقوا پیشه کنید (و قطع رحم نکنید) که خداوند همواره مراقب شماست. (۲) و اموال یتیمان را به آنان (باز) دهید و اموال بد (خودتان) را با اموال خوب (یتیمان) تبدیل نکنید و اموال آنان را با اموال خود نخورید، همانا این (تصرفات ظالمانه) گناهی بزرگ است. (۳) و اگر می ترسید که عدالت را

درباره ی (ازدواج با) دختران یتیم مراعات نکنید، (از ازدواج با آنان صرف نظر نمایید و) با زنان دلخواه (دیگر) ازدواج کنید، دوتا، سه تا، یا چهار تا. پس اگر ترسیدید که (میان همسران) به عدالت رفتار نکنید، پس یک همسر (کافی است) یا (به جای همسر دوّم از) کنیزی که مال شماست (کام بگیرید، گرچه کنیز هم حقوقی دارد که باید مراعات شود) این نزدیک تر است که ستم نکنید. (۴) و مهر و کابین زنان را به صورت هدیه و با رغبت بدهید و اگر با میل و رغبت خویش چیزی از آن را به شما بخشیدند، آن را حلال و گوارا مصرف کنید. (۵) و اموال خود را که خداوند وسیله ی برپائی زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان ندهید (ولی) رزق و مخارج آنان را از درآمد آن بدهید و آنان را بپوشانید و با آنان سخن شایسته و نیکو بگویید. (۶) و یتیمان را بیازمایید، تا هنگامی که به (سنّ بلوغ و ازدواج) برسند، پس اگر در آنان رشدی (فکری) یافتید، اموالشان را به ایشان برگردانید و آن را به اسراف و شتاب، از (بیم) اینکه بزرگ شوند (و اموالشان را از شما بگیرند) مصرف نکنید. و هر (قیمت و سرپرستی) که بی نیاز است، عفت به خرج دهد (و از گرفتن حق الزّحمه ی امور یتیمان چشم پوشد) و آن که نیازمند است، به مقدار متعارف (در برابر نگهداری از مال یتیم) می تواند ارتزاق کند. پس هرگاه اموالشان را به آنان رد کردید، (افرادی را) بر آنان گواه و شاهد بگیرید. (این گواهی برای حفظ حقوق یتیمان است، و گرنه) خدا برای محاسبه کافی است. (۷) برای مردان، از آنچه پدر و مادر و نزدیکان،

(پس از مرگ) بر جای گذاشته اند سهمی است، و برای زنان (نیز) از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذاشته اند، سهمی است، خواه (مقدار مال) کم باشد یا زیاد، سهمی معین و مقرر است. (۸) و اگر هنگام تقسیم (ارث) خویشاوندانی (که ارث نمی برند) و یتیمان و مستمندان حاضر شدند، پس چیزی از آن مال به آنان روزی دهید و با آنان پسندیده سخن بگوئید. (۹) و کسانی که اگر پس از خود فرزندان ناتوانی به یادگار بگذارند، بر (فقر آینده) آنان می ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم نیز) بترسند. از خداوند پروا کنند و سخنی استوار گویند. (۱۰) همانا، آنان که اموال یتیمان را به ستم می خورند، در حقیقت، آتشی را در شکم خود فرو می برند و بزودی در آتشی افروخته وارد خواهند شد. (۱۱) خداوند درباره (ارث) فرزندانان به شما سفارش می کند، برای پسر مانند سهم دو دختر است، پس اگر وارثان از جنس زن و بیش از دو نفر باشند، دوسوم میراث، سهم آنان است و اگر یکی باشد، نصف میراث از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر (میت)، یک ششم میراث است، اگر میت، فرزندی داشته باشد. اما اگر فرزندی نداشته و پدر و مادر، تنها وارث او باشند، مادر یک سوم می برد (و باقی برای پدر است) و اگر متوفی برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می برد. (البته تقسیم ارث) پس از عمل به وصیتی است که او (متوفی) سفارش کرده یا پرداخت بدهی اوست. شما نمی دانید پدران و پسرانان، کدامیک برایتان سودمندترند. این احکام، از سوی خدا واجب شده است، همانا خداوند دانا و حکیم است. (۱۲) و برای شما (مردان) نصف

ارثی است که همسرانتان به جا گذاشته اند، اگر آنان فرزندی نداشته باشند، (هر چند از شوهر دیگر)، ولی اگر برای آنان فرزندی باشد، سهم شما یک چهارم از میراث است، البتّه پس از عمل به وصیّتی که کرده اند یا ادای دینی که دارند و (اما اگر شوهر از دنیا رفت) سهم زنان یک چهارم از چیزی است که به جا گذاشته اید، البتّه اگر فرزندی نداشته باشید، ولی اگر فرزندی داشته باشید (اگر چه از همسر دیگر) سهم همسران یک هشتم از چیزی است که بر جای نهاده اید. (این تقسیم) پس از عمل به وصیّت یا پرداخت دینی است که دارید و اگر مرد یا زنی که از او ارث می برند کلاله باشد (یعنی والدین و فرزندی نداشته باشد) و برای او برادر و خواهر باشد، برای هر یک از آنان یک ششم است و اگر آنان (خواهر و برادر) بیش از یکی باشند، همه آنان در یک سوّم، به تساوی شریکند، (البتّه) پس از انجام وصیّت میت یا ادای دین او، بی آنکه وصیّت، ضرر به وارث داشته باشد. این، سفارشی از سوی خداست و خداوند، دانا و بردبار است. (۱۳) آن (چه گفته شد)، حدود و مقرّرات الهی است و هر کس از خدا و رسولش پیروی کند خداوند او را به باغهایی وارد می کند که از زیر درختانش نهرها جاری است، آنان همیشه در آن می مانند، و این است کامیابی و رستگاری بزرگ. (۱۴) و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند و از حدود الهی تجاوز نماید، خدا او را وارد آتشی می کند که همیشه در آن می ماند و برای او عذابی خوارکننده است. (۱۵) و از زنان

شما کسانی که مرتکب زنا شوند، پس چهار نفر از میان شما (مردان مسلمان) را بر آنان شاهد بگیرید، پس اگر شهادت دادند، آن زنان را در خانه‌ها (ی خودشان) نگاه دارید، تا مرگشان فرا رسد، یا آنکه خداوند، راهی برای آنان قرار دهد (و قانون جدیدی بیاورد). (۱۶) و آن دو نفری از شما که سراغ فحشا و زنا روند (زن یا مرد زناکار و بدون همسر) هر دو را آزار دهید (و بر آنان حد جاری کنید). پس اگر توبه کرده و خود را اصلاح کردند، از آنان درگذرید (زیرا) خداوند توبه پذیر مهربان است. (۱۷) بی گمان (پذیرش) توبه بر خدا، برای کسانی است که از روی جهالت کار بد می کنند، سپس زود توبه می کنند. پس خداوند توبه ی آنان را می پذیرد و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۸) و پذیرش توبه، برای کسانی که کارهای زشت می کنند تا وقتی که مرگ یکی از آنان فرا رسد، آنگاه می گوید: همانا الآن توبه کردم، نیست. و نیز برای آنان که کافر بمیرند، بلکه برای آنان عذاب دردناک مهیا کرده ایم. (۱۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه به ارث برید و بر آنان سخت نگیرید تا بعضی از آنچه را به آنان بخشیده اید، خود ببرید، مگر آنکه مرتکب فحشاء آشکار شوند و با آنان به نیکویی رفتار کنید و اگر از همسرانتان خوشتان نیامد چه بسا شما چیزی را خوش نداشته باشید، ولی خداوند، خیر فراوان در آن قرار داده باشد. (۲۰) و اگر خواستید همسری بجای همسری انتخاب کنید و مال فراوانی به آنان داده باشید، از او چیزی مگیرید. آیا می خواهید با بهتان و گناه آشکار، آن

را بازپس گیرید؟! (۲۱) و چگونه آن مال را پس می گیرید، در حالی که هر یک از شما از دیگری کام گرفته اید و همسرانتان از شما (هنگام ازدواج، برای پرداخت مهریه) پیمان محکم گرفته اند! (۲۲) و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود در آورده اند، ازدواج نکنید، مگر آنچه در گذشته (پیش از نزول این حکم) انجام شده است. همانا این گونه ازدواج، بسیار زشت و مایه ی دشمنی و راه بدی است. (۲۳) بر شما حرام شده است (ازدواج با) مادرانتان و دخترانتان، و خواهرانتان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و آن مادرانتان که به شما شیر داده اند و خواهران رضاعی (شیری) شما و مادران همسرانتان و دختران همسرانتان (از شوهر قبلی) که در دامن شما تربیت یافته اند، به شرط آنکه با مادرانشان، همبستر شده باشید، پس اگر آمیزش نکرده اید مانعی ندارد (که با آن دختران ازدواج کنید) و (همچنین حرام است ازدواج با) همسران پسرانتان که از نسل شمایند (نه پسر خوانده ها) و (حرام است در ازدواج) جمع بین دو خواهر، مگر آنچه پیشتر انجام گرفته است. همانا خداوند بخشنده و مهربان است. (۲۴) و (ازدواج با) زنان شوهردار (نیز بر شما حرام شده است)، مگر آنان که (به حکم خداوند، در جنگ با کفار) مالک شده اید. (این احکام)، نوشته و قانون خدا بر شماست. و جز اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که (زنان دیگر را) به وسیله ی اموال خود، به قصد پاکدامنی و نکاح، نه به قصد زنا، طلب کنید. پس هرگاه از آن زنان، (به نکاح موقت) کام گرفتید، مهرشان را به عنوان یک واجب پردازید و پس از تعیین مهر، در (تغییر

مدّت عقد یا مقدار مهر) آنچه با یکدیگر توافق کنید، بر شما گناهی نیست. همانا خداوند دانا و حکیم است. (۲۵) و هر کس از شما، که توانایی مالی ندارد تا با زنان آزاد با ایمان ازدواج کند، پس از کنیزان با ایمانی که شما مالک آنید، (به زنی بگیرد) و خداوند به ایمان شما داناتر است. همه از یکدیگرید، پس (نگویید: که من آزادم و تو کنیز. و) با اذن صاحبانشان آن کنیزان را به همسری درآورید و مهریه نیکو و به طور شایسته به آنان بدهید، به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه اهل فحشا و نه اهل دوست گرفتن های پنهانی. پس آنگاه که کنیزان، صاحب همسر شدند، اگر مرتکب زنا شوند، کیفرشان نصف کیفر زنان آزاد است. این (نوع از ازدواج)، برای کسانی از شما رواست که از (رنج و فشار بی همسری و) افتادن به گناه و زنا بر خود بترسد، با این همه، صبر کردن (و ازدواج نکردن با کنیزان) برایتان بهتر است و خداوند بخشنده و مهربان است. (۲۶) خداوند می خواهد (با این قوانین، راه سعادت را) برای شما آشکار سازد و شما را به سنت های (خوب) پیشینیانتان راهنمایی کند و شما را (با بیان احکام) از گناه پاک سازد و خداوند، دانا و حکیم است. (۲۷) و خداوند می خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک سازد)، ولی کسانی که از هوسها پیروی می کنند، می خواهند که شما به انحرافی بزرگ تمایل پیدا کنید. (۲۸) خداوند می خواهد (با آسان کردن قوانین ازدواج، بار تکلیف) شما را سبک کند. و انسان، ضعیف آفریده شده است. (۲۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل نخورید، مگر اینکه

تجارتی با رضایت یکدیگر باشد. و خود (و یکدیگر) را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما همواره مهربان بوده است. (۳۰) و هر کس از روی تجاوز و ستم چنان کند (و دست به مال و جان مردم دراز کرده، یا خودکشی و خونریزی کند) به زودی او را در آتشی (عظیم) وارد سازیم و این کار، بر خداوند آسان است. (۳۱) اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید پرهیز کنید، گناهان کوچکتان را بر شما می پوشانیم و شما را در جایگاهی ارجمند وارد می کنیم. (۳۲) و آنچه را که خداوند سبب برتری بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید. برای مردان از آنچه بدست آورده اند بهره ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده اند بهره ای می باشد و (به جای آرزو و حسادت) از فضل خداوند بخواهید، که خداوند به هر چیزی داناست. (۳۳) و از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان و کسانی که با آنان پیمان بسته اید، برجا گذاشته اند، برای هر یک وارثانی قرار داده ایم، پس سهم آنان را (از ارث) بپردازید، زیرا که خداوند بر هر چیز، شاهد و ناظر است. (۳۴) مردان دارای ولایت بر زنانند از آن جهت که خدا بعضی از ایشان (مردان) را بر بعضی (زنان) برتری داده (قدرت بدنی، تولیدی و اراده بیشتری دارند) و از آن جهت که از اموال خود نفقه می دهند، پس زنان شایسته، فرمان بردارند و نگهدار آنچه خدا (برای آنان) حفظ کرده، (حقوق و اسرار شوهر)، در غیاب اویند. و (اما) زنانی که از سرپیچی آنان بیم دارید، پس (نخست) آنان را موعظه کنید و (اگر مؤثر نشد) در خوابگاه از آنان دوری کنید و (اگر

پند و قهر اثر نکرد،) آنان را بزیند (و تنبیه بدنی کنید)، پس اگر اطاعت شما را کردند، بهانه ای بر آنان (برای ستم و آزار) مجوید. همانا خداوند بزرگوار و بزرگ مرتبه است.(۳۵) و اگر از (ناسازگاری و) جدایی میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید، پس داوری از خانواده ی شوهر، و داوری از خانواده ی زن برگزینید (تا به اختلاف آن دو رسیدگی کنند) اگر این دو بنای اصلاح داشته باشند خداوند میان آن دو را به توافق می رساند، زیرا خداوند، (از نیت همه) با خیر و آگاه است.(۳۶) و خدا را بپرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و به بستگان و یتیمان و بینوایان و همسایه ی نزدیک و همسایه ی دور و یار هم نشین و در راه مانده و زبردستان و بردگانتان (نیز نیکی کنید). همانا خداوند، هر که را متکبر و فخر فروش باشد، دوست نمی دارد.(۳۷) (متکبران خود برترین) کسانی هستند که (هم خود) بخل می ورزند و (هم) مردم را به بخل فرمان می دهند و آنچه را که خداوند از فضل خود به آنان بخشیده پنهان می دارند. و ما برای کفران کنندگان نعمت ها عذابی خوارکننده آماده کرده ایم.(۳۸) و (متکبران خود برترین) کسانی هستند که اموال خود را از روی ریا و برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارند و هر کس که شیطان همدم او باشد، پس چه بد همدمی است.(۳۹) و بر ایشان چه می شد، اگر به خداوند و روز قیامت ایمان می آوردند و از آنچه خداوند، روزی آنان کرده (از روی اخلاص، نه ریا) انفاق می کردند؟ و خداوند به نیت آنان

داناست. (۴۰) همانا خداوند، به مقدار ذره ای هم ستم نمی کند و اگر کار نیکی باشد آن را دوچندان می کند و از جانب خویش نیز پاداش بزرگی عطا می کند. (۴۱) پس چگونه خواهد بود آنگاه که از هر امتی گواهی (از خودشان) بیاوریم و تو را نیز بر آنان گواه آوریم؟! (۴۲) در چنین روز، کسانی که کفر ورزیدند و پیامبر را نافرمانی کردند، آرزو می کنند که ای کاش با زمین یکسان می شدند و هیچ سخنی را نمی توانند از خدا کتمان کنند. (۴۳) ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا آنکه بدانید چه می گوئید. و نیز در حال جنابت نزدیک (مکان) نماز، (مسجد) نشوید، مگر به طور عبوری (و بی توقف) تا اینکه غسل کنید. و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از جای گودی (کنایه از قضای حاجت) آمد، یا تماسی (و آمیزش جنسی) با زنان داشتید و (در این موارد) آب نیافتید، پس بر زمین (و خاک) پاک و دلپسندی تیمم کنید، (دو کف دست بر خاک زنید) آنگاه صورت و دست هایتان را مسح کنید، همانا خداوند، بخشنده و آمرزنده است. (۴۴) آیا ندیدی آنان را که بهره ای از کتاب خدا به آنان داده شده بود (به جای آنکه هدایت کسب کنند) گمراهی می خردند و می خواهند شما (نیز) راه را گم کنید. (۴۵) و خداوند به دشمنان شما داناتر است و کافی است که خدا سرپرست شما باشد و کافی است که خدا یاور شما باشد. (۴۶) بعضی از یهودیان، سخنان را از جایگاهش تحریف می کنند (و بجای آنکه بگویند: شنیدیم و اطاعت کردیم) می گویند: شنیدیم و نافرمانی کردیم (و بی ادبانه به پیامبر اسلام می گویند: بشنو که هرگز نشنوی

ما را تحمیق کن، (این گونه می گویند) تا با زبان خود حقایق را بگردانند و در دین شما طعنه زنند و اگر می گفتند: (کلام خدا) را شنیدیم و اطاعت کردیم و (کلام ما را) بشنو و به حال ما بنگر (تا حقایق را بهتر درک کنیم) برایشان بهتر بود و با منطق سازگارتر، ولی خداوند آنان را به خاطر کفر و سرسختی شان لعن کرد، پس جز اندکی توفیق ایمان نیافتند. (۴۷) ای کسانی که به شما کتاب (آسمانی) داده شده! به آنچه نازل کردیم که تصدیق کننده ی چیزی است که با شماست، (تورات و انجیل) ایمان آورید، پیش از آنکه چهره هایی را محو و نابینا کنیم، پس به پشت برگردانیم، یا مورد لعن خویش سازیم، آنگونه که اصحابِ روزِ شنبه (یهودیان متخلف) را لعنت کردیم. و فرمان خداوند، شدنی است. (۴۸) همانا خداوند، این که به او شرک ورزیده شود نمی بخشد، ولی هر چه پایین تر باشد، برای هر که بخواهد می بخشد. و هر کس به خداوند شرک ورزد به تحقیق گناهی بزرگ بر ساخته است. (۴۹) آیا ندیدی کسانی که خود را پاک و بی عیب می شمردند؟ (چنین نیست) بلکه خداوند، هر کس را بخواهد پاک می گرداند و آنان به اندازه نخ هسته خرما ظلم نمی شوند. (۵۰) بنگر چگونه بر خدا دروغ می بندند! و همین گناه آشکار برای (مجازات) آنان بس است. (۵۱) آیا کسانی را که بهره ای از کتاب (خدا) به آنها داده شده، ندیده ای که به بت و طاغوت ایمان می آورند و درباره کفار می گویند: اینان از کسانی که (به اسلام و محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورده اند، راه یافته ترند. (۵۲) آنانند کسانی که خداوند، لعنتشان کرده است و هر کس را خدا لعن کند،

هرگز برای او یآوری نخواهی یافت. (۵۳) آیا برای آنان (یهودیان) بهره ای از حکومت است؟ که در آن هنگام ذره ای به مردم نمی دادند. (۵۴) یا اینکه (یهودیان) نسبت به مردم (مسلمان) به خاطر آنچه که خداوند از فضل خویش به آنان داده است، حسد می ورزند. همانا ما قبلاً به آل ابراهیم (که شما از نسل او هستید نیز) کتاب آسمانی و حکمت و سلطنت بزرگی دادیم. (چرا اکنون به آل محمد علیهم السلام ندهیم؟) (۵۵) پس بعضی از یهودیان به او (پیامبر اسلام) ایمان آوردند و بعضی (نه تنها ایمان نیاوردند، بلکه) از ایمان آوردن مردم جلوگیری کردند، و شعله ی سوزان دوزخ، برای کیفر آنان بس است. (۵۶) همانا به زودی کسانی را که به آیات ما کافر شدند در آتشی خواهیم افکند. هر چه پوست بدنشان بسوزد، پوست دیگری بجای آن قرار می دهیم تا کیفر را بچشند. همانا خداوند توانا و حکیم است. (۵۷) و کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده اند، به زودی در باغ هایی که از زیر (درختان) آن نهرها جاری است وارد می کنیم. آنان همیشه در آن جاودانند، برایشان در آن جا همسرانی پاکیزه است و آنان را در سایه هایی پایدار (بدون سردی و گرمی و طوفان) در آوریم. (۵۸) همانا خداوند فرمانتان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید و هرگاه میان مردم داوری کردید، به عدل حکم کنید. چه نیک است آنچه که خداوند شما را بدان پند می دهد. بی گمان خداوند شنوای بیناست. (۵۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و از رسول و اولی الامر خود (جانشینان پیامبر) اطاعت کنید. پس اگر درباره چیزی نزاع کردید آن را به حکم خدا و پیامبر ارجاع دهید، اگر به

خدا و قیامت ایمان دارید. این (رجوع به قرآن و سنت برای حلّ اختلاف) بهتر و پایانش نیکوتر است. (۶۰) آیا کسانی را که می‌پندارند به آنچه بر تو و آنچه (بر پیامبران) پیش از تو نازل شده است، ایمان آورده اند نمی بینی که می‌خواهند داوری را نزد طاغوت (و حکام باطل) ببرند، در حالی که مأمورند به طاغوت، کفر ورزند. و شیطان می‌خواهد آنان را گمراه کند، گمراهی دور و درازی! (۶۱) و چون به آنان گفته شود (که برای داوری) به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید، منافقان را می‌بینی که به شدت از پذیرش دعوت تو روی می‌گردانند. (۶۲) پس چگونه وقتی به خاطر کارهایی که از قبل انجام دادند، مصیبتی و مشکلی به آنان می‌رسد و (از برای رهایی از آن) سراغ تو می‌آیند، به خدا سوگند یاد می‌کنند که هدف ما (از مراجعه به طاغوت) جز نیکی و توافق (میان دو طرف نزاع) نبوده است. (۶۳) آنان کسانی اند که خداوند، آنچه را در دل دارند می‌داند. پس از آنان در گذر و پندشان ده و با آنان سخنی رسا که در جانشان بنشیند بگویی. (۶۴) و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای آنکه با اذن خداوند فرمان برده شود و اگر آنان هنگامی که به خود ستم کردند (از راه خود برگشته و) نزد تو می‌آمدند و از خداوند مغفرت می‌خواستند و پیامبر هم برای آنان استغفار می‌کرد قطعاً خداوند را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند. (۶۵) نه چنین است؛ به پروردگارت سوگند، که ایمان (واقعی) نمی‌آورند مگر زمانی که در مشاجرات و نزاع‌های خود، تو را داور قرار دهند، و در دل خود هیچگونه احساس ناراحتی از قضاوت تو نداشته باشند

(و در برابر داوری تو) کاملاً تسلیم باشند. (۶۶) و اگر به آنان حکم می‌کردیم که تن به کشتن دهید (و یکدیگر را به فرمان ما بکشید) یا از خانه و سرزمین خود بیرون روید، جز افرادی اندک، این دستور را انجام نمی‌دادند و اگر آنان به آنچه پند داده می‌شوند عمل می‌کردند، برایشان بهتر و در پایداری مؤثرتر بود. (۶۷) و در این صورت یقیناً ما از جانب خود پاداشی بزرگ به آنان می‌دادیم. (۶۸) و قطعاً آنان را به راهی راست هدایت می‌کردیم. (۶۹) و هر کس که از خدا و پیامبر اطاعت کند، پس آنان (در قیامت) با کسانی همدم خواهند بود که خداوند بر آنان نعمت داده است، مانند پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان و اینان چه همدم‌های خوبی هستند. (۷۰) این همه تفضل از سوی خداست و خداوند برای آگاه بودن بس است. (۷۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر دشمن هوشیار باشید و به علامت آمادگی) سلاح خود را بردارید، پس به صورت دسته‌های پراکنده و نامنظم یا همه با هم بسوی دشمن حرکت کنید. (۷۲) و همانا از شما کسانی اند که (هم خودشان سست می‌باشند و هم) عامل‌کنندی و دل‌سردی رزمندگان می‌شوند، چون به شما مشکلی برسد، می‌گویند: خدا بر من منت نهاده که همراه آنان (در جبهه) حضور نیافتم (یا همراه آنان شهید نشدم) (۷۳) و اگر فضل و غنیمتی از سوی خداوند به شما برسد، آن چنان که گویا میان شما و او هرگز دوستی نبوده (تا نفع شما را نفع خود داند) خواهد گفت: ای کاش (در جهاد) با آنان بودم تا به رستگاری بزرگ (پیروزی و غنائم) می‌رسیدم. (۷۴) پس باید در راه خدا کسانی بجنگند که زندگی دنیا را به

آخرت می فروشند و کسی که در راه خدا می جنگد، کشته شود یا پیروز گردد، بزودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد. (۷۵) شما را چه شده که در راه خدا و (در راه نجات) مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی جنگید، آنان که می گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمگرند بیرون بر و از جانب خود رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، یآوری برای ما تعیین فرما. (۷۶) کسانی که ایمان آورده اند، در راه خدا جهاد می کنند و کسانی که کافر شده اند در راه طاغوت می جنگند. پس با دوستان و یاران شیطان بجنگید (و بیم نداشته باشید) زیرا حیلۀ شیطان ضعیف است. (۷۷) آیا نمی نگری کسانی را که (پیش از هجرت) به آنان گفته شد (اکنون) دست نگهدارید و نماز به پا دارید و زکات بپردازید. لیکن چون جهاد (در مدینه) بر آنان مقرر شد، گروهی از آنان از مردم (مشرک مکه) چنان می ترسیدند که گویا از خدا می ترسند، بلکه بیش از خدا (از کفار می ترسیدند) و (از روی اعتراض) گفتند: پروردگارا! چرا جنگ را بر ما واجب کردی؟ چرا ما را تا سرآمدی نزدیک (مرگ طبیعی) مهلت ندادی؟ بگو: برخورداری دنیا اندک و ناچیز است و برای کسی که تقوا پیشه کند آخرت بهتر است، و به اندازه ی رشته ی میان هسته خرما، به شما ستم نخواهد شد. (۷۸) هر کجا باشید، مرگ شما را درمی یابد هر چند در دژهای مستحکم (یا ستارگان) باشید. اگر به آنان (منافقان) نیکی و پیروزی برسد، می گویند: این از سوی خداست، و اگر بدی به ایشان رسد، می گویند: این از جانب تو است. بگو: همه چیز از سوی خداست.

این قوم را چه شده که در معرض فهم هیچ سخنی نیستند؟ (۷۹) (ای انسان!) آنچه از نیکی به تو رسد از خداست و آنچه از بدی به تو برسد از نفس توست. و (ای پیامبر) ما تو را به رسالت برای مردم فرستادیم و گواهی خدا در این باره کافی است. (۸۰) هر کس پیامبر را پیروی کند، بی شک خداوند را اطاعت کرده است و هر که اعراض کند و سرپاز زند، ما تو را بر آنان نگهبان نفرستاده ایم. (۸۱) (منافقان، به هنگام روز و در حضور تو) می گویند: اطاعت! پس چون از نزد تو بیرون می روند، گروهی از آنان در جلسات شبانه و بیتوته ها برخلاف گفته ی تو کار می کنند، ولی خداوند، آنچه را در این جلسات می گذرد، می نویسد. پس از آنان اعراض و بر خداوند توکل کن، و کافی است که خداوند، پشتیبان باشد. (۸۲) چرا در معانی قرآن تدبیر نمی کنند؟ در حالی که اگر این قرآن، از طرف غیر خدا بود قطعاً اختلاف های بسیاری در آن می یافتند. (۸۳) هنگامی که خبری (و شایعه ای) از ایمنی یا ترس (پیروزی یا شکست) به آنان (منافقان) برسد، آن را فاش ساخته و پخش می کنند، در حالی که اگر آن را (پیش از نشر) به پیامبر و اولیای امور خود ارجاع دهند، قطعاً آنان که اهل درک و فهم و استنباطند، حقیقت آن را درمی یابند. و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، به جز اندکی، پیروی از شیطان می کردید. (۸۴) پس در راه خدا پیکار کن، که جز شخص تو (کسی بر آن) مکلف نیست و مؤمنان را (به جهاد) ترغیب کن، باشد که خداوند از گزند کافران جلوگیری کند و خداوند قدرتمندتر و مجازاتش دردناکتر است. (۸۵) هر

کس وساطت نیکو کند، او هم سهمی از پاداش خواهد داشت و هر کس به کار بد وساطت کند، بهره ای از کیفر خواهد داشت و خداوند بر هر چیزی نگهبان است. (۸۶) و هرگاه شما را به درودی ستایش گفتند، پس شما به بهتر از آن تحیت گوید یا (لا اقل) همانند آن را (در پاسخ) باز گوید که خداوند همواره بر هر چیزی حسابرس است. (۸۷) خداوند که معبودی جز او نیست، همه شما را در روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست جمع می کند، و راستگوتر از خدا در سخن کیست؟ (۸۸) چرا درباره ی منافقانی که خداوند به خاطر اعمالشان، آنان را سرنگون کرده دو دسته شده اید؟! آیا می خواهید کسانی را که خداوند گمراه کرده، به راه آورید؟ (مگر نمی دانید) هر که را خداوند گمراه کند، هرگز راهی برای نجاتش نخواهی یافت؟ (۸۹) آنان (منافقان) دوست دارند که شما همچون خودشان کافر شوید، تا با آنان برابر گردید. پس از آنان دوستانی نگیرید تا آنکه (توبه کرده و) در راه خدا هجرت کنند. پس اگر سرباز زدند (و به همکاری با کفار ادامه دادند) پس آنان را هر جا یافتید بگیرید و بکشید و از آنان هیچ دوست و یآوری نگیرید. (۹۰) مگر کسانی (از منافقان) که به قومی پیوسته اند که میان شما و آن قوم پیمانی است، یا (کسانی که) نزد شما می آیند در حالی که سینه هاشان از جنگ با شما یا قوم خودشان به تنگ آمده است (و اصلاً حال جنگ با هیچ طرفی را ندارند و این بی حوصلگی آنها لطف خداست) زیرا اگر خداوند می خواست آنان را بر شما مسلط می کرد و آنان با شما مقاتله می کردند. پس اگر آنان

از شما کناره گرفته و با شما نجنگیدند و پیشنهاد صلح و سازش دادند، خداوند برای شما راهی برای تعرض و جنگ با آنان قرار نداده است. (۹۱) بزودی گروهی دیگر را خواهید یافت که می خواهند از شما (با اظهار اسلام) در امان باشند و از قوم خود نیز (با اظهار کفر) ایمن باشند. آنان هر بار به سوی فتنه (و بت پرستی) برگردند، در آن فرو می افتند. پس اگر از درگیری با شما کناره نگرفتند و به شما پیشنهاد صلح ندادند و دست از شما برنداشتند، آنان را هر جا یافتید، بگیرید و بکشید که آنانند کسانی که ما برای شما بر ایشان قدرت و تسلطی آشکار قرار داده ایم. (۹۲) و هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمن دیگر را بکشد، مگر از روی اشتباه، و هر کس مؤمنی را به خطا کشت، پس باید برده ی مؤمنی را آزاد کند و خونبهای کشته را به خانواده اش تسلیم کند، مگر آنکه (خانواده ی مقتول، از دیه ی قاتل) بگذرد و اگر (مقتول) با آنکه مؤمن است، از قومی است که با شما دشمن است (جریمه اش فقط) آزاد کردن یک برده ی مؤمن است و اگر (مقتول) از قومی باشد که میان شما و آنان پیمان است، دیه ی او را به خانواده اش تسلیم کند و برده ی مؤمنی را آزاد سازد. و اگر (برده ای برای آزاد کردن، یا پولی برای خرید برده) نیافت، پس دو ماه پیاپی روزه بگیرد. این، (تخفیف و) بازگشتی از سوی خدا (به مردم) است، و خداوند دانا و حکیم است. (۹۳) و هر کس به عمد مؤمنی را بکشد پس کیفرش دوزخ است که همیشه در آن خواهد بود، و خداوند بر او

غضب و لعنت کرده و برای او عذاب‌های بزرگ آماده ساخته است. (۹۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه در راه خدا (برای جهاد) گام برداشتید پس (در کار دشمن) تحقیق کنید و به کسی که نزد شما (با کلامی یا عملی یا سلامی یا پیشنهادی) اظهار اسلام و صلح می کند، نگویید: تو مؤمن نیستی، تا بدین بهانه کالای زندگی دنیا و غنائم بدست آورید. زیرا که غنائم بسیار، نزد خداوند است. شما نیز خودتان قبلاً- این گونه بودید، پس خداوند بر شما منت نهاد (تا ایمان در جانتان نفوذ کرد) پس تحقیق کنید (و زود دست به اسلحه نبرید) که خداوند همواره به آنچه انجام می دهید، به خوبی آگاه است. (۹۵) مؤمنانی که بدون عذر و ضرر (مثل بیماری و معلولیت) از جهاد بازنشسته اند، با مجاهدانی که با اموال و جانهای خویش در راه خدا جهاد می کنند، یکسان نیستند. خداوند، جهادگران با اموال و جانشان را بر وانشستگان (از جنگ) به درجه ای برتری داده است. خداوند همه مؤمنان را وعده ی (پاداش) نیک تر داده است، ولی خداوند مجاهدان را بر وانشستگان، با پاداش بزرگی برتری داده است. (۹۶) (آن پاداش بزرگ) درجات (مهم و متعدّد) همراه با آمرزش و رحمتی از جانب اوست و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است. (۹۷) همانا کسانی که فرشتگان، جانشان را می گیرند، در حالی که بر خویشان ستم کرده اند، از آنان می پرسند: شما در چه وضعی بودید؟ گویند: ما در زمین مستضعف بودیم (و به ناچار در جبهه ی کافران قرار داشتیم) فرشتگان (در پاسخ) گویند: مگر زمین خداوند گسترده نبود تا در آن هجرت کنید؟ آنان، جایگاهشان دوزخ است و بد سرانجامی است. (۹۸) مگر مردان و زنان و

کودکان مستضعف (و زبردستی) که قدرت تدبیر و چاره جویی ندارند و راهی (برای هجرت) نمی یابند. (۹۹) پس آنانند که امید است خداوند از آنان درگذرد و خداوند همواره آمرزنده و بخشاینده است. (۱۰۰) و هر که در راه خداوند هجرت کند، اقامتگاه های بسیار همراه با گشایش خواهد یافت و هر که از خانه اش هجرت کنان به سوی خدا و پیامبرش خارج شود، سپس مرگ، او را دریابد حتماً پاداش او بر خداوند است و خداوند آمرزنده ی مهربان است. (۱۰۱) و هرگاه که در زمین سفر کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید، اگر بیم دارید که کافران به شما آزار و ضرر رسانند. همانا کافران همواره دشمن آشکار شمایند. (۱۰۲) (ای پیامبر!) هرگاه (در سفرهای جهادی) در میان سپاه اسلام بودی و برای آنان نماز برپا داشتی، پس گروهی از آنان با تو (به نماز) بایستند و سلاحهای خود را همراه داشته باشند، پس چون سجده کردند (قیام نمایند و رکعت دوم را فردی انجام داده پس بروند و) پشت سر شما (نگهبان) باشند، و گروه دیگر که نماز نخوانده اند (از رکعت دوم) با تو نماز بخوانند و وسایل دفاع و سلاحهای خود را با خود داشته باشند، کافران دوست دارند که شما از سلاح و ساز و برگ خود غافل شوید تا یکباره بر شما حمله آورند، و اگر از باران رنجی به شما رسید یا بیمار و مجروح بودید، گناهی بر شما نیست که سلاحهایتان را بر زمین بگذارید و (فقط) وسایل دفاع با خود داشته باشید. همانا خداوند برای کافران عذابی خوارکننده فراهم کرده است. (۱۰۳) پس چون نماز را به پایان بردید، خداوند را در (همه) حال ایستاده و

نشسته و به پهلو خوابیده یاد کنید، پس هرگاه آرامش یافتید (و حالت خوف تمام شد) نماز را (بصورت کامل) برپا دارید. همانا، نماز بر مؤمنان در وقت‌های معین واجب شده است. (۱۰۴) و در تعقیب دشمن سستی نکنید، اگر شما رنج می کشید، همانا آنان نیز همان گونه که شما رنج می برید رنج می برند، در حالی که شما چیزی (امدادهای غیبی و بهشت) از خداوند امید دارید که آنان امید ندارند، و خداوند دانا و حکیم است. (۱۰۵) همانا ما این کتاب را بحق بر تو فرو فرستادیم تا میان مردم به آنچه خدا (از طریق وحی) تو را آموخته و نشان داده، داوری کنی و به نفع خیانت کاران به مخاصمت برنخیز. (۱۰۶) و از خداوند طلب آموزش کن که همانا خداوند آمرزنده مهربان است. (۱۰۷) و از کسانی که به خود خیانت می ورزند، دفاع مکن که خداوند خیانت پیشگان گنه کار را دوست ندارد. (۱۰۸) (آنان خیانت خود را) از مردم پنهان می کنند، ولی نمی توانند از خداوند پنهان دارند، در حالی که او آنگاه که شبانه، سخنان غیر خداپسندانه می گویند (و توطئه های پنهانی می کنند) با آنان است و خداوند همواره به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد. (۱۰۹) همان شما همانها هستید که در زندگی دنیا از ایشان (خائنان) جانبداری کردید، پس چه کسی در روز قیامت در برابر خداوند از آنان جانبداری خواهد کرد؟ یا چه کسی (در آن روز)، وکیل و مدافع آنان خواهد شد؟ (۱۱۰) و هر کس بدی کند یا بر خویشان ستم نماید سپس از خداوند آموزش طلبد، خداوند را آمرزنده و مهربان خواهد یافت. (۱۱۱) و هر کس گناهی مرتکب شود، پس در حقیقت به زیان خود مرتکب شده و خداوند دانا و حکیم است. (۱۱۲) و هر کس که

خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس آن را به بی گناهی نسبت دهد، به یقین بار تهمت و گناه آشکاری را بر دوش گرفته است. (۱۱۳) و اگر فضل و رحمت خداوند بر تو نبود، گروهی از آنان تصمیم داشتند که تو را از مسیر حق گمراه کنند، امّا جز خودشان را گمراه نمی کنند و به تو هیچ زیانی نمی زنند. و خداوند کتاب و حکمت را بر تو نازل کرد، و آنچه را نمی دانستی به تو آموخت. و فضل خداوند بر تو، بسی بزرگ بوده است. (۱۱۴) در بسیاری از (جلسات و) سخنان درگوشی آنان، خیری نیست، مگر (سخن) کسی که به صدقه یا کار نیک یا اصلاح و آشتی میان مردم فرمان دهد و هر کس برای کسب رضای خدا چنین کند پس به زودی او را پاداشی بزرگ خواهیم داد. (۱۱۵) و هر کس پس از آنکه هدایت برایش آشکار شد با پیامبر مخالفت کند و راهی جز راه مؤمنان را پیروی کند، او را بدان سوی که روی کرده بگردانیم و او را به دوزخ افکنیم که سرانجام بدی است. (۱۱۶) همانا خداوند از اینکه به او شرک ورزیده شود (بدون توبه) در نمی گذرد ولی پائین تر و کمتر از آن را برای هر کس که بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد. و هر کس به خداوند شرک ورزد حتماً گمراه شده است، گمراهی دور و دراز. (۱۱۷) (مشرکان) به جای خدا، جز معبودانی مؤنث (که نام زن بر آنها نهاده اند مانند لات و مناه و عزی) نمی خوانند و جز شیطان سرکش و طغیانگر را نمی خوانند. (۱۱۸) خداوند لعنتش کرده وقتی که گفت: من حتماً از بندگان تو سهمی معین خواهم گرفت. (و گروهی را منحرف خواهم کرد) (۱۱۹) و

حتماً آنان را گمراه می‌کنم و قطعاً به آرزوها سرگرمشان می‌سازم و دستورشان می‌دهم که گوش چهارپایان را بشکافند (تا علامت باشد که این حیوان سهم بت هاست) و به آنان فرمان می‌دهم که آفرینش خدا را دگرگون سازند. و هر کس به جای خدا، شیطان را دوست و سرپرست خود بگیرد، بی‌گمان زیان کرده است، زیانی آشکار. (۱۲۰) (شیطان) به آنان وعده می‌دهد و ایشان را در آرزو می‌افکند و شیطان جز فریب، وعده‌ای به آنان نمی‌دهد. (۱۲۱) آنانند که جایگاهشان دوزخ است و از آن راه‌گزینی نیابند. (۱۲۲) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی آنان را در باغهایی که از زیر (درختان) آن‌ها جوی‌ها روان است وارد می‌کنیم. همیشه در آن جاودانند. وعده‌ی الهی حق است. و چه کسی در سخن از خداوند، راستگوتر است؟ (۱۲۳) (پاداش و عقاب و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست! هر که بدی کند بدان کیفر داده می‌شود و جز خداوند، برای خویش سرپرست و یآوری نیابد. (۱۲۴) و هر کس کارهای شایسته انجام دهد، چه مرد باشد و چه زن، در حالی که مؤمن باشد پس آنان به بهشت وارد می‌شوند و کمترین ستمی به آنان نمی‌شود. (۱۲۵) و آیین چه کسی بهتر از آن کس است که خود را تسلیم خدا کرده، در حالی که نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی کرده است؟ و خداوند، ابراهیم را به دوستی خود برگزید. (۱۲۶) و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است تنها از آن خداوند است. و خداوند همواره بر هر چیز احاطه دارد. (۱۲۷) و درباره‌ی (ارث) زنان از تو فتوی می‌خواهند، بگو: خدا درباره آنها به شما

فتوی می دهد، و آیه های قرآن که بر شما تلاوت می شود، درباره ی زنان یتیم که حَقشان را نمی دهید و می خواهید به ازدواجشان درآورید و کودکانی که مستضعفند (به شما فتوی می دهد) که با یتیمان به انصاف رفتار کنید و هر کار نیکی انجام دهید، خدا از آن آگاه است. (۱۲۸) و اگر زنی از شوهرش بیم ناسازگاری یا اعراض داشته باشد بر آن دو باکی نیست که به گونه ای با یکدیگر صلح کنند (گرچه با چشم پوشی بعضی از حقوقش باشد) و صلح بهتر است، ولی بخل و تنگ نظری، در نفس ها حاضر شده (و مانع صلح) است، و اگر نیکی کنید و تقوا ورزید، پس بدانید که همانا خداوند به آنچه می کنید آگاه است. (۱۲۹) و هرگز نمی توانید (از نظر علاقه ی قلبی) میان همسران به عدالت رفتار کنید، هرچند کوشش فراوان کنید. پس تمایل خود را یکسره متوجه یک طرف نسازید تا دیگری را بلا تکلیف رها کنید. و اگر راه صلح و آشتی و تقوا پیش گیرید، به یقین خداوند همواره آمرزنده و مهربان است. (۱۳۰) و اگر آن دو از یکدیگر جدا شدند، خداوند هر یک را از کرم و وسعت خویش بی نیاز می کند. و خداوند همواره گشایش دهنده ی حکیم است. (۱۳۱) و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از آن خداست و همانا کسانی را که پیش از شما کتاب آسمانی داده شدند و نیز شما را به تقوای الهی سفارش کردیم و اگر کافر شوید، (چه باک که) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از آن خداست و خداوند همواره بی نیاز و ستوده (ش ایسته ی ستایش) است. (۱۳۲) و برای خداست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است و خداوند

بس کارساز است. (۱۳۳) (ای مردم!) اگر خدا بخواهد شما را از میان می برد و دیگران را می آورد و خداوند بر این کار تواناست. (۱۳۴) هر کس پاداش دنیا را بخواهد، پس (بداند که) پاداش دنیا و آخرت نزد خداست و خداوند همواره شنوای بیناست. (۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره بر پا دارنده ی عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید، گرچه به ضرر خودتان یا والدین و بستگان باشد. اگر (یکی از طرفین دعوا) ثروتمند یا فقیر باشد، پس خداوند به آنان سزاوارتر است. پس پیرو هوای نفس نباشید تا بتوانید به عدالت رفتار کنید. و اگر زبان بیچانید (و به ناحق گواهی دهید) یا (از گواهی دادن به حق) اعراض کنید، پس (بدانید که) خداوند به آنچه می کنید آگاه است. (۱۳۶) ای کسانی که ایمان آورده اید! به خداوند و پیامبرش و کتابی که بر پیامبرش نازل کرده و کتابی که پیشتر فرستاده است، (به همه ی آنها) ایمان (واقعی) بیاورید. و هر کس به خدا و فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبرانش و روز قیامت کفر ورزد پس همانا گمراه شده است، گمراهی دور و درازی. (۱۳۷) آنان که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، بار دیگر ایمان آوردند و دوباره کفر ورزیدند، سپس بر کفر خود افزودند، قطعاً امیدی به آن نیست که خداوند آنان را ببخشد و به راه حق هدایتشان کند. (۱۳۸) منافقان را بشارت ده که برایشان عذابی دردناک است. (۱۳۹) آنان که کافران را بجای مؤمنان، سرپرست و دوست خود می گیرند آیا عزّت را نزد آنان می جویند؟ همانا عزّت به تمامی از آن خداست. (۱۴۰) همانا خداوند در قرآن (این حکم را) بر شما نازل کرده است که هرگاه شنیدید آیات خدا مورد کفر یا

تمسخر قرار می گیرد با آنان، همنشینی نکنید تا به سخن دیگری مشغول شوند، و گرنه شما هم مانند آنان خواهید بود. همانا خداوند همه ی منافقان و کافران را در دوزخ جمع می کند. (۱۴۱) منافقان) کسانی اند که پیوسته (از سر بدخواهی) مراقب شما هستند تا اگر از سوی خدا برای شما پیروزی باشد، گویند: آیا ما با شما نبودیم؟ (پس باید در افتخارات و غنائم شریک شویم) اگر برای کفار بهره ای (از پیروزی) بود، (به کفار) گویند: آیا ما مشوق شما (برای جنگ با مسلمانان) و بازدارنده شما از گزند آنان و عدم تسلیم در برابر) مؤمنان نبودیم؟ پس خداوند روز قیامت، میان شما داوری خواهد کرد. و خداوند هرگز راهی برای سلطه ی کفار بر مسلمانان قرار نداده است. (۱۴۲) همانا منافقان با خدا مکر و حيله می کنند در حالی که خداوند (به کیفر عملشان) با آنان مکر می کند. و هرگاه به نماز برخیزند با کسالت برخیزند، آن هم برای خودنمایی به مردم و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند. (۱۴۳) منافقان) بین کفر و ایمان سرگشته اند، نه با این گروه اند و نه با آن گروه و خداوند هر که را گمراه کند، برای او راه نجاتی نخواهی یافت. (۱۴۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! کافران را به جای مؤمنان دوست و سرپرست خود نگیرید، آیا می خواهید برای خداوند دلیل و حجت آشکار علیه خودتان قرار دهید؟ (۱۴۵) قطعاً منافقان، در پست ترین عمق آتشند و هرگز برای آنان هیچ یآوری نمی یابی. (۱۴۶) مگر آنان که توبه کرده و (گذشته ی خود را) اصلاح نموده و به (دامن لطف) خدا پناه برده و برای خدا از روی اخلاص به دین گرویده اند، پس اینان در زمره ی مؤمنان هستند و بزودی

خداوند به مؤمنان، پاداشی بزرگ خواهد داد. (۱۴۷) اگر شکر گزاری و ایمان آورید، خداوند می خواهد با عذاب شما چه کند؟ در حالی که خداوند همواره حق شناس داناست. (۱۴۸) خداوند، آشکار کردن گفتار بد را دوست نمی دارد، مگر از کسی که به او ستم شده باشد و خداوند، شنوای داناست. (۱۴۹) اگر کار نیکی را آشکارا یا پنهان انجام دهید، یا از لغزش و بدی دیگران درگذرید، بدانید که قطعاً خداوند بخشاینده تواناست. (۱۵۰) قطعاً کسانی که به خداوند و پیامبرانش کفر می ورزند و می خواهند میان خدا و پیامبرانش جدایی بیفکنند و می گویند: به بعضی ایمان می آوریم و به بعضی کافر می شویم، و می خواهند در این میانه راهی در پیش گیرند، (که مطابق هوس باشد، نه عقل و استدلال) (۱۵۱) به حقیقت کافر همین هایند و ما برای کافران عذاب خوارکننده آماده ساخته ایم. (۱۵۲) و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده و میان هیچ یک از آنان جدایی نیفکنده اند، اینانند که بزودی پاداششان را به آنان خواهد داد و خداوند، همواره بخشاینده و مهربان است. (۱۵۳) اهل کتاب از تو می خواهند که کتاب و نوشته ای از آسمان برایشان فرود آوری، بی گمان از موسی بزرگ تر از آن را خواستند که گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان بده! پس به سزای ظلمشان صاعقه آنان را فراگرفت، سپس بعد از آنکه معجزه های روشن برای آنان آمد، گوساله پرستی را پیش گرفتند، پس (بعد از توبه) ما از آن (گناه) هم درگذشتیم و عفو کردیم و به موسی حجتی آشکار دادیم. (۱۵۴) ما کوه طور را به خاطر پیمان گرفتن از آنان (بنی اسرائیل) بالای سرشان قرار دادیم و به ایشان گفتیم: سجده کنان از آن در وارد شوید و به آنان گفتیم: در روز شنبه

(به احکام خدا) تعدی نکنید و از آنان پیمانی محکم گرفتیم. (۱۵۵) و به خاطر پیمان شکنی، و کفر آنان به آیات خدا و کشتن پیامبران به ناحق، و گفتن این سخن که بر دل‌های ما پرده افتاده است (آنان را عقوبت کردیم) بلکه خداوند بر دل‌های آنان به خاطر کفرشان مهر زد و جز اندکی، ایمان نمی‌آورند. (۱۵۶) و به خاطر کفرشان و سخنانشان که تهمت بزرگی به مریم زدند و گناه عظیمی مرتکب شدند، (قهر ما آنان را فراگرفت). (۱۵۷) و (عذاب و لعنت ما آنان را فراگرفت، به خاطر) سخنی که (مغرورانه) می‌گفتند: «ما عیسی بن مریم، فرستاده‌ی خدا را کشتیم» در حالی که آنان عیسی را نه کشتند و نه به دار آویختند، بلکه کار بر آنان مشتبه شد (و کسی شبیه به او را کشتند) و کسانی که درباره‌ی عیسی اختلاف کردند خود در شک بودند و جز پیروی از گمان، هیچ‌یک به گفته‌ی خود علم نداشتند و به یقین او را نکشته‌اند. (۱۵۸) بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد و خداوند عزیز و حکیم است. (۱۵۹) و هیچ‌کس از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش به او (مسیح) ایمان می‌آورد و او روز قیامت، بر آنان گواه خواهد بود. (۱۶۰) و به خاطر ستمی که یهودیان روا داشتند و به خاطر آن که بسیاری از مردم را از راه خدا بازمی‌داشتند، ما چیزهای پاک و دلپسندی را که قبلاً برایشان حلال بود، بر آنان حرام کردیم. (۱۶۱) و به خاطر ربا گرفتن، که از آن نهی شده بودند و خوردن مال مردم به ناحق (طبیات را بر آنان حرام کردیم) و برای کافران از ایشان

عذاب دردناکی فراهم ساخته ایم. (۱۶۲) ولی راسخان در علم از یهود و مؤمنان، به آنچه بر تو و آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان دارند. و به ویژه برپا دارندگان نماز، و اداکنندگان زکات، و ایمان آورندگان به خدا و قیامتند. بزودی آنان را پادش بزرگی خواهیم داد. (۱۶۳) (ای پیامبر!) ما به تو وحی کردیم، آن گونه که به نوح و پیامبران پس از او وحی کردیم. و (همچنین) به ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، اسباط (فرزندان یعقوب)، عیسی، ایوب، یونس، هارون و سلیمان وحی کردیم و به داود، «زبور» دادیم. (۱۶۴) و به پیامبرانی که پیش از این داستان آنان را برایت باز گفته ایم و پیامبرانی که ماجرای آنان را برای تو نگفته ایم نیز وحی کردیم و خداوند با موسی سخن گفت، سخن گفتنی ویژه. (۱۶۵) پیامبرانی (را فرستادیم) که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا پس از پیامبران، برای مردم بر خداوند حجتی نباشد و خداوند همواره شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۶۶) (گرچه کفار، بهانه می گیرند) ولی خداوند، به آنچه بر تو نازل کرده گواهی می دهد، که به علم خود بر تو نازل کرد و فرشتگان نیز (بر حقانیت تو) شهادت می دهند و گواهی خداوند (برای تو) کافی است. (۱۶۷) قطعاً کسانی که کافر شدند و (با القای شبهه و تهمت و تحقیر) مردم را از راه خدا باز داشتند، به تحقیق گمراه شدند، گمراهی دور (از نجات). (۱۶۸) همانا کسانی که کافر شدند و ستم کردند، خداوند بر آن نیست که آنان را بیامرزد و به راهی هدایتشان کند. (۱۶۹) مگر به راه جهنم، که برای همیشه در آن ماندگارند و این (عذاب و کیفر) بر خداوند آسان است. (۱۷۰) ای مردم! همانا پیامبر از سوی پروردگارتان همراه

با حق (قرآن) برای شما آمده است. پس ایمان بیاورید که برای شما بهتر است و اگر (ناسپاسی کرده و) کفر ورزید پس (بدانید که) آنچه در آسمان ها و زمین است از آن خداست و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۷۱) ای اهل کتاب! در دین خود غلو نکنید و جز حق، به خداوند نسبتی ندهید. همانا مسیح، عیسی پسر مریم، فرستاده ی خداوند و کلمه ی اوست که به مریم القا نمود و روحی است از جانب او. پس به خداوند و پیامبرانش ایمان آورید، و به تثلیث قائل نشوید. (از این حرف) دست بردارید که به نفع شماست. جز این نیست که الله خدایی است یکتا، و از اینکه فرزندی داشته باشد منزّه است. آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از آن اوست و خداوند برای تدبیر و سرپرستی هستی کافی است. (۱۷۲) و هرگز مسیح از اینکه بنده خدا باشد استنکاف ندارد و فرشتگان مقرب نیز (سرپیچی ندارند) و هر کس از بندگی خداوند سرپیچی کند و تکبر ورزد، پس (بداند که) بزودی همه را به نزد خود محشور می کند. (۱۷۳) پس آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند پاداش آنان را کامل می دهد و از فضل خویش به ایشان افزون تر می بخشد و اما آنان که سرپیچی کردند و تکبر ورزیدند، خداوند آنان را به عذابی دردناک کیفرشان می دهد و در برابر (قهر) خدا برای خود دوست و یآوری نخواهند یافت. (۱۷۴) ای مردم! از سوی پروردگارتان برای شما برهان و حجتی آمده است و نوری روشنگر (همچون قرآن) را به سوی شما فرود آوردیم. (۱۷۵) پس کسانی که به خداوند ایمان آورده و به او توسل جستند،

به زودی آنان را در رحمت و فضل خویش وارد می کند و آنان را به سوی خود در راه راست هدایت می کند. (۱۷۶) (ای پیامبر!) از تو فتوا می خواهند، بگو: خداوند درباره ی (ارث) کلاله (برادر و خواهر پدیری یا پدر و مادری) به شما چنین فتوا می دهد که: اگر مردی بمیرد و فرزندی (یا پدر و مادری) نداشته باشد ولی خواهری داشته باشد، نصف آنچه به جا گذاشته از آن خواهر است و او نیز از خواهرش اگر فرزندی نداشته باشد همه اموال را ارث می برد و اگر دو خواهر باشند، دو سوم دارایی به جامانده را ارث می برند (هر کدام یک سوم) و اگر چند برادر و خواهر باشند مرد برابر سهم دو زن ارث می برد. خداوند احکام را برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید و خداوند به هر چیز دانا است. (۱۷۷)

المائدة

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! به عقد و پیمان ها (ی خود، با خدا و مردم) وفا کنید. (خوردن گوشت) چهارپایان برای شما حلال گشته، مگر آنها که (حکم حرمتش) بر شما خوانده خواهد شد، و در حال احرام شکار را حلال نشمرید، همانا خداوند به هر چه خواهد (و مصلحت بداند) حکم می کند. (۲) ای کسانی که ایمان آورده اید! حرمت شعائر الهی، و ماه حرام، و قربانی حج و حیواناتی که برای حج علامت گذاری شده اند و راهیان خانه خدا، که فضل و خشنودی پروردگارشان را می طلبند نشکنید، و هر گاه از احرام بیرون آمدید (و اعمال عمره را به پایان رساندید) می توانید شکار کنید. و دشمنی با گروهی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند، شما را به بی عدالتی و تجاوز وادار

نکنند. و در انجام نیکی ها و دوری از ناپاکی ها یکدیگر را یاری دهید، و هرگز در گناه و ستم، به هم یاری نرسانید، و از خداوند پروا کنید، که همانا خداوند، سخت کیفر است. (۳) بر شما، (خوردن گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شود، و حیوانی (حلال گوشت) که بر اثر خفه شدن، یا کتک خوردن، یا پرت شدن، یا شاخ خوردن بمیرد، و نیم خورده درندگان حرام شده است مگر آنکه (قبل از کشته شدن به دست درنده)، به طور شرعی ذبح کرده باشید. همچنین حرام است حیوانی که برای بت ها ذبح شده یا به وسیله ی چوبه های قمار تقسیم می کنید. همه ی اینها نافرمانی خداست. امروز، (روز هجده ذی الحجّه سال دهم هجری که حضرت علی (ع) به فرمان خدا به جانشینی پیامبر اکرم (ص) منصوب شد) کافران از (زوال) دین شما مأیوس شدند، پس، از آنان نترسید و از من بترسید. امروز دینتان را برای شما کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را به عنوان «دین» برایتان برگزیدم. پس هر که در گرسنگی گرفتار شود، بی آنکه میل به گناه داشته باشد، (می تواند از خوردنی های تحریم شده بهره ببرد). همانا خداوند، بخشنده و مهربان است. (۴) (ای پیامبر!) از تو می پرسند: چه چیزهایی برای آنان حلال شده است؟ بگو: تمام پاکیزه ها برای شما حلال گشته است، و (نیز صید) سگ های شکاری آموزش دیده که در پی شکار گسیل می دارید و از آنچه خداوند به شما آموخته، به آنها یاد می دهید. پس، از آنچه برای شما گرفته اند بخورید و نام خدا را (هنگام

فرستادن حیوان شکاری) بر آن ببرید و از خدا پروا کنید، که خداوند سریع الحساب است. (۵) امروز، همه ی چیزهای پاک و دلپسند برای شما حلال شده است، و طعام اهل کتاب برای شما حلال است و طعام شما نیز برای آنان حلال است. و (ازدواج با) زنان پاکدامن و با ایمان و نیز زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب آسمانی داده شده مانعی ندارد. در صورتی که مهریه زنان را بپردازید و پاکدامن باشید نه زناکار، و نه دوست گیرنده ی پنهانی (و نامشروع) و هر کس به ایمان خود کفر ورزد، قطعاً عمل او تباه شده و او در آخرت از زیانکاران است. (۶) ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه به نماز برخاستید، پس صورت و دستهایتان تا آرنج را بشوید و قسمتی از سر و پاهایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید. و اگر جنب بودید، خود را پاک کنید (و غسل نمایید)، و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از محلّ گودی (محلّ قضای حاجت) آمده یا با زنان تماس گرفتید (و آمیزش جنسی کردید) و آبی (برای غسل یا وضو) نیافتید، با خاک پاک تیمّم کنید، پس (قسمتی از) صورت و دستانتان را از آن خاک (که بر دستانتان مانده) مسح کنید، خداوند نمی خواهد که شما را در تنگی قرار دهد، بلکه می خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما کامل سازد، شاید شما شکرگزار باشید. (۷) و به یاد آورید نعمتی را که خداوند بر شما عطا کرده و پیمانی را که بطور محکم با شما بست، آنگاه که گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم. و

از خداوند پروا کنید، زیرا که خدا از درون سینه ها آگاه است. (۸) ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا با تمام وجود قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی عدالتی و ادا نکند. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیکتر است و از خداوند پروا کنید که همانا خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۹) خداوند تنها به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده ی آمرزش و پاداشی بزرگ داده است. (۱۰) و آنان که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب نمودند، همانان اهل دوزخند. (۱۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خداوند را بر خودتان یاد کنید، آنگاه که جمعی (از دشمنان) قصد داشتند به سوی شما دست تعدی دراز کنند (و شما را نابود سازند)، اما خداوند دست آنان را از شما کوتاه کرد و از خدا بترسید، و مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل کنند. (۱۲) و به تحقیق خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت، و از میان آنان دوازده سرپرست (برای دوازده طایفه) برانگیختیم، و خداوند (به آنان) فرمود: من با شمایم، اگر نماز به پا دارید و زکات پردازید و به پیامبرانم ایمان آورده و یاری شان کنید و به خداوند وامی نیکو دهید، قطعاً گناهانتان را می پوشانم و شما را به باغهایی وارد می کنم که نهرها زیر (درختان) آن جاری است. پس از این، هر کس از شما کافر شود، به راستی از راه راست منحرف گشته است. (۱۳) پس (بنی اسرائیل را) به خاطر شکستن پیمانشان لعنت کردیم (و از رحمت خویش دور ساختیم) و دل هایشان را سخت گردانیدیم. آنان کلمات (الهی) را از جایگاه های

خود تحریف می کنند، و بخشی از آنچه را به آنان تذکر داده شده بود فراموش کردند، و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می شوی (هر روز توطئه و خیانتی تازه دارند) مگر اندکی از ایشان (که سنگدل و تحریف گر و خائن نیستند). پس، از آنان در گذر و از لغزش هایشان چشم پپوش. همانا خداوند نیکوکاران را دوست می دارد. (۱۴) و از کسانی که گفتند ما مسیحی هستیم پیمان گرفتیم، پس آنان (نیز همچون بنی اسرائیل) بخشی از آنچه را تذکر داده شده بودند فراموش کردند، پس دشمنی و کینه را تا روز قیامت در میانشان قرار دادیم و خداوند به زودی آنان را به آنچه انجام می دهند آگاه خواهد ساخت. (۱۵) ای اهل کتاب! همانا پیامبر ما به سویتان آمد، در حالی که بسیاری از آنچه را شما از کتاب (آسمانی) پنهان می کردید برای شما بیان می کند و از بسیاری (خلاف ها یا حقایقی که شما پنهان کرده اید و فعلا نیازی به آنها نیست) درمی گذرد. قطعا از سوی خداوند، نور و کتاب آشکار برایتان آمده است. (۱۶) خداوند به وسیله ی آن (کتاب) کسانی را که بدنبال رضای الهی اند، به راه های امن و عافیت هدایت می کند، و آنان را با خواست خود از تاریکی ها به روشنایی درمی آورد، و به راه راست هدایت می کند. (۱۷) آنان که گفتند: خدا، همان مسیح پسر مریم است، قطعا کافر شدند. (ای پیامبر! به آنان) بگو: اگر خداوند اراده کند که مسیح پسر مریم و مادرش و هر کس در زمین است، همگی را هلاک کند، چه کسی در برابر (قهر) او از خود چیزی دارد؟ حکومت آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن

خداست، هر چه را بخواهد می آفریند و خداوند بر هر چیز تواناست. (۱۸) و یهودیان و مسیحیان گفتند: ما پسران خدا و دوستان (خاص) اویم. بگو: پس چرا شما را به (کیفر) گناهانتان عذاب می کند؟! (چنین نیست) بلکه شما نیز انسان هایی از مخلوقات اوید (و امتیازی ندارید). (خداوند) هر که را بخواهد (و شایسته بداند) می آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می کند، و حکومت آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن خداوند است، و بازگشت و سرانجام تنها به سوی اوست. (۱۹) ای اهل کتاب! همانا رسول ما در دورانی که پیامبرانی نبودند به سوی شما آمد تا (حقایق را) برای شما بیان کند، تا مبادا بگویید: ما را بشارت دهنده و بیم دهنده ای نیامد، براستی بشیر و نذیر برایتان آمد، و خداوند بر هر چیز تواناست. (۲۰) و (به یاد آورید) زمانی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! نعمت خدا را بر خود یاد آورید، هنگامی که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهان قرار داد (که صاحب اختیار مال و جان و ناموس و حکومت شدید) و به شما چیزهایی داد که به هیچ یک از جهانیان نداده بود. (۲۱) (موسی فرمود:) ای قوم من! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما مقّرر کرده وارد شوید و به پشت سر خود برنگردید که زیانکار می گردید. (۲۲) (بنی اسرائیل در پاسخ) گفتند: ای موسی! همانا در آن سرزمین گروهی ستمگر وجود دارد و ما هرگز وارد آن نمی شویم، تا آنان از آن سرزمین بیرون شوند، پس اگر از آنجا بیرون روند بی تردید ما داخل می شویم!. (۲۳) دو نفر از مردانی که (از خدا) می ترسیدند

و خدا به آنان نعمت (عقل و ایمان و شهامت) داده بود، گفتند: از دروازه ی شهر بر دشمن وارد شوید (و نترسید) پس چون که داخل شدید همانا پیروزید و اگر ایمان دارید بر خدا توکل کنید. (۲۴) (بنی اسرائیل) گفتند: ای موسی! تا وقتی که آنها (جباران ستمگر) در آن شهرند، ما هرگز وارد آن نخواهیم شد. پس تو و پروردگارت بروید (و با آنان) بجنگید، ما همانا همین جا نشسته ایم. (۲۵) (موسی) گفت: پروردگارا! همانا من جز خود و برادرم، اختیار کسی را ندارم، پس میان ما و قوم فاسق و تبه کار فاصله بینداز. (۲۶) (خداوند به موسی) فرمود: به درستی که آن (سرزمین مقدّس) تا چهل سال بر آنان ممنوع شد، (پس به خاطر این سستی و تخلف این مدّت طولانی را) در زمین سرگردان (و از مواهب مادّی و معنوی آن سرزمین مقدّس، محروم) خواهند شد، پس بر این قوم تبه کار و فاسق، تأسّف مخور. (۲۷) (ای پیامبر!) داستان دو پسر آدم را به حق بر مردم بازخوان، آنگاه که (هر یک از آن دو) قربانی پیش آوردند، پس از یکی (هابیل) پذیرفته شد و از دیگری (قابیل) قبول نگشت. (قابیل) گفت: حتما تو را خواهم کشت، (هابیل) گفت: خداوند، تنها از متّقین قبول می کند. (۲۸) (هابیل به برادرش قابیل گفت:) اگر تو برای کشتن من دستت را به سویم دراز کنی، من هرگز برای کشتن تو دستم را دراز نخواهم کرد، زیرا من از خداوند، پروردگار جهانیان بیم دارم. (۲۹) همانا من می خواهم تو با بار گناه من (که پس از کشتنم بر عهده تو قرار می گیرد) و گناه خودت (به سوی خدا) بازگردی و از دوزخیان باشی، و این است کیفر ستمکاران. (۳۰) پس

نفس او (با وسوسه ای برخاسته از حسد) کشتن برادرش را برایش آسان و رام ساخت و او را کشت، در نتیجه از زیانکاران گشت. (۳۱) پس خداوند، زاغی فرستاد که زمین را می کاوید، تا به او نشان دهد که چگونه کشته ی برادرش را بپوشاند (و دفن کند. قایل) گفت: وای بر من! آیا عاجزم از اینکه مانند این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟ سرانجام او از پشیمانان شد. (۳۲) به همین جهت، بر بنی اسرائیل نوشتیم که هر کس انسانی را جز به قصاص یا به کیفر فساد در زمین بکشد پس چنان است که گویی همه ی مردم را کشته است، و هر که انسانی را زنده کند (و از مرگ یا انحراف نجات دهد) گویا همه ی مردم را زنده کرده است و البتّه رسولان ما دلایل روشنی را برای مردم آوردند، اما (با این همه) بسیاری از مردم بعد از آن (پیام انبیا) در روی زمین اسرافکار شدند. (۳۳) همانا کیفر آنان که با خداوند و پیامبرش به محاربه برمی خیزند و (با سلاح و تهدید و غارت) در زمین به فساد می کوشند، آن است که کشته شوند، یا به دار آویخته شوند، یا دست و پایشان بطور مخالف بریده شود یا آنکه از سرزمین (خودشان) تبعید شوند. این کیفر ذلت بار دنیوی آنان است و در آخرت برایشان عذابی عظیم است. (۳۴) مگر کسانی که پیش از آنکه بر آنان دست یابید توبه کرده باشند، پس بدانید که خداوند آمرزنده و مهربان است. (۳۵) ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید و (برای تقرب) به سوی او وسیله بجویید، و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. (۳۶) همانا کسانی

که کافر شدند، اگر تمام آنچه را در زمین است و همانند آن را دارا باشند تا برای نجات از عذاب روز قیامت فدیة دهند، از آنان پذیرفته نمی شود و برای آنان عذابی دردناک است. (۳۷) آنان می خواهند از آتش دوزخ بیرون آیند در حالی که از آن بیرون آمدنی نیستند و برایشان عذابی دائم و پایدار است. (۳۸) مرد و زن دزد را به جزای کاری که انجام داده اند دستشان را قطع کنید. این کیفری است از سوی خداوند و خداوند مقتدر حکیم است. (۳۹) پس هر که بعد از ظلمش توبه کند و (کارهای فاسد خویش را) اصلاح نماید، قطعاً خداوند توبه او را می پذیرد، همانا خداوند، آمرزنده ی مهربان است. (۴۰) آیا ندانستی که حکومت و فرمانروایی آسمان ها و زمین تنها از آن خداست، هر که را (طبق حکمت و عدالت خود) بخواهد عذاب می کند و هر که را بخواهد می آمرزد و خداوند بر هر چیزی تواناست. (محارب و مفسد و سارق را عذاب می دهد، و تائب پیشیمان را می پذیرد و می بخشاید). (۴۱) ای پیامبر! کسانی که در کفر شتاب می کنند، غمگینت نسازند، (خواه) آن گروه که (منافقانه) به زبان گفتند: ایمان آورده ایم، ولی دل‌هایشان ایمان نیاورده است. (و خواه) از یهودیان آنان که برای دروغ سازی (و تحریف) با دقت به سخنان تو گوش می دهند و همچنین (به قصد جاسوسی) برای قوم دیگری که نزد تو نیامده اند، به سخنان تو گوش می دهند (و یا گوش به فرمان دیگرانی هستند که نزد تو نیامده اند) آنان کلمات (تورات یا پیامبر) را از جایگاه خود تحریف می کنند و (به یکدیگر) می گویند: اگر این مطلب (که مطابق میل ماست) به شما داده شد بگیریید و

بپذیرید، ولی اگر (آنچه طبق خواسته ی ماست) به شما داده نشد، دوری کنید. (ای پیامبر!) هر که را خداوند بخواهد آزمایش و رسوایش کند تو هرگز در برابر قهر الهی هیچ کاری نمی توانی برایش بکنی. آنان کسانی اند که خداوند نخواسته است دل هایشان را پاک کند. برای آنان در دنیا ذلت و خواری، و برایشان در آخرت، عذابی بزرگ است. (۴۲) آنان برای دروغ سازی به دقت گوش می دهند و همواره مال حرام (رشوه و ربا) می خورند، پس اگر (برای داوری) نزد تو آمدند، یا میانشان داوری کن یا از آنان روی بگردان. و اگر از آنان روی بگردانی پس هرگز هیچ زیانی به تو نخواهند رساند. و اگر داوری کنی، پس میانشان به قسط و عدل قضاوت کن، همانا خداوند دادگران را دوست دارد. (۴۳) و (یهودیان) چگونه تو را داور قرار می دهند، در حالی که تورات نزد ایشان است (و) در آن حکم خداست، پس بعد از آن (که تو موافق آن کتاب حکم کردی) روی می گردانند و آنان مؤمن نیستند. (۴۴) همانا ماتورات را نازل کردیم (که) در آن هدایت و نور است. پیامبران الهی که تسلیم فرمان خدا بودند، بر طبق آن برای یهود حکم می کردند، و (همچنین) مرئیان الهی و دانشمندان، بر طبق این کتاب آسمانی که حفاظت آن به آنان سپرده شده بود و بر آن گواه بودند، داوری می کردند، پس (ای علما!) از مردم نترسید (و احکام خدا را بیان کنید) و از (مخالفت با) من بترسید و آیات مرا به بهای اندک نفروشید. و کسانی که طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند پس آنان همان کافرانند. (۴۵) و در آن (تورات) برایشان مقرر کردیم

که (در قصاص) جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان باشد و همه ی زخمها را (نیز به همان ترتیب و اندازه) قصاص است. پس هر که آن را صدقه دهد، کفاره ی گناهانش محسوب شود و کسانی که به آنچه خدا نازل فرموده حکم نکنند، پس آنان همان ستمگرانند. (۴۶) و به دنبال آنان (پیامبران پیشین) عیسی پسر مریم را آوردیم در حالی که تورات را که پیش از او بود تصدیق می کرد و به او انجیل دادیم، که در آن هدایت و نور است و تصدیق کننده ی تورات قبل از آن است و برای پروا پیشگان مایه ی هدایت و موعظه است. (۴۷) و اهل انجیل، به آنچه خداوند در آن کتاب نازل کرده حکم کنند. و کسانی که به آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند. پس آنان همان فاسقانند. (۴۸) و ما کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می کند و حاکم و حافظ آنها است. پس به آنچه خداوند نازل کرده، میان آنان حکم کن و (با دور شدن) از حقی که برای تو آمده، از هوا و هوس آنان پیروی مکن، ما برای هر یک از شما آیین و طریقه ی روشنی قرار دادیم، و اگر خداوند می خواست، همه ی شما را یک امت قرار می داد (و همه یک قانون و آیین داشتید). ولی (خداوند می خواهد) تا شما را در آنچه به شما داده بیازماید، پس در کارهای نیک سبقت بگیرید، (و بدانید که) بازگشت همه ی شما به سوی خداست، پس او شما را به آنچه

در آن اختلاف می کردید آگاه خواهد ساخت. (۴۹) و اینکه میان آنان طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم کن، و از هوسهای آنان پیروی مکن، و بر حذر باش از این که تو را از برخی از آنچه خداوند بر تو نازل کرده منحرف سازند. پس اگر آنان (از حکم و داوری تو) روی گردانند، پس بدان که خداوند می خواهد آنان را به خاطر پاره ای از گناهانشان مجازات کند، بی شک بسیاری از مردم فاسقند. (۵۰) آیا آنان حکم جاهلیت را می طلبند؟ برای اهل ایمان و یقین، داوری چه کسی از خدا بهتر است؟ (۵۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! یهودیان و مسیحیان را سرپرست و یاور نگیرید، (زیرا) بعضی از آنان یار و یاور بعض دیگرند و هر کس از شما که آنان را ولی خود قرار دهد پس قطعاً از آنان است. همانا خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی کند. (۵۲) (با آن همه توصیه به نپذیرفتن ولایت کفار) بیمار دلان را می بینی که در دوستی با آنان (کافران)، سبقت می گیرند (و در توجیه کارشان) می گویند: می ترسیم که حادثه ای بد برایمان پیش آید (و ما نیازمند کمک آنان باشیم) پس امید است که خداوند، پیروزی یا امر دیگری را از جانب خود (به نفع مسلمین) پیش آورد، آنگاه آنان از آنچه در دل پنهان داشته اند پشیمان شوند. (۵۳) و کسانی که ایمان آوردند (هنگام پیروزی مسلمین و رسوایی منافقان با تعجب، به یکدیگر) می گویند: آیا اینان همان هایی هستند که با تأکید، به خدا قسم می خوردند که ما با شما ایم؟ پس (چرا کارشان به اینجا کشید؟) اعمالشان نابود شد و زیانکار شدند. (۵۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد (به

خدا ضرری نمی زند، چون) خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسخت و قاطعند، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسند. این فضل خداست که به هر که بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد و خداوند وسعت بخش بسیار داناست. (۵۵) ولی و سرپرست شما، تنها خداوند و پیامبرش و مؤمنانی هستند که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند. (۵۶) و هر کس که خدا و پیامبرش و چنان مؤمنانی را (که در آیه قبل بیان شد) ولی خود بگیرد (از حزب خداست) همانا حزب خدا پیروز است. (۵۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! از کسانی که دین شما را به مسخره و بازی می گیرند، آنان که پیش از شما کتاب (آسمانی) داده شده اند و (نیز) کفار را ولی خود نگیرید و از خدا بپرهیزید، اگر ایمان دارید. (۵۸) و هرگاه که شما (به وسیله ی اذان، مردم را) به نماز فرامی خوانید آن را به مسخره و بازی می گیرند. این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که نمی اندیشند. (۵۹) بگو: ای اهل کتاب! آیا جز این بر ما خورده و عیب می گیرید که به خداوند و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه از پیش (بر پیامبران گذشته) نازل گردیده، ایمان آورده ایم؟ همانا بیشتر شما از مرز حق بیرون رفته و فاسقید. (۶۰) بگو: آیا شما را به بدتر از (صاحبان) این کیفر در پیشگاه خدا خبر دهم؟ کسانی که خداوند آنها را لعن و بر آنها غضب کرده و افرادی از آنان را

به شکل بوزینه‌ها و خوک‌ها درآورده و طاغوت را پرستیدند (و اطاعت کردند)، جایگاه آنان نزد خداوند بدتر است و از راه راست گمراه‌ترند. (۶۱) و هرگاه (منافقان یا بعضی از اهل کتاب) نزد شما آیند، می‌گویند: ایمان آوردیم، در حالی که آنان با کفر بر شما وارد می‌شوند و با همان کفر بیرون روند و خداوند به آنچه کتمان می‌کردند آگاه‌تر است. (۶۲) و بسیاری از آنان (مدعیان ایمان) را می‌بینی که در گناه و ظلم و حرام خواری شتاب می‌کنند. به راستی چه زشت است آنچه انجام می‌دهند. (۶۳) چرا علمای نصاری و یهود آنان را از سخنان گناه‌آلود و خوردن مال حرام باز نمی‌دارند؟ چه بد است آنچه انجام می‌دهند. (۶۴) و یهود گفتند: دست خدا بسته است. دست‌هایشان بسته باد و به سزای این گفتار، از لطف خدا دور شوند. بلکه دو دست (قدرت) خدا گشوده است، هرگونه بخواهد انفاق می‌کند و البته آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، کفر و طغیان بسیاری از آنان را می‌افزاید و ما تا روز قیامت دشمنی و کینه در میانشان افکنده‌ایم. هر بار که برای جنگ، آتش افروزی کردند، خداوند آن را خاموش ساخت. آنان همواره در زمین، به فساد و تبه‌کاری می‌کوشند، و خداوند مفسدان را دوست نمی‌دارد. (۶۵) و اگر اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند قطعاً ما گناهانشان را می‌بخشیدیم و آنان را به باغهای پر نعمت بهشت، وارد می‌کردیم. (۶۶) و اگر آنان (یهود و نصارا) تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنان نازل شده، برپا می‌داشتند، از بالای سرشان (آسمان) و از زیر پاهایشان (زمین) روزی می‌خوردند. بعضی

از آنان میانه رو هستند، ولی بسیاری از آنان آنچه انجام می دهند بد است. (۶۷) ای پیامبر! آنچه را از سوی پروردگارت به تو نازل شده است (در مورد ولایت و جانشینی حضرت علی) اعلام کن و اگر چنین نکنی، رسالت الهی را نرسانده ای و (بدان که) خداوند تو را از (شرّ) مردم (و کسانی که تحمّل شنیدن این پیام مهم را ندارند) حفظ می کند. همانا خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند. (۶۸) بگو: ای اهل کتاب! هیچ ارزشی ندارید مگر آنکه تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارتان نازل شده برپا دارید و همانا آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، طغیان و کفر بسیاری از آنان را خواهد افزود، پس بر کافران (و مخالفت آنان) تأسف مخور. (۶۹) همانا کسانی که ایمان آوردند و مؤمنان و یهودیان و صابئان و مسیحیان، هر کدام به خدا و روز قیامت ایمان آورده و کار شایسته انجام دهند، بیم و اندوهی بر آنان نیست. (۷۰) همانا ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و پیامبرانی به سوی آنان فرستادیم. (اما) هرگاه پیامبری برایشان سخن و پیامی آورد که دلخواهشان نبود، گروهی را تکذیب کرده و گروهی را کشتند. (۷۱) (یهودیان چون خود را برتر از مردم و اولیای خدا می پنداشتند) گمان کردند کیفر و آزمایشی (برایشان) نخواهد بود، پس (از دیدن حقایق) کور و (از شنیدن حقایق) کر شدند. سپس خداوند (لطف خویش را بر آنان باز گرداند و) توبه شان را پذیرفت. دگر بار بسیاری از آنان (از دیدن و شنیدن آیات الهی) کور و کر شدند و خداوند به آنچه می کنند، بیناست. (۷۲) همانا کسانی که گفتند: خداوند، همان مسیح پسر مریم است، قطعاً کافر شدند.

(چگونه چنین می گویند) در حالی که مسیح خود می گفت: ای بنی اسرائیل! خدا را پرستید که پروردگار من و شماست، یقیناً هر کس به خداوند شرک ورزد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش دوزخ است و ستمگران را هیچ یآوری نیست. (۷۳) همانا آنان که گفتند: خداوند، یکی از سه تاست، کافر شدند. جز خدای یکتا خدایی نیست. و اگر از آنچه می گویند دست بردارند، به کافران از اهل کتاب آنها قطعاً عذابی دردناک خواهد رسید. (۷۴) آیا توبه نمی کنند و از او آمرزش نمی طلبند؟ در حالی که خداوند، آمرزنده ی مهربان است. (۷۵) مسیح پسر مریم، فرستاده ای بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بودند و مادرش بسیار راستگو و درست کردار بود، آن دو (همچون سایر انسان ها) غذا می خوردند. (پس هیچ کدام خدا نیستند)، بنگر که چگونه آیات را برای مردم بیان می کنیم، پس بنگر که این مردم چگونه (از حق) روی گردان می شوند. (۷۶) (ای پیامبر! به مردم) بگو: آیا غیر از خدا، چیزی را که برای شما هیچ سود و زیانی ندارد می پرستید؟ در حالی که خداوند همان شنوای داناست. (۷۷) (ای پیامبر!) بگو: ای اهل کتاب! در دین خود به ناحق غلو نکنید و از هوسهای گروهی که پیش از این گمراه شدند و بسیاری را گمراه کردند و (اکنون نیز) از راه حق منحرفند، پیروی نکنید. (۷۸) کسانی از بنی اسرائیل که کافر شدند، به زبان داود و عیسی پسر مریم لعنت شدند. این (لعن و نفرین)، بدان سبب بود که آنان عصیان کرده و از فرمان خدا تجاوز می کردند. (۷۹) آنان یکدیگر را از کارهای زشتی که انجام می دادند باز نمی داشتند (و نهی از منکر نمی کردند). به راستی چه بد است

آنچه انجام می دادند. (۸۰) بسیاری از آنان (بنی اسرائیل) را می بینی که با کافران دوستی می ورزند، (و آنان را سرپرست خود می گیرند). چه اعمال بدی از پیش فرستادند (که در نتیجه)، خداوند بر آنان خشم نموده و در عذاب، همانان جاوید خواهند بود. (۸۱) و اگر به خداوند و پیامبر و آنچه بر او نازل شده ایمان می آوردند، هرگز آنان (کافران) را (سرپرست و) دوست خود نمی گرفتند، ولی بسیاری از آنان فاسقند. (۸۲) قطعاً سرسخت ترین مردم را در دشمنی نسبت به اهل ایمان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت، و نزدیک ترینشان را از نظر دوستی با مؤمنان، کسانی خواهی یافت که می گویند: ما نصرانی هستیم. این (دوستی) به آن جهت است که برخی از آنان کشیشان و راهبانند و آنان تکبر نمی ورزند. (۸۳) و (آن مسیحیان) هرگاه آیاتی را که بر پیامبر نازل شده می شنوند، می بینی که چشمانشان از اینکه حق را شناخته اند از اشک لبریز می شود و می گویند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس نام ما را در زمره ی گواهی دهندگان (به حق) بنویس. (۸۴) و (می گویند): چرا به خداوند و حقی که (از سوی او) برای ما آمده ایمان نیاوریم؟ در حالی که امید داریم پروردگارمان ما را همراه صالحان وارد (بهشت) سازد. (۸۵) پس خداوند به پاس این سخن (و گواهی شان) به ایشان باغهایی که از پای (درختانش) نهرها جاری است پاداش داد، همواره در آن ماندگارند و این است پاداش نیکوکاران. (۸۶) و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اهل دوزخند. (۸۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای شما حلال کرده است، بر خود حرام نکنید و از حد نگذرید که خداوند تجاوزگران را دوست نمی دارد. (۸۸) و از آنچه خداوند، روزی

حلال و پاکیزه به شما بخشیده بخورید، و از خدایی که به او ایمان دارید، پروا کنید. (۸۹) خداوند، شما را به خاطر سوگندهای لغو و بیهوده بازخواست نمی کند، لیکن برای شکستن سوگندهایی که (از روی اراده) بسته اید، مؤاخذه می کند، پس کفاره آن (شکستن سوگند) طعام دادن به ده بینواست، از نوع متوسط آنچه به خانواده ی خود می خورانید، یا پوشاندن ده فقیر است، یا آزاد کردن برده ای. پس کسی که (غذا و لباس برای ده فقیر نداشت و برده ای) نیافت، سه روز روزه بگیرد. این کفاره ی سوگندهای شماسست، هرگاه که سوگند خوردید، (و آن را شکستید) و سوگندهایتان را مراقبت کنید، این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند، تا او را شکر کنید. (۹۰) ای کسانی که ایمان آورده اید! همانا شراب و قمار و بت ها و تیرهای قرعه، پلید و از کارهای شیطان است، پس از آنها بپرهیزید، تا رستگار شوید. (۹۱) همانا شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفسد) آیا دست برمی دارید؟ (۹۲) و خدا را اطاعت کنید و پیامبر را فرمانبردار باشید و (از نافرمانی) بپرهیزید. پس اگر روی گردان شدید (و اطاعت نکردید) بدانید که وظیفه ی رسول ما تنها ابلاغ آشکار است. (۹۳) بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در آنچه (قبل از تحریم شراب) خورده اند باکی نیست، هرگاه که اهل پروا و ایمان و کارهای شایسته باشند. سپس (از محرمات) پرهیز نمایند (و به تحریم آن) ایمان آورند و آنگاه (نیز از حرام) بپرهیزند و کار نیک کنند و خداوند نیکوکاران را

دوست دارد. (۹۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! خداوند شما را با چیزی از شکار که دستها و نیزه هایتان به آن می رسد می آزماید تا خداوند معلوم گرداند چه کسی در باطن از او بیم دارد (و تسلیم فرمان اوست و از شکار می گذرد) پس بعد از این هر که تجاوز کند، او را عذابی دردناک است. (۹۵) ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال احرام، شکار را نکشید، و هر کس از شما به عمد، شکاری را بکشد، کیفر و کفاره اش کشتن نظیر آن حیوان از چهارپایان است که (به این نظیر بودن) دو شاهد عادل از میان خودتان حکم کنند. (این حیوان قربانی) هدیه ای است که به کعبه برسد (و آنجا ذبح شود) یا (به جای قربانی) برای جبران آن (به شصت) فقیر طعام بدهد یا برابر آن روزه بگیرد. (این کفاره های سه گانه) برای آن است که جزای کار خود را بچشد. خداوند از گذشته ی شما (که قانون کفاره نیامده بود) گذشت. و هر کس این کار را تکرار کند، خداوند از او انتقام می گیرد، و خداوند، شکست ناپذیر و انتقام گیرنده است. (۹۶) (البته) شکار دریا و خوراک آن برای شما حلال شده که توشه ای برای شما و کاروانیان است، ولی تا وقتی محرم هستید، صید صحرائی بر شما حرام است. و از خداوندی که به سوی او محشور می شوید، پروا کنید. (۹۷) خداوند، کعبه ی بیت الحرام را وسیله ی سامان بخشی و قوام مردم قرار داده و نیز ماه حرام و قربانی های بی نشان و نشان دار را (وسیله ی برپایی مردم قرار داده است) این برای آن است که بدانید خداوند آنچه (از اسرار) در آسمان ها و زمین است می داند و خداوند

به هر چیز آگاه است. (۹۸) بدانید که خداوند، سخت کیفر است، و همانا خداوند آمرزنده مهربان است. (۹۹) بر پیامبر، جز ابلاغ (احکام الهی) نیست و خداوند، آنچه را آشکار یا کتمان می کند می داند. (۱۰۰) (به مردم) بگو: پلید و پاک، یکسان نیست، گرچه عدد ناپاکان تو را به تعجب وا دارد. پس ای صاحبان خرد! از خدا پروا کنید، باشد که شما رستگار شوید. (۱۰۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! از اموری که اگر برایتان آشکار شود ناراحتتان می کند نپرسید، و اگر هنگام نزول قرآن از آنها سؤال کنید، برایتان روشن می شود. خداوند از سؤال های نابجای شما گذشت و خداوند آمرزنده بردبار است. (۱۰۲) همانا (از این گونه سؤالها) گروهی از پیشینیان نیز پرسیدند (و چون طاقت عمل نداشتند) نسبت به آن منکر و کافر شدند. (۱۰۳) خداوند، درباره ی هیچ بحیره (حیوان گوش شکافته) و هیچ سائبه (حیوانی که به خاطر زاد و ولد زیاد او را آزاد کرده اند) و هیچ وصیله (حیوان نری که متصل به ماده، دو قلو به دنیا آمده باشد) و هیچ حام (شتر نری که ده بار برای جفت گیری از آن استفاده شده باشد) حکمی نکرده است (و شما را از استفاده ی گوشت و بارکشی آن منع فرموده و این ممنوعیت ها خرافات زمان جاهلی است)، ولی کافران بر خدا دروغ می بندند و بیشتر آنان اهل تعقل نیستند. (۱۰۴) و هرگاه به آنان گفته شود: به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید، گویند: آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، ما را بس است. آیا هر چند پدرانمان چیزی نمی دانستند و (به حق) هدایت نشده بودند (و بیراهه می رفتند، باید راه آنان را ادامه دهند؟). (۱۰۵) ای کسانی که

ایمان آورده اید! بر شما باد (حفظ) خودتان. چون شما هدایت یافتید، آن که گمراه شد زبانی به شما نمی رساند. بازگشت همه ی شما به سوی خداست، و او شما را به آنچه می کردید، آگاه می سازد. (۱۰۶) ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه (نشانه های) مرگ یکی از شما فرا رسد، از میان خود دو نفر عادل را هنگام وصیت به شهادت و گواهی فراخوانید. و اگر در مسافرت بودید و مصیبت مرگ به سراغ شما آمد (و شاهد مسلمانی نبود) دو تن از غیر (همکیشان)تان را به گواهی بطلید و اگر (در صداقت آنان) شک کردید، پس از نماز آن دو را نگاهدارید تا به خداوند قسم یاد کنند که ما حاضر نیستیم حق را به هیچ قیمتی بفروشیم، هر چند در مورد فامیل باشد و هرگز شهادت الهی را پنهان نمی کنیم، که در این صورت از گنه کارانیم. (۱۰۷) پس اگر معلوم شد که آن دو شاهد (غیر مسلمان در سفر) گناه و خیانت کرده اند (و سوگندشان ناحق بوده)، دو نفر دیگر که (مسلمان هستند و شهادت بر ضررشان تمام شده و به میت نزدیک ترند) برخاسته و به خدا سوگند یاد نمایند که قطعا گواهی ما (وارثان مسلمان) از گواهی آن دو (غیر مسلمانی که خیانتشان آشکار شده) به حق نزدیکتر است (و بگویند) ما (از حد و حق) تجاوز نکرده ایم که اگر چنین کنیم قطعا از ستمکارانیم. (۱۰۸) این (روش به صواب) نزدیکتر است برای اینکه شهادت را به نحو درست ادا کنند و یا بترسند که بعد از سوگند خوردنشان سوگندهایی (به وارثان میت) برگردانده شود (و جای سوگند آنان را بگیرد). و از خداوند پروا کنید و (فرمان

های او را) گوش کنید و خداوند، گروه فاسق را هدایت نمی کند. (۱۰۹) روزی (فرا رسد) که خداوند، پیامبران را گرد آورد پس بگوید: به دعوت شما چه پاسخی داده شد؟ گویند: ما علمی (به حقیقت امر) نداریم، همانا دانای غیبها تویی تو. (۱۱۰) زمانی که خداوند فرمود: ای عیسی پسر مریم! نعمتم را بر تو و بر مادرت یاد کن. آنگاه که تو را با «روح القدس» (جبرئیل) تأیید کردم. در گهواره (به اعجاز) و در بزرگسالی (به وحی) با مردم سخن گفתי، و آنگاه که کتاب و حکمت و تورات و انجیل به تو آموختم، و (فراموش مکن زمانی را که) به اذن من از گل (چیزی) به صورت پرنده ساختی و در آن دمیدی، پس با اذن من پرنده ای شد، و با اذن من کور مادرزاد و پیسی گرفته را شفا می دادی، و آنگاه که به اذن من، مردگان را (زنده) از گور بیرون می آوردی، و (به یاد آور) زمانی که (دست ظلم) بنی اسرائیل را از تو کوتاه کردم، آنگاه که تو دلایل روشن برایشان آوردی، پس کافران از ایشان (درباره ی معجزات تو) گفتند: این، چیزی جز سحر آشکار نیست. (۱۱۱) و (به یاد آور) زمانی که به حواریون (یاران مخصوص حضرت عیسی) وحی فرستادم که ایمان آورید، گفتند: ایمان آورده ایم، و شاهد باش که ما مسلمان و تسلیم هستیم. (۱۱۲) (یاد آور) زمانی که حواریون گفتند: ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می تواند (با دعای تو) از آسمان، خوانی (از غذا) برای ما فرود آورد؟ عیسی گفت: اگر مؤمنید، از خدا پروا کنید! (۱۱۳) گفتند: (ما نظر بدی نداریم و بهانه جو نیستیم بلکه) می خواهیم از آن بخوریم و دلهایمان اطمینان یابد

و بدانیم که به ما راست گفته ای و بر آن مائده ی آسمانی از گواهان باشیم. (۱۱۴) عیسی بن مریم گفت: خداوندا، پروردگارا! مائده ای از آسمان بر ما فرو فرست که برای نسل کنونی و آیندگان ما عید و نشانه ای از تو باشد و ما را روزی ده، که تو بهترین روزی دهندگانی. (۱۱۵) خداوند فرمود: من آن (مائده) را بر شما نازل می کنم، اما هر کدام از شما بعد از آن کفر ورزد، او را چنان عذاب خواهم کرد که هیچ یک از جهانیان را آن گونه عذاب نکنم. (۱۱۶) و زمانی که خداوند گفت: ای عیسی بن مریم! آیا تو به مردم گفتی: به غیر از خدا، من و مادرم را به عنوان دو معبود بگیری؟ (عیسی) گفت: (خدایا!) تو پاک و منزّهی، مرا نشاید که حرف ناروایی که سزاوار من نیست بگویم، اگر چنین گفته بودم، تو آن را می دانستی (زیرا) تو آنچه را در دل و جان من است می دانی، امّا من از آنچه در ذات توست بی خبرم، همانا، دانای تمام غیبها تویی تو. (۱۱۷) (حضرت عیسی به خداوند گفت:) من، به آنان نگفتم مگر آنچه مرا به آن فرمان دادی که بپرستید خداوندی را که پروردگار من و پروردگار شماست، و تا زمانی که در میان آنان بودم، شاهد و ناظر بر آنان بودم، پس چون مرا (از میانشان) باز گرفتی، تو خود بر آنان مراقب بودی و تو بر هر چیز گواهی. (۱۱۸) (عیسی گفت: خدایا!) اگر عذابشان کنی، پس آنان بندگان تو هستند و اگر آنان را بیامرزی، پس همانا تو خود توانمند و حکیمی. (۱۱۹) خداوند فرمود: این، روزی است که راستگویان را صداقتشان سود دهد، برایشان باغهایی است که

زیر درختانش نهرها جاری است، همیشه در آن ماندگارند، خداوند از آنان راضی است، آنان نیز از او راضی اند، این رستگاری بزرگ است. (۱۲۰) ملک و حکومت آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست تنها از آن خداست، و او بر هر چیز تواناست. (۱۲۱)

الأنعام

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ستایش مخصوص خداوندی است که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنی را قرار داد، اما کافران (دیگران را) با پروردگارشان برابر و همتا می گیرند. (۲) او کسی است که شما را از گل آفرید، پس از آن ائجلی را (برای زندگی شما در دنیا) قرار داد و ائجلی معین (که مربوط به آخرت یا غیر قابل تغییر در دنیاست) نزد اوست. پس (با وجود این) شما شک و شبهه می کنید؟ (۳) و اوست که در آسمان ها و در زمین خداوند است. نهان و آشکار شما را می داند، و هرچه را به دست می آورید (نیز) می داند. (۴) و هیچ نشانه و آیه ای از نشانه های پروردگارشان برای آنها نمی آمد، جز آنکه (به جای تصدیق و ایمان) از آن اعراض می کردند. (۵) پس همین که حق برای آنان آمد، آن را تکذیب کردند، پس به زودی خبرهای مهم (و تلخ درباره ی کيفر) آنچه را به مسخره می گرفتند به سراغشان خواهد آمد. (۶) آیا ندیدند که چه بسیار امت های پیش از آنان را هلاک کردیم، با آنکه در زمین به آنان جایگاه و توانی داده بودیم که به شما نداده ایم؟ و (باران و برکت) آسمان را پی در پی برایشان فرستادیم و نهرهای آب از زیر پاهایشان جاری ساختیم، پس آنان را به کيفر گناهانشان هلاک کردیم و نسل دیگری پس از آنان پدید آوردیم. (۷) و (کافران

لجوج که در پی بهانه جویی اند حتی) اگر نوشته ای را در کاغذی بر تو نازل می کردیم که آن را با دست های خود لمس می کردند، باز هم کافران می گفتند: این، جز جادویی آشکار نیست. (۸) و (کافران بهانه جو) گفتند: (اگر محمّد، رسول است) چرا فرشته ای بر او نازل نشده (تا او را در دعوت کمک کند)، در حالی که اگر فرشته ای نازل می کردیم (باز هم لجاجت خواهند کرد و) کار آنان پایان می یافت و هیچ مهلتی به آنان داده نمی شد. (۹) و اگر (پیامبر را) فرشته قرار می دادیم، حتما او را به صورت مردی درمی آوردیم (که باز هم می گفتند این انسانی همانند خود ماست و همان شبهه را تکرار می کردند بنابراین) کار را بر آنان مشتبه می ساختیم همان طور که آنان (با ایرادهای خود) کار را بر دیگران مشتبه می سازند. (۱۰) و قطعاً پیامبرانی پیش از تو هم استهزا شدند، پس عذابی که به استهزای آن می پرداختند بر مسخره کنندگان از ایشان فرود آمد. (۱۱) (ای پیامبر! به آنان) بگو: در زمین بگردید، سپس بنگرید که سرنوشت تکذیب کنندگان چگونه شد؟ (۱۲) بگو: آنچه در آسمان ها و زمین است برای کیست؟ بگو: برای خداوند است که بر خود، رحمت را مقرر کرده است. او قطعاً شما را در روز قیامت که شکی در آن نیست جمع خواهد کرد. کسانی که خود را باختند (و با هدر دادن استعدادها، به جای رشد، سقوط کردند) همانان ایمان نمی آورند. (۱۳) و تنها برای اوست آنچه در شب و روز قرار گرفته و او شنوای داناست. (۱۴) بگو: آیا غیر از خدا را سرپرست خود بگیریم در حالی که او آفریدگار آسمان ها و زمین است او همه را طعام می دهد، ولی کسی به او

طعام نمی دهد. بگو: همانا من مأمورم که اولین کسی باشم که تسلیم فرمان اوست. و (به من گفته شده که) هرگز از مشرکان مباش. (۱۵) بگو: همانا اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ بیمناکم. (۱۶) در آن روز، از هر کس عذاب الهی برداشته شود، قطعاً مشمول رحمت الهی شده و این است رستگاری آشکار. (۱۷) و اگر خداوند (برای آزمایش و رشد، یا کیفر اعمال) تو را با (اسباب) زیان و آسیب درگیر کند، جز خودش هیچ کس برطرف کننده آن نیست و اگر خیری به تو برساند، پس او بر هر چیز تواناست. (۱۸) اوست که بر بندگان خود قاهر و مسلط است و اوست حکیم آگاه. (۱۹) بگو: چه موجودی در گواهی برتر و بزرگتر است؟ بگو: خداوند میان من و شما گواه است. و این قرآن به من وحی شده تا با آن شما را و هر که را که این پیام به او برسد هشدار دهم. آیا شما گواهی می دهید که با خداوند، خدایان دیگری هست؟ بگو: من گواهی نمی دهم. بگو: همانا او خدای یکتاست و بی تردید من از آنچه شما شرک می ورزید، بیزارم. (۲۰) کسانی که به آنان، کتاب (آسمانی) دادیم (یهود و نصاری)، محمد را همانند فرزندان خود می شناسند (و بشارت های انبیا و کتب آسمانی پیشین را منطبق بر آن حضرت می بینند، ولی حاضر به پذیرفتن آن نیستند) پس کسانی که به (فطرت و رشد و سعادت آینده) خودشان زیان زدند، ایمان نمی آورند. (۲۱) و کیست ستمکارتر از آن کس که به خداوند دروغ بندد، یا آیات الهی را تکذیب کند؟ همانا ستمگران رستگار نمی شوند. (۲۲) و روزی که آنان را یکسره محشور می کنیم، سپس به کسانی که شرک ورزیدند گوییم:

کجايند شريکان شما که بر ايشان گمان (خدایي) داشتيد؟ (۲۳) پس (از آن همه فریفتگی به بتان، در پیشگاه خداوند) عذری نیابند جز آنکه (از بتان بیزاری جسته و) بگویند: سوگند به خدا! پروردگارمان، ما هرگز مشرک نبوده ایم. (۲۴) بنگر که چگونه علیه خود دروغ گفتند و (تمام بت ها و شریکان که همواره می ساختند از نزد آنان محو شد و) آنچه به دروغ و افترا به خدا نسبت می دادند از دستشان رفت. (۲۵) بعضی از آنها کسانی هستند که (به ظاهر) به سخن تو گوش می دهند، ولی ما بر دلهایشان پرده هایی قرار داده ایم تا آن را نفهمند و در گوشه‌هایشان (نسبت به شنیدن حق) سنگینی قرار دادیم و آنان به قدری لجوجند که اگر هر آیه و معجزه ای را ببینند، باز هم به آن ایمان نمی آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند با تو جدال می کنند و کسانی که کافر شدند می گویند: این نیست جز افسانه های پیشینیان. (۲۶) و آنان، مردم را از آن (پیامبر و قرآن) باز می دارند و خود نیز از آن دور و محروم می شوند، (ولی بدانند که) جز خودشان را هلاک نمی سازند، و (لی) نمی فهمند. (۲۷) و اگر آنان را، آن هنگام که بر لبه ی آتش (دوزخ) نگه داشته شده اند ببینی، پس می گویند: ای کاش (بار دیگر به دنیا) بازگردانده شویم و آیات پروردگارمان را تکذیب نکنیم و از مؤمنان (واقعی) باشیم. (۲۸) (چنین نیست)، بلکه آنچه (از کفر و نفاق) قبلا- (در دنیا) پنهان می کردند، (در آن روز) برایشان آشکار شده و اگر آنان (طبق خواسته و آرزویشان) به دنیا بازگردانده شوند، بی گمان باز هم به آنچه از آن نهی شده اند باز می گردند. و آنان قطعاً دروغگویانند. (۲۹) و گفتند: جز زندگی دنیوی ما، هیچ

زندگی دیگری نیست و ما (پس از مرگ) برانگیخته نمی شویم. (۳۰) و اگر ببینی آنگاه که در برابر پروردگارشان بازداشته شده اند، (خدا) می فرماید: آیا این (رستاخیز) حق نیست؟ می گویند: بلی، به پروردگاران سوگند (که حق است). او می فرماید: پس به کیفر کفرورزی ها و کفران هایتان، عذاب را بچشید. (۳۱) قطعا کسانی که دیدار خداوند (در قیامت) را تکذیب کردند زیانکار شدند، همین که ساعت موعود ناگهان به سراغشان آید، در حالی که بار سنگین گناهان خویش را بر پشتشان می کشند، گویند: دریغا از آن کوتاهی ها که در دنیا کرده ایم، آگاه باشید که چه بد باری است آنچه به دوش می کشند. (۳۲) و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و البته خانه ی آخرت، برای تقوا پیشگان بهتر است. آیا نمی اندیشید؟. (۳۳) البته ما می دانیم که آنچه می گویند، تو را اندوهناک می کند، (ولی غم مخور و بدان که) آنان (در واقع) تو را تکذیب نمی کنند، بلکه (این) ستمگران آیات خدا را انکار می کنند. (۳۴) و همانا پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، لیکن در برابر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند صبر کردند، تا یاری ما به آنان رسید. (تو نیز چنین باش زیرا) برای کلمات (و سنت های) خداوند، تغییر دهنده ای نیست. قطعا از اخبار پیامبران برای تو آمده است (و با تاریخ آنان آشنایی). (۳۵) و اگر اعراض و بی اعتنائی آنان (کافران) بر تو سنگین است (و می خواهی به هر وسیله آنان را به راه آوری، ببین) اگر بتوانی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی، تا آیه ای (دیگر) برایشان بیاوری (پس بیاور ولی بدان که باز هم ایمان نخواهند آورد) و اگر خدا خواسته بود همه ی آنان را بر هدایت گرد می آورد (ولی سنت

الهی بر هدایت اجباری نیست) پس هرگز از جاهلان مباش. (۳۶) تنها کسانی (دعوت تو را) می پذیرند که گوش شنوا دارند و (کافران که نمی گروند)، مردگانی هستند که روز قیامت خداوند آنان را برمی انگیزد و سپس همه به سوی او بازگردانده می شوند. (۳۷) و گفتند: چرا بر او (محمد) معجزه ای (که ما می خواهیم) از سوی پروردگارش نازل نشده؟ بگو: بی تردید خداوند قادر است که نشانه و معجزه ای (که می خواهید) بیاورد، ولی بیشتر (این بهانه جویان) نمی دانند. (۳۸) و هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر اینکه آنها هم امت هایی چون شمایند. ما در این کتاب (قرآن یا لوح محفوظ) هیچ چیز را فروگذار نکردیم، سپس همه نزد پروردگارشان گرد می آیند. (۳۹) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، کر و لال هایی هستند در تاریکی ها. خداوند، هر که را بخواهد (و مستحق باشد) گمراهش کند و هر که را بخواهد (و شایسته بداند) بر راه راست قرارش می دهد. (۴۰) بگو: اگر راست می گویید چه خواهید کرد آنگاه که عذاب خدا در دنیا بیاید یا قیامت فرا رسد، آیا غیر خدا را می خوانید؟ (۴۱) بلکه (در هنگامه های خطر) فقط او را می خوانید، پس اگر بخواهد آن رنجی که خدا را به خاطر آن می خوانید بر طرف می کند، و آنچه را برای خداوند شریک می پنداشتید (در روز قیامت) فراموش می کنید. (۴۲) و همانا به سوی امت های پیش از تو (نیز پیامبرانی) فرستادیم، (و چون سرپیچی کردند) آنان را به تنگدستی و بیماری گرفتار کردیم. باشد که تضرع کنند. (۴۳) پس چرا هنگامی که ناگواری های ما به آنان رسید، توبه و زاری نکردند؟ آری (حقیقت آن است که) دل های آنان سنگ

و سخت شده و شیطان کارهایی را که می کردند، برایشان زیبا جلوه داده است. (۴۴) پس چون اندرزهایی را که به آنان داده شده بود فراموش کردند، درهای هرگونه نعمت را به رویشان گشودیم (و در رفاه و مادیات غرق شدند) تا آنگاه که به آنچه داده شدند دلخوش کردند، ناگهان آنان را (به عقوبت) گرفتیم پس یکباره محزون و نومید گردیدند. (۴۵) پس ریشه ی گروه ستمکاران بریده شد و سپاس، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۴۶) بگو: چه فکر می کنید، اگر خداوند، شنوایی و بینایی شما را بگیرد و بر دل های شما مهر بزند، جز خداوند، کدام معبودی است که آنها را به شما باز دهد؟ بین که ما چگونه آیات را به گونه های مختلف بیان می کنیم، اما آنان (به جای ایمان و تسلیم) روی برمی گردانند. (۴۷) بگو: چه خواهید کرد اگر عذاب خداوند، به طور پنهان و ناگهانی یا آشکارا به سراغ شما آید، آیا جز گروه ستمگران هلاک خواهند شد؟ (۴۸) و ما پیامبران را جز به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده نمی فرستیم، پس کسانی که ایمان آورند و (کار خود را) اصلاح کنند، پس بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند. (۴۹) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، عذاب الهی به خاطر فسق و گناهشان، دامنگیر آنان می شود. (۵۰) ای پیامبر! به مردم) بگو: من ادعا نمی کنم که گنجینه های خداوند نزد من است و من غیب هم نمی دانم و ادعا نمی کنم که من فرشته ام، من جز آنچه را به من وحی می شود پیروی نمی کنم. بگو: آیا نابینا و بینا برابرنند؟ آیا نمی اندیشید؟ (۵۱) و به وسیله ی آن (قرآن) کسانی را که از محشور شدن نزد پروردگارشان بیم دارند هشدار ده (زیرا)

غیر از خداوند، برای آنان یاور و شفیع نیست، شاید که پروا نمایند. (۵۲) و کسانی را که بامداد و شامگاه پروردگارشان را می خوانند، در حالی که رضای او را می طلبند، از خود مران. چیزی از حساب آنان بر عهده ی تو نیست، و از حساب تو نیز چیزی بر عهده آنان نیست که طردشان کنی و در نتیجه از ستمگران شوی. (۵۳) و این گونه بعضی از مردم را به وسیله ی بعضی دیگر آزمایش کردیم، تا (از روی استهزا) بگویند: آیا اینانند آنها که خداوند، از میان ما بر آنها منت نهاده است؟ آیا خداوند به حال شاگردان دانایان نیست؟ (۵۴) و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، پس بگو: سلام بر شما! پروردگارتان بر خودش رحمت را مقرر کرده است که هر کس از شما از روی نادانی کار بدی انجام دهد و پس از آن توبه کند و خود را اصلاح نماید، پس قطعاً خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۵۵) و ما بدین گونه آیات را (برای مردم) به روشنی بیان می کنیم، (تا حق آشکار) و راه و رسم گناهکاران روشن شود. (۵۶) بگو: من از پرستش آنها که به جای خدا می خوانید نهی شده ام. بگو: من از هوسهای شما پیروی نمی کنم، که در این صورت گمراه شده و از هدایت یافتگان نخواهم بود. (۵۷) بگو: همانا من از طرف پروردگارم بر دلیل آشکاری هستم، ولی شما آن را دروغ پنداشتید. آنچه را شما (از عذاب الهی) با شتاب می طلبید به دست من نیست فرمان جز به دست خدا نیست که حق را بیان می کند و او بهترین (داور و) جداکننده ی حق از باطل است. (۵۸) بگو: اگر آنچه که درباره آن

شتاب می کنید نزد من بود (و به درخواست شما عذاب نازل می کردم)، قطعاً کار میان من و شما پایان گرفته بود، ولی خداوند به حال ستمگران آگاه تر است (و به موقع مجازات می کند). (۵۹) و گنجینه های غیب، تنها نزد خداست و جز او کسی آن را نمی داند و آنچه را در خشکی و دریاست می داند، و هیچ برگی از درخت نمی افتد جز آنکه او می داند و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و هیچ تر و خشکی نیست، مگر آنکه (علم آن) در کتاب مبین ثبت است. (۶۰) و او کسی است که (روح) شما را در شب (به هنگام خواب) می گیرد و آنچه را در روز انجام می دهید می داند، سپس شما را از خواب برمی انگیزد تا مدت معین (عمر شما) سپری شود. عاقبت بازگشت شما به سوی اوست پس شما را به آنچه انجام می دهید خبر می دهد. (۶۱) و تنها اوست که قهر و اقتدارش مافوق بندگان است و نگهبانانی بر شما می فرستد، تا آنکه چون مرگ یکی از شما فرا رسد، فرستادگان ما (فرشتگان) جان او را بازگیرند و در کار خود، هیچ کوتاهی نکنند. (۶۲) سپس مردم به سوی خداوند، مولای حقشان بازگردانده می شوند، آگاه باشید که دادرسی و داوری تنها از آن خداوند است و او سریع ترین حسابرسان است. (۶۳) بگو: چه کسی شما را از تاریکی های خشکی و دریا (به هنگام درماندگی) نجات می دهد؟ وقتی که او را آشکارا و پنهان می خوانید (و می گوید: اگر خداوند از این ظلمت ما را رهایی دهد، از شکرگزاران خواهیم بود. (۶۴) بگو: خداوند شما را از این ظلمت ها و از هر ناگواری دیگر نجات می دهد، باز شما (به جای سپاس)، شرک می ورزید. (۶۵) بگو: او تواناست

که از بالای سرتان یا از زیر پایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را به صورت گروه‌های گوناگون با هم درگیر کند، و طعم تلخ جنگ و خونریزی را توسط یکدیگر به شما بچشاند. بنگر که چگونه آیات را گونه‌گون بازگو می‌کنیم، باشد که بفهمند. (۶۶) و قوم تو این قرآن را تکذیب کردند، با آنکه سخن حقی است، بگو: من وکیل و عهده‌دار ایمان آوردن شما نیستم. (۶۷) برای هر خبری (که خداوند یا پیامبرش به شما می‌دهد) وقتی مقرر است (که در آن واقع می‌شود) و به زودی خواهید دانست. (۶۸) و هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما (به قصد تخطئه)، کندوکاو می‌کنند، از آنان روی بگردان تا (مسیر سخن را عوض کرده) وارد مطلب دیگری شوند و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، پس از توجه، (دیگر) با این قوم ستمگر منشین. (۶۹) کسانی که پروا پیشه کردند، به گناه ستمکاران بازخواست نخواهند شد، ولی باید آنان را پند دهند تا شاید پرهیزکار شوند. (۷۰) و کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا مغرورشان کرده است، رها کن و به وسیله‌ی قرآن پندشان ده تا مبادا به کیفر آنچه کسب کرده‌اند به هلاکت افتند، در حالی که جز خدا هیچ‌یاور و شفیع ندارند، و اگر (انسان در آن روز) هرگونه عوضی (برای کیفر) ته نمی‌شود، آنان کسانی هستند که به سزای آنچه پردازد از او پذیر کسب کرده‌اند به هلاکت افتادند برای آنان شرابی از آب سوزان و عذابی دردناک به کیفر کفرشان خواهد بود. (۷۱) بگو: آیا غیر خداوند، چیزی را بخوانیم که سود و زیانی برای ما ندارد

و پس از آنکه خداوند هدایت‌مان کرد، به عقب باز گشته (و کافر) شویم؟ همچون کسی که شیاطین او را در زمین از راه به در برده اند و سرگردان مانده است در حالی که برای او یارانی (دلسوز) است که او را به هدایت دعوت کرده (و می گویند): نزد ما بیا (و حق را بپذیر ولی او گوشش بدهکار نیست). بگو هدایتی که از سوی خدا باشد هدایت واقعی است و ما مأموریم که برای خدای جهانیان تسلیم باشیم. (۷۲) و (به ما امر شده که) نماز برپا دارید و از خداوند پروا کنید، و اوست آنکه همگان نزدش محشور می شوید. (۷۳) و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و روزی که بگوید: موجود شو، بی درنگ موجود می شود، سخن او حق است. (و روز قیامت) روزی که در «صور» دمیده می شود، حکومت تنها از اوست، دانای غیب و شهود است و اوست حکیم و آگاه. (۷۴) و (یاد کن) آن هنگام که ابراهیم به پدرش آزر گفت: آیا بتان را خدایان می گیری؟ بی شک تو و قومت را در گمراهی آشکار می بینم. (۷۵) و اینگونه ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا یقین پیدا کند (و) از اهل یقین باشد. (۷۶) پس چون شب بر او پرده افکند ستاره ای دید، گفت: این پروردگار من است. پس چون غروب کرد، گفت: من زوال پذیران را دوست ندارم. (۷۷) پس (بار دیگر) چون ماه را در حال طلوع و درخشش دید، گفت: این پروردگار من است. پس چون غروب کرد، گفت: اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود، قطعاً از گروه گمراهان می بودم. (۷۸) پس چون خورشید را برآمده دید گفت: اینست پروردگار

من، این بزرگتر (از ماه و ستاره) است. اما چون غروب کرد، گفت: ای قوم من! همانا من از آنچه برای خداوند شریک قرار می دهید بیزارم. (۷۹) من از سر اخلاص روی خود را به سوی کسی گرداندم که آسمان ها و زمین را پدید آورد و من از مشرکان نیستم. (۸۰) و قومش با وی به گفتگو و ستیزه پرداختند، او گفت: آیا درباره ی خدا با من محاجه و ستیزه می کنید؟ و حال آن که او مرا هدایت کرده است و من از آنچه شما شریک او می پندارید بیم ندارم، مگر آنکه پروردگارم چیزی بخواهد، (که اگر هم آسیبی به من برسد، خواست خداست، نه بت ها) علم پروردگارم همه چیز را فرا گرفته، پس آیا پند نمی گیرید؟ (۸۱) و چگونه از چیزی که شریک خدا ساخته اید بترسم و حال آنکه شما آنچه را که خدا هیچ دلیلی درباره ی آن بر شما نازل نکرده است شریک او گرفته و نمی ترسید؟ اگر می دانید (بگویید که) کدام یک از ما دو دسته به ایمنی (در قیامت) سزاوارتر است؟ (۸۲) کسانی که ایمان آورده و ایمانشان را به ستم و شرک نیالودند، آنانند که برایشان ایمنی (از عذاب) است و آنان هدایت یافتگانند. (۸۳) این (نوع استدلال) حجت ماست که در برابر قومش به ابراهیم دادیم، هر کس را که بخواهیم (و شایسته بدانیم) به درجاتی بالا- می بریم. همانا پروردگارت حکیم و داناست (و بر اساس علم و حکمت مقام انسان ها را بالا می برد). (۸۴) و ما به او (ابراهیم)، اسحق و یعقوب را بخشیدیم و یکایک آنان را هدایت کردیم و نوح را پیش از آنان هدایت کرده بودیم. و از نسل او (ابراهیم)، داود و سلیمان و

ایوب و یوسف و موسی و هارون را (نیز هدایت کردیم) و ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (۸۵) و زکریا، یحیی، عیسی و الیاس را (نیز هدایت کردیم) و همه از شایستگانند. (۸۶) و اسماعیل و یسع و یونس و لوط را (نیز هدایت کردیم) و همه را بر جهانیان برتری دادیم. (۸۷) و از پدران و ذریه و برادرانشان، کسانی را (مورد لطف قرار داده و به خاطر لیاقتشان آنان را به نبوت) برگزیدیم و به راه راست هدایتشان کردیم. (۸۸) آن هدایت خداست، هر کس از بندگانش را که بخواهد به آن هدایت می کند و اگر شرک ورزند، قطعاً آنچه انجام داده اند از دستشان خواهد رفت. (۸۹) آنان کسانی بودند که کتاب آسمانی و حکومت و قضاوت و مقام نبوت به آنان دادیم. پس اگر این مشرکان به آنها کفر ورزند و نپذیرند (ناراحت نباش، چرا که) ما گروهی دیگر را که به آن کافر نیستند می گماریم. (۹۰) آنان کسانی اند که خداوند هدایتشان کرده، پس به هدایت آنان اقتدا کن. (ای پیامبر! به مردم) بگو: من بر این (رسالت و دعوت) از شما مزدی طلب نمی کنم، این قرآن جز تذکری برای جهانیان نیست. (و خواست من جز پند گرفتن اهل عالم نیست). (۹۱) خداوند را آنگونه که شایسته ی اوست نشناختند، چرا که گفتند: خداوند بر هیچ بشری، چیزی نازل نکرده است. بگو: کتابی را که موسی آورد و نور و هدایت برای مردم بود، چه کسی نازل کرد؟ کتابی که آن را ورق ورق کرده (و به دلخواه خود) بخشی را آشکار و بسیاری را پنهان می سازید، و آنچه را شما و پدرانتان نمی دانستید، (از طریق همان کتاب آسمانی تورات)، به شما آموخته شد. (ای پیامبر!) بگو:

خدا (بود که آنها را نازل کرد)، سپس رهایشان کن تا در یاوه گویی های خود غوطه ور باشند. (۹۲) و این مبارک کتابی است که نازل کرده ایم، تصدیق کننده آنچه (از کتب آسمانی) که پیش از آن آمده است، (تا مردم را به پاداش های الهی مژده دهی) و اهل مکه و کسانی را که اطراف آن هستند هشدار دهی و (البته) آنان که به آخرت ایمان دارند به آن (قرآن) نیز ایمان خواهند آورد و همانان بر نمازهای خود محافظت دارند. (۹۳) و کیست ظالمتر از آنکه بر خدا دروغی بست و یا گفت: به من وحی شده، در حالی که چیزی به او وحی نشده است. و نیز آن کس که گفت: به زودی من هم مثل آنچه خدا نازل کرده نازل می کنم. و (ای پیامبر!) اگر بینی زمانی را که ستمگران در سكرات مرگ قرار گرفته و فرشتگان (برای قبض روح آنان) دست های (قدرت) خویش را گشوده و فرمان جان دادن می دهند (و می گویند: امروز به خاطر نسبت های ناروا که به خداوند می دادید و از آیات او سرپیچی می کردید، به عذاب خوارکننده کیفر داده خواهید شد. (۹۴) به راستی همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم، اکنون نیز (به هنگام مرگ یا قیامت) تک و تنها نزد ما آمدید و همه ی اموالی را که به شما دادیم پشت سر گذاشتید و آن شفیعان را که در (تعیین سرنوشت) خودتان شریکان خدا می پنداشتید، همراه شما نمی بینیم. به راستی (پیوندهای) میان شما گسسته و آنچه (از شریکان و شفیعان که به نفع خود) می پنداشتید از (دست) شما رفت. (۹۵) همانا خداوند، شکافنده ی دانه و هسته است، زنده را از مرده بیرون می آورد

و بیرون آورنده ی مرده از زنده است. آن است خداوند شما، پس چگونه (از حق) منحرف می شوید؟ (۹۶) (خداوند،) شکافنده ی سپیده دم است، و شب را مایه ی آرامش قرار داد و خورشید و ماه را اسباب شمارش (ایام). این است اندازه گیری خداوند قدرتمند دانا. (۹۷) و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی های خشکی و دریا، به وسیله آنها راه را یابید. قطعاً ما نشانه ها را برای قومی که آگاه و دانایند به تفصیل روشن ساختیم. (۹۸) و اوست کسی که شما را از یک نفس آفرید، پس برخی قرار یافته (و به دنیا آمده اند) و برخی (در پشت پدرها و رحم مادرها) به امانت گذاشته شده اند. ما آیات خویش را برای گروهی که می فهمند به تفصیل بیان کردیم. (۹۹) و او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، پس به وسیله ی آن، هر گونه گیاه برآوردیم و از آن سبزه ها خارج ساختیم. از آن (سبزه ها) دانه های برهم نشسته و چیده شده بیرون آوریم. و از شکوفه ی خرما خوشه هایی نزدیک بهم (پدید آوریم) و نیز باغهایی از (انواع) انگورها و زیتون و انار (پرورش دهیم) که برخی شبیه به هم و برخی غیر متشابهند. به میوه ی آن، آنگاه که بار دهد و آنگاه که میوه می رسد بنگرید. همانا در آن، نشانه هایی برای گروه با ایمان است. (۱۰۰) و آنان برای خدا شریکانی از جن قرار دادند، در حالی که آنان را نیز خدا آفریده است و از روی نادانی برای خداوند، پسران و دخترانی ساخته و پرداخته. خداوند برتر و منزّه است از آنچه آنان درباره ی او وصف می کنند. (۱۰۱) (او) پدید آورنده ی آسمان ها و زمین است، چگونه برای

او فرزندی باشد، در حالی که برای او همسری نبوده است و او هر چیز را آفریده و به هر چیز داناست. (۱۰۲) آن است خداوند، پروردگار شما، معبودی جز او نیست، آفریدگار هر چیز است، پس او را پرستید و او نگهبان و مدبّر همه چیز است. (۱۰۳) چشم‌ها او را در نمی‌یابد، ولی او چشم‌ها را درمی‌یابد و او نامرئی و دقیق و باریک بین و آگاه است. (۱۰۴) همانا از سوی پروردگارتان، مایه‌های بینش و بصیرت، (کتب آسمانی و دلائل روشن) برای شما آمده است. پس هر که بصیرت یافت، به سود خود اوست و هر کس کوری گزید، به زیان خویش عمل کرده است و من نگهبان و ضامن (ایمان شما به اجبار) نیستم. (۱۰۵) و بدین سان آیات را در شکل‌های گوناگون بیان می‌کنیم، (تا وسیله هدایت شود ولی کافران ایمان نیاورده) و گویند: تو (نزد کسی) درس خوانده‌ای! (بگذار بگویند، ولی ما) برای کسانی بیان می‌کنیم که اهل فهم و علم باشند. (۱۰۶) تنها آنچه را از سوی پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن، معبودی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان. (۱۰۷) و اگر خداوند می‌خواست (همه به اجبار ایمان می‌آوردند و) شرک نمی‌ورزیدند (ولی سنت الهی چنین نیست) و ما تو را بر آنان نگهبان قرار ندادیم و تو وکیل (ایمان آوردن) آنان نیستی. (۱۰۸) و به (معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند ناسزا نگویند که آنان نیز از روی جهل و دشمنی به خداوند ناسزا می‌گویند. ما این گونه عمل هر امتی را برایشان جلوه دادیم. سپس بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است، پس خداوند آنان را به آنچه می‌کردند خبر می‌دهد. (۱۰۹) و با سخت‌ترین

سوگندهایشان به خدا قسم یاد کردند که اگر معجزه و نشانه ای برایشان بیاید، قطعاً به آن ایمان خواهند آورد. بگو: معجزات، تنها نزد خداست (و به دست اوست) و چه می دانید (بلکه ما می دانیم) که اگر معجزه ای هم بیاید، (باز هم) آنان ایمان نخواهند آورد. (۱۱۰) همان گونه که در آغاز ایمان نیاوردند، این بار نیز دلها و چشم هایشان را دگرگون و واژگون می کنیم و آنان را در طغیانشان رها می سازیم تا سرگردان بمانند. (۱۱۱) و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان نازل می کردیم و مردگان با آنان سخن می گفتند و همه چیز را (به گواهی صدق و اعجاز) دسته دسته در برابرشان گرد می آوردیم باز هم ایمان نمی آوردند، مگر آنکه خداوند بخواهد (به اجبار ایمان آورند)، ولی بیشترشان نادانی می کنند. (۱۱۲) (ای پیامبر! اینان تنها در برابر تو به لجاجت پرداختند، بلکه) ما این گونه برای هر پیامبری، دشمنی از شیطان های انس و جن قرار دادیم. که برخی از آنان حرف های دلپسند و فریبنده را به برخی دیگر مرموزانه القا می کنند. البته اگر پروردگارت می خواست، چنین نمی کردند. (ولی سنت الهی بر آزادی انسان ها می باشد)، پس آنان را و آنچه به دروغ می سازند به خود واگذار. (۱۱۳) و (شیاطین، سخنان فریبنده ی خود را بر مردم می خوانند) تا گوش دل آنان که به قیامت ایمان ندارند، به آن سخنان مایل شود و آن را بپسندند و آنان به دست آورند آنچه را به دنبال به دست آوردنش هستند. (۱۱۴) پس (بگو: آیا) (با این همه دلایل روشن) غیر خدا را به داوری جویم؟ در حالی که اوست که کتاب آسمانی را به تفصیل به سوی شما نازل کرد، و کسانی که

به آنان کتاب داده ایم، (یهود و نصاری) می دانند که این کتاب، از طرف پروردگارت به حق نازل گشته است، پس به هیچ وجه از تردیدکنندگان مباش. (۱۱۵) و کلام پروردگارت، در صداقت و عدالت به حدّ کمال و تمام رسید. هیچ تغییردهنده ای برای کلمات او نیست و او شنوای داناست. (۱۱۶) و اگر از بیشتر افراد روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه خداوند، منحرف و گمراه می کنند. زیرا آنان جز از گمان پیروی نمی کنند و آنان، جز به حدس و گمان نمی پردازند. (۱۱۷) قطعاً پروردگار تو، خود به کسانی که از راه او گمراه می شوند، داناتر است و او به هدایت یافتگان (نیز) آگاه تر است. (۱۱۸) پس اگر به آیات الهی ایمان دارید (تنها از) آنچه نام خداوند (هنگام ذبح) بر آن برده شد بخورید. (۱۱۹) و شما را چه شده که از آنچه که نام خداوند بر آن برده شده است نمی خورید؟ (و بی جهت حلال ما را بر خود حرام می کنید)، در صورتی که خداوند آنچه را بر شما حرام کرده خودش به تفصیل برای شما بیان کرده است، مگر آنچه (از محرمات) که به خوردن آن مضطر شدید، همانا بسیاری از مردم، دیگران را جاهلان به خاطر هوس های خود گمراه می کنند. قطعاً پروردگارت به متجاوزان آگاه تر است. (۱۲۰) و گناه آشکار و پنهان را رها کنید، همانا کسانی که مرتکب گناه می شوند، به زودی کیفر کارهایی را که مرتکب شده اند، خواهند دید. (۱۲۱) و از آنچه نام خداوند بر آن برده نشده، نخورید، چرا که خوردن آن فسق (و خروج از مدار بندگی) است. همانا شیاطین، به دوستان خود القا می کنند تا به جدال با شما برخیزند (که مثلاً چه فرقی است میان حیوان

مرده یا ذبح شده) و اگر از آنان اطاعت کنید، قطعاً شما هم مشرک می شوید. (۱۲۲) و آیا آنکه (به واسطه ی جهل و شرک) مرده بود، پس او را (با هدایت خویش) حیات بخشیدیم و برای او نوری (از ایمان) قرار دادیم که با آن در میان مردم راه خود را بیابد، مثل او مثل کسی است که در ظلمت های (جهل و شرک) قرار دارد و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای کافران، کارهایی که می کردند جلوه داده شده بود. (۱۲۳) و ما این گونه در هر دیاری مجرمان بزرگش را می گماریم تا در آن قریه ها و مناطق، حيله (و فسق و فساد) کنند، اما جز به خودشان نیرنگ نمی کنند ولی نمی فهمند (که نتیجه ی حيله، به خودشان بازمی گردد). (۱۲۴) و چون آیه و نشانه ای (از سوی خدا برای هدایت آنان) نازل شد گفتند: ما هرگز ایمان نمی آوریم تا آنکه به ما هم مثل آنچه به فرستادگان خدا داده شد، داده شود، (بگو): خداوند بهتر می داند که رسالت خود را کجا (و نزد چه کسی) قرار دهد. به زودی به آنها که گناه کردند، به سزای آن مکر و نیرنگ ها که می کردند، خواری و عذاب سخت از نزد خداوند خواهد رسید. (۱۲۵) خداوند هر که را بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام می گشاید و هر که را (به خاطر اعمال و خصلت های خلافش) بخواهد گمراه کند، سینه اش را (از پذیرفتن ایمان) سخت قرار می دهد، گویا به زحمت در آسمان بالا- می رود. خداوند این چنین پلیدی (کفر) را بر کسانی که ایمان نمی آورند قرار می دهد. (۱۲۶) و این راه پروردگار تو است که مستقیم است، قطعاً ما آیات خود را

برای قوم و گروهی که پند می پذیرند به تفصیل بیان کرده ایم. (۱۲۷) سرای سلامت نزد پروردگارشان، تنها برای آنان است و او به پاداش اعمالی که انجام می دهند، سرپرست و پشتیبان و دوست آنان است. (۱۲۸) و (به یاد آورید) روزی که خداوند، همه آنان را گرد می آورد (سپس به جنیان خطاب می فرماید:) ای گروه جن! از انسان ها (پیروان) بسیاری یافتید. و دوستان ایشان از نسل بشر گفتند: پروردگارا! ما انسان ها و شیاطین از یکدیگر بهره گرفتیم و اینک به سرانجامی که برایمان قرار داده بودی رسیدیم. خداوند می فرماید: آتش جایگاهتان است که همیشه در آن خواهید بود، مگر آنکه خداوند بخواهد (که گروهی از شما را ببخشد). همانا پروردگار تو حکیم و داناست. (۱۲۹) و بدین گونه بعضی ستمگران را بر بعضی مسلط می کنیم، (تا کیفری باشد) برای آنچه عمل می کردند. (۱۳۰) (در قیامت به آنان گفته می شود:) ای گروه جن و انس! آیا پیامبرانی از خودتان به سویتان نیامدند تا آیات مرا بر شما بخوانند و شما را از دیدار این روز بیمتان دهند؟ گویند: ما علیه خودمان گواهی می دهیم و زندگی دنیا آنان را فریب داد و بر علیه خود شهادت دادند که کافر بوده اند. (۱۳۱) این (اتمام حجت و هشدار) برای آنست که پروردگارت هرگز از روی ستم، آبادی هایی را که اهلش (از شناخت حق) غافلند نابود نمی کند. (خداوند ابتدا مردم را از غفلت و جهل بیرون می آورد و با پیامبرانش به آنان هشدار می دهد و سپس اگر قبول نکردند هلاکشان می کند). (۱۳۲) و برای هر کس بر اساس آنچه انجام داده اند درجاتی است، و پروردگار تو از آنچه می کنند غافل نیست. (۱۳۳) و پروردگار تو بی نیاز و صاحب رحمت است. اگر بخواهد،

شما را می برد و پس از شما هر که را بخواهد جایگزین می کند، همان گونه که شما را از نسل قوم دیگری پدید آورد. (۱۳۴) به راستی آنچه وعده داده می شوید، آمدنی است و شما نمی توانید (خدا را) ناتوان سازید (و از کیفر و عدل او بگریزید). (۱۳۵) بگو: ای قوم من! بر جایگاه و سیرت خویش عمل کنید که من نیز (بر اساس سیرت خویش) عمل می کنم و به زودی خواهید دانست که سرانجام آن سرای از کیست، همانا ستمکاران رستگار نمی شوند. (۱۳۶) و (بت پرستان) از آنچه خداوند از کشت و چهارپایان آفریده است، سهمی را برای خدا قرار دادند و به پندار خودشان گفتند: این قسمت برای خداست و این قسمت برای (بت هایی که هم) شریکان (خدایند، هم شریک اموال) ما پس آنچه سهم شرکا و بت ها بود به خدا نمی رسید، ولی هرچه سهم خدا بود به شرکا می رسید، چه بد است آنچه داوری می کنند! (۱۳۷) و بدین سان (بت ها و خادمان بت ها که) شریکان آنها (در اموالشان محسوب می شدند)، کشتن فرزند را برای بسیاری از مشرکان (به عنوان قربانی برای بت ها) زیبا جلوه دادند تا آنان را به هلاکت کشیده و آیین آنان را مشتبه سازند. و اگر خداوند می خواست چنین نمی کردند (و به اجبار جلو آنان را می گرفت)، پس آنان را با دروغهایی که می بافند واگذار. (۱۳۸) و مشرکان (به پندار خویش) گفتند: اینها، دام ها و کشت هایی ممنوع است، کسی نخورد مگر آن (خادمین بتکده ها) که ما بخواهیم. و چهارپایانی است که (سوار شدن بر) پشت آنها حرام است و چهارپایانی که نام خدا را (هنگام ذبح) بر آن نمی برند (این احکام را)

به دروغ به خدا نسبت می دادند. خداوند به زودی آنان را به کیفر آنچه به او افترا می بستند جزا خواهد داد. (۱۳۹) و (از دیگر عقائد خرافی مشرکان، این بود که می) گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان (نذر شده برای بت ها) است، (اگر زنده به دنیا آید) مخصوص مردان ماست و بر زنان ما حرام است و اگر مرده به دنیا آید، پس همه (زن و مرد) در آن شریکند، خداوند به زودی آنان را به سزای این گونه توصیف های باطل کیفر خواهد داد. همانا او حکیم و داناست. (۱۴۰) به یقین زیان کردند کسانی که فرزندان خود را سفیهانه و از روی جهل کشتند، و آنچه را خداوند روزی آنان ساخته بود با افترا بر خدا حرام کردند، آنان گمراه شدند و هدایت یافته نبودند. (۱۴۱) و اوست کسی که به وجود آورد باغهایی با داریست و بی داریست، و درخت خرما و کشتزار با خوردنی های گوناگون، و زیتون و انار، (برخی میوه ها) شبیه به همند و برخی شباهتی با هم ندارند. همین که باغها ثمر داد، از میوه اش بخورید و روز درو کردن و میوه چیدن حق آن (محرومان) را بدهید و اسراف نکنید، چرا که خداوند، اسراف کاران را دوست ندارد. (۱۴۲) و بعضی از چهارپایان بارکش و بعضی غیر بارکش و مثل فرش (به زمین نزدیک) اند (و یا از کرک و پشم آنها برای فرش استفاده می شود) از آنچه خداوند روزی شما ساخته بخورید و از گام های (وسوسه انگیز) شیطان پیروی نکنید، چرا که او دشمن آشکار شماست. (۱۴۳) (خداوند برای شما حلال کرده است) هشت زوج از حیوانات را. از گوسفند دو زوج (نر و ماده) و از بز،

دو زوج (به کسانی که از پیش خود، بعضی چهارپایان را تحریم می کنند) بگو: آیا خداوند نرهای آنها را حرام کرده یا ماده های آنها را یا آنچه را شکم آنها در بر گرفته است؟ اگر راست می گوید از روی علم و دانش به من خبر دهید. (۱۴۴) و از شتر دو زوج (نر و ماده) و از گاو دو زوج (نر و ماده) را (برای شما حلال کرده است) بگو: آیا خداوند نرهای این دو را حرام کرده یا ماده ها را یا آنچه را که شکم آن دو در بر گرفته است؟ یا مگر شما شاهد و حاضر بوده اید که خداوند به حرمت این گوشت ها به شما سفارش کرده است؟! پس کیست ستمکارتر از کسی که به خداوند، دروغ بندد تا مردم را از روی نادانی گمراه سازد؟ قطعاً خداوند، گروه ستمکار را هدایت نمی کند. (۱۴۵) بگو: در آنچه به من وحی شده، بر کسی که چیزی می خورد هیچ حرامی نمی یابم مگر آن که مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خوگ باشد که قطعاً پلید است، یا حیوانی که از روی فسق و نافرمانی به نام غیر خدا ذبح شده باشد. پس هر کس که (به خوردن آنها) ناچار و مضطر شد، به شرط آنکه از روی سرکشی و بیش از حدّ ضرورت نباشد، (مانعی ندارد). همانا خداوند تو آمرزنده و مهربان است. (۱۴۶) و بر یهودیان، هر (حیوان) ناخن دار را حرام کردیم و از گاو و گوسفند، پیه هر دو را بر آنان حرام ساختیم مگر آن مقدار که بر پشت گاو و گوسفند یا همراه روده و مخلوط به استخوان است. این (تحریم)، کیفر ماست به خاطر ظلمی که

مرتکب شدند و قطعاً ما راستگوییم. (۱۴۷) (ای پیامبر!) اگر تو را تکذیب کردند پس بگو: پروردگارتان دارای رحمت گسترده است (آیا) عذاب او از قوم تبه کار، دفع نمی شود. (۱۴۸) به زودی کسانی که شرک ورزیده اند، خواهند گفت: اگر خدا می خواست، نه ما و نه پدرانمان شرک نمی آوردیم و هیچ چیزی را (از سوی خود) حرام نمی کردیم. کسانی که پیش از آنها بودند (نیز پیامبران قبلی را) اینگونه تکذیب کردند تا آنکه طعم قهر و عذاب ما را چشیدند. بگو: آیا برای شما دانشی هست؟ آن را برای ما آشکار کنید! شما جز از گمان و خیال پیروی نمی کنید و شما جز حدس زن و دروغگویانی بیش نیستید. (۱۴۹) بگو: دلیل روشن و رسا تنها برای خداوند است، پس اگر می خواست همه ی شما را (به اجبار) هدایت می کرد. (۱۵۰) (ای پیامبر!) به کسانی که بهره بردن از حیوانات و زراعت ها را ناجزا بر خود حرام کرده اند) بگو: گواهان خود را که گواهی دهند خداوند این را حرام کرده، بیاورید. پس اگر شهادت دادند، تو همراه با آنها گواهی مده و از خواسته های کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، همان ها که برای پروردگارشان شریک قرار می دهند، پیروی نکن. (۱۵۱) بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم: چیزی را با او شریک مگیرید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانان را از ترس تنگدستی نکشید. ماییم که به شما و آنان روزی می دهیم، و به کارهای زشت، چه آشکار و چه پنهان، نزدیک نشوید، و نفسی را که خداوند (کشتن آن را) حرام شمرده، جز به حق (مثل قصاص یا دفاع)

نکشید، اینهاست آنچه خداوند شما را به آن توصیه فرموده، باشد که تعقل و اندیشه کنید. (۱۵۲) به مال یتیم نزدیک نشوید (و در آن تصرفی نکنید) مگر به نیکوترین (طریقه ای که به صلاح او باشد) تا به حد بلوغ و رشد خود برسد. (در داد و ستدها) پیمان و ترازو را با عدالت تمام دهید. ما هیچ کس را جز به اندازه ی توانش تکلیف نمی کنیم. و هرگاه سخن می گوید (چه در قضاوت و چه در شهادت) عدالت را رعایت کنید، هر چند (به زیان) خویشاوندتان باشد و به عهد و پیمان خدا وفا کنید. اینها اموری است که خداوند، شما را به آن سفارش کرده است، باشد که یاد کنید و پند بگیرید. (۱۵۳) و این (دستورها) راه مستقیم من است. پس آن را پیروی کنید و راه های دیگر را پیروی نکنید که شما را از راه خداوند پراکنده کند. این سفارش خداوند به شماست، باشد که تقوا پیشه کنید. (۱۵۴) سپس به موسی، کتاب (تورات) دادیم تا بر کسی که نیکوکار بوده (نعمت خود را) تمام کنیم، و (این کتاب) بیانگر همه ی مسائل و وسیله هدایت و رحمت باشد، شاید مردم به دیدار پروردگارش ایمان بیاورند. (۱۵۵) و این (قرآن) کتابی است مبارک که آن را نازل کردیم. پس آن را پیروی نموده و تقوا پیشه کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید. (۱۵۶) (آن تورات را نازل کردیم) تا نگوید کتاب (آسمانی)، فقط بر دو طایفه ی (یهود و نصاری) که پیش از ما بودند نازل شده است و ما از علوم آنان بی خبر بوده ایم. (۱۵۷) یا نگوید اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می شد، قطعاً از آنان (یهود و نصاری) هدایت یافته تر بودیم. (برای جلوگیری

از این بهانه ها) بی شک از سوی پروردگارتان دلیل روشن و هدایت و رحمت آمد. پس کیست ستمکارتر از کسی که آیات الهی را تکذیب کند و از آن روی گرداند؟ ما به زودی کسانی را که از آیات ما روی گردانند، به خاطر همین روی گردانی به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد. (۱۵۸) آیا (با دیدن آن همه آیات و بینات و معجزات، باز هم) جز این انتظار دارند که فرشتگان نزد ایشان بیایند، یا خود پروردگارت بیایند، یا بعضی از آیات پروردگارت (نشانه های قیامت) بیاید؟! (مگر نمی دانند) روزی که بعضی از نشانه های پروردگارت بیاید کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا در مدت ایمان خود کار خیری را کسب نکرده، ایمان آوردنش سودی ندهد. بگو: منتظر (قهر خدا) باشید که ما هم در انتظاریم. (۱۵۹) (ای پیامبر!) تو را با کسانی که دین خود را پراکنده ساخته و گروه گروه شدند، هیچگونه ارتباطی نیست. (تو مسئول آنان نیستی و) سرنوشت کارشان تنها با خداست، آنگاه او آنان را به عملکردشان آگاه خواهد کرد. (۱۶۰) هر که نیکی آورد، پس برای او پاداشی ده برابر آن است و هر که بدی آورد، جز مانند آن کیفر نخواهد دید و به آنان هرگز ستم نخواهد شد. (۱۶۱) بگو: همانا پروردگارم مرا به راهی راست هدایت کرده، دینی استوار که همان آیین حق گرای ابراهیمی است، و او از مشرکان نبود. (۱۶۲) بگو: همانا نماز من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خداوند، پروردگار جهانیان است. (۱۶۳) شریکی برای او نیست و به آن (روح تسلیم و خلوص و عبودیت) مأمور شده ام و من نخستین مسلمان و تسلیم پروردگارم. (۱۶۴) بگو: آیا جز خداوند یکتا پروردگاری بجویم؟

در حالی که او پروردگار هر چیز است و هیچ کس (کار بدی) جز به زیان خویش نمی کند و هیچ کس بار (گناه) دیگری را بر دوش نمی کشد، بازگشت شما به سوی پروردگارتان است که شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید، آگاه می کند. (۱۶۵) و اوست که شما را جانشینان (یکدیگر در) زمین قرار داد و درجات بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده، بیازماید. همانا پروردگارت زود کیفر است و البته او حتما آمرزنده و مهربان است. (۱۶۶)

الأعراف

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) الف، لام، میم، صاد. (۲) (این) کتابی است که به سوی تو نازل شده، پس در سینه ات تنگی (و شک و تردیدی) از آن نباشد، تا به وسیله ی آن (کتاب)، بیم دهی و برای مؤمنان تذکر و پندی باشد. (۳) آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل شده، پیروی کنید و از سرپرستانی جز او پیروی نکنید. چه اندک پند می پذیرید! (۴) چه بسیار آبادی هایی که ما اهل آنجا را (به خاطر فساد و کفرشان) نابود کردیم. پس قهر ما به هنگام شب یا روز، هنگامی که به استراحت پرداخته بودند، به سراغشان آمد. (۵) پس آن هنگام که قهر ما سراغشان آمد، سخن و اعتراضی نداشتند، جز آنکه گفتند: ما قطعاً ستمکار بودیم. (۶) پس قطعاً از مردمی که (پیامبران) به سویشان فرستاده شدند، سؤال و بازخواست خواهیم کرد و قطعاً از خود پیامبران (نیز) خواهیم پرسید. (۷) پس بی شک (از هر چه کرده اند)، از روی علم برایشان بازگو خواهیم کرد، و ما (از مردم)، غایب و بی خبر نبودیم. (۸) و در آن روز (قیامت)، سنجش (اعمال بر پایه ی) حق است. پس هر کس

کارهای سنجش شده اش سنگین باشد، پس آنان همان رستگارانند. (۹) و هر کس، اعمال وزن شده اش سبک باشد، پس آنان کسانی هستند که به خود زیان زدند، زیرا (با انکار خود)، به آیات ما ستم می کردند. (۱۰) و همانا در زمین به شما تمکن دادیم و برای شما در آن، (انواع) وسایل زندگی را فراهم ساختیم، (اما شما) اندک شکرگزاری می کنید. (۱۱) و همانا ما شما را آفریدیم، سپس به صورت بندی و چهره نگاری شما پرداختیم، آنگاه به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند، جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود. (۱۲) (خداوند به ابلیس) فرمود: وقتی که من (به سجده) فرمانت دادم، چه چیز تو را از سجده کردن باز داشت؟ (شیطان) گفت: من از او بهترم، مرا از آتش و او را از گِل آفریدی. (۱۳) (خداوند به شیطان) فرمود: از این (جایگاه) فرود آی! تو را نرسد که در آن جایگاه تکبر کنی، پس بیرون شو که قطعاً تو از خوار شدگانی. (۱۴) (ابلیس، به جای توبه و عذرخواهی) گفت: تا روزی که مردم برانگیخته می شوند، مرا مهلت بده. (۱۵) (خداوند) فرمود: همانا تو از مهلت یافتگانی. (۱۶) (شیطان) گفت: پس به خاطر آنکه مرا گمراه کردی، من هم برای (فریب دادن) آنان حتماً بر سر راه راست تو (به کمین) خواهم نشست. (۱۷) سپس از روبرو و از پشت سر و از راست و چپشان بر آنان می تازم و بیشتر آنان را سپاسگزار نخواهی یافت. (۱۸) (خداوند) فرمود: از این جایگاه، با ذلت و سرشکستگی بیرون رو! سوگند یاد می کنم که هر کس از آنها پیرو تو شود، به یقین دوزخ را از همه ی شما پر خواهم کرد. (۱۹) و ای آدم! تو و همسرت در آن باغ (بهشت گونه) ساکن

شو و از (هرگونه و هرچه و) هر جا خواستید بخورید، و(لی) نزدیک این درخت نشوید که از ستمکاران (بر خویش) خواهید شد. (۲۰) پس شیطان، آن دو (آدم و همسرش) را وسوسه کرد تا آنچه را از زشتی (عورت) شان از آن دو مخفی بود، برایشان آشکار سازد و گفت: پروردگارتان شما را از (خوردن) این درخت نهی نکرده مگر برای این که مبادا دو فرشته شوید یا از جاودانان شوید (و حیات ابدی بیابید). (۲۱) و (شیطان برای آن که وسوسه اش تأثیر کند)، برای آن دو سوگند یاد کرد که به راستی من از خیرخواهان شمایم. (۲۲) پس شیطان آن دو را با فریب و حيله به سقوط (و پرتگاه گناه) کشاند، پس چون از آن درخت (نهی شده) چشیدند، زشتی برهنگی شان برای آنان آشکار شد و به (پوشاندن خویش با) چسباندن برگ درختان بهشت بر خود پرداختند و خداوند ندایشان داد: آیا شما را از آن درخت نهی نکردم و به شما نگفتم که شیطان برای شما دشمنی آشکار است؟! (۲۳) (آدم و حوا) گفتند: پروردگارا! ما بر خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشایی و رحم نکنی، قطعاً از زیانکاران خواهیم بود. (۲۴) (خداوند) فرمود: فرود آید، بعضی از شما دشمن بعض دیگرید و تا مدتی (معین) برای شما در زمین جایگاه و وسیله ی بهره گیری خواهد بود. (۲۵) (او) فرمود: در این زمین زندگی می کنید و در آن می میرید و از آن (برای محاسبه ی روز قیامت)، بیرون آورده می شوید. (۲۶) ای فرزندان آدم! همانا بر شما لباسی فرو فرستادیم تا هم زشتی (برهنگی) شما را بپوشاند و هم زیوری باشد، و(لی) لباس تقوا همانا بهتر است. آن، از نشانه های خداست، باشد که آنان پند گیرند (و)

متذکر شوند). (۲۷) ای فرزندان آدم! مبادا شیطان فریبتان دهد، آنگونه که پدر و مادر (نخستین) شما را از بهشت بیرون کرد، (با وسوسه ی خوردن از آن درخت) لباس را از تن آن دو بر کند تا عورت هایشان را بر آنان آشکار سازد. همانا شیطان و گروهش شما را از آنجا که شما آنها را نمی بینید می بینند. ما شیاطین را دوستان و سرپرستان کسانی که ایمان نمی آورند قرار دادیم. (۲۸) و هرگاه کار زشتی کنند، (در توجیه آن) گویند: ما پدران خود را بر این کار یافتیم و خداوند ما را به آن دستور داده است. بگو: خداوند هرگز به کارهای زشت فرمان نمی دهد. آیا چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت می دهید؟ (۲۹) بگو: پروردگرم به عدل و داد فرمان داده و اینکه نزد هر مسجدی (هنگام نماز) روی خویش را به سوی او بدارید و او را بخوانید، در حالی که دین را برای او خالص می سازید. آنگونه که شما را در آغاز آفرید، باز خواهید گشت. (۳۰) (خداوند) گروهی را هدایت فرمود، و (لی) گروهی، گمراهی بر آنان سزوار است، زیرا آنان به جای خداوند، شیطان ها را سرپرست خویش گرفته اند و می پندارند که آنان راه یافته گانند. (۳۱) ای فرزندان آدم! نزد هر مسجد (به هنگام نماز، لباس و) زینت های خود را بگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، همانا خداوند اسراف کاران را دوست ندارد. (۳۲) بگو: چه کسی زینت هایی را که خداوند برای بندگانش پدید آورده و (همچنین) رزقهای پاکیزه و دلپسند را بر خود حرام کرده است؟ بگو: این (نعمت ها) در زندگی دنیا برای مؤمنان است، (اگر چه کافران هم بهره مندند)، در حالی که روز قیامت مخصوص (مؤمنان) است. ما این گونه آیات خود

را برای گروهی که می دانند به تفصیل بیان می نمائیم. (۳۳) (ای پیامبر!) بگو: همانا پروردگارم کارهای زشت و زننده، چه آشکار و چه پنهان، و گناه و ستم و سرکشی به ناحق و شریک قرار دادن چیزی برای خدا که او دلیلی بر حَقّانیت آن نازل نکرده، و نسبت دادن آنچه را نمی دانید به خداوند، (همه را) حرام کرده است. (۳۴) و برای هر اّمتی اجل و سرآمدی است. پس هرگاه اجلشان فرا رسید، نه می توانند لحظه ای تأخیر اندازند و نه پیشی گیرند. (۳۵) ای فرزندان آدم! هرگاه پیامبرانی از خودتان به سوی شما بیایند که آیات مرا بر شما بازگو کنند (از آنها پیروی کنید)، پس کسانی که تقوا و صلاح پیشه کنند، هیچ ترسی بر آنان نیست و آنان اندوهگین نمی شوند. (۳۶) و کسانی که آیات ما را تکذیب کنند و از روی استکبار از آن سرپیچی نمایند، آنان همدم آتشند و همیشه در آن خواهند بود. (۳۷) پس کیست ستمکارتر از کسی که بر خداوند دروغ بندد، یا آیات او را تکذیب کند؟ آنان بهره ی خود را از (دنیا به مقداری که در) کتاب (الهی که برای آنان نوشته شده) خواهند برد، تا آنکه چون فرستادگان ما برای گرفتن جانشان به سراغ آنان آیند، گویند: کجاست آنچه (و آنکه) به جای خداوند می خواندید؟ گویند: همه از دید ما ناپدید و نابود شدند. و آنان علیه خود شهادت می دهند که کافر بوده اند. (۳۸) (خداوند، پس از اعترافشان به کفر در لحظه ی مرگ) می فرماید: شما نیز در میان گروه هایی از جن و انس، که پیش از شما بوده اند، به دوزخ داخل شوید. هرگاه گروهی وارد (جهنّم) شود، گروه هم کیش خود را لعن و نفرین کند، تا

آنکه همه یکجا در دوزخ بهم رسند. آنگاه گروه متأخر درباره ی گروه قبلی گوید: خدایا! اینان بودند که ما را گمراه کردند، پس عذابی دو چندان از آتش دوزخ برایشان بیاور (کیفری برای گمراهی خودشان و کیفری برای گمراه ساختن ما. خداوند) می فرماید: برای هر کدام، (عذابی) دو برابر است، ولی نمی دانید. (۳۹) و گروه پیشگام (در عذاب)، به پیروان می گویند: شما هیچ برتری بر ما ندارید، پس عذاب را به خاطر آنچه کسب می کردید بچشید. (۴۰) همانا کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و مستکبران از آن اعراض کردند، درهای (رحمت) آسمان به روی آنان باز نمی شود و به بهشت وارد نمی شوند، تا آنکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد (یعنی نشدنی است)، و این گونه مجرمان را کیفر می دهیم. (۴۱) برای مجرمان، از جهنم بسترهایی است و از بالای سرشان پوشش هایی (از آتش)، و اینگونه ستمگران را کیفر می دهیم. (۴۲) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، (هر اندازه عمل کرده اند می پذیریم، زیرا) هیچ کس را جز به مقدار توانش تکلیف نمی کنیم. آنان همدم بهشتند، همانان در آن جاودانند. (۴۳) و هرگونه کینه ای را که در سینه های آنان بود برکنده و زدودیم (تا در صفا و صمیمیت با هم زندگی کنند)، از زیر (قصرهای) شان نهرها جاری است و می گویند: خدا را شکر که ما را به این (راه) هدایت کرد و اگر خداوند هدایت نمی کرد، ما (به خودی خود) هدایت نمی شدیم. بی شک فرستادگان پروردگاران به راستی و درستی به سراغ ما آمدند و به آنان (هدایت یافتگان) خطاب می شود: این همان بهشتی است که به خاطر عملکردتان وارث آن شده اید. (۴۴) و اهل بهشت، دوزخیان را صدا زنند که ما آنچه را پروردگاران وعده

داده بود، حق و راست یافتیم (و به آن رسیدیم)، آیا شما وعده های پروردگارتان را حق یافتید؟ (ما در لذت و نعمتیم، آیا شما هم در رنج و عذابید؟) گویند: آری. پس منادی میان آنان اعلام کند که لعنت خدا بر ستمکاران باد. (۴۵) (ستمگران) آنان اند که (مردم را) از راه خدا بازمی دارند و (با القای شبهات) می خواهند آن را کج و منحرف نشان دهند و همانان به آخرت، کافرند. (۴۶) و میان آن دو (بهشتیان و دوزخیان) حجابی است و بر اعراف، (بلندی میان دوزخ و بهشت) مردانی هستند (از اولیای خدا) که همه (اهل بهشت و جهنم) را از سیمایشان می شناسند و بهشتیان را که هنوز به بهشت وارد نشده اند، ولی امیدوارند، ندا می دهند که سلام بر شما باد. (۴۷) و هرگاه چشمان آنان (اهل اعراف که هنوز به بهشت نرفته اند) ناخواسته به سوی دوزخیان گردانده شود گویند: پروردگارا! ما را همراه ظالمان قرار مده. (۴۸) و اصحاب اعراف، (اولیای خدا که میان بهشت و جهنم بر جایگاه بلندی مستقرند) مردانی (از اهل دوزخ) را که به سیمایشان می شناسند، ندا می دهند و می گویند: جمعیت و جمع آوری شما (از مال، مقام، همسر و فرزند) و آنچه همواره بدان تکبر می کردید، به حال شما سودی نداشت. (۴۹) (به مستکبران خطاب می شود): آیا اینان (بهشتیان)، همان کسانی که (شما در دنیا) سوگند یاد کردید رحمت الهی شامل حالشان نمی شود؟ (اکنون ببینید که به آنان گفته می شود): وارد بهشت شوید، بی آنکه خوفی بر شما باشد یا اندوهگین شوید. (۵۰) و دوزخیان اهل بهشت را ندا دهند و گویند: کمی از آب یا از آنچه خداوند روزی شما کرده است بر ما فرو ریزید! (بهشتیان) گویند: خداوند این آب و

نعمت‌ها را بر کافران حرام کرده است. (۵۱) کسانی که (در دنیا) دین خویش را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیوی مغرورشان ساخت، پس همان گونه که آنان دیدار این روزشان را فراموش کرده و آیات ما را انکار می‌کردند، (ما نیز) امروز آنان را به فراموشی می‌سپاریم. (۵۲) و حال آنکه در حقیقت ما برایشان کتابی آوردیم که آن را بر اساس علم (آگاهانه)، تفصیل دادیم تا هدایت و رحمتی برای اهل ایمان باشد. (۵۳) آیا (کافران)، جز تأویل کتاب (تحقق تهدیدهای قرآن)، انتظار دیگری دارند؟ روزی که تأویل کتاب (در قیامت و نشانه‌های حساب و کتاب) فرارسد، کسانی که آن روز را از پیش (در دنیا) فراموش کرده بودند، خواهند گفت: همانا رسولان پروردگاران برای ما حق را آوردند، (ولی ما نپذیرفتیم) آیا برای ما شفاعتی هست تا شفاعت‌مان کنند یا (ممکن است) ما به دنیا بازگردانده شویم تا کاری جز آنچه می‌کردیم انجام دهیم؟ (این حسرت‌ها بی‌فایده است)، قطعاً آنان سرمایه خود را باخته و آنچه به دروغ می‌ساختند (و بت‌ها را شفیعان خود می‌پنداشتند)، از کف دادند. (۵۴) همانا پروردگار شما خداوندی است که در شش روز (و دوران) آسمان‌ها و زمین را آفرید و سپس بر عرش (جایگاه قدرت و تدبیر جهان) مستولی شد. او روز را به وسیله‌ی شب که به سرعت آن را دنبال می‌کند می‌پوشاند و خورشید و ماه و ستارگان را (آفرید) که تسلیم فرمان اویند. آگه‌ا باشید که آفرینش و تدبیر تنها از آن اوست! خجسته و مبارک است خداوندی که پروردگار جهانیان است. (۵۵) پروردگارتان را با تضرع و پنهانی بخوانید، قطعاً او تجاوزگران را دوست ندارد. (۵۶) پس از اصلاح زمین، در آن

دست به فساد نزنید و خداوند را با بیم و امید بخوانید، قطعاً رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است. (۵۷) و اوست که بادها را پیشاپیش (باران) رحمتش به بشارت می فرستد، تا آنکه (باد) ابرهای سنگین (پر آب) را به آسانی حمل کند (و آن را) به سوی سرزمین مرده روانه کنیم، پس به این وسیله آب (باران) نازل کردیم و به واسطه ی آن هرگونه میوه ای را (از زمین) رویاندیم و برآوردیم. مردگان را نیز این گونه (از زمین) بیرون خواهیم آورد، باشد که شما (با دیدن حیات زمین پس از مرگ) متذکر شوید. (۵۸) و سرزمین پاک (و آماده)، گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می آید. آزمیننی که خبیث (و شوره زار) است، جز محصولی اندک و بی فایده بیرون نمی دهد. ما این چنین آیات خویش را برای گروه شکرگزار، گونه گون بیان می کنیم. (۵۹) همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس به مردم گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که جز او برای شما خدا و معبودی نیست. همانا من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیمناکم. (۶۰) سران قوم او گفتند: همانا ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم. (۶۱) (نوح) گفت: ای قوم من! در من هیچگونه انحراف و گمراهی نیست، بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم. (۶۲) پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و خیرخواه و دلسوز شمایم و از (جانب) خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید. (۶۳) آیا تعجب کردید که از سوی پروردگارتان مایه ی تذکری بر مردی از شما بیاید تا شما را بیم دهد و تا شما تقوا پیشه کنید و شاید که مورد رحمت قرار گیرید؟ (۶۴) سرانجام او (نوح) را تکذیب کردند. پس او و کسانی را که در کشتی با او

بودند، نجات دادیم و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم. زیرا آنان گروهی کوردل بودند. (۶۵) و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم، گفت: ای قوم من! خدا را پرستید که شما را معبودی جز او نیست، آیا تقوا پیشه نمی کنید؟ (۶۶) (در پاسخ دعوت هود،) سران کافر قوم او گفتند: همانا ما قطعاً تو را در سفاهت و بی خردی می بینیم و به طور حتم تو را از دروغگویان می پنداریم. (۶۷) (هود در پاسخ جسارتشان) فرمود: ای قوم من! در من هیچ سفاهت و سبک مغزی نیست، بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم. (۶۸) من پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیرخواهی امینم. (۶۹) آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان، مایه ی تذکری از سوی پروردگارتان آمده تا او شما را (از عواقب گناهان و انحراف ها) بیم دهد؟ و به یاد آورید هنگامی را که خداوند، شما را پس از قوم نوح جانشینان آنها قرار داد و شما را در آفرینش توانایی افزود، پس نعمت های خدا را به یاد آورید، باشد که رستگار شوید. (۷۰) (قوم عاد به حضرت هود) گفتند: آیا به سوی ما آمده ای که فقط خدا را به پرستیم و آنچه را پدران ما می پرستیدند رها کنیم؟ اگر از راستگویانی، پس آنچه (از عذاب الهی) به ما وعده می دهی بر ما بیاور. (۷۱) (حضرت هود، با دیدن سرسختی قوم عاد) گفت: پلیدی و خشم و عقوبت از سوی پروردگارتان بر شما حتمی شد. آیا با من درباره ی نام هایی جدل می کنید که شما و نیاکانتان بر آن (بت ها) نهاده اید؟ خداوند نسبت به حقایق معبودهای شما برهانی نازل نکرده است. پس منتظر (قهر الهی) باشید، من هم با شما

از منتظرانم. (۷۲) پس هود و همراهان (فکری و عملی) او را به رحمتی از خود نجات دادیم، و کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند، ریشه کن کردیم. (۷۳) و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم). او نیز مثل حضرت نوح و هود در دعوت مردم به توحید) گفت: ای قوم من! (تنها) خدا را پرستید، برای شما معبودی جز او نیست. همانا از طرف پروردگارتان معجزه و دلیلی آشکار برای شما آمده است. این شتر ماده (از جانب) خداوند برای شما آیه و نشانه است، (مزاحم آن نشوید و) بگذارید در زمین خدا بچرد، و گزندی به آن نرسانید که عذابی دردناک شما را خواهد گرفت. (۷۴) و به یاد آورید هنگامی که خداوند شما را پس از (هلاکت) قوم عاد، جانشینان (آنان) ساخت و در زمین شما را جایگاه (مناسب) داد. از قسمت های هموار زمین قصرها می سازید و کوه ها را برای ساختن خانه ها می تراشیدید. پس الطاف و نعمت های خداوند را یاد کنید و در زمین فس اد نکنید. (۷۵) سران مستکبر قوم صالح، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: آیا علم دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟ (مؤمنان در پاسخ به ایجاد شک و تردید آنان) گفتند: قطعاً ما به آنچه بر او فرستاده شده است، ایمان داریم. (۷۶) کسانی که استکبار ورزیدند گفتند: همانا ما به آنچه شما بدان ایمان آورده اید، کافریم. (۷۷) پس (مستکبران) ناقه را پی کرده (و کشتند) و از فرمان پروردگارشان سرپیچی کردند و گفتند: ای صالح! اگر از فرستادگان خدایی، پس عذابی را که وعده می دهی برای ما بیاور. (۷۸) ناگاه زمین لرزه شدید آنان را فراگرفت، پس شب را به صبح آوردند، در

حالی که در خانه هایشان به رو افتادند (و مردند). (۷۹) پس (صالح) از آنان روی برگرداند و گفت: ای قوم من! همانا پیام پروردگرم را به شما رساندم و برای شما خیرخواهی کردم، ولی شما دلسوزان و خیرخواهان را دوست ندارید. (۸۰) و (به خاطر آور) لوط را (که برای هدایت مردم فرستادیم) آنگاه که به قوم خود گفت: آیا آن کار زشت را انجام می دهید که هیچ یک از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است؟ (۸۱) همانا شما به جای زنان، برای شهوت سراغ مردان می روید، بلکه شما قومی اسراف کارید. (۸۲) و جواب قوم لوط، جز این نبود که گفتند: آنان را از آبادی خود بیرون کنید، زیرا آنان مردمی هستند که پاکدامنی را می طلبند (و با ما نیستند). (۸۳) پس ما لوط و خاندان او را به جز همسرش، که از بازماندگان (در عذاب) بود، نجات بخشیدیم. (۸۴) و ما بارانی (از سنگ) بر آنان بارانیدیم. پس بنگر که سرانجام گنه کاران چه شد؟ (۸۵) و به سوی (مردم) مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم. آن حضرت) گفت: ای قوم من! (تنها) خدا را پرستید، جز او خدایی برای شما نیست. همانا از طرف پروردگارتان (معجزه و) دلیلی روشن برای شما آمده است. پس پیمانان و ترازو را (در داد و ستدها) تمام ادا کنید و کالاهای مردم را کم نگذارید و در زمین پس از آنکه اصلاح گشته فساد نکنید. این (رهنمودها) برایتان بهتر است، اگر مؤمن باشید. (۸۶) و بر سر هر راهی منشینید تا مؤمنان را تهدید کنید و (آنان را) از راه خدا، که کج جلوه می دهید بازدارید و یاد کنید زمانی را که اندک بودید، پس خداوند شما را بسیار گرداند و بنگرید که عاقبت

مفسدان چگونه بود! (۸۷) و اگر گروهی از شما به آنچه من برای آن فرستاده شده ام ایمان آورده و گروهی ایمان نیاورده اند، پس (عجله نکنید که لطف و قهر خدا چه شد؟) صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند و او بهترین داوران است. (۸۸) سران مستکبر قوم شعیب گفتند: ای شعیب! حتماً تو و کسانی را که با تو ایمان آورده اند، از آبادی مان بیرون خواهیم کرد، مگر آنکه به آئین ما برگردید. (شعیب) گفت: گرچه بی رغبت باشیم؟ (۸۹) (شعیب به مخالفان گفت:) اگر پس از آنکه خداوند ما را از آیین شما نجات داد، دوباره به آن برگردیم بی گمان بر خدا دروغ بسته ایم، ما را نسزد که به آیین شما برگردیم، مگر آنکه خدا بخواهد که او پروردگار ماست (خدا هم هرگز چنین نخواهد خواست). پروردگار ما بر هر چیز احاطه ی علمی دارد، ما بر خداوند توکل کرده ایم. پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق داوری و راهگشایی کن که تو بهترین داوران و راهگشایانی. (۹۰) سران و اشراف قوم شعیب که کفر ورزیدند، گفتند: اگر از شعیب پیروی کنید، قطعاً زیانکار خواهید بود. (۹۱) پس (به کیفیر عنادشان) زمین لرزه شدیدی آنان را فراگرفت، پس شب را به صبح آوردند، در حالی که در خانه های خود به زانو در افتادند (و مردند). (۹۲) کسانی که شعیب را تکذیب کردند، (چنان هلاک شدند که) گویا در آن خانه ها سکونتی نداشته اند. آنان که شعیب را تکذیب کردند، همانها زیانکاران هستند. (۹۳) پس شعیب از آنان روی گرداند و گفت: ای قوم من! پیام های پروردگارم را به شما رساندم و برایتان خیرخواهی کردم، پس چگونه بر (سرنوشت) قوم کافر تأسیف بخورم؟ (۹۴) و هیچ پیامبری را در هیچ آبادی نفرستادیم، مگر

آنکه مردم آنجا را گرفتار سختی‌ها و بلاها ساختیم، تا شاید به زاری (و توبه) درآیند. (۹۵) سپس به جای ناخوشی، خوشی قرار دادیم تا آنکه فزونی یافته و انبوه شدند و گفتند: به پدران ما نیز (به طور طبیعی) رنجها و خوشی‌ها رسیده بود (و این حوادث تلخ و شیرین، نشانه‌ی قهر یا لطف خدا نیست). پس آنان را ناگهانی (با قهر خود) گرفتیم، در حالی که درک نمی‌کردند. (۹۶) و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، قطعاً (درهای) برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی آنان (آیات ما را) تکذیب کردند، پس ما هم به خاطر عملکردشان آنان را (با قهر خود) گرفتیم. (۹۷) آیا اهل آبادی‌ها (خود را در امان می‌بینند و) ایمن هستند از اینکه قهر و عذاب ما شامگاهان در حالی که خفته‌اند به آنان برسد؟ (۹۸) یا آنکه اهل آبادی‌ها در امان هستند از اینکه قهر و عذاب ما در روز، در حالی که سرگرم بازی‌اند به آنان وارد شود؟ (۹۹) پس آیا از مکر خدا (و عذاب ناگهانی او) ایمن شدند؟ با آنکه جز افراد زیانکار، کسی احساس ایمنی از مکر خدا نمی‌کند. (۱۰۰) آیا (سرگذشت پیشینیان)، برای وارثان بعدی این حقیقت را روشن نکرد که اگر بخواهیم، آنان را نیز به خاطر گناهانشان هلاک می‌کنیم و بر دل‌هایشان مهر می‌زنیم که (حق را) نشنوند. (۱۰۱) آن آبادی‌هایی است که گوشه‌ای از اخبار آنها را بر تو بازگو می‌کنیم، همانا پیامبرانشان همراه با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمدند، اما آنان بر آن نبودند که به آنچه از قبل تکذیب کرده بودند، ایمان بیاورند. این گونه خداوند بر دل‌های کافران مهر

می زند. (۱۰۲) و برای بیشترشان هیچ (پایندی و) عهدی نیافتیم و همانا بیشترشان را فاسق و نافرمان یافتیم. (۱۰۳) سپس موسی را پس از آن پیامبران پیشین، همراه با آیات و معجزات خود به سوی فرعون و سران (قوم) او مبعوث کردیم، اما آنان به آیات ما ستم کردند (و کفر ورزیدند)، پس بنگر که پایان کار مفسدان چگونه است؟! (۱۰۴) و موسی گفت: ای فرعون! بی تردید من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیا‌م. (۱۰۵) سزاوار است که درباره ی خداوند جز سخن حق نگویم (و نسبت ندهم)، همانا من از سوی پروردگارتان برای شما دلیلی روشن (معجزه ای) آورده ام، پس بنی اسرائیل را همراه من بفرست. (۱۰۶) (فرعون) گفت: اگر از راستگویانی و (می توانی معجزه ای بیاوری یا) معجزه ای آورده ای، آن را به میان بیاور. (۱۰۷) پس (موسی) عصای خود را افکند، که ناگهان به صورت اژدهایی نمایان شد. (۱۰۸) و (موسی) دست خود را (از گریانش) بیرون آورد، پس ناگهان آن (دست) برای بینندگان سفید و درخشان می نمود. (۱۰۹) اشراف و اطرافیان قوم فرعون گفتند: همانا او (موسی) ساحری بسیار ماهر و داناست. (۱۱۰) (آنان گفتند: موسی) می خواهد شما را از سرزمینتان آواره و بیرون کند (و سرزمین شما را اشغال نماید)، پس (در این مورد) چه دستور می دهید؟! (۱۱۱) (اطرافیان فرعون) گفتند: (مجازات) او و برادرش را به تأخیر انداز و مأموران را در شهرها برای جمع کردن (ساحران) بفرست. (۱۱۲) تا هر ساحر دانا و کارآزموده ای را نزد تو بیاورند. (۱۱۳) و (پس از فراخوانی)، ساحران نزد فرعون آمدند، (و) گفتند: اگر ما پیروز شویم، آیا برای ما پاداشی هست؟! (۱۱۴) (فرعون) گفت: آری! و (علاوه بر آن)، شما از مقرّبان (درگاه من) خواهید بود. (۱۱۵) (جادوگران) گفتند: ای موسی! آیا (نخست تو وسیله سحر را) می افکنی و یا ما افکنده (جادوی خود) باشیم؟! (۱۱۶) (موسی با

تکیه بر نصرت الهی) گفت: (نخست شما) بیفکنید. پس همین که (ابزار جادوی خود را) افکندند، چشم های مردم را افسون کردند و خواستند (با این چشم بندی) ترس و وحشتی در مردم پدید آورند و سحری بزرگ را به صحنه آوردند. (۱۱۷) و به موسی وحی کردیم که عصایت را بیفکن. (همین که افکند اژدها شد و) ناگهان (وسائل و) جادوهای دروغین ساحران را بلعید. (۱۱۸) پس (بدین سان) حق، آشکار شد (و نبوت موسی تأیید گردید) و آنچه (که ساحران) می کردند، باطل و بیهوده گردید. (۱۱۹) پس (ساحران و فرعونیان) همانجا مغلوب شدند و خوار و زبون برگشتند. (۱۲۰) و جادوگران به سجده درافتادند. (۱۲۱) (ساحران) گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. (۱۲۲) (همان) پروردگار موسی و هارون. (۱۲۳) فرعون (به ساحران) گفت: آیا پیش از آن که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ قطعاً این نیرنگی است که شما درباره ی این شهر اندیشیده اید تا اهلش را از آن بیرون کنید. پس به زودی خواهید فهمید! (که با چه کسی طرف هستید و چه کیفی خواهید شد.) (۱۲۴) حتماً دست و پاهایتان را بر خلاف یکدیگر (یکی از راست و یکی از چپ) قطع خواهم کرد، سپس همه ی شما را به دار خواهم کشید. (۱۲۵) (ساحران در پاسخ) گفتند: (مهم نیست، هرچه می خواهی بکن) همانا ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم. (۱۲۶) و (ای فرعون!) تو از ما انتقام نمی کشی جز برای اینکه ما به آیات (و معجزات) پروردگارمان که برای ما آمد ایمان آورده ایم. پرودگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان و فرمان بردار بمیران. (۱۲۷) و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: آیا موسی و قومش را رها می کنی تا در این زمین فساد نمایند و موسی، تو و خدایانت

را رها کند؟! (فرعون) گفت: به زودی پسرانشان را می کشیم و زنانشان را (برای کنیزی) زنده نگاه می داریم و ما بر آنان تسلط کامل داریم. (۱۲۸) موسی به قوم خود گفت: از خداوند یاری بجویید و صبر و مقاومت کنید، زیرا زمین از آن خداوند است که آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد به ارث می گذارد و فرجام (نیک) از آن پرهیزکاران است. (۱۲۹) (قوم موسی) گفتند: هم پیش از آنکه نزد ما بیایی آزار می شدیم و هم پس از آنکه آمدی! (پس چه باید کرد؟) موسی گفت: امید است پروردگارتان دشمن شما را نابود کند و شما را در این زمین، جانشین آنان سازد تا ببیند شما چگونه عمل می کنید. (۱۳۰) و همانا ما طرفداران فرعون را به قحطی و خشکسالی و کمبود محصولات گرفتار کردیم، باشد که متذکر شوند (و از راه انحرافی خود دست بردارند). (۱۳۱) پس هرگاه خوبی و خوشی به سراغشان می آمد، می گفتند: این حقّ (ما و به خاطر لیاقت) ماست، ولی اگر تلخی و بدی به آنان می رسید، به موسی و پیروانش فال بد می زدند، بدانید که سرچشمه ی شومی هایشان نزد خداست (و اوست که آنان را به خاطر رفتار بدشان کیفر می دهد)، ولی اکثرشان نمی دانند. (۱۳۲) و (فرعونیان به موسی) گفتند: هرگونه آیه و معجزه ای بیاوری، تا با آن ما را جادو کنی، ما به تو ایمان نمی آوریم. (۱۳۳) پس ما بر آنان طوفان و (هجوم) ملخ و حیوانات کوچک و قورباغه ها و (جریان) خون را به صورت نشانه های جدا جدا، فرستادیم، اما باز هم تکبر ورزیدند و آنان گروهی بدکار بودند. (۱۳۴) و چون بلا و بدبختی بر آنان واقع شد، (نزد موسی آمده) گفتند: ای موسی! برای

نزد پروردگارت به خاطر عهدی که نزد تو دارد (و دعای تو را مستجاب می کند)، دعا کن که اگر این بلا را از ما برگردانی، قطعاً به تو ایمان می آوریم و حتماً بنی اسرائیل را (آزاد کرده و) با تو روانه می کنیم. (۱۳۵) پس همین که نکبت و بدبختی را (به خاطر دعای موسی) از آنان تا مدتی که باید به آن می رسیدند برداشتیم، باز هم پیمان خود را می شکستند. (۱۳۶) سرانجام از آنان انتقام گرفته و در دریا غرقشان ساختیم، زیرا آیات ما را تکذیب کردند و از آنها غافل بودند. (۱۳۷) و بخش های شرقی و غربی سرزمین (فلسطین) را که در آن برکت قرار داده بودیم به قومی که پیوسته تضعیف می شدند به میراث دادیم و وعده ی نیکوی پروردگارت درباره ی (پیروزی) بنی اسرائیل، به خاطر صبرشان تحقق یافت و آنچه را فرعون و قومش (از کاخ) ساخته و آنچه را افراشته بودند ویران کردیم. (۱۳۸) و بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم، تا به قومی برخوردند که بر پرستش بت های خویش پایبند بودند، (با دیدن این صحنه) گفتند: ای موسی! برای ما خدایی قرار بده، همان گونه که برای اینان معبودها (و بت هایی) است. موسی گفت: براستی، شما گروهی نادان (و جهالت پیشه) هست ید. (۱۳۹) (موسی گفت:) همانا آنچه این قوم در آنند (از کفر و شرک)، نابودشدنی است و آنچه انجام می دهند باطل است. (۱۴۰) گفت: آیا معبودی غیر خدا برای شما بجویم، در حالی که او شما را بر مردم این زمانه برتری داده است؟! (۱۴۱) و (به یاد آورید) زمانی که شما را از چنگال فرعونیان نجات دادیم، که شما را سخت شکنجه می کردند، پسران شما را می کشتند و زنان شما را (برای خدمت گزاری و بردگی)

زنده نگه می داشتند و در این ناگواری ها، آزمایش بزرگی از سوی پروردگارتان برای شما بود. (۱۴۲) و ما با موسی، سی شب (در کوه طور، برای نزول تورات و آیات الهی) وعده گذاشتیم و آن را با (افزودن) ده شب کامل کردیم، پس میعاد پروردگارش چهل شب کامل شد و موسی (پیش از رفتن به این وعده گاه) به برادرش هارون گفت: در میان امت من جانشین من باش (و کار مردم را) اصلاح کن و از راه و روش مفسدان پیروی مکن! (۱۴۳) و چون موسی به میقات و وعده گاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، (موسی) گفت: پروردگارا! خودت را به من نشان ده تا به تو بنگرم! (خداوند) فرمود: هرگز مرا نخواهی دید، ولی به این کوه بنگر، اگر در جای خود برقرار ماند، پس به زودی مرا خواهی دید. پس چون پروردگار موسی بر کوه تجلی و جلوه نمود (و پرتوی از عظمت خود را بر کوه افکند)، کوه را متلاشی کرد و موسی مدهوش بر زمین افتاد. پس چون به هوش آمد گفت: (خداوند!!) تو منزهی (که دیده شوی)، من به سوی تو باز گشتم و من نخستین مؤمن هستم. (۱۴۴) (خداوند) فرمود: ای موسی! من تو را بر مردم با پیام هایم و سخنم برگزیده ام، پس آنچه (از الواح و تورات) به تو دادم بگیر و از سپاسگزاران باش. (۱۴۵) و در الواح (تورات) برای موسی، در هر موردی پندی و برای هر چیز تفصیلی نوشتیم. (ای موسی!) آنها را با قوت بگیر و به قوم خود فرمان بده که بهترین آنها (مثلاً از میان عفو و قصاص، عفو) را بگیرند. به زودی جایگاه فاسقان را به شما

نشان می دهیم. (۱۴۶) به زودی کسانی را که بناحق در زمین تکبر می ورزند، از (ایمان به) آیات خود منصرف می سازم، (به گونه ای که) اگر هر نشانه ای (از قدرت ما را) ببینند، ایمان نمی آورند و اگر راه رشد را ببینند، آن را بر نمی گزینند و اگر راه انحراف را ببینند، آن را راه خود گیرند. این بدان جهت است که آنان آیات ما را تکذیب کردند و همواره از آنها غافل بودند. (۱۴۷) و کسانی که آیات ما و دیدار قیامت را تکذیب کردند، اعمالشان نابود است، آیا جز آنچه عمل می کردند، مجازات خواهند شد؟ (۱۴۸) و قوم موسی پس از (رفتن) او (به کوه طور) از زیورهای خود مجسمه ی گوساله ای (ساختند و به پرستش) گرفتند که صدای گاو داشت، آیا ندیدند که آن (گوساله) با آنان سخن نمی گوید و به راهی هدایتشان نمی کند؟ آن را (به پرستش) گرفتند در حالی که ستمکار بودند. (۱۴۹) و چون (ارزش گوساله پرستی) در نزدشان سقوط کرد (و پشیمان شدند) و دیدند که قطعاً گمراه شده اند، گفتند: البتّه اگر پروردگاران به ما رحم نکند و ما را نبخشاید، ما از زیانکاران خواهیم بود. (۱۵۰) و همین که موسی (از کوه طور) به سوی قوم خود برگشت (و گوساله پرستی آنان را دید)، به حال خشم و تأسف گفت: پس از من بد جانشینانی برایم بودید، آیا بر فرمان پروردگارتان (که ده شب ماندن مرا تمدید کرد)، پیشی گرفتید؟ (و صبر نکردید تا از کوه طور برگردم). آنگاه الواح (تورات) را (به کناری) افکند و (از شدّت غضب، موی) سر برادرش را گرفت و به سوی خود کشید. (هارون) گفت: ای فرزند مادرم! حقیقت این است که این گروه مرا در ضعف قرار

داده (به حرفم گوش ندادند) و نزدیک بود مرا بکشند. پس (من بی گناهم و) کاری نکن که دشمنان را به شماتتم برخیزاند (و شاد شوند) و مرا با ستمگران قرار مده. (۱۵۱) (چون خشم موسی فرو نشست) گفت: پروردگارا! من و برادرم را بیمارز و ما را در رحمت خویش وارد کن و تو مهربان ترین مهربانانی. (۱۵۲) قطعاً کسانی که گوساله را (به پرستش) گرفتند، به زودی خشمی از سوی پروردگارشان و ذلّتی در زندگی دنیا به آنان خواهد رسید و این گونه دروغ پردازان را کیفر می دهیم. (۱۵۳) و کسانی که مرتکب بدی ها و گناهان شده و پس از آن توبه کرده و ایمان آورند، پس از آن توبه، بی گمان پروردگارت آمرزنده و مهربان است. (۱۵۴) و چون خشم موسی فرو نشست، الواح را (از زمین) برگرفت و در نوشته های آن برای کسانی که از پروردگارشان بیم دارند، هدایت و رحمتی است. (۱۵۵) و موسی برای (آمدن به) میعادگاه ما، از قوم خود هفتاد مرد را برگزید. پس همین که (در پی درخواست دیدن خدا) زمین لرزه آنان را فرا گرفت گفت: پروردگارا! اگر می خواستی، می توانستی آنها و مرا پیش از این (آمدن به طور) بمیرانی، آیا ما را به خاطر کارهای بی خردان ما هلاک می کنی؟ این صحنه جز آزمایشی از جانب تو نیست که با آن، هر که را (سزاوار بدانی و) بخواهی گمراه می کنی و هر که را بخواهی (و لایق بدانی) هدایت می کنی، تو ولی و سرپرست مایی، پس ما را ببخشای و بر ما رحم کن، که تو بهترین آمرزندگان. (۱۵۶) (خداوند!!) برای ما در این دنیا و در آخرت، خیر و نیکی مقرر کن که ما به سوی تو رهنمون و بازگشت

کرده ایم. (خداوند) فرمود: عذابم را به هر کس که بخواهم (و مستحق باشد) می رسانم، و(لی) رحمتم همه چیز را فرا گرفته است، پس به زودی آن (رحمتم) را برای کسانی که تقوی دارند و زکات می دهند و آنان که به آیات ما ایمان می آورند، مقرر می دارم. (۱۵۷) (رحمت الهی، شامل کسانی است که علاوه بر ایمان، زکات و تقوا،) از رسول و پیامبر درس نخوانده ای پیروی می کنند که (نام و نشانه های او را) نزد خویش در تورات و انجیل نوشته می یابند. (پیامبری که) آنان را به نیکی فرمان می دهد و از زشتی بازمی دارد و آنچه را پاکیزه و پسندیده است برایشان حلال می کند و پلیدی ها را بر ایشان حرام می کند و از آنان بار گران (تکالیف سخت) و بندهایی را که بر آنان بوده برمی دارد (و آزادشان می کند). پس آنان که به او ایمان آورده و او را گرامی داشته و یاری کنند و از (قرآن) نوری که همراه او نازل شده است پیروی کنند، آنان همان رستگارانند. (۱۵۸) بگو: ای مردم! همانا من فرستاده ی خداوند به سوی شما، هستگی هستم، آن (خدایی) که حکومت آسمان ها و زمین از آن اوست، هیچ معبودی جز او نیست، زنده می کند و می میراند، پس به خداوند و پیامبر او (همان) پیامبر درس ناخوانده ای که به خداوند و گفتار او ایمان دارد، ایمان بیاورید و از او پیروی کنید، باشد که هدایت یابید. (۱۵۹) و از قوم موسی، گروهی مردم را به حق راهنمایی می کنند و به حق، دادگری می کنند. (۱۶۰) و آنان (قوم موسی) را به دوازده گروه تقسیم کردیم که هر یک شاخه ای از دودمان بنی اسرائیل و اُمّتی بودند، و به موسی آنگاه که قومش

از او آب طلبیدند، وحی کردیم که عصای خود را بر آن سنگ بزن، پس از آن سنگ، دوازده چشمه جوشید (و به اطراف سرازیر شد، آن گونه که) هر گروه آبشخور (سهم آب) خود را به خوبی شناختند. و ابر را بر فراز آنان سایه بان ساختیم و «مَن» و «سَیلوی» (دو نوع خوراکی) بر آنان نازل کردیم (و به آنان گفتیم): از پاکیزه هایی که روزی شما کرده ایم، بخورید. آنان (با ناسپاسی خود) بر ما ستم نکردند، بلکه بر خویشتن ستم کردند. (۱۶۱) و (به یاد آورید) آن هنگام که به آنان (بنی اسرائیل) گفته شد در این آبادی (بیت المقدّس) ساکن شوید و از (نعمت های) آن در هر نقطه و هر گونه که می خواهید بخورید (و به عنوان استغفار از آن همه بهانه جویی و آزار موسی) بگویید: «حَطّه» (خدایا! گناهان ما را فرو گذار) و سجده کنان از درب (بیت المقدّس) وارد شوید تا خطاهای شما را ببخشاییم، ما به زودی (پاداش) نیکوکاران را می افزاییم. (۱۶۲) پس ستمکاران آنان (بنی اسرائیل)، آنچه را به آنان گفته شده بود، بر سخنی دیگر تغییر دادند، ما هم به خاطر ستم پیشگی آنان، عذابی آسمانی بر آنان فرستادیم. (۱۶۳) و (ای پیامبر!) از آنان درباره ی (مردم) آن آبادی که کنار دریا بود سؤال کن! آنگاه که (به قانون)، در روز شنبه تجاوز می کردند، هنگامی که روز تعطیلی (شنبه)، ماهی ها (به روی آب در) کناره های دریا به نزد آنان می آمدند، و (لی) روزی که تعطیل نبودند، ماهیان آشکار نمی شدند. ما این گونه آنان را به خاطر تجاوز و فسقشان آزمایش می کردیم. (۱۶۴) و (به یاد آور) زمانی که گروهی از آنان (بنی اسرائیل، به گروه دیگر که نهی از منکر می کردند) گفتند: چرا شما

قومی را موعظه می کنید که خدا هلاک کننده ی ایشان است، یا عذاب کننده ی آنان بر عذابی سخت است؟ گفتند: برای آنکه عذری باشد نزد پروردگارتان و شاید آنها نیز تقوا پیشه کنند. (۱۶۵) پس چون تذکری را که به آنان داده شده بود فراموش کردند، کسانی را که نهی از منکر می کردند نجات دادیم و ستمگران را به سزای نافرمانی که همواره انجام می دادند، به عذابی سخت گرفتیم. (۱۶۶) پس چون از آنچه نهی شده بودند تجاوز کردند، به آنان گفتیم: به شکل میمون های طرد شده در آید. (۱۶۷) و (به یاد آور) آنگاه که پروردگارت اعلام کرد: همانا تا روز قیامت، کسی را بر آنان (بنی اسرائیل) مسلط خواهد کرد که آنان را پیوسته عذاب سخت دهد. همانا پروردگارت زود عقوبت می کند و شکی نیست که او (در برابر توبه کنندگان) بخشاینده و مهربان است. (۱۶۸) و ما آنان (بنی اسرائیل) را در زمین به صورت اُمت ها و گروه هایی پراکنده ساختیم، بعضی از آنان صالحند و برخی (لجوج و حیلہ گر و غیر صالح، و آنان را با نیکی ها و بدی ها آزمودیم، شاید که برگردند. (۱۶۹) پس از آنان، فرزندان (ناصالح) جانشینان آنها شدند که کتاب آسمانی (تورات) را به ارث بردند (ولی قدر آن را ندانستند)، متاع ناپایدار این دنیا را می گرفتند (و با رها کردن قانون خدا) می گفتند: به زودی ما بخشوده خواهیم شد. و اگر بار دیگر همان منافع مادی پیش آی د، باز هم آن را می گیرند (و قانون خدا را رها می کنند). آیا از آنان در کتاب آسمانی، پیمان گرفته نشده که جز حق، نسبتی به خدا ندهند؟ با اینکه مطالب آن کتاب و پیمان را بارها (به صورت درس) خوانده اند، (ولی در عمل، دنیا پرستند) در

حالی که خانه آخرت برای اهل تقوا بهتر است. آیا تعقل نمی کنید؟ (۱۷۰) و کسانی که به کتاب (آسمانی) تمسک می جویند و نماز را به پا داشته اند (بدانند که ما) قطعاً پاداش اصلاحگران را تباه نخواهیم کرد. (۱۷۱) و (به یاد آور) زمانی که کوه (طور) را از جای کنده، همچون سایبانی بالای سرشان قرار دادیم و گمان کردند که آن بر سرشان خواهد افتاد، (در آن حال، به آنان گفتیم:) آنچه را (از احکام و دستورها) به شما دادیم، قدرتمندانه و جدی بگیرید و آنچه را در آن است به یاد آورید (و عمل کنید) باشد که اهل تقوا شوید. (۱۷۲) و (به یاد آور) زمانی که پروردگارت، از پشت بنی آدم، فرزندان و ذریه آنان را بر گرفت و آنان را گواه بر خودشان ساخت (و فرمود:) آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بلی، ما گواهی دادیم (که تو پروردگار مایی، این اقرار گرفتن از ذریه ی آدم برای آن بود) تا در روز قیامت نگویید: ما از این، غافل بودیم. (۱۷۳) یا نگویید: پدران ما پیش از ما مشرک بودند و ما نیز فرزندانمان از پس آنان بودیم (و ناچار راهشان را ادامه دادیم)؟ آیا ما را به خاطر عملکرد اهل باطل، مجازات و هلاک می کنی؟ (۱۷۴) و ما این گونه آیات خویش را روشن بیان می کنیم (تا بدانند نور توحید، از آغاز در سرشت آنان بوده است) و شاید آنان (به سوی خداوند و فطرت پاک توحیدی) بازگردند. (۱۷۵) و بر آنان، داستان آن کس (بَلْعَم بَاعُورًا) را بخوان که آیات خود (از علم به معارف و اجابت دعا و صدور برخی کرامات) را به او داده بودیم، پس او (ناسپاسانه) خود را از

آن آیات جدا ساخت، پس شیطان او را در پی خویش کشید تا از گمراهان شد. (۱۷۶) و اگر می خواستیم، (قدر و ارزش) او را به وسیله ی آیات (و علمی که به او داده بودیم) بالا- می بردیم، ولی او به زمین (و مادّیات) چسبید و از هوس خود پیروی کرد. پس مَثَل او مَثَل سگ است که اگر به آن حمله کنی دهان باز کرده و پارس می کند و زبان بیرون می آورد و اگر او را واگذاری، باز چنین می کند (همیشه دهان دنیاپرستان باز است)، این، مَثَل کسانی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان را (برایشان) بازگو، باشد که بیندیشند. (۱۷۷) چه بد مَثَلی دارند کسانی که آیات ما را تکذیب کردند. و (لی) آنان تنها به خودشان ستم می کردند. (۱۷۸) هر که را خدا هدایت کند، تنها اوست هدایت یافته، و هر که را گمراه کند، پس آنان همان زیانکارانند. (۱۷۹) و همانا بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، (که سرانجامشان به آنجا می کشد، چرا که) آنان دل‌هایی دارند که با آن حق را درک نمی کنند و چشمانی دارند که با آن نمی بینند و گوش‌هایی دارند که با آن نمی شنوند، آنان همچون چهارپایان، بلکه گمراه ترند، آنان همان غافلانند. (۱۸۰) و نیکوترین نام‌ها برای خداوند است، پس خداوند را با آنها بخوانید. و کسانی را که در اسم‌های خدا به کژی و مجادله میل دارند (و به جنگ و ستیزه می پردازند و صفات خدا را بر غیر او می نهند) رها کنید. آنان به زودی به کیفر آنچه می کردند، خواهند رسید. (۱۸۱) و از کسانی که آفریده ایم، گروهی (دیگران را) به حق هدایت می کنند و به آن حکم می کنند. (۱۸۲) و کسانی که آیات ما را

تکذیب کردند، به تدریج، آنان را از جایی که ندانند، گرفتار خواهیم کرد. (۱۸۳) و به آنان مهلت می‌دهم (تا پیمان‌ها پر شود)، همانا تدبیر من محکم و استوار است (و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست). (۱۸۴) آیا آنان فکر نکردند که هم نشین آنان (پیامبر اسلام)، هیچگونه جنون ندارد؟ او جز هشداردهنده‌ای آشکار نیست. (۱۸۵) آیا در ملکوت آسمان‌ها و زمین و هرچه خدا آفریده، به دقت نمی‌نگرند (تا بدانند آفرینش همه‌ی آنها هدفدار است، نه بیهوده) و اینکه شاید زمان (مرگ) آنان نزدیک شده باشد؟ پس بعد از این (آیات روشن)، به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟ (۱۸۶) هر که را خداوند (به خاطر فسق و اعمالش) گمراه کند، برای او هیچ هدایتگری نیست، و آنان را در سرکشی و طغیانشان رها می‌کند تا سرگردان شوند. (۱۸۷) از تو درباره‌ی قیامت می‌پرسند که چه وقت به پا می‌شود؟ بگو: علم آن تنها نزد پروردگار من است، جز او کسی نمی‌تواند زمان آن را آشکار سازد. (فرا رسیدن قیامت)، در آسمان‌ها و زمین سنگین است، جز به صورت ناگهانی پیش نمی‌آید. از تو چنان می‌پرسند که گویا از (زمان) آن آگاهی کامل داری! بگو: علم آن تنها نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۱۸۸) بگو: من مالک هیچ سود و زیانی برای خودم نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد (و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم، مگر هر چه خدا بخواهد) و اگر غیب می‌دانستم، منافع زیادی برای خودم فراهم می‌کردم و هرگز به من زیانی نمی‌رسید. من جز هشداردهنده و بشارت‌دهنده برای گروهی که ایمان می‌آورند نیستم. (۱۸۹) او خدایی است که شما را از یک نفس (جان) آفرید و همسرش را

از (نوع) او قرار داد تا بدان آرام گیرد. پس چون با او بیامیخت، باری سبک بر گرفت (و باردار شد) و (مدّتی) با آن سر کرد، چون زن سنگین شد، آن دو (زن و شوهر) از خداوند، پروردگارشان، درخواست کرده (و گفتند:) که اگر فرزند شایسته ای به ما بدهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود. (۱۹۰) پس چون (خداوند) به آن دو، فرزندی صالح داد، آنان در آنچه به ایشان عطا نمود، برای خدا شریکانی قرار دادند، ولی خداوند از آنچه که آنان شریک او قرار می دهند، برتر است. (۱۹۱) آیا چیزهایی را شریک خدا قرار می دهند که چیزی نمی آفرینند و خودشان نیز مخلوقند؟! (۱۹۲) و (این معبودها) قدرت یاری آنان را ندارند و حتّی خودشان را هم نمی توانند حمایت کنند. (۱۹۳) و اگر معبودها را به هدایت فرا خوانید، از شما پیروی نمی کنند، بر شما یکسان است که آنها را دعوت کنید یا ساکت باشید! (۱۹۴) همانا کسانی را که به جای خدا می خوانید (و می پرستید)، بندگانی (آفریده هایی) همچون خود شمایند. پس اگر راست می گویند، آنان را بخوانید، تا آنان جوابتان را بدهند. (۱۹۵) آیا آنان (معبودها)، پاهایی دارند که با آن راه بروند، یا دست هایی دارند که با آن قدرت نمایی کنند، یا چشم هایی دارند که با آنها ببینند، یا گوشهایی دارند که با آنها بشنوند؟ (ای پیامبر!) بگو: شریک های (خیالی) خودتان را بخوانید و علیه من نقشه بکشید و هیچ مهلت هم به من ندهید! (تا بدانید کاری از آنها ساخته نیست). (۱۹۶) همانا ولی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب آسمانی را نازل کرده است و او همه ی صالحان را سرپرستی (و هدایت) می کند. (۱۹۷) (بت ها) و کسانی که به جای خدا می خوانید (و می پرستید)، نه

می توانند شما را یاری نمایند و نه خود را یاری می کنند. (۱۹۸) و اگر آنان (بت پرستان یا بت ها) را به هدایت فراخوانی، نمی شنوند و می بینی که آنان به تو نگاه می کنند، و حال آنکه نمی بینند (گویا به تو می نگرند، ولی نگاهشان خالی از هرگونه شعور و دقت است). (۱۹۹) عفو و میانه روی را پیشه کن (عذر مردم را بپذیر و بر آنان آسان بگیر)، و به کارهای عقل پسند و نیکو فرمان بده، و از جاهلان اعراض کن. (۲۰۰) و اگر از طرف شیطان (و شیطان صفتان) کمترین وسوسه و تحریک و سوءنیتی به تو رسید، پس به خداوند پناه آور، که قطعاً او شنوا و داناست. (۲۰۱) همانا کسانی که تقوا پیشه کرده اند، هرگاه وسوسه های) شیطانی به آنان نزدیک شود، متوجه می شوند (و خدا را یاد می کنند)، آنگاه بینا می گردند. (۲۰۲) و برادرانشان، (شیطان صفتان گمراه)، آنان را در انحراف می کشند و نگه می دارند و هیچ کوتاهی نمی کنند. (۲۰۳) و هرگاه آیه ای برای آنان نیاوری (و چند روزی تلاوت وحی قطع شود)، می گویند: چرا آیه ای برنگزیدی؟ بگو: من فقط چیزی را پیروی می کنم که از سوی پروردگرم بر من وحی می شود. این (قرآن) بصیرت هایی از سوی پروردگارتان است و برای کسانی که ایمان آورند، مایه ی هدایت و رحمت است. (۲۰۴) و هرگاه قرآن خوانده شود، به آن گوش دهید و ساکت شوید (تا بشنوید)، باشد که مورد رحمت قرار گیرید. (۲۰۵) و پروردگارت را از روی خوف و تضرع، آهسته و آرام در دل خود و در هر صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش. (۲۰۶) همانا کسانی که مقربان درگاه پروردگارت هستند، از پرستش او سر بازمی زنند، او را تسبیح می گویند و برای او سجده می کنند. (۲۰۷)

الأَنْفَال

به نام خداوند

بخشنده ی مهربان. (۱) (ای پیامبر!) از تو درباره ی انفال (غنائم جنگی و اموال عمومی) می پرسند (که از آن کیست؟) بگو: انفال، از آن خدا و پیامبر است. پس، از خداوند پروا کنید و (روابط) میان خودتان را اصلاح کنید و اگر ایمان دارید، از خدا و رسولش اطاعت کنید. (۲) مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان (از عظمت او) لرزان شود و هرگاه آیات خدا بر آنان تلاوت شود، ایمانشان را می افزاید و تنها بر پروردگارشان توکل می کنند. (۳) آنان که نماز را برپا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم، (به محرومان) انفاق می کنند. (۴) آنان همان مؤمنان حقیقی هستند، برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی سخاوتمندانه و نیکو است. (۵) (ناخشنودی بعضی مسلمانان از تقسیم غنائم) همانند آن (زمانی) است که که پروردگارت تو را (برای جنگ بدر)، از خانه ات به حق خارج کرد، در حالی که گروهی از مؤمنان (از حضور در جنگ) ناخشنود بودند. (۶) آنان درباره ی حق (بودن جنگ بدر)، پس از آنکه روشن شده بود، با تو مجادله می کنند. (چنان ترسیده اند که) گویی به سوی مرگ رانده می شوند و (نابودی خود را) می نگرند. (۷) و (به یاد آورید) زمانی که خداوند شما را وعده می داد که یکی از دو گروه (کاروان تجارتي یا لشکر جنگی دشمن)، از آن شما خواهد بود، و شما (به خاطر راحت طلبی و منافع مادی) دوست داشتید گروه غیر مسلح (کاروان تجارتي) در اختیارتان قرار گیرد. در حالی که خداوند می خواهد حق را با کلمات (و سنت های) خویش استوار ساخته و ریشه ی کفار را برکند. (از این رو شما را با تعداد کم و نداشتن آمادگی جنگی در بدر با

لشکر قریش در گیر و سرانجام پیروز ساخت.) (۸) تا (خدا) حق را استوار و باطل را نابود سازد، هر چند مجرمان خوش نداشته باشند. (۹) (به یاد آورید) زمانی که (در جنگ بدر) از پروردگارتان فریادرسی می طلبید، پس او دعا و خواسته ی شما را اجابت کرد (و فرمود:) من یاری دهنده شما با فرستادن هزارفرشته ی پیاپی هستم. (۱۰) و خداوند، آن (پیروزی و نزول فرشتگان) را جز برای بشارت و اینکه دل‌هایتان با آنان آرامش یابد قرار نداد و نصرت و پیروزی، جز از سوی خدا نیست، (به قدرت خود و امداد فرشته هم تکیه نکنید.) همانا خداوند، شکست ناپذیر حکیم است. (۱۱) (به یاد آورید) زمانی که (خداوند) از سوی خود برای آرامش شما، خوابی سبک بر شما مسلط ساخت و از آسمان بارانی بر شما فرستاد تا شما را با آن پاک کند و پلیدی (وسوسه ی) شیطان را از شما بزداید و دل‌های شما را محکم و گام‌هایتان را با آن استوار سازد. (۱۲) (به یاد آور) زمانی که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، پس شما افراد با ایمان را تقویت کنید، من نیز به زودی در دل‌های کافران، رُعب و ترس خواهم افکنم، پس فرازگردن‌ها را بزنید و همه ی سرانگشتان‌شان را قلم کنید (و قطع کنید تا نتوانند سلاح بردارند). (۱۳) آن (حمایت الهی از مؤمنان و فرمان ضربه بر سرها و سرانگشتان دشمن)، به جهت آن بود که آنان در برابر خدا و پیامبرش گردنکشی کردند، و هر کس با خدا و پیامبرش در افتد و مخالفت کند، خداوند دارای کیفری سخت است. (۱۴) آن است (کیفر ما در دنیا)، پس بچشید آن را و (بدانید) عذاب دوزخ برای کافران (مهیا) است. (۱۵) ای کسانی که

ایمان آورده اید! هرگاه با (لشگرکشی و) انبوه کافران برخورد کردید، به آنان پشت نکنید و مگریزید. (۱۶) و جز آنها که کناره گیریشان برای ساز و برگ نبرد مجدد یا پیوستن به گروه دیگری از مسلمانان باشد، هر کس در روز جنگ پشت به دشمن کند، قطعاً مورد خشم خدا قرار می گیرد و جایگاه او جهنم است و چه بد سرانجامی است. (۱۷) شما (با نیروی خود)، آنان (کفار) را نکشید، بلکه خداوند (با امدادهای غیبی) آنها را به قتل رساند. (ای پیامبر!) آنگاه که تیر افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند (تا کافران را مرعوب کند) و تا مؤمنان را از سوی خویش به آزمونی نیکو بیازماید، زیرا خداوند، بسیار شنوا و داناست. (۱۸) آن، (شکست دشمن و پیروزی شما و لطف خدا بود.) و (بدانید) که خداوند، سست کننده ی نیرنگ کافران است. (۱۹) اگر (شما کافران) در انتظار فتح و پیروزی (اسلام) بودید، که آن فتح آمد (و حَقَّائیت اسلام آشکار شد) و اگر دست (از انحراف و باطل خود) بردارید، برایتان بهتر است و اگر (شما به کفر و عناد) برگردید، (ما هم به سوی قهر) برمی گردیم و هرگز گروه شما هر چند بسیار باشد، به کارتان نخواهد آمد، چرا که خداوند با مؤمنان است. (۲۰) ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا و فرستاده ی او اطاعت کنید و در حالی که (سخنان او را) می شنوید، از وی سرپیچی نکنید. (۲۱) و مثل کسانی نباشید که گفتند: «شنیدیم»، ولی (در حقیقت) آنها نمی شنیدند. (۲۲) همانا بدترین جنندگان نزد خداوند، (کسانی هستند که نسبت به شنیدن حق) کران (و نسبت به گفتن حق) لال هایند، آنها که تعقل نمی کنند. (۲۳) و اگر خداوند خیری در آنان می دانست، شنوایشان می ساخت، (حرف حق را به

گوش دلشان می رساند، ولی با (این روحیه ی لجاجتی که فعلاً دارند، حتی) اگر شنوایشان می ساخت، باز هم سرپیچی کرده روی می گردانند. (در دل یقین پیدا می کردند، ولی در ظاهر اقرار نمی کردند) (۲۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه خدا و رسول شما را به چیزی که حیات بخش شماس است دعوت می کنند، بپذیرید و بدانید خداوند، میان انسان و دل او حایل می شود و به سوی او محشور می شوید. (۲۵) و بترسید (و حفظ کنید خود را) از فتنه ای که تنها دامنگیر ستمگران شما نمی شود، (بلکه همه را فرا خواهد گرفت، چرا که دیگران نیز در مقابل ستمگران سکوت کردند) و بدانید که خداوند سخت کیفر است. (۲۶) و به یاد آورید زمانی را که شما کم بودید و در زمین (مکه) مستضعف بودید، می ترسیدید مردم (دشمنان) شما را برابند، پس (خداوند در مدینه) پناهتان داد و با یاری خویش، شما را نیرومند کرد و از پاکیزه ها به شما روزی داد، باشد که شما شکرگزاری کنید. (۲۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید و آگاهانه به امانت های خود خیانت نوزید. (۲۸) و بدانید که اموال و فرزندانان آزمایشی (برای شما) هستند و البته نزد خداوند (برای کسانی که از عهده ی آزمایش برآیند)، پاداشی بزرگ است. (۲۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر تقوای الهی پیشه کنید، خداوند برایتان فرقانی (قوه ی شناخت حق از باطلی) قرار می دهد و بدی هایتان را از شما می پوشاند و شما را می آمرزد و خداوند صاحب فضل و بخشش بزرگ است. (۳۰) و (به یاد آور) زمانی که کافران درباره ی تو نقشه می کشیدند تا تو را زندانی کنند، یا تو را بکشند یا (از مکه) تبعید کنند. و آنان نقشه می کشیدند و خدا

هم (با خنثی کردن توطئه های آنان) تدبیر می کرد و خداوند، بهترین تدبیرکنندگان است. (۳۱) و هرگاه آیات ما بر آنان تلاوت شود، گویند: به خوبی شنیدیم (چیز مهمی نیست)، اگر بخواهیم قطعاً مانند این قرآن را بیان می کنیم، این جز افسانه های پیشینیان نیست. (۳۲) و (به یاد آور) زمانی که مخالفان (دست به دعا برداشته) گفتند: خدایا! اگر این (اسلام و قرآن) همان حق از جانب تو است، پس بر ما از آسمان سنگ هایی بباران یا عذابی دردناک برای ما بیاور. (۳۳) و (لی) تا تو در میان مردمی، خداوند بر آن نیست که آنان را عذاب کند، و تا آنان استغفار می کنند، خداوند عذاب کننده ی آنان نیست. (۳۴) و چرا خداوند آنها را عذاب نکند؟ با اینکه آنان (مردم را) از مسجدالحرام بازمی دارند، در حالی که سرپرست آنجا نیستند. جز افراد پرهیزگار دیگران حق تولیت و سرپرستی آن را ندارند، ولی بیشترشان نمی دانند. (۳۵) (دعا و) نمازشان نزد بیت الله (کعبه)، جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس به خاطر آنکه کفر می ورزیدید، عذاب (الهی را) بچشید. (۳۶) همانا آنان که کافر شدند، اموال خود را صرف می کنند تا از (رفتن مردم به) راه خدا جلوگیری کنند. در آینده نیز این گونه خرجها را خواهند داشت، سپس (اموال هزینه شده) مایه ی حسرت آنان می گردد و آنگاه شکست می خورند. و آنان که کافر شدند، به سوی دوزخ محشور خواهند شد. (۳۷) (این حسرت، شکست و عذاب،) برای آن است که خداوند، ناپاک را از پاک (در این جهان و آن جهان) جدا کند و پلیدی ها را برهم نهد و همه را متراکم سازد و در دوزخ قرار دهد، آنان همان زیانکارانند. (۳۸) (ای پیامبر!) به کافران بگو: اگر (از انحراف و عملکردهای

ناپسند) دست بردارند، گذشته ی آنان بخشوده می شود و اگر (به روش سابق خود) برگردند، به تحقیق سنت الهی در برخورد با گذشتگان، (درباره ی آنان نیز) جاری است. (۳۹) و با آنان (دشمنان) بجنگید تا فتنه ای (از کفر و شرک) بر جای نماند و دین، یکسره برای خدا باشد، پس اگر (از کفر خود) دست کشیدند، همانا خداوند به آنچه انجام می دهند بیناست. (۴۰) و اگر (باز هم) سرپیچی کرده و روی بگردانند، بدانید که خداوند، مولی و سرپرست شماست، چه خوش مولایی و چه نیکو یآوری است. (۴۱) و اگر به خداوند و آنچه بر بنده ی خود، روز جدایی (حق از باطل)، روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی ایمان در جنگ بدر) نازل کردیم، ایمان دارید، بدانید که هر چه غنیمت گرفتید، همانا خمس (یک پنجم) آن برای خداوند و رسول خدا و خویشاوندان (او، اهل بیت علیهم السلام) و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان (از سادات) است، و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۴۲) (به یاد آورید) زمانی که شما در جانب پایین بودید و دشمنان در جانب بالا (بر شما برتری داشتند) و کاروان (تجاری ابوسفیان) از شما پایین تر بود و اگر قرار قبلی (برای جنگ هم) می گذاشتید، به توافق نمی رسیدید. (زیرا هم بالادست شما دشمن بود، هم پایین شما و شما بین دو صف مخالف بودید و هرگز تن به چنین جنگی نمی دادید.) ولی (خداوند شما را در برابر عمل انجام شده قرار داد) تا کاری را که خدا می خواست، تحقق بخشد، تا هر کس (به گمراهی) هلاک می شود، از روی حجت و آگاهی هلاک شود و هر کس (به هدایت) حیات یافت، از روی دلیل، حیات یابد

و همانا خداوند شنوا و داناست. (۴۳) ای پیامبر! به یاد آور) زمانی که خداوند، عدد آنان (دشمنان) را در خوابت، به تو اندک نشان داد و اگر (خداوند) آنان را (در دید تو) زیاد نشان می داد، حتماً سست شده و قطعاً در کار جنگ نزع کرده بودید، ولی او (شما را از این سستی و نزع) سالم نگاه داشت، همانا خداوند به آنچه در سینه هاست آگاه است. (۴۴) و (به یاد آورید) زمانی که چون با دشمن برخورد کردید، خداوند دشمنان را در نظر شما کم جلوه داد (تا با جرأت حمله کنید) و شما را نیز در دیدگاه آنان اندک نشان داد (تا از کفار مگه، کمک نخواهند). این کار برای آن بود که خداوند کاری را که می بایست انجام شود، تحقّق بخشد. و (بدانند که) همه ی کارها به خدا بازمی گردد (و اراده ی او بر هر چیزی نافذ است). (۴۵) ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه با گروهی (از دشمن) روبرو شدید، ثابت قدم باشید و خدا را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید. (۴۶) و از خداوند و فرستاده اش اطاعت کنید و با یکدیگر نزع نکنید، که سست می شوید و مهابت و قوّتان از بین می رود، و صبر کنید، همانا خداوند با صابران است. (۴۷) و مثل کسانی نباشید که از روی سرمستی و خودنمایی و غرور و ریا در برابر مردم، از خانه های خود (به سوی جبهه) خارج شدند و مردم را از راه خدا بازمی داشتند و حال آنکه خداوند، به آنچه انجام می دهند احاطه دارد. (۴۸) و (به یاد آور) زمانی که شیطان، کارهای آنان (مشرکان) را در نظرشان زیبا جلوه داد و گفت: امروز هیچ کس از مردم، بر

شما غالب نخواهد شد و من نیز در کنار شما و پناه شمایم. اما همین که دو لشکر با هم درآویختند (و فرشتگان به یاری سپاه اسلام آمدند)، شیطان به عقب برگشت و گفت: هر آینه من از شما بیزارم، من چیزی را می بینم که شما نمی بینید، همانا من از خدا بیم دارم و خداوند سخت عقوبت است. (۴۹) (به یاد آور) زمانی که منافقان و بیمار دلان می گفتند: آنان (مسلمانان را) دینشان مغرورشان کرده است، (که بی ترس حمله می کنند. غافل از آنکه مسلمین بر خدا توکل نموده اند.) و کسی که بر خدا توکل کند، پس (بداند) قطعاً خداوند شکست ناپذیر حکیم است. (۵۰) و (ای پیامبر!) اگر بینی آن هنگام که فرشتگان، جان کافران را می گیرند، بر چهره ها و پشت های آنان ضربه می زنند (و می گویند): بچشید عذاب سوزان را. (۵۱) این (کیفر)، دستاورد کارهای پیشین شماست و (گر نه) شکی نیست که خداوند بر بندگان شماستمگر نیست. (۵۲) (ای پیامبر! روش کافران زمان تو، مثل روش فرعونیان و کفار پیش از آنان است که (از روی لجاجت و عناد) به آیات خداوند کفر ورزیدند، پس خداوند نیز به کیفر گناهانشان، آنان را گرفتار کرد. قطعاً خداوند، نیرومند سخت کیفر است. (۵۳) آن (کیفر) بدین سبب است که خداوند، نعمتی را که به قومی عطا کرده، تغییر نمی دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، و همانا خداوند، بسیار شنوا و داناست. (۵۴) (ای پیامبر! روحیه ی مردم زمان تو، همچون خوی و روش فرعونیان و کسانی است که پیش از آنان بودند، آیات پروردگارشان را تکذیب کردند، پس ما نیز به سزای گناهانشان، هلاکشان ساختیم و فرعونیان را غرق کردیم، و همگی (فرعونیان و کفار قریش) ستمگر

بودند. (۵۵) قطعاً بدترین جنبندگان نزد خداوند، آنانند که کافر شدند، پس آنان ایمان نمی آورند. (۵۶) (بدترین جنبندگان نزد خداوند)، آنانند که از ایشان پیمان گرفته ای، سپس پیمان خود را در هر بار می شکنند و (در وفاداری و حفظ پیمان،) اهل تقوا و پروا نیستند. (۵۷) پس (ای پیامبر!) هرگاه در جنگ به آنان دست یافتی، (با برخورد های قاطع) افراد پشت جبهه ی آنان را به وحشت افکنده و متفرق ساز، باشد که پند گیرند (و دست از توطئه بردارند). (۵۸) و اگر خوف آن داشتی که گروهی (در پیمان) خیانت کنند، تو نیز عهدشان را به سوی آنان بیانداز (و آن را لغو کن، یا به آنان اعلام کن که همانند خودشان عمل خواهی کرد). همانا خداوند خائن را دوست ندارد. (۵۹) و آنان که کفرورزیده اند گمان نکنند که پیش افتاده اند (و از قلمرو ما بیرون رفته اند)، زیرا آنها نمی توانند (ما را) ناتوان کنند. (۶۰) و برای (آمدگی مقابله با) دشمنان، هرچه می توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و نیز (دشمنانی) غیر از اینان را که شما آنان را نمی شناسید، ولی خداوند آنها را می شناسد، به وسیله آن بترسانید، و در راه خدا (و تقویت بنیه ی دفاعی اسلام) هرچه انفاق کنید، پاداش کامل آن به شما می رسد و به شما ستم نخواهد شد. (۶۱) و اگر (دشمنان) به صلح تمایل داشتند، (تو نیز) تمایل نشان بده و بر خداوند توکل کن، همانا او شنوا و داناست. (۶۲) و اگر (دشمنان) بخواهند با تو نیرنگ کنند، قطعاً خداوند تو را بس است، اوست که با امدادهای خویش و حمایت مؤمنان، تو را یاری کرده است. (۶۳) و (خداوند) میان دل های آنان (مؤمنان) اُلفت داد، اگر تو

همه ی آنچه را در زمین است خرج می کردی، نمی توانستی میان قلوبشان محبت و اُلفت پدید آوری، ولی خداوند میان آنان پیوند داد، چرا که او شکست ناپذیر و حکیم است. (۶۴) ای پیامبر! برای تو (حمایت) خداوند و پیروان با ایمانت کافی است (و نیازی به حمایت گرفتن از دیگران نداری). (۶۵) ای پیامبر! مؤمنان را بر پیکار (با کفار) تشویق کن، اگر بیست نفر از شما پایدار باشند، بر دویست نفر پیروز می شوند و اگر از شما صد نفر (مقاوم) باشند، بر هزار نفر از کافران غلبه می یابند، زیرا آنان گروهی هستند که (آثار ایمان را) نمی فهمند. (۶۶) اکنون خداوند، (در امر جهاد) بر شما تخفیف داد و معلوم داشت که در شما ضعف راه یافته است. پس اگر صد نفر از شما پایدار باشد، بر دویست نفر (از کفار) پیروز می شود، و اگر از شما هزار نفر باشند، بر دو هزار نفر (از آنان) با خواست خداوند پیروز می شوند. و خداوند با صابران است. (۶۷) هیچ پیامبری حقّ اسیر گرفتن ندارد، مگر بعد از آنکه در آن (منطقه و) زمین، غلبه ی کامل یابد. شما (به خاطر گرفتن اسیر و سپس آزاد کردن با فدیة) به فکر متاع زود گذر دنیا هستید، ولی خداوند (برای شما) آخرت را می خواهد و خداوند، شکست ناپذیر و حکیم است. (۶۸) اگر حکم ازلی خداوند نبود (که بدون ابلاغ، هیچ اُمتی را کیفر ندهد)، به خاطر آنچه (از اسیران که نابجا) گرفتید، عذابی بزرگ به شما می رسید. (۶۹) پس، از آنچه غنیمت گرفتید، که حلال و پاکیزه است، مصرف کنید و از خداوند پروا کنید، همانا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۷۰) ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شمایند بگو: اگر خداوند

در دل‌های شما خیری بدانند، بهتر از آنچه از شما گرفته شده است به شما خواهد داد (و مسلمان خواهید شد) و گناهانتان را می‌بخشاید و خداوند بخشاینده و مهربان است. (۷۱) و اگر (اسیران) بخواهند به تو خیانت کنند، از پیش هم به خدا خیانت کرده‌اند، پس خداوند (تو را) بر آنان غلبه و تسلط داد و خداوند، دانا و حکیم است. (۷۲) همانا کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کردند، و آنان که (مجاهدان و مهاجران را) پناه داده و یاری کردند، آنان دوستدار و حامی و هم‌پیمان یکدیگرند. اما کسانی که ایمان آورده، ولی هجرت نکردند، حقّ هیچگونه دوستی و حمایت از آنان را ندارید، تا آنکه هجرت کنند. و اگر (مؤمنان تحت فشار، برای حفظ دینشان) از شما یاری طلب کردند، بر شماست که یاریشان کنید، مگر در برابر قومی که میان شما و آنان پیمان (ترک مخاصمه) است، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۷۳) و کسانی که کفر ورزیدند، یاران یکدیگرند، (پس شما با آنان هم‌پیمان نشوید)، اگر شما (هم‌پیمان خود، همبستگی) نداشته باشید، فتنه و فساد بزرگی در زمین واقع خواهد شد. (۷۴) و کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و کسانی که پناه دادند و یاری کردند، همانان مؤمنان واقعی‌اند. برای آنان آمرزش و روزی شایسته و کریمانه ای است. (۷۵) و کسانی که بعداً ایمان آورده و همراه شما هجرت و جهاد کردند، آنان از شمایند. و در قانون الهی، خویشاوندان نسبت به یکدیگر اولویت دارند. همانا خداوند به هر چیزی بسیار داناست. (۷۶)

التوبه

(این آیات اعلام

جدائی و بیزاری و برائی است از سوی خدا و پیامبرش، نسبت به مشرکانی که با آنان پیمان بسته اید. (۱) پس (ای مشرکان!) در زمین به مدت چهار ماه مهلت دارید که (آزادانه) بگردید و بدانید که شما نمی توانید خدا را مغلوب کنید (و از عذاب خدا بگریزید.) و (بدانید) که خداوند، خوارکننده ی کافران است. (۲) (و این آیات، اعلامی است) از سوی خدا و پیامبرش (به مردم) در روز حجّ اکبر (عید قربان یا روز عرفه) که خدا و رسولش از مشرکان بیزارند. (با این حال) اگر توبه کنید (و دست از شرک و کفر بردارید)، این برایتان بهتر است. و اگر روی بگردانید، پس بدانید که (کاری از شما ساخته نیست و) هرگز نمی توانید خدا را ناتوان کنید. و کافران را به عذابی دردناک بشارت ده. (۳) مگر کسانی از مشرکین که با آنان پیمان بسته اید و چیزی از تعهدات خود نسبت به شما فروگذار نکرده اند و کسی را در برابر شما یاری نداده اند، پس پیمانشان را تا پایان مدتشان نگهدارید (و وفادار باشید)، که همانا خداوند، اهل تقوا را دوست دارد. (۴) پس چون ماه های حرام سپری شود، مشرکان را هر جا یافتید بکشید و دستگیر کنید و در محاصره قرار دهید و در همه جا به کمین آنان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات پرداختند، راهشان را باز کنید (و آزادشان بگذارید) که همانا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۵) و اگر یکی از مشرکان از تو امان و پناه خواست، پس به او پناه بده تا کلام خدا را بشنود، سپس او را به مکان امنش برسان. چرا که آنان گروهی ناآگاهند (و با شنیدن

آیات الهی، شاید هدایت شوند). (۶) چگونه می تواند نزد خدا و رسولش، پیمانی با مشرکان (عهد شکن) باشد، مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستید. پس تا هنگامی که به عهدشان وفا دارند، شما هم وفادار بمانید که خداوند، متقین را دوست دارد. (۷) چگونه (می توان با آنان پیمانی داشت) در حالی که اگر بر شما دست یابند، هیچ خویشاوندی و پیمانی را درباره ی شما مراعات نمی کنند. شما را با زبانِ (نرم) خویش راضی می کنند، ولی دلهایشان پذیرا نیست و بیشترشان فاسق و (پیمان شکن) اند. (۸) (مشرکان پیمان شکن،) آیات خدا را به بهای اندکی فروختند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، به راستی آنان بد اعمالی انجام می دادند. (۹) (مشرکان پیمان شکن، نه تنها درباره ی شما، بلکه) درباره ی هیچ مؤمنی، (هیچگونه) حقّ خویشاوندی و (هیچ) عهد و پیمان را مراعات نخواهند کرد و ایشان همان تجاوزکارانند. (۱۰) اما اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات پرداختند، در این صورت برادران دینی شمایند. و ما آیات خود را برای گروهی که می دانند (و می اندیشند)، به تفصیل بیان می کنیم. (۱۱) اما اگر (به جای توبه،) سوگندهای خویش را پس از بستن پیمانشان شکستند و در دین شما، زبان به طعنه (و عیب گوئی) گشودند، پس با سران کفر بجنگید. زیرا که آنان را (پایندی به) سوگندی نیست، باشد که (با شدتِ عمل شما،) از کردار خود باز ایستند. (۱۲) آیا با گروهی که سوگندها (و پیمان های) خود را شکستند و به بیرون کردن پیامبر (از وطنش) همت گماشتند، و آنان نخستین بار جنگ را با شما آغاز کردند، پیکار نمی کنید؟ آیا از آنان می ترسید؟ اگر ایمان دارید، سزاوارتر آن است که از خدا بترسید! (۱۳) با آنان بجنگید

تا خداوند آنان را به دست های شما عذاب کند و خوارشان سازد و شما را بر آنان پیروز کند و دل‌های (پردرد) مؤمنان را تشفی و مَرَهَم نهد. (۱۴) و خداوند (با پیروزی شما و خواری دشمن،) غیظ و خشم دل‌های مؤمنان را از بین ببرد و خداوند لطف خود را بر هر کس بخواهد برمی گرداند (و راه توبه را به روی آنان می گشاید.) و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۵) یا پنداشته اید که (تنها با ادعای ایمان) رها می شوید، در حالی که هنوز خداوند (با امتحان هایش شما را نیازموده،) تا کسانی را از شما که جهاد کرده و جز خدا و پیامبرش و مؤمنان رازداری برنگزیده اند، معلوم دارد و خداوند به آنچه می کنید آگاه است. (۱۶) مشرکان حق ندارند مساجد خدا را با آنکه به صراحت بر کفر خویش گواهی می دهند، تعمیر کنند. آنان کارهایشان (به خاطر بی ایمانی) تباه شده است و در آتش، جاودان خواهند بود. (۱۷) مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پا داشته و زکات می پردازند و جز از خدا نمی ترسند. امید است که آنان از ره یافتگان باشند. (۱۸) آیا آبرسانی به حاجیان و تعمیر مسجد الحرام را همانند (عمل) کسی قرار داده اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟ این دو نزد خداوند یکسان نیست و خداوند گروه ستمگر را هدایت نمی کند. (۱۹) کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و در راه خدا با اموال و جانهای خویش جهاد کردند، بزرگ ترین درجه را نزد خداوند دارند و اینان همان رستگارانند. (۲۰) پروردگارش آنان را به رحمتی از ناحیه خود و رضایت خویش

و باغهایی از بهشت، بشارت می دهد که برایشان در آن نعمت های ابدی است. (۲۱) آنان تا ابد در آنجا جاودانند. همانا نزد خداوند پاداشی بزرگ است. (۲۲) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر پدران و برادرانتان، «کفر» را بر «ایمان» ترجیح دادند، ولایت آنان را نپذیرید و هر کس از شما دوستی و ولایت آنان را بپذیرد، آنان همان ستمگرانند. (۲۳) بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و خاندان شما و ثروت هایی که جمع کرده اید و تجارتی که از کسادی آن بیم دارید و خانه هایی که به آنها دلخوش کرده اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب تر باشد، پس منتظر باشید تا خداوند، فرمان (قهر) خویش را به اجرا در آورد. و خداوند، گروه نافرمان را هدایت نمی کند. (۲۴) همانا خداوند در مواضع بسیاری شما را یاری کرده است و در روز حُنین (نیز شما را یاری کرد)، آنگاه که فراوانی لشکرتان شما را به غرور و اعجاب واداشت، ولی این فزونِی نفرات هیچ سودی برای شما نداشت و زمین با همه ی گستردگی اش بر شما تنگ آمد، پس شما پشت به دشمن فرار کردید. (۲۵) سپس خداوند، آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد و سپاهیانِ فرستاد که شما آنان را ندیدید و کافران را عذاب کرد، و این کیفر کافران است. (۲۶) سپس خداوند بعد از آن (فرار)، لطف خود را به هر که بخواهد برمی گرداند (و توبه ی فراریان را می پذیرد). و خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۲۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! قطعاً مشرکان، پلید و ناپاکند، پس بعد از این سال نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند و اگر (به خاطر راندن کفار و قطع

داد و ستد) از فقر و تنگدستی می ترسید، پس به زودی خداوند اگر بخواهد از فضل خویش شما را بی نیاز خواهد کرد، قطعاً خداوند آگاه و حکیم است. (۲۸) با کسانی از اهل کتاب (یهود، نصاری، مجوس، صابئین)، که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورند و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده اند، حرام نمی شمردند و به دین حق گردن نمی نهند بجنگید، تا با خواری و ذلت، به دست خود جزیه پردازند. (۲۹) و یهودیان می گفتند: عُزیر، پسر خداست و مسیحیان می گفتند: مسیح، پسر خداست. این سخنی است (باطل) که به زبانشان می آورند و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده اند، شباهت دارد (که می گفتند: فرشتگان دختران خدا هستند). خدا آنان را بکشد، چگونه (از حق) روی گردان می شوند. (۳۰) (اهل کتاب)، دانشمندان و راهبان خود و مسیح فرزند مریم را به جای خداوند به خدائی گرفتند، در حالی که دستور نداشتند جز خدای یکتا را که معبودی جز او نیست بپرستند. خداوند از هر چه برای او شریک می پندارند، منزّه است. (۳۱) می خواهند نور خدا را با دهانهایشان خاموش سازند، ولی خداوند جزاین نمی خواهد که نور خود را به کمال برساند، هر چند کفار، ناراحت باشند. (۳۲) او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ی دین ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناراحت باشند. (۳۳) ای کسانی که ایمان آورده اید! بسیاری از دانشمندان و راهبان، (با سوء استفاده از موقعیت خود)، اموال مردم را به ناحق می خورند و آنان را از راه خدا باز می دارند. و کسانی که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، پس آنان را به عذابی دردناک،

بشارت بده! (۳۴) روزی که آن طلاها و نقره‌ها، در آتش دوزخ گداخته می‌شود و با آنها پیشانی‌ها و پهلوها و پشت‌های آنان را داغ می‌نهند، (فرشتگان عذاب به آنان می‌گویند: این است آنچه برای خود اندوختید (و به محرومان ندادید)، پس مزه‌ی آنچه را که می‌اندوختید بچشید! (۳۵) همانا تعداد ماه‌ها نزد خداوند، در کتاب (آفرینش) خدا و از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، دوازده ماه است، که چهارماه از آن (جنگ) حرام است، این آیین ثابت و پایرجاست. پس در این ماه‌ها، با جنگ و خونریزی بر خود ستم نکنید و جملگی با همه‌ی مشرکان بجنگید، آنگونه که آنان همگی با شما می‌جنگند و بدانید که خداوند با پروا پیشه‌گان است. (۳۶) همانا تأخیر (و تغییر ماه‌های حرام به ماه‌های دیگر)، سبب افزایش در کفر است، که به وسیله آن کافران گمراه می‌شوند. (آنها) یک سال (جنگ در ماه‌های حرام) را (به سلیقه و تمایل و مصلحت اندیشی)، حلال می‌دانند و یک سال آن را حرام، تا با تعداد ماه‌هایی که خداوند حرام ساخته، مطابق آید. از این رو آنچه را خدا حرام کرده حلال می‌کنند. کارهای ناپسند آنها، در نظرشان زیبا جلوه یافته است و خداوند کافران را هدایت نمی‌کند. (۳۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا وقتی به شما گفته می‌شود در راه خدا (و برای جهاد) حرکت کنید، سنگین و زمین‌گیر می‌شوید؟ آیا به جای آخرت، به زندگی دنیا راضی شده‌اید؟ پس بدانید بهره‌ی زندگی دنیا در (برابر) آخرت، جز اندکی نیست. (۳۸) اگر (به سوی میدان جنگ) نشتابید، خداوند شما را به عذابی دردناک عذاب می‌کند و گروه دیگری را جایگزین شما می‌کند و شما (با ترک جبهه)، ضرری

به خدا نمی زید و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۳۹) اگر پیامبر را یاری نکنید، همانا خدا آن زمان که کافران او را (از مکه) بیرون کردند یاری کرد، در حالی که او نفر دوّم از دو تن بود، زمانی که آن دو در غار (ثور) بودند، (پیامبر) به همراهش (ابوبکر) می گفت: اندوه مدار که خدا با ماست. پس خدا، آرامش خویش را بر او نازل کرد و او را با سپاهسانی که آنها را ندیدید یاری کرد و سخن و طرح کافران را (که قصد کشتن پیامبر را داشتند)، پست تر (و خنثی) قرار داد و کلمه (و اراده) خداوند (برای نصرت پیامبرش)، برتر (و پیروز) است و خداوند توانا و حکیم است. (۴۰) (به سوی جبهه و جهاد) کوچ کنید، سبکبار و سنگین بار، (خواه بر شما آسان باشد، خواه دشوار). و در راه خدا با اموال و جانهای خود جهاد کنید، اگر می دانستید، این برای شما بهتر است. (۴۱) اگر غنیمتی نزدیک و سفری کوتاه (برای جهاد) بود، قطعاً (منافقان) در پی تو می آمدند، ولی آن راه بر آنان دور و دشوار آمد (و به این بهانه نمی آیند) و به خدا سوگند خواهند خورد که اگر می توانستیم، با شما (به جنگ) بیرون می شدیم! آنان (با این روش)، خود را هلاک می کنند و خداوند می داند که آنان دروغگویانند. (۴۲) خداوند از تو در گذشت، چرا پیش از آنکه (حال) راستگویان بر تو روشن شود و دروغگویان را بشناسی، به آنان اجازه (مرخصی) دادی؟ (۴۳) آنان که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، هرگز برای جهاد کردن با مال و جانشان، از تو مرخصی نمی طلبند و خداوند به (حال) پرهیزکاران آگاه است. (۴۴) تنها کسانی از

تو اجازه می گیرند (به جبهه نروند)، که به خدا و روز قیامت ایمان ندارند و دل‌هایشان مردّد گشته است، پس آنان در شک و تردیدشان سرگردانند. (۴۵) منافقان) اگر تصمیم جدی بر رفتن به جبهه داشتند، ساز و برگ جهاد آماده می کردند. ولی خداوند، انگیزه و بسیج آنان را (به خاطر کوردلی و نالایقی،) خوش نداشت و آنان را (از رفتن به جبهه) بازداشت و به آنان گفته شد: همنشین خانه نشینان (کودکان و سالمندان و بیماران) باشید. (۴۶) اگر منافقان) همراه شما به جنگ بیرون آمده بودند، جز فساد، (تردید و اضطراب، چیزی) بر شما نمی افزودند و به سرعت در میان شما رخنه می کردند تا فتنه پدید آورند و در میان شما کسانی (تأثیرپذیرند که) به سخنان آنان گوش و دل می سپارند و خداوند به حال ستمگران آگاه است. (۴۷) منافقان) پیش از این دنبال فتنه گری بودند و کارها را برای تو واژگون جلوه می دادند، تا آنکه حق آمد و امر خدا آشکار شد (و پیروز شدید)، در حالی که آنان ناراحت بودند. (۴۸) و برخی از آنان (بهانه جویانِ ترسو) می گویند: به من اجازه بده (به جبهه نیایم) و مرا (به گناه و) فتنه مینداز. آگاه باشید که اینان در فتنه (و گناه) سقوط کرده اند و همانا جهنّم بر کافران احاطه دارد. (۴۹) اگر به تو نیکی رسد (و پیروز شوی)، منافقان را ناراحت می کند، ولی اگر به تو مصیبتی و شکستی برسد، می گویند: ما چاره ی خویش را از قبل اندیشیده ایم (و این را پیش بینی می کردیم) و برمی گردند، در حالی که خوشحالند. (۵۰) بگو: هرگز جز آنچه خداوند برای ما مقرر کرده است، به ما نخواهد رسید. او مولای ماست و مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل کنند. (۵۱) ای

پیامبر! به منافقان) بگو: آیا برای ما جز یکی از دو نیکی (فتح یا شهادت) را انتظار دارید؟ ولی ما منتظریم که عذاب خداوند یا از سوی خودش یا به دست ما به شما برسد. پس شما منتظر باشید، ما نیز با شما در انتظار می مانیم. (۵۲) (به منافقانی که به جای حضور در جبهه، قصد کمک مالی دارند) بگو: چه از روی علاقه انفاق کنید و چه از روی کراهت، هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد، زیرا شما قومی فاسق بوده اید. (۵۳) و چیزی منافقان را از پذیرفته شدن انفاقشان منع نکرد، جز اینکه به خدا و پیامبرش کافر شدند و نماز را جز از روی کسالت و بی حالی به جا نمی آورند و جز از روی کراهت و بی میلی انفاق نمی کنند. (۵۴) پس اموال و فرزندان منافقان تو را به شگفتی نیندازد. جز این نیست که خداوند می خواهد به این وسیله آنان را در زندگی دنیا عذاب کند و جانشان در حال کفر، خارج شود. (۵۵) منافقان به خدا قسم می خورند که همانا آنان از شما نیستند، در حالی که (دروغ می گویند و) از شما نیستند، بلکه آنان گروهی هستند که (از شما) می ترسند (یا میان دل و زبان و عملشان جدایی است). (۵۶) اگر (منافقان) پناهگاه یا غارها یا گریزگاهی بیابند، البته شتابان به آن روی می آورند. (۵۷) و بعضی از منافقان در صدقات (تقسیم زکات)، به تو عیب می گیرند. پس اگر چیزی از آن (اموال) به آنان داده شود، راضی می شوند (و تو را عادل می شمارند)، ولی اگر چیزی به آنان داده نشود، به ناگاه آنان خشمگین می شوند (و تو را به بی عدالتی متهم می کنند). (۵۸) اگر آنان به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده اند راضی می شدند

و می گفتند: خداوند (و آنچه او صلاح بداند) برای ما بس است، خدا و پیامبرش به زودی از فضل خود به ما خواهند داد و ما تنها به پروردگار، راغب و امیدواریم، (اگر چنین می گفتند، برای آنان بهتر بود). (۵۹) همانا صدقات (زکات)، برای نیازمندان و درماندگان و کارگزاران زکات و جلب دلها و آزادی بردگان و ادای بدهی بدهکاران و (هزینه ی جهاد) در راه خدا و تأمین در راه مانده است، این دستور، فرمانی است از جانب خدا و خداوند، دانا و حکیم است. (۶۰) برخی از منافقان، پیامبر را آزار می دهند و می گویند: او سراپا گوش است. (و به سخن هر کس گوش می دهد). بگو: گوش دادن او به نفع شماست، او به خداوند ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می کند و برای هر کس از شما که ایمان آورد، مایه ی رحمت است و آنان که رسول خدا را اذیت و آزار می دهند، عذابی دردناک دارند. (۶۱) منافقان) برای شما به خدا سوگند می خورند تا شما را راضی کنند، در حالی که اگر ایمان آورده اند، شایسته تر آن است که خدا و رسولش را راضی کنند. (۶۲) آیا ندانستند که هر کس با خدا و پیامبرش دشمنی کند، کیفرش آتش دوزخ است و پیوسته در آن خواهد بود؟ این است خواری و رسوائی بزرگ (که بهره ی مخالفان است). (۶۳) منافقان بیم دارند که سوره ای به زیان آنان نازل شود که از آنچه در درونشان است، خبر دهد. بگو: (هرچه می خواهید) مسخره کنید، قطعاً خداوند آنچه را که (از آشکار شدنش) بیم دارید، آشکار خواهد کرد. (۶۴) اگر از منافقان بپرسی (چرا مسخره کردید؟) قطعاً می گویند: ما فقط شوخی و بازی می کردیم (و غرضی نداشتیم). بگو: آیا خداوند و

آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟! (۶۵) (بی جهت) عذر و بهانه نیاورید. همانا شما بعد از ایمانتان کافر شدید. اگر از گروهی از شما (به خاطر توبه یا آنکه بار اول اوست) درگذریم، گروهی (دیگر) را به خاطر سابقه ی جرمشان کیفر می دهیم. (۶۶) مردان و زنان منافق، از یکدیگرند (از یک قماشند)، به منکر فرمان می دهند و از معروف نهی می کنند و دستهای خود را (از بخشش و انفاق) می بندند. خدا را فراموش کرده اند، پس خداوند نیز آنان را فراموش کرده است. همانا منافقان، همان فاسقانند. (۶۷) خداوند به مردان و زنان منافق و به کافران، وعده ی آتش دوزخ را داده، که پیوسته در آن خواهند بود. آن (دوزخ) برایشان بس است و خداوند آنان را لعنت کرده (و از لطف خویش دور ساخته) و برایشان عذابی پایدار است. (۶۸) (حالِ شما منافقان)، همچون کسانی است که پیش از شما بودند، (با آنکه) آنان نیرومندتر از شما و ثروت مندتر و صاحب فرزندان بیشتری بودند، پس آنان از نصیبشان بهره مند شدند، شما نیز همان گونه که پیشینان شما متمتع شدند، بهره ی خود را بردید و (در روش باطل خود) فرو رفتید، چنانکه آنان فرورفتند. آنها اعمالشان در دنیا و آخرت محو شد و آنان همان زیانکارانند. (۶۹) آیا خبر کسانی که پیش از آنان بودند، (سرنوشتِ) قوم نوح، عاد، ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و شهرهای زیرورو شده، به آنان نرسیده است؟ پیامبرانشان دلایل روشن برایشان آوردند، (ولی آنان لجاجت کرده، نابود شدند.) پس خداوند به آنان ستم نکرد، بلکه خودشان به خویش ستم می کردند. (۷۰) مردان و زنان با ایمان، یار و یاور و اولیای یکدیگرند، به معروف (خوبی ها) فرمان می دهند و از منکرات و بدی ها

(منکرات) نهی می کنند، نماز بر پای داشته، زکات می پردازند و از خداوند و پیامبرش پیروی می کنند. بزودی خداوند آنان را مشمول رحمت خویش قرار خواهد داد. هم انا خداوند، توانای غالب و حکیم است. (۷۱) خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی (از بهشت) که از پای (درختان) آن، نهرها جاری و در آن جاودانند و (نیز) مسکن هایی دلپسند در بهشت برین را وعده داده است. ولی رضایت و خرسندی خداوند، برتر و والا-تر (از اینها) است. این همان رستگاری بزرگ است. (۷۲) ای پیامبر! با کافران و منافقان ستیز کن و بر آنان سخت گیر و خشن باش که جایگاهشان دوزخ است و بد سرنوشتی دارند. (۷۳) منافقان) به خدا سوگند می خورند که (سخنی کفرآمیز) نگفته اند، در حالی که قطعاً سخن کفر (آمیز) گفته اند و پس از اسلام آوردنشان کافر شدند و تصمیم به کاری (کشتن پیامبر) گرفتند که به آن دست نیافتند. و جز اینکه خداوند و پیامبرش آنان را از لطف خویش بی نیاز کرده، عیبی (برای پیامبر و مؤمنین) نیافتند (با این حال) اگر توبه کنند، برایشان بهتر است و اگر روی بگردانند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت به عذابی دردناک گرفتار می کند و در روی زمین هیچ دوست و یآوری برایشان نخواهد بود. (۷۴) و برخی از آنان با خدا پیمان بسته بودند که اگر خداوند از فضل خویش به ما عطا کند، حتماً صدقه (زکات) خواهیم داد و از نیکوکاران خواهیم بود. (۷۵) پس چون خداوند از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند و (به پیمان) پشت کرده و روی گردان شدند. (۷۶) سرانجام به دنبال آنکه با خدا در آنچه پیمان بسته بودند، خلف وعده کردند و بدان سبب که

دروغ می گفتند، (خداوند، روح) نفاق را تا روزی که به دیدار او رسند، (روز مرگ یا قیامت)، در دل های آنان قرار داد. (۷۷) آیا ندانستند که خداوند، راز آنان و سخنان آهسته (و درگوشی) آنان را می داند و اینکه خداوند، به همه ی غیب ها داناست؟! (۷۸) منافقان بر مؤمنانی که (علاوه بر صدقات واجب،) داوطلبانه صدقات مستحب نیز می دهند و همچنین بر مؤمنان (تهی دستی) که جز به اندازه ی توانشان چیزی (برای انفاق و پشتیبانی از جبهه) نمی یابند، عیب می گیرند و آنان را مسخره می کنند. (بدانند که) خداوند آنان را به ری شخند می گیرد (و کیفر تمسخرشان را خواهد داد) و برای آنان عذابی دردناک است. (۷۹) برای منافقان استغفار کنی یا استغفار نکنی، (یکسان است). اگر هفتاد بار برایشان آمرزش بخواهی، خداوند هرگز آنان را نخواهد بخشید. این (قهر حتمی الهی) به خاطر آن است که آنان به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند و خدا، گروه فاسق را هدایت نمی کند. (۸۰) به کسانی که بر خلاف (فرمان) رسول خدا، از جنگ سر باز زدند و از خانه نشستن خود (به هنگام جنگ تبوک) شادمان شدند و از اینکه با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کنند، کراهت داشتند و (به دیگران نیز) گفتند در این گرما (برای جنگ) بیرون نروید! بگو: آتش دوزخ، سوزان تر است اگر می فهمیدند. (۸۱) پس به سزای آنچه (با دست خود) کسب می کردند، کم بخندند و بسیار بگریند. (۸۲) پس اگر خداوند تو را (پس از این جنگ) به سوی طایفه ای از منافقان بازگرداند و آنان از تو برای حرکت (به جنگ دیگری) اجازه ی خروج خواستند بگو: شما هرگز با من بیرون نخواهید شد و هرگز همراه من، با هیچ دشمنی نبرد نخواهید

کرد، زیرا شما نخستین بار به نشستن در خانه راضی شدید، پس (اکنون نیز) با آنان که از فرمان تخلف کرده اند (در خانه) بنشینید! (۸۳) و بر مرده‌ی هیچ یک از منافقان نماز مگزار و (برای دعا و استغفار) بر قبرش نایست، چون آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند و از دنیا رفتند در حالی که فاسق بودند. (۸۴) اموال و فرزندان آنان (منافقان)، تو را به شگفتی و اعجاب نیاورد! همانا خداوند می‌خواهد آنان را بدین وسیله در دنیا عذاب کند و در حال کفر جانشان به در آید. (۸۵) و هرگاه سوره‌ای نازل شود که به خداوند ایمان آورید و همراه پیامبرش جهاد کنید، صاحبان ثروت (منافقان)، از تو اجازه‌ی مرخصی (برای فرار از جبهه) می‌خواهند و می‌گویند: ما را واگذار تا با خانه نشینان، (آنان که از جنگ معافند و باید در خانه بنشینند) باشیم. (۸۶) آنان راضی شدند که با متخلفان و خانه نشینان باشند و بر دلهای آنان مهرزده شده است، از این رو نمی‌فهمند. (۸۷) ولی (در مقابل منافقان رفاه طلب و گریزان از جنگ)، پیامبر و مؤمنان همراه او، با اموال و جانهایشان جهاد کردند و اینانند که همه‌ی خیرات و نیکی‌ها برای آنان است و همانانند رستگاران. (۸۸) خداوند برای آنان باغهایی (در بهشت) آماده ساخته که نهرها از پای (درختان) آنها جاری است، و در آنجا جاودانند. این همان رستگاری بزرگ است. (۸۹) بادیه نشینانی که (از شرکت در جنگ) معذور بودند، (نزد تو) آمدند تا به آنان اذن داده شود (که در جنگ شرکت نکنند)، ولی کسانی که به خدا و پیامبرش دروغ گفتند (و عذری نداشتند)، از جنگ باز نشستند. بزودی به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذابی دردناک خواهد

رسید. (۹۰) بر ناتوانان و بیماران (که نمی توانند در جهاد شرکت کنند) و تهیدستانی که چیزی برای خرج کردن (در راه جهاد) نمی یابند، ایرادی نیست، به شرط آن که خیرخواه خدا و پیامبرش باشند، (و از آنچه در توان دارند مضایقه نکنند). (زیرا) بر نیکوکاران راه سرزنش و مؤاخذه ای نیست و خداوند بخشنده ی مهربان است. (۹۱) و نیز (اشکالی نیست) بر آنان که چون نزد تو آمدند تا آنان را برای شرکت در جبهه بر مرکبی سوار کنی، گفتی: چیزی نمی یابم که شما را بر آن سوار کنم و آنان (از نزد تو) برگشتند، در حالی که چشمانشان از اندوه، اشکبار بود که چرا چیزی ندارند که خرج جهاد کنند. (آری، بر این گونه فقیرانِ عاشق جهاد، برای نرفتن به جبهه گناهی نیست) (۹۲) راه (ایراد و مؤاخذه)، تنها بر کسانی است که در عین توانگری و ثروتمندی، از تو اذن می خواهند (که به جبهه نروند) و راضی شده اند که با متخلفان باشند. خداوند بر دل‌هایشان مهر زده است، از این رو نمی دانند. (۹۳) هنگامی که از جهاد برگشتید، (منافقانِ متخلف از جنگ تبوک)، برای شما عذر می آوردند. بگو: عذر تراشی نکنید، ما هرگز حرف شما را باور نمی کنیم، خداوند ما را از اخبار (و احوال) شما آگاه کرده است. خداوند و پیامبرش عملکرد شما را می بینند، آنگاه نزد خدایی که دانای پنهان و آشکار است بازگردانده می شوید و او شما را به آنچه می کردید، آگاه خواهد کرد. (۹۴) هنگامی که از جهاد نزد منافقان بازگشتید، برای شما به خدا سوگند می خورند تا از (گناه و سرزنش) آنان چشم پوشید. پس، از آنان اعراض و دوری کنید که آنان پلیدند و به خاطر آنچه بدست

خود کسب می کرده اند، جایگاهشان دوزخ خواهد بود. (۹۵) برای شما سوگند می خورند تا شما از آنان راضی شوید. (بدانید که شما هم) اگر از آنان راضی شوید، قطعاً خداوند از گروه فاسق، خشنود نخواهد شد. (۹۶) بادیه نشینان عرب (به خاطر دوری از تعلیم و تربیت و سخنان پیامبر)، در کفر و نفاق شدیدترند و به اینکه حدود آنچه را خدا بر پیامبرش نازل کرده ندانند سزاوارتر، و خداوند دانا و حکیم است (۹۷) بعضی از بادیه نشینان، کسانی هستند که آنچه را انفاق می کنند، (به خاطر نفاق یا ضعف ایمان)، ضرر حساب می کنند و برای شما پیش آمدهای بد را انتظار می کشند. بر خود آنان پیش آمد بد باد! و خداوند شنوا و داناست. (۹۸) اما برخی از عربهای بادیه نشین، کسانی هستند که به خداوند و روز قیامت ایمان دارند و آنچه را انفاق می کنند، وسیله ی قرب به خدا و (جلب) دعا و صلوات رسول می دانند. آگاه باشید که همین انفاق ها، برای آنان موجب قرب است. بزودی خداوند آنان را در رحمت خویش وارد می کند. همانا خداوند آمرزنده و مهربان است. (۹۹) و نخستین پیشگامان از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکوکاری آنان را پیروی کردند، خداوند از آنها راضی است و آنان نیز از خدا راضی، و (خدا) برای آنان باغهایی فراهم ساخته که نهرها از پای (درختان) آن جاری است، همیشه در آن جاودانه اند. این است رستگاری و کامیابی بزرگ. (۱۰۰) و از میان بادیه نشینان پیرامون شما، گروهی منافقند و از اهل مدینه نیز عده ای برنفاق خو گرفته اند، تو آنان را نمی شناسی، (ولی) ما آنها را می شناسیم! بزودی آنان را دوبار عذاب خواهیم کرد، سپس به سوی عذابی سهمگین، باز گردانده می شوند. (۱۰۱) و (از اعراب) دیگرانی هستند

که به گناهان خویش اعتراف کرده اند، کار خوب و بد را به هم آمیخته اند. امید است خداوند توبه ی آنان را بپذیرد (و لطف خویش را به آنان بازگرداند). همانا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۱۰۲) از اموالشان صدقه (زکات) بگیر تا بدین وسیله آنان را (از بخل و دنیاپرستی) پاک سازی و رشدشان دهی و بر آنان درود فرست (و دعا کن). زیرا دعای تو، مایه ی آرامش آنان است و خداوند شنوا و داناست. (۱۰۳) آیا ندانستند که تنها خداوند از بندگانش توبه را می پذیرد و صدقات را می گیرد و اینکه خداوند، بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۱۰۴) و بگو: (هر گونه که می خواهید و می توانید) عمل کنید، که بزودی خداوند و پیامبرش و مؤمنان کار شما را می نگرند و بزودی به سوی دانای غیب و آشکار بازگردانده می شوید، پس شما را به آنچه انجام می دادید، آگاه خواهد کرد. (۱۰۵) و گروه دیگری هستند که کارشان به خواست الهی واگذار شده است یا عذابشان می کند و یا (به خاطر توبه و پشیمانی)، به آنان لطف می کند و خداوند دانا و حکیم است. (۱۰۶) و (گروهی دیگر از منافقان) کسانی هستند که مسجدی برای ضربه زدن به اسلام و برای ترویج کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاهی برای (مساعدت) به دشمنان دیرینه ی خدا و پیامبرش ساختند، و همواره سوگند می خورند که جز خیر، قصدی نداریم! (ولی) خداوند گواهی می دهد که آنان دروغگویانند. (۱۰۷) در آن (مسجد ضرار)، هرگز (برای نماز) نیست، همانا مسجدی که از روز نخست بر اساس تقوا بنا شده، سزاوارتر است که در آن نماز برپاداری. (زیرا) در آن مسجد، مردانی هستند که دوست دارند خود را پاک سازند و خداوند پاکان را دوست می دارد. (۱۰۸) آیا کسی که

بنیان (کار) خود را بر پایه ی تقوا و رضای الهی قرار داده بهتر است، یا کسی که بنیاد (کار) خویش را بر لبه ی پرتگاهی سست و فروریختنی نهاده که او را در آتشِ دوزخ می اندازد؟ خداوند گروه ستمگر را هدایت نمی کند. (۱۰۹) بنیانی را که منافقان بنا نهادند، همواره موجب تحیر و سردرگمی در دل‌های آنان است. (آنها راه نجاتی ندارند)، مگر آنکه دل‌هایشان (از نفاق) جدا شود (یا با مرگ، متلاشی شود) و خداوند دانا و حکیم است. (۱۱۰) همانا خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را به بهای بهشت خریده است. آنان در راه خدا می‌جنگند تا بکشند یا کشته شوند. (وفای به این) وعده ی حق که در تورات و انجیل و قرآن آمده بر عهده خداست و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟ پس مژده باد شما را بر این مع امله ای که به وسیله ی آن (با خدا) بیعت کردید و این همان رستگاری بزرگ است. (۱۱۱) (مؤمنان مجاهد)، اهل توبه، عبادت، ستایش، سیاحت، رکوع، سجود، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود و مقررات الهی اند و چنین مؤمنانی را بشارت ده. (۱۱۲) برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند، سزاوار نیست که برای مشرکان، پس از آنکه برایشان آشکار گردید که آنان اهل دوزخند، طلب آمرزش کنند، هر چند خویشاوند آنان باشند. (۱۱۳) و آمرزش خواهی ابراهیم برای پدرش (عموی مشرکش که سرپرستی او را به عهده داشت)، فقط به خاطر وعده ای بود که به او داده بود، (آن هنگام که از هدایتش ناامید نبود)، پس هنگامی که برایش روشن شد، او دشمن خداست، از او بیزاری جست. همانا ابراهیم، اهل آه و ناله (از ترس خدا)

و بردبار بود. (۱۱۴) خداوند بر آن نیست که قومی را بعد از آنکه هدایتشان نمود، بی راه بگذارد تا آنچه را (که باید از آن) پرهیز کنند، برایشان بیان کند. قطعاً خداوند به هر چیزی دانا است. (۱۱۵) همانا حکومت آسمان ها و زمین تنها از آن خداست، زنده می کند و می میراند و شما را جز خداوند، هیچ سرپرست و یآوری نیست. (۱۱۶) همانا خداوند، لطف خود را بر پیامبر و مهاجران و انصاری که او را در لحظه ی دشوار (جنگ تبوک) پیروی کردند، سرازیر نمود، پس از آنکه نزدیک بود دلهای بعضی از آنان منحرف شود (و در جبهه حضور نیابند). سپس خداوند لطف خود را به آنان بازگرداند، همانا او به آنان رؤف و مهربان است. (۱۱۷) و نیز بر سه نفری که (از شرکت در جبهه ی تبوک به خاطر سستی) وامانده بودند، تا آنگاه که زمین با همه ی وسعتش (به سبب قهر و نفرت مردم) بر آنان تنگ شد و از خود به تنگ آمده و فهمیدند که در برابر خدا، هیچ پناهگاهی جز خود او نیست، پس خداوند لطف خویش را شامل آنان ساخت تا به توبه موفق شوند. همانا خداوند توبه پذیر و مهربان است. (۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید. (۱۱۹) اهل مدینه و بادیه نشینان اطراف آنان، حق ندارند از (فرمان) رسول خدا تخلف کنند و (به جبهه نروند و) جان های خود را از جان پیامبر عزیزتر بدانند. زیرا هیچگونه تشنگی، رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی رسد و هیچگامی در جایی که کافران را به خشم آورد برن می دارند و هیچ چیزی از دشمن به آنان نمی رسد، مگر آنکه برای آنان به پاداش

اینها عمل صالح نوشته می شود. قطعاً خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند. (۱۲۰) هیچ مال اندک یا فراوانی را (در مسیر جهاد) انفاق نمی کنند و هیچ سرزمینی را نمی پیمایند، مگر آنکه برای آنان ثبت می شود، تا خداوند آنان را به بهتر از آنچه می کرده اند پاداش دهد. (۱۲۱) سزاوار نیست که همه ی مؤمنان (به جهاد) رهسپار شوند، پس چرا از هر گروهی از ایشان دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین فقیه شوند و هنگامی که به سوی قوم خویش باز گشتند، آنان را بیم دهند تا شاید آنان (از گناه و طغیان) حذر کنند. (۱۲۲) ای کسانی که ایمان آورده اید! با کسانی از کفار که نزدیک شمایند بجنگید. باید آنان در شما خشونت و صلابت بیابند و بدانید که خداوند، با پرهیزکاران است. (۱۲۳) و هرگاه سوره ای نازل شود، برخی از منافقان گویند: این سوره، ایمان کدام یک از شما را افزود؟ اما آنان که ایمان آورده اند، (آیات قرآن) بر ایمانشان بیافزاید و آنان بشارت می گیرند. (۱۲۴) و امّا آنان که در دلهایشان بیماری است، (آیات قرآن) پلیدی بر پلیدی آنان افزاید و در حال کفر بمیرند. (۱۲۵) آیا نمی بینند که آنان در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می شوند، امّا نه توبه می کنند و نه پند می گیرند. (۱۲۶) و هرگاه سوره ای نازل شود، بعضی از آنان (منافقان) به بعضی دیگر نگاه کنند (و پرسند): آیا کسی شما را می بیند؟ پس (مخفیانه از حضور پیامبر) خارج می شوند. خداوند دلهای آنان را (از حق) برگردانده است، زیرا آنان مردم نفهمی هستند. (۱۲۷) همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده است که آنچه شما را برنجانند بر او سخت است، بر هدایت شما حریص و دلسوز، و به مؤمنان رثوف و مهربان است. (۱۲۸) پس اگر (از

سخنان خداوند) روی گردان شدند، بگو: خداوند مرا کافی است، هیچ معبودی جز او نیست، تنها بر او توکل کرده ام و او پروردگار عرش بزرگ است. (۱۲۹)

یونس

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) الف، لام، را، این است آیات کتاب استوار و حکمت آمیز. (۲) آیا برای مردم شگفت آور است که به مردی از خود آنان وحی کردیم که مردم را بیم و هشدار بده و به مؤمنان بشارت بده که برای آنان نزد پروردگارشان جایگاه نیکویی است؟ کافران گفتند: همانا این مرد جادوگری آشکار است! (۳) همانا پروردگارتان، خدایی است که آسمان ها و زمین را در شش روز و دوران آفرید، سپس بر عرش استیلاء یافت (زمام امور را به دست گرفت). کار جهان را تدبیر و سامان دهی می کند. هیچ شفاعت کننده ای جز با اذن او نیست. آن خداوند است که پروردگار شماسست، پس او را پرستید. آیا پند نمی گیرید؟ (۴) بازگشت همه ی شما به سوی اوست. این وعده ی حق الهی است. اوست که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را بازمی گرداند، تا کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، به عدالت پاداش دهد و برای آنان که کافر شده اند به سزای کفرشان، نوشیدنی ای از مایع سوزان و عذابی دردناک خواهد بود. (۵) اوست که خورشید را درخشنده و ماه را تابان قرار داد و برای حرکت ماه منزلگاه هایی قرار داد تا شماره ی سالها و حساب را بداند. خداوند اینها را جز بر اساس حق نیافریده است. خداوند آیات را برای آنان که (می خواهند) بدانند، به تفصیل بیان می کند. (۶) همانا در رفت و آمد (و اختلاف) شب و روز و در آنچه خداوند در آسمان ها و زمین آفریده است، برای مردم پرهیزکار نشانه هایی (بزرگ)

است. (۷) قطعاً آنان که به دیدار ما (و دریافت نعمت های اخروی) امید ندارند و (تنها) به زندگی دنیادل خوش کرده اند و به آن آرام گرفته و تکیه می کنند و نیز کسانی که از نشانه های (قدرت) ما غافلند. (۸) آنان به خاطر آنچه که عمل می کردند، جایگاهشان آتش است. (۹) به یقین آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، پروردگارشان آنان را به خاطر ایمانشان هدایت می کند. و در باغ های پر نعمت که نهرها از زیر پایشان جاری است اقامت دارند. (۱۰) دعا و نیایش آنان در بهشت، «سبحانک اللهم» (خدایا تو پاک و منزهی) است و درودشان در آنجا سلام است و پایان نیایش آنان، «الحمد لله رب العالمین» (سپاس و ستایش مخصوص خداست) می باشد. (۱۱) و اگر خداوند برای مردم به همان شتاب که برای خود خیر می طلبند، در رساندن بلا به آنان شتاب می نمود، قطعاً اجلشان فرا رسیده بود. پس کسانی را که به دیدار ما امید (و باور) ندارند به حال خود رها می کنیم تا در سرکشی خویش سرگردان بمانند. (۱۲) و هنگامی که ضرری به انسان برسد، در حالی که به پهلو خوابیده یا نشسته و یا ایستاده است، ما را می خواند، ولی چون ضرر را از او برطرف ساختیم، چنان به راه خود می رود که گویی هرگز ما را برای گرفتاری که به وی رسیده بود، نخوانده است! این گونه برای اسراف کاران، عمل کردشان زیبا جلوه می کند. (۱۳) و همانا ما امت های پیش از شما را چون ستم کردند، هلاک کردیم. (زیرا) پیامبرانمان برای آنها معجزات آوردند، ولی آنها ایمان نیاوردند. ما این گونه گروه تبه کاران را کیفر می دهیم. (۱۴) سپس شما را پس از (هلاکت) آنان، جانشینانی در زمین قرار دادیم، تا ببینیم شما

چگونه عمل می کنید. (۱۵) و هرگاه آیات روشن ما بر آنان تلاوت می شود، کسانی که به دیدار ما (و دریافت پادشاهی اخروی) امید و باوری ندارند می گویند: قرآنی غیر از این بیاور، یا این قرآن را تغییر بده. (به آنان) بگو: من حق ندارم که آن را از پیش خود تغییر دهم. من پیروی نمی کنم مگر آنچه را که به من وحی شود، من از عذاب روزی بزرگ (قیامت) بیمناکم، اگر پروردگارم را نافرمانی کنم. (۱۶) بگو: اگر خداوند می خواست، آن (قرآن) را بر شما نمی خواندم و شما را به آن آگاه نمی ساختم. من پیش از (آوردن) قرآن، عمری در میان شما بوده ام، آیا نمی اندیشید؟! (۱۷) پس کیست ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بدهد، یا آیات او را دروغ بشمارد؟ قطعاً مجرمان، رستگار نمی شوند. (۱۸) و به جای خدا چیزهایی را می پرستند که نه به آنان ضرر می رساند و نه سودشان می دهد و می گویند: این بت ها شفیعان ما نزد خدایند. بگو: آیا خدا را به چیزی خبر می دهید که او خبری از آنها در آسمان ها و زمین ندارد؟ خداوند منزّه و والاتر است از شریکانی که برایش قرار می دهند. (۱۹) (در آغاز) مردم جز امتی واحد نبودند (و بر فطرت پاک توحیدی بودند)، پس دچار اختلاف شدند، (گروهی مؤحد و گروهی مشرک)، و اگر سنت (مهلت یافتن مردم برای آزمایش) از سوی پروردگارت مقدم و مقدر نگردیده بود، (در همین دنیا) میان مردم در آنچه اختلاف می کردند، داوری می شد (و به هلاک منحرفان حکم می گردید). (۲۰) و می گویند: چرا از سوی پروردگارش بر او آیه و معجزه ای نازل نمی شود؟ پس بگو: غیب (و معجزه که به جهان غیب مربوط است)، از آن خداست (نه)

در اختیار من یا تابع هوس مردم). پس در انتظار باشید، من نیز همراه شما از منتظرانم (که خداوند چگونه پاسخ بهانه گیری های شما را می دهد). (۲۱) و هرگاه پس از رنجی که به مردم رسیده، (طعم) رحمت و لطفی به آنان بچشانیم، (به جای سپاس)، در آیات ما مکر و حيله می کنند. بگو: تدبیر الهی سریعتر و نافذتر است. همانا فرستادگان ما (فرشتگان)، آنچه را مکر و نیرنگ می کنید می نویسند. (۲۲) او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد، تا آنگاه که در کشتی باشید و بادی موافق، کشتی ها را به جریان در آورد و بدین وسیله خوشحال شوند، ناگهان تندبادی آید و موج از هر سو سراغشان آید و گمان برند که در محاصره ی بلا گرفتارند، (در این هنگام) خداوند را با اخلاص عقیده می خوانند (و می گویند): اگر ما را از این خطر نجات دهی، قطعاً از شاکران خواهیم بود. (۲۳) پس چون خداوند نجاتشان داد، در آن هنگام در زمین به ناحق سرکشی می کنند. ای مردم! همانا سرکشی شما فقط به زیان خودتان است. کامیابی زندگی دنیا (چند روزی بیش نیست)، سپس بازگشت شما به سوی ماست که شما را به عملکردتان آگاه خواهیم ساخت (و کیفر ستم هایتان را خواهیم داد). (۲۴) همانا مثل زندگی دنیا همچون آبی است که از آسمان فرود آوردیم، پس گیاه زمین از آنچه مردم و چهارپایان می خورند با آن در آمیخت (و روئید)، تا آنکه زمین (از آن گیاهان) زینت بگرفت و اهل زمین پنداشتند که بر استفاده از آن همه ی نباتات توانايند. (ناگهان) فرمان (ویرانی ما) شبی یا روزی آمد، پس آن را چنان درو کردیم که گویی دیروز گیاهی

وجود نداشته است. ما این گونه آیات خود را برای گروه اندیشمند تشریح می کنیم. (۲۵) و خداوند (مردم را) به سر منزل سلامت و سعادت (بهشت) می خواند و هر که را بخواهد، به راه راست هدایت می کند. (۲۶) برای آنان که نیکی کنند، پاداشی نیکوتر (از نظر کیفی) و افزون تر (از نظر کمی) خواهد بود و بر چهره ی آنان غبار ذلت و خواری ننشیند، آنان اهل بهشتند و همیشه در آنجایند. (۲۷) و آنان که به دنبال کسب بدی ها رفتند، به قدر همان بدی ها مجازات دارند و غبار ذلت و خواری آنان را فرامی گیرد. از قهر خداوند، پناه دهنده ای ندارند، گویا چهره هایشان با پاره هایی از شب تیره پوشانده شده است. آنان اهل دوزخند و در آن جاودانه اند. (۲۸) و روزی که همه را (در قیامت) گردهم آوریم، آنگاه به مشرکان می گوئیم: شما و شریکانی که برای خدا می پنداشتید در جای خود بمانید (تا به حسابتان رسیدگی شود)، پس میانشان جدایی می افکنیم و معبودها (به مشرکین) می گویند: شما (در حقیقت) ما رانمی پرستیدید، (بلکه در پی هوسها و اوهام خود بودید). (۲۹) پس (معبودها به مشرکان گویند): گواهی خدا میان ما و شما کافی است، به راستی ما از پرستش شما بی خبر بودیم. (۳۰) آنجا هر کس به (جزای) آنچه از پیش فرستاده، مبتلا شود و به سوی سرپرست حقیقی خودشان (خداوند) برگردانده شوند و آنچه به افترا و دروغ خدا می پنداشتند، از پیش چشمشان محو شود. (۳۱) بگو: چه کسی از آسمان و زمین شما را روزی می دهد؟ یا چه کسی مالک گوش و چشم هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می آورد و چه کسی کار هستی را سامان می دهد؟ (در پاسخ) خواهند

گفت: خدا. پس بگو: آیا از کیفر پرستش غیر خدا پروانمی کنید؟(۳۲) پس این چنین خداوند (قادر و یکتا)، به حق پروردگار شماست. و پس از حق، جز گمراهی چیست؟ پس چگونه (از حق) باز گردانده می شوید؟! (۳۳) بدین سان حکم و سخن پروردگارت بر آنان که نافرمانی کردند محقق شد که آنان ایمان نمی آورند. (۳۴) بگو: آیا از معبودهایی که شما شریک خدا قرار داده اید، کسی هست که بتواند آفرینش را ایجاد و آغاز کند و سپس آن را باز گرداند؟ بگو: (فقط) خداوند، آفرینش را آغاز می کند و سپس بازمی گرداند. پس چرا (از حق) باز گردانده می شوید؟! (۳۵) بگو: آیا از معبودهایی که شما شریک خدا قرار داده اید، کسی هست که به سوی حق هدایت کند؟ بگو: (فقط) خداوند به حق هدایت می کند. پس آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند برای پیروی شایسته تر است، یا کسی که خود هدایت نمی شود مگر آنکه هدایتش کنند؟ شما را چه می شود؟ چگونه حکم می کنید؟! (۳۶) و بیشتر آنان جز از گمان (بی پایه) پیروی نمی کنند. قطعاً گمان به هیچ وجه (انسان را) از حقیقت بی نیاز نمی کند، همانا خداوند به آنچه مردم انجام می دهند، آگاه است. (۳۷) و چنان نیست که این قرآن از سوی غیر خدا و به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیقی است برای کتب آسمانی پیشین و توضیحی از آن کتاب است. شکی در آن نیست که از سوی پروردگار جهانیان است. (۳۸) بلکه می گویند: قرآن را بافته (و به دروغ به خدا نسبت داده) است. بگو: اگر راست می گویند (که قرآن، سخن بشر است، نه کلام خدا)، پس سوره ای همانند آن بیاورید و هر که را غیر از خدا می توانید به یاری بخوانید؟ (۳۹) بلکه (حق آن است

که چیزی را که به شناخت آن احاطه نداشتند دروغ پنداشتند، در حالی که سرانجام و حقیقت و باطن آن هنوز بر ایشان روشن نشده است. کسانی که پیش از آنان بودند نیز همین گونه تکذیب کردند. پس بنگر که سرانجام ستمگران چگونه است. (۴۰) و بعضی از آنان کسانی هستند که به قرآن ایمان می آورند و برخی کسانی که به آن ایمان نمی آورند و پروردگارت به فسادکنندگان داناتر است. (۴۱) و اگر تو را تکذیب کردند، پس بگو: عمل من برای من و عمل شما برای شما باشد. (و هر یک از ما و شما، جزای کار خود را خواهد دید.) شما از آنچه من انجام می دهم بیزارید و من نیز از آنچه شما انجام می دهید، بیزارم. (۴۲) (و چون قرآن بخوانی) گروهی از آنان (در ظاهر) به سخن تو گوش فرامی دهند، (اما گویی کردند و هیچ نمی شنوند،) آیا تو می توانی سخن خود را به گوش ناشنویان برسانی؛ هر چند اهل تعقل نباشند؟ (۴۳) و گروهی از مردم کسانی اند که به تو نگاه می کنند، (اما گویی هیچ نمی بینند.) پس آیا تو می توانی نابینایان را هدایت کنی، هر چند (با چشم دل) نمی بینند؟ (۴۴) قطعاً خداوند هیچ ظلمی به مردم نمی کند، اما این خود مردمند که به خویشتن ستم می کنند. (۴۵) و روزی که خداوند آنان را محشور و جمع می کند، گویا جز ساعتی از روز را (در دنیا یا برزخ) نمانده اند. آن روز یکدیگر را می شناسند. قطعاً آنان که دیدار خدا (معاد یا قیامت) را تکذیب کردند، زیان کار شدند و هرگز هدایت یافته نبوده اند. (۴۶) (ای پیامبر!) برخی از قهر و کیفری را که به کافران وعده می دهیم یا (در حال حیات تو) نشانت می دهیم، یا تو

را از دنیا می بریم (و پس از تو به کیفر می رسند، به هر حال) بازگشت آنان به سوی ماست، سپس خداوند بر آنچه انجام می دهند، گواه است. (۴۷) برای هر امتی پیامبری است. پس هرگاه پیامبرشان بیاید، میان آنان به عدالت داوری می شود و ستمی به آنان روا نمی گردد. (۴۸) کفار (از روی استهزا) می گویند: اگر راست می گوئید، این وعده (عذاب) چه وقت است؟ (۴۹) بگو: من (حتی) برای خودم جز آنچه خدا بخواهد، مالک زیان و سودی نیستم (تا چه رسد برای شما)، برای هر امتی اجل و سرآمدی معین است که هرگاه مدّتشان فرا رسد، نه لحظه ای تأخیر دارند و نه پیشی می گیرند. (۵۰) بگو: آیا اندیشیده اید، اگر عذاب خداوند شب یا روز به سراغ شما آید (چه می کنید؟) گناهکاران چه چیزی را از او به شتاب می خواهند (که می گویند: «متی هذا الوعد» عذاب خدا چه وقت است). (۵۱) آیا پس از آنکه (عذاب) نازل شد، به آن ایمان می آورید؟ حالا؟ در حالی که پیشتر خواستار زود آمدن عذاب بودید؟ (۵۲) سپس به ستمگران گفته شود: عذاب همیشگی را بچشید. آیا جز به آنچه به دست آورده اید، کیفر داده می شوید؟ (۵۳) و از تو خبر می گیرند که آیا آن (وعده ی مجازات الهی) حق است؟ بگو: آری، سوگند به پروردگارم که آن حتمی است و شما نمی توانید (خدا را از انجام آن) عاجز کنید. (۵۴) اگر برای هر کس که ستم کرده، آنچه در زمین است می بود، قطعاً همه ی آن را (برای نجات از قهر الهی و باز خرید خود) می داد. آنان با دیدن عذاب، پشیمانی خود را پنهان می کنند (تا شماتت نشوند) و میانشان به عدالت داوری می شود و بر آنان ستم نرود. (۵۵) آگاه باشید! آنچه در آسمان ها و زمین

است، قطعاً از آن خداست. آگاه باشید که وعده ی خدا حتمی و راست است، لیکن بیشترشان نمی دانند. (۵۶) اوست که زنده می کند و می میراند و به سوی او باز گردانده می شوید. (۵۷) ای مردم! همانا از سوی پروردگارتان پند و اندرزی برای شما آمد که مایه ی شفا برای آنچه در سینه های شماست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان است. (۵۸) بگو: (مؤمنان) تنها به فضل و رحمت خداوند شاد شوند، (نه به مال و مقام)، که آن بهتر از هر چیزی است که می اندوزند. (۵۹) بگو: آیا دیدید هر رزقی که خداوند برای شما نازل کرده است، (از پیش خود) بعضی را حرام و بعضی را حلال قرار دادید؟ بگو: آیا خداوند به شما اجازه داده یا بر خداوند دروغ می بندید؟ (۶۰) کسانی که به خدا دروغ می بندند، (درباره ی مجازات) روز قیامت چه گمانی دارند؟ همانا خداوند دارای بخشش و احسان بر مردم است، ولی بیشترشان سپاسگزاری نمی کنند. (۶۱) و (تو) در هیچ حال (و اندیشه ای) نیستی و هیچ بخشی از قرآن را نمی خوانی و (شما مردم) هیچ عملی را انجام نمی دهید، مگر آنکه آنگاه که وارد آن (کار) می شوید، ما بر شما گواهییم و چیزی به وزن ذره ای، نه در زمین و نه در آسمان از پروردگارت پوشیده نیست و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر نیست، جز آنکه در کتاب روشن ثبت است. (۶۲) آگاه باشید که قطعاً بر اولیای خدا، نه ترسی است و نه اندوهگین می شوند. (۶۳) آنان که ایمان آورده اند و شیوه ی آنان پرہیزکاری است. (۶۴) برای آنان (اولیای خدا) در زندگی دنیا و آخرت بشارت است. تبدیل و تغییری در سخنان (و وعده های) الهی نیست و آن همان رستگاری بزرگ است. (۶۵) گفتار مخالفان، تو را غمگین نسازد. زیرا عزت،

به تمامی از آن خداوند است و او شنوا و داناست. (۶۶) آگاه باشید! همانا هر کس در آسمان ها و هر کس در زمین است، از آن خداست و کسانی که به جای خداوند شریکانی را می خوانند، (از آنها نیز) پیروی نمی کنند، بلکه جز گمان خود چیز دیگری را پیروی نمی کنند و آنان جز دروغگویانی بیش نیستند. (۶۷) اوست کسی که شب را برای شما قرار داد تا در آن آرامش یابید و روز را روشنی بخش گردانید (تا به کار پردازید). یقیناً در این (نظام حکیمانه و هدفدار)، نشانه هایی برای گروهی است که می شنوند. (۶۸) (مشرکان) گفتند: خداوند فرزندی گرفته است، او منزه است، او بی نیاز است. آنچه در آسمان ها و زمین است از آن اوست. هیچ دلیلی نزد شما بر این گفتار نیست. آیا آنچه را نمی دانید به خدا نسبت می دهید؟ (۶۹) بگو: همانا کسانی که بر خداوند دروغ می بندند، رستگار نمی شوند. (۷۰) بهره ای اندک در دنیا دارند، سپس بازگشت آنان به سوی ماست، آنگاه به سزای کفرشان، عذاب سخت به آنان می چشانیم. (۷۱) و بر آنان سرگذشت نوح را بخوان، آنگاه که به قوم خود گفت: ای قوم من! اگر ماندن و موقعیت من (در میان شما) و یادآوری ام نسبت به آیات خداوند بر شما سنگین و تحمل ناپذیر است، پس (بدانید که) من تنها بر خداوند توکل کرده ام (و از چیزی هراس ندارم) پس شما و شریک انتان فکرتان را جمع کنید تا چیزی از کارتان بر شما پوشیده نماند، سپس در باره ی من تصمیم بگیرید و مهتم ندهید! (۷۲) پس اگر (به دعوت الهی) پشت کردید، من از شما اجرتی نخواسته ام. پاداش من تنها بر خداست و من مأمورم که تسلیم فرمان او باشم. (۷۳) پس

او (نوح) را تکذیب کردند، آنگاه ما او و کسانی که در کشتی همراه او بودند را نجات دادیم و آنان را جانشین (در زمین) قرار دادیم و همه ی کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق ساختیم. پس بنگر که پایان کار هشدار داده شدگان چگونه بود! (۷۴) آنگاه پیامبرانی را پس از نوح به سوی قومشان فرستادیم، پس آنان معجزات و دلایل روشن را برای مردم آوردند، ولی مردم بر آن نبودند که به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند ایمان بیاورند. ما این گونه بر دلهای متجاوزین مُهر می زنیم. (۷۵) سپس بعد از آنان، موسی و هارون را همراه با معجزات خویش، به سوی فرعون و سران قومش فرستادیم، اما آنان که گروهی تبه کار بودند، استکبار ورزیدند (و دعوت پیامبران را نپذیرفتند). (۷۶) پس هنگامی که از جانب ما حق به سراغشان آمد، گفتند: قطعاً این یک جادوی آشکار است. (۷۷) موسی (به آنان) گفت: آیا چون حق به سراغ شما آمد، (به آن سحر و جادو می گوئید و می پرسید:) آیا این سحر است؟ در حالی که جادوگران هرگز رستگار نمی شوند. (۷۸) گفتند: (ای موسی!) آیا آمده ای تا ما را از راهی که پدرانمان را بر آن یافته ایم، برگردانی تا بزرگی و حکومت در زمین برای شما دو نفر (موسی و هارون) باشد؟ و (لی) ما به شما دو نفر ایمان آور نیستیم. (۷۹) و فرعون گفت: هر جادوگر کاردانی را نزد من آورید. (۸۰) پس چون جادوگران (به میدان مبارزه) آمدند، موسی به آنان گفت: بیفکنید آنچه را (از وسایل جادوگری که می توانید) بیفکنید. (۸۱) پس چون (ساحران، ابزار سحر خود را) افکندند، موسی گفت: آنچه را شما آورده اید جادوست، خداوند به زودی آن را باطل خواهد کرد. چرا که

خداوند کار مفسدان را اصلاح نمی کند. (۸۲) و خداوند، حق را با کلمات و قدرت و سنت های خویش (و وعده ای که داده) تثبیت می کند، هر چند مجرمان از آن ناخشنود شوند! (۸۳) (در آغاز) جز گروهی اندک از فرزندان قوم موسی به او ایمان نیاوردند، در حالی که از فرعون و اشرافیان آنان ترس داشتند، ترس اینکه آنان را شکنجه کنند، زیرا که فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسراف کاران بود. (۸۴) و موسی گفت: ای قوم من! اگر به خداوند ایمان آورده اید و تسلیم او هستید، پس فقط بر او توکل کنید. (۸۵) پس آنان گفتند: تنها بر خداوند توکل کرده ایم، پروردگارا! ما را گرفتار سختی ها و آزمایش ستمگران قرار مده. (۸۶) و ما را به رحمت خویش، از شر قوم کافر رهایی بخش. (۸۷) و به موسی و برادرش وحی کردیم که در مصر، برای قوم خودتان خانه هایی آماده کنید و خانه هایتان را مقابل هم (یا رو به قبله) بسازید و نماز به پا دارید و به مؤمنان بشارت بده (که سرانجام پیروزی با آنهاست). (۸۸) و موسی گفت: پروردگارا! تو به فرعون و بزرگان قومش در زندگی دنیا زینت و اموال بسیار داده ای، پروردگارا تا (به وسیله ی آنها)، مردم را از راه تو گمراه سازند. پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دلهایشان را سخت، زیرا که آنان تا عذاب دردناک را نبینند، ایمان نخواهند آورد. (۸۹) (خداوند) فرمود: دعای شما دو تن مستجاب شد، پس ایستادگی کنید و از شیوه ی نادانان پیروی نکنید. (۹۰) و ما بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم. در حالی که فرعون و لشکریانش از روی ستم و تجاوز آنان را دنبال می کردند تا چون غرقاب فرعون را فراگرفت گفت: ایمان آوردم که معبودی نیست

جز همان که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند و من از تسلیم شده گانم. (۹۱) آیا اکنون؟! (در آستانه ی مرگ توبه می کنی؟) در حالی که پیشتر نافرمانی می کردی و از تبه کاران بودی؟ (۹۲) پس امروز جسد تو را (از متلاشی شدن و کام حیوانات دریایی) نجات می دهیم تا عبرتی برای آیندگان باشی. یقیناً بسیاری از مردم از نشانه های ما غافلند! (۹۳) و ما بنی اسرائیل را در جایگاه شایسته ای جا دادیم و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی بخشیدیم، ولی آنان (با دیدن آن همه معجزات) اختلاف نکردند، مگر پس از علم و آگاهی (به حَقّائیت موسی). همانا پروردگارت، روز قیامت در آنچه که در آن اختلاف می کردند، میان آنان داوری می کند. (۹۴) پس اگر در آنچه بر تو نازل کردیم شک داری، از آن کسانی که کتاب آسمانی پیش از تو را می خوانند بپرس. یقیناً حق از سوی پروردگارت به سوی تو آمده است، پس از شک آوران مباش. (۹۵) و هرگز از کسانی که آیات الهی را تکذیب کردند، مباش که از زیانکاران خواهی بود. (۹۶) همانا کسانی که فرمان پروردگارت علیه آنان (به جرم اعمالشان) تحقّق یافته، ایمان نمی آورند. (۹۷) و اگرچه برای آنان هر گونه معجزه ای بیاید، تا آنکه عذاب دردناک الهی را ببینند (که ایمان آن هنگام، بی ثمر است). (۹۸) چرا اهل هیچ شهری (به موقع) ایمان نیاورد که (ایمانش به او) سود بخشد؟ مگر قوم یونس (که وقتی در آخرین لحظه ایمان آوردند)، ما عذاب خوارکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و تا مدّتی بهره مندشان ساختیم. (۹۹) و اگر پروردگارت می خواست، (به اجبار) همه ی مردم روی زمین یکجا ایمان می آوردند. (اکنون که سنّت خدا بر ایمان اختیاری مردم است)، پس آیا تو مردم را مجبور می کنی تا ایمان

آورند؟! (۱۰۰) در حالی که هیچ کس جز به اذن و اراده ی الهی توفیق ایمان ندارد و خداوند پلیدی (تردید و کفر) را بر کسانی که نمی اندیشند مقرر می دارد. (۱۰۱) بگو: (به دیده ی عبرت) بنگرید که در آسمان ها و زمین چیست؟ اما نشانه ها و هشدارها برای کسانی که ایمان نمی آورند سودی ندارد. (۱۰۲) پس آیا (کسانی که در برابر آن همه آیات و انبیای الهی سرپیچی می کنند)، انتظار چیزی جز نظیر روزگار (پر نکبت و ذلت) پیشینیان را دارند؟ بگو: در انتظار باشید که من نیز با شما از منتظرانم (تا همان بلائی که بر سر آنها آمد، بر سر شما نیز بیاید). (۱۰۳) (به هنگام نزول بلا و مجازات)، پیامبران و مؤمنان را نجات می دهیم. این گونه بر ما حق است که مؤمنان (به تو را نیز) رهائی بخشیم. (۱۰۴) بگو: ای مردم! اگر از (درستی) دین من در شک و تردیدید، پس (بدانید که من) کسانی را که شما به جای خدا می پرستید، نمی پرستم، بلکه خدایی را می پرستم که جان شما را (در وقت مرگ) می گیرد و مأمورم که از مؤمنان باشم. (۱۰۵) و (به من فرمان داده شده که) به آئینی خالی از هرگونه شرک، روی آور و هرگز از مشرکان مباش. (۱۰۶) و غیر از خداوند، چیزی را که نه سودی برای تو دارد، نه زیانی، نخوان. پس اگر چنین کنی، همانا تو از ستمگران (مشرک) خواهی بود. (۱۰۷) و اگر خداوند (برای آزمایش یا هدف دیگر بخواهد) زیانی به تو برساند، جز خود او کسی توان برطرف کردن آن را ندارد و اگر برای تو خیری بخواهد، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد. خیر را به هر کس از بندگانش که بخواهد می رساند و او بس

آمرزنده و مهربان است. (۱۰۸) بگو: ای مردم! اینک حق از سوی پروردگارتان به سراغ شما آمده است. پس هر کس هدایت یابد، یقیناً به سود خویش هدایت می یابد و هر کس گمراه شود، تنها به زیان خویش گمراه می شود و من بر (ایمان آوردن) شما وکیل نیستم (تا به اجبار شما را به راه حق درآورم). (۱۰۹) و (تنها) آنچه را بر تو وحی می شود پیروی کن و پایدار باش تا آنکه خداوند داوری کند و او بهترین داوران است. (۱۱۰)

هود

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) الف لام را، (قرآن) کتابی است که آیات آن استوار گشته، آنگاه از جانب حکیمی آگاه، شرح و تفصیل داده شده است. (۲) که جز خداوند یکتا را نپرستید، همانا از طرف او برای شما هشدار دهنده و بشارت دهنده هستم. (۳) و از پروردگارتان طلب مغفرت کنید و بسوی او بازگردید تا شما را به بهره ای نیکو تا مدتی معین (که عمر دارید) کامیاب کند و به هر بافضیلتی فزونی بخشد و اگر (از بندگی خدا) روی بگردانید، همانا من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم. (۴) بازگشت شما به سوی خداست و او بر هر چیزی تواناست. (۵) بدانید که مخالفان برای آنکه خود را از پیامبر پنهان دارند، سر و سینه های خود را به هم نزدیک می کنند و لباس های خویش را بر سر می کشند (تا شناخته نشوند، غافل از آنکه) خداوند تمام کارهای سرّی و آشکار آنان را می داند. همانا او به اسرار درون سینه ها آگاه است. (۶) و هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر آنکه روزی او بر خداست و او قرارگاه دائمی و جایگاه موقت او را می داند. همه در کتاب آشکاری ثبت است. (۷) او کسی است که آسمان ها و زمین

را در شش روز (دوران) آفرید و عرش (حکومت) او بر آب قرار داشت، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید و اگر بگویی که شما پس از مرگ زنده خواهید شد، همانا کفار خواهند گفت: این نیست مگر سحری آشکار. (۸) و هرگاه عذاب را تا مدت محدودی از آنان به تأخیر بیندازیم، (به مسخره) می گویند: چه عاملی جلوی عذاب ما را گرفت؟ بدانید روزی که قهر و عذاب ما به سراغشان بیاید، از ایشان بازگشتی نیست و آنچه بدان مسخره می کردند، آنان را فراخواهد گرفت. (۹) و اگر به انسان از جانب خود نعمتی بچشانیم، سپس آن را از او بازپس گیریم، همانا او نومید و ناسپاس خواهد بود. (۱۰) و اگر پس از سختی و محنتی که به انسان رسیده، نعمتی به او بچشانیم (چنان مغرور می شود که) می گوید: همانا گرفتاری ها از من دور شد (و دیگر به سراغم نخواهد آمد)، بی گمان او شادمان و فخرفروش است. (۱۱) مگر کسانی که (در سایه ی ایمان واقعی)، اهل صبر و عمل صالح هستند، (نه با رفتن نعمت مایوس و نه با آمدن آن فخرفروشی نمی کنند). برای آنان مغفرت و پاداشی بزرگ خواهد بود. (۱۲) پس شاید تو (به خاطر عدم پذیرش مردم، ابلاغ) بعض از آنچه را که به تو وحی می شود واگذاری و (شاید) سینه ات به خاطر آن (حرفها) که می گویند: چرا گنجی بر او نازل نشده، یا فرشته ای با او نیامده، تنگ شده باشد. (مبادا چنین باشد، که) تو فقط هشدار دهنده ای و خداوند بر هر چیزی ناظر و نگهبان است. (۱۳) یا اینکه می گویند: (او) قرآن را از پیش خود بافته و ساخته است! بگو: اگر راست می گویند، شما هم ده سوره مثل این از

پیش خود ساخته ها، بیاورید و (برای این کار) هر کس از غیر خدا را که می خواهید (نیز به کمک) دعوت کنید. (۱۴) پس اگر از عهده ی اجابت (درخواست) شما برنیامدند، بدانید آنچه که نازل شده، به علم خداست و اینکه معبودی جز او نیست، پس آیا (در این صورت) تسلیم می شوید؟! (۱۵) کسانی که زندگانی دنیا و زیبایی های آن را بخواهند، ما در همین دنیا (نتیجه ی) اعمالشان را بطور کامل می دهیم، و در آن هیچ کم و کاستی نخواهد بود. (۱۶) (اما) آنان کسانی هستند که در قیامت، جز آتش چیزی ندارند و آنچه در دنیا ساخته اند بر باد رفته، و اعمالی که انجام می دهند باطل و بی اثر خواهد بود. (۱۷) آیا آن کس که (همچون پیامبر اسلام) دلیل روشنی (مثل قرآن) از طرف پروردگارش دارد و بدنبال او شاهی از اوست، و پیش از او (نیز) کتاب موسی (که) رهبر و رحمت بوده است (بر آمدن او بشارت داده، مانند کسی است که این خصوصیات را نداشته باشد؟)، آنان (کسانی که حق جو هستند) به او ایمان می آورند، و هر کس از احزاب (و گروه های مختلف) که به او کافر شود، وعدگاهش آتش است. پس، از آن در تردید مباش (که) قطعاً آن (وحی، کلام) حقی است (که) از پروردگارت (نازل شده)، اگر چه اکثر مردم ایمان نیاورند. (۱۸) و کیست ستمکارتر از آنکه بر خداوند دروغ می بندد؟ آنان (در قیامت) بر پروردگارشان عرضه می شوند و شاهدان (آن روز انبیا و فرشتگان) خواهند گفت: اینها همان کسانی هستند که بر پروردگارشان دروغ بستند. بدانید، لعنت خدا بر ستمگران باد. (۱۹) کسانی که (مردم را) از راه خدا بازمی دارند و می کوشند تا آن را کج جلوه دهند، در حالی که

آنها خودشان به آخرت کافرند. (۲۰) آنها در زمین عاجزکننده نیستند (و نمی توانند بر مقدرات شومی که برای خود رقم زده اند، غلبه کرده و از خطر فرار کنند.) و در برابر خداوند هیچ یآوری ندارند. عذاب خدا نسبت به آنها مضاعف است. (چرا که هم خود گمراه بودند و هم دیگران را با بستن راه خدا یا کج نشان دادن آن به گمراهی کشاندند)، آنان (از شدت لجاجت و عناد)، توان شنیدن (حق) را ندارند و (آن را) نمی بینند. (۲۱) آنها کسانی هستند که (سرمایه ی وجود و عمر) خویش را از دست داده و از آنچه به دروغ می ساختند (نیز) بازمانده اند. (۲۲) به ناچار آنان در قیامت، زیانکارترین افرادند. (۲۳) همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند و در برابر پروردگارشان فروتن باشند، آنان اهل بهشتند و برای همیشه در آنجا خواهند ماند. (۲۴) مثل دو گروه (کافران و مؤمنان)، همچون «نابینا و ناشنوا» و «بینا و شنوا» است، آیا این دو گروه در مثل یکسانند؟ پس چرا پند نمی گیرید؟ (۲۵) و همانا ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، (او به مردم گفت:) من برای شما هشدار دهنده ی روشنی هستم. (۲۶) (دعوت من این است) که جز خداوند را نپرستید، که همانا من از عذاب روزی دردناک بر شما می ترسم. (۲۷) پس سران قومش که کافر بودند گفتند: ما تو را جز انسانی مثل خودمان نمی بینیم و جز اراذل و اوباش که ساده لوحند (و نسنجیده در نگاه اول یار تو گشته اند)، کس دیگری را پیرو تو نمی یابیم، و برای شما هیچ برتری بر خودمان نمی بینیم، بلکه شما را دروغگومی پنداریم. (۲۸) (نوح به قوم خود) گفت: آیا اگر ببینید که من بر دلیل روشنی از طرف پروردگارم باشم و او

از نزد خودش، رحمت (ویژه ی نبوت) را به من داده باشد که بر شما مخفی مانده است، (آیا باز هم سرپیچی می کنید؟) آیا شما را به پذیرش آن وادار کنیم، در حالی که نسبت به آن کراهت دارید؟ (۲۹) (نوح ادامه داد که) ای قوم من! از شما در برابر این دعوت، اجرتی درخواست نمی کنم، پاداش من تنها بر خداست و من کسانی را که ایمان آورده اند (به خاطر خواست نابجای شما) طرد نمی کنم، (چرا که) آنان پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد (و از من شکایت خواهند نمود)، ولی من شما را قوم جاهلی می بینم. (۳۰) (نوح در جواب تقاضای طرد مؤمنان تهنی دست و گمنام گفت: ای مردم! اگر من آنان را (از خود) برانم، چه کسی مرا در برابر خدا یاری خواهد کرد؟ چرا اندیشه نمی کنید؟) (۳۱) (نوح گفت: من به شما نمی گویم که گنجینه های الهی نزد من است و نه (می گویم که از پیش خود) غیب می دانم و نمی گویم که من فرشته ام و نمی گویم آن کسانی که در پیش چشم شما خوارند، خداوند هرگز به آنان خیری نخواهد رساند، (بلکه) خداوند به آنچه در دل آنهاست آگاه تر است. (اگر چیزی جز این بگویم،) قطعاً از ستمکاران خواهم بود. (۳۲) (مخالفان) گفتند: ای نوح! تو واقعاً با ما جدال و جرّ و بحث زیادی نمودی، (اکنون دیگر بس است) اگر راست می گویی، آنچه را (از عذاب الهی) که به ما وعده می دهی بر سر ما بیاور! (۳۳) (نوح گفت: همانا اگر خداوند اراده کند، آن را بر سر شما خواهد آورد و شما قدرت خنثی کردن (و مقاومت در برابر) آن را نخواهید داشت. (۳۴) و اگر خداوند بخواهد شما را (به خاطر عدم لیاقت) گمراه

سازد، (دیگر) نصیحت من به حال شما سودی نخواهد داشت، هر چند بخواهم برای شما خیرخواهی کنم. او پروردگار شماست و (شما) بسوی او بازخواهید گشت. (۳۵) بلکه (مشرکان) می گویند: او (نوح یا محمد)، آن (سخنان) را بر خداوند افترا بسته است. بگو: اگر من چیزی را به دروغ به خداوند نسبت داده ام، پس کیفرش بر عهده ی خودم خواهد بود و من از جرم شما (که گناهی را به من نسبت می دهید) بیزارم. (۳۶) (و از جانب ما) به نوح وحی گردید که جز (همان) کسانی که (تاکنون) ایمان آورده اند، (افراد دیگر) از قوم تو هرگز ایمان نمی آورند، پس از کارهایی که می کنند غمگین مباش. (۳۷) و (اکنون) زیر نظر ما و طبق دستور و الهام ما کشتی بساز و درباره ی کسانی که ستم کرده اند با من سخن مگوی که آنان غرق شدنی هستند. (۳۸) و نوح (به فرمان الهی) مشغول ساختن کشتی شد. (اما) هر زمان که اشراف قومش بر او می گذشتند، او را مسخره می کردند. (او) گفت: اگر شما ما را مسخره کنید، ما (نیز) قطعاً همین گونه شما را مسخره خواهیم کرد. (۳۹) پس بزودی خواهید دانست که مجازاتِ خوارکننده به سراغ چه کسی خواهد آمد و عذاب جاودانه دامن چه کسی را خواهد گرفت. (۴۰) (کفر و استهزا ادامه داشت) تا زمانی که قهر ما آمد و تنور فوران کرد. ما (به نوح) گفتیم که از هر زوج (حیوان و موجود زنده) یک جفت (نر و ماده) در آن (کشتی) سوار کن، و (همچنین) خانواده ی خودت را، جز (همسر و یکی از فرزندان و) کسانی که قبلاً در مورد آنها قول (عذاب) داده شده بود. و (نیز سوار کن) افرادی را که ایمان

آورده اند، (اما) جز گروه کمی، کسی همراه او ایمان نیاورده بود. (۴۱) و (نوح به مسافران کشتی) گفت: بر آن سوار شوید که حرکت و توقّفش با نام خداست. همانا پروردگار من آمرزنده و مهربان است. (۴۲) و آن (کشتی) آنها را از لابلائی امواجی همچون کوه پیش می برد. (در این هنگام) نوح، فرزندش را که در گوشه ای قرار داشت صدا زد (و گفت: ای پسر من! ایمان بیاور و) با ما سوار شو و با کافران مباش. (۴۳) (پسر نوح) گفت: بزودی به کوهی پناه می برم تا مرا از آب حفظ کند. (نوح) گفت: امروز جز (برای افراد مؤمن) و کسانی که مورد رحم قرار گرفته اند، هیچ حافظ (و پناهگاهی) در مقابل قهر الهی نیست. (در این هنگام) موجی میان آن دو جدایی انداخت و او (پسر نوح) غرق گردید. (۴۴) و (بعد از آنکه طوفان و آب همه جا را فرا گرفت) گفته شد: ای زمین! آبت را فرو بر، و ای آسمان! (از باریدن) بایست. (بدین ترتیب) آب فرو نشست و کار (قهر الهی) پایان پذیرفت و (کشتی) بر (دامنه کوه) جودی پهلو گرفت و (در این هنگام) گفته شد که (رحمت خدا از) قوم س تمگر دور باد! (۴۵) پس نوح پروردگارش را ندا داد و گفت: پروردگارا! همانا پسر من از خاندان من است و البتّه وعده ی تو (درباره ی نجات خاندانم)، حق است و تو بهترین داورانی. (۴۶) (خداوند در پاسخ) فرمود: ای نوح! او (در واقع) از خاندان تو (و نبوت) نیست، او (دارای) عمل ناشایستی است، پس چیزی را که به آن علم نداری از من مخواه، همانا من تو را موعظه می کنم که (مبادا) از جاهلان باشی. (۴۷) (نوح) گفت: پروردگارا! به تو پناه می برم

از اینکه چیزی را که به (خیر و شرّ) آن آگاهی ندارم، از تو درخواست کنم و اگر تو (این خواسته را) بر من نبخشایی و بر من ترحم ننمایی، از زیانکاران خواهم بود. (۴۸) به نوح خطاب شد: (اینک) با سلامی از جانب ما و برکاتی بر تو و بر تمام امت‌هایی که با تو هستند، فرود آی، و بزودی امت‌هایی (از نسل همین نجات یافتگان) را از نعمت‌ها برخوردار خواهیم ساخت، (اما) سپس (به خاطر غفلت و کفر و گناه)، عذابی دردناک از طرف ما به آنان خواهد رسید. (۴۹) (ای پیامبر!) اینها از اخبار غیبی است که ما آنها را به تو وحی می‌کنیم (و) پیش از این نه تو و نه قوم تو از آنها خبری نداشتید، پس (تو نیز مانند نوح) صبر کن که همانا عاقبت (پیروزی)، برای متقین است. (۵۰) و به سوی قوم عاد، برادرشان هود (را فرستادیم، او به مردم) گفت: ای قوم من! (تنها) خدا را پرستید که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. (شما در پرستش بت‌ها به خطا می‌روید و) شما جز اهل افترا و تهمت نیستید. (۵۱) (هود گفت:) ای قوم من! من از شما در برابر رسالتم پاداشی درخواست نمی‌کنم، پاداش من نیست مگر بر عهده‌ی آن کس که مرا آفریده است، پس آیا تعقل نمی‌کنید؟! (۵۲) و (هود ادامه داد) ای قوم من! از پروردگارتان طلب آموزش کنید، سپس به سوی او باز گردید و توبه نمایید تا او از آسمان پی در پی بر شما باران بفرستد، (چنانکه گویی همه‌ی آسمان در حال ریزش است) و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، و (از راه حق) به خاطر گناه اعراض نکنید

و روی برنتابید. (۵۳) (مشرکان) گفتند: ای هود! تو دلیل روشنی برای ما نیاورده ای و ما به خاطر سخنان تو، از خدایانمان دست برنمی داریم و ما از ایمان آورندگان به تو نیستیم. (۵۴) (ما حرفی نداریم) مگر اینکه می گوییم: بعضی از خدایان ما به تو زیان رسانده (و عقلت را ربوده اند، زیرا مورد خشم بت ها قرار گرفته ای. هود) گفت: همانا من خدا را به شهادت می طلبم و شما (نیز) شاهد باشید که من از آنچه شریک (خدا) قرار می دهید بیزارم. (۵۵) از هر چه غیر اوست (و شما آن را می پرستید تیره می جویم)، پس همگی بر علیه من توطئه کنید و مرا مهلت ندهید، (تا معلوم شود که نه از شما و نه از بت هایتان هیچ کاری ساخته نیست). (۵۶) همانا من بر خداوندی که پروردگار من و شماست توکل کرده ام، (زیرا) هیچ جنبنده ای نیست، مگر آنکه او مهارش را گرفته (و بر او تسلط دارد، اما سلطه ای عادلانه و حق جویانه) بدرستی که پروردگار من بر صراط مستقیم است. (۵۷) پس اگر شما (از دعوت من) روی برگردانید، پس برستی که من آنچه را که به خاطر آن به سوی شما (مأمور و) فرستاده شده ام، به شما رسانده ام و پروردگارم گروه دیگری را جانشین شما خواهد کرد، و شما هیچ ضرری به اونمی رسانید. همانا پروردگارم بر هر چیزی نگهبان است. (۵۸) و زمانی که فرمان (قهر) ما آمد، هود و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم و از عذاب سخت رهایشان ساختیم. (۵۹) و آن قوم عاد، آیات پروردگارش را منکر شدند و پیامبران او را نافرمانی کرده و از فرمان هر ستمگر لجوجی پیروی نمودند. (۶۰) و (سر انجام) در این دنیا و در

روز قیامت، لعنت (و قهر الهی) در پی ایشان شد. بدانید که قوم عاد به پروردگارشان کفر ورزیدند. آگاه باشید که بر عاد، قوم (حضرت) هود لعنت باد. (۶۱) و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح (را فرستادیم) او گفت: ای قوم من! خدای یگانه را پرستید که جز او معبود دیگری برای شما نیست. اوست که شما را از زمین پدید آورد و از شما خواست تا در آن آبادی کنید، پس، از او آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید، همانا پروردگار من نزدیک و اجابت کننده است. (۶۲) (قوم ثمود) گفتند: ای صالح! تو برستی قبل از این در میان ما مایه ی امید بودی، آیا (اینک) تو ما را از پرستش آنچه پدرانمان می پرستیدند نهی می کنی؟ همانا که ما نسبت به آنچه ما را به آن می خوانی در شکی هستیم که ما را به تو بد گمان کرده است. (۶۳) (صالح) گفت: ای قوم من! آیا نظر شما این است که اگر من از طرف پروردگارم معجزه داشته باشم و از جانب او مشمول رحمت شده باشم، (لب فروبندم و تبلیغ نکنم؟) پس اگر من خدا را معصیت کنم (و رسالت الهی را انجام ندهم)، چه کسی مرا در برابر (قهر) او یاری خواهد کرد؟ پس شما جز خسارت و زیان چیزی به من نمی افزایید. (۶۴) و (صالح در بیان معجزه ی خود گفت:): ای قوم من! این شتر ماده (که به اراده ی خداوند (آفریده شده) معجزه ای برای شماست، پس او را آزاد بگذارید تا در زمین خدا (چرا کند و از مراتع و علف های آن) بخورد، و آزاری به او نرسانید که بزودی عذاب (الهی) شما را فرا خواهد گرفت. (۶۵) پس (علی رغم آن همه

سفارشات و تهدیدات، قوم ثمود) شتر را پی کردند (و دست و پایش را بریدند)، پس (صالح) گفت: (برای مدت) سه روز در خانه هایتان بهره مند باشید (که بعد از آن عذاب الهی فرا خواهد رسید)، این وعده ای است راست و حقیقی. (۶۶) چون (پس از گذشت سه روز)، فرمان (قهر) ما آمد، صالح و کسانی را که به همراه او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از عذاب) نجات دادیم و از خواری آن روز (رهایی بخشیدیم. ای رسول ما!) همانا پروردگارت، همان توانای شکست ناپذیر است. (۶۷) و ستمگران را صیحه ای (آسمانی) فرا گرفت، پس در خانه هایشان به روی در افتادند (و مردند). (۶۸) آنچنان (قوم ثمود در اثر این صیحه و زلزله نابود شدند) که گویی هرگز در آنجا ساکن نبوده اند، بدانید که همانا ثمود به پروردگارشان کفر ورزیدند. بدانید که ثمود (از رحمت الهی) دور باد. (۶۹) و همانا فرستادگان ما (که فرشتگانی به صورت انسان بودند)، ابراهیم را مژده آورده گفتند: سلام، (ابراهیم نیز) گفت: سلام. پس زمانی نگذشت که گوساله ی بریانی را (برای پذیرایی) نزد آنان آورد. (۷۰) پس چون (ابراهیم) دید که دست آنان به سمت غذا دراز نمی شود (و از آن نمی خورند)، نسبت به آنان ناخشنود شد و ترسی از آنان در دل او افتاد (که شاید غذا نمی خورند تا نمک گیر نشوند و بتوانند براحتی سوء قصد خود را انجام دهند)، اما میهمانان گفتند: مترس، همانا ما برای (قلع و قمع) قوم لوط فرستاده شده ایم. (۷۱) و همسر ابراهیم ایستاده بود، پس (چون گفتگوها را شنید)، خندید، ما او را به (فرزندی به نام) اسحاق و پس از اسحاق، (فرزندی به نام) یعقوب بشارت دادیم. (۷۲) (همسر ابراهیم) گفت: ای وای بر

من! آیا دارای فرزند می شوم در حالی که من پیرزنم و این شوهرم پیرمرد؟ براستی که این چیز عجیبی است! (۷۳) فرشتگان به همسر ابراهیم گفتند: آیا از کار خداوند تعجب می کنی؟ رحمت و برکات الهی بر شما اهل خانه (و خاندان رسالت) نازل باد، همانا او (پروردگاری) ستوده و بزرگوار است. (۷۴) پس چون ترس و وحشت از ابراهیم برطرف شد و بشارت (فرزند نیز) برای او آمد، درباره ی قوم لوط با ما به (گفتگو و) مجادله پرداخت (تا شاید در مورد آنان شفاعت کند). (۷۵) بدرستی که ابراهیم، بردبار و صاحب آه و ناله و اهل توبه و انابه بود. (۷۶) (اما از آنجا که فرمان قهر الهی در مورد قوم لوط حتمی بود، لذا فرشتگان در پاسخ به تقاضای شفاعت و تأخیر در عذاب به او گفتند: ای ابراهیم! از این (تقاضا) صرف نظر کن، که به تحقیق فرمان قهر پروردگارت صادر شده و قطعاً عذاب غیر قابل برگشت به سراغ آنها خواهد آمد. (۷۷) و هنگامی که فرستادگان ما، (فرشتگان مأمور عذاب)، به سراغ لوط آمدند، درباره ی آمدن آنان غمگین شد و برای حفظ آنها (از آزار این قوم شرور)، به تنگ آمد، (با خود) گفت: امروز، روز سختی است! (۷۸) و قوم لوط، که سابقه ی کارهای بد داشتند، به سرعت به سراغ او آمدند. (حضرت لوط، برای جلوگیری از تعرض مردم به فرشتگان، با اشاره به دختران خود، به آنان) گفت: ای قوم من! اینها دختران منند، (که می توانید با آنان ازدواج کنید. اگر قصدی دارید) آنها برای شما پاک ترند، پس از خدا پروا کنید (و دست به گناه نزنید) و مرا در پیش میهمانانم رسوا مسازید، آیا در (میان) شما یک نفر رشید

(جوآنمرد) وجود ندارد؟ (که بجای گناه ازدواج را بپذیرد؟) (۷۹) قوم لوط) گفتند: تو خود می دانی که برای ما هیچ حقی نسبت به دختران تو نیست (و ما رغبتی به ازدواج نداریم)، خودت خوب می دانی که ما چه می خواهیم. (۸۰) (حضرت لوط) گفت: ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم و یا به تکیه گاه محکمی پناه می بردم! (۸۱) (وقتی کار به اینجا رسید، میهمانان) گفتند: ای لوط! ما فرستادگان پروردگار تو هستیم، (درباره ی ما نگران مباش، زیرا) آنان هرگز به تو دسترسی پیدا نخواهند کرد. پس پاسی از شب گذشته، خانواده ات را (از این سرزمین) بیرون ببر و (مراقب باش تا) هیچ کس از شما (به پشت سرش) متوجه نشود. ولی همسرت (را با خود همراه مبر، زیرا) آن بلایی که به همه می رسد به او (نیز) خواهد رسید. همانا وقت (نابودی) آنان صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟! (۸۲) پس هنگامی که فرمان (قهر) ما آمد، آن سرزمین را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ هایی از گل های لایه لایه بر آنها فرو ریختیم، (۸۳) (سنگ هایی که) نزد پروردگارت نشاندار بودند، و این (کیفر سنگباران) از (سایر) ستمگران (و فاسدانی که در خط قوم لوط باشند)، دور نیست. (۸۴) و به سوی (منطقه و مردم) مدین، برادرشان شعیب (را فرستادیم، او) گفت: ای قوم من! خدا را پرستش کنید (که) جز او خدای دیگری برای شما نیست، و پیمانان و ترازو را (در هنگام خرید و فروش) کم نگذارید، همانا (در این صورت) من شما را به خیر (و صلاح) می بینم و براستی که من از عذاب روز (قیامتی که) فراگیر (است)، بر شما می ترسم. (۸۵) و (حضرت شعیب تأکید کرد که) ای قوم من! پیمانان و

ترازو را با انصاف و عدل پر کنید (و تمام دهید) و (از) اشیا (و اجناس و حقوق) مردم (چیزی) را نگاهید و فسادکنان، در زمین تباهی مکنید. (۸۶) (مال و سرمایه ی حلالی که) خداوند (برای شما) باقی گذارده (از مال و ثروتی که در اثر کم فروشی بدست می آورید) برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید، و من نگهبان شما (بر حفظ ایمانتان و پذیرش این راه) نیستم. (۸۷) (ای مردم مدین در جواب) گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می دهد که (به ما بگویی) آنچه را که پدرانمان می پرستیدند رها کنیم؟ (و) یا اینکه (نتوانیم) آن گونه که خود می خواهیم، در اموالمان تصرف کنیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده ای هستی! (این چه توقعی است که از ما داری؟) (۸۸) (شعیب) گفت: ای قوم من! آیا اندیشیده اید که اگر من دلیل روشنی از طرف پروردگارم داشته باشم و او مرا رزق نیکویی (مثل نبوت) از سوی خود عطا کرده باشد، (چگونه می توانم مخالفت او کنم؟) و من نمی خواهم نسبت به آنچه شما را از آن نهی می کنم، خود مخالفت کنم (و مرتکب آن شوم). من به جز اصلاح به مقدار توانم، خواسته ی دیگری ندارم و جز به لطف خداوند، توفیقی برای من نیست، (از این روی) بر او توکل کرده ام و به سوی او بازگشته ام. (۸۹) و (شعیب گفت:) ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، شما را به کاری وادار نسازد که (عذابی) مثل آنچه به قوم نوح، یا قوم هود (و) یا قوم صالح رسید به شما هم برسد و (می دانید که ماجرای) قوم لوط (چندان) از شما دور نیست. (۹۰) (پس بیایید) و از پروردگارتان آمرزش بطلبید

و به سوی او باز گردید. همانا پروردگار من، مهربان و دوستدار (توبه کنندگان) است. (۹۱) (کفار) گفتند: ای شعیب! ما بسیاری از سخنان تو را درک نمی کنیم و ما تو را در میان خود شخص ضعیفی می بینیم و اگر بستگان تو نبودند، هر آینه تو را سنگسار می کردیم و تو بر ما (هیچ) برتری و قدرت و عزتی نداری. (۹۲) (شعیب) گفت: ای قوم من! آیا قبیله ی من نزد شما از خداوند عزیزتر است (که) شما (فرمان) او را پشت سر انداخته اید، (اما برای کسان و خویشان من حساب باز کرده اید؟) همانا پروردگار من به آنچه عمل می کنید احاطه دارد. (۹۳) و (شعیب گفت:) ای قوم من! (پس) هر چه در توان دارید انجام دهید، من (نیز) کار خودم را خواهم کرد. بزودی خواهید دانست (که) عذاب خوارکننده به سراغ چه کسی خواهد آمد و چه کسی دروغگوست. شما در انتظار باشید، من (نیز) همراه شما منتظرم. (۹۴) و چون فرمان (قهر) ما آمد، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم و (آنگاه) صیحه ی (آسمانی) ستمگران را فرو گرفت، پس در خانه هایشان به رو افتادند (و مردند). (۹۵) (کفار مدین آنچه ناپدید شدند) که گویی هرگز در آن منطقه ساکن نبوده اند، آگاه باشید (لطف خدا) از مردم مدین دور باد، همان گونه (که) از قوم ثمود دور شد. (۹۶) و به تحقیق ما موسی را با معجزه و براهین روشن فرستادیم، (۹۷) به سوی فرعون و اشراف قومش (فرستادیم)، پس آنها (بجای پذیرفتن دعوت موسی)، از فرمان فرعون پیروی کردند، در حالی که فرمان فرعون مایه ی رشد (و نجات) نبود. (۹۸) او (فرعون) در روز قیامت، پیشاپیش قومش حرکت می کند، پس آنها را

وارد آتش می سازد و چه بد جایگاهی است که به آن وارد می شوند. (۹۹) و در این دنیا با لعنتی بدرقه شدند و روز قیامت نیز چنین خواهد بود. (و این) چه بد عطایی است که به آنان داده می شود. (۱۰۰) (ای پیامبر!) این (مطالب، گوشه ای) از اخبار آبادی ها و شهرهایی است که ما آن را برای تو بازگو می کنیم، (البته) بعضی از آنها (هنوز) پابرجا هستند، ولی بعضی دیگر ویران شده اند. (۱۰۱) و ما به آنان ظلم نکردیم، بلکه آنان خود بر خویشتن ستم روا داشتند و چون قهر پروردگارت آمد، پس (آن) خدایانی که به جای «الله» می خواندند، سودی به حال آنان نبخشید و آنان را جز ضرر و هلاکت چیزی نیفزوند. (۱۰۲) و این چنین است مؤاخذه (و مجازات) پروردگارت، زمانی که شهرها و آبادی های ستمگر را (با قهر خود) می گیرد. همانا مؤاخذه ی او (سخت) دردناک و شدید است. (۱۰۳) البته در این (یادآوری ها،) نشانه (و عبرتی) است برای کسی که از عذاب آخرت بترسد. همان روزی که مردم را در آن گرد می آورند و آن روزی که (همه آن را) مشاهده می کنند و برای همه نمایان و مشهود است (و تمام اعمال و روحيات هویدا می شود). (۱۰۴) و ما، آن (روز) را مگر برای مدت معدودی به تأخیر نمی اندازیم. (۱۰۵) روزی که (چون) بیاید، هیچ کس جز با اذن او حرفی نمی زند، پس (گروهی) از آنها بدبخت و سیه روز و (عده ای دیگر) خوشبخت و سعادت مندند. (۱۰۶) اما (آن) کسانی که بدبخت شده اند، پس در آتش (اند و در آنجا) ناله ای (زار) و خروشی (سخت) دارند. (۱۰۷) (و) تا آسمان ها و زمین پایدار است، در آن (آتش) جاودانند، مگر آنچه خداوند بخواهد، همانا پروردگارت هر چه را اراده کند، انجام می دهد. (۱۰۸) و

امّا کسانی که خوشبخت (و سعادت‌مند) شده‌اند، پس تا آسمان‌ها و زمین پابرجاست، در بهشت جاودانند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد (این) عطایی قطع ناشدنی است. (۱۰۹) پس (ای پیامبر!) از آنچه این کفار می‌پرستند در شک و تردید مباش، (که) آنها عبادت نمی‌کنند مگر همان‌گونه که قبلاً پدرانشان (بت‌ها را) عبادت می‌کرده‌اند، و همانا ما نصیب آنها را به طور کامل و بی‌کم و کاست خواهیم پرداخت. (۱۱۰) و به تحقیق ما به موسی کتاب (تورات) دادیم، پس در آن اختلاف شد، و اگر سنت پروردگارت (در مورد تأخیر عذاب کفار) از پیش مقرر نگشته بود، هر آینه (در همین دنیا) میان آنان داوری و حکم می‌شد (و به کیفر می‌رسیدند) و همانا آنان درباره‌ی آن در شکی هستند که موجب بدگمانی آنان است. (۱۱۱) و قطعاً پروردگارت (جزای) تمام اعمال آنان را حتماً بطور کامل خواهد داد، همانا او به (تمام) آنچه (مردم) عمل می‌کنند، آگاه است. (۱۱۲) پس (ای پیامبر!) همان‌گونه که مأمور شده‌ای، استوار باش و (نیز) هر کس که با تو، به سوی خدا آمده است، و سرکشی نکنید که او به آنچه می‌کنید بیناست. (۱۱۳) و به ستمگران تمایل و تکیه نکنید که آتش (عذاب) شما را فرامی‌گیرد و (در این صورت) برای شما در برابر خداوند، هیچ دوست و سرپرستی نیست، پس (از هیچ ناحیه‌ای) مورد کمک قرار نخواهید گرفت. (۱۱۴) و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب پیادار، (زیرا) بدرستی که کارهای نیکو (همچون نماز)، بدی‌ها را محو می‌کند، این (فرمان)، تذکری است برای اهل ذکر. (۱۱۵) و پایدار باش، که همانا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. (۱۱۶) پس چرا در قرون قبل از شما، صاحبان علم و قدرتی

نبودند تا مردم را از فساد در زمین باز دارند، مگر گروه کمی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم، و ستمگران دنباله رو و دلبسته ی مال و مقامی شدند که در آن مست و سرکش شده بودند و آنان مردمی مجرم و گناهکار بودند. (۱۱۷) و پروردگار تو بر آن نبوده تا آبادی هایی را که مردمش اصلاح گزند، به ظلم و ستم هلاک کند. (۱۱۸) و اگر پروردگارت می خواست، هر آینه همه ی مردم را (با اجبار)، یک امت واحده (و دارای یک عقیده ی حق) قرار می داد، در حالی که همچنان اختلاف می ورزند. (۱۱۹) مگر کسی که پروردگارت به او رحم کند، و (خداوند) برای همین (رحمت) مردم را آفرید، و فرمان پروردگارت صادر شده که دوزخ را از جن و انس پر خواهد کرد. (۱۲۰) و هر یک از سرگذشت انبیای (قبلی)، که برای تو بازگو کردیم، چیزی است که دلت را بدان محکم گردانیم، و در این (اخبار)، برای تو حقایق و برای اهل ایمان، پند و تذکری آمده است. (۱۲۱) و به کسانی که ایمان نمی آورند بگو: هر چه در توان دارید انجام دهید، ما نیز انجام می دهیم. (۱۲۲) و شما در انتظار باشید، ما هم منتظریم. (۱۲۳) و نهان آسمان و زمین تنها برای خداوند است و تمام امور به او بازگردانده می شود، پس بنده ی او باش (و تنها او را پرستش کن) و بر او توکل نمای و پروردگارت از عملکرد شما غافل نیست. (۱۲۴)

یوسف

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) الف لام را. آن است آیات کتاب روشنگر. (۲) همانا ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که بیاندیشید. (۳) ما با این قرآن که به تو وحی کردیم بهترین داستان را بر تو بازگو می کنیم، در حالی

که تو پیش از آن، از بی خبران بودی. (۴) آنگاه که یوسف به پدر خویش گفت ای پدر همانا من (در خواب) یازده ستاره با خورشید و ماه دیدم، آنها را در برابر خود سجده کنان دیدم. (۵) (یعقوب) گفت: ای پسر کوچکم خوابت را برای برادرانت بازگو مکن، که برایت نقشه ای (خطرناک) می کشند. زیرا شیطان، برای انسان دشمنی آشکار است. (۶) و اینگونه پرودگارت تو را برمی گزیند و از تعبیر خوابها (و سرانجام امور) به تو می آموزد و نعمت خویش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می کند همانگونه که پیش از این بر دو پدرت ابراهیم و اسحاق تمام کرد. همانا پرودگارت دانای حکیم است. (۷) بتحقیق در (داستان) یوسف و برادرانش نشانه هایی (از حاکم شدن اراده خداوندی) برای جویندگان است. (۸) آنگاه که (برادران او) گفتند: همانا یوسف و برادرش (بنیامین) نزد پدرمان از ما که گروهی نیرومند هستیم محبوب ترند. همانا پدرمان (در این علاقه به آن دو) در گمراهی روشنی است. (۹) (برادران به یکدیگر گفتند) یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی دور بیافکنید تا توجه پدرتان مخصوص شما شود و پس از انجام طرح (با توبه) گروهی شایسته باشید. (۱۰) گوینده ای از میان آنان گفت: یوسف را نکشید و (اگر اصرار به این کار دارید لاقول) او را به نهان خانه چاه بیفکنید تا بعضی از کاروان ها (که از آنجا عبور می کنند) او را برگیرند. (۱۱) گفتند: ای پدر تو را چه شده که ما را بر یوسف امین نمی دانی در حالیکه قطعا ما خیرخواه او هستیم؟! (۱۲) او را فردا با ما بفرست تا (در صحرا) بگردد و بازی کند و قطعا ما نگهبانان (خوبی) برای او خواهیم بود. (۱۳) (یعقوب) گفت:

همانا اینکه او را بیرید حتما مرا غمگین می سازد و از این می ترسم که گرگ او را بخورد و شما از او غافل باشید. (۱۴) (فرزندان یعقوب) گفتند: اگر گرگ او را بخورد، با آنکه ما گروهی قوی هستیم، در آن صورت ما زیان کار (و بی کفایت) خواهیم بود. (۱۵) پس چون او را با خود بردند و همگی تصمیم گرفتند که او را در مخفی گاه چاه قرار دهند (تصمیم خود را عملی کردند) و ما به او (در همان چاه) وحی کردیم که در آینده آنها را از این کارشان خبر خواهی داد در حالی که آنها (تو) را شناسند. (۱۶) و (بعد از انجام نقشه خود) شب هنگام گریه کنان نزد پدرشان آمدند. (۱۷) گفتند: ای پدر ما رفتیم که مسابقه دهیم و یوسف را نزد وسایل خود (تنها) گذاشتیم، پس گرگ او را خورد و البته تو سخن ما را هر چند راستگو باشیم باور نداری. (۱۸) و پیراهن یوسف را آغشته به خونی دروغین (نزد پدر) آوردند. (پدر) گفت: چنین نیست بلکه نفستان کاری (بد) را برای شما آراسته است. پس (من را) صبری جمیل و نیکوست و خدا بر آنچه می گوید به کمک طلیده می شود. (۱۹) و (یوسف در چاه بود تا) کاروانی فرا رسید و ما مور آب را فرستادند پس او دلو خود را به چاه افکند (یوسف به طناب و دلو آویزان شد و به بالای چاه رسید) ما مور آب فریاد زد مژده که این پسری است. او را چون کالائی پنهان داشتند (تا کسی ادعای مالکیت نکند) در حالی که خداوند بر آنچه انجام می دادند آگاه بود. (۲۰) و (کاروانیان) یوسف را به بهایی اندک چند درهمی فروختند و درباره

او بی رغبت بودند. (۲۱) و کسی از مردم مصر که یوسف را خرید به همسرش گفت: مقام او را گرامی دار (او را به دید برده نگاه مکن) امید است که در آینده ما را سود برساند یا او را به فرزندی بگیریم. و اینگونه ما به یوسف در آن سرزمین جایگاه و مکنت دادیم (تا اراده ما تحقق یابد) و تا او را از تعبیر خوابها بیاموزیم و خداوند بر کار خویش تواناست ولی اکثر مردم نمی دانند. (۲۲) و چون (یوسف) به رشد و قوت خود رسید به او علم و حکم (نبوت یا حکمت) دادیم و ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (۲۳) و زنی که یوسف در خانه او بود از یوسف از طریق مراوده و ملائمت، تمنای کام گیری کرد و درها را (برای انجام مقصودش) محکم بست و گفت: بیا که برای تو آماده ام. یوسف گفت: پناه به خدا که او پروردگار من است و مقام مرا گرامی داشته، قطعاً ستمگران رستگار نمی شوند. (۲۴) و همانا (همسر عزیز مصر) قصد او (یوسف) را کرد و او نیز اگر برهان پروردگارش را نمی دید (بر اساس غریزه) قصد او را می کرد. اینگونه (ما او را با برهان کمک کردیم) تا بدی و فحشاء را از او دور کنیم، چرا که او از بندگان برگزیده ما است. (۲۵) و هر دو به سوی در سبقت گرفتند و آن زن پیراهن یوسف را از پشت درید. ناگهان شوهرش را نزد در یافتند. زن (با چهره حق به جانبی برای انتقام از یوسف یا تبرئه خویش) گفت: کیفر کسی که به همسر تو قصد بد داشته جز زندان و یا شکنجه دردناک چیست.؟ (۲۶) (یوسف) گفت:

او خواست از من (برخلاف میل) کام گیرد و شاهی از خانواده زن شهادت داد که اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد پس زن راست می گوید و او از دروغگویان است (زیرا در این صورت او و همسر عزیز از روبرو درگیر می شدند و پیراهن از جلو چاک می خورد). (۲۷) و اگر پیراهن او (یوسف) از پشت پاره شده باشد پس زن دروغ گفته و یوسف از راستگویان است. (۲۸) پس همینکه (عزیز مصر) پیراهن او را دید که از پشت پاره شده است، (حقیقت را دریافت و) گفت: بی شک این از حيله شما زنان است. البته حيله شما شگرف است. (۲۹) (عزیز مصر به یوسف گفت:) یوسف از این مسئله صرف نظر کن (و آن را بازگو نکن و به همسرش نیز خطاب کرد:) و تو برای گناهت استغفار کن چون قطعاً از خطاکاران بوده ای. (۳۰) زنانی در شهر (زبان به ملامت گشودند) و گفتند: همسر عزیز با غلامش مروده داشته و از او کام خواسته است. همانا یوسف او را شیفته خود کرده است. به راستی ما او را در گمراهی آشکار می بینیم. (۳۱) پس چون (همسر عزیز) نیرنگ (و بدگویی) زنان (مصر) را شنید، (کسی را برای دعوت) به سراغ آنها فرستاد و برای آنان (محفلی و) تکیه گاهی آماده کرد و به (دست) هر یک چاقویی داد (تا میوه میل کنند) و به یوسف گفت: بر زنان وارد شو. همینکه زنان او را دیدند (از زیبایی) بزرگش یافتند و دست های خود را (به جای میوه) عمیقاً بریدند و گفتند منزّه است خداوند، این بشر نیست، این نیست جز فرشته ای بزرگوار. (۳۲) (همسر عزیز مصر به زنانی که دست خود

را بریده بودند) گفت: این همان کسی است که مرا درباره او ملامت می کردید. و البته من از او کام خواستم ولی او پاکی ورزید. و اگر آنچه را به او دستور می دهم انجام ندهد، حتما زندانی خواهد شد و قطعا از خوارشدگان خواهد بود. (۳۳) (یوسف) گفت: پرودگارا؛ زندان برای من از آنچه مرا به سوی آن می خوانند محبوبتر است. و اگر حيله آنها را از من باز نگردانی من به سوی آنها تمایل می کنم و از جاهلان می گردم. (۳۴) پس پرودگارش (در خواست) او را اجابت کرد و حيله زنان را از او برگرداند، زیرا که او شنوای دانا است. (۳۵) سپس بعد از آن همه نشانه ها و شواهدی که (برای پاکی یوسف) دیدند، اینگونه برایشان جلوه کرد که او را تا مدتی زندانی کنند. (۳۶) و با یوسف دو جوان دیگر وارد زندان شدند. یکی از آن دو (نزد یوسف آمد) گفت: من در خواب خود را دیدم که برای شراب (انگور) می فشارم و دیگری گفت: من خود را در خواب دیدم که بر سرم نانی می برم و پرندگان از آن می خورند ما را از تعبیر خوابمان آگاه ساز، که ما ترا از نیکوکاران می بینیم. (۳۷) (یوسف به آن دو نفر که خواب دیده بودند) گفت: من قبل از آنکه جیره غذایی شما برسد، تأویل خوابتان را خواهم گفت. این تعبیر از چیزهایی است که پرودگارم به من آموخته است. همانا من آئین قومی را که به خدا ایمان نمی آورند و به قیامت کفر می ورزند، رها کرده ام. (۳۸) و آئین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی کرده ام. برای ما سزاوار نیست که چیزی را شریک خداوند قرار دهیم. این از فضل خدا بر

ما و بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاس گزاری نمی کنند. (۳۹) ای دو یار زندانی من، آیا خدایان متعدد و گوناگون بهتر است یا خداوند یکتای مقتدر. (۴۰) شما غیر از خداوند چیزی را عبادت نمی کنید مگر اسم هایی (بی مسما) که شما و پدرانتان نامگذاری کرده اید (و) خداوند هیچ دلیلی (برحقانیت) آن نفرستاده است. کسی جز خداوند حق فرمانروایی ندارد، او دستور داده که او را نپرستید. این دین پا بر جای و استوار است ولی اکثر مردم نمی دانند. (۴۱) ای دوستان زندانیم، اما یکی از شما (آزاد می شود) و به ارباب خود شراب می نوشاند و دیگری به دار آویخته می شود (و آنقدر بالای دار می ماند) که پرندگان (با نوک خود) از سر او می خورند، امری که درباره آن از من نظر خواستید حتمی و قطعی است. (۴۲) و (یوسف) به آن زندانی که می دانست آزاد می شود گفت: «مرا نزد ارباب خود به یاد آور» (ولی) شیطان یادآوری به اربابش را از یاد او برد، در نتیجه (یوسف) چند سالی در زندان ماند. (۴۳) و (روزی) پادشاه (مصر) گفت: من هفت گاو فربه که هفت گاو لاغر آنها را می خورند و هفت خوشه ی سبز و (هفت خوشه ی) خشکیده ی دیگر را (در خواب) دیدم، ای بزرگان قوم! اگر تعبیر خواب می کنید درباره ی خوابم به من نظر دهید. (۴۴) (اطرافیان پادشاه) گفتند: خوابهایی پریشان است و ما به تعبیر خوابهای آشفته دانا نیستیم. (۴۵) و آن کس از آن دو (زندانی) که نجات یافته بود، پس از مدتی (یوسف را) به خاطر آورد، و (به عزیز مصر) گفت: مرا (به سراغ یوسف) بفرستید تا (از تعبیر خواب) شما را با خبر کنم. (۴۶) (فرستاده شاه وارد زندان شد و گفت: ای یوسف،

ای مرد راستگوی درباره ی (این خواب که) هفت گاو فربه هفت گاو لاغر می خورند و هفت خوشه ی سبز و (هفت خوشه ی) خشکیده دیگر، به ما نظر بده تا به سوی مردم برگردم، شاید آنان (از اسرار خواب) آگاه شوند. (۴۷) (یوسف در جواب) گفت: هفت سال پی در پی کشت کنید و آنچه را درو کردید، جز اندکی را که می خورید، در خوشه اش کنار بگذارید. (۴۸) سپس بعد از آن، هفت سال سخت می آید که مردم آنچه را برایشان از پیش ذخیره کرده اید خواهند خورد جز اندکی که (برای بذر) حفظ می کنید. (۴۹) سپس بعد از آن سالی فرامی رسد که به مردم در آن سال باران می رسد (و مشکل قحطی تمام می شود) و در آن سال مردم (بخاطر وسعت و فراوانی، از میوه ها و دانه های روغنی) عصاره می گیرند. (۵۰) و پادشاه گفت: او را نزد من آورید، پس چون فرستاده ی شاه نزد وی آمد (یوسف) گفت: نزد آقای خود برگرد و از او بپرس که ماجرای آن زنانی که دستانشان را بریدند چه بود؟ همانا پرودگار من به حيله آنان آگاه است. (۵۱) (پادشاه به زنان) گفت: وقتی از یوسف کام می خواستید چه منظور داشتید؟ زنان گفتند: منزّه است خدا، ما هیچ بدی از او نمی دانیم. همسر عزیز گفت: اکنون حقیقت آشکار شد من (بودم که) از او کام خواستم و بی شک او از راستگویان است. (۵۲) (یوسف گفت: این (اعاده حیثیت) برای آن بود که (عزیز) بدانند من در نهان به او خیانت نکرده ام و قطعاً خداوند نیرنگ خائنان را به جایی نمی رساند. (۵۳) و من نفس خود را تبرئه نمی کنم، چرا که نفس آدمی بدون شک همواره به بدی امر می کند، مگر آن که پروردگارم رحم کند که

همانا پروردگار من آمرزنده ی مهربان است. (۵۴) و پادشاه گفت: یوسف را نزد من آورید تا وی را (مشاور) مخصوص خود قرار دهم. پس چون با او گفتگو نمود، به او گفت: همانا تو امروز نزد ما دارای منزلتی بزرگ و فردی امین هستی. (۵۵) (یوسف) گفت: مرا بر خزانه های این سرزمین (مصر) بگمار، زیرا که من نگهبانی دانا هستم. (۵۶) و ما اینگونه به یوسف در آن سرزمین مکننت و قدرت دادیم که در آن هر جا که خواهد قرار گیرد (و تصرف کند) ما رحمت خود را بر هر کس که بخواهیم می رسانیم و پادشاه نیکوکاران را ضایع نمی گردانیم. (۵۷) و قطعاً برای کسانی که ایمان آورده و همواره تقوی پیشه کرده اند پادشاه آخرت بهتر است. (۵۸) (سرزمین کنعان را قحطی فراگرفت) و (در پی مواد غذایی) برادران یوسف (به مصر) آمدند و بر او وارد شدند آنگاه (یوسف) آنان را شناخت ولی آنها او را نشناختند. (۵۹) و چون یوسف بارهای (غذایی) آنان را آماده ساخت، گفت: برادر پدری خود را (در نوبت آینده) نزد من آورید. آیا نمی بینید که من پیمانہ را کامل می دهم و بهترین میزبان هستم. (۶۰) (ولی) اگر آن برادر را نزد من نیاورید، نه پیمانہ ای (از غله) نزد من خواهید داشت و نه نزدیک من شوید. (۶۱) (برادران به یوسف) گفتند: او را با اصرار و التماس از پدرش خواهیم خواست و حتماً این کار را خواهیم کرد. (۶۲) و (یوسف) به غلامان خود گفت: آنچه را به عنوان قیمت پرداخته اند در بارهایشان بگذارید، تا چون به خانواده ی خود بازگردند آن را باز شناسند، به امید آنکه (بار دیگر) برگردند. (۶۳) پس چون به سوی پدر خود باز گشتند، گفتند: ای پدر پیمانہ (برای نوبت دیگر) از

ما منع شد، پس برادرمان (بنیامین) را با ما بفرست تا سهمیه و پیمانۀ خود را بگیریم و ما حتماً نگهبان او خواهیم بود. (۶۴)

(یعقوب) گفت: آیا شما را بر او امین بدانم، مگر همانند قبل عمل که شما را بر برادرش امین دانستم (و دیدید که چه شد)، پس (به جای شما به خدا اعتماد می‌کنم که) خداوند بهترین حافظ است و او مهربان‌ترین مهربانان است. (۶۵) و هنگامی که بارهای خود را گشودند، دریافتند که سرمایه‌شان بدانها باز گردانیده شده گفتند: ای پدر (دیگر) چه می‌خواهیم؟ این سرمایه ماست که به ما باز گردانده شده و ما قوت و غذای خانواده خود را فراهم و از برادرمان حفاظت می‌کنیم و با (بردن او) یک بار شتر می‌افزاییم و این (پیمانۀ اضافی نزد عزیز) پیمانۀ ای ناچیز است. (شاید معنا این باشد: این مقداری که گرفته ایم به جایی نمی‌رسد، اگر نوبت دیگر برویم، بار بیشتری می‌گیریم). (۶۶) (پدر) گفت: من هرگز او را با شما نخواهم فرستاد تا آنکه (با سوگند) به نام خدا وثیقه‌ای محکم بیاورید که حتماً او را نزد من برگردانید، مگر آنکه همه شما گرفتار حادثه‌ای شوید. پس چون وثیقه خود را آوردند (پدر) گفت: خداوند بر آنچه می‌گوییم وکیل است. (۶۷) و (یعقوب) گفت: ای پسران من (چون به مصر رسیدید همه) از یک دروازه (به شهر) وارد نشوید (تا توجه مردم به شما جلب نشود) بلکه از دروازه‌های مختلف وارد شوید و (بدانید من با این سفارش) نمی‌توانم چیزی از (مقدرات) خدا را از شما دور کنم. فرمان جز برای خدا نیست، تنها بر او توکل می‌کنم و همه توکل کنندگان (نیز) باید بر او توکل

نمایند. (۶۸) و چون از همانجا که پدرشان دستورشان داده بود وارد (مصر) شدند، این کار در برابر اراده خداوند هیچ سودشان نبخشید جز آنکه نیازی در دل یعقوب بود که عملی شد (تنها اثر ورود از چند دروازه حفظ از چشم زخم و رسیدن برادران، به خصوص بنیامین به یوسف بود که عملی شد و اثر دیگری نداشت) و البته (یعقوب) بخاطر آنچه به او آموزش که به او داده بودیم دارای علمی (فراوان) بود ولی بیشتر مردم آگاه نیستند. (۶۹) وقتی (برادران) بر یوسف وارد شدند، او برادرش (بنیامین) را در نزد خود جای داده گفت: همانا من برادر تو هستم پس از آنچه برادران انجام داده اند اندوهگین مباش. (۷۰) پس چون بارهای برادران را مجهز و مهیا ساخت ظرف آبخوری (گران قیمتی) را در خورجین برادرش (بنیامین) قرار داد، سپس منادی صدا زد؛ ای کاروانیان! قطعاً شما دزدید. (۷۱) (برادران یوسف روبه ماموران کردند) گفتند: شما چه چیزی را گم کرده اید. (۷۲) گفتند: پیمانۀ و جام مخصوص شاه را گم کرده ایم و برای هر کس آنرا بیاورد یک بار شتر (جایزه) است و من این را ضمانت می کنم. (۷۳) گفتند: به خدا سوگند شما می دانید که ما برای فساد در این سرزمین نیامده ایم و ما هرگز سارق نبوده ایم. (۷۴) (مأ موران یوسف) گفتند: پس اگر دروغ گفته باشید، کیفرش چیست؟ (۷۵) گفتند: کیفر سارق، آنکه پیمانۀ در بارش پیدا شود، پس خود او کیفرش است (که به عنوان گروگان یا برده در اختیار صاحب پیمانۀ قرار گیرد) ما (در منطقه کنعان)، ظالم (سارق) را اینگونه کیفر می دهیم. (۷۶) پس (از پذیرش کیفر ماموران شروع به بازرسی کرده و) قبل از بار برادرش به (بازرسی) بار سایر برادران پرداخت، سپس پیمانۀ

را از بار برادرش بیرون آورد. ما اینگونه برای یوسف تدبیر کردیم زیرا طبق قانون شاه مصر یوسف نمی توانست برادرش را بازداشت کند، مگر آنکه خدا بخواهد (که کیفر سارق در کنعان را مقدمه بازداشت این برادر قرار می دهد) ما هر کس را که بخواهیم (و لایق باشد) درجاتی بالا می بریم و برتر از هر صاحب دانشی دانشوری است. (۷۷) (برادران) گفتند: اگر او سرقت کند (جای تعجب نیست، زیرا) پیش از این نیز برادر او دزدی کرده بود. یوسف (این تهمت را) در دل خود پنهان داشت و (با آنکه ناراحت شده بود) به روی آنان نیاورد. (ولی) گفت: موقعیت شما بدتر (از او) است و خداوند به آنچه توصیف می کنید داناتر است. (۷۸) (برادران) گفتند: ای عزیز، همانا برای او پدری است پیر و سالخورده، پس یکی از ما را به جای او بگیر (و او را رها کن) همانا ترا از نیکوکاران می بینیم. (۷۹) (یوسف) گفت: پناه به خدا از اینکه کسی را به جز آنکه متاعمان را نزد او یافته ایم، بگیریم. زیرا که در اینصورت حتما ستمگر خواهیم بود. (۸۰) پس چون از یوسف مأ یوس شدند (که یکی را به جای دیگری بازداشت کند) نجواکنان به کناری رفتند. (برادر) بزرگشان گفت: آیا نمی دانید که پدرتان برای برگرداندن او بر شما پیمان الهی گرفته و پیش از این نیز درباره یوسف کوتاهی کرده اید. پس من هرگز از این سرزمین نمی روم تا آنکه (یوسف عفو کند یا آنکه) پدرم به من اجازه دهد یا خدا در حق من حکمی کند و او بهترین داور و حاکم است. (۸۱) (برادر بزرگ گفت: من اینجا می مانم ولی) شما به سوی پدرتان برگردید، پس بگویید: ای

پدر همانا پسر ت دزدی کرده و ما جز به آنچه می دانستیم گواهی ندادیم و ما نگهبان (و آگاه به) غیب نبوده ایم. (۸۲) (اگر به حرف ما اطمینان نداری) از قریه ای که در آن بودیم و از کاروانی که در میانشان به اینجا رو آورده ایم، سؤال کن و بی شک ما راستگو هستیم. (۸۳) (یعقوب) گفت: (این چنین نیست) بلکه (بار دیگر) نفس شما (با نسبت دزدی به یوسف یا تعیین کیفر گروگان گیری) مسئله را برای شما آراسته است پس صبری نیکو (لازم است) امید است که خداوند همه برادران را با هم نزد من آورد چرا که او قطعاً آگاه و حکیم است. (۸۴) یعقوب از برادران روی گرداند و گفت: ای دریغا بر یوسف، پس اندوه خود را فرو می خورد (تا آنکه) دو چشمش از اندوه سفید (و نابینا) شد. (۸۵) (فرزندان یعقوب به پدرشان) گفتند: به خدا سوگند تو پیوسته یوسف را یاد می کنی تا آنکه بیمار و لاغر شوی و (یا مشرف به مرگ و) از بین بروی. (۸۶) (یعقوب) گفت: من ناله آشکار و حزن (پنهان) خود را فقط به خدا شکایت می برم و از (عنایت و لطف) خداوند چیزی را می دانم که شما نمی دانید. (۸۷) ای پسرانم (بار دیگر به مصر) بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خداوند مأ یوس نشوید، حق این است که جز گروه کافران از رحمت خداوندی مأ یوس نمی شوند. (۸۸) پس هنگامی که (مجدداً) بر یوسف وارد شدند، گفتند: ای عزیز قحطی، ما و خاندان ما را فراگرفته و (برای خرید گندم) بهای اندکی با خود آورده ایم (اما شما کاری به پول اندک ما نداشته باش) سهم ما را به طور کامل وفا کن

و بر ما بخشش نما، زیرا که خداوند کریمان و بخشندگان را پاداش می دهد. (۸۹) (یوسف) گفت: آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید آنگاه که نادان بودید. (۹۰) گفتند: آیا تو خود (همان) یوسفی؟ گفت: (آری) من یوسفم و این برادر من است. به تحقیق خداوند بر ما منت گذاشت. زیرا که هر کس تقوا و صبر پیشه کند پس همانا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند. (۹۱) (برادران) گفتند: به خداوند قسم، که واقعا خداوند ترا بر ما برتری داده است و قطعاً ما خطاکار بوده ایم. (۹۲) (یوسف) گفت: امروز بر شما توییخ و ملامتی نیست، خداوند شما را می بخشد و او مهربانترین مهربانان است. (۹۳) (یوسف گفت:): این پیراهن مرا ببرید و آنرا بر صورت پدرم بیفکنید (تا) بینا شود و همه کسان خود را نزد من بیاورید. (۹۴) و چون کاروان (از مصر به سوی کنعان محل زندگی یعقوب) رهسپار شد، پدرشان گفت: همانا من بوی یوسف را می یابم، البته اگر مرا کم خرد ندانید. (۹۵) (پسران یعقوب به پدر) گفتند: به خدا سوگند تو سخت در گمراهی دیرین خود هستی. (۹۶) پس چون (آن برادری که حامل پیراهن یوسف بود) مژده رسان آمد، پیراهن را روی صورت یعقوب انداخت. پس یعقوب بینا گشت و گفت: آیا به شما نگفتم: همانا من از (عنایت) خداوند چیزی می دانم که شما نمی دانید. (۹۷) (فرزندان) گفتند: ای پدر! برای گناهانمان (از خداوند) طلب آمرزش کن که براستی ما خطاکار بودیم. (۹۸) (یعقوب) گفت: بزودی از پروردگارم برای شما طلب آمرزش می کنم براستی که او، خود آمرزنده و بسیار مهربان است. (۹۹) پس چون (پدر و مادر و برادران) بر یوسف وارد شدند، پدر و مادرش را در کنار خویش جای داد و گفت: به خواست

خدا با امن و امان داخل مصر شوید. (۱۰۰) و پدر و مادرش را بر تخت بالا برد ولی همه آنان پیش او افتادند و سجده کردند. و (یوسف) گفت: ای پدر این است تعبیر خواب پیشین من، به یقین، پروردگارم آنرا تحقق بخشید و به راستی که به من احسان کرد آنگاه که مرا از زندان آزاد ساخت و شما را پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم را بر هم زد از بیابان (کنعان به مصر) آورد. همانا پروردگار من در آنچه بخواهد صاحب لطف است. بر راستی او دانای حکیم است. (۱۰۱) (یوسف گفت: پروردگارا! تو مرا (بهره ای) از حکومت دادی و از تعبیر خوابها به من آموختی. (ای) پدیدآورنده ی آسمان ها و زمین، تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی، مرا تسلیم خود بمیران و مرا به شایستگان ملحق فرما. (۱۰۲) (ای پیامبر) این (داستان) از خبرهای غیبی است که ما به تو وحی می کنیم و تو نزد آنان (برادران یوسف) نبودی آنگاه که در کار خویش هم داستان و متفق شدند و نیرنگ می نمودند (که چگونه یوسف را در چاه اندازند و بگویند گرگ او را دریده است). (۱۰۳) (ای پیامبر بیشتر مردم ایمان بیاور نیستند، هر چند (سخت بکوشی و) حرص و آرزو داشته باشی. (۱۰۴) و تو بر این (وظیفه ی ارشاد) پاداشی از آنان نمی خواهی. آن (رسالت و قرآن) جز تذکر و پندی برای جهانیان نیست. (۱۰۵) و چه بسیار نشانه در آسمان ها و زمین، که بر آن می گذرند، در حالی که از آن روی گردانند. (۱۰۶) و بیشترشان به خداوند ایمان نمی آورند، جز اینکه (با او چیزی را) شریک می گیرند. (و ایمانشان خالص نیست). (۱۰۷) آیا (آنها که ایمان نمی آورند) از

اینکه عذاب الهی آنها را در برگیرد و یا قیامت در حالی که نمی دانند ناگهانی فرارسد در امانند؟ (۱۰۸) (ای پیامبر تو نیز بگو: این راه من است. من و هر کس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم و خداوند (از هر شریکی) منزه است و من از مشرکان نیستم. (۱۰۹) و پیش از تو (پیامبری) نفرستادیم، جز مردانی از اهل آبادی ها را که به آنان نیز وحی می کردیم. (با وجود این) آیا در زمین سیر نکرده اند تا عاقبت کسانی را که پیش از آنان بوده اند بنگرند؟ و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که تقوا پیشه کرده اند بهتر است. آیا نمی اندیشید؟ (۱۱۰) (دعوت پیامبران و مخالفت دشمنان همچنان ادامه داشت) تا هنگامی که پیامبران (از هدایت مردم) به آستانه نو میدی رسیدند و کفار گمان کردند که (وعده عذاب) به دروغ به آنان داده شده است. آنگاه یاری ما به آنان رسید، پس کسانی را که می خواستیم نجات یافتند و (لی) عذاب ما از گروه مجرمان باز گردانده نمی شود. (۱۱۱) به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است. (این) سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد. بلکه تصدیق کننده ی آن (کتاب آسمانی) است که پیش از آن آمده و روشنگر هر چیز و (مایه) هدایت و رحمت برای گروهی است که ایمان می آورند. (۱۱۲)

الرعد

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) الف لام میم را. آن آیات کتاب (آسمانی) است و آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرو آمده، حق است ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند. (۲) خداست آنکه آسمان ها را بدون ستون هایی که آنها ببینید برافراشت، سپس بر عرش (مقام فرمانروایی) برآمد و خورشید و ماه را که هر کدام تا زمان معینی

حرکت دارند، تسخیر نمود. او کار (هستی) را تدبیر می کند، آیات خود را به روشنی بیان می کند تا شاید به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید. (۳) و اوست خدایی که زمین را گسترانید و در آن کوه ها و نهرها قرار داد و از هر میوه ای، دو جفت در آن قرار داد. او روز را با شب می پوشاند. قطعاً در این (امور) برای کسانی که فکر می کنند نشانه هایی است. (۴) و در زمین قطعاتی است مجاور هم و باغهایی از انواع انگور و کشت زار و درختان خرما (محصولاتی مختلف) همانند و غیر همانند که همه با یک آب آبیاری می شوند و بعضی میوه ها را در خوردن بر بعضی برتری دادیم. همانا در این (تنوع میوه ها و مزه ها با آنکه از یک آب و خاک تغذیه می شوند) برای کسانی که تعقل دارند حتما نشانه هایی است. (۵) اگر تعجب می کنی پس عجیب گفتار آنهاست (که می گویند): آیا آنگاه که خاک شدیم، آیا به آفرینش تازه ای درمی آییم؟ آنانند کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند و همانانند که غل ها در گردنشان باشد و همانانند همدم آتش که در آن جاودانه اند. (۶) و پیش از رحمت و نیکی، به شتاب از تو عذاب و بدی می خواهند در حالی که پیش آنان عذابها بوده است. و همانا پروردگارت نسبت به مردم با همه ستمشان دارای آمرزش است و به یقین پروردگارت سخت کیفر است. (۷) و کسانی که کفر ورزیدند می گویند: چرا از طرف پروردگارش نشانه ای (آشکار و به دلخواه ما) بر او نازل نشده است؟ (ای پیامبر) تو فقط بیم دهنده ای و برای هر قومی راهنمایی است. (۸) خداوند می داند آنچه را که هر ماده ای (در شکم) حمل می کند و آنچه را

که رحم‌ها جذب می‌کنند (مثل نطفه) و آنچه را که (در مراحل بعد از جذب) می‌افزایند و هر چیز نزد او به مقدار و اندازه ای است. (۹) او به نهان و آشکار آگاه است بزرگ و بلند مرتبه است. (۱۰) (برای او) یکسان است که از شما کسی سخن را سزی گوید و کسی که آنرا آشکارا گوید و کسی که خود را به شب مخفی کند و کسی که در روز آشکارا حرکت کند. (۱۱) برای انسان فرشتگانی است که پی‌درپی او را از پیش رو و از پشت سر از فرمان خداوند حفاظت می‌کنند. همانا خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنکه آنان حال خود را تغییر دهند و هرگاه خداوند برای قومی آسیبی بخواهد پس هیچ برگشتی برای آن نیست و در برابر او هیچ دوست و کارساز و حمایت‌کننده ای برای آنان نیست. (۱۲) اوست کسی که برق (آسمان) را برای بیم و امید به شما نشان می‌دهد و ابرهای گرانبار را پدید می‌آورد. (۱۳) رعد با ستایش او و فرشتگان از بیم او تسبیح می‌کنند و او صاعقه‌ها را فرو می‌فرستد تا هر که را بخواهد مورد اصابت قرار دهد، در حالی که آنان درباره خداوند به جدال می‌پردازند و او سخت کیفر است. (۱۴) تنها خواندن او حق است و کسانی را که (مشرکان) جز او می‌خوانند هیچ پاسخشان نمی‌گویند، مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب گشوده تا آنرا بدهانش رساند و حال آنکه نخواهد رسید و دعا و خواست کافران (از غیر خدا) جز در گمراهی (و به هدر رفتن و انحراف) نیست. (۱۵) و هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه با

سایه هاشان بامدادان و شامگاهان، برای خدا سجده می کنند. (۱۶) بگو: پروردگار آسمان و زمین کیست؟ بگو: خداست. بگو: پس چرا جز او را که مالک هیچ سود و زیانی برای خویشتن نیستند سرپرست گرفته اید؟ بگو: آیا نابینا و بینا با هم برابرند؟ یا آیا تاریکی ها و روشنایی یکسانند؟ یا مگر برای خدا شریکانی قرار داده اند که مانند آفریدن خدا (چیزی) آفریده و این آفرینش بر آنان مشتبّه شده است؟ بگو: خداوند آفریدگار هر چیزی است و اوست یگانه قهار. (۱۷) خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد، پس رودخانه ها به اندازه (ظرفیت) خویش جاری شده و سیلاب کفی را بر خود حمل کرد. و از (فلزات) آنچه که در آتش بر آن می گدازند تا زیور یا کالایی بدست آرند، کفی مانند کف سیلاب (حاصل شود). اینگونه خداوند حق و باطل را (بهم) می زند. پس کف (آب) به کناری رفته (و نیست شود) و اما آنچه برای مردم مفید است در زمین باقی بماند. خداوند اینگونه مثال ها می زند. (۱۸) برای کسانی که پروردگارشان را اجابت کردند نیکوترین (پاداش) است. ولی کسانی که (دعوت) او را نپذیرفتند، اگر هر آنچه در زمین است و مانند آن را با آن داشته باشند، قطعاً حاضرند آن را (برای رهایی خود از عذاب) فدیّه بدهند، آنانند که برایشان حساب سختی است و جایگاهشان دوزخ است و چه بد جایگاهی است. (۱۹) پس آیا کسی که می داند آنچه از جانب پروردگارت بسوی تو نازل شده حق است، مانند کسی است که نایبناست؟ همانا تنها صاحبان خرد پند می گیرند. (۲۰) (خردمندان) کسانی هستند که به پیمان الهی وفا می کنند و عهد (او را) نمی شکنند. (۲۱) و (خردمندان) کسانی هستند که آنچه را خداوند به

پیوند با آن فرمان داده پیوند می دهند و در برابر پروردگارشان (بخاطر شناختی که دارند خشوع) خشیت دارند و از سختی حساب می ترسند. (۲۲) و (خردمندان) کسانی هستند که برای جلب توجه پروردگارشان صبر پیشه کرده و نماز بپا داشتند و از آنچه روزیشان کردیم پنهانی و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی پاک می کنند. آنانند که سرای آخرت مخصوص آنهاست. (۲۳) (سرای آخرت) باغهای جاودانی که آنان و هر کس از پدران و همسران و فرزندانشان که صالح بوده اند بدان داخل می شوند و فرشتگان از هر دری (برای تبریک و تهنیت) بر آنان وارد می شوند. (۲۴) (فرشتگان هنگام دیدار بهشتیان به آنان می گویند:) بخاطر استقامتی که کردید، بر شما درود باد. پس چه نیکوست سرای آخرت. (۲۵) (در برابر گروه اول) کسانی هستند که پیمان خدا را پس از محکم بستن می شکنند و آنچه را خداوند به پیوند آن فرمان داده قطع می کنند و در زمین فساد می نمایند. آنانند که برایشان لعنت است و برایشان بدمنزلی است. (۲۶) خداوند برای هر که بخواهد روزی را گسترش می دهد و (یا) تنگ می گرداند. و (مردم) به زندگی دنیا دل خوشند، در حالی که زندگی دنیا در (برابر زندگی) آخرت جز یک کامیابی (موقت و اندک) نیست. (۲۷) کفار می گویند: چرا از طرف پروردگارش معجزه ای (به دلخواه ما) بر او نازل نشده است؟ بگو: همانا خداوند هر که را بخواهد (به حال خود رها و) گمراه می کند و هر کس را که به سوی او رو کرده و توبه نماید، به سوی خویش هدایت می نماید. (۲۸) (هدایت شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد. بدانید که تنها با یاد خدا دلها آرام می گیرد. (۲۹) کسانی

که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند خوشا بحالشان و سرانجام نیکویی دارند. (۳۰) این چنین ما تو را در بیان امتی که پیش از آن امت های دیگری (آمده و) رفته اند، به رسالت فرستادیم، تا آنچه را به سوی تو وحی کرده ایم بر آنان تلاوت کنی. در حالی که آنان به خدای رحمن کفر می ورزند، بگو: او پروردگار من است، معبودی جز او نیست تنها بر او توکل کرده ام و بازگشت من تنها به سوی اوست. (۳۱) و اگر به واسطه قرآن کوه ها به حرکت درآیند یا زمین به آن قطعه قطعه شود یا به واسطه آن مردگان به سخن آیند، (باز ایمان نمی آورند). بلکه تمام امور بدست خداست. آیا مؤمنان (از این سنگدلان) مأیوس نشده اند (و نمی دانند) که اگر خدا می خواست قطعا (با قهر و اجبار) همه مردم را به راه می آورد. و پیوسته به کسانی که کفر ورزیدند به سزای کارهایی که کرده اند مصیبت کوبنده ای می رسد یا آن مصیبت به نزدیک خانه آنان فرو می آید (تا هر لحظه زندگی همراه با دغدغه داشته باشند و این دلهره همچنان ادامه دارد) تا آنگاه که وعده الهی فرا رسد البته خداوند وعده ای که داده خلاف نمی کند. (۳۲) و همانا پیامبرانی پیش از تو (نیز) به استهزاء گرفته شدند، اما من به کسانی که کفر ورزیدند مهلت دادم سپس آنان را (به قهر خود) گرفتم، پس (بنگر که) کیفر من چگونه بود. (۳۳) پس آیا آن (خدایی) که بر هر کس و عملکرد او حاکم و ناظر است، (با بت های ساختگی یکی است؟) و (لی) آنان برای خدا شریکانی قرار داده اند. بگو: آنها را نام ببرید (چه هستند و چه توانی

دارند؟) آیا خدا را از شریکانی در زمین خبر می دهید که او نمی شناسد؟ یا سخنی توخالی (می گوید)، بلکه برای کسانی که کفر ورزیدند، مکرشان آراسته جلوه داده شده است و از راه (حق) باز داشته شده اند و هر که را خدا گمراه کند، پس برای او هیچ هدایت کننده ای نیست. (۳۴) برای آنان در زندگی دنیا عذابی است و قطعاً عذاب آخرت سخت تر است و در برابر (قهر) خداوند هیچ محافظی برایشان نیست. (۳۵) مثال بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده (چنین است که) نهرها از زیر آن جاری است. میوه ها و سایه اش دائمی است این است. عاقبت کسانی که تقوی پیشه کردند و سرانجام کافران آتش است. (۳۶) و کسانی که به آنان کتاب (آسمانی) دادیم، به آنچه به سوی تو نازل شده دلشاد می شوند. و بعضی از گروه ها کسانی هستند که بخشی از آن (قرآن) را انکار می کنند. بگو: همانا من مأ مورم که خدا را بیرستم و به او شرک نورزم. تنها به سوی او دعوت می کنم و بازگشت من به سوی اوست. (۳۷) و بدین سان ما آن (قرآن) را به صورت فرمانی روشن (به زبان عربی) نازل کردیم و بدون شک اگر بعد از دانشی که به تو رسیده است از هوسهای آنان پیروی کنی، در برابر (قهر) خدا برای تو هیچ یاور و محافظی نیست. (۳۸) و البته ما قبل از تو (نیز) پیامبرانی فرستاده ایم و برای آنان همسران و فرزندان قرار دادیم و هیچ پیامبری را نسزد که معجزه ای بیاورد، مگر با اذن الهی. برای هر زمان و دوره ای کتاب (و قانون) است. (۳۹) خداوند هر چه را بخواهد محو یا اثبات می کند و ام الکتاب تنها نزد اوست. (۴۰) (ای پیامبر

در فکر دیدن نتیجه کار مباش زیرا) اگر بخشی از آنچه را به آنان وعده می دهیم (در زمان حیات تو) به تو نشان دهیم یا تو را از دنیا ببریم، (بدان که ما وعده های خود را محقق خواهیم کرد) پس وظیفه تو تنها تبلیغ است و حساب تنها با ماست. (۴۱) (حساب همه با ماست و ما به سرعت حساب همه را می رسیم) مگر ندیدی که ما به سراغ زمین می آییم و دائما از اطراف آن (با گرفتن جان ساکنانش) می گاهیم. خداوند حکم می کند و هیچ تجدیدنظرکننده ای برای حکم او نیست و او سرعیا به حساب همه می رسد. (۴۲) و البته کسانی که پیش از آنان بودند مکرها کردند، ولی (سودی نکرد زیرا) همه تدبیرها و مکرها برای خداست، او می داند که هر کس چه کسب می کند و کفار بزودی خواهند دانست که سرای آخرت از آن کیست. (۴۳) و کسانی که کفر ورزیدند گویند: تو فرستاده (خدا) نیستی. بگو: گواهی خدا و کسی که علم کتاب نزد اوست، میان من و شما کافی است. (۴۴)

ابراهیم

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) الف، لام، را، (این) کتابی است که آن را به سوی تو نازل کردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی ها (ی شرک و جهل) به سوی نور (ایمان) خارج کنی. به سوی راه خداوند عزیز حمید. (۲) خداوندی که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است برای اوست، پس وای بر کفار از عذابی سخت. (۳) (کفار) کسانی هستند که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند و (مردم را) از راه خدا بازمی دارند و می خواهند آنرا منحرف کنند، آنها در گمراهی عمیقی هستند. (۴) هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قومش، تا (بتواند

پیام خدا را) برای مردم بیان کند، پس خداوند هر که را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه می کند و هر که را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می نماید، و اوست عزیز و حکیم. (۵) همانا موسی را همراه معجزاتی (به سوی مردم) فرستادیم (و به او گفتیم): قومت را از تاریکی ها به سوی نور خارج ساز و روزهای (نزول قهر یا لطف) خدا را به آنان یادآوری کن، همانا در این (یادآوری) برای کسانی که صبر و مقاومت و سپاس فراوان داشته باشند نشانه هایی از قدرت الهی است. (۶) و (به یاد آور) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: نعمت خداوند بر خودتان را یاد کنید، آنگاه که شما را از فرعونیان نجات داد، آنها که شما را به بدترین نوع عذاب می کردند، پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را (برای کنیزی و هوسرانی خود) زنده نگاه می داشتند، و در این امور، از طرف پروردگارتان آزمایش بزرگی بود. (۷) و (نیز به یاد آور) هنگامی که پروردگارتان اعلام فرمود: همانا اگر شکر کنید، قطعاً شما را می افزایم، و اگر کفران کنید البته عذاب من سخت است. (۸) و موسی (به بنی اسرائیل) گفت: اگر شما و ساکنان زمین همگی کفر ورزید (به خداوند زیانی نمی رسد) چرا که خداوند (ذاتا) بی نیاز و شایسته ی ستایش است. (نه آنکه از طریق ایمان و شکر شما بخواهد برای خود بی نیازی و ستایش کسب کند). (۹) آیا خبر کسانی که قبل از شما بودند، (مثل خیر غرق شدن) قوم نوح و (طوفان قوم) عاد و (صاعقه ی قوم) ثمود و کسانی که بعد از آن ها بودند، به شما نرسیده است؟ همان ها که جز خداوند از (آمار و تعداد تلفات) آن

ها آگاه نیست، پیامبرانشان همراه با معجزات به سراغشان آمدند، ولی آن‌ها دست‌هایشان را در دهانشان می‌گذاشتند (یعنی ساکت شوید و ما را موعظه نکنید) و می‌گفتند: ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید، کفر می‌ورزیم و ما از آنچه شما ما را به آن دعوت می‌کنید، در شک و تردید هستیم. (۱۰) پیامبرانشان (در جواب) گفتند: آیا درباره خدا، آفریدگار آسمان‌ها و زمین، شکی هست؟! (آیا هستی با این عظمت نیاز به خالق ندارد؟) او که شما را (به راه حق) دعوت می‌کند تا از گناهانتان بگذرد، و تا موعد معین شما رامهلت دهد. (کفار) گفتند: شما جز انسانی همچون خود ما نیستید، (و امتیازی بر ما ندارید) شما می‌خواهید ما را از آنچه نیاکان ما می‌پرستیدند باز دارید، (اگر غیر از این است) پس برای ما برهان و معجزه‌ای روشن (آنگونه که ما می‌خواهیم) بیاورید. (۱۱) پیامبرانشان در جوابشان گفتند: (آری) ما جز بشری مثل شما نیستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش که بخواهد منت می‌گذارد (و او را بر مردم مبعوث می‌کند) و ما را نرسد که جز با اذن خداوند، برای شما معجزه‌ای بیاوریم، پس مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل نمایند. (۱۲) و چرا ما بر خدا توکل نکنیم، در حالی که او ما را به راه‌های (سعادت) ما هدایت کرده است؟ قطعاً ما در برابر هر آزاری که شما نسبت به ما روا دارید، مقاومت خواهیم کرد و اهل توکل باید فقط بر خداوند توکل نمایند. (۱۳) و کفار به پیامبرانشان گفتند: ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون می‌کنیم، مگر آن‌که در کیش ما در آیید. پس پروردگارشان

به آنان وحی کرد که ما حتما ستمگران را نابود می کنیم. (۱۴) و همانا بعد از (هلاکت) ستمگران، شما را در آن سرزمین سکونت خواهیم داد. این، برای کسانی است که از مقام من پروا کنند و از وعده تهدید آمیزم بترسند. (۱۵) و (پیامبران و مؤمنان) در انتظار فتح و پیروزی بودند، و (لی) تمام ستمگران لجوج محروم ماندند. (۱۶) عاقبت این (ستمگران لجوج) دوزخ است، و از آبی بدبو و چرکین نوشانده می شوند. (۱۷) آن (آب چرکین) را جرعه جرعه می آشامد، در حالی که فرو بردن آن هرگز گوارا نیست، و مرگ از هر سو به سراغ او می آید، ولی او مردنی نیست، و پس از آن، عذاب شدیدی است. (۱۸) مثل (کارهای) کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند، همچون خاکستری است که در روز طوفانی تندبادی بر آن بوزد، آنان بر حفظ ذره ای از آنچه بدست آورده اند، قادر نیستند. این، همان گمراهی دور و عمیق است. (۱۹) آیا ندیدی که خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفرید؟ اگر بخواهد شما را می برد و آفریده ای جدید (به جای شما) می آورد. (۲۰) و این تبدیل و جابه جایی، برای خداوند سخت نیست. (۲۱) و (در قیامت، مردم) همگی در پیشگاه خدا ظاهر شوند. پس ضعیفان به مستکبران گویند: ما (در دنیا) پیرو شما بودیم، پس آیا (امروز) می توانید چیزی از عذاب خدا را از ما بازدارید؟ (آن ها در پاسخ) گویند: اگر خداوند ما را (به رهائی از عذاب) هدایت کرد، قطعاً ما شما را هدایت می کنیم. بر ما یکسان است که فریاد و ناله بزنیم، یا صبر کنیم (و ضجه ای نزنیم) برای ما هیچ راه نجاتی نیست. (۲۲) و (چون کار کیفر و پاداش به اتمام رسد) شیطان (از روی

ملامت به دوزخیان) گوید: همانا خداوند به شما وعده داد وعده راست و من به شما وعده دادم ولی با شما تخلف کردم، من بر شما تسلطی نداشتم، جز آن که شما را دعوت کردم و شما (به میل خود) استجابت کردید. پس مرا ملامت و نکوهش نکنید، و خود را سرزنش کنید. (در این روز) نه من می توانم فریادرس شما باشم، و نه شما فریادرس من. من از اینکه مرا پیش از این شریک خدا قرار داده بودید بیزارم. قطعا برای ستمگران عذاب دردناکی است. (۲۳) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، به باغهایی که از زیر درختانش نهرها جاری است داخل شوند آنان با اذن پروردگارشان برای همیشه در آن خواهند بود و تحیت آنان به یکدیگر سلام است. (۲۴) آیا ندیدی که خداوند چگونه مثل زده؟ کلمه طیبه (سخن و ایمان) پاک همانند درختی پاک است که ریشه اش ثابت و شاخه اش در آسمان است. (۲۵) (شجره طیبه) با اذن پروردگارش، همواره میوه می دهد. و خداوند برای مردم مثل هایی می زند، باشد که به یاد آرند و پند گیرند. (۲۶) و مثل سخن (و اعتقاد) پلید همچون درختی پلید (بی ریشه) است که از روی زمین برآمده و هیچ ثباتی ندارد. (۲۷) خداوند در زندگی دنیا و در آخرت، اهل ایمان را با کلام (و عقیده ی حق و) ثابت، پایدار قرار می دهد و خداوند ستمگران را (به حال خود رها کرده، توفیقشان را گرفته)، گمراه می کند. و خداوند آنچه بخواهد (طبق عدل و حکمت خود) انجام می دهد. (۲۸) آیا به کسانی که نعمت خداوند را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت در آوردند نگرستی؟ (۲۹) (آنان) به دوزخ در آیند

که چه بد جایگاهی است. (۳۰) (رهبران فاسد) برای خداوند شریک‌هایی قرار دادند، تا مردم را از راه خدا گمراه نمایند. بگو: کامیاب شوید که قطعاً پایان کار شما آتش است. (۳۱) (ای پیامبر) به بندگان من (آنان) که ایمان آورده‌اند، بگو: نماز را برپا دارند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق کنند قبل از آن که روزی فرا رسد که در آن نه دادوستدی باشد و نه دوستی و رابطه‌ای. (۳۲) خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و از آسمان، آبی فرو فرستاد، پس با آن برای رزق شما از (زمین) میوه‌ها بیرون آورد، و کشتی را رام شما نمود تا به فرمان او در دریا به حرکت درآید، و برای شما نهرها را مسخر نمود. (۳۳) و (خداوند) خورشید و ماه را که دایماً در حرکت هستند، برای شما رام نمود و نیز شب و روز را برای شما مسخر نمود. (۳۴) و (خداوند) از هر آنچه که از او خواستید (و نیاز داشتید) به شما داده است، و اگر (بخواید) نعمت خدا را بشمارید، نمی‌توانید آنها را به دقت شماره کنید. همانا انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است. (۳۵) و (به یاد آور) زمانی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر (مکه) را امن قرار ده و من و فرزندانم را از اینکه بت‌ها را بپرستیم دور بدار. (۳۶) پروردگارا! همانا بت‌ها بسیاری از مردم را گمراه کرده‌اند، پس هر که مرا پیروی کند، قطعاً او از من است و هر کس با من مخالفت کند، همانا تو بخشنده‌ی مهربانی. (۳۷) پروردگارا! من (یکی) از ذرّیه‌ی ام‌را در وادی (و درّه‌ی بی‌آب و) بی‌گیاه، در کنار خانه‌ی گرامی

و با حرمت تو ساکن ساختم. پروردگارا! (چنین کردم) تا نماز برپا دارند، پس دل های گروهی از مردم را به سوی آنان مایل گردان و آنان را از ثمرات، روزی ده تا شاید سپاس گزارند. (۳۸) پروردگارا! همانا تو آنچه را پنهان و یا آشکار کنیم، می دانی و چیزی در زمین و در آسمان بر خداوند پوشیده نمی ماند. (۳۹) ستایش خداوندی را که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من عطا فرمود. قطعاً پروردگارم شنونده دعاست (و آن را مستجاب می کند). (۴۰) پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذریه ام نیز. پروردگارا! دعای مرا (نماز و عبادتم را) بپذیر. (۴۱) پروردگارا مرا و پدر و مادرم را و مؤمنان را، روزی که حساب بر پا می شود ببخشای. (۴۲) خداوند را از آنچه ستمگران انجام می دهند غافل مپندار، همانا او (کیفر و حساب) آنان را برای روزی به تأخیر می اندازد که چشم ها (از حیرت و وحشت) آن روز خیره می ماند. (۴۳) (روزی که مجرمان از شدت وحشت) شتاب زده، سرها را بالا گرفته، چشم ها و پلک هاشان به هم نخورد و دل هایشان (از امید و تدبیر) تهی است. (۴۴) و مردم را از روزی که عذاب به سراغشان خواهد آمد بترسان. پس کسانی که ظلم کرده اند، خواهند گفت: پروردگارا! ما را تا مدّت کوتاهی مهلت ده، تا دعوت تو را اجابت نماییم و از پیامبران پیروی کنیم (به آنان گفته می شود) آیا شما نبودید که پیش از این سوگند یاد می کردید که هرگز برای شما زوال و فنایی نیست؟ (۴۵) و (شما بودید که) در خانه های کسانی که (پیش از شما بودند و) به خویشان ستم کردند، ساکن شدید، و برای شما

روشن شد که با آنان چه کردیم و برای شما مثل ما زدیم (پس چرا عبرت نگرفتید). (۴۶) به یقین آنان تمام مکر خود را به کار گرفتند، ولی مکر و حيله ی آن ها نزد خداست گرچه کوه ها از مکرشان از جا کنده شود. (۴۷) مپندارید که خداوند وعده ای را که به پیامبرانش داده است تخلف می کند، قطعاً خداوند شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. (۴۸) روزی که زمین به غیر این زمین و آسمان ها (به آسمان های دیگر) تبدیل شوند و (همه مردم) در پیشگاه خداوند یگانه قهار حاضر شوند. (۴۹) و در آن روز مجرمان را می بینی که در غل و زنجیر بهم بسته شده اند. (۵۰) جامه های آنان از قطران (=مادده ی چسبنده ی بدبوی قابل اشتعال همچون قیر) است، و صورت هایشان را آتش می پوشاند. (۵۱) (مجرمان کیفر می شوند) تا خداوند به هر کس سزای آنچه کسب کرده بدهد، چرا که خداوند حساب رسی سریع است. (۵۲) این (قرآن) پیام رسا و ابلاغی برای مردم است تا به وسیله ی آن، هشدار یابند و بدانند که همانا او معبودی یکتاست و تا خردمندان پند گیرند. (۵۳)

الحجر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) الف لام راء، آن است آیات کتاب (آسمانی) و قرآن روشن و روشنگر. (۲) چه بسا کسانی که کفر ورزیدند آرزو دارند که ای کاش مسلمان بودند. (۳) آنان را (به حال خود) رها کن تا بخورند و بهره مند شوند و آرزوهای سرگرمشان کند، پس به زودی (نتیجه این بی تفاوتی ها را) خواهند فهمید. (۴) و ما اهل هیچ قریه ای را هلاک نکردیم مگر آنکه برای آن (کارنامه و) کتابی معلوم بود. (۵) هیچ امتی از اجل خود نه پیش می افتد و نه پس می ماند. (۶) و کفار گفتند: ای کسی که (ادعا داری) ذکر (الهی) بر او نازل شده به

یقین تو دیوانه ای. (۷) اگر از راست گویانی چرا فرشتگان را پیش ما نمی آوری؟ (۸) (غافل از آنکه) ما فرشتگان را جز بر اساس حق نمی فرستیم و در آن صورت دیگر کفار مهلت داده نمی شوند. (و قهر فوری الهی آنان را خواهد گرفت). (۹) همانا ما خود قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما خود آن را نگاه داریم. (۱۰) و همانا ما پیش از تو، در میان اقوام و گروه های پیشین (نیز پیامبرانی) فرستادیم. (۱۱) و هیچ پیامبری برایشان نمی آمد، مگر آنکه به استهزای او می پرداختند. (۱۲) اینگونه ما (برای اتمام حجت) قرآن را در دل های مجرمان راه می دهیم. (۱۳) (اما) آنان به آن ایمان نمی آورند و سنت و راه کفار پیشین نیز اینگونه بوده است. (۱۴) و اگر از آسمان دری بر روی آنان بگشاییم تا همواره در آن بالا روند. (۱۵) قطعاً می گفتند در حقیقت ما چشم بندی شده ایم بلکه ما قومی جادو شده ایم. (۱۶) و همانا ما در آسمان برج هایی قرار دادیم و آن را برای بینندگان زینت دادیم. (۱۷) و آنها را از (دسترس) هر شیطان رانده شده ای، حفظ کردیم. (۱۸) مگر آنکه دزدانه گوش فرا داد که شهابی روشن او را دنبال نمود. (۱۹) و زمین را گستراندیم و در آن کوه های استوار افکندیم و در آن از هر چیز سنجیده و به اندازه، رویاندیم. (۲۰) و در آن زمین، برای شما و آنکه شما روزی دهنده او نیستید، وسیله ی زندگی قرار دادیم. (۲۱) و هیچ چیز نیست مگر آنکه منابع و گنجینه های آن نزد ماست و ما جز به مقدار معین فرو نمی فرستیم. (۲۲) و بادها را برای بارور ساختن (ابرها و گیاهان) فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم، پس شما را بدان سیراب نمودیم در حالی که شما نه خزینه دار بارانید و نه می توانید آن را

برای خود (در ابرها یا در زمین) ذخیره کنید. (۲۳) و البته این مائیم که زنده می کنیم و می میرانیم و مائیم که (بعد از مرگ همه، باقی مانده و) وارث می شویم. (۲۴) و بدون شک ما به پیشینیان از شما علم داریم و به آیندگان نیز آگاهیم. (۲۵) و همانا پروردگار تو است که همه آنان را محشور خواهد کرد، زیرا که او حکیم و علیم است. (۲۶) و همانا ما انسان را از گلی خشک، از گلی سیاه متغیر و بو گرفته، آفریدیم. (۲۷) و قبل از انسان، جن را از آتشی سوزان و نافذ آفریدیم. (۲۸) و (یاد کن) آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من بشری را از گلی خشک سیاه و بدبو شده خلق می کنم. (۲۹) پس هرگاه معتدل و استوارش ساختم و از روح خود در او دمیدم پس سجده کنان پیش او بافتید. (۳۰) پس فرشتگان همگی با هم و یک سره سجده کردند. (۳۱) مگر ابلیس که از اینکه با سجده کنان باشد خودداری کرد. (۳۲) (خداوند) فرمود: ای ابلیس! چه شد ترا که همراه (فرشتگان) سجده کنان نیستی؟ (۳۳) (ابلیس) گفت: من اینگونه نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو آفریده ای، سجده کنم. (۳۴) (خداوند) فرمود: پس از صف فرشتگان (و این مقام) خارج شو که همانا تو رانده و مطرودی. (۳۵) و البته تا روز جزا بر تو لعنت خواهد بود. (۳۶) (ابلیس) گفت: پروردگارا! پس مرا تا روزی که مردم برانگیخته شوند، مهلت بده (و زنده بدار). (۳۷) (خداوند) فرمود: پس همانا تو از مهلت یافتگانی. (۳۸) (اما نه تا روز قیامت، بلکه) تا روزی که وقت آن معلوم است. (۳۹) (ابلیس) گفت: پروردگارا! به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من هم در زمین (بدی ها را) برایشان می آرایم و همه را فریب خواهم

داد. (۴۰) مگر بندگان اخلاص مند (و برگزیده تو را) از میان آنان. (۴۱) (خداوند) فرمود: این (اخلاص و نجات مخلصین) راه مستقیمی است که خود برعهده دارم. (۴۲) همانا برای تو بر بندگان (برگزیده) من تسلطی نیست، مگر از گمراهانی که تو را پیروی کنند. (۴۳) و البته دوزخ وعده گاه همگی آنهاست. (۴۴) برای آن هفت در است، برای هر در بخشی از آن گمراهان تقسیم شده اند. (۴۵) همانا پرهیزکاران در باغها و (کنار) چشمه ساراند. (۴۶) (به آنان خطاب می شود): با سلامت و امنیت به باغها وارد شوید. (۴۷) و ما هرگونه کینه ای در سینه های آنان را برکنده ایم، (در نتیجه آنان) برادرانه بر تخت ها روبروی یکدیگرند. (۴۸) در آنجا هیچگونه رنجی به آنان نمی رسد از آنجا بیرون شدنی نیستند. (۴۹) (ای پیامبر) به بندگانم خبر ده که همانا من خودم بسیار بخشنده و مهربانم. (۵۰) و البته عذاب من نیز همان عذاب دردناک است. (۵۱) و آنان را از (داستان) مهمانان ابراهیم خیر ده. (۵۲) آنگاه که بر او وارد شده و سلام کردند، ابراهیم گفت: همانا ما از شما بیمناکیم. (۵۳) گفتند: مترس که ما تو را به نوجوانی دانا مژده می دهیم. (۵۴) ابراهیم گفت: آیا با اینکه پیری به من رسیده، مرا چنین بشارتی می دهید؟ پس به چه چیز (عجیبی) بشارت می دهید. (۵۵) (مهمانان) گفتند: ما تو را به حقیقت بشارت دادیم، پس از ناامیدان مباش. (۵۶) (ابراهیم) گفت: جز گمراهان چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می شود. (۵۷) سپس (ابراهیم) گفت: ای فرستادگان (الهی) کار شما چیست؟ (۵۸) گفتند: ما به سوی قومی تبه کار فرستاده شده ایم (تا آنان را هلاک کنیم). (۵۹) مگر خاندان لوط که ما قطعاً همه آنان را از هلاکت نجات می دهیم. (۶۰) مگر همسرش که مقدر کرده ایم او از بازماندگان (در کیفر) باشد. (۶۱) پس چون فرستادگان (الهی) به سراغ خاندان لوط آمدند. (۶۲) (لوط) گفت: شما گروهی ناشناس هستید. (۶۳) (فرشتگان) گفتند:

در واقع ما آنچه را (از نزول عذاب که) درباره اش تردید داشتند، برای تو آورده ایم. (۶۴) و ما به حق نزد تو آمده ایم و قطعاً ما راستگویانیم. (۶۵) پس خاندانت را پاسی از شب (گذشته) حرکت بده و خودت از پشت سرشان برو و هیچ یک از شما (به پشت سر خویش) توجه نکند و به آنجا که ما مور شده اید بروید. (۶۶) و به لوط این امر حتمی را رساندیم که ریشه و بن این گروه تبه کار، صبحگاهان قطع شده است. (۶۷) و اهل شهر شادی کنان (برای تعرض به مهمانان به سراغ خانه لوط) آمدند. (۶۸) لوط گفت: همانا این گروه مهمان من هستند پس مرا (در برابر آنان) رسوا نکنید. (۶۹) و از خدا پروا کنید و مرا خوار و شرمنده نسازید. (۷۰) (تبه کاران شهر) گفتند: آیا ما تو را از (مهمان کردن) مردم منع نکردیم. (۷۱) (لوط) گفت: اگر شما قصد کاری دارید اینها دختران من هستند. (با آنان ازدواج کنید و از آلودگی به لواط بپرهیزید). (۷۲) (ای پیامبر) به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگردان بودند. (۷۳) پس به هنگام طلوع آفتاب صیحه ای مرگبار آنان را فراگرفت. (۷۴) پس آن شهر را زیرورو کردیم و بر آنان سنگ هائی از گل سخت بارانیدیم. (۷۵) همانا در این سرگذشت، برای اشارت فہمان و تیزیانان نشانه هایی روشن است. (۷۶) و (ویرانه های) آن سرزمین (هنوز) در کنار راه (کاروان ها) پا برجاست. (۷۷) همانا در این ماجرا برای مؤمنان نشانه ای روشن است. (۷۸) و به راستی اهالی سرزمین ایکه (نیز) ستمگر بودند. (۷۹) پس از آنان انتقام گرفتیم و همانا (شهرهای ویران شده) این دو منطقه در برابر چشمان شما آشکار است. (۸۰) و همانا (قوم ثمود) اهالی حجر نیز پیامبران را تکذیب کردند. (۸۱) و ما آیات خود را به آنان ارائه دادیم، ولی آنها

از آیات ما روی گردان شوند. (۸۲) و آنان خانه های امن در دل کوه ها می تراشیدند. (۸۳) (اما سرانجام) صیحه (مرگبار) صبحگاهان آنان را فراگرفت. (۸۴) و آنچه را بدست آورده بودند بکارشان نیامد. (۸۵) و ما آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست جز به حق نیافریدیم و قطعاً ساعت قیامت آمدنی است، پس به نیکویی (از لغزش ها) صرف نظر کن. (۸۶) همانا پروردگار تو، اوست آفریننده دانا. (۸۷) و همانا ما به تو سبیح المثنی (سوره حمد) و قرآن بزرگ دادیم. (۸۸) ای پیامبر به آنچه که ما با آن گروه های از کفار را کامیاب کرده ایم، چشم مدوز و بر آنان اندوه مخور و بال محبت خویش را برای مؤمنان فروگستر. (۸۹) و بگو همانا من همان هشدار دهنده روشنگرم. (۹۰) (ما بر آنها عذابی می فرستیم) همانگونه که بر تجزیه کنندگان آیات الهی فرستادیم. (۹۱) آنان که قرآن را قطعه قطعه کردند. (آنچه به سودشان بود گرفتند و آنچه نبود رها کردند). (۹۲) پس به پروردگارت سوگند ما از همه آنان (در قیامت) حتماً بازخواست خواهیم کرد. (۹۳) از آنچه انجام می داده اند. (۹۴) پس آنچه را بدان مأ مور شده ای آشکار کن و از مشرکان اعراض نما (و به آنان اعتنا نکن). (۹۵) همانا ما تو را از (شر) استهزاکنندگان کفایت کردیم. (۹۶) همانان که معبود دیگری را در کنار خداوند قرار می دهند. پس به زودی حقیقت را خواهند فهمید. (۹۷) (ای پیامبر) البته ما می دانیم که سینه ات بواسطه آنچه می گویند، تنگ می شود. (۹۸) پس (برای تقویت خود) پروردگارت را با سپاس و ستایش به پاکی یاد کن و از سجده کننده گان باش. (۹۹) و پروردگارت را پرستش کن تا آنکه (مرگ) یقینی تو را فرارسد. (۱۰۰)

النحل

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) فرمان (قهر) خدا آمد پس در آن شتاب نکنید. او منزّه و برتر از هر چیزی است که با او

شریک می سازند. (۲) خداوند فرشتگان را، همراه با وحی که از فرمان اوست، بر هر کس از بندگانش که بخواهد فرو می فرستد که مردم را هشدار دهد که معبودی جز من نیست پس تنها از من پروا کنید (و مخالف دستورم عمل نکنید). (۳) او آسمان ها و زمین را براساس حق آفرید، او از آنچه با او شریک می سازند برتر است. (۴) او انسان را از نطفه ای آفرید، پس آنگاه او به آشکارا با (خداوند) دشمنی می ورزد. (۵) و چهارپایان را آفرید، که برای شما در آنها وسیله گرمی و بهره هایی است و از (گوشت و شیر) آنها می خورید. (۶) و برای شما در چهارپایان، (شب هنگام) که از چراگاه برمی گردانید و (بامدادان) که به چراگاه می فرستید، شکوه و جلوه ای است. (۷) و چهارپایان بارهای سنگین شما را به شهری می برند که جز به رنج تن نمی توانستید به آن برسید. همانا پروردگار شما رؤف و مهربان است. (۸) و اسبان و استران و الاغها را آفرید تا بر آنها سوار شوید و برای شما تجملی باشد و چیزهایی را می آفریند که نمی دانید. (۹) و بر خداست که راه میانه (و مستقیم را به مردم نشان دهد) و برخی از آن (راه ها) منحرف است و اگر خداوند بخواهد همه شما را (به اجبار) هدایت می کند. (ولی اجبار سودی ندارد و سنت و برنامه خداوند بر آزاد گذاشتن انسان ها است). (۱۰) اوست آنکه برای شما از آسمان آبی فرستاد که نوشیدنی شما از آن است و گیاهانی که (چهارپایان خود را) در آن می چرانید، (نیز) از آن است. (۱۱) خداوند بوسیله آن آب برای شما کشتزار و زیتون و درختان خرما و انگور و از هر نوع میوه ای می رویاند. همانا در این امر برای آنان

که می اندیشند نشانه ای روشن است. (۱۲) و خداوند شب و روز و خورشید و ماه را در خدمت و بهره دهی شما قرار داد و ستارگان به فرمان او تسخیر شده اند البته در این امر برای گروهی که تعقل می کنند نشانه هایی قطعی (از عظمت و قدرت و حکمت و رأفت) اوست. (۱۳) و (همچنین) آنچه را در زمین با رنگ های گوناگون برای شما پدید آورد. البته در این آفریده ها برای پندگیران عبرت و نشانه ای روشن است. (۱۴) و اوست آنکه دریا را رام نمود تا از آن گوشت تازه بخورید و زیورهایی برای پوشیدن از آن بیرون آورید و می بینی که کشتی ها سینه دریا را شکافته (و پیش می روند، چنین کرد تا از کشتی ها، تجارت ها، ماهی گیری ها، غواصی ها و حمل و نقلها که همه وسیله درآمد است، استفاده کنید) و به سراغ فضل و لطف او روید و شاید سپاسگزار باشید. (۱۵) و خداوند در زمین کوه هایی استوار افکند تا زمین شما را نلرزاند و نهرهایی و راه هایی (قرار داد) تا راه یابید. (۱۶) و نشانه های دیگری (در زمین قرار داد) و آنان به وسیله ستاره راه می یابند. (۱۷) پس آیا آنکه می آفریند همانند کسی است که نمی آفریند؟ پس آیا یاد نمی کنید و پند نمی گیرید؟ (۱۸) و اگر بخواهید نعمت های خدا را بشمارید، نمی توانید شماره کنید. همانا خداوند آمرزنده ی مهربان است. (۱۹) و خداوند آنچه را پنهان می کنید و آنچه را آشکار می سازید می داند. (۲۰) و کسانی را که بجای خدا می خوانند، هیچ چیز نمی آفرینند و خود نیز آفریده شده اند. (۲۱) آنها مرده گانند نه زنده گان، و نمی دانند چه وقت برانگیخته خواهند شد. (۲۲) معبود شما معبودی است یگانه، پس کسانی که به آخرت ایمان ندارند دل هایشان به انکار خو کرده و همانان

مستکبرانند. (۲۳) البته و بی گمان، آنچه را پنهان می کنند و آنچه را آشکارا می نمایند، خداوند می داند. همانا او مستکبران را دوست ندارد. (۲۴) و هرگاه به آنان گفته شد: پروردگارتان چه نازل کرده؟ گفتند افسانه های پیشینیان. (۲۵) آنان باید در روز قیامت هم بار گناهان خود را به تمامی به دوش کشند و هم بخشی از بار گناهان کسانی که بدون علم آنان را گمراه می نمایند بدانند که چه بد باری را برمی دارند. (۲۶) همانا کسانی که قبل از ایشان بودند (نیز) مکر ورزیدند، پس قهر خداوند به سراغ پایه های بنای آنان آمد، پس سقف از بالای سرشان بر آنان فرو ریخت و از آنجا که اندیشه اش را نمی کردند، عذاب الهی آمد. (۲۷) (به علاوه) خداوند در روز قیامت آنان را خوار و رسوا خواهد ساخت و می گوید: شریکان من که درباره آنها (با پیامبر و مؤمنان) ستیزه و مخالفت می کردند، کجا هستند؟ (در این هنگام) دانشمندان گویند: همانا امروز، ذلت و رسوایی بر کافران است. (۲۸) آن کسانی که فرشتگان جانشان را می گیرند (در حالی که) به خود ستم کار بوده اند، پس (در آن موقع آنان) سر تسلیم فرو آرند (و به دروغ گویند): ما هیچگونه کار بدی انجام نداده ایم. چنین نیست، بلکه قطعاً خداوند به آنچه انجام داده اید، آگاه است. (۲۹) پس، از درهای دوزخ وارد شوید که جاودانه در آنجا خواهید ماند، و برآستی چه بد است جایگاه متکبران. (۳۰) و به پرهیزکاران گفته شد: پروردگارتان چه نازل کرده است؟ گویند: خیر (نازل کرده است) برای کسانی که نیکی کرده اند در این دنیا نیکی است و قطعاً سرای آخرت بهتر است و چه نیکوست سرای پرهیزکاران. (۳۱) به باغهایی دائمی داخل خواهند شد که نهرها از زیر (درختان) آن جاری

است، هر چه را بخواهند برای ایشان در آنجا موجود است، خداوند اینگونه پرهیزکاران را پاداش می دهد. (۳۲) به آنان که (از آلودگی های شرک و گناه) پاکند، فرشتگانی که جانشان را می ستانند، می گویند: سلام علیکم. به پاداش آنچه انجام داده اید، به بهشت داخل شوید. (۳۳) آیا کفار جز آنکه فرشتگان (مأ مور قبض روح) یا فرمان (قهر) پروردگارت به سراغشان آید انتظاری دارند، کسانی که پیش از آنان بودند نیز چنین کردند و خداوند به آنان ظلم نکرد، لکن آنها به خودشان ستم می کردند. (۳۴) پس کیفر بدی هایی که انجام دادند به آنان رسید و آنچه که آنان به مسخره می گرفتند آنان را فراگرفت. (۳۵) و کسانی که شرک ورزیدند، گفتند: اگر خدا می خواست نه ما و نه پدرانمان هیچ چیزی را غیر از او نمی پرستیدیم و بدون حکم او هیچ چیزی را حرام نمی کردیم. کسانی که پیش از اینان بودند نیز اینگونه برخورد می کردند، پس مگر جز ابلاغ روشن، وظیفه دیگری بر پیامبران است؟ (۳۶) و همانا ما در میان هر امتی پیامبری را برانگیختیم (تا به مردم بگویند) که خدا را پرستید و از طاغوت (و هر معبودی جز خدا) دوری نمایید، پس گروهی از مردم کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده و بعضی از آنان گمراهی بر آنان سزاوار است، پس در زمین سیر و سفر کنید، تا ببینید که پایان کار تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟ (۳۷) (ای پیامبر) اگرچه بر هدایت آنان حرص می ورزی، اما (بدان که) قطعاً خداوند کسی را که (بخاطر سوء انتخاب و عملش) گمراه کرده هدایت نمی کند و برای آنان هیچ یآوری نیست. (۳۸) و با شدیدترین نوع سوگندشان، به خدا سوگند یاد کردند که هر کس می میرد خداوند او را

برنخواهد انگیخت. آری (رستاخیز مردگان) وعده حقی است بر خداوند (و آن را وفا خواهد کرد) ولکن بیشتر مردم نمی دانند. (۳۹) (رستاخیز مردگان) برای آن است که (خداوند) چیزی را که مردم در آن اختلاف می کنند روشن سازد و کسانی که کفر ورزیدند بدانند که آنها خودشان دروغگو بودند، (نه انبیا). (۴۰) (رستاخیز مردگان برای ما کار مهمی نیست، زیرا) هرگاه چیزی را اراده کنیم، همانا گفتار ما برای آن چیز این است که به آن می گوئیم باش، پس (بی درنگ) موجود می شود. (۴۱) و کسانی که پس از آنکه ستم دیدند در راه خدا هجرت کردند، بدون شک ما در همین دنیا جایگاه نیکوئی به آنان خواهیم داد و اگر می دانستند البته پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود. (۴۲) (آنان) کسانی هستند که صبر نمودند و بر پروردگارشان توکل می نمایند. (۴۳) ما قبل از تو نیز، جز مردانی که به سویشان وحی می نمودیم (فرشته یا موجود دیگری را) نفرستادیم (که آنها از آمدن تو تعجب می کنند، به آنها بگو): اگر نمی دانید از اهل ذکر پیروید. (۴۴) (ما پیامبران پیش از تو را) همراه با معجزات و کتب (آسمانی فرستادیم) و به سوی تو ذکر (قرآن) را فرو فرستادیم، تا برای مردم آنچه را که برایشان نازل شده روشن بیان کنی و شاید بیاندیشند. (۴۵) آیا کسانی که بدی ها را با حيله و نیرنگ انجام دادند، درامانند، از اینکه خداوند آنان را در زمین فرو برد یا از جایی که پیش بینی و اندیشه نمی کنند، عذاب الهی به سراغشان آید. (۴۶) یا (قهر الهی) در حین تلاش و کوششان ناگهان آنان را بگیرد، پس نتوانند آن عذاب را خنثی و عاجز نمایند. (۴۷) یا آنکه در حال دلهره آنان را بگیرد، پس البته پروردگار

شما رؤف و مهربان است. (۴۸) آیا چیزهایی را که خداوند آفریده ندیده اند که چگونه از راست و چپ سایه هایشان می گسترده و در حال سجده، فروتنانه خضوع دارند. (۴۹) و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از جنیده و فرشتگان، تنها برای خداوند سجده می کنند و تکبر و سرپیچی نمی کنند. (۵۰) و از پروردگارشان که حاکم و محیط بر آنهاست می ترسند و آنچه را فرمان داده شده اند انجام می دهند. (۵۱) و خداوند فرمود دو معبود نگیرید، فقط او معبود یکتاست، پس تنها از من بترسید. (۵۲) و آنچه در آسمان ها و زمین است از آن اوست و پرستش و فرمان برداری پیوسته برای اوست، پس آیا از غیر خداوند پروا می کنید. (۵۳) و آنچه از نعمت دارید، پس از خداوند است. (به علاوه) هرگاه نگرانی و بلا به شما رسد، تنها به سوی او ناله می کنید. (۵۴) اما همین که نگرانی و محنت را از شما برطرف کرد، ناگهان گروهی از شما نسبت به پروردگارشان شرک می ورزند. (و عوامل و افراد دیگری را در دفع بلا مؤثر می دانند). (۵۵) تا آنچه را (از نعمت و برطرف کردن سختی ها) به آنان داده ایم (بخاطر شرک ورزی) ناسپاسی کنند، پس کامیاب شوید که به زودی خواهید دانست (سزای کفران و شرک شما چیست؟). (۵۶) و (مشرکان) سهمی از آنچه را ما روزی آنان کرده ایم برای بت هایی قرار می دهند که هیچ نمی دانند. به خدا سوگند حتما از آنچه افتراء می بندید بازخواست خواهید شد. (۵۷) و برای خداوند دختران را قرار می دهند، در حالی که او (از فرزند داشتن) منزّه است ولی برای خودشان آنچه را (از پسران) که علاقه دارند (قرار می دهند). (۵۸) و هرگاه یکی از آن مشرکان به دختر دارشدن بشارت داده شود، صورتش از

غصه سیاه می شود، در حالی که خشم خود را فرو می برد. (۵۹) بخاطر بشارت تلخی که به او داده شده، از میان مردم متواری می شود (درمانده است که) آیا این دختر را همراه با ننگ و خفت نگاه دارد یا او را در خاک پنهان کند. بدانید که چه بد قضاوت می کنند. (۶۰) برای کسانی که به آخرت ایمان ندارند صفات زشت است ولی برای خداوند صفات برتر است و اوست خداوند عزیز و حکیم. (۶۱) و اگر خداوند مردم را بخاطر ستمشان مؤاخذه و عذاب کند، هیچ جنبنده ای را روی آن (زمین) باقی نمی گذارد ولکن (سنت خداوند بر مهلت دادن است و) کیفر آنان را تا زمان معینی به تأخیر می اندازد، پس همینکه اجلشان فرا رسد نمی توانند نه ساعتی پس و نه ساعتی پیش افکنند. (۶۲) و مشرکان، آنچه را برای خود نمی پسندند برای خدا قرار می دهند و زبانشان به دروغ می گوید که نیکوتر برای آنان است. حقا که آتش برای آنان است و آنان (به سوی آن) پیشگامانند. (۶۳) به خدا سوگند که همانا ما به سوی امت های پیش از تو (نیز) پیامبرانی فرستادیم، پس شیطان کارهای (ناپسند) ایشان را برایشان زیبا جلوه داد، پس (آن شیطان) امروز نیز سرپرست آنهاست و برای آنان عذاب دردناکی است. (۶۴) و ما کتاب (آسمانی قرآن) را بر تو فرو نفرستادیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده اند برای آنان روشن بیان کنی و (این کتاب) برای گروهی که ایمان می آورند مایه ی هدایت و رحمت است. (۶۵) و خداوند از آسمان آبی فرستاد، پس بواسطه آن زمین را پس از آنکه پژمرده بود زنده کرد، البته در این (باریدن و روئیدن) برای گروهی که (سخن حق

را با جان و دل) می شنوند نشانه ای روشن است. (۶۶) و بی گمان برای شما در (آفرینش) چهارپایان عبرتی است، ما شما را از آنچه در درون آنهاست، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالصی که برای نوشندگان گوارا است سیراب می کنیم. (۶۷) و از میوه های درختان خرما و انگور، هم (نوشیدنی) مست کننده و هم رزق نیکو می سازید. البته در این امر برای گروهی که تعقل می کنند نشانه روشنی است. (۶۸) و پروردگارت به زنبور عسل وحی (و الهام غریزی) کرد که از بعضی کوه ها و درختان و از داربست هایی که مردم می سازند خانه هایی بساز. (۶۹) سپس از همه میوه ها بخور، پس راه های پروردگارت را خالصانه طی کن. از شکم های آنها نوشیدنی رنگارنگ بیرون می آید که در آن شفای مردم است، البته در این (زندگی زنبور) برای کسانی که فکر می کنند قطعا عبرتی است. (۷۰) و خداوند شما را آفرید سپس (جان) شما را می گیرد و بعضی از شما به پست ترین دوران عمر (پیری) بازگردانده می شود، تا آنجا که بعد از دانستن (بسیاری از مطالب، بخاطر پیری همه را فراموش می کند و دیگر) چیزی نمی داند. البته خداوند آگاه و توانمند است. (۷۱) و خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر در روزی برتری داده است، پس کسانی که برتری داده شده اند، رزق خود را بر زیردستان خود رد نمی کنند تا آنکه همه با هم برابر شوند. پس آیا نعمت خدا را انکار می کنند؟ (۷۲) و خداوند از جنس خودتان همسرانی برایتان قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی قرار داد و از پاکیزه ها شما را روزی داد، پس آیا (باز هم) به باطل ایمان می آورند و به نعمت الهی کفر می ورزند؟ (۷۳) و

به جای خداوند بت هائی را می پرستند که برای آنان مالک هیچگونه رزقی از آسمان ها و زمین نیستند و نمی توانند (روزی دهند). (۷۴) پس بت ها را امثال و مانند خدا نشمارید. همانا خداوند می داند و شما نمی دانید. (۷۵) خداوند، برده مملوکی را مثل می زند که بر هیچ چیز توانایی ندارد و کسی که (آزاد است و) ما به او رزق نیکو از جانب خود داده ایم، پس او مخفیانه و آشکارا از آن رزق انفاق می کند. آیا (این دو نفر) برابرند؟ (اگر نزد شما دو انسان توانا و ناتوان برابر نیستند، پس چگونه سنگ و چوب را با خداوند برابر می دانید) ستایش مخصوص خداست، اما بیشترشان نمی دانند. (۷۶) و خداوند دو مرد را مثال می زند که یکی از آن دو گنگ است که بر هیچ چیز توانایی ندارد و سربار مولای خویش است، بگونه ای که هر کجا او را می فرستد، هیچ سودی با خود نمی آورد، آیا او با کسی که به عدالت فرمان می دهد و خود بر راه مستقیم می رود برابر است؟ (۷۷) غیب آسماها و زمین مخصوص خداست و برپایی قیامت (در سرعت و آسانی) جز مانند چشم بر هم زدن یا نزدیکتر نیست. البته خداوند بر هر چیزی قادر است. (۷۸) و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیز نمی دانستید و برای شما گوش و چشمها و دل ها قرار داد، شاید شما شکر کنید. (۷۹) آیا به پرندگان نمی نگرند، در حالی که در فضای آسمان در قبضه (او) هستند، جز خداوند آنها را نگاه نمی دارد. البته در این (پرواز) برای گروهی که ایمان می آورند نشانه هایی روشن است. (۸۰) و خداوند برای شما از خانه هایتان، مایه آرامش قرار داد، و

برای شما از پوست های چهارپایان خیمه هایی قرار داد، که روز کوچ شما و روز اقامت شما (حمل و نقل) آنرا سبک و خفیف می یابید. و از پشم و کرک و موهای آنها، برای مدتی لوازم و اسباب زندگی قرار داد. (۸۱) و خداوند از آنچه آفریده، برای شما سایه ها قرار داد و از کوه برایتان، غارها قرار داد و برای شما لباس هایی قرار داد که شما را از گرما (و سرما) حفظ می کند و لباس هایی که شما را از آسیبهای یکدیگر حفظ می نماید. اینگونه (خداوند) نعمت خود را بر شما تمام می کند، باشد که خود را تسلیم او کنید. (۸۲) پس (ای پیامبر) اگر روی برتافتند، پس بر (عهده) تو جز تبلیغ روشن نیست. (۸۳) (آنها) نعمت خداوند را می شناسند، سپس آنرا انکار می کنند و بیشتر آنان کافر و ناسپاسند. (۸۴) و (یاد کن) روزی را که از هر امتی شاهدی برانگیزیم، سپس به کسانی که کفر ورزیدند اجازه (هیچ کلامی) داده نخواهد شد و آنها برای عذرخواهی فراخوانده نمی شوند. (۸۵) و چون کسانی که ستم کردند عذاب را ببینند، پس نه از آنان عذاب کم شود و نه مهلتشان داده شود. (۸۶) و چون کسانی که شرک ورزیدند، شرکای (پنداری) خود را (در قیامت) ببینند، گویند پروردگارا اینان شریکان (خیالی) ما بودند که ما به جای تو می خواندیم (ولی شرکا به سخن آمده) حرف آنان را به خودشان برگردانده (و پاسخشان دهند) که شما بدون شک دروغگوئید. (۸۷) در چنین روزی به پیشگاه خدا سر تسلیم افکنند و آنچه را به دروغ می یافتند، از آنان محو شود. (۸۸) کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، به سزای فساد مداومشان عذابی بر عذابشان افزودیم. (۸۹) و

(یاد کن) روزی را که در هر امتی، شاهدی بر آنان از خودشان برانگیزیم و تو را بر آنان گواه آوریم و بر تو این کتاب را نازل کردیم که روشنگر هر چیز است و مایه ی هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است. (۹۰) همانا خداوند (مردم را) به عدل و احسان و دادن (حق) خویشاوندان، فرمان می دهد و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز، نهی می فرماید او شما را موعظه می کند باشد که متذکر شوید. (۹۱) و به عهد خدا آنگاه که پیمان بستید وفادار باشید و سوگندها را پس از استوار ساختنش نشکنید، زیرا که خدا را بر خودتان کفیل (و گواه و ضامن) قرار داده اید. همانا خداوند آنچه انجام می دهید می داند. (۹۲) و مانند آن زن نباشید که بافته ی خویش را پس از محکم بافتن، رشته رشته می کرد، (بدینگونه که شما) سوگندهای خود را دست آویز (فریب و خیانت) میان خودتان می گیرید به خیال آنکه گروهی از گروه دیگری بیشتر است، (بخاطر تعداد یا منافع گروهی، ایمانی که با گروه ضعیف بسته اید بشکنید) جز این نیست که خداوند شما را با آن سوگندها، آزمایش می کند و حتما آنچه را که در آن اختلاف می کردید در قیامت برایتان روشن خواهد ساخت. (۹۳) و اگر خداوند خواسته بود (همه شما را به طور اکراه و اجبار) یک امت (مؤمن و) متحد قرار داده بود، (تا میان شما هیچ اختلافی نباشد، ولی این اجبار و اکراه خلاف سنت و برنامه اوست و لذا) هر که را بخواهد گمراه می کند (و به حال خودش وامی گذارد) و هر که را بخواهد (و استحقاق هدایت دارد) هدایت می کند و قطعاً شما از آنچه انجام می دادید

بازخواست خواهید شد. (۹۴) و سوگندهایتان را مایه ی فریب میان خودتان قرار ندهید، تا مبادا گامی بعد از استواری اش بلغزد، (که در این صورت حرمت و قداست سوگند و پیمان و اطمینان شکسته می شود) و بخاطر بازداشتن (مردم) از راه خدا بدی را خواهید چشید و برای شما عذابی بزرگ است. (۹۵) و پیمان خدا را با بهای کمی معامله نکنید، زیرا اگر بدانید، آنچه نزد خداست همان برای شما بهتر است. (۹۶) آنچه نزد شماست به پایان می رسد، و آنچه نزد خداست باقی و پایدار است، و کسانی که صبر پیشه کردند، همانا مزدشان را بر پایه نیکوترین کاری که می کردند، پاداش خواهیم داد. (۹۷) هر کس از مرد یا زن که مؤمن باشد و کار شایسته کند، حتما به زندگی پاک و پسندیده ای زنده اش می داریم و قطعا مزدشان را بر پایه ی نیکوترین کاری که می کرده اند، پاداش خواهیم داد. (۹۸) پس هرگاه خواستی قرآن بخوانی، از (شر) شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر. (۹۹) البته شیطان را بر کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می کنند، غلبه و سلطه ای نیست. (۱۰۰) غلبه و سلطه ی شیطان تنها بر کسانی است که (با پیروی از او) سلطه و ولایت او را می پذیرند، و (بر) کسانی است که آنان (به واسطه فریب شیطان) به خدا شرک آورده اند. (۱۰۱) و هرگاه آیه ای را جایگزین آیه ای کنیم، در حالی که خداوند به آنچه نازل می کند دانایتر است، (و می داند در چه شرایطی چه دستوری دهد) مخالفان گویند: همانا تو دروغ بافی، (چنین نیست) بلکه بیشترشان نمی دانند (که تغییر قانون بخاطر هوس، پشیمانی و ضعف و سردرگمی نیست، بلکه بر اساس مصلحت است). (۱۰۲) بگو آن (قرآن) را روح القدس (جبرئیل) از جانب پروردگارت به حق

نازل کرده است، تا کسانی را که ایمان آورده اند ثابت قدم و استوار گرداند و برای مسلمانان (مایه ی) هدایت و بشارت باشد. (۱۰۳) و البته ما می دانیم که مخالفان تو می گویند: جز این نیست که بشری آن (قرآن) را به او می آموزد. (اینگونه نیست، زیرا) زبان کسی را که (این قرآن را) به او نسبت می دهند غیر عربی و نارساست، در حالی که این (قرآن) زبان عربی روشن است. (۱۰۴) همانا کسانی که به آیات خداوند ایمان نمی آورند، خداوند آنان را هدایت نمی کند و برایشان عذابی دردناک است. (۱۰۵) جز این نیست که دروغ را تنها کسانی می سازند که آیات خدا را باور ندارند و آنان خود دروغگویانند، (نه پیامبری که با تمام وجود به خدا ایمان دارد). (۱۰۶) کسی که بعد از ایمان به خدا کافر (و مرتد) شود، نه آنکه او را به زور وادار کرده اند (که با زبان اظهار کفر کند) در حالی که قلبش به ایمان خویش مطمئن است، بلکه کسی که سینه به روی کفر بگشاید (و بعد از ایمان با شادی به استقبال کفر برود) پس بر آنان از طرف خداوند غضبی است و برایشان عذابی بزرگ است. (۱۰۷) آن (قهر الهی) بخاطر آن است که آنان زندگی دنیا را بر آخرت برگزیدند، و قطعاً خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند. (۱۰۸) آنانند کسانی که خداوند بر دلها و گوش و چشمانشان، مهر نهاده است و آنان همان غافلانند. (۱۰۹) شک نیست که آنان حتماً در آخرت همان زیانکارانند. (۱۱۰) پس قطعاً پروردگار تو برای کسانی که پس سختی ها(یی) که از کفار دیدند برای حفظ آیین یا توبه) هجرت کرده و به جهاد برخاسته و پایداری نمودند، همانا پروردگارت از آن پس قطعاً آمرزنده مهربان

است. (۱۱۱) روزی بیاید که هر کس تنها به جدال و دفاع از خویشتن پردازد و به هر کس آنچه را انجام داده جزای کامل داده می شود و آنان مورد ظلم قرار نمی گیرند. (۱۱۲) و خداوند (برای شما) قریه ای را مثال می زند که امن و آرام بود، روزیش از هر سو فراوان می رسید، اما (مردم آن قریه) نعمت های خدا را ناسپاسی کردند، پس خداوند به (سزای) آنچه انجام می دادند، پوشش فراگیر گرسنگی و ترس را بر آنان چشانید. (۱۱۳) البته پیامبری از میان خودشان به سراغشان آمد، اما او را تکذیب کردند، پس ایشان را در حالی که ستمکار بودند، عذاب فراگرفت. (۱۱۴) پس، از آن چیزهای حلال و پاکیزه ای که خداوند روزی شما کرده بخورید، و اگر تنها او را می پرستید نعمت خدا را شکر گزارید. (۱۱۵) جز این نیست که (خداوند) مردار و خون و گوشت خوگ و آنچه نام غیر خدا (به هنگام ذبح) بر آن برده شده، بر شما حرام کرده است، پس هر کس (به خوردن اینها) ناچار شود، بدون آنکه (قصد) تجاوز و تعدی (به حکم خداوند) داشته باشد و یا (از نیاز ضروری) تجاوز کند، (مانعی برای خوردنش نیست) زیرا که خداوند بخشنده مهربان است. (۱۱۶) و با هر دروغی که به زبانتان می آید نگویید: این حلال است و آن حرام، تا بر خدا دروغ بسته باشید. زیرا کسانی که بر خداوند دروغ می بندند رستگار نمی شوند. (۱۱۷) (سرچشمه ی همه افتراها رسیدن به دنیایی است که) بهره ای اندک است، در حالی که برای آنان (در آخرت) عذابی دردناک است. (۱۱۸) و بر کسانی که یهودی بودند آنچه را که پیش از این بر تو نقل کردیم حرام کردیم، (در سوره انعام که قبل از نحل

نازل شده، علاوه بر مردار و خون، چیزهای دیگری بخاطر گوشمالی یهودیان، حرام شده است.) و(لی ما با تحریم) ظلمی بر آنان نکردیم، ولکن (تحریم ما کیفر) ستمی بود که آنان بر خویش رواداشته بودند.(۱۱۹) سپس البته پروردگار تو برای کسانی که از روی نادانی کار بدی کردند آنگاه از پس آن توبه کرده و به کار شایسته پرداختند همانا پروردگارت پس از آن توبه، قطعا بخشنده مهربان است.(۱۲۰) همانا ابراهیم (به تنهایی) یک امت بود، در برابر خدا خاضع و فرمان بر و حق گرا بود، و از مشرکان نبود.(۱۲۱) او نسبت به نعمت های خداوند شکرگزار بود، (خدا) او را برگزید و به راهی مستقیم هدایتش کرد.(۱۲۲) و در دنیا به او نیکی دادیم و قطعا او در آخرت (نیز) از صالحان و شایستگان است.(۱۲۳) سپس به تو وحی کردیم که از آئین ابراهیم حق گرا پیروی کن، و او از مشرکان نبود.(۱۲۴) همانا (حکم) تعطیلی (و بزرگداشت روز) شنبه بر کسانی قرار داده شد که در آن اختلاف کردند و قطعا پروردگارت در روز قیامت درباره ی آنچه آنان (یهودیان) دائما در آن اختلاف می کردند، قضاوت خواهد کرد.(۱۲۵) (ای پیامبر مردم را) با حکمت (و گفتار استوار و منطقی) و پند نیکو، به راه پروردگارت بخوان و (با مخالفان) به شیوه ای که نیکوتر است جدال و گفتگو کن، همانا پروردگارت به کسی که از راه او منحرف شده آگاه تر است و (همچنین) او هدایت یافتگان را بهتر می شناسد.(۱۲۶) و اگر عقوبت می کنید، چنان عقوبت کنید که شما را بدان عقوبت کردند و البته اگر صبر و شکیبایی کنید قطعا صبر برای صابران بهتر است.(۱۲۷) (و ای پیامبر) صبر پیشه کن و

صبر

تو جز (به یاری و توفیق) خداوند نیست و بر آنان اندوه مخور، و از آنچه مکر و تدبیرهای خصمانه ای که می کنند، دل‌تنگ و در فشار مباش. (۱۲۸) زیرا که خداوند با کسانی است که تقوی پیشه کردند و (با) کسانی (است) که آنان نیکوکارند. (۱۲۹)

الإسراء

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) پاک و منزّه است آن (خدایی) که بنده اش را از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی که اطرافش را برکت داده ایم شبانه برد، تا از نشانه های خود به او نشان دهیم. همانا او شنوا و بیناست. (۲) ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم و او را هدایت گر بنی اسرائیل قرار دادیم، که غیر از من تکیه گاه و کارسازی نگیرید. (۳) (ای بنی اسرائیل!) ای فرزندان کسانی که آنان را همراه نوح، سوار (بر کشتی) کردیم و (نجات دادیم!) همانا نوح، بنده ای بسیار شکرگزار بود (شما هم مثل او باشید، تا نجات یابید). (۴) ما در کتاب (تورات)، به بنی اسرائیل اعلام کردیم که قطعاً شما دوبار در زمین فساد می کنید و برتری جویی بزرگی خواهید کرد. (۵) پس همین که وعده ی نخستین فتنه فرا رسد، گروهی از بندگان توانمند و جنگجوی خویش را (برای سرکوبی شما) برانگیزیم. پس درون خانه ها را جستجو کنید (تا فتنه گران را یافته کیفر دهند) و آن، وعده ای قطعی است. (۶) سپس، جنگ را به سود شما و علیه آنان برگردانیم و شما را با اموال و فرزندان کمک کنیم و نفرات شما را بیشتر قرار دهیم. (۷) اگر نیکی کنید به خودتان نیکی کرده اید و اگر بدی کنید (باز هم) به خود بد کرده اید. پس همین که وعده ی (فسادگری) دوّم فرا رسد (جنگجویان نیرومند و مؤمن را برای قلع و قمع شما می فرستیم) تا سیمای (نظامی و عزّت دنیوی) شما را زشت

نمایند و (برای گرفتن قدرت) به مسجدالاقصی وارد شوند، همان گونه که بار نخست وارد شدند و تا آنچه را زیر سلطه در آورده اند، به سختی ویران کنند. (۸) امید است که پروردگارتان بر شما رحم کند و اگر باز گردید (و دوباره فتنه کنید) ما نیز برمی گردیم (و قهر خود را می فرستیم) و ما دوزخ را برای کافران، زندانی سخت قرار داده ایم. (۹) همانا این قرآن به استوارترین راه، هدایت می کند و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می دهند، بشارت می دهد که برایشان پاداش بزرگی است. (۱۰) و آنان که به آخرت ایمان نمی آورند، برایشان عذابی دردناک، آماده کرده ایم. (۱۱) و انسان (شتابزده و نادان) همانگونه که خیر را می طلبد، شر را هم می طلبد و انسان همواره عجول است. (۱۲) و ما شب و روز را دو نشانه (از قدرت خود) قرار دادیم، پس نشانه ی شب (روشنی ماه) را زدودیم و نشانه ی روز (خورشید) را روشنگر ساختیم تا فضل و روزی از پروردگارتان بجویید و تا شمار سالها و حساب را بدانید و ما هر چیز را به روشنی بیان کردیم. (۱۳) و کارنامه ی هر انسانی را در گردنش بسته ایم و روز قیامت برای او نوشته ای بیرون آوریم که آن را در برابر خود گشوده می بیند. (۱۴) (در قیامت به انسان گفته می شود): کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خودت حسابگر خویش باشی. (۱۵) هر کس هدایت یافت، پس همانا به سود خویش هدایت یافته است و هر کس گمراه شد، تنها به زیان خویش گمراه شده است و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد و ما هرگز عذاب کننده نبوده ایم، مگر آنکه پیامبری بفرستیم (و اتمام حجت کنیم). (۱۶) و هرگاه بخواهیم (مردم) منطقه ای را (به کیفر گناهشان) هلاک کنیم،

به خوشگذرانان آنان فرمان می دهیم، پس در آن مخالفت و عصیان می کنند، که مستحقّ عذاب و قهر الهی می شوند، سپس آنجا را به سختی درهم می کوبیم. (۱۷) و چه بسیار مردمانی را که پس از نوح (به کیفر گناه و کفرشان) نابود کردیم و همین کافی است که پروردگارت به گناهان بندگانش آگاه و بیناست. (۱۸) هر کس پیوسته زندگی دنیای زودگذر را بخواهد، به مقداری که بخواهیم و برای هر که اراده کنیم، در این دنیا بشتاب فراهم می کنیم، سپس جهنّم را برایش قرار می دهیم که با شرمندگی و طردشدگی، وارد آن خواهد شد. (۱۹) و هر کس خواهان آخرت باشد و برای آن تلاش شایسته و در خور کند، و مؤمن باشد، پس تلاش آنان سپاس گزارده می شود. (۲۰) ما از عطای پروردگارت، اینان (فرصت طلبان) و آنان (دنیا طلبان) را کمک می کنیم و عطای پروردگارت از کسی منع نمی شود. (۲۱) بنگر که چگونه بعضی از آنان را بر بعض دیگر برتری دادیم، و قطعاً درجات آخرت، بزرگتر و ارزشمندتر است. (۲۲) با خداوند معبود دیگری قرار مده که نکوهیده و سرافکننده خواهی نشست. (۲۳) پروردگارت مقرّر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو نزد تو به پیری رسیدند، به آنان «اف» مگو و آنان را از خود مران و با آنان سنجیده و بزرگوارانه سخن بگو. (۲۴) و از روی مهربانی و لطف، بال تواضع خویش را برای آنان فرود آور و بگو: پروردگارا! بر آن دو رحمت آور، همان گونه که مرا در کودکی تربیت کردند. (۲۵) پروردگارتان به آنچه در درون شماست، آگاه تر (از خودتان) است. اگر صالح باشید، قطعاً او آمرزنده توبه کنندگان است. (۲۶) حقّ

خویشاوند و بیچاره و در راه مانده را ادا کن و هیچگونه ریخت و پاش و اسراف نکن. (۲۷) همانا اسراف کاران برادران شیطان هایند و شیطان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس بود. (۲۸) و اگر به انتظار رحمتی از پروردگارت که به آن امیدواری، از آنان اعراض می کنی، پس با آنان سخنی نرم بگو. (۲۹) و نه دست خود را به گردنت بسته بدار (که هیچ انفاق نکنی) و نه آن را کاملاً باز گذار که (چیزی برای خودت نماند و) سرزنش شده و حسرت خورده (به کنجی) نشینی. (۳۰) همانا پروردگارت برای هر کس بخواهد، روزی را گشاده یا تنگ می سازد، همانا او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست. (۳۱) فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید. این ما هستیم که آنان و شما را روزی می دهیم. یقیناً کشتن آنان گناهی است بزرگ! (۳۲) به زنا نزدیک نشوید، که کار زشت و راه بدی است. (۳۳) و کسی را که خداوند، (قتل او را) حرام کرده است نکشید، مگر به حق. و هر کس مظلوم کشته شود، قطعاً برای ولی او تسلط (و اختیار دیه یا قصاص) قرار داده ایم، پس نباید در کشتن (و قصاص) زیاده روی کند، چرا که آن (ستمدیده به طور عادلانه) یاری و حمایت شده است. (۳۴) و به مال یتیم، جز به بهترین راه (که به نفع یتیم باشد) نزدیک نشوید، تا آنکه به حد بلوغ و رشدش برسد. (که آنگاه اموالش را به او برمی گردانید) و به پیمان وفا کنید، که (در قیامت) از عهد و پیمان سؤال خواهد شد. (۳۵) و چون با پیمانانه داد و ستد کنید، پیمانانه را تمام دهید و با ترازوی درست وزن کنید، که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است. (۳۶) و از

آنچه به آن علم نداری پیروی مکن، چون گوش و چشم و دل، همه ی اینها مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. (۳۷) و در زمین با تکبر و سرمستی راه مرو، قطعاً تو زمین را نخواهی شکافت و در بلندی به کوه ها نخواهی رسید. (۳۸) همه ی اینها، گناهِش نزد پروردگارت ناپسند است. (۳۹) این (دستورات) از حکمت هایی است که پروردگارت بر تو وحی کرده است، و با خدا معبودی دیگر قرار نده که سرزنش شده و رانده، در دوزخ افکنده خواهی شد. (۴۰) آیا (می پندارید) پروردگارتان شما را با داشتن پسران برگزیده و خودش از فرشتگان، دخترانی گرفته است؟ همانا شما سخن (و تهمت) بزرگی می گوید. (۴۱) و به یقین، ما در این قرآن (حقایق را با بیان های گوناگون و) مکرر بیان کردیم، تا پند گیرند، و جز بر رمیدگی آنان نیفزود. (۴۲) بگو: اگر با خداوند، خدایانی بود آنگونه که مشرکان می گویند در آن هنگام آن خدایان در پی یافتن راه نفوذی به سوی خدای صاحب عرش بودند (تا قدرت را از او بگیرند). (۴۳) خداوند منزّه و برتر است از آنچه می گویند، برتری بزرگ! (۴۴) آسمان های هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست، تسبیح خداوند را می گویند، و هیچ چیز نیست مگر آنکه با ستایش، از او به پاکی یاد می کند، ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید. همانا او بردبار و آمرزنده است. (۴۵) و هرگاه قرآن می خوانی، میان تو و کسانی که به قیامت ایمان ندارند، حجابی ناپیدا (و معنوی) قرار می دهیم (تا از درک معارف حق محروم بمانند). (۴۶) و بر دل های آنان (کفار) پوشش هایی قرار دادیم تا آن را نفهمند و در گوشه هایشان سنگینی (تا حق را نشوند). و چون پروردگارت را در قرآن به یگانگی

یاد کنی، آنان پشت کرده و گریزان می شوند. (۴۷) ما داناتریم که چون به تو گوش می دهند، برای چه گوش می دهند و آنگاه که (برای خنثی کردن تبلیغات پیامبر) با هم نجوا می کنند (نیز بهتر می دانیم چه می گویند). آن زمان که ستمگران (به دیگران) می گویند: شما جز از مردی افسون شده پیروی نمی کنید (آن را هم می دانیم). (۴۸) (ای پیامبر!) بنگر که چگونه برای تو مثلها زدند و در نتیجه گمراه شدند، پس نمی توانند راه حق را بیابند. (۴۹) و گفتند: آیا آنگاه که ما استخوان های پوسیده و پراکنده شویم، آیا براستی ما با آفرینشی تازه، برانگیخته می شویم؟ (۵۰) بگو: (استخوان خرد شده که آسان است، شما) سنگ باشید یا آهن. (۵۱) یا هر مخلوقی از آنچه که در نظر شما از آن هم سخت تر است (باز خدا می تواند شما را دوباره زنده کند) آنان بزودی خواهند گفت: چه کسی ما را بازمی گرداند؟ بگو: همان کسی که نخستین بار شما را آفرید. پس بزودی سرهای خویش را (با تعجب) به سوی تو تکان خواهند داد و گویند: آن روز، چه زمان خواهد بود؟ بگو: شاید نزدیک باشد! (۵۲) روزی که شما را (از قبرهایتان) فرامی خواند، پس شما حمدگویان اجابت می کنید و می پندارید که جز مدت کوتاهی (در دنیا یا برزخ) درنگ نکرده اید. (۵۳) و به بندگانم بگو: سخنی گویند که نیکوتر است، چرا که شیطان (با سخنان ناموزون) میان آنان فتنه و فساد می کند. همانا شیطان همواره برای انسان، دشمنی آشکار بوده است. (۵۴) پروردگار شما به شما داناتر است، اگر بخواهد بر شما رحمت می آورد، یا اگر بخواهد (به خاطر کردارتان) شما را عذاب می کند. و ما تو را به عنوان وکیل مردم نفرستادیم (تا به ایمان آوردن مجبورشان

کنی). (۵۵) و پروردگارت به هر که در آسمان ها و زمین است، داناتر است. و البته ما بعضی از پیامبران را بر بعض دیگر برتری بخشیدیم و به داود زبور دادیم. (۵۶) بگو: کسانی را که غیر خداوند گمان می کردید (معبود شمایند) بخوانید. که آنها نه مشکلی را می توانند از شما برطرف کنند و نه تغییری در آن دهند. (۵۷) آنان را که (مشرکان به جای خدا) می خوانند (مانند عیسی و فرشتگان) خودشان وسیله ای برای تقرب به پروردگارشان می جویند، وسیله ای هر چه نزدیکتر، و به رحمت او امیدوارند و از عذابش بیمناک. همانا عذاب پروردگارت در خور پرهیز و وحشت است. (۵۸) و هیچ منطقه آبادی نیست، مگر آنکه پیش از روز قیامت، آن را هلاک می کنیم یا (به خاطر گناهانشان) به شدت عذاب می کنیم، این در کتاب الهی (و لوح محفوظ) ثبت شده است. (۵۹) و هیچ چیزی ما را از فرستادن آیات و معجزات (مورد درخواست مردم) باز نداشت، جز اینکه امت های پیشین آنها را تکذیب کردند (و هلاک شدند). ما به قوم ثمود ماده شتری دادیم که روشنگر (اذهان مردم) بود، اما به آن ستم کردند و ما معجزات (درخواستی) را نمی فرستیم مگر برای بیم دادن. (۶۰) و (به یاد آور) آنگاه که به تو گفتیم: همانا پروردگارت بر مردم احاطه دارد و آن رؤیایی را که نشانت دادیم و آن درخت نفرین شده در قرآن را، جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم. و ما مردم را بیم می دهیم، ولی (هشدار ما) جز طغیان و سرکشی بزرگ، چیزی بر آنان نمی افزاید. (۶۱) و به یاد آور زمانی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس سجده کردند، مگر ابلیس که گفت: آیا برای کسی سجده

کنم که از گل آفریده ای؟! (۶۲) ابلیس گفت: به من خبر ده، این است آن کسی که بر من گرامی داشتی؟ اگر تا قیامت مهلتم دهی، یقیناً بر نسل او افسار زده، به زیر سلطه می کشم، مگر اندکی را. (۶۳) (خداوند به ابلیس) گفت: برو، هر کس از آدمیان از تو پیروی کند، قطعاً کيفرتان دوزخ است، کيفری کامل! (۶۴) و (ای شیطان!) هر کس از مردم را می توانی با صدای خود بلغزان و نیروهای سواره و پیاده ات را بر ضد آنان گسیل دار و در اموال و فرزندان با آنان شریک شو و به آنان وعده بده، و شیطان جز فریب، وعده ای به آنان نمی دهد. (۶۵) قطعاً تو بر بندگان (خالص) من تسلطی نداری و حمایت و نگهداری پروردگارت (برای آنان) کافی است. (۶۶) پروردگار شما کسی است که برایتان کشتی را در دریا به حرکت درمی آورد، تا با تلاش خود از فضل و رحمتش بهره برید. البته او همواره نسبت به شما مهربان است. (۶۷) و هرگاه در دریا به شما محنت و رنج رسد، هر که را جز خداوند می خوانید، محو و گم می شود، پس چون شما را نجات دهد و به خشکی رساند، از او رومی گردانید. و انسان بسیار ناسپاس است. (۶۸) پس آیا ایمن شده اید از این که شما را در ناحیه ی خشکی (به قهر خود) فرو برد، یا باران ریگ بر شما بباراند، سپس نگهداری برای خود نیابید؟ (۶۹) یا اینکه ایمن شده اید از اینکه خداوند دوباره شما را به دریا ببرد و طوفانی شکننده بر شما بفرستد، پس شما را به خاطر کفرتان غرق کند. آنگاه برای خودتان هیچ دادخواه و پیجویی در برابر قهر ما نیابید؟! (۷۰) و همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم

و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکبها) حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه روزی شان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود برتری کامل دادیم. (۷۱) روزی که هر گروهی از مردم را با پیشوایشان فرامی خوانیم، پس هر کس نامه ی عملش به دست راستش داده شود، پس آنان نامه ی خود را (با شادی) می خوانند و کمترین ستمی بر آنان نمی شود. (۷۲) و هر کس در این دنیا کوردل و گمراه باشد، در آخرت نیز کور و گمراه تر خواهد بود. (۷۳) و بسا نزدیک بود که تو را از آنچه به تو وحی کردیم غافل کنند تا چیز دیگری غیر از وحی را به ما نسبت دهی، و آنگاه تو را دوست خود گیرند. (۷۴) و اگر ما تو را استوار نکرده بودیم، هر آینه نزدیک بود که اندکی به آنان تمایل پیدا کنی. (۷۵) آنگاه دو برابر (کیفر مشرکان) در زندگی و دو برابر در مرگ، عذابت می چشانیم و برای خویش در برابر قهر ما یاوری نمی یافتی. (۷۶) و بسا نزدیک بود کافران (با نیرنگ یا غلبه) تو را از این سرزمین بلغزانند تا از آن بیرونت کنند، و در آن هنگام، جز مدت کمی پس از تو پایدار نمی ماندند (و به خاطر این ظلم گرفتار قهر الهی می شدند). (۷۷) این، سنت (هلاکت طغیان گران) درباره ی پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم جاری بوده است و برای سنت ما هیچ تغییری نمی یابی. (۷۸) نماز را به هنگام بازگشت خورشید (به سمت مغرب) تا تاریکی شب، بپادار، و همچنین قرآن سپیده دمان را. همانا (قرائت) قرآن (به هنگام) فجر (در نماز صبح) مورد مشاهده (فرشتگان) است. (۷۹) و پاسی از شب را بیدار باش و تهجد و عبادت کن، و این

وظیفه ای افزون برای توست، باشد که پروردگارت تو را به مقامی محمود و پسندیده برانگیزد. (۸۰) و بگو: پروردگارا! مرا با ورودی نیکو و صادقانه وارد (کارها) کن و با خروجی نیکو بیرون آر و برای من از پیش خودت سلطه و برهانی نیرومند قرار ده. (۸۱) و بگو: حق آمد و باطل نابود شد، همانا باطل، نابود شدنی است. (۸۲) و آنچه از قرآن فرو می فرستیم، مایه ی شفا(ی دل) و رحمتی برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران نمی افزاید. (۸۳) و هرگاه که به انسان نعمتی عطا کردیم، روی گرداند و شانه ی خود را (از روی تکبر) چرخاند و چون (کمترین) گزندی به او رسد (از همه چیز) مأیوس و نومید شود. (۸۴) بگو: هر کس بر ساختار و خلق و خوی خویش عمل می کند، پس پروردگارتان داناتر است به کسی که به هدایت نزدیکتر است. (۸۵) و از تو درباره ی روح می پرسند. بگو: روح از امور پروردگارم (و مربوط به او) است و جز اندکی از دانش به شما نداده اند. (۸۶) و اگر بخواهیم، هر آینه آنچه را به تو وحی کرده ایم، (از یادت) می بریم، سپس کسی را نمی یابی که در برابر ما از تو دفاع کند. (۸۷) جز رحمت از پروردگارت (مدافعی نخواهی یافت)، قطعاً فضل خداوند نسبت به تو بزرگ است. (۸۸) بگو: اگر (تمام) انس و جن گرد آیند تا همانند این قرآن را بیاورند، نمی توانند مثل آن را بیاورند، هر چند که بعضی پشتیبان و یاور دیگری باشند. (۸۹) و همانا در این قرآن، از هرگونه مثال برای مردم آوردیم، ولی بیشتر مردم سرباززده، و جز انکار کاری نکردند! (۹۰) و گفتند: ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم، مگر برای ما چشمه ای از زمین جاری سازی، (۹۱) یا برای تو باغی از

خرما و انگور باشد که از میان آن، نهرها جاری گردانی. (۹۲) یا آسمان را همان گونه که می پنداری به صورت پاره هایی بر ما بیفکنی، یا خداوند و فرشتگان را در مقابل ما بیاوری. (۹۳) یا برای تو خانه ای از زر و زیور باشد، یا در آسمان پرواز کنی و به پرواز و بالا-رفتن تو (نیز) ایمان نخواهیم آورد تا آنکه کتابی بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم. بگو: پروردگار من منزّه است. آیا جز این است که من بشری فرستاده شده ام؟! (۹۴) و آنگاه که هدایت به سراغ مردم آمد، چیزی مردم را از ایمان آوردن بازداشت، جز آنکه گفتند: آیا خداوند، بشری را به عنوان پیامبر، برانگیخته است؟ (۹۵) بگو: اگر در زمین فرشتگانی بودند که با اطمینان و آرامش راه می رفتند، هر آینه ما از آسمان فرشته ای را به عنوان فرستاده بر آنان می فرستادیم. (۹۶) بگو: میان من و شما خدا برای گواهی کافی است، همانا او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست. (۹۷) و هر که را خدا هدایت کند، پس همو هدایت یافته است و هر که را گمراه سازد، هرگز یاورانی جز خدا برای آنان نخواهی یافت و ما در روز قیامت، آنان را واژگون (به صورت خزنده) کور و کر و لال محشور می کنیم و جایگاهشان دوزخ است، که هرگاه خاموش شود، آتش آنان را بیافزاییم. (۹۸) آن (دوزخ) کیفر آنان است، بدان جهت که کافر شدند و گفتند: آیا پس از آنکه (مردیم و به صورت) استخوان و (مثل کاه) ریزریز شدیم، آیا واقعا به صورت آفریده ی جدیدی برانگیخته خواهیم شد؟ (۹۹) آیا نیاندیشیده اند خداوندی که آسمان ها و زمین را آفریده است، بر آفریدن مثل این مردم نیز تواناست؟

و خداوند برای آنان مدّتی معین کرده که شکی در آن نیست، اما ستمگران سرباز زده و جز به کفر به چیزی تن نمی دهند. (۱۰۰) بگو: اگر شما خزانه دار رحمت پروردگارم بودید، قطعاً از ترس انفاق (و تهی دستی)، چیزی به کسی نمی دادید. و انسان تنگ نظر و بخیل است! (۱۰۱) همانا به موسی نه معجزه ی روشن دادیم. پس، از بنی اسرائیل آنگاه که (موسی) به سراغشان آمد سؤال کن. پس فرعون (با دیدن آن همه معجزه) به او گفت: ای موسی! من تو را قطعاً افسون شده می پندارم. (۱۰۲) موسی گفت: قطعاً می دانی که این (معجزات) را جز پروردگار آسمان ها و زمین برای بصیرت شما نفرستاده است و من تو را ای فرعون! هلاک شده می پندارم. (۱۰۳) پس (فرعون) تصمیم گرفت که آنان را از آن سرزمین تبعید کند، پس ما او و همه ی همراهانش را غرق کردیم. (۱۰۴) و پس از آن (غرق فرعون) به بنی اسرائیل گفتیم: در این سرزمین مستقر شوید، پس چون موعد آخرت فرا رسد، همه ی شما را با هم گرد خواهیم آورد. (۱۰۵) و ما قرآن را به حق نازل کردیم و به حق نازل شد و ما تو را جز به عنوان بشارت دهنده و بیم رسان نفرستادیم. (۱۰۶) و قرآنی که آن را بخش بخش کردیم تا آن را با تائی و درنگ بر مردم بخوانی و آن را آنگونه که باید به تدریج نازل کردیم. (۱۰۷) بگو: به قرآن ایمان آورید یا ایمان نیاورید (برای خداوند فرقی ندارد)، قطعاً آنان که پیش از این علم داده شده اند، هرگاه بر آنان تلاوت می شود، سجده کنان بر چانه ها به زمین می افتند. (۱۰۸) و می گویند: پروردگارمان منزّه است، همانا وعده پروردگار ما انجام شدنی است. (۱۰۹) و گریه کنان بر چانه ها

(به سجده) می افتند و همواره بر خشوعشان افزوده می شود. (۱۱۰) بگو: نام الله را بخوانید یا نام رحمان را، هر کدام را بخوانید، پس بهترین نامها از آن اوست. و نماز را خیلی بلند یا خیلی آهسته نخوان و میان این دو، راه (معتدلی) را انتخاب کن. (۱۱۱) و بگو: ستایش از آن خداوندی است که نه فرزندی برای خود گرفته است، و نه در حاکمیت، شریکی برای او بوده و نه هرگز به خاطر ذلت و ضعف، یآوری گرفته است. و او را به طور شایسته، بزرگ بشمار. (۱۱۲)

الکھف

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ستایش مخصوص خدایی است که کتاب (آسمانی قرآن را) بر بنده ی خود نازل کرد و برای آن هیچگونه انحرافی قرار نداد. (۲) (کتابی که) استوار و نگهبان (کتابهای آسمانی دیگر) است، تا از عذاب شدیدی که از سوی اوست بترساند و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می دهند، بشارت دهد که برای آنان پاداشی نیکوست. (۳) برای همیشه در آن (اجر الهی و بهشت) ماندگارند. (۴) و تا (کتاب الهی و پیامبر) به آنان که گویند: خداوند برای خود فرزندی گرفته است، هشدار دهد. (۵) آنان و پدرانشان هیچ علمی به این سخن (یا به خداوند) ندارند. این کلمه ای که از دهانشان بیرون می آید، تهمت بزرگی است و جز دروغ نمی گویند. (۶) پس بیم آن می رود که اگر به این حدیث (قرآن) ایمان نیاورند، تو در پی آنان خود را هلاک کنی! (۷) البته ما آنچه را روی زمین است، زینت برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدامشان بهتر و نیکوتر عمل می کنند. (۸) و ما (سرانجام) آنچه را روی آن است، به صورت خاک و زمینی بی گیاه قرار می دهیم. (۹) آیا پنداشته ای که اصحاب کھف و رقیم، از

نشانه های شگفت ما بودند؟ (۱۰) آنگاه که آن جوانمردان به غار پناه بردند، گفتند: پروردگارا! از سوی خود رحمتی به ما عطا کن و برای ما رشدی در کارمان فراهم ساز. (۱۱) پس ما تا چند سالی که در آن غار بودیم، بر گوش های آنان (پرده ی خواب و بیهوشی) زدیم. (۱۲) سپس آنان را برانگیختیم (و بیدارشان کردیم) تا معلوم سازیم کدام یک از آن دو گروه، مدت خواب و درنگ خود را دقیقتر شماره می کند. (۱۳) ما داستان آنان (اصحاب کهف) را به درستی برای تو حکایت می کنیم. آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم. (۱۴) و ما به دلهایشان نیرو و استحکام بخشیدیم، آنگاه که آنان بپاخواستند و (برخلاف عموم مردم) گفتند: پروردگار ما همان پروردگار آسمان ها و زمین است، هرگز جز او (کسی را به) خدایی نخواهیم خواند، چرا که در این صورت حرف خطایی گفته ایم. (۱۵) آنان قوم مایند که به جز او، خدایان دیگری گرفته اند. چرا آنان دلیل آشکاری بر خدایان خود نمی آورند؟ پس کیست ستمکارتر از کسی که بر خداوند، دروغی افترا بندد؟ (۱۶) و آنگاه که از مشرکان و آنچه جز خدای می پرستند فاصله گرفتید، پس به غار پناه برید، تا پروردگارتان از رحمت خود برای شما گشایشی بخشد و برایتان در کار (و سرنوشت) شما گشایشی فراهم آورد. (۱۷) و (اگر آنجا بودی) خورشید را می دیدی که هنگام طلوع، به سمت راست آنان متمایل می شود و چون غروب کند، ایشان را وامی گذارد و به چپ متمایل می گردد و آنان در محلی وسیع از آن غار قرار داشتند. این از آیات و نشانه های خداست. هر کس را خدا هدایت کند، او هدایت یافته ی واقعی است و

هر که را به بیراهه واگذارد و گمراه کند، هرگز برای او یآوری راهنما نخواهی یافت. (۱۸) و (اگر به آنان نگاه می کردی) آنان را بیدار می پنداشتی (زیرا چشمانشان باز بود)، در حالی که آنان خواب بودند و ما آنان را به پهلوی راست و چپ می گرداندیم (تا بدنشان سالم بماند) و سگشان دست های خود را بر آستانه ی غار نهاده بود (و نگهبانی می داد) اگر نگاهشان می کردی، پشت کرده و از آنان می گریختی و سرتاپا، پراز ترس از آنان می شدی. (۱۹) و ما آنگونه (که خوابشان کردیم)، آنان را (از خوابی که شبیه مرگ بود) برانگیختیم تا میان خود از یکدیگر پرسش کنند. یکی از آنان گفت: چه مدّت (در این غار) مانده اید؟ گفتند: یک روز یا بخشی از روز. (سرانجام) گفتند: پروردگارتان داناتر است که چه مقدار مانده اید. پس یکی از خودتان را با این پولتان به شهر بفرستید تا ببیند کدام یک غذای پاکیزه تری دارد، پس غذایی از آن برایتان بیاورد و باید (در این کار) زیرکی و دقت به خرج دهد، و مبادا کسی را از شما آگاه کند! (۲۰) زیرا اگر آنان (مشرکان) بر شما دست یابند، سنگسارتان خواهند کرد، یا شما را به آیین خودشان باز خواهند گرداند و در این صورت هرگز رستگار نخواهید شد. (۲۱) و بدین گونه (مردم را) بر حالشان آگاه کردیم تا زمانی که میانشان درباره کارشان (معاد و قیامت) گفتگو بود، بدانند که وعده ی خدا (درباره ی رستاخیز) حق است و اینکه در فرارسیدن قیامت تردیدی نیست، پس (از آشکار شدن این حقیقت) عده ای گفتند: بر روی آنان بنای یادبودی بنا کنید، پروردگارشان به حال آنان داناتر است، آنان که بر کارشان

آگاهی و دسترسی یافته بودند گفتند: ما بر آنان معبد و مسجدی می سازیم (تا نشان حرکت توحیدی آنان باشد). (۲۲) بزودی خواهند گفت: (اصحاب کهف) سه نفر بودند، چهارمینشان سگشان بود و (عده ای) گویند: پنج نفر بودند، ششمین آنان سگشان بود. (این سخنی بی دلیل و) پرتاب تیر گمان به گذشته ای ناپیدا است. و (عده ای دیگر) گویند: هفت تن بودند و هشتمین آنان سگشان بود. بگو: پروردگرم به تعدادشان داناتر است (و شمار) آنان را جز اندکی، کسی نمی داند. پس درباره ی آنان جز به ظاهر (و آنچه آشکار کرده ایم)، مجادله مکن و درباره ی ایشان از هیچ کس از (اهل کتاب) نظر نخواه. (۲۳) درباره ی هیچ چیز و هیچ کار، مگو که من آن را فردا انجام می دهم، (۲۴) مگر آنکه (بگویی): اگر خدا بخواهد. و اگر فراموش کردی (گفتن: ان شاء الله، همین که یادت آمد) پروردگارت را یاد کن و بگو: امید است که پروردگرم مرا به راهی که نزدیکتر است، راهنمایی کند. (۲۵) و آنان در غارشان سیصد سال ماندند و نه سال (نیز بر آن) افزودند. (۲۶) بگو: خداوند به مدتی که در غار ماندند، داناتر است. غیب آسمان ها و زمین از آن اوست. چه بینا و شنواست! جز او برای مردم هیچ یار و یابوری نیست و هیچ کس را در حکم و فرمانروایی خود شریک نمی گیرد. (۲۷) و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است (بر مردم) بخوان، (سنت ها و) کلمات الهی را تغییر دهنده ای نیست و هرگز جز او پناهگاهی نخواهی یافت (که به آن پناهنده شوی). (۲۸) و با کسانی که پروردگارت را (همواره و در هر) صبحگاه و شامگاه می خوانند و خشنودی او را می جویند، خود را

شکیبا ساز و دیدگانت را از آنان برمگیر که زیور دنیا را بطلبی و از کسانی که دلشان را از یاد خود غافل کرده ایم و در پی هوس خویشند و کارشان بر گزافه و زیاده روی است، پیروی مکن. (۲۹) و بگو: حق از سوی پروردگار شما رسیده است، پس هر که خواست ایمان آورد و هر که خواست کافر شود. همانا ما برای ستمگران آتشی مهیّا کرده ایم که (شعله هایش) همچون سراپرده ای آنان را فراگرفته و چون پناه خواهند، با آبی (مانند مس) گداخته که چهره ها را بریان می کند یاری می شوند! چه بد نوشیدنی و چه بد جایگاهی است! (۳۰) همانا آنان که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده اند (بدانند که) همانا ما پاداش کسی را که عمل خوب انجام داده تباه نمی کنیم. (۳۱) آنان برایشان باغهای جاودانه ای است که نهرها از زیر (قصرها و تخت هایشان) جاری است. در آنجا با دستبندهایی طلایی آراسته می شوند و جامه های سبز از حریر نازک و ضخیم می پوشند، درحالی که در آنجا بر تخت ها (ی بهشتی) تکیه داده اند. چه نیکو پاداشی و چه خوش جایگاهی! (۳۲) (ای پیامبر!) برای آنان (سرگذشت) دو مردی را مثل بز که برای یکی از آن دو، دو باغ انگور قرار دادیم و دور آنها را با نخل پوشاندیم و میان آن دو باغ را کشتزار قرار دادیم. (۳۳) هر دو باغ، محصول خود را داد و چیزی از آن نکاست و میان آن دو، نهری روان ساختیم. (۳۴) و برای آن مرد میوه ای (فراوان) بود. پس به دوستش در حالی که با او گفتگو می کرد، گفت: من از تو مالدارتر و از نظر نفرت، نیرومندترم. (۳۵) و او در حالی که بر خویش ستمکار بود،

به درون باغ خود آمد (و با غرور و سرمستی) گفت: گمان ندارم که هرگز این (باغ، یا دنیا) نابود شود! (۳۶) و گمان نمی کنم که قیامت برپا شود و اگر هم به سوی پروردگرم بازگردانده شوم، یقیناً بهتر از این (باغ) را در بازگشت، خواهم یافت. (۳۷) دوستش در حالی که با او گفتگو می کرد گفت: آیا به آن (خدایی) که تو را از خاک، سپس از نطفه آفرید، آنگاه تو را مردی کامل و تمام اندام قرار داد، کافر شده ای؟! (۳۸) ولی من (گویم): اوست خداوند، پروردگار من و هیچ کس را با پروردگرم شریک نمی سازم. (۳۹) و چرا آنگاه که وارد باغت شدی، نگفتی: ما شاء الله (آنچه خدا بخواهد)، هیچ نیرویی جز به (قدرت) خدا نیست؟ اگر مرا از نظر مال و فرزند، کمتر از خویش می بینی! (۴۰) پس امید است که پروردگرم بهتر از باغ تو را به من عطا کند و مجازات (صاعقه و عذابی) حساب شده بر باغ تو از آسمان فرستد تا به زمینی هموار و بی گیاه و لغزنده تبدیل شود. (۴۱) یا آب آن (باغ به زمین) فروکش کند، پس هرگز نتوانی آن را بازیابی. (۴۲) و (سرانجام) فرآورده های آن (مرد مغرور، با قهر الهی) احاطه شد، پس او چنان شد که دو دست خویش را به خاطر خرجهایی که در باغ کرده بود (از شدت حسرت) برهم می مالید، در حالی که آن (باغ و تاکستان) بر داربست هایش فروریخته بود و می گفت: ای کاش کسی را شریک پروردگرم قرار نمی دادم. (۴۳) و هیچ گروهی نداشت که او را در برابر (قهر) خدا یاری کنند و نمی توانست خودش را یاری کند. (۴۴) آنجا (ثابت شد که) ولایت و قدرت تنها از آن خدای حق

است و (نزد) اوست بهترین پاداش و نیکوترین فرجام. (۴۵) و (ای پیامبر!) برای آنان زندگی دنیا را مثل بزن که (در ناپایداری) همچون آبی است که از آسمان فرو فرستادیم، پس گیاه زمین به وسیله ی آن (چنان رشد کند و انبوه شود که) در هم فرو رود، پس ناگهان خشک شود، آن چنان که بادها پراکنده اش کنند و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۴۶) مال و فرزندان، زینت زندگی دنیایند و کارهای ماندگار شایسته، نزد پروردگارت پاداشی بهتر دارند و امید داشتن به آنها نیکوتر است. (۴۷) و (یاد کن) روزی که کوه ها را به حرکت درآوریم و زمین را آشکار (صاف و هموار) می بینی در حالی که همگان را برانگیخته ایم، پس هیچ یک از آنان را فروگذار نمی کنیم. (۴۸) و (در آن روز) همه ی مردم صف کشیده، بر پروردگارت عرضه می شوند. (خدا به آنان می فرماید:) همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم، (امروز هم) به سوی ما آمدید، بلکه پنداشتید که هرگز ما برایتان موعدی مقرر نخواهیم داشت؟ (۴۹) و کتاب (و نامه اعمال) در میان نهاده می شود، پس مجرمان را می بینی که از آنچه در آن است بیمناک اند و می گویند: وای بر ما، این چه نوشته ای است که هیچ (گفتار و کردار) کوچک و بزرگی را فروگذار نکرده مگر اینکه برشمرده است! و آنچه انجام داده اند (مقابل خود) حاضر می یابند و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند. (۵۰) و (یاد کن) هنگامی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس همه به جز ابلیس سجده کردند! او از جن بود و از فرمان پروردگارش سر بر تافت. آیا (با این حال) او و نسل او را به جای من سرپرستان

خود می گیرید؟ در حالی که آنان برای شما دشمنند! ستمگران بد چیزی را به جای خدا برگزیدند. (۵۱) من آنان (ابلیس و فرزندان) را نه در آفرینش آسمان ها و زمین و نه در آفرینش خودشان به شهادت نطلبیدم و من گمراه کنندگان را دستیار خود نمی گیرم. (۵۲) و (یاد کن روز قیامت را) روزی که (خداوند به مشرکان) می گوید: آنان را که شریک من می پنداشتید فرا بخوانید (تا کمکتان کنند)، پس (مشرکان) آنها را می خوانند ولی پاسخی به آنان نمی دهند و ما میانشان ورطه ی هلاکت قرار می دهیم. (۵۳) و گناهکاران (در قیامت) آتش دوزخ را می بینند، پس درمی یابند که در آن خواهند افتاد و راه فراری از آن نمی یابند. (۵۴) و البتّه ما در این قرآن از هر مثلی برای مردم متنوّع بیان کردیم، و (لی) انسان بیش از هر چیز جدال کننده است. (۵۵) و چه چیزی مردم را پس از آنکه هدایت برای آنان آمد، از ایمان آوردن و آمرزش خواهی از پروردگارشان باز داشت؟ جز آنکه (خواستند) سنّت خداوند درباره ی پیشینیان (که عذاب الهی بود) برای آنان (نیز) بیاید، یا آنکه عذاب، رویاروی آنان قرار گیرد! (۵۶) و ما پیامبران را جز بشارت دهندگان (برای مؤمنان) و بیم دهندگان (برای مجرمان) نمی فرستیم، ولی کافران به باطل مجادله و ستیز می کنند تا به وسیله ی آن حق را در هم کوبند. و آنان نشانه ها و آیات مرا و آنچه را که به آن بیم داده شدند، به مسخره گرفتند. (۵۷) و کیست ستمکارتر از آنکه به آیات پروردگارش تذکّر دهند، پس (به جای پذیرش) از آنها اعراض کند و (گناهان و) دستاورد پیشینه ی خویش را فراموش کند؟! البتّه ما بر دلهایشان پرده هایی نهادیم تا آیات قرآن را نفهمند و در

گوشه‌ایشان سنگینی قرار دادیم که اگر به سوی هدایتشان فراخوانی، هرگز به راه نخواهند آمد. (۵۸) و پروردگارت آمرزنده‌ی صاحب رحمت است، اگر مردم را به خاطر آنچه کسب کرده‌اند مجازات کند، هرچه زودتر عذاب برایشان می‌فرستد، (ولی چنین نمی‌کند) بلکه برای آنان موعده‌ی قرار داده که (با فرارسیدنش) جز به لطف خداوند هرگز راه بازگشتی نمی‌یابند. (۵۹) و (مردم) آن آبادی‌ها را هنگامی که ستم کردند، هلاکشان کردیم و برای نابود کردنشان (از پیش) زمانی را قرار دادیم. (۶۰) و (به یاد آور) زمانی که موسی به جوان (همراهش) گفت: من دست از جستجو برنمی‌دارم تا به محلّ برخورد دو دریا برسم، حتی اگر سال‌ها (به راه خود) ادامه دهم. (۶۱) پس چون به محلّ تلاقی آن دو (دریا) رسیدند، ماهی خود را (که برای غذا همراه داشتند) فراموش کردند. ماهی هم راه خود را به دریا برگرفت و رفت. (۶۲) پس همین که (از کنار دریا) گذشتند، موسی به جوان (همراه) خود گفت: غذای چاشت ما را بیاور، به راستی که از این سفر رنج بسیار دیده‌ایم. (۶۳) (آن جوان) گفت: آیا به یاد داری وقتی که به صخره پناه بردیم و من (پریدن) ماهی (به دریا) را فراموش کردم (که برای تو بگویم) و کسی جز شیطان آن را از یاد من نبرد، تا آن را یادآوری کنم. و (در کمال) شگفتی ماهی راه خود را در دریا پیش گرفت (و رفت). (۶۴) (موسی) گفت: این همان (محلّ قراری) بود که در پی آن بودیم. پس از همان راه برگشتند، در حالی که ردّ پای خود را (به دقت) دنبال می‌کردند. (۶۵) پس (در آنجا) بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود، رحمتی (عظیم)

به او عطا کرده بودیم و از نزد خود علمی (فراوان) به او آموخته بودیم. (۶۶) موسی به او (خضر) گفت: آیا (اجازه می دهی) در پی تو بیایم، تا از آنچه برای رشد و کمال به تو آموخته اند، به من بیاموزی؟ (۶۷) (خضر) گفت: تو هرگز نمی توانی بر همراهی من صبر کنی. (۶۸) و چگونه بر چیزی که آگاهی کامل به (راز) آن نداری صبر می کنی؟ (۶۹) (موسی) گفت: به خواست خدا مرا شکایا خواهی یافت و در هیچ کاری، تو را نافرمانی نخواهم کرد. (۷۰) (خضر) گفت: پس اگر در پی من آمدمی، از چیزی (از کارهای شگفت من) می پرس، تا آنکه خودم درباره ی آن سخن آغاز کنم. (۷۱) پس آن دو (موسی و خضر) به راه افتادند، تا آنکه سوار کشتی شدند. (خضر) آن را سوراخ کرد. موسی (از روی اعتراض یا تعجب) گفت: آیا آن را سوراخ کردی تا سرنشینان آن را غرق کنی؟ راستی که کار ناروایی انجام دادی! (۷۲) (خضر) گفت: آیا نگفتم تو هرگز نمی توانی همراه من شکایا باشی؟ (۷۳) (موسی) گفت: مرا به خاطر فراموشی ام مؤاخذه مکن و از این کارم بر من سخت مگیر. (۷۴) پس به راه خود ادامه دادند تا به نوجوانی برخورد کردند، پس خضر او را کشت. موسی گفت: آیا بی گناهی را بدون آنکه کسی را کشته باشد، کشتی؟ به راستی کار زشت و منکری انجام دادی! (۷۵) گفت: آیا نگفتمت که نمی توانی همپای من صبر کنی؟ (۷۶) (موسی) گفت: اگر از این پس چیزی از تو پرسیدم، دیگر با من همراه مباش، قطعاً از سوی من معذور خواهی بود (و اگر رهایم کنی حق داری). (۷۷) پس آن دو به راه خود ادامه دادند تا به اهل یک آبادی رسیدند، از اهل آنجا غذا خواستند، آنان

از مهمان کردن آن دو سرباز زدند. پس آن دو در آنجا دیواری را یافتند که در حال ریزش بود. خضر، دیوار را برپا کرد. (موسی با تعجب) گفت: اگر می خواستی برای این کار مزد می گرفتی! (۷۸) (خضر) گفت: این (بار) جدایی میان من و توست، بزودی تو را از تأویل و راز آنچه نتوانستی بر آن صبر کنی آگاه خواهم ساخت. (۷۹) اما آن کشتی (که سوراخ کردم) از آن بینوایانی بود که در دریا کار می کردند. خواستم آن را معیوبش کنم، (چون) در کمین آنان پادشاهی بود که غاصبانه و به زور، هر کشتی (سالمی) را می گرفت. (۸۰) و اما نوجوان (که او را کشتم) پدر و مادرش هر دو مؤمن بودند. ترسیدیم که او آن دو را به کفر و طغیان وا دارد. (۸۱) (از این رو) خواستیم که پروردگارشان به جای او (فرزندی) پاکتر و بهتر و با محبت تر به آن دو بدهد. (۸۲) و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود و زیر آن دیوار، گنجی برای آن دو بود و پدرشان مردی صالح بود. پس پروردگارت اراده کرد که آن دو به حدّ رشد (و بلوغ) خود برسند و گنج خویش را که رحمتی از سوی پروردگارت بود استخراج کنند و من این کارها را خودسرانه انجام ندادم. این بود تأویل و راز آنچه نتوانستی بر آن صبر و شکیبایی ورزی. (۸۳) و از تو درباره ذوالقرنین می پرسند. بگو: به زودی از او یادی بر شما خواهم کرد. (۸۴) همانا ما در زمین به او (ذوالقرنین) قدرت دادیم و از هر چیزی وسیله ای به او عطا کردیم. (۸۵) پس او در پی سبب رفت (و سفر خود را آغاز کرد). (۸۶) تا

آنگاه که به (منطقه ی) غروب خورشید رسید، چنان یافت که آن در چشمه ای تیره و گل آلود فرو می رود و نزد آن قومی را یافت. گفتیم: ای ذوالقرنین! یا آنها را عذاب می کنی یا میان آنان راه نیکی پیش می گیری (و همه را می بخشایی). (۸۷) (ذوالقرنین) گفت: اما هر کس ستم کند، او را عذاب خواهیم کرد، سپس به سوی پروردگارش باز گردانده می شود، او هم وی را به سختی عذاب می کند. (۸۸) و اما هر کس ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهد، پس پاداش بهتر برای اوست و برای او از سوی خود، آسانی مقرر خواهیم داد. (۸۹) سپس (ذوالقرنین برای سفر دیگر) سبب (دیگری) را پیگیری کرد. (۹۰) تا آنکه به محلّ طلوع خورشید رسید، آن را چنان یافت که بر قومی طلوع می کند که جز خورشید برای آنان پوشش و سایه بانی قرار نداده بودیم. (۹۱) و ما اینگونه به آنچه از امکانات و برنامه نزد او (ذوالقرنین) بود، احاطه داشتیم (و کارهایش زیر نظر ما بود). (۹۲) سپس (برای سفری دیگر از اسبابی که در اختیار داشت) سببی را پیگیری کرد. (۹۳) تا آنگاه که به میان دو سد (کوه) رسید، پشت آن دو کوه مردمی را یافت که گویا هیچ سخنی را نمی فهمیدند. (۹۴) (آن مردم) گفتند: ای ذوالقرنین! همانا (قوم) یا جوج و مأجوج در این سرزمین فساد می کنند، آیا ما برای تو خرج و هزینه ای قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی ایجاد کنی (تا از شرّشان ایمن شویم)؟ (۹۵) (ذوالقرنین در پاسخ) گفت: آنچه پروردگارم در آن به من قدرت داده، (از کمک مالی شما) بهتر است. پس مرا با نیرویی کمک کنید تا میان شما و آنان سدی محکم بسازم. (۹۶) پاره های آهن برای من بیاورید تا

آنگاه که میان دو کوه (با انباشتن پاره های آهن) برابر شد، گفت: بدمید؛ تا وقتی که آن را (مانند) آتشی گرداند، گفت: مس گداخته و آب شده بیاورید تا روی آهن ها بریزم. (۹۷) (پس از ساختن این دیوار آهنی، یاجوج و ماجوج) نتوانستند از آن بالا روند و نتوانستند در آن رخنه ای پدید آورند. (۹۸) (ذوالقرنین) گفت: این رحمت بزرگی از پروردگارم است (و تا موعد مقرر پابرجاست) پس هرگاه وعده ی پروردگار من فرارسد، آن (سد) را خورد و هموار می کند و وعده ی پروردگارم حق است. (۹۹) و در آن روز (پایان جهان)، مردم را رها می کنیم تا بعضی در بعضی همچون موج درآمیزند و (چون) در صور دمیده شود، همه را یکجا گرد خواهیم آورد. (۱۰۰) و آن روز، دوزخ را چنان که باید، بر کافران عرضه خواهیم کرد. (۱۰۱) آنان که چشمانشان از یاد من در پرده ی غفلت بود و (از شدت تعصب و لجاجت) توان شنیدن (سخن حق) را نداشتند. (۱۰۲) آیا آنان که کفر ورزیدند، پنداشتند که بندگان مرا به جای من به سرپرستی بگیرند؟ قطعاً ما جهنم را برای پذیرایی از کافران مهیا کرده ایم. (۱۰۳) بگو: آیا شما را خبر دهم که زیانکارترین مردم کیست؟ (۱۰۴) آنان که در زندگی دنیا تلاششان گم و نابود می شود، در حالی که می پندارند (همچنان) کار شایسته و نیک انجام می دهند. (۱۰۵) آنان، کسانی اند که به آیات پروردگارشان و دیدار او (در قیامت) کفر ورزیدند، پس کارهایشان تباه و نابود شد. پس ما برای آنان در قیامت، میزانی برپا نخواهیم کرد، (چون کارشان وزن و ارزشی ندارد تا نیاز به میزان باشد). (۱۰۶) این است که کیفر آنان دوزخ است، به خاطر کفری که ورزیدند و آیات من و فرستادگانم را به مسخره

گرفتند. (۱۰۷) یقیناً آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، بهشت برین برایشان منزلگاه پذیرایی است. (۱۰۸) همواره در آن جاودانه اند و درخواست دگرگونی و جابه جایی نمی کنند. (۱۰۹) بگو: اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد، دریا پایان می پذیرد، هر چند دریای دیگری همانند را به کمک آن آوریم. (۱۱۰) بگو: همانا من بشری همچون شمایم (جز اینکه) به من وحی می شود که خدای شما خدای یگانه است. پس هر که به دیدار پروردگارش (در قیامت و به دریافت الطاف او) امید و ایمان دارد، کاری شایسته انجام دهد. و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نسازد. (۱۱۱)

مریم

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) کاف، ها، یا، عین، صاد، (۲) (در این سوره) یادی از لطف پروردگارت نسبت به بنده اش زکریا (به میان آمده است). (۳) زمانی که پروردگارش را با ندایی پنهان خواند. (۴) (زکریا) گفت: پروردگارا! همانا استخوانم سست شده، و (موی) سرم از شعله ی پیری، سفید شده است و پروردگارا! من هرگز در دعای تو (از اجابت) محروم نبوده ام. (۵) و همانا من برای پس از (مرگ) خود، از بستگانم بیمناکم و همسرم نازا بوده است، پس از جانب خود جانشینی (فرزندی) به من عطا فرما. (۶) (خداوند!) به من جانشینی عطا کن) که وارث من و دودمان یعقوب باشد و پروردگارا! او را پسندیده قرار ده. (۷) (خداوند فرمود:) ای زکریا! ما تو را بشارت می دهیم به پسری که نامش یحیی است (و) قبلاً همانمی برای او قرار نداده ایم. (۸) (زکریا) گفت: پروردگارا! چگونه برای من پسری باشد در حالی که همسرم نازاست و من از پیری، ناتوان شده ام؟ (۹) (زکریا) چنین گفت: اما پروردگارت فرمود: این کار بر من آسان است، (زیرا) پیش از این من تو

را آفریدم در حالی که چیزی نبود. (۱۰) (به زکریا) گفت: پروردگارا! برای من نشانه ای قرار ده. (خداوند) فرمود: نشانه ی تو این است که سه شبانه روز قدرت سخن گفتن با مردم را نخواهی داشت، (با اینکه سالم هستی). (۱۱) پس (زکریا) از محراب عبادت به سوی مردم خارج شد، آنگاه به آنان اشاره کرد که در صبح و شام خدا را تسبیح گویند. (۱۲) ای یحیی! کتاب (خدا) را با قدرت بگیر و در کودکی به او حکمت (و نبوت) دادیم. (۱۳) و نیز از جانب خود، مهربانی و پاکی به او دادیم و او تقوای پیشه بود. (۱۴) و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و (نسبت به مردم، زورگویی) سرکش و نافرمان نبود. (۱۵) و سلامی (شایسته) بر او باد روزی که متولد شد و روزی که می میرد و روزی که زنده برانگیخته می شود. (۱۶) و در این کتاب، مریم را یاد کن، هنگامی که از خاندانش جدا شد و در مکانی شرقی قرار گرفت. (۱۷) آنگاه دور از دیگران برای خود پرده ای قرارداد، در این هنگام ما روح خود (روح القدس) را به سوی او فرستادیم، پس به شکل انسانی راست قامت بر او نمایان شد. (۱۸) (مریم به آن فرشته) گفت: همانا من از تو به خدای رحمان پناه می برم، اگر پرهیزکاری (از من دور شو). (۱۹) (فرشته) گفت: همانا من فرستاده ی پروردگار توام (و آمده ام) تا پسری پاکیزه به تو بخشم. (۲۰) (مریم) گفت: چگونه ممکن است برای من فرزندی باشد؟ در حالی که نه بشری با من تماس گرفته و نه من بدکاره بوده ام. (۲۱) (فرشته ی الهی) گفت: مطلب همین است. پروردگارت فرمود: این کار بر من آسان است (که پسری بدون پدر به تو عطا کنم) و تا او را برای

مردم نشانه و رحمتی از خود قرار دهیم و این کاری است شدنی و قطعی. (۲۲) پس مریم (به عیسی) باردار شد و با وی در مکانی دور خلوت گزید. (۲۳) آنگاه درد زایمان او را به سوی تنه ی درخت خرما می کشاند (تا تکیه دهد). (از شدت ناراحتی) گفت: ای کاش پیش از این مرده و فراموش شده بودم. (۲۴) پس (عیسی در شکم) از طرف پایین پایش وی را صدا زد که (ای مادرا!) غم مخور، همانا پروردگارت زیر (پای) تو چشمه ی آبی روان ساخت. (۲۵) و شاخه این نخل را به سوی خود تکان ده، رطب تازه بر تو فرو ریزد. (۲۶) پس (از آن رطب) بخور و (از آب نهر) بنوش و چشمت را (به داشتن فرزندى چون عیسی) روشن دار، پس اگر کسی از آدمیان را دیدی، (که درباره نوزاد می پرسند، با اشاره به آنان) بگو: من برای خداوند رحمان، روزه ی سکوت نذر کرده ام، بنابراین امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت. (۲۷) پس مریم در حالی که نوزادش را در آغوش گرفته بود، او را به نزد بستگان خود آورد. گفتند: ای مریم! به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده ای. (۲۸) ای خواهر هارون! پدرت مرد بدی نبود و مادرت (نیز) بدکاره نبود. (۲۹) پس مریم به سوی او (عیسی) اشاره کرد. گفتند: چگونه با کسی که در گهواره (و) کودک است سخن بگوییم؟ (۳۰) (عیسی به سخن آمد و) گفت: منم بنده ی خدا، او به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر قرار داده است. (۳۱) و هر جا که باشم، خداوند مرا مایه ی برکت قرار داده و تا زنده ام مرا به نماز و زکات سفارش کرده است. (۳۲) و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و (نسبت به مردم)

ستمگر و سنگدل قرار نداده است. (۳۳) و درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده برانگیخته می شوم. (۳۴) این است عیسی، پسر مریم؛ (همان) گفتار درستی که در آن شک می کنند. (۳۵) شایسته نیست که خداوند فرزندی برگیرد، او منزّه است، هرگاه انجام کاری را اراده کند، همین قدر که گوید: موجود باش، بی درنگ موجود می شود. (۳۶) و در حقیقت، خدا پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را پرستید که راه مستقیم همین (بندگی او) است. (۳۷) پس گروه هایی از میان خودشان به اختلاف پرداختند، پس وای بر کسانی که کافر شدند از حضور در روز بزرگ (قیامت). (۳۸) چه خوب شنوا و بینا بود روزی که به سوی ما می آیند، ولی ستمگران امروز در گمراهی آشکارند. (۳۹) و آنان را از روز ندامت و حسرت بترسان، آن هنگام که کار (از کار) بگذرد (و همه چیز پایان یابد) در حالی که (اکنون) آنان در غفلتند و ایمان نمی آورند. (۴۰) تنها ما ایم که زمین و اهلش را به ارث می بریم و (همه) به سوی ما بازگردانده می شوند. (۴۱) و در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او پیامبری راستگو و راست کردار بود. (۴۲) آنگاه که (ابراهیم) به پدرش گفت: ای پدر! چرا چیزی را می پرستی که نمی شنود و نمی بیند و تو را از هیچ چیز بی نیاز نمی کند؟ (۴۳) ای پدر! همانا دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است؛ بنابراین، از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم. (۴۴) ای پدر! بندگی را پرستش مکن که شیطان نسبت به خدای رحمان عصیانگر است. (۴۵) ای پدر! همانا من می ترسم که از جانب خدای رحمان عذابی به تو رسد، و تو برای شیطان دوست و یاور باشی. (۴۶) گفت:

ای ابراهیم! آیا از خدایان من بیزاری؟ اگر از (این روش) دست برداری قطعاً تو را سنگسار خواهیم کرد و (اکنون) برای مدّتی طولانی از من دور شو. (۴۷) (ابراهیم از او جدا شد و) گفت: سلام بر تو، به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می خواهم، زیرا او همواره نسبت به من بسیار مهربان بوده است. (۴۸) و من از شما و آنچه غیر خدا می خوانید کناره گیری می کنم و پروردگارم را می خوانم، امیدوارم که در خواندن پروردگارم محروم (و بی پاسخ) نمانم. (۴۹) چون ابراهیم از مشرکان و از آنچه به جای خدا می پرستیدند کناره گرفت، ما اسحاق و (فرزندش) یعقوب را به او عطا کردیم و همه را پیامبر قرار دادیم. (۵۰) و از رحمت خویش به آنها عطا کردیم و برای آنان (در میان مردم) نام بلند و نیکو قرار دادیم. (۵۱) و در این کتاب از موسی یاد کن، زیرا که او بنده ی (برگزیده و) خالص شده (خدا) و فرستاده ای پیامبر بود. (۵۲) و از جانب راست (کوه) طور او را ندا دادیم و به (مقام قرب خود و) رازگویی نزدیکش ساختیم. (۵۳) و از رحمت خویش، برادرش هارون پیامبر را به او بخشیدیم. (۵۴) و در این کتاب از اسماعیل یاد کن که او همواره در وعده هایش صادق و فرستاده ای پیامبر بود. (۵۵) و همواره خاندان خود را به نماز و زکات امر می کرد و پیوسته نزد پروردگارش مورد رضایت بود. (۵۶) و در این کتاب، از ادريس یاد کن، همانا او پیامبری بسیار راستگو بود. (۵۷) و ما او را به مقام والایی رساندیم. (۵۸) آنان پیامبرانی بودند که خداوند بر آنها نعمت (ویژه) ارزانی داشت؛ از نسل آدم و از (فرزندان) کسانی که با نوح (در کشتی) سوارشان کردیم و از نسل

ابراهیم و اسرائیل (یعقوب) و از کسانی که هدایت نمودیم و برگزیدیم؛ هرگاه آیات خدای رحمان بر آنان خوانده می شد سجده کنان و گریان از رو به خاک می افتادند. (۵۹) آنگاه پس از آنان، جانشینان بد و ناشایسته ای آمدند که نماز را ضایع کردند و هوسها را پیروی کردند. پس به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید. (۶۰) مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، پس آنها داخل بهشت می شوند و به هیچ وجه مورد ستم قرار نمی گیرند (و از پاداششان کاسته نمی شود). (۶۱) بهشت های جاویدی که خدای رحمان از غیب به بندگانش وعده داده، مسلماً وعده ی او تحقق یافتنی است. (۶۲) در آنجا سخن بیهوده ای نمی شنوند، (و گفتارشان) جز سلام (نیست) و در آنجا هر صبحگاه و شامگاه، روزی آنان آماده است. (۶۳) این، همان بهشتی است که به هر یک از بندگان پرهیزکار خود به ارث می دهیم. (۶۴) ما (فرشتگان) جز به فرمان پروردگار تو نازل نمی شویم؛ آنچه پیش روی ما (در آینده) و آنچه پشت سر ما (در گذشته) و آنچه میان این دو قرار دارد از اوست و پروردگار تو فراموشکار نیست. (۶۵) پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد؛ تنها او را پرستش کن و برای عبادتش شکبیا باش، آیا برای او همتا و هم نامی می شناسی؟ (۶۶) و انسان می گوید: آیا آنگاه که مردم، دوباره زنده (از قبر) خارج خواهیم شد؟ (۶۷) آیا انسان (در زنده شدن دوباره ی خود شک دارد؟) و به یاد نمی آورد که ما او را پیش از این آفریده ایم، در حالی که چیزی نبود.؟ (۶۸) پس به پروردگارت سوگند که ما همه آنها را با شیاطین محشور خواهیم کرد، سپس در حالی که

به زانو درآمده اند، گرداگرد جهنم حاضر خواهیم نمود. (۶۹) سپس از هر گروهی، کسانی را که بر خدای رحمان سرکش تر بودند، جدا خواهیم کرد. (۷۰) آنگاه ما می دانیم چه کسانی از آنها برای سوختن در دوزخ سزاوارترند. (۷۱) و هیچ کس از شما نیست مگر آنکه وارد دوزخ می شود، (و این ورود شما) از جانب پروردگارت حکمی قطعی است. (۷۲) سپس اهل تقوا را (از دوزخ) نجات می دهیم و ستمکاران را (در حالی که از ضعف و ذلت) به زانو درآمده (اند) در آن رها می کنیم. (۷۳) و هرگاه آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، کسانی که کفر ورزیده اند به آنان که ایمان آورده اند می گویند: کدام یک از ما دو گروه، جایگاهش بهتر و محفلش آراسته تر است. (۷۴) و چه بسیار نسل ها را پیش از آنان نابود کردیم که مال و ثروتشان بهتر بود و منظری آراسته تر داشتند. (۷۵) بگو: هر که در گمراهی است، خداوند رحمان (طبق سنت خود) مدتی به او مهلت و مدد می دهد، تا زمانی که آنچه را وعده داده می شوند ببینند، یا عذاب (این دنیا) یا عذاب (قیامت را. پس (در آن روز) خواهند دانست چه کسی جایگاهش بدتر و لشکرش ناتوان تر است. (۷۶) کسانی که هدایت یافته اند، خداوند بر هدایتشان می افزاید و نیکی های ماندگار، ثوابش نزد پروردگارت بهتر و خوش فرجام تر است. (۷۷) پس آیا دیدی کسی را که به آیات ما کفر ورزید و گفت: قطعاً به من مال و فرزند (بسیار) داده خواهد شد! (۷۸) آیا (این خوش خیالی به خاطر آن است که) از غیب آگاه است، یا از خدای رحمان تعهدی گرفته است؟ (۷۹) هرگز (چنین نیست)، به زودی هر چه می گوید می نویسیم و برای همیشه عذابش می کنیم. (۸۰) و هر چه (از مال و فرزند) دم

می زند ما وارث خواهیم شد و او بی کس و تنها نزد ما خواهد آمد. (۸۱) به جای خدای یگانه خدایانی (دروغین) برگزیدند تا برای ایشان سبب عزّت باشد. (۸۲) هرگز (به این آرزو نمی رسند، بلکه) به زودی (معبودها) پرستش آنان را منکر خواهند شد و در برابر آنان (به جای عزت بخشی) به مخالفت برمی خیزند. (۸۳) آیا ندیدی که ما شیطان ها را به سوی کافران فرستادیم تا آنان را شدیداً تحریک کنند؟ (۸۴) پس بر (عذاب) آنان عجله مکن، ما حساب آنها (و روز و ساعت و اعمال و حتی نفس زدن آنان) را شماره کنیم (تا موعدهشان فرا رسد). (۸۵) (یاد کن) روزی که ما پرهیزکاران را دسته جمعی به سوی (ضیافت) خدای رحمان گرد آوریم. (۸۶) و مجرمان را (پیاده و) تشنه به سوی جهنّم می رانیم. (۸۷) آنان مالک شفاعت نیستند، مگر کسی که با خدای رحمان پیمانی بسته باشد. (۸۸) و (کفّار) گفتند: خدای رحمان (برای خود) فرزندی انتخاب کرده است. (۸۹) راستی، مطلب زشتی گفتید. (۹۰) نزدیک است از این سخن، آسمان ها متلاشی و زمین شکافته شود و کوه ها به شدّت فرو ریزد. (۹۱) زیرا برای خدای رحمان، فرزندی قائل شدند. (۹۲) در حالی که برای خدای رحمان، سزاوار نیست که فرزند بگیرد. (۹۳) موجودی در آسمان ها و زمین نیست مگر آن که بنده وار نزد خداوند رحمان می آید. (۹۴) قطعاً خداوند همه ی آنان را حساب کرده، با دقت شمرده است. (۹۵) و همگی روز قیامت تنها (و تهی دست) نزد او خواهند آمد. (۹۶) همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند به زودی خدای رحمان برای آنان محبّتی (در دلها) قرار می دهد. (۹۷) پس همانا قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به وسیله ی آن بشارت دهی و مردم ستیزه جو را بدان هشدار دهی. (۹۸) و چه بسیار

نسل هایی که پیش از آنان هلاک کردیم. آیا کسی از آنها را می یابی یا کمترین صدایی از ایشان می شنوی؟ (۹۹)

طه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) طاهاه، (۲) ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به زحمت و مشقت بیفتی. (۳) مگر آنکه مایه ی تذکر و یادآوری باشد برای کسی که (از خدا) می ترسد. (۴) از جانب کسی که زمین و آسمان های بلند را آفریده، نازل شده است. (۵) (او خداوندی بخشنده و) رحمان است که بر عرش (تخت فرمانروایی هستی)، تسلط دارد. (۶) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین و آنچه در میان آنها و آنچه در زیر زمین است، برای اوست. (۷) و اگر سخنت را آشکار بگویی (و یا پنهان کنی، تفاوتی ندارد)، پس همانا او اسرار (شما) و پنهان تر (از آن) را می داند. (۸) (زیرا او) خدایی است که معبودی جز او نیست (و) بهترین نام ها برای اوست. (۹) و آیا خبر موسی به تو رسیده است؟! (۱۰) هنگامی که آتشی را دید، پس به خانواده ی خود گفت: قدری درنگ کنید، همانا من آتشی یافتم، شاید (بتوانم) مقداری از آن را برای شما بیاورم یا به واسطه ی (آن) آتش، راهی بیابم. (۱۱) پس همین که نزد آتش آمد، ندا داده شد: ای موسی! (۱۲) همانا من پروردگار تو هستم. پس کفش خود را بیرون آور، به درستی که تو در سرزمین مقدّس «طوی» هستی. (۱۳) و من تو را (به پیامبری) برگزیده ام، پس به آنچه وحی می شود گوش فراده. (۱۴) همانا منم الله، جز من خدایی نیست، پس مرا بندگی کن و نماز را بپادار تا به یاد من باشی. (۱۵) همانا قیامت خواهد آمد (ولی) من می خواهم (زمان) آن را مخفی کنم تا هر کس در برابر سعی و تلاش خود، جزا داده شود. (۱۶) پس مبادا

کسی که به قیامت ایمان ندارد و پیرو هوای نفس خویش است، تو را از توجه به قیامت باز دارد که سقوط می کنی. (۱۷) و (خداوند فرمود:) ای موسی! آنچه به دست راست توست چیست؟ (۱۸) (موسی) گفت: این عصای من است که بر آن تکیه می دهم و با آن برای گوسفندانم (از درختان) برگ می ریزم و در آن منافع دیگری (نیز) برای من است. (۱۹) (خداوند) فرمود: ای موسی! عصا را بیفکن. (۲۰) پس (موسی) آن را افکند، پس ناگهان آن (عصا) ماری شد که می شتافت. (۲۱) (خداوند) فرمود: آن را بگیر و نترس، ما بزودی آن را به حالت اولیه اش برمی گردانیم. (۲۲) و دستت را به زیر بازو و بغل خویش فروبر تا سفید و بی عیب بیرون آید (که این نیز) نشانه و معجزه ی دیگری است. (۲۳) تا از نشانه های بزرگ خویش به تو نشان دهیم. (۲۴) (ای موسی! اکنون) به سوی فرعون حرکت کن که او طغیان کرده است. (۲۵) (موسی) گفت: پروردگارا! (اکنون که مرا به این کار بزرگ مأمور فرمودی) سینه ام را برایم گشاده گردان (و بر صبر و حوصله ام بیفزا). (۲۶) و کارم را برایم آسان فرما. (۲۷) و گره از زبانم باز نما. (۲۸) تا (آنها) سخنان مرا (خوب) بفهمند. (۲۹) و از خاندانم (یاور و) وزیری برایم قرار بده. (۳۰) برادرم هارون را. (۳۱) (و اینگونه) پشت مرا با او استوار ساز. (۳۲) و او را در کارم شریک گردان. (۳۳) تا ما تو را بسیار به پاکی بستاییم. (۳۴) و تو را بسیار یاد نماییم. (۳۵) (پروردگارا!) همانا تو همواره نسبت به احوال ما آگاه و بصیر هستی. (۳۶) (خداوند) فرمود: ای موسی! به یقین آنچه را درخواست کردی به تو داده شد. (۳۷) و به تحقیق ما بار دیگر بر تو منت گذاشتیم (و تو را مشمول نعمت های خویش ساختیم). (۳۸) آنگاه که به مادرت آنچه را باید

الهام کرد، وحی کردیم. (۳۹) (به او وحی کردیم) که کودک خود را در صندوقی بگذارد، پس آن (صندوق) را در دریا بیندازد، تا دریا آن را به ساحل افکند و (کسی که) دشمن من و دشمن او (است)، آن را (از دریا) بگیرد. و (ای موسی!) من محبتی از جانب خویش بر تو افکندم (تا تو را دوست بدارند) و تا زیر نظر من ساخته شوی (و پرورش یابی). (۴۰) (آنگاه که خواهرت (در پی آن صندوق) می رفت تا بگوید: آیا شما را به کسی راهنمایی کنم که تکفل و پرستاری او را بپذیرد؟! (و آنان پذیرفتند). پس (این گونه) ما تو را به سوی مادرت باز گردانیدیم تا چشم او (به تو) روشن شود و اندوهگین نگردد. و (ای موسی!) تو شخصی (از فرعونیان) را به قتل رساندی (و از این بابت دچار اندوه گردیدی)، پس تو را از غم نجات دادیم و تو را در آزمون های مختلف آزمودیم. پس چند سالی را در میان مردم مدین (و در کنار شعیب پیامبر) درنگ کردی، سپس (اینک) در زمان مقدر (برای پذیرش رسالت به اینجا) آمدی. (۴۱) (ای موسی!) من تو را برای خودم ساخته و برگزیدم. (۴۲) (اکنون) تو و برادرت با (معجزات و) آیاتی که من به شما داده ام بروید و در یاد (و رسالت) من سستی نکنید. (۴۳) بروید به سوی فرعون که او طغیان کرده است. (۴۴) پس به نرمی با او سخن بگویید، شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد. (۴۵) (موسی و هارون) گفتند: پروردگارا! همانا می ترسیم که او بر ضد ما تعدی کند یا بر طغیان ادامه دهد (و بر آن بیفزاید). (۴۶) (خداوند) فرمود: نترسید، همانا من با شما هستم (و همه

چیز را) می شنوم و می بینم. (۴۷) پس به سراغ او بروید، پس (به او) بگویید: (ای فرعون) ما دو فرستاده ی پروردگار تو هستیم، و بنی اسرائیل را به همراه ما بفرست (و بیش از این) آنها را آزار مده. البتّه ما با معجزه ای از جانب پروردگارت به سوی تو آمده ایم و درود بر کسی که هدایت را پیروی کند. (۴۸) (به او بگویید: همانا به ما وحی گردیده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) تکذیب کند (و از آنها) سرپیچی نماید. (۴۹) (فرعون) گفت: ای موسی! پس پروردگار شما دو نفر کیست؟! (۵۰) (موسی) گفت: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینش خاص آن را عطا کرده و آنگاه (آن را به راه کمال) هدایت فرمود. (۵۱) (فرعون) گفت: پس حال نسل های پیشین چگونه است؟! (۵۲) (موسی) گفت: علم آن (احوال) در کتابی نزد پروردگار من است (و) پروردگار من نه (خطا و چیزی را) گم می کند و نه فراموش می نماید. (۵۳) خدایی که زمین را برای شما بستر آسایش قرار داد و راه هایی را در آن برای شما ایجاد کرد و از آسمان آبی فرستاد، پس به واسطه ی آن، انواع زوج های گوناگون گیاهان را (از خاک) بیرون آوردیم. (۵۴) (تا هم خودتان از آن) بخورید و (هم) چهار پایانتان را (در آن) بچرانید. البتّه در این (امور) نشانه هایی برای خردمندان است. (۵۵) ما شما را از آن (زمین) آفریدیم و در آن بازمی گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می آوریم. (۵۶) و به تحقیق ما تمام آیات و معجزات خویش را به او (فرعون) نشان دادیم، ولی او تکذیب و امتناع کرد. (۵۷) (فرعون) گفت: ای موسی! آیا تو آمده ای تا با سحر خود ما را از منطقه

و سرزمینمان بیرون کنی؟! (۵۸) (فرعون ادامه داد) پس ما (هم) حتما سحری همانند آن (سحر) را برای تو خواهیم آورد. پس (اکنون) بین ما و خودت زمانی قرار بده که از آن تخلف نکنیم (آن هم در) مکانی هموار و با فاصله ای که نسبت به همه یکسان باشد. (۵۹) (موسی) گفت: وعد گاه (ما و) شما، روز زینت (روز عید) و در وقت چاشت (نیمروز) که همه ی مردم جمع شده باشند. (۶۰) پس فرعون پشت کرد (و مجلس را ترک کرد)، پس (تمام) مکر و حيله ی خود را جمع کرد، سپس (در روز موعود) باز آمد. (۶۱) موسی به آنان (فرعونیان) گفت: وای بر شما! بر خدا دروغ نبندید، که شما را با عذابى (سخت) هلاک و ریشه کن خواهد کرد و به تحقیق آن کس که (به خدا) دروغ ببندد، ناکام و زیانکار گردد. (۶۲) پس آنان در کارشان به کشمکش پرداختند و نجوى (و نتیجه نزاع خود) را مخفی کردند. (۶۳) (فرعونیان) گفتند: همانا این دو (موسی و هارون) قطعا جادوگرند (که) می خواهند با سحرشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و آیین برتر شما را براندازند. (۶۴) پس (اینک تمام نقشه و) کید خود را گرد آورید، سپس در یک صف (و بطور منظم) حاضر شوید. و به تحقیق امروز پیروزی از آن کسی است که برتری یابد (و سحر او غالب شود). (۶۵) (ساحران) گفتند: ای موسی! آیا تو (ابتدا عصای خود را) می افکنی یا ما اول کسی باشیم که بیفکند؟! (۶۶) (موسی) گفت: بلکه شما بیفکنید. پس (همین که آنان بساط خود را افکندند) ناگهان طنابها و عصاهای آنان در اثر سحرشان چنان به نظر او (موسی) آمد که حرکت می کنند! (۶۷) پس موسی در دل خود احساس ترس کرد

(که مبادا مردم فریب بخورند). (۶۸) ما (به موسی) گفتیم: نترس! همانا تو خودت برتری. (۶۹) و آنچه را در دست راست داری بیفکن تا هر چه را آنان ساخته اند در کام خود فرو برد (و بلعد). همانا آنچه آنان ساخته اند (فقط) حيله ساحر است و ساحر هر جا رود (و هر چه کند پیروز) و رستگار نگردد. (۷۰) پس (وقتی آنان معجزه موسی را دیدند که چگونه ازدها همه ی بافته هایشان را بلعید، تمام) ساحران به سجده افتادند و گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم. (۷۱) (فرعون که تمام نقشه های خود را بر آب دید به ساحران) گفت: آیا قبل از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟! بی گمان او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است. پس قطعاً دست ها و پاهای شما را بر خلاف (یکدیگر، یعنی دست راست و پای چپ یا به عکس) قطع خواهیم کرد و شما را بر شاخه های درخت خرما به دار خواهیم آویخت و به زودی خواهید دانست که شکنجه و مجازات کدام یک از ما سخت تر و پایدارتر است. (۷۲) (ساحرانی که ایمان آورده بودند به فرعون) گفتند: ما هرگز تو را بر کسی که ما را آفریده و بر آن معجزاتی که برای ما آمده، ترجیح نخواهیم داد. پس تو هر حکم و قضاوتی که می خواهی بکن، تو فقط در این زندگانی دنیا حکم می کنی. (۷۳) همانا ما به پروردگاران ایمان آورده ایم تا خطاهای ما و آنچه را از سحر که بر آن وادارمان کردی بر ما بیخشد، و خداوند بهتر و پاینده تر است. (۷۴) همانا هر کس که گناهکار و مجرم نزد پروردگار خود بیاید، پس برای او جهنمی است که نه

در آن می میرد (تا رهایی یابد) و نه (با خوشی) زندگی می کند. (۷۵) و هر کس در حالی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده باشد، نزد او آید، پس برای آنان درجات عالی و برتر است. (۷۶) (و) باغهای جاویدانی که در زیر آنها نهرها جاری است (و آنان برای) همیشه در آنجا خواهند بود، و این پاداش کسی است که (خود را از کفر و گناه) پاکیزه گرداند. (۷۷) و به تحقیق ما به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه (از مصر) کوچ بده و برای آنان راهی خشک در میان دریا بگشا تا نه از تعقیب (فرعونیان) بترسی و نه (از غرق شدن)، بیمناک باشی. (۷۸) پس فرعون با سپاهیانش آنان را دنبال کرد، پس (موسی) از دریا آنان را گرفت و به طور کامل غرق کرد. (۷۹) و فرعون قوم خود را گمراه کرد و هیچ هدایتی نکرد. (۸۰) ای بنی اسرائیل! همانا ما شما را از (دست) دشمنانتان نجات دادیم و با شما در سمت راست کوه طور، قرار و وعده گذاردیم و بر شما (غذاهای آماده ای همچون) «مَن» و «سَلوی» نازل کردیم. (۸۱) (اینک) از چیزهای پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخورید، و (لی) در آن طغیان نکنید که قهر و غضب من بر شما وارد خواهد شد و هر کس که قهر من او را بگیرد، قطعاً سقوط کرده است. (۸۲) و البتّه من، هر کس را که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، به هدایت برسد، قطعاً می بخشم. (۸۳) و (به موسی) گفتیم: ای موسی! چه چیز سبب تعجیل (و پیشی گرفتن) تو از قومت شد؟! (چرا زودتر به وعده گاه آمدی؟) (۸۴) (موسی) گفت: آنها (قوم من) به دنبال من هستند و پروردگارا!

برای خشنودی تو به سوی تو شتاب کردم. (۸۵) (خداوند) فرمود: همانا ما قوم تو را بعد از (آمدن) تو آزمایش کردیم و سامری آنها را گمراه کرد. (۸۶) پس موسی خشگمین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت (و) گفت: ای قوم من! آیا پروردگارتان به شما وعده ای نیکو (نزول تورات) نداد؟ آیا مدّت (غیبت من) بر شما طولانی شد؟ یا اینکه می خواستید خشمی از طرف پروردگارتان بر شما فرود آید، که با قرار و موعد من تخلف کردید؟! (۸۷) (مردم به موسی) گفتند: ما به میل و اراده ی خود خلاف وعده نکردیم، ولیکن از زیور آلات قوم (فرعون، چیزها و) بارهایی بر ما نهاده شد، پس ما آنها را (در آتش) افکندیم پس اینگونه سامری (بر ما) القا کرد. (۸۸) پس (سامری) برای آنها پیکر گوساله ی نری که دارای صدایی بود پدید آورد، آنگاه (با پیروانش به مردم) گفتند: این خدای شما و خدای موسی است. پس سامری (خدا و همه ی تعلیمات موسی را) فراموش کرد. (۸۹) پس آیا نمی بینند که (این گوساله) برایشان پاسخی ندارد و مالک (هیچگونه) سود و زیانی برای آنها نیست؟! (۹۰) و البتّه هارون (نیز) پیش از این (آمدن موسی) به آنان گفته بود: ای قوم من! شما قطعاً به واسطه ی آن (گوساله)، مورد آزمایش قرار گرفته اید و همانا پروردگار شما خداوند رحمان است، پس از من پیروی کنید و دستور مرا اطاعت نمایید. (۹۱) (اما قوم مرتد، به هارون) گفتند: ما همچنان برپاداریم (و هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت) تا موسی به سوی ما باز گردد. (۹۲) (موسی در حالی که موی سر و صورت برادر را گرفته بود به او) گفت: ای هارون! زمانی که دیدی آنان گمراه شدند،

چه چیز تو را بازداشت؟ (۹۳) از اینکه مرا پیروی نکنی؟ (چرا برای نجات مردم فوراً به سراغ من نیامدی؟) آیا دستور مرا نافرمانی کردی؟ (۹۴) (هارون در جواب) گفت: (ای برادر و) ای فرزند مادرم! (موی) ریش و سر مرا (به مؤاخذه) مگیر، همانا من ترسیدم (با برخورد تند من، آنها متفرق شوند و) تو بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و کلام مرا مراقبت نکردی! (۹۵) (سپس موسی به سامری) گفت: ای سامری! (منظور تو از) این کار (و فتنه‌ی) بزرگ که کردی چیست؟ (۹۶) (سامری) گفت: من به چیزی پی بردم که (دیگران) به آن پی نبردند، پس من مشت‌ی از آثار رسول (حق) را بر گرفتم، پس آن را (در گوساله) افکندم و این گونه نفسم این کار را در نظر بیاراست (و فریب داد). (۹۷) (موسی به سامری) گفت: پس برو (دور شو)، پس همانا بهره‌ی تو در دنیا این است که (به دردی مبتلا خواهی شد که دائماً) می‌گویی: «به من دست نزنید» و همانا برای تو (در آخرت) میعادگاهی است که هرگز از آن تخلف نخواهد شد. و (اکنون) به سوی معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی نگاه کن، ما حتماً آن را می‌سوزانیم (و) سپس خاکستر و ذرات آن را به دریا خواهیم پاشید. (۹۸) (ای قوم من!) همانا معبود شما «الله» است که معبودی جز او نیست (و) علم او همه چیز را فرا گرفته است. (۹۹) (ای پیامبر!) ما این گونه از اخبار گذشته بر تو حکایت می‌کنیم و همانا ما از جانب خویش به تو ذکر (قرآن) داده‌ایم. (۱۰۰) پس هر کس از آن (ذکر) روی برگرداند، قطعاً او در روز قیامت، بار سنگینی (از گناه) را بر دوش خواهد

کشید. (۱۰۱) (آنها) برای همیشه در آن (بار گناه و عقوبتش) خواهند ماند و چه بد باری است برای آنها، (بار گناه) در روز قیامت. (۱۰۲) (همان) روزی که در صور دمیده می شود و ما در آن روز، مجرمان را با چشمان تیره (و بدن های کبود) محسور می کنیم. (۱۰۳) (آنها) در بین خودشان آهسته با یکدیگر گفتگو می کنند که شما جز چندی (ده روز در دنیا بیشتر) توقف نداشتید. (۱۰۴) (البته) ما به آنچه آنها می گویند داناتریم، آنگاه که بهترین آنان در رفتار، می گوید: شما درنگ نکردید مگر یک روز! (۱۰۵) و (ای پیامبر!) از تو درباره ی کوه ها (در قیامت) می پرسند، بگو: پروردگار من آنها را از بن برکنده و متلاشی می کند. (۱۰۶) پس آنها را (همچون) کویری صاف و هموار، رها می سازد. (۱۰۷) که در آن هیچ پستی و بلندی مشاهده نمی کنی. (۱۰۸) در آن روز، (مردم) از دعوت کننده ای که (هیچ) انحرافی ندارد پیروی می کنند (و گوش به صدای اسرافیل هستند) و همه صداها در برابر (عظمت خداوند) رحمان فرو می نشیند. پس (در آن روز) جز صدایی آهسته نمی شنوی. (۱۰۹) در آن روز، شفاعت (هیچ کس) سودی ندارد، مگر کسی که خدای رحمان به او اجازه دهد و از گفتار او (شفاعت کننده یا شفاعت شونده) راضی باشد. (۱۱۰) (خداوند به) آنچه آنان در پیش روی دارند و آنچه را (در دنیا) پشت سر گذاشته اند آگاه است، ولی مردم بر او احاطه علمی ندارند. (۱۱۱) و (در آن روز) همه ی چهره ها در برابر خداوند زنده ی پاینده، خوار و فروتن می شود و البته هر کس که بار ستم برداشت، مأیوس و زیان کار است. (۱۱۲) و (اما) هر کس از کارهای نیکو انجام دهد و مؤمن باشد، پس (در آن روز) نه از ستم و کاستی (در پاداشش) نترسد. (۱۱۳) و بدینسان

ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم و در آن با انواع بیان ها هشدار دادیم، شاید آنها پروا کنند و یا برایشان پندی ایجاد شود. (۱۱۴) پس (بدان که) بلند مرتبه است خدای فرمانروای بر حق، و تو (ای پیامبر!) بر خواندن قرآن پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد شتاب مکن و بگو: پروردگارا! علم مرا زیاد کن. (۱۱۵) و به تحقیق، پیش از این با آدم پیمان بستیم، اما او فراموش کرد و ما عزم استواری برای او نیافتیم. (۱۱۶) و زمانی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، پس همگی سجده کردند، مگر ابلیس که سرپیچی و امتناع رد. (۱۱۷) پس گفتیم: ای آدم! همانا این (ابلیس) دشمن تو و همسر توست، پس (مواظب باش که با وسوسه هایش) شما را از بهشت بیرون نکند که به رنج و مشقت خواهی افتاد. (۱۱۸) (در صورتی که) همانا تو در آنجا (بهشت)، نه گرسنه می شوی و نه برهنه می مانی. (۱۱۹) و در آنجا (بهشت)، نه تشنه می شوی و نه از حرارت آفتاب آزار می بینی. (۱۲۰) پس شیطان او را وسوسه کرد (و) گفت: ای آدم! آیا (می خواهی که) تو را به درخت جاودانگی و ملک (و پادشاهی) فنا ناپذیر راهنمایی کنم؟! (۱۲۱) پس (آدم و همسرش فریفته شده و) هر دو از آن (درخت ممنوعه) خوردند، پس (به ناگاه لباس هایشان ریخت و) شرمگاهشان برای آنان ظاهر شد و (ناچاراً) هر دو به چسبانیدن برگ (درختان) بهشت بر خودشان مشغول شدند و (این چنین) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد و بیراهه رفت. (۱۲۲) سپس پروردگارش او را برگزید، پس (لطف خویش را) بر او باز گرداند و او را هدایت کرد. (۱۲۳) (خداوند به آدم و حوا) فرمود: از آن

(بهشت و مقام والا) فرود آید (که) بعضی از شما، دشمن بعض دیگر خواهد بود، پس اگر از جانب من رهنمودی برای شما آمد، پس (بدانید که) هر کس از رهنمود من پیروی کند، نه گمراه می شود و نه تیره بخت. (۱۲۴) و هر کس از یاد من روی گرداند، پس همانا برای او زندگی تنگ و سختی خواهد بود و ما او را در قیامت نابینا محشور می کنیم. (۱۲۵) (در قیامت خواهد) گفت: پروردگارا! چرا مرا نابینا محشور کردی در حالی که من (در دنیا) بینا بودم؟! (۱۲۶) (و خداوند در جواب خواهد) فرمود: همان گونه که آیات ما به تو رسید و تو آنها را فراموش کردی، امروز هم همانطور فراموش گردیده ای. (۱۲۷) و ما این گونه هر کس را که افراط و اسراف کند و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد جزا می دهیم و قطعاً عذاب آخرت سخت تر و پایدارتر است. (۱۲۸) پس آیا مردمانی که پیش از این مورد قهر و هلاکت ما قرار گرفتند و (اینان امروز) در خانه های آنان رفت و آمد می کنند، برای هوشیاری و هدایتشان کافی نیست؟! همانا در آن (حوادث) برای صاحبان عقل و اندیشه نشانه ها و عبرت هاست. (۱۲۹) و اگر سنت و تقدیر پروردگارت و (ملاحظه ی) زمان مقرر نبود، هر آینه عذاب الهی لازم می آمد (و دامان آنان را نیز می گرفت). (۱۳۰) پس بر آنچه می گویند، شکبیا باش و پیش از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن با ستایش پروردگارت (او را) تسبیح کن و (همچنین) برخی از اوقات شب و اطراف روز را تسبیح بگوی، باشد که خشنود شوی. (۱۳۱) و هرگز به متاعی که ما به گروهی از آنها داده ایم، چشم مدوز که (این) شکوفه و جلوه ی زندگی

دنیاست (و ما می خواهیم) تا آنها را در آن بیازمائیم و (به یقین) روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است. (۱۳۲) و خانواده ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش. ما از تو روزی نمی خواهیم، (بلکه) ما تو را روزی می دهیم، و سرانجام (نیکو) برای (اهل) تقوا است. (۱۳۳) و (کافران) گفتند: چرا (پیامبر) از جانب پروردگارش معجزه و نشانه ای برای ما نمی آورد؟ آیا دلیل و نشانه روشن در کتب قبلی برایشان نیامده (که ایمان نیاورند؟). (۱۳۴) و اگر ما آنان را قبل از (آمدن پیامبر و نزول قرآن) با عذابی هلاک می کردیم، می گفتند: پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا ما از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آنکه ذلیل و خوار شویم. (۱۳۵) بگو: هر یک (از ما و شما) در انتظاریم، پس انتظار بکشید که به زودی خواهید دانست یاران راه راست کیانند و چه کسی راه یافته است. (۱۳۶)

الأنبياء

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) (زمان) حساب مردم نزدیک شده است، در حالی که آنان در بی خبری، (از آن) روی گردانند! (۲) هیچ پند تازه ای از طرف پروردگارشان برای آنان نیامد، مگر اینکه آن را شنیدند و (باز) سرگرم بازی شدند. (۳) در حالی که دل‌های آنان (از حق، غافل و به چیز دیگری) سرگرم است و کسانی که (کافر شدند و به خود) ستم کردند، مخفیانه نجوی می کنند که آیا این (مرد) جز بشری مثل شماست؟ آیا با اینکه می بینید به سوی سحر می روید؟! (۴) (پیامبر) گفت: پروردگار من، هر سخنی که در آسمان و زمین باشد می داند. او شنوای داناست. (۵) (کفار) گفتند: آنچه محمد آورده، وحی نیست) بلکه خوابهای آشفته است، بلکه آنها را به دروغ به خدا نسبت داده، بلکه او یک شاعر است،

پس (اگر راست می گوید) باید همان گونه که (پیامبران) پیشین (با معجزه) فرستاده شده بودند، او برای ما معجزه ای بیاورد. (۶) تمام آبادی هایی که پیش از اینها هلاکشان کردیم، (تقاضای این گونه معجزات را کردند، ولی همین که پیشنهادشان عملی شد) ایمان نیاوردند، پس آیا اینان ایمان می آورند؟ (۷) و (ای پیامبر! به آنان بگو: ما (هیچ پیامبری را) پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه (آنها نیز) مردانی بودند که ما به ایشان وحی می کردیم، پس اگر نمی دانید از اهل اطلاع (و اهل کتب آسمانی) بپرسید. (۸) و (همچنین) ما آنها را پیکرهایی که غذا نخورند قرار ندادیم و آنان جاویدان نبودند (که نمیرند). (۹) سپس ما به وعده ای که به آنان داده بودیم، وفا کردیم. پس آنان و هر که را خواستیم، نجات دادیم و اسراف کاران را هلاک نمودیم. (۱۰) همانا بر شما کتابی نازل کردیم که در آن وسیله ی تذکر شمامست، آیا نمی اندیشید؟! (۱۱) و ما چه بسیار آبادی هایی را در هم شکستیم که مردمش ستمگر بودند و پس از آنها قومی دیگر را پدید آوردیم. (۱۲) پس چون (قوم ستمگر) قهر ما را احساس کردند، ناگهان پا به فرار گذاشتند. (۱۳) (اما خطاب رسید که) فرار نکنید! و به خانه هایتان و آنچه در آن کامیاب بودید باز گردید، شاید مورد سؤال قرار گیرید. (۱۴) (و چون عذاب ما را جدی دیدند) گفتند: ای وای بر ما! همانا ما ستمکار بودیم. (۱۵) و پیوسته، این سخن آنان بود تا ما آنها را درو کرده و خاموش و بی حرکت ساختیم. (۱۶) و ما، آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست برای بازی نیافریدیم. (۱۷) (و) اگر چنانچه (بر فرض محال) می خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم و بازیگر بودیم، هر آینه آن را از پیش خود (و

متناسب با خود) انتخاب می کردیم. (۱۸) (این چنین نیست)، بلکه ما حق را بر باطل می گوئیم تا مغز آن را در هم بشکنند، پس بی درنگ، باطل محو و نابود می شود. و وای بر شما از آنچه (خداوند را به آن) توصیف می کنید (و نسبت لهُو و لعب و بیهوده کاری می دهید). (۱۹) و برای اوست هر که در آسمان ها و زمین است، و کسانی که نزد او هستند (فرشتگان) از (برای) عبادت او تکبر نمی ورزند و خسته و درمانده نمی شوند. (۲۰) آنان شبانه روز بی آنکه سستی ورزند، خداوند را به پاکی می ستایند. (۲۱) آیا خدایانی که (کفار) از زمین انتخاب کرده اند، مردگان را زنده می کنند؟ (۲۲) اگر در آسمان ها و زمین خدایانی جز الله بود، هر آینه آن دو فاسد می شدند، پس منزه است خداوند پروردگار عرش، از آنچه (ناآگاهان) توصیف می کنند. (۲۳) او (خداوند) از آنچه انجام می دهد سؤال نمی شود، اما آنها (مردم، در انجام کارهایشان) مورد بازخواست قرار می گیرند. (۲۴) آیا آنها (کافران) بجای خداوند (یکتا) خدایان دیگری را گرفته اند؟ (پس به آنان) بگو: دلیل تان را بیاورید. این (قرآن) یادنامه ی پیروان من و یادنامه کسانی است که پیش از من بوده اند (که همه بر نداشتن شریک برای خداوند اتفاق کلمه دارند) اما اکثر مردم، حق را نمی دانند، پس (از آن) روی گردانند. (۲۵) و پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست، پس (تنها) مرا پرستید. (۲۶) و (کفار) گفتند: خداوند رحمان (فرشتگان را برای خود) فرزند گرفته است! منزه است او، بلکه (فرشتگان) بندگانی گرامی هستند. (۲۷) (فرشتگان) در کلام بر او سبقت نمی گیرند و (تنها) به فرمان او عمل می کنند. (۲۸) (خداوند) آنچه را که در (آینده) پیش روی

آنان و یا گذشته ی آنهاست می داند و آنان (فرشتگان) جز برای کسی که خداوند رضایت دهد، شفاعت نمی کنند و از ترس او (پروردگار) بیمناکند. (۲۹) و هر که از آنها (فرشتگان) بگوید: من به جای خداوند، معبود هستم، پس جزای او را جهنم قرار می دهیم (و) ما این گونه ستمکاران را کیفر خواهیم داد. (۳۰) آیا کافران نمی بینند که آسمان ها و زمین بهم بسته بودند، پس ما، آن دو را از یکدیگر باز کردیم و هر چیز زنده را از آب پدید آوردیم. آیا (با این همه) باز ایمان نمی آورند.؟ (۳۱) و در زمین، کوه های ثابت و استوار قرار دادیم تا (مبادا زمین) آنها (مردم) را بلرزاند و در لابلای کوه ها، (دره ها و) راه های فراخ پدید آوردیم، شاید که آنها راه یابند. (۳۲) و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم، و آنها از نشانه های آن روی گردانند. (۳۳) و کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید (که) هر یک (از آنها) در مداری (معین)، شناور (و در حرکت) است. (۳۴) و ما پیش از تو برای (هیچ) انسانی، جاودانگی (و زندگی ابدی) قرار ندادیم، پس آیا اگر تو از دنیا بروی، آنان! زندگانی جاوید خواهند یافت؟! (۳۵) هر نفسی چشنده مرگ است و ما شما را با مبتلا کردن به بدی ها و خوبی ها آزمایش می کنیم و بسوی ما باز گردانده می شوید. (۳۶) و هرگاه کفار تو را ببینند، کاری غیر از به استهزا گرفتن تو ندارند، (با همدیگر می گویند:) آیا این است آنکه خدایان شما را (به بدی) یاد می کند؟ در حالی که (این کافران) خودشان، یاد خدای رحمان را منکرند (و به او کفر می ورزند). (۳۷) (طبیعت بشر به گونه ای است که گویا) انسان، از

عجله آفریده شده، (اما) من به زودی آیاتم را به شما نشان خواهم داد، پس (در تقاضای عذاب از من) شتاب مکنید! (۳۸) (کفار، به پیامبر (ص) و مؤمنین) می گویند: اگر راست می گوئید، این وعده (قیامت) کی فرامی رسد؟! (۳۹) اگر کفار می دانستند زمانی که (آنروز فرا رسد، دیگر) نمی توانند شعله های آتش را از صورت ها و از پشت هایشان دور کنند و (هیچ چیز و هیچ) کسی آنان را یاری نمی کند، (این قدر درباره ی قیامت شتاب نمی کردند). (۴۰) بلکه (این آتش) ناگهان به سراغشان خواهد آمد و آنانرا بهت زده خواهد کرد. پس (دیگر) نه قدرت دفع آن را دارند و نه به آنان مهلتی داده خواهد شد. (۴۱) و (نگران مباش که تو را ستها می کنند) همانا پیامبران پیش از تو نیز مورد استهزا قرار گرفتند. اما آنچه (از وعده های الهی) که مسخره می کردند، (سرانجام) دامان (خود) مسخره کنندگان را گرفت! (۴۲) بگو کیست که شما را در شب و روز از (عذاب) خدای رحمان نگاه می دارد؟! اما (باز) آنان از یاد پروردگارشان روی می گردانند. (۴۳) یا برای آنان (کفار) خدایانی است که آنان را در برابر (عذاب) ما حفظ کند؟ آنان، (خدایان ساختگی) قادر بر یاری (و حفظ) خودشان نیستند (تا چه رسد به دیگران)، و از جانب ما نیز همراهی نمی شوند. (۴۴) با این وجود، ما آنها و پدرانشان را (از نعمت ها) کامیاب ساختیم تا آنجا که عمرشان طولانی شد (و مایه ی غرور و طغیان آنان گردید). آیا نمی بینند که ما به سراغ زمین آمده (و با مرگ و فنا) از اطراف آن می کاهیم؟ پس آیا ایشان (بر ما) غلبه دارند؟! (۴۵) بگو: من فقط از طریق وحی به شما هشدار می دهم. اما (ای پیامبر! بدان) کسانی که

(نسبت به شنیدن حق) کر هستند، زمانی که انذار می شوند، آن را نمی شنوند! (۴۶) در حالی که اگر دمی از عذاب پروردگارت به آنان برسد، قطعاً خواهند گفت: ای وای بر ما، همانا ما ستمکار بودیم. (۴۷) و ما برای روز قیامت، ترازوهای عدل برپا خواهیم کرد، پس (در آن روز) هیچ ستمی به احدی نخواهد شد و اگر (عملی) همسنگ دانه ی خردلی (هم) باشد، ما آن را (برای محاسبه) خواهیم آورد و (همین قدر در دقت محاسبات) کافی است که ما حسابرس باشیم. (۴۸) و همانا ما به موسی و هارون، فرقان و نور و تذکری برای اهل پروا عطا کردیم. (۴۹) (همان) کسانی که از پروردگارشان در نهران می ترسند و همانانی که از قیامت در هراسند. (۵۰) و این (قرآن)، مبارک ذکر است که ما آن را (برای شما) نازل کردیم، آیا شما آن را انکار می کنید؟! (۵۱) و همانا ما پیش از این، ابراهیم را به رشد و کمال خود رساندیم، و (البته) ما به (شایستگی های) او آگاه بودیم. (۵۲) آن زمان که به پدرش (عمویش) و قومش گفت: چیست این (صورت ها و) مجسمه های بی روحی که شما همواره آنها را پرستش می کنید؟ (۵۳) (آنان در پاسخ) گفتند: ما پدرانمان را بر پرستش آنها یافته ایم! (۵۴) (ابراهیم) گفت: به تحقیق که شما و پدرانتان در گمراهی آشکار بوده و هستید! (۵۵) (مشرکین به ابراهیم) گفتند: آیا تو سخن حقی برای ما آورده ای یا اینکه شوخی می کنی؟! (۵۶) (ابراهیم) گفت: البتّه (که حق می گویم) پروردگار شما (همان) پروردگار آسمان ها و زمین است که آنها را به وجود آورده و من (نیز) بر این حقیقت از گواهانم. (۵۷) و به خداوند سوگند که در غیاب شما، نقشه ای برای (نابودی) بت هایتان خواهم کشید. (۵۸) پس (سرانجام، ابراهیم در یک فرصت

مناسب) همه آنها، جز بزرگشان را کاملاً خرد کرد تا شاید آنها به سراغ آن بیایند (و وجدان های خفته ی آنها بیدار شود). (۵۹) گفتند: چه کسی با خدایان ما این چنین کرده؟ قطعاً او از ستمکاران است. (۶۰) گفتند: شنیده ایم جوانی که به او ابراهیم می گویند، بت ها را (به بدی) یاد می کرد. (۶۱) (بزرگان قوم) گفتند: پس او را در پیش چشم مردم بیاورید تا آنها (بر مجرم بودن او) گواهی دهند. (۶۲) گفتند: ای ابراهیم! آیا تو با خدایان ما این چنین کرده ای؟ (۶۳) (ابراهیم) گفت: بلکه این بزرگشان آن را انجام داده است. پس از خودشان پرسید اگر سخن می گویند!! (۶۴) پس به (وجدانهای) خود باز گشتند، پس (به یکدیگر یا به خویش) گفتند: هر آینه شما خودتان ستمگر و ظالمید. (۶۵) سپس سرهایشان را به زیر انداختند (و با شرمندگی گفتند: ای ابراهیم!) برستی تو خود می دانی که اینها (حرف نمی زنند و) اهل سخن گفتن نیستند. (۶۶) (ابراهیم) گفت: پس آیا شما بجای خداوند چیزی را می پرستید که هیچ سودی برای شما ندارد و هیچ زیانی به شما نمی رساند؟! (۶۷) اف بر شما و بر هر چه که غیر از خدا پرستش می کنید، آیا نمی اندیشید؟! (۶۸) (اما مشرکان لجوج و متعصب) گفتند: اگر می خواهید کاری انجام دهید! او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید. (۶۹) (و سرانجام آتشی فراهم آورده و ابراهیم را به درون آن انداختند، اما ما) گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش. (۷۰) و (اگر چه) آنان برای او (تدبیر بد و) کیدی را اراده کردند، ولی ما آنها را از زیانکارترین (مردم) قرار دادیم. (۷۱) و ما، او (ابراهیم) و لوط را (از شرّ کافران) به سرزمینی که در آنجا برای همه جهانیان برکت نهادیم، نجات دادیم. (۷۲) و به او

(ابراهیم) اسحاق و یعقوب را به عنوان نعمتی افزون بخشیدیم و همه را از صالحان قرار دادیم. (۷۳) و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند و به آنان، انجام کارهای نیک و برپایی نماز و پرداخت زکاه را وحی کردیم و آنان فقط عبادت کنندگان ما بودند. (۷۴) و به لوط، حکمت و دانش عطا کردیم و او را از قریه ای که کارهای زشت انجام می دادند رهانیدیم، براستی آنان مردمی بد و منحرف بودند. (۷۵) و او را در رحمت خویش وارد نمودیم، همانا او از شایستگان بود. (۷۶) و (به یاد آور ماجرای) نوح را از پیش (از ابراهیم و لوط) آن زمان که (پروردگار خویش را) ندا کرد، پس (خواستہ ی) او را اجابت کردیم، پس او و خاندانش را از (آن اندوه و) بلای بزرگ، نجات بخشیدیم. (۷۷) و او را در برابر مردمی که آیات (و نشانه های) ما را تکذیب می کردند، یاری دادیم، بدرستی که آنان، مردم بدی بودند، پس همه ی آنها را غرق کردیم. (۷۸) و داود و سلیمان (را یاد کن) آن هنگام که درباره کشتزاری که گوسفندان قوم، شبانگاه در آن چریده (و آن را تباہ ساخته بودند) داوری می کردند و ما شاهد داوری آنان بودیم. (۷۹) پس ما آن (حکم حق) را به سلیمان تفهیم کردیم و ما به هر یک از آنها، فرزاندگی و دانش دادیم، و کوه ها را رام داود ساختیم (بطوری که آنها) و پرندگان (با او) تسبیح می گفتند، و ما انجام دهنده ی این کارها بودیم. (۸۰) و به او (داود) فن زره سازی برای شما را آموختیم تا شما را از (خطرات) جنگتان حفظ کند، پس آیا شما شکر گزار هستید؟! (۸۱) و برای سلیمان، تند باد

را (رام نمودیم) که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت قرار دادیم حرکت می کرد و ما به هر چیزی آگاهیم. (۸۲) و گروهی از شیطان ها برای او (سلیمان) عَوّاصی می کردند و کارهای غیر از این را (نیز) انجام می دادند و ما مراقب آنان بودیم، (تا از فرمان او تجاوز و سرکشی نکنند). (۸۳) و (به یاد آور) ایوب را آن زمان که پروردگارش را ندا داد که همانا به من آسیب رسیده و تو مهربانترین مهربانانی. (۸۴) پس (دعای) او را مستجاب کردیم و سختی او را برداشتیم و خاندانش را به او باز گرداندیم و همانندشان را (نیز) با ایشان (همراه کردیم تا هم) رحمتی از سوی ما (به او باشد و هم یادآوری) و پند و تذکری برای عبادت کنندگان. (۸۵) و اسماعیل و ادریس و ذی الکفل (را یاد کن که) همه از شکیبایان بودند. (۸۶) و ما آنانرا در رحمت خویش وارد ساختیم. بدرستی که آنان از شایستگان بودند. (۸۷) و ذوالنون (یونس را به یاد آور) آن هنگام که خشمگین (و با قهر از میان مردم بیرون) رفت و گمان کرد که (آسوده شد و) ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، (اما همین که در کام نهنگ فرو رفت و سبب آن را دانست) پس در آن تاریکی ها ندا داد که (خداوندا!) جز تو معبودی نیست، تو پاک و منزهی (و) همانا من از ستمکاران بودم (و نمی بایست مردم را بخاطر سرسختی شان رها کرده و تنها بگذارم). (۸۸) پس (دعای) او را اجابت کردیم و او را از آن اندوه نجات دادیم و ما این چنین، مؤمنان را نجات می دهیم. (۸۹) و زکریّا (را یاد کن) آنگاه که پروردگارش را ندا داد:

پروردگارا! مرا تنها مگذار و (فرزندی به عنوان وارث به من عطا فرما و البتّه که) تو خود، بهترین وارثان هستی. (۹۰) پس (دعای) او را مستجاب کردیم و یحیی را به او بخشیدیم، و همسرش را (که نازا بود) برای او شایسته قرار دادیم (و این بخاطر آن بود که) همانا آنان در کارهای نیک، شتاب داشتند و ما را از روی امید و بیم می خواندند و در برابر ما فروتن بودند. (۹۱) و (به یاد آور مریم را، آن) زنی که دامان خویش را پاک نگاه داشت، پس ما از روح خود در او دمیدیم و او و پسرش (عیسی مسیح) را (آیت و) نشانه ای برای جهانیان قرار دادیم. (۹۲) همانا این، امت شماسست، امتی یگانه، و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید. (۹۳) و (از تفرقه پرهیزید، ولی با این وجود) آنها کار خود را در میانشان به تفرقه کشاندند (و باید بدانند که سرانجام) همگی به سوی ما بازمی گردند. (۹۴) پس هر که از کارهای نیکو انجام دهد و مؤمن باشد، پس برای تلاش او هیچگونه ناسپاسی نخواهد بود و همانا ما (کارهای نیکویش را) برای او ثبت می کنیم. (۹۵) و بر آبادی هایی که آنها را (بخاطر فساد و گناه) هلاک نمودیم، حرام است (که باز گردند) آنان بازمی گردند. (۹۶) تا آن زمان که (راه بر) یاجوج و ماجوج گشوده شود و آنان از هر بلندی بتازند و به سرعت عبور کنند. (۹۷) و وعده ی حق (برپایی قیامت) نزدیک گردید، پس در آن هنگام چشم های کفّار (از وحشت و حیرت) خیره و باز ماند (و با خود گویند:) ای وای بر ما! براستی که ما از این (روز) در غفلت بودیم، بلکه ما ستمگر

بودیم. (۹۸) (به آنان گفته می شود) همانا شما و هر آنچه که غیر از خدا می پرستید، هیزم دوزخ خواهد بود (و قطعاً) در آن وارد خواهید شد. (۹۹) اگر اینها خدایان (واقعی) بودند، وارد آن (دوزخ) نمی شدند، در حالی که همگی برای همیشه در آن ماندگار خواهند بود. (۱۰۰) برای آنان در دوزخ، ناله ها و نعره ها و آنجا (هیچ پاسخی) نمی شنوند. (۱۰۱) همانا کسانی که قبلاً از جانب ما به آنان (در برابر کارشان، وعده) نیکو داده شده است، آنان از آن (دوزخ) دور نگاهداشته خواهند شد. (۱۰۲) آنان صدای (زبانه کشیدن) آن را نمی شنوند و آنان در آنچه (از نعمتها و کامیابی ها) که دلشان بخواهد جاودانه اند. (۱۰۳) بزرگ ترین وحشت (آن روز) آنان را غمگین (و مضطرب) نمی سازد و فرشتگان به ملاقات (و استقبال) آنان می روند (و می گویند): این روزی است، که به شما وعده داده شده بود. (۱۰۴) روزی که آسمان را همچون طومار نوشته ها درهم می پیچیم (و) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی گردانیم، (این) وعده ای است بر عهده ی ما (و) ما حتماً انجام دهنده (ی وعده های خود) هستیم. (۱۰۵) و همانا در (کتاب آسمانی) زبور (که) بعد از ذکر، (تورات، نازل شده) نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد. (۱۰۶) همانا در این (پیشگویی) برای گروه عبادت کننده، پیام (مهم و) روشنی است. (۱۰۷) و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (۱۰۸) (پس به آنان) بگو: جز این نیست که به من وحی می شود که معبود شما فقط خدای واحد است، پس آیا شما تسلیم هستید؟! (۱۰۹) پس اگر روی برگردانند پس (به آنان) بگو: به همه ی شما بطور یکسان اعلام (خطر) کردم و من نمی دانم آن وعده ای (از عذاب الهی) که به شما داده شده،

آیا (زمان وقوعش) نزدیک است، یا دور! (۱۱۰) همانا او، هم سخن آشکار را می داند و هم آنچه را که پنهان می کنید. (۱۱۱) و من نمی دانم، شاید این (تأخیر در عذاب) برای شما آزمونی باشد و (فرصتی برای) کامیابی تا مدتی دیگر. (۱۱۲) (پیامبر) گفت: پروردگارا! (تو خود میان ما) به حق داوری کن، و (ای کافران بدانید که) پروردگار همه ما خداوند رحمان است که در برابر آنچه (از نسبت های ناروا که او را) توصیف می کنید کمک خواسته می شود. (۱۱۳)

الحج

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، که همانا زلزله ی قیامت، حادثه ای بزرگ و هولناک است. (۲) روزی که آن (زلزله ی بزرگ) را مشاهده کنید (چنان ترس و وحشت وجودتان را فرا خواهد گرفت که) هر شیر دهنده ای، آن را که شیر می دهد فراموش کند و هر بارداری جنین خود را سقط کند، و مردم را مست می بینی، ولی مست نیستند، بلکه عذاب خداوند شدید است. (۳) و بعضی از مردم، ناآگاهانه درباره ی خداوند به جدال می پردازند و از هر شیطان سرکشی پیروی می کنند. (۴) بر او (شیطان) نوشته (و مقزّر) شد که هر کس ولایت او را بپذیرد، قطعاً او را گمراه می کند و به آتش سوزانش می کشاند. (۵) ای مردم! اگر درباره ی قیامت شک دارید (با دقت در وجود خود، شک خود را برطرف کنید)، ما شما را از خاک آفریدیم (مواد غذایی خاک از طریق غذا به صورت نطفه در آمد) سپس از نطفه، سپس (به صورت) خون بسته شده، سپس (به صورت چیزی مانند) گوشت جویده شده که بعضی خلقت کامل یافته (و به دنیا آید) و بعضی خلقت کامل نیافته (و سقط شود)، تا برای شما روشن سازیم (که بر

هر چیز قادریم) و آنچه (از جنین ها) را که بخواهیم تا سرآمدی معین در رحم مادران قرار دهیم، سپس شما را به صورت طفل بیرون می آوریم، تا به حدّ رشد و بلوغ برسید و (در این میان) بعضی از شما می میرند و بعضی به پست ترین مرحله ی زندگی (و پیری) می رسند تا جایی که دانسته های خود را از دست دهند. (همچنین) زمین را (در زمستان) خشک و مرده می بینی اما هنگامی که باران بر آن فرو می باریم، به حرکت درآید و رشد کند و انواع گیاهان زیبا می رویانند. (۶) این (مراحل مختلف خلقت انسان و گیاه) به خاطر آن است که خداوند حق است و اوست که مردگان را زنده می کند و بر هر چیزی تواناست. (۷) و (آفرینش انسان از خاک و رویش گیاهان از زمین خشک، نشانه آن است که) همانا قیامت آمدنی است و شکی در آن نیست، و خداوند تمام کسانی را که در قبرها آرمیده اند زنده خواهد کرد. (۸) و از (میان) مردم کسی است که درباره ی خدا بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنی مجادله می کند. (۹) (و) با تکبر و نخوت، می خواهد مردم را از راه خدا گمراه کند، برای او در دنیا رسوایی است و در قیامت، عذاب سوزان به او می چشانیم. (۱۰) (در قیامت به او گفته می شود: این عذاب سوزان،) به خاطر چیزی است که دست هایت از پیش فرستاده است، و قطعاً خدا به بندگان ظلم نمی کند. (۱۱) و از (میان) مردم، کسی است که خداوند را تنها با زبان می پرستد، (ایمان او در حاشیه و در مرز کفر است و با حادثه ای کوچک می لغزد) پس اگر خیری به او برسد، به آن اطمینان یابد،

و اگر مصیبت و آزمایشی به او رسد، دگرگون شود (و به سوی کفر رود، چنین کسی) در دنیا و آخرت زیانکار است، این همان زیان آشکار است. (۱۲) او غیر از خداوند چیزی را می خواند که نه زبانی به او می رساند و نه سودی، این است همان انحراف دور و عمیق. (۱۳) بلکه کسی را می خواند که ضررش از نفعش بیشتر است، چه مولا و سرپرست بدی و چه همدم زشتی. (۱۴) همانا خداوند اهل ایمان و عمل صالح را در باغهایی (از بهشت) وارد می کند که نهرها زیر درختانش جاری است، (آری) خداوند هر چه اراده کند، انجام می دهد. (۱۵) هر کس گمان می کند که خداوند او (پیامبرش) را در دنیا و آخرت یاری نمی کند، (و در پی مکر و حيله است، بگو تا) طنابی به آسمان بیاویزد (و خود را حلق آویز کند) سپس (آن را) قطع کند، آن گاه بنگرد که آیا نیرنگش خشم او را فرو می نشاند؟! (۱۶) و این گونه قرآن را (به صورت) آیات روشن نازل کردیم، و البته خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند. (۱۷) همانا خداوند در قیامت، میان مؤمنان (مسلمان) و یهودیان و صابئین و نصاری و مجوس و مشرکان، داوری کرده و حق را از باطل جدا خواهد نمود، همانا خداوند بر هر چیزی گواه (و از همه چیز آگاه) است. (۱۸) آیا ندیدی که هر که در آسمان ها و هر که در زمین است و خورشید و ماه ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای خدا سجده می کنند؟ البته بسیاری از مردم (به خاطر تکبر و لجاجت) قطعاً گرفتار عذابند، و هر که را خدا خوار کند، هیچ احترام کننده ای برای او

نیست، همانا خداوند هر چه را بخواهد انجام می دهد. (۱۹) این دو گروه مخالف، (کثیری که اهل عبادتند با کثیر دیگری که مستحق عذابند) درباره ی پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند، پس برای کسانی که کفر ورزیدند، لباس هایی از آتش بریده شده است، (و) از بالای سرشان مایع جوشانی ریخته می شود. (۲۰) با آن مایع جوشان (که از بالای سرشان ریخته می شود)، آنچه در درون و برونشان هست گداخته می شود. (۲۱) و برای (کیفر) آنان گرزهایی از آهن است. (۲۲) و برای (کیفر) آنان گرزهایی از آهن است. هرگاه اراده کنند که از (شدت) غم از دوزخ خارج شوند، به آن برگردانده می شوند (و به آنان گفته می شود): بچشید عذاب سوزان را. (۲۳) قطعاً خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده اند، به باغهایی که نهرا از زیر (درختان) آن جاری است، وارد می کند، در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت داده می شوند و در آن جا لباسشان از ابریشم است. (۲۴) و (اهل بهشت) به سخنان پاک (و دلنشین) هدایت می شوند، و به راه خداوندی که شایسته ی ستایش است رهبری می گردند. (۲۵) همانا کسانی که کفر ورزیدند و (مؤمنان را) از راه خدا و مسجدالحرامی که آن را برای همه ی مردم، ساکنین مکه و یا (مسافرین) بادیه نشین مساوی قرار دادیم باز می دارند (گرفتار قهر ما خواهند بود) و هر کس در مسجدالحرام اراده انحراف و ظلم کند، ما به او عذاب دردناک می چشانیم. (۲۶) و (به یاد آور) آنگاه که مکان کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم (به او گفتیم): هیچگونه شرکی نسبت به من روا مدار و خانه ی مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه دار. (۲۷) و در میان مردم بانگ حج

برآور تا آنان، پیاده و سوار بر مرکبهای چابک از هر راه دوری به سراغ تو بیایند. (۲۸) مردم از هر منطقه ای به حج خواهند آمد) تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند و در ایام مخصوص حج خدا را یاد کنند، به خاطر چهار پایان زبان بسته ای که رزقشان شده؛ پس از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را اطعام کنید. (۲۹) زائران خانه خدا در روز عید قربان که قربانی کردند) سپس باید آلودگی خود را بر طرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد خانه ی کهن و آزاد (کعبه) طواف نمایند. (۳۰) این است (مناسک حج) و هر کس آنچه را خداوند محترم شمرده گرامی بدارد، قطعاً برای او نزد پروردگارش بهتر است، و چهار پایان برای شما حلال شده است، مگر آنچه (حرام بودنش) بر شما خوانده شده باشد پس، از پلیدی بت ها دوری کنید و از کلام باطل اجتناب ورزید. (۳۱) (مراسم حج را انجام دهید) در حالی که همگی خالص برای خدا باشید و هیچگونه شرکی به خداوند نوزید، و هر کس به خدا شرک ورزد، گویی از آسمان سقوط کرده و پرنده ای در فضا او را می رباید، یا باد او را به مکانی دور پرتاب می کند. (۳۲) این است (دستورات خداوند درباره ی حج) و هر کس شعائر خدا را گرامی بدارد، پس این از تقوای دل هاست. (۳۳) در آن (حیوانات قربانی) برای شما تا رسیدن زمان معین (عید قربان) منافی است، سپس جایگاه آن (قربانی) به سوی آن خانه قدیمی و آزاد (کعبه) است. (۳۴) و (شما تنها امتی نیستید که تکلیف قربانی دارد، زیرا) ما برای هر امتی آئینی قرار دادیم، تا هنگام قربانی نام خدا را

بر حیواناتی که خداوند روزی آنان کرده ببرند، خدای شما معبود یکتاست، پس فقط تسلیم او باشید، و به بندگان خالص بشارت ده. (۳۵) (مخبتین) کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود دل هایشان از خوف (خداوند) می لرزد و بر آنچه (از سختی ها) به آنان می رسد مقاومت و برپاکنندگان نمازند و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند. (۳۶) و (قربانی کردن) شترهای چاق را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم، در آنها برای شما خیر است، پس (هنگام قربانی) نام خدا را بر شتران در حالی که ایستاده اند ببرید، پس چون به پهلو افتادند (و جان دادند) از (گوشت) آنها بخورید و به فقیر قانع و فقیری که روی سؤال ندارد اطعام کنید، بدین گونه حیوانات قربانی را برای شما (رام و) مسخر کردیم، تا شاید شکرگزاری کنید. (۳۷) هرگز گوشت و خون حیوانات قربانی، به خداوند نمی رسد، بلکه آنچه از طرف شما به او می رسد تقواست، این گونه خداوند حیوانات را برای شما مسخر نمود، تا خدا را به خاطر آن که شما را هدایت کرده است به بزرگی یاد کنید، و به نیکوکاران بشارت ده. (۳۸) قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند، بی شک خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد. (۳۹) به کسانی که همواره و مظلومانه مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفته اند، اجازه دفاع و جهاد داده شده است و البته خداوند بر یاری آنان قادر است. (۴۰) (مظلومان مورد تهاجم)، کسانی هستند که به ناحق از خانه و کاشانه ی خود رانده شدند (و گناهی نداشتند) جز این که می گفتند: پروردگار ما خدای یکتا است و اگر خداوند (ظلم و تجاوز) بعضی از مردم را به

وسيله ی بعضی دیگر دفع نکند، صومعه ها و کنیسه ها و کلیساها و مساجدی که نام خداوند در آنها بسیار برده می شود ویران می گردد، و قطعاً خداوند کسی که (دین) او را یاری کند، یاری می دهد، همانا خداوند نیرومند شکست ناپذیر است. (۴۱) کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز بر پا می دارند و زکات می دهند و (دیگران را) به خوبی ها دعوت می کنند و از بدی ها باز می دارند؛ و پایان همه ی امور برای خداست. (۴۲) و (ای پیامبر!) اگر تو را تکذیب می کنند (نگران مباش، زیرا) قوم نوح و عاد و ثمود نیز که قبل از اینها بودند، انبیا را تکذیب کردند. (۴۳) و قوم ابراهیم و لوط (نیز) پیامبران را تکذیب کردند. (۴۴) و مردم (منطقه ی) مدین، انبیای خود را تکذیب کردند، موسی (نیز) مورد تکذیب مردم قرار گرفت، پس به کافران مهلت دادم (و همین که در غفلت غرق شدند) آنان را (با قهر خود) گرفتم، پس چگونه خواهد بود عذابی که برای آنان مجهول و مبهم است (و نمی توانند عمق آن را بفهمند).؟ (۴۵) پس چه بسیار از (شهرها و) آبادی هایی که ستمگر بودند و آنها را هلاک کردیم، پس (دیوارهای) آن بر سقف هایش فرو ریخت، (نخست سقف ها ویران شد، و بعد دیوارها و پایه ها بر روی سقف ها سقوط کرد). و چه بسیار چاه (پر آب)، متروکه و چه بسا قصرهای بلند (و محکمی که بی ساکن یا مخروبه شد). (۴۶) آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل هایی داشته باشند که با آن حقیقت را درک کنند، یا گوش هایی که با آن حقیقت را بشنوند؟ البتّه چشم های آنان کور نیست، لکن دل هایی که در سینه دارند

نابینا است. (۴۷) و کفار، تعجیل عذاب الهی را از تو می خواهند، در حالی که خداوند هرگز از وعده ی خود تخلف نمی کند و یک روز نزد پروردگارت به منزله ی هزار سال (از سال هایی) است که شما می شمردید. (۴۸) و چه بسیار از (شهرها و) آبادی هایی که به (اهل) آن مهلت دادم در حالی که ستمگر بودند (اما از این مهلت، برای توبه و اصلاح خویش استفاده نکردند و بر کفر خود اصرار ورزیدند). سپس آن (ها) را با قهر خود گرفتم و بازگشت (همه) به سوی من است. (۴۹) بگو: ای مردم! همانا من برای شما هشدار دهنده ای روشن گرم. (۵۰) پس کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، برایشان آمرزش و رزق نیکو خواهد بود. (۵۱) و کسانی که در (انکار و رد) آیات ما تلاش کردند و چنین پنداشتند که می توانند ما را عاجز کنند (و بر ما پیروز شوند) آنان اهل دوزخند. (۵۲) و پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم، مگر این که هرگاه آرزو می کرد (و برای پیشبرد اهداف الهی خود طرحی می ریخت) شیطان در (طرح و) آرزوی او (مسائلی را) القا می کرد، لکن خداوند هر چه را که شیطان القا می کرد از بین می برد، سپس آیات خود را استحکام می بخشید و خداوند آگاه و حکیم است. (۵۳) تا (خداوند) القائات شیطان را برای آنان که در دل هایشان بیماری است و (نیز) برای سنگدلان، وسیله ی آزمایش قرار دهد و قطعاً ستمگران در دشمنی طولانی و عمیقی هستند. (۵۴) و نیز آگاهان بدانند (وحی کدام است و القائات شیطان کدام، و بدانند) که طرح و آرزوی انبیا حقی است از طرف پروردگار تو، پس به آن ایمان آورند و دل هایشان در

برابر آن خاضع گردد و قطعاً خدا کسانی را که ایمان آورده اند به راه مستقیم هدایت می کند. (۵۵) و کسانی که کفر ورزیدند همواره از قرآن و نبوت در شک هستند، تا زمانی که قیامت به طور ناگهانی برای آنان فرا رسد، یا عذاب روز عقیم (روزی که بر جبران گذشته قادر نیستند) به سراغشان آید. (۵۶) در روز قیامت حکومت برای خداست، او در میان مردم حکم و داوری می کند، پس کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند در باغهای پر نعمت (بهشت) خواهند بود. (۵۷) و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، پس برای آنان عذاب خوارکننده ای است. (۵۸) و کسانی که در راه خدا هجرت کنند، سپس کشته شوند یا بمیرند قطعاً خداوند رزق نیکویی به آنان خواهد داد، و همانا خداوند بهترین روزی دهندگان است. (۵۹) بی تردید خداوند آنان را در محلی وارد می کند که مورد رضایتشان باشد، همانا خداوند دانا و بردبار است. (۶۰) (آری،) مطلب چنین است، و هر کس به همان مقدار که به او ستم شده مجازات کند، ولی باز هم به او ظلم شود، قطعاً خداوند او را یاری خواهد کرد، البتّه خداوند بخشایشگر و آمرزنده است. (۶۱) این (وعده ی نصرت الهی) به خاطر آن است که خداوند (بر هر چیزی قادر است، اوست که) شب را در روز فرو می برد و روز را در شب فرو می برد، البتّه خداوند شنوا و بیناست. (۶۲) این (یاری مظلوم از سوی خداوند) به خاطر آن است که خداوند حق است و هر چه را غیر از او بخوانند، آن باطل است؛ البتّه خداوند، بلند مرتبه و بزرگ است. (۶۳) آیا ندیدی که خداوند از آسمان، آبی فرو فرستاد، آنگاه زمین

سرسبز

گشت؟ همانا خداوند دارای لطف و آگاهی است. (۶۴) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است مخصوص اوست، و در حقیقت، این خداوند است که بی نیاز و ستوده است. (۶۵) آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است و نیز کشتی هایی که به امر او در دریا می روند برای شما رام کرده است و آسمان را نگاه داشته تا جز به فرمان او به زمین نیفتد؟ همانا خداوند نسبت به مردم رأفت و رحمت دارد. (۶۶) و او کسی است که شما را زنده کرد، سپس می میراند، بار دیگر زنده می کند؛ البتّه انسان بسیار ناسپاس است. (۶۷) برای هر امتی (شریعت و) آیینی قرار داده ایم که عمل کننده به آن باشند، پس نباید در (باره ی) این امر با تو نزاع کنند (که چگونه آیین تازه ای آورده ای؛ مردم را) به راه پروردگارت دعوت کن، همانا تو بر هدایت مستقیم قرار داری. (۶۸) و اگر (کفار) با توبه جدال برخاستند، پس به آنان بگو: خداوند به آنچه شما عمل می کنید آگاه تر است. (۶۹) خداوند در روز قیامت، میان شما در مورد آنچه اختلاف می کردید داوری خواهد کرد. (۷۰) آیا نمی دانی که خداوند آنچه را در زمین و آسمان است می داند؟ همه ی اینها در کتاب (ثبت) است و این بر خداوند آسان است. (۷۱) و کافران، غیر از خداوند چیزی را می پرستند که او هیچگونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و آنها نسبت به آن هیچگونه اطلاعی ندارند و برای ستمگران هیچ یاوری نیست. (۷۲) و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، در چهره ی کسانی که کفر ورزیدند ترش روئی و خشم را می شناسی (به گونه ای که) نزدیک است به کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند حمله

کنند، (به آنان) بگو: آیا شما را به چیزی بدتر از این خبر دهم؟ آتشی که خداوند به کافران وعده داده است، و چه بد سرانجامی است. (۷۳) ای مردم! مثلی زده شده است، پس به آن گوش فرا دهید، همانا کسانی که به جای خدای یکتا می خوانید، هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار اجتماع کنند، و اگر آن مگس چیزی از آنان برآید، نمی توانند از او بازستانند، طالب و مطلوب هر دو ناتوانند. (۷۴) (مشرکان)، خدا را آن گونه که شایسته اوست بزرگ نداشتند، قطعاً خداوند نیرومند و شکست ناپذیر است. (۷۵) خداوند از میان فرشتگان و مردم رسولانی برمی انگیزد، همانا خداوند شنوا و بیناست. (۷۶) آنچه را پیش روی آنها و پشت سر آنهاست می داند و تمام کارها به خدا بازگردانده می شود. (۷۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، باشد که رستگار شوید. (۷۸) و در راه خدا جهاد کنید چنان که شایسته جهاد (در راه) اوست، او شما را (بر همه ی اُمّت ها) برگزید و در دین (اسلام) هیچگونه دشواری بر شما قرار نداد، آیین پدرتان ابراهیم (را پیروی کنید)، او که شما را از قبل مسلمان نامید و در این (کتاب نیز مطلب چنین است) تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید، پس نماز بر پا دارید و زکات پردازید و به خدا تمسک جوئید، که او مولا و سرپرست شماست، پس چه خوب سرپرستی است و چه خوب یاوری. (۷۹)

المؤمنون

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) قطعاً مؤمنان رستگار شدند. (۲) همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند. (۳) و آنان که از بیهوده روی گردانند. (۴) و

همان کسانی که زکات می پردازند. (۵) و آنان که دامان خود را (از گناه) حفظ می کنند. (۶) مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند، پس آنان (در آمیزش با این دو گروه) ملامت نمی شوند. (۷) پس هر کس فراتر از این (همسر و کنیز) طلب کند، پس آنانند که متجاوزند. (۸) و (مؤمنان رستگاری) کسانی هستند که امانت ها و پیمان های خود را رعایت می کنند. (۹) و آنان بر نمازهای خود مواظبت دارند. (۱۰) آنان وارثانند. (۱۱) کسانی که بهشت برین را ارث می برند و در آن جاودانه خواهند ماند. (۱۲) و همانا ما انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم. (۱۳) سپس او را به صورت نطفه در جایگاهی استوار قرار دادیم. (۱۴) سپس از نطفه، لخته خونی آفریدیم، آن گاه لخته خون را پاره گوشتی ساختیم و پاره گوشت را به صورت استخوان هایی در آوردیم، و استخوان ها را با گوشت پوشاندیم، سپس آن را آفرینش تازه ای دادیم، پس شایسته ی تکریم و تعظیم است خداوندی که بهترین آفرینندگان است. (۱۵) سپس بدون تردید بعد از آن (مراحل) می میرید. (۱۶) آن گاه شما روز قیامت برانگیخته می شوید. (۱۷) و همانا ما بالای سر شما هفت راه (هفت آسمان) آفریدیم، و ما از خلق (و جهان هستی) غافل نبوده ایم. (۱۸) و از آسمان، آبی به اندازه ی (معین) فرو فرستادیم، و آن را در زمین جای دادیم و همانا ما بر بردن آن قادریم. (۱۹) پس به وسیله ی آن (آب) برای شما باغهایی از خرما و انگور پدید آوردیم که در آن باغها برای شما میوه های فراوانی است و از آنها می خورید. (۲۰) و (نیز) درختی که از طور سینا می روید، (و) روغن و نان خورش برای خورندگان به بار می آورد. (۲۱) و همانا برای شما در چهارپایان عبرتی است، از آنچه در شکم آنهاست

(شیر) به شما می‌نوشانیم و برای شما در آنها منافع زیادی است و از (گوشت) آنها می‌خورید. (۲۲) و بر آنها و بر کشتی‌ها سوار می‌شوید. (۲۳) و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس (به آنها) گفت: ای قوم من! خداوند (یکتا) را بپرستید. جز او هیچ‌خدایی برای شما نیست، آیا پروا نمی‌کنید؟ (۲۴) پس اشراف قوم او که کافر شدند، گفتند: این نوح جز انسانی همانند شما نیست، او می‌خواهد بر شما برتری جوید، اگر خداوند می‌خواست (برای ما پیامبری بفرستد) قطعاً فرشتگانی می‌فرستاد. ما این (دعوت نوح) را در میان (تاریخ) پدران قبلی خود نشنیده‌ایم. (۲۵) او نیست جز مردی که در او نوعی جنون است، پس تا مدتی دربارہ ی او صبر کنید. (تا از جنون نجات یابد یا بمیرد یا ما تکلیف خود را با او روشن کنیم). (۲۶) نوح گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری فرما. (۲۷) پس ما به نوح وحی کردیم: زیر نظر ما و (مطابق دستور و آموزش و) وحی ما کشتی بساز. پس همین که فرمان (قهر) ما آمد و (آب از) تنور جوشید، از تمام حیوانات یک جفت (نر و ماده) و (نیز) اهل خود را در کشتی وارد کن، مگر کسی از آنان را که قبلاً دربارہ ی او سخن به میان آمده (و وعده ی هلاکتش داده شده)، و دربارہ ی ستمگران با من سخن مگو (و نزد من از آنان شفاعت مکن) که قطعاً آنان غرق خواهند شد. (۲۸) پس هنگامی که تو و همراهانت بر کشتی سوار شدید، بگو: حمد و سپاس برای خداوندی است که ما را از گروه ستمگران نجات داد. (۲۹) و بگو: پروردگارا! مرا با نزولی پر برکت فرود آور که تو

بهترین فرود آورندگان. (۳۰) البته در این داستان نشانه هایی است، و همانا ما آزمایش کنندگانیم. (قوم نوح و دیگران را بارها آزمایش کردیم تا زمینه ی توبه و رشد خود را نشان دهند). (۳۱) سپس بعد از قوم نوح، نسل دیگری پدید آوردیم. (۳۲) و در میان آنان (نیز) پیامبری از خودشان فرستادیم که (به آنان گفت:) خدا را بپرستید. جز او معبودی برای شما نیست، پس آیا پروا نمی کنید؟ (۳۳) و اشرافی از قوم آن پیامبر که کفر ورزیدند و دیدار قیامت را تکذیب نمودند و آنان را در دنیا در ناز و نعمت قرار داده بودیم (در پاسخ رسولشان، به مردم) گفتند: این، جر انسانی مثل شما نیست، از هر چه می خورید می خورد، و از هر چه می نوشید می نوشد. (۳۴) و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، قطعاً زیانکارید. (۳۵) آیا (آن پیامبر) به شما وعده می دهد که وقتی مردید و خاک و استخوان هایی (پوسیده) شدید، شما (از قبر) بیرون آورده می شوید؟! (۳۶) دور است دور، آنچه به شما وعده داده شده است. (۳۷) جز این زندگی دنیا چیز دیگری نیست، می میریم و زندگی می کنیم و ما (هرگز پس از مرگ) برانگیخته نخواهیم شد. (۳۸) او جز مردی که بر خدا دروغ می بندد نیست، و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد. (۳۹) (پیامبرشان) گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری فرما. (۴۰) (خداوند) فرمود: قطعاً به زودی پشیمان خواهند شد. (۴۱) پس (قهر خدا آمد و) بانگ مرگبار که سزاوارش بودند آنان را فراگرفت، و آنان را همچون خاشاکی که بر آب افتد قرار دادیم، پس دور باد گروه ستمگر (از رحمت خدا). (۴۲) آن گاه بعد از (هلاکت) این گروه، نسل های دیگری پدید آوردیم. (۴۳) هیچ امتی از اجل (وقت انقراض) خود، نه پیش می افتد و نه

پس می ماند. (۴۴) سپس پیامبران را پی در پی (برای هدایت آن امت ها) فرستادیم، هر بار که پیامبر هر امتی به سراغ قومش آمد، مردم او را تکذیب کردند، پس ما نیز آن گروه را هلاک کردیم و گروه دیگری را دنبال آنان آوردیم، و ما آنان را زبانزد مردم قرار دادیم (تا عبرت گیرند) پس قومی که ایمان نمی آوردند دور (از رحمت خدا) باد. (۴۵) سپس موسی و برادرش هارون را با معجزات و دلیلی روشن فرستادیم. (۴۶) به سوی فرعون و اشراف قوم او، ولی تکبر ورزیدند و آنان مردمی برتری جوی و گردن کش بودند. (۴۷) پس (در پاسخ موسی و هارون) گفتند: آیا ما به دو انسان مانند خودمان ایمان آوریم در حالی که قوم موسی و هارون برده ی ما بودند؟ (۴۸) پس آن دو پیامبر را تکذیب کردند، و از هلاک شدگان گشتند. (۴۹) و همانا ما به موسی کتاب (تورات) دادیم، شاید (مردم به واسطه آن) هدایت شوند. (۵۰) و ما (عیسی) فرزند مریم و مادرش را معجزه قرار دادیم و آن دو را در سرزمینی مرتفع که دارای آرامش و امتیت و آب گوارا بود جای دادیم. (۵۱) ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه (و پسندیده) بخورید و کار نیکو انجام دهید، همانا من به آنچه انجام می دهید آگاهم. (۵۲) و البته این امت شما امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم؛ پس، از من پروا کنید. (۵۳) اما مردم کارشان را در میان خود به پراکندگی کشاندند، هر گروهی به راهی رفتند؛ و هر حزب و دسته ای به آنچه نزدشان بود دل خوش کردند. (۵۴) پس آنان را تا مدتی (که مرگشان فرا رسد یا به عذاب خدا مبتلا شوند) در ورطه ی جهل و غفلت رها کن. (۵۵) آیا گمان می کنند که

آنچه از مال و فرزند به آنان مدد می کنیم (برای این است که). (۵۶) شتاب می کنیم که خیرهایی به آنان برسانیم؟ (هرگز چنین نیست) بلکه آنان نمی فهمند (که مال و فرزند وسیله ی امتحان آنهاست). (۵۷) همانا کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناکند. (۵۸) آنان که به آیات پروردگارشان ایمان دارند. (۵۹) و به پروردگارشان شرک نمی ورزند. (۶۰) و کسانی که (اموال خود را در راه خدا) می دهند آنچه را دادند، در حالی که دل هایشان ترسان است از این که سرانجام به سوی پروردگارشان بازمی گردند. (۶۱) چنین کسانی، در خیرات شتاب می ورزند و همانان هستند که در (رسیدن به) خیرات از یکدیگر پیشی می گیرند. (۶۲) و ما هیچ کس را جز به مقدار توانش تکلیف نمی کنیم، و نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید (و بر کار مردم گواه است) و به آنان هیچ ستمی نمی شود. (۶۳) بلکه دل های آنان از این (کتاب) در غفلت و بی خبری است و علاوه بر این کارهایی (ناروا) دارند که انجام می دهند. (۶۴) (جهل و انحراف و کارهای ناپسند آنان همچنان ادامه دارد) تا زمانی که مرفهان (و خوشگذرانان مغرور) را به قهر خود گرفتار سازیم، در این هنگام است که ناله سر می دهند. (۶۵) (اما به آنان خطاب می شود:) امروز ناله نکنید، قطعاً شما از جانب ما یاری نخواهید شد. (۶۶) همانا آیات من به طور مداوم بر شما تلاوت می شد ولی شما اعراض کرده، به عقب بازمی گشتید. (۶۷) در حالی که نسبت به آن (پیامبر و قرآن) تکبر می ورزیدید و شبها تا دیروقت بدگویی می کردید. (۶۸) آیا آنها در این گفتار (قرآن) نیندیشیدند، یا مطالبی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟ (لذا قبول حرف تازه برای آنان سخت است). (۶۹) یا این که پیامبرشان را نشناختند (و از سوابق او

آگاه نیستند) پس برای همین او را انکار می کنند؟ (۷۰) یا می گویند: او جنون دارد؟ (چنین نیست) بلکه او حق را برای آنان آورده اما بیشترشان از پذیرش حق کراهت دارند. (۷۱) و اگر حق، از هوس های آنان پیروی می کرد، قطعا آسمان ها و زمین و کسانی که در آنها هستند تباه می شدند، ولی ما قرآنی به آنها دادیم که مایه ی یاد (و شرف و حیثیت) آنهاست، اما آنان از این یاد روی گردانند. (۷۲) آیا تو از آنها (در برابر دعوت) مزدی خواسته ای؟ با این که پاداش دائمی پروردگارت بهتر، و او بهترین روزی دهندگان است. (۷۳) و قطعا تو مردم را به راه راست دعوت می کنی. (۷۴) و همانا کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، از راه راست منحرفند. (۷۵) و (بر فرض) اگر به آنها رحم کنیم و (رنج و عذاب و) بدبختی های آنان را برطرف سازیم (به جای هوشیاری و شکر) در طغیانشان کوردلانه اصرار می ورزند. (۷۶) و همانا آنان را به عذاب گرفتار کردیم ولی آنان در برابر پروردگارشان نه تواضع کردند و نه تضرع. (۷۷) (نه رحمت در آنان اثر کرد و نه مؤاخذه، ما هم این سنگدلان را رها می کنیم) تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم (و چنان گرفتار شوند که) ناگهان در آن (عذاب) مأیوس شوند. (۷۸) و اوست که برای شما گوش و چشم ها و دل ها آفرید، چه اندک سپاسگزارید. (۷۹) و اوست که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید. (۸۰) و اوست که زنده می کند و می میراند؛ و رفت و آمد شب و روز برای اوست، پس آیا نمی اندیشید؟ (۸۱) (کافران هدایت نشدند) بلکه سخنی همانند گفته ی پیشینیان گفتند. (۸۲) گفتند: آیا اگر مردیم و خاک و استخوان هایی

(پوسیده) شدیم، آیا ما بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟ (۸۳) البته این حرف از قبل، به ما و پدران ما وعده داده شده، این حرف ها و وعده ها) جز افسانه های پیشینیان (چیزی) نیست. (۸۴) (به این کفار) بگو: اگر شما علم دارید، (بگویید) زمین و کسانی که در آن زندگی می کنند از کیست؟ (۸۵) آنان خواهند گفت: برای خداست بگو: پس آیا متذکر نمی شوید؟ (۸۶) بگو: پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست؟ (۸۷) (باز هم) خواهند گفت: برای خداست، بگو: آیا پروا نمی کنید؟ (۸۸) بگو: اگر می دانید (بگویید) فرمانروایی همه ی موجودات به دست کیست؟ او که (به همه) پناه می دهد، ولی هیچ کس در برابر او پناه ندارد. (۸۹) به زودی خواهند گفت: (حکومت بر همه چیز) برای خداست. بگو: پس چگونه (می گوید) پیامبر شما را سحر کرده و شما مسحور او شده اید؟ (۹۰) (ما آنان را سحر نمی کنیم) بلکه حق را برای آنان آوردیم، و قطعاً آنان دروغ می گویند. (۹۱) خداوند هیچگونه فرزندی برای خود نگرفته است، و هیچ معبودی با او نیست، (و اگر جز این بود)، قطعاً هر خدایی به سوی آفریده ی خود می رفت، و بی تردید بعضی از خدایان بر بعضی دیگر برتری می جست (و با این کار، هستی تباه می شد) خداوند از آنچه (مشرکان) توصیف می کنند منزّه است. (۹۲) (اوست که) به غیب و شهود (نهان و آشکار) آگاه است؛ پس از هر چیزی که برای او شریک می گیرند برتر است. (۹۳) بگو: پروردگارا! اگر آنچه را (از عذاب) که به آنان وعده داده شده (می خواهی) به من نشان دهی. (۹۴) پس پروردگارا! مرا در میان قوم ستمگر قرار مده. (۹۵) و بدون شک ما می توانیم آنچه را به آنان وعده می دهیم به تو نشان دهیم. (۹۶) (ای پیامبر!) بدی را به بهترین روش دفع کن. (در

مقام انتقام و مقابله به مثل مباش) ما به آنچه مخالفان توصیف می کنند آگاه تریم. (می دانیم که مشرکان مرا به گرفتن فرزند و شریک و تو را به سحر و جادو توصیف می کنند). (۹۷) و بگو: پروردگارا! من از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می برم. (۹۸) و پناه می برم به تو ای پروردگارا! از این که آنان نزد من حاضر شوند. (۹۹) (آنها همچنان به توصیف های ناروا و کردارهای زشت خود ادامه می دهند) تا زمانی که مرگ به سراغ یکی از آنان آید، می گوید: پروردگارا! مرا بازگردان. (۱۰۰) شاید در آنچه از خود به جای گذاشته ام (از مال و ...) کار نیکی انجام دهم. (به او گفته می شود): هرگز. این گفته سخنی است که (به ظاهر) می گوید (ولی اگر برگردد، به آن عمل نمی کند) و در پی آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند. (۱۰۱) پس آن گاه که در صور دمیده شود، در آن روز نه میانشان خویشاوندی است و نه (از حال یکدیگر) سؤال می کنند. (۱۰۲) پس کسانی که کفّه ی اعمالشان سنگین باشد، ایشان همان رستگارانند. (۱۰۳) و کسانی که کفّه ی اعمالشان سبک باشد، پس آنان کسانی هستند که سرمایه ی وجود خود را از دست داده اند و همیشه در جهنم می مانند. (۱۰۴) آتش، صورت آنها را می سوزاند و آنان در دوزخ چهره ای (زشت و) عبوس دارند. (با لبهایی وارونه و دندان هایی آشکار). (۱۰۵) (به آنان گفته می شود): آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد، پس آنها را دروغ می شمردید؟ (۱۰۶) گویند: پروردگارا! شقاوت (و بدبختی) ما بر ما چیره شد و گروهی گمراه بودیم. (۱۰۷) پروردگارا! ما را از دوزخ بیرون آور، اگر بار دیگر (به کفر و گناه) بازگشتیم قطعاً ستمگریم. (۱۰۸) (خداوند به آنان) گوید: دور شوید و در آتش گم شوید

و با من سخن مگوئید. (۱۰۹) (آیا شما فراموش کردید که) گروهی از بندگان من می گفتند: پروردگارا! ایمان آوردیم، پس ما را ببخش و بر ما رحم کن و تو بهترین رحم کنندگانی. (۱۱۰) (اما) شما آنان را به مسخره گرفتید تا آن که (با این کار) یاد مرا از خاطرتان بردند و شما به آنان می خندیدید. (۱۱۱) من امروز به خاطر آن که (مؤمنان در برابر تمسخر و خنده ی شما) صبر کردند، به آنان پاداش دادم که ایشانند رستگاران. (۱۱۲) (خداوند) از آنان می پرسد: شما در زمین چقدر ماندید.؟ (۱۱۳) می گویند: یک روز یا بخشی از یک روز، پس از شمارگران پیرس. (۱۱۴) می گوید: اگر آگاهی داشتید می دانستید که جز اندکی درنگ نکرده اید. (۱۱۵) پس آیا گمان می کنید که ما شما را بیهوده آفریده ایم، و شما به سوی ما بازگردانده نمی شوید.؟ (۱۱۶) پس برتر است خداوندی که فرمانروای حق است (از این که شما را بیهوده آفریده باشد) خدایی جز او نیست که پروردگار عرش گرانقدر است. (۱۱۷) و هر کس با خداوند، معبود دیگری بخواند، هیچ برهانی بر کار خود ندارد، پس قطعا حساب او نزد پروردگارش خواهد بود، قطعا کافران رستگار نمی شوند. (۱۱۸) و بگو: پروردگارا! بیامرزش و رحم کن که تو بهترین رحم کنندگانی. (۱۱۹)

النور

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) (این) سوره ای است که آن را نازل کردیم و (عمل به) آن را واجب نمودیم و در آن آیاتی روشن فرستادیم. باشد تا شما متذکر شوید. (۲) هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید در اجرای دین خدا نسبت به آن دو گرفتار دلسوزی نشوید و باید هنگام کیفر آن دو، گروهی از مؤمنین حاضر و ناظر باشند. (۳) مرد زناکار، جز با زن زناکار یا مشرک

ازدواج نکند. و زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد. و این زناشویی بر مؤمنان حرام است. (۴) و کسانی که نسبت زنا به زنان پاکدامن و شوهردار می دهند و چهار شاهد نمی آورند، پس هشتاد تازیانه به آنان بزنید و گواهی آنان را هرگز نپذیرید که آنان همان افراد فاسقند. (۵) مگر کسانی که پس از آن (تهمت زدن) توبه کنند و در مقام اصلاح و جبران برآیند، که قطعاً خداوند آمرزنده و مهربان است. (۶) و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می دهند، و جز خودشان شاهدی ندارند، هر یک از آنان برای اثبات ادعای خود باید چهار مرتبه به خدا سوگند یاد کند که قطعاً از راستگویان است. (۷) و در پنجمین بار بگوید: لعنت خدا بر او اگر از دروغگویان باشد! (۸) و عذاب (سنگسار) را از زن دفع می کند اینکه زن (در مقام دفاع) چهار بار به خدا قسم بخورد که قطعاً آن مرد (در این نسبتی که به من می دهد) از دروغگویان است. (۹) و در مرتبه پنجم بگوید: غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد. (۱۰) و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود (رسوا می شدید و نظام خانوادگی شما مختل می شد) قطعاً خداوند توبه پذیر و حکیم است. (۱۱) قطعاً کسانی که آن دروغ بزرگ را (در میان) آوردند، گروهی متشکل از خود شما بودند. آن را برای خود شرمیندارید، بلکه آن (در نهایت) به نفع شماست. هر کدام از آنان بدان اندازه از گناه که مرتکب شده است، به کیفر رسد و برای کسی که بخش بزرگ گناه را بر عهده گرفته عذاب بزرگی است. (۱۲) چرا زمانی که تهمت را شنیدید، مردان و

زنان با ایمان نسبت به خویش گمان خوب نبردند و نگفتند که این تهمت بزرگ و آشکار است؟ (۱۳) چرا چهار شاهد بر صحت آن تهمت نیاوردند؟ پس چون گواهان لازم را نیاوردند، آنان نزد خدا همان دروغگویانند. (۱۴) و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت بر شما نبود، به سزای آن سخنان که می گفتید، قطعاً عذابی بزرگ به شما می رسید. (۱۵) آنگاه که از زبان یکدیگر (تهمت را) می گرفتید و با آنکه علم نداشتید دهان به دهان می گفتید و این را ساده و کوچک می پنداشتید در حالی که آن نزد خدا بزرگ است. (۱۶) چرا هنگامی که (آن تهمت را) شنیدید، نگفتید: ما را نرسد که در این تهمت بی دلیل (از پیش خود) حرفی بزنیم (پروردگارا) تو منزه‌ای، این بهتانی بزرگ است. (۱۷) خداوند شما را موعظه می کند که اگر ایمان دارید هرگز امثال این تهمت‌ها را تکرار نکنید. (۱۸) خداوند برای شما آیات خود را بیان می کند و او دانا و حکیم است. (۱۹) همانا برای کسانی که دوست دارند زشتی‌ها درباره‌ی اهل ایمان شایع گردد، در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است، و خداوند می داند و شما نمی دانید. (۲۰) و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود و این که خداوند رئوف و مهربان است (شما را سخت کیفر می داد). (۲۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گام‌های شیطان را پیروی نکنید و هر کس پیرو گام‌های شیطان شود پس به درستی که او به فحشا و منکر فرمان می دهد و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، هرگز هیچ یک از شما پاک نمی شد ولی خداوند هر کس را بخواهد پاک می سازد و خداوند شنوا و دانا است. (۲۲) صاحبان مال و وسعت از شما

نباید سوگند بخورند که به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند، بلکه باید عفو و گذشت نمایند و از آنان درگذرند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۳) همانا کسانی که به زنان پاکدامن و بی‌خبر (از هرگونه آلودگی) و با ایمان نسبت بد می‌دهند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی دورند و برایشان عذاب بزرگی است. (۲۴) روزی که زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان علیه آنان به آنچه انجام داده‌اند گواهی می‌دهند. (۲۵) در آن روز، خداوند جزای حق آنان را بی‌کم و کاست خواهد داد و آنان خواهند دانست که خداوند همان حقیقت آشکار است. (۲۶) زنان پلید سزاوار مردان پلیدند و مردان پلید سزاوار زنان پلید، زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک. آنان از آنچه درباره‌شان می‌گویند منزّهند و برای آنان مغفرت و روزی نیکویی است. (۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که منزل شما نیست پیش از آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید، وارد نشوید. این دستور به نفع شماست شاید پند گیرید. (۲۸) پس اگر کسی را در خانه نیافتید، وارد آنجا نشوید تا آنکه (به نحوی) به شما اجازه ی ورود داده شود و اگر به شما گفته شد که برگردید، برگردید (و ناراحت نشوید) این برای پاک ماندن شما بهتر است و خداوند به عملکرد شما آگاه است. (۲۹) بر شما گناهی نیست که به منازل غیر مسکونی که در آن متاعی دارید وارد شوید و خداوند به آنچه ظاهر و یا کتمان می‌کنید آگاه است. (۳۰) به مردان مؤمن بگو: از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیر مجاز) چشم

پوشی

کنند و دامن خود را حفظ نمایند. این برای پاکتر ماندن آنان بهتر است. خداوند به آنچه انجام می دهند آگاه است. (۳۱) و به زنان با ایمان بگو: از بعضی نگاه های خود (نگاه های غیر مجاز) چشم پوشی کنند و دامن های خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به طور طبیعی) ظاهر است، زینت های خود را آشکار نکنند و باید روسری خود را بر گردن خود بیفکنند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه ی آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهر خود، یا پدر خود یا پدرشوهر خود، یا پسر خود، یا پسرشوهر خود (که از همسر دیگر است) یا برادر خود، یا پسر برادر خود، یا پسرخواهر خود، یا زنان (هم کیش) خود، یا آنچه را مالک شده اند (از کنیز و برده)، یا مردان خدمتگزار که تمایل جنسی ندارند، یا کودکانی که (به سن تمیز نرسیده و) بر امور جنسی زنان آگاه نیستند. و نیز پای خود را به گونه ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا باز گردید و به درگاه خدا توبه کنید تا رستگار شوید. (۳۲) پسران و دختران بی همسر و غلامان و کنیزان شایسته ی (ازدواج) خود را همسر دهید. (و از فقر نترسید که) اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی نیازشان می گرداند. خداوند، گشایشگر دانا است. (او از فقر و نیاز شما آگاه است و بر کفایت شما وعده داده است و در عمل به وعده اش قدرت دارد). (۳۳) و کسانی که وسیله ی ازدواج نمی یابند، باید پاکدامنی و عفت پیشه کنند، تا آن که خداوند از کرم خویش، آنان را

بی نیاز نماید. و هر کدام از غلامان و کنیزان شما که خواهان بازخرید و آزادی (تدریجی) خود باشند، (یعنی مایلند با قرارداد کتبی با مالک خویش کار کرده و خود را آزاد نمایند) اگر در آنان خیر و شایستگی دیدید، تقاضای آنان را بپذیرید (و برای کمک به آزاد شدن آنان) از مالی که خدا به شما داده به آنان بدهید، و کنیزان خود را که تصمیم بر پاکدامنی دارند، به خاطر رسیدن به مال دنیا به فحشا وادار نکنید، که هر کس آنان را به فحشا مجبور کند، البته خداوند برای آن کنیزان که به اکراه بدان کار وادار گشته اند، بخشنده ی مهربان است. (۳۴) همانا ما به سوی شما آیاتی روشنگر و از کسانی که قبل از شما بودند نمونه های برجسته و تاریخی و پندی برای پرهیزکاران فرستادیم. (۳۵) خداوند، نور آسمان ها و زمین است. مثل نور او همچون چراغدانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد. آن چراغ در میان شیشه ای و آن شیشه همچون ستاره ای تابان و درخشان. این چراغ از روغن درخت پر برکت زیتون بر افروخته است، که نه شرقی است و نه غربی. (روغنش به قدری صاف و شفاف است) که بدون تماس آتش نزدیک است (شعله ور شود و) روشنی دهد. نوری است بر فراز نور دیگر. هر کس را که خداوند بخواهد به نور خویش هدایت می کند، و خداوند برای مردم مثلها می زند و به هر چیزی آگاه است. (۳۶) (این نور هدایت) در خانه هایی است که خداوند اذن داده رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود و در آنها بامدادان و شامگاهان او را تسبیح گویند. (۳۷) مردانی که هیچ تجارت

و معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات، سرگرم و مشغول نمی کند، از روزی که در آن، دلها و چشم ها دگرگون می شود بیمناکند. (۳۸) تا خداوند به آنان به نیکوتر از آنچه کرده اند پاداش بدهد و از فضل و رحمت خویش بر پاداششان بیفزاید و خداوند هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می دهد. (۳۹) اعمال کسانی که کافر شدند همچون سرابی در بیابان است که تشنه آن را آب می پندارد، (اما) همین که به سراغ آن آمد آن را چیزی نیافت، اما خدا را نزد خویش یافت که حساب او را بی کم و کاست داده و خداوند زود به حسابها می رسد. (۴۰) یا (اعمال کافران) همچون ظلماتی است در دریای عمیق و متلاطم که موجی بزرگ روی آن را می پوشاند، و روی آن، موج بزرگ دیگری است و بالای آن موج (دوم) ابری است، (تاریکی عمق دریا و موج های انباشته و ابرهای تیره) ظلماتی است تو در تو (که کافر در آن ها غرق شده است) همین که دست خود را (برای نجات) برآورد، احدی دست او را نمی بیند (تا نجاتش دهد). و خداوند برای هر کس نوری قرار ندهد، هیچ نوری برای او نخواهد بود. (۴۱) آیا ندیدی که هر کس در آسمان ها و زمین است و پرندگان بال گشوده (در پرواز) برای خدا تسبیح می گویند، و هر یک نیایش و تسبیح خود را می داند؟ و خداوند به آنچه می کنند داناست. (۴۲) و فرمانروایی آسمان ها و زمین، مخصوص خداست. و بازگشت (همه) به سوی اوست. (۴۳) آیا ندیدی که خداوند ابرها را به آرامی می راند. سپس بین اجزای آن پیوند برقرار می کند. آن گاه آن را

متراکم می سازد. پس می بینی که باران از میان آن بیرون می آید و خداوند از آسمان از ابرهائی که مثل کوه است تگرگ فرو می فرستد. پس (زیان) آن را به هر کس بخواهد می رساند و از هر کس بخواهد بازمی دارد. نزدیک است درخشندگی برق آن ابر، چشم ها را کور کند. (۴۴) خداوند، شب و روز را جا به جا می کند. همانا در این (قدرت نمایی) برای اهل بصیرت، عبرتی قطعی است. (۴۵) و خداوند هر جنبه ای را از آب آفرید، پس برخی از آنها بر شکم خویش راه می رود و برخی بر دو پا راه می رود و بعضی بر چهار پا راه می رود. خداوند هر چه بخواهد می آفریند، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست. (۴۶) به راستی که آیاتی روشنگر نازل کردیم و خداوند هر کس را بخواهد به راه مستقیم هدایت می کند. (۴۷) و می گویند: ما به خدا و رسول ایمان آوردیم و پیروی نمودیم. اما گروهی از آنان بعد از این اقرار، (به گفته خود) پشت می نمایند و آنان مؤمن واقعی نیستند. (۴۸) و هرگاه به سوی خدا و رسول او خوانده شوند، تا پیامبر میانشان داوری کند، آن گاه است که گروهی از آنان، روی گردان می شوند. (۴۹) و (لی) اگر حق با آنان (و به سودشان) باشد، با رضایت و تسلیم به سوی پیامبر می آیند. (۵۰) آیا در دل هایشان مرضی است، یا دچار شک شده اند و یا بیم آن دارند که خداوند و پیامبرش حقی از آنان را ضایع کنند؟ (نه)، بلکه آنان همان ستمگرانند. (۵۱) (ولی) چون مؤمنان را به خدا و پیامبرش فراخوانند، تا میانشان داوری کند، سخنان جز این نیست که می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم، اینان همان رستگارانند. (۵۲) و هر کس از خدا و

رسولش پیروی کند و از خدا بترسد و از او پروا کند، پس آنان همان رستگارانند. (۵۳) و سخت ترین سوگندهایشان را به نام خدا خوردند، که اگر (برای جبهه و جهاد) دستور دهی، قطعا از خانه خارج می شوند. (به آنان) بگو: سوگند نخورید، اطاعت پسندیده (بهتر از گزافه گویی است)، البته خداوند به کارهایی که انجام می دهید آگاه است. (۵۴) بگو: خدا را اطاعت کنید و پیامبر را نیز اطاعت کنید. پس اگر سرپیچی نمایید، (به او زبانی نمی رسد، زیرا) بر او فقط آن (تکلیفی) است که به عهده اش گذاشته شده و بر شما نیز آن (تکلیفی) است که به عهده ی شما گذاشته شده است. و اگر اطاعتش کنید، هدایت می یابید و پیامبر جز تبلیغ روشن مسئولیتی ندارد. (۵۵) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتما آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعا دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امتیث را جایگزین کند، تا (تنها) مرا بپرستند و چیزی را شریک من نکنند، و هر کس بعد از این، کفر ورزد پس آنان همان فاسقانند. (۵۶) و نماز را به پا دارید و زکات را پردازید و از پیامبر اطاعت کنید. باشد تا مورد رحمت قرار گیرید. (۵۷) هرگز گمان مبر که کفار ما را در زمین عاجز و درمانده می کنند. جایگاه آنان آتش است و به راستی که سرانجام بدی است. (۵۸) ای کسانی که ایمان آورده اید! باید بردگانی که مالکشان هستید و کسانی از شما که به سنّ بلوغ

و احتلام نرسیده اند در سه وقت از شما (برای ورود به اتاق) اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز، هنگامی که لباس از تن بیرون می کنید، و بعد از نماز عشا. این سه وقت هنگام خلوت شماست، در غیر این سه وقت بر شما و بر آنان گناهی نیست که بدون اذن وارد شوند، زیرا آنان پیوسته با شما در رفت و آمد هستند و بعضی بر بعضی وارد می شوند. خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می کند و خداوند عالم و حکیم است. (۵۹) و هر گاه کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، پس باید همانند بزرگسالانی که قبلاً بالغ شده اند، (در همه وقت) اجازه (ورود) بگیرند. خداوند این گونه آیات خود را برای شما بیان می کند و خداوند دانا و حکیم است. (۶۰) و بر زنان وانشسته ای که امیدی به ازدواج ندارند، باکی نیست که پوشش خود را زمین گذارند، به شرطی که زینت خود را آشکار نکنند. و عفت ورزیدن برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و آگاه است. (۶۱) بر نابینا و لنگ و بیمار و بر خود شما ایرادی نیست که بخورید از خانه های خود یا خانه های پدرانتان یا خانه های مادرانتان یا خانه های برادرانتان یا خانه های خواهرانتان یا خانه های عموهایتان یا خانه های عمه هایتان یا خانه های دایی هایتان یا خانه های خاله هایتان یا آن خانه هایی که کلیدهایش را در اختیار دارید یا خانه های دوستانتان. بر شما باکی نیست که به طور دسته جمعی بخورید یا پراکنده (و تنها)، و چون وارد هر خانه ای شدید پس بر یکدیگر سلام کنید، که تحیت الهی است و مبارک و پسندیده است. خداوند آیات خود را این چنین برای

شما بیان می کند. باشد که بیندیشید. (۶۲) مؤمنان (واقعی) تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده و هر گاه با پیامبر بر کاری اجتماع نمایند، بدون اجازه او نمی روند، (ای پیامبر!) کسانی که اجازه می گیرند آناند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس اگر برای بعضی از کارهای خوداز تو اجازه خواستند، به هر کس از آنان که خواستی (و مصلحت بود) اجازه بده و برای آنان از خدا طلب آموزش کن، که خداوند بخشنده و مهربان است. (۶۳) آن گونه که یکدیگر را صدا می زنید پیامبر را صدا نزنید. خدا می داند چه کسانی از شما مخفیانه و با پنهان شدن پشت سر دیگری از صحنه می گریزد. پس کسانی که از فرمان او سرپیچی می کنند، باید از این که فتنه ای دامنشان را بگیرد، یا به عذاب دردناکی گرفتار شوند بترسند. (۶۴) آگاه باش! آنچه در آسمان ها و زمین است مخصوص خداست. بی شک آنچه را شما بر آن هستید (از افکار و نیات) می داند و روزی را که به سوی او بازگردانده می شوند، (می داند) پس آنان را به آنچه عمل کرده اند آگاه می کند و خداوند به همه چیز آگاه است. (۶۵)

الفرقان

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) مبارک است آن که قرآن، وسیله ی شناخت حق از باطل را بر بنده اش نازل کرد، تا برای جهانیان مایه ی هشدار باشد. (۲) خداوندی که فرمانروایی آسمان ها و زمین برای اوست، و هیچ فرزندی اختیار نکرده و برای او شریکی در فرمانروایی نیست، و هر چیزی را آفرید و آن گونه که باید اندازه گیری کرد. (۳) (مشرکان) به جای او خدایانی گرفتند که هیچ چیز نمی آفرینند، ولی خود آفریده شده اند. (این معبودهای دروغین حثی) مالک هیچگونه ضرر

و نفعی برای خود نیستند و (برای دیگران) اختیار مرگ و حیات و قیامت را ندارند. (۴) و کسانی که کافر شدند، گفتند: این قرآن جز افترا بی که او بر خدا بسته است چیزی نیست و گروه دیگری او را بر این کار یاری کرده اند. پس به راستی (با این سخن) ظلم و دروغی بزرگ را مرتکب شده اند. (۵) و (کفار) گفتند: (قرآن) افسانه های پیشینیان است که او برای خود نسخه ای نوشته و هر صبح و شام بر او دیکته می شود. (۶) بگو: (این قرآن را) کسی فرستاد که اسرار را در آسمان ها و زمین می داند، قطعا او آمرزنده و مهربان است. (۷) (کفار) گفتند: این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ چرا فرشته ای به سوی او نازل نشده است تا همراه او بیم دهنده باشد (و ادعای او را تأیید کند).؟ (۸) یا (چرا) به او گنجی عطا نشده، یا چرا برای او باغی نیست تا از (محصولات) آن بخورد (و امرار معاش کند)؟ و ستمگران (به مؤمنان) گفتند: شما جز مرد سحر شده ای را پیروی نمی کنید. (۹) بنگر که چگونه برای تو مثل ها زدند (و تو را چگونه وصف کردند) پس گمراه شدند؛ در نتیجه نمی توانند راهی (به حقیقت) بیابند. (۱۰) مبارک است خدایی که اگر اراده کند، بهتر از آنچه آنها توقع دارند، برای تو قرار می دهد، باغهایی که از زیر درختان آن نهرها جریان دارد و قصرهایی را برای تو قرار می دهد. (۱۱) (نه تنها تو را باور ندارند) بلکه قیامت را انکار کرده اند، و ما برای منکران قیامت آتشی فروزان و سوزان آماده کرده ایم. (۱۲) چون (دوزخ) از فاصله ی دور آنان را ببیند، خشم و خروشی از آن می شنوند. (۱۳) و چون به

زنجیر بسته شده، در مکانی تنگ از آن انداخته شوند، آنجاست که ناله زنند (و مرگ خود را می خواهند). (۱۴) به آنان گفته می شود: امروز یک بار درخواست هلاکت نکنید، بلکه بسیار درخواست هلاکت کنید. (۱۵) (ای پیامبر!) به مردم بگو: آیا این (ذلت و عذاب) بهتر است یا بهشت جاودانی که به پرهیزکاران وعده داده شده و سزا و سرانجام آنان است؟ (۱۶) برای اهل بهشت آن چه بخواهند موجود است. آنان برای همیشه در آن جا هستند. (این پاداش) بر پروردگارت وعده ای است واجب. (۱۷) (و یاد کن) روزی که خداوند مشرکان و آن چه را به جای خدا می پرستیدند (در یک جا) محشور کند، پس (به معبودهای آنان) گوید: آیا شما بندگان مرا گمراه کردید، یا خودشان راه را گم کردند؟ (۱۸) (معبودها) گویند: خدایا! تو منزهی، ما را نرسد که غیر از تو سرپرستی بگیریم ولی تو آنان و پدرانشان را چنان کامیاب گرداندی که یاد (تو و قرآن) را فراموش کردند و گروهی هلاک و سر در گم شدند. (۱۹) (خداوند در آن روز به مشرکان می فرماید:) این معبودها گفته های شما را انکار کردند؟ نه برای برطرف کردن قهر خدا توانی دارید، نه می توانید حمایتی (از کسی) دریافت کنید و هر کس از شما ظلم کرده (و شرک ورزد) عذاب بزرگی به او می چشانیم. (۲۰) و ما پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر آن که آنان (نیز) غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند، و ما بعضی از شما را وسیله ی آزمایش بعضی دیگر قرار دادیم. آیا صبر و تحمل از خود نشان می دهید؟ و پروردگار تو همواره بیناست. (۲۱) و کسانی که به ملاقات ما امید ندارند (و رستاخیز را قبول نمی کنند) گفتند: چرا

فرشتگان بر ما نازل نمی شوند و یا چرا پروردگاران را نمی بینیم؟ قطعاً آنان در نفس خود استکبار ورزیدند و سرکشی بزرگی کردند. (۲۲) روزی که فرشتگان را می بینند، آن روز برای گناهکاران مژده ای نیست، (بلکه روز کیفر آنهاست) و (فرشتگان به مجرمان) می گویند: (بهشت برای شما) حرام و ممنوع است. (۲۳) ما به سراغ هر عملی که (به عنوان خیرات) انجام داده اند می رویم و آن را غباری پراکنده می سازیم. (۲۴) در آن روز، اهل بهشت جایگاه خوش و آسایشگاه نیکویی دارند. (۲۵) و روزی که آسمان با ابرها بشکافد و فرشتگان فرو آیند فرو آمدنی. (۲۶) در آن روز، فرمانروایی بر حق، از آن خدای رحمان است و روزی است که بر کافران سخت و سنگین است. (۲۷) و روزی که ستمکار (مشرک) دو دست خود را (از روی حسرت) به دندان می گزد و می گوید: ای کاش با پیامبر همراه می شدم. (۲۸) ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود نمی گرفتم. (۲۹) رفیق من بعد از آن که حق از طرف خدا برای من آمد، مرا گمراه ساخت. و شیطان هنگام امید، انسان را رها می کند. (۳۰) پیامبر (در روز قیامت از روی شکایت) می گوید: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند. (۳۱) و ما این گونه برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم، و پروردگارت برای راهنمایی و حمایت تو کافی است. (۳۲) و کسانی که کفر ورزیدند، (بهانه ی دیگری آورده و) گفتند: چرا (تمام) قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟ (غافل از آن که ما) این گونه (نازل کردیم) تا دل تو را به وسیله ی آن استوار کنیم و آن را به تدریج و آرامی بر تو خواندیم. (۳۳) و هیچ مثلی (از بهانه ها و طعنه ها) برای تو نیاورند، مگر آن که پاسخ به حق

و بهترین بیان را برای تو آوردیم. (۳۴) کسانی که بر صورت هاشان به سوی جهنم محشور می شوند، آنان بدترین مکان را دارند و منحرف ترین راه را می روند. (۳۵) و همانا به موسی کتاب (تورات) دادیم و برادرش هارون را کمک و همراه او قرار دادیم. (۳۶) پس به آن دو گفتیم: (برای اتمام حجت) به سوی قومی که آیات ما را تکذیب کردند بروید. آنگاه آنان را (به خاطر عنادشان) به سختی قلع و قمع کردیم. (۳۷) و قوم نوح که پیامبران را تکذیب کردند، غرق نمودیم و آنان را برای مردم (تاریخ) عبرت قرار دادیم و برای ستمکاران عذابی دردناک آماده نمودیم. (۳۸) و قوم عاد و ثمود و اصحاب رس و نسل های فراوان میان آنان را (هلاک کردیم). (۳۹) و برای هر یک نمونه هایی (برای پند گرفتن) آوردیم (و چون عبرت نگرفتند) همه را به سختی نابود کردیم. (۴۰) همانا مشرکان مکه به هنگام مسافرت به شام) بر منطقه ای که باران بلا بر آن باریده بود (و سنگباران شده بودند) گذر کردند. آیا آن را نمی دیدند (تا پند گیرند؟) چرا، (منطقه ی قوم لوط را دیدند ولی عبرت نگرفتند زیرا) آنان به قیامت و رستاخیز امید و ایمانی نداشتند. (۴۱) و هرگاه (کفار) تو را ببینند، جز به مسخره ات نگیرند، (حرف آنان این است که) آیا این همان کسی است که خداوند او را پیامبر قرار داده است؟ (۴۲) اگر ما بر پرستش بت ها مقاومت نمی کردیم، نزدیک بود که (این شخص) ما را از خدایانمان منحرف کند. آن گاه که عذاب را ببینند خواهند دانست که چه کسی گمراه تر است. (۴۳) آیا کسی که هوای نفس خود را معبود خود قرار داده است دیده ای؟ آیا تو می توانی وکیل او باشی

(و به دفاع از او برخیزی و او را هدایت کنی).؟(۴۴) آیا گمان می کنی که اکثر کفار (حق را) می شنوند و (در آن) می اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه گمراه ترند. (زیرا ارزش انسان به تعقل و بینش اوست). (۴۵) آیا به (قدرت) پروردگارت نمی نگری که چگونه سایه را گسترده است؟ و اگر می خواست آن را ساکن (و ثابت) قرار می داد (تا همیشه شب یا بین الطلوعین باشد) سپس خورشید را دلیل و نمایانگر آن قرار دادیم. (۴۶) سپس آن سایه را (اندک اندک) به سوی خود جمع می کنیم. (۴۷) و او کسی است که شب را برای شما پوشش و خواب را آرام بخش گردانید و روز را زمان برخاستن (و تلاش) شما قرار داد. (۴۸) و او خداوندی است که بادهای را مژده ای پیشاپیش (باران) رحمتش فرستاد و از آسمان، آبی پاکیزه کننده فرو فرستادیم. (۴۹) تا به وسیله ی آن سرزمین مرده (و پژمرده و خشک) را زنده گردانیم و آن را به چهارپایان و مردمان بسیار از مخلوقات خود بنوشانیم. (۵۰) و همانا ما آن (آیات قرآن یا ابر و باران) را در میانشان گونه گون کردیم تا شاید به یاد خدا بیفتند اما اکثر مردم سر باز زدند و ناسپاسی کردند. (۵۱) و اگر می خواستیم در هر آبادی، (پیامبر و) هشداردهنده ای برمی انگیزیم (تا کار تو سبک شود، ولی این کار لزومی نداشت). (۵۲) پس، از کافران پیروی نکن و به وسیله ی قرآن (یا ترک پیروی از آنان) با آنان به جهادی بزرگ پرداز. (۵۳) و او خدایی است که دو دریا را به هم پیوست، این یکی شیرین و گوارا و آن دیگری شور و تلخ و میان این دو حایلی قرار داد که همیشه از هم جدا باشند. (۵۴) و او کسی

است که انسان را از آب آفرید و او را دارای پیوند نسبی و سببی گردانید (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)، و پروردگار تو همواره تواناست. (۵۵) و آنان غیر از خداوند چیزهایی را می پرستند که نه سودشان می دهد و نه زیانشان می رساند؛ و کافر همواره در برابر پروردگارش پشتیبان (گمراهان و خطوط انحرافی) است. (۵۶) و تو را جز مژده رسان و بیم دهنده نفرستادیم. (۵۷) بگو: از شما هیچگونه مزدی در برابر رسالتم درخواست نمی کنم، مگر (این که) کسی بخواهد (با راهنمایی من) به سوی پروردگارش راهی در پیش گیرد. (۵۸) و بر (خدای) زنده ای که هرگز نمی میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی همین بس که او به گناهان بندگانش آگاهی دقیق دارد. (۵۹) خدایی که آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روزگار آفرید. سپس بر عرش (قدرت) استیلا یافت (و به تدبیر جهان پرداخت). اوست خدای رحمان، پس از او بخواه که بر همه چیز آگاه است، (یا درباره او از خبره ای بپرس که می داند). (۶۰) و چون به آنان گفته شود: (خدای) رحمان را سجده کنید، گویند: رحمان چیست؟ آیا به چیزی که تو فرمانمان می دهی سجده کنیم؟ (این دعوت) بر رمیدگی آنان می افزاید. (۶۱) فرخنده و مبارک است کسی که در آسمان برج هایی قرار داد، و در آن، خورشید و ماه تابانی نهاد. (۶۲) و اوست که شب و روز را برای هر کس که بخواهد عبرت گیرد یا بخواهد سپاسگزاری نماید، جانشین یکدیگر قرار داد. (۶۳) و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین بی تکبر راه می روند، و هرگاه جاهلان آنان را طرف خطاب قرار دهند (و سخنان نابخردانه گویند) با ملایمت (و

سلامت نفس) پاسخ دهند. (۶۴) و آنان برای پروردگارشان، در حال سجده و قیام شب زنده داری می کنند. (۶۵) آنان که می گویند: پروردگارا! عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذاب آن دامنگیر است. (۶۶) به درستی که دوزخ، جایگاه و منزلگاه بدی است. (۶۷) آنان که هرگاه انفاق کنند، نه از حد گذرند و نه تنگ گیرند و میان این دو روش اعتدال دارند. (۶۸) و (بندگان خاص خدا) کسانی هستند که با خداوند، خدای دیگری را نمی خوانند و انسانی که خداوند (خونش را) حرام کرده است، جز به حق نمی کشند، و زنا نمی کنند، و هر کس چنین کند عقوبت گناهش را خواهد دید. (۶۹) در روز قیامت عذاب او دوچندان می شود و همیشه به خواری در آن خواهد ماند. (۷۰) مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند. پس اینان (کسانی هستند که) خداوند بدی هایشان را به نیکی تبدیل می کند، و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۷۱) و هر کس توبه کند و کار شایسته انجام دهد، در حقیقت به سوی خدا بازگشتی پسندیده دارد (و پاداش خود را از او می گیرد). (۷۲) و (بندگان خدا) کسانی هستند که در مجلس (گفتار و کردار) باطل حاضر نمی شوند و چون بر لغوی عبور کنند کریمانه بگذرند. (۷۳) و آنان کسانی هستند که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور (چشم و گوش بسته) به سجده نمی افتند (بلکه عمل آنان آگاهانه است). (۷۴) و کسانی اند که می گویند: پروردگارا! به ما از ناحیه ی همسران و فرزندانمان مایه ی روشنی چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده. (۷۵) آنان (بندگان رحمن) به خاطر آن که صبر کردند، غرفه های بهشتی داده می شوند و در آن جا با تحیت و سلام گرم روبرو خواهند شد. (۷۶) در

آن جا، جاودانه هستند. چه نیکو جایگاه و منزلگاهی است. (۷۷) بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگار من برای شما وزن و ارزشی قائل نیست (زیرا سابقه ی خوبی ندارید). شما حق را تکذیب کرده اید و به زودی کیفر تکذیبتان دامن شما را خواهد گرفت. (۷۸)

الشعراء

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) طأ، سین، میم. (۲) این است آیات کتاب روشنگر. (۳) گویی می خواهی به خاطر آن که مشرکان ایمان نمی آورند، جان خود را از دست بدهی. (۴) اگر بخواهیم، معجزه ای از آسمان بر آنان فرود آوریم، تا در برابر آن، گردن هایشان خاضع گردد (و با اکراه و اجبار مؤمن شوند، اما سنت الهی چنین نیست). (۵) هیچ تذکر تازه ای از (طرف) خداوند مهربان برایشان نیامد، مگر آن که از آن روی گردان بودند. (۶) پس آنان تکذیب کردند، و به زودی اخبار (کیفر) آنچه را که به مسخره می گرفتند به آنان خواهد رسید. (۷) آیا به زمین نگاه نکردند که از هر نوع (رویدنی) نیکو چقدر رویانندیم؟ این است آیات کتاب روشنگر. (۸) قطعا در این (آفرینش نیکو) عبرت و نشانه ای است، ولی بیشترشان ایمان آورنده نیستند. (۹) و به راستی پروردگار تو همان نفوذ ناپذیر مهربان است. (۱۰) و (یادکن) زمانی که پروردگارت موسی را ندا داد که به سوی قوم ستمکار برو. (۱۱) قوم فرعون؛ آیا پروا نمی کنند؟! (۱۲) (موسی) گفت: پروردگارا! می ترسم مرا تکذیب کنند. (۱۳) و سینه ام تنگ می گردد و زبانم باز نمی شود، پس هارون را (نیز) رسالت بده (تا مرا یاری کند). (۱۴) و آنان بر (گردن) من (ادّعی) گناهی دارند، پس می ترسم مرا بکشند (و این رسالت به پایان نرسد). (۱۵) خداوند فرمود: چنین نیست، پس (تو و هارون) همراه با معجزات ما حرکت کنید که ما با شما و شنونده (گفتگوهایتان) هستیم. (۱۶) به سراغ فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده ی پروردگار جهانیا نیم. (۱۷) بنی اسرائیل

را (آزاد کن و) همراه با ما بفرست. (۱۸) (فرعون) گفت: آیا ما تو را در کودکی نیپروردیم و سالیانی از عمرت را در نزد ما نماندی؟ (۱۹) و با این حال انجام دادی آن کاری را که انجام دادی (و یکی از افراد ما را با مشت کشتی)، در حالی که تو از ناسپاسانی. (۲۰) (موسی) گفت: آن (قتل) را زمانی انجام دادم که از سرگشتگان بودم. (۲۱) و چون از شما ترسیدم از نزد شما گریختم، سپس پروردگارم به من حکمت (و دانش) بخشید و مرا از پیامبران قرار داد. (۲۲) و (آیا) این که بنی اسرائیل را بنده ی خود ساخته ای نعمتی است که منتش را بر من می نهی؟ (چرا نباید من در خانه ی پدرم رشد کنم؟). (۲۳) (فرعون) گفت: پروردگار جهانیان چیست؟ (۲۴) (موسی) گفت: پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست، اگر باور دارید. (۲۵) (فرعون) به اطرافیان خود گفت: آیا نمی شنوید (چه حرف هایی می زند).؟ (۲۶) (بار دیگر موسی) گفت: او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست. (۲۷) (فرعون) گفت: قطعاً پیامبرتان که به سوی شما فرستاده شده، سخت دیوانه است. (۲۸) (موسی) گفت: (او) پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است می باشد، اگر تعقل کنید. (۲۹) (فرعون) گفت: (ای موسی!) اگر معبودی غیر از من برگزینی قطعاً تو را از زندانیان قرار خواهم داد. (۳۰) (موسی) گفت: (حتی) اگر نشانه ی آشکاری برایت بیاورم (که رسالت مرا اثبات کند).؟ (۳۱) (فرعون) گفت: اگر راست می گویی آن نشانه را بیاور. (۳۲) پس عصای خود را بیفکند، پس ناگهان آن عصا ازدهایی آشکار شد. (۳۳) و دست خود را (از گریبانش) بیرون آورد، پس ناگهان آن دست برای تماشاگران سفید و درخشان نمود. (۳۴) (فرعون) به اشرافیان اطرافش گفت: واقعا این مرد، ساحری کاردان است. (۳۵) او می خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان

آواره کند، پس چه رأی و دستور می دهید؟ (۳۶) گفتند: به موسی و برادرش فرصت بده و در تمام شهرها افرادی را برای گردآوری (ساحران) اعزام کن. (۳۷) تا هر ساحر ماهری را نزد تو بیاورند. (۳۸) پس ساحران در موعد روزی معلوم، گردآوری شدند. (۳۹) و به مردم گفته شد: آیا شما نیز جمع می شوید؟ (۴۰) به این امید که اگر ساحران غالب شدند از آنان پیروی کنیم. (۴۱) پس همین که ساحران (از شهرها به نزد فرعون) آمدند به او گفتند: آیا اگر ما پیروز شویم پاداشی داریم؟ (۴۲) فرعون گفت: آری، در این صورت (علاوه بر پاداش) حتما شما از مقرّبان دربار خواهید بود. (۴۳) (روز موعود فرا رسید و همه ی ساحران جمع شدند، موسی به آنان گفت: بیفکنید آنچه را می خواهید بیفکنید. (۴۴) پس (ساحران) ریسمان ها و عصاهای خود را (به زمین) افکندند و گفتند: به عزّت فرعون سوگند که قطعاً ما پیروزیم. (۴۵) سپس موسی عصایش را افکند، پس ناگهان (اژدهایی شد و) هر چه را به نیرنگ ساخته بودند بلعید. (۴۶) آنگاه ساحران بی اختیار به سجده درافتادند. (۴۷) گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. (۴۸) پروردگار موسی و هارون. (۴۹) فرعون (که به خشم آمده بود) گفت: آیا قبل از آن که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ بی شک او بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته است. پس به زودی کیفر خود را خواهید دانست. حتما دست ها و پاهایتان را از چپ و راست قطع خواهم کرد، و همگی شما را به دار خواهم آویخت. (۵۰) ساحران گفتند: باکی نیست، ما به سوی پروردگار خود بازمی گردیم. (۵۱) ما امید داریم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد، چرا که ما نخستین ایمان آورندگان هستیم. (۵۲) و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه (از مصر) کوچ ده،

زیرا شما تعقیب خواهید شد. (۵۳) پس فرعون (از این حرکت آگاه شد و) به شهرها مأمور فرستاد تا مردم را گرد آورند. (۵۴) تبلیغات فرعونیان درباره ی موسی و یارانش این بود: همانا اینها گروهی اندکند. (۵۵) که نسبت به ما خشم و نفرت دارند. (۵۶) ولی ما همگی آماده ی دفاع هستیم. (۵۷) لذا آنان را (به گمان تعقیب بنی اسرائیل)، از باغها و چشمه ها بیرون کردیم. (۵۸) و گنج ها و جایگاه نیکو (و قصرهای مجلل)، بیرون کردیم. (۵۹) (تدبیر ما) این چنین بود که (بعد از غرق کردن فرعونیان)، بنی اسرائیل را وارث آنها قرار دهیم. (۶۰) پس هنگام طلوع خورشید، سپاه فرعون به تعقیب آنان برخاستند. (۶۱) پس زمانی که دو گروه همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: (ما به دام افتادیم و) آنان به ما دست خواهند یافت. (۶۲) موسی به آنان گفت: چنین نیست، قطعاً پروردگرم با من است و مرا هدایت خواهد کرد. (۶۳) پس (به دنبال این تلافی)، به موسی وحی کردیم که عصایت را به دریا بزن. دریا شکافت و هر پاره ای مثل کوهی بزرگ گردید. (۶۴) آنگاه گروه دیگر (لشکر فرعون) را به آنجا نزدیک کردیم. (۶۵) و موسی و هر که را با او بود، همگی را (از دریا عبور و) نجات دادیم. (۶۶) سپس گروه دیگر را غرق ساختیم. (۶۷) البتّه در این ماجرا، (عبرت و) نشانه ی روشنی است و بیشتر آنان ایمان آورنده نبودند. (۶۸) و همانا پروردگارت شکست ناپذیر و مهربان است. (۶۹) (ای پیامبر!) سرگذشت ابراهیم را بر مردم بخوان. (۷۰) آن گاه که به پدرش (عمویش آذر) و قومش گفت: شما چه می پرستید؟ (۷۱) گفتند: بت هایی را می پرستیم که همواره ملازم آنهایم. (۷۲) ابراهیم گفت: آیا هر گاه آنها را می خوانید (یا دعا می کنید) سخن شما را می شنوند؟ (۷۳) یا به شما سود و زیانی می رسانند؟ (۷۴) بت پرستان گفتند: (نه) بلکه پدرانمان را یافتیم

که این گونه (پرستش) می کردند. (۷۵) ابراهیم گفت: آیا در آنچه می پرستید اندیشه و نگاه (عمیق) کرده اید؟ (۷۶) شما و پدران پیشین شما (دقت کرده اید).؟ (۷۷) البته این بت ها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار جهانیان (که محبوب من است). (۷۸) همان پروردگاری که مرا آفرید و همو راهنماییم می کند. (۷۹) او که مرا (هنگام گرسنگی) طعام می دهد و (هنگام تشنگی) سیرابم می نماید. (۸۰) و هر گاه بیمار شوم، همو مرا شفا می بخشد. (۸۱) او کسی است که مرا می میراند، سپس زنده ام می کند. (۸۲) او کسی است که امید دارم روز جزا خطاهای مرا ببخشد. (۸۳) ابراهیم در ادامه ی سخن خود گفت: پروردگارا! به من حکمت و دانش مرحمت فرما و مرا به صالحان ملحق کن. (۸۴) و در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار بده. (۸۵) و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده. (۸۶) ابراهیم در ادامه ی دعاهایش گفت: پدرم را ببخش که بی شک او از گمراهان است. (۸۷) و روزی که همه مبعوث می شوند، مرا خوار مگردان. (۸۸) روزی که مال و فرزندان برای انسان نفعی ندارند. (۸۹) مگر کسی که با روح و قلب پاک به سوی خدا آید. (۹۰) و (آن روز) بهشت برای پرهیزکاران نزدیک گردد. (۹۱) و آتش برافروخته برای گمراهان نمودار شود. (۹۲) و به آنان گفته شود: کجاست آنچه می پرستیدید؟ (۹۳) به جای خداوند، آیا یاریتان می کنند یا از خود دفاع توانند کرد؟ (۹۴) پس همه ی معبودان و عابدان گمراه به دوزخ سرنگون شوند. (۹۵) و لشکریان ابلیس نیز همگی (به دوزخ افکنده شوند). (۹۶) و آنان در دوزخ در حالی که با هم مشاجره می کنند، (به معبودهای خود). (۹۷) می گویند: به خدا سوگند که همانا ما در گمراهی آشکاری بودیم. (۹۸) چون شما (بت ها و معبودها) را با پروردگار جهانیان برابر می دانستیم. (۹۹) و جز تبه کاران، ما را گمراه نکردند. (۱۰۰) در نتیجه (امروز) برای ما نه شفیعانی وجود دارد. (۱۰۱) و

نه حتی یک دوست صمیمی. (۱۰۲) پس اگر برای ما بازگشتی (به دنیا) بود، از مؤمنان می شدیم. (۱۰۳) حقا که در این (سرگذشت) درس عبرت و نشانه ای است، ولی بیشترشان ایمان آورنده نبودند. (۱۰۴) البتّه پروردگار تو همان توانای مهربان است. (۱۰۵) قوم نوح، انبیا را تکذیب کردند. (۱۰۶) زمانی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا (از خدا) پروا نمی کنید؟ (۱۰۷) همانا من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۰۸) پس، از خداوند پروا کنید و اطاعت نمایید. (۱۰۹) و من برای این رسالت هیچ مزدی از شما درخواست نمی کنم، پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست. (۱۱۰) پس نسبت به خداوند تقوا پیشه کنید و (دستوراتم را) فرمان بپذیرید. (۱۱۱) آنان (به جای ایمان آوردن) گفتند: آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که فرومایگان از تو پیروی کرده اند؟ (۱۱۲) (نوح) گفت: من به عملکرد گذشته (کسانی که شما اراذل می خوانید) آگاهی ندارم. (یا مرا با اعمال گذشته ی آنان کاری نیست). (۱۱۳) حساب آنان جز بر پروردگارم نیست، اگر شما درک کنید. (۱۱۴) (امروز که آنان ایمان آورده اند،) من طردکننده ی مؤمنان نیستم. (۱۱۵) من جز هشداردهنده ای روشن گر نیستم. (۱۱۶) مردم به نوح گفتند: ای نوح! اگر (از دعوت خود) دست برداری قطعاً از سنگسار شدگان خواهی شد. (۱۱۷) نوح گفت: پروردگارا! همانا قوم من مرا تکذیب کردند. (۱۱۸) پس میان من و آنان (داوری کن و) راه روشنی بگشا و مرا و هر کس از مؤمنان را که با من است (از شرّ این کفار) نجات بده. (۱۱۹) پس ما نوح و هر کس از مؤمنان را که در آن کشتی گرانبار، با او بود نجات دادیم. (۱۲۰) سپس باقی ماندگان را غرق کردیم. (۱۲۱) البتّه در این (ماجرا) نشانه ی بزرگی است، ولی اکثر مردم ایمان آورنده نیستند. (۱۲۲) و قطعاً پروردگارت همان صاحب عزّت و مهربان است. (۱۲۳) قوم عاد (نیز همچون قوم نوح) انبیا را تکذیب کردند. (۱۲۴) آن

گاه که برادرشان هود به آنان گفت: آیا (از شرک و انحراف) پروا نمی کنید؟ (۱۲۵) همانا من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۲۶) پس از خدا پروا کنید و مرا پیروی نمایید. (۱۲۷) و من برای رسالتم هیچ مزدی از شما نمی خواهم، (زیرا که) مزد من فقط بر عهده ی پروردگار جهانیان است. (۱۲۸) (هود به مردم گفت:): آیا بر هر تپه ای بنا و قصری بلند از روی هوا و هوس می سازید؟ (۱۲۹) و کاخ های استوار می گیرید، به امید آنکه جاودانه بمانید؟ (۱۳۰) و هر گاه کسی را کیفر می دهید، همچون زورگویان کیفر می دهید؟ (۱۳۱) پس، از خداوند پروا کنید و مرا فرمان برید. (۱۳۲) و از خداوندی که می دانید چقدر کمکتان کرده پروا کنید. (۱۳۳) او شما را با (بخشیدن) چهار پایان و فرزندان مدد کرده است. (۱۳۴) و باغها و چشمه سارها (به شما داده است. (۱۳۵) اگر کفران کنید) من بر شما از عذاب روز بزرگ می ترسم. (۱۳۶) (قوم عاد به حضرت هود) گفتند: پند دهی یا از پند دهندگان نباشی، برای ما برابر است (و ما تو را نمی پذیریم). (۱۳۷) این (دعوت تو یا بت پرستی ما) جز شیوه پیشینیان نیست. (۱۳۸) و ما عذاب نخواهیم شد. (۱۳۹) پس هود را تکذیب کردند آنگاه ما آنان را هلاک کردیم. البتّه در این (داستان) بی شک نشانه ی بزرگی است، (ولی) اکثر مردم ایمان آورنده نیستند. (۱۴۰) و همانا پروردگار تو، همان خداوند عزیز و مهربان است. (۱۴۱) قوم ثمود (نیز) پیامبران را تکذیب کردند. (۱۴۲) آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت: آیا (از شرک و انحراف) پروا نمی کنید؟ (۱۴۳) من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۴۴) پس از خداوند پروا کنید و از من اطاعت نمایید. (۱۴۵) و من بر این رسالتم هیچ پاداشی از شما نمی خواهم. پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست. (۱۴۶) آیا (فکر می کنید) شما در آنچه در این دنیا دارید، در أمن و

امان رها خواهید شد؟ (۱۴۷) در باغها و چشمه ها. (۱۴۸) و کشتزارها و نخل هایی که شکوفه اش لطیف و بر هم نشسته است. (و هیچ مسئولیت و بازگشتی نخواهید داشت؟). (۱۴۹) و شما (ماهرانه) از کوه ها خانه هایی برای خوشگذرانی می تراشید. (۱۵۰) پس، از خدا پروا کنید و مرا پیروی نمایید. (۱۵۱) و از اسراف کاران فرمان نبرید. (۱۵۲) آنان که در زمین فساد می کنند و اهل اصلاح نیستند. (۱۵۳) قوم ثمود به جای ایمان آوردن به صالح) گفتند: همانا تو از سحر شدگانی. (۱۵۴) تو جز بشری مثل ما نیستی. پس اگر از راستگویانی، نشانه (و معجزه) ای بیاور. (۱۵۵) صالح (در پاسخ معجزه خواهی مردم) گفت: این ماده شتری است (که با اراده ی خداوند، از درون کوه خارج شد). برای اوست سهمی از آب (یک روز) و برای شما روز دیگری معین شده است. (۱۵۶) و به آن آسیبی نرسانید که عذاب روز سهمگین، شما را فرامی گیرد. (۱۵۷) پس ناقه را کشتند، سپس از کرده ی خود پشیمان شدند. (۱۵۸) پس آنان را عذاب فرا گرفت. همانا در این (ماجرا) قطعاً نشانه و درس عبرتی است، و (لی) اکثر آنان ایمان آورنده نیستند. (۱۵۹) و البته پروردگار تو بی شک همان توانای مهربان است. (۱۶۰) قوم لوط (نیز) انبیا را تکذیب کردند. (۱۶۱) زمانی که برادرشان لوط به آنان گفت: آیا (از شرک و انحراف دوری، و از خدا) پروا نمی کنید؟ همانا. (۱۶۲) من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۶۳) پس، از خداوند پروا کنید و مرا اطاعت نمایید. (۱۶۴) و من در برابر رسالتم از شما مزدی درخواست نمی کنم. (زیرا) مزد من تنها بر پروردگار جهانیان است. (۱۶۵) آیا از میان مردم جهان، شما به سراغ مردها می روید؟ (۱۶۶) و همسرانتان را که پروردگارتان برای شما آفریده رها می کنید؟ بلکه شما مردمی تجاوزکارید. (۱۶۷) مردم (به جای پند پذیری) گفتند: ای لوط! اگر (از حرف هایت) دست برداری، قطعاً از

تبعید شدگان خواهی بود. (۱۶۸) لوط گفت: من مخالف شدید کردار شما هستم. (۱۶۹) پروردگارا! من و کسان مرا از (شرّ) آنچه انجام می دهند رهایی بخش. (۱۷۰) پس (دعایش را مستجاب کردیم و) او و تمام خاندانش را نجات دادیم. (۱۷۱) مگر پیرزنی (زن لوط) که در میان بازماندگان بود. (۱۷۲) سپس، دیگران را ریشه کن کردیم. (۱۷۳) و بر سر آنان بارانی (از سنگ) فرو فرستادیم. پس چه بد است باران هشدار داده شدگان. (۱۷۴) البتّه در این (ماجرا) نشانه ای (از قدرت الهی) است، لکن بیشتر مردم ایمان آورنده نیستند. (۱۷۵) همانا پروردگار تو همان توانای مهربان است. (۱۷۶) اصحاب ایکه (نیز) پیامبران را تکذیب کردند. (۱۷۷) زمانی که شعیب به آنان گفت: آیا از (شرک و انحراف) پروا ندارید؟ (۱۷۸) همانا من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۷۹) پس، از خدا پروا کنید و من را اطاعت کنید. (۱۸۰) و من بر این رسالتم هیچ پاداشی از شما درخواست نمی کنم. اجر من جز بر پروردگار جهانیان نیست. (۱۸۱) حقّ پیمانۀ را ادا کنید و از کم فروشان نباشید. (۱۸۲) و با ترازوی درست بسنجید. (۱۸۳) و اجناس مردم را کم ندهید و در زمین به فساد و تبه کاری نکوشید. (۱۸۴) و از خدایی که شما و اقوام پیشین را آفریده پروا کنید. (۱۸۵) مردم (به جای قبول دعوت شعیب) گفتند: تو قطعاً از سحرشدگانی. (۱۸۶) و تو جز بشری مثل ما نیستی، و ما تو را از دروغگویان می پنداریم. (۱۸۷) پس اگر تو از راستگویانی، پاره هایی از آسمان را بر سر ما بیفکن! (۱۸۸) (شعیب) گفت: پروردگار من به آنچه انجام می دهید آگاه تر است. (۱۸۹) پس شعیب را تکذیب کردند و عذاب روز ابر (آتشبار) آنان را فراگرفت. البتّه آن عذاب روز بزرگ و هولناکی است. (۱۹۰) بی شک در این (ماجرا) نشانه ای (از قدرت الهی) است، ولی اکثر مردم ایمان آورنده نیستند. (۱۹۱) و البتّه پروردگارت همان توانای مهربان است. (۱۹۲) و البتّه

این (قرآن) فرستاده پروردگار جهانیان است. (۱۹۳) (که جبرئیل) فرشته ی امین الهی آن را فرو آورده است. (۱۹۴) بر دل تو، تا از هشداردهندگان باشی. (۱۹۵) (این قرآن) به زبان عربی روشن (نازل شده). (۱۹۶) و همانا (خبر) آن در کتابهای (آسمانی) پیشین آمده است. (۱۹۷) آیا این که علمای بنی اسرائیل از آن (قرآن) اطلاع دارند، برای آنان (مشرکان عرب) نشانه ای (بر صحت آن) نیست؟ (۱۹۸) (بر فرض) اگر ما قرآن را بر بعضی غیر عربها نازل می کردیم. (۱۹۹) پس او آن را برایشان می خواند، عربها به آن ایمان نمی آوردند. (۲۰۰) ما این گونه قرآن را (با بیانی رسا و روشن) در دلهای گناهکاران عبور دادیم. (۲۰۱) (ولی آنان) ایمان نمی آورند، مگر آنکه عذاب دردناک را مشاهده کنند. (۲۰۲) که ناگهان و در حالی که آگاه نباشند به سراغشان آید. (۲۰۳) پس گویند: آیا به ما مهلتی (برای توبه و جبران) داده خواهد شد؟ (۲۰۴) آیا نسبت به نزول عذاب ما عجله دارند (که می پرسند قهر خدا چه زمانی است)؟ (۲۰۵) آیا دیدی که اگر سال ها هم آنان را (از نعمت های خود) برخوردار کنیم. (۲۰۶) آنگاه عذاب موعود به آنها خواهد رسید. (۲۰۷) آنچه برخوردار بودند، در دفع عذاب به کارشان نیاید. (۲۰۸) و ما (مردم) هیچ منطقه ای را هلاک نکردیم، مگر آن که بیم دهندگانی داشتند. (۲۰۹) تا مایه ی پند و عبرت باشد، و ما ستمکار نبودیم (که بدون هشدار مجازات کنیم). (۲۱۰) و قرآن را شیطان ها نازل نکرده اند. (۲۱۱) نه سزاوار آنان است (که شیاطین آن را نازل کنند) و نه قدرت بر این کار دارند. (۲۱۲) بی شک آنها از شنیدن (اخبار آسمانی) برکنارند. (۲۱۳) پس (ای پیامبر!) با خدا معبود دیگری را نخوان که از عذاب شدگان خواهی شد. (۲۱۴) و خویشان نزدیکت را هشدار ده. (۲۱۵) و برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده اند، بال خود را بگستر (و متواضع باش). (۲۱۶) پس اگر سرپیچی کردند

بگو: قطعاً من از آنچه انجام می دهید بیزارم. (۲۱۷) و بر (خدای) عزیز و مهربان توکل کن. (۲۱۸) خدایی که چون (به نماز) برمی خیزی تو را می بیند. (۲۱۹) و حرکت تو را در میان سجده کنندگان (نیز می بیند). (۲۲۰) زیرا که اوست شنوا و دانا. (۲۲۱) آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می آیند؟ (۲۲۲) بر هر دروغ ساز گنه پیشه ای فرود می آیند. (۲۲۳) (زیرا این افراد) به سخنان شیاطین گوش فرامی دهند و بیشترشان دروغگویند. (۲۲۴) پیامبر اسلام شاعر نیست، زیرا) شاعران را گمراهان پیروی می کنند. (۲۲۵) آیا ندیدی که آنان در هر وادی سرگشته می روند؟ (۲۲۶) و مطالبی می گویند که به آن عمل نمی کنند؟ (۲۲۷) مگر آنان (شاعرانی) که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده و خدا را بسیار یاد می کنند، و پس از آن که مورد ستم قرار گرفتند (به دفاع از خود) یاری می طلبند (و با شعر از مظلومیت خود دفاع می کنند) و کسانی که ظالمند، به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه باز خواهند گشت. (۲۲۸)

النمل

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) طاء، سین. آن است آیات قرآن و کتاب روشنگر. (۲) که (وسیله ی) هدایت و بشارت برای اهل ایمان است. (۳) کسانی که نماز بر پامی دارند و زکات می پردازند و تنها ایشانند که به آخرت یقین دارند. (۴) همانا کسانی که به آخرت ایمان ندارند، کارهای (زشت)شان را زیبا جلوه می دهیم تا (همچنان) سرگشته باشند. (۵) آنان کسانی هستند که برای ایشان عذاب بد (و دردناک) خواهد بود و آنان در قیامت زیانکارترین افرادند. (۶) به یقین که تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می کنی. (۷) (یاد کن) زمانی که موسی به خانواده ی خود گفت: همانا من آتشی احساس کردم (شما در همین مکان توقف کنید)، به زودی برای شما خبری از آن خواهم آورد، یا شعله ی آتشی برای شما می آورم،

باشد که خود را گرم کنید. (۸) پس همین که (موسی) نزد آن آمد، ندا داده شد که هر که در آتش و هر که اطراف آن است برکت داده شد و منزه است خداوندی که پروردگار جهانیان است. (۹) ای موسی! همانا این منم خدای عزیز حکیم. (۱۰) و عصایت را بیفکن! (موسی عصا را افکند)، پس همین که آن را دید چنان جست و خیز می کند که گویا ماری کوچک است، پشت کنان فرار کرد و به عقب برنگشت. (ما به او گفتیم: ای موسی! نترس که پیامبران در آستان من نمی ترسند. (۱۱) مگر کسی که ستم کند؛ سپس بعد از بدی کار خوبی را جایگزین نماید همانا که من بخشنده ی مهربانم. (۱۲) و دستت را در گریبان کن؛ سفید و درخشنده خارج شود، بی آنکه عیبی در آن باشد؛ (این معجزه) در زمره ی معجزات نه گانه به سوی فرعون و قومش (آمده است) که آنان قومی فاسق هستند. (۱۳) پس چون آیات و معجزات روشنگر ما به سویشان آمد، گفتند: این سحری است آشکار. (۱۴) و با آن که در دل به آن یقین داشتند، از روی ستم و برتری جویی انکارش کردند، پس بنگر که فرجام تبه کاران چگونه است. (۱۵) و به راستی به داوود و سلیمان دانشی (ویژه) عطا کردیم، و آن دو گفتند: ستایش، مخصوص خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید. (۱۶) و سلیمان وارث داوود شد و گفت: ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده؛ قطعاً این (بخشش) همان برتری و امتیاز روشن است. (۱۷) و برای سلیمان، سپاهیان از جن و انس و پرنده گرد آمدند، پس از تشّت و بی نظمی بازداشته می شدند (تا

در رکابش باشند). (۱۸) سلیمان با لشکر خود حرکت می کرد) تا به وادی مورچگان رسیدند، مورچه ای گفت: ای مورچگان! به خانه های خود بروید تا سلیمان و لشکریانش شما را ناآگاهانه پایمال نکنند. (۱۹) پس (سلیمان) از سخن این مورچه با تبسمی خندان شد و گفت: پروردگارا! به من الهام کن (و توفیق ده) که نعمتی که به من و به والدینم بخشیده ای شکر کنم و عمل صالحی که آن را می پسندی انجام دهم و در سایه ی رحمت خود، مرا در زمره ی بندگان شایسته ات وارد کن. (۲۰) و (سلیمان) جویای حال پرندگان شد و (هدهد را ندید)، گفت: مرا چه شده که هدهد را نمی بینم؟ (آیا حضور دارد و من نمی بینم) یا از غایبان است. (۲۱) قطعا او را کیفری سخت خواهم داد یا او را ذبح می کنم، مگر آن که (برای غیبت خود) دلیل روشنی (و عذر موّجّهی) برای من بیاورد. (۲۲) پس دیری نپایید که (هدهد آمد و) گفت: از چیزی آگاهی یافتم که تو (با همه ی عزّت و شوکتی که داری) از آن آگاه نشده ای و برای تو از (منطقه ی) سبا گزارشی مهم و درست آورده ام. (۲۳) (هدهد توضیح داد): همانا من زنی را یافتم (به نام بلقیس) که بر مردم سلطنت می کرد و از همه چیز (دنیا) برخوردار بود و تخت بزرگی داشت. (۲۴) آن زن و قومش را چنین یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می کنند و شیطان اعمالشان را در نظرشان آراسته، پس آنان را از راه (حق) بازداشته و آنان هدایت نمی شوند. (۲۵) (جلوه دادن شیطان، اعمال مردم را برای آن است) که آنان سجده نکنند برای خداوندی که چیزهای ناپیدای آسمان ها و زمین را بیرون می آورد (و آشکار می کند) و عملکرد

نهان و آشکار شما را می داند. (۲۶) خداوندی که معبودی جز او نیست (و) پروردگار عرش بزرگ است. (۲۷) (سلیمان بعد از شنیدن گزارش هدهد) گفت: به زودی خواهیم دید که آیا (در گزارشت) راست گفتی یا از دروغگویانی؟ (۲۸) این نامه ی مرا ببر و به سوی آنها بیفکن؛ آن گاه از آنان روی برتاب، پس بنگر چه جوابی می دهند. (۲۹) (چون هدهد نامه را نزد بلقیس افکند، او به شکفت آمد و) گفت: ای اشراف (و بزرگان کشور)! نامه ای پرارزش به سوی من افکنده شد. (۳۰) نامه از سلیمان است و (مضمون آن) این است: به نام خداوند بخشنده مهربان. (۳۱) بر من برتری نجوید. نزد من آیید و تسلیم (حق و مطیع من) باشید. (۳۲) (بلقیس) گفت: ای بزرگان! در کارم نظر دهید که بی حضور شما (تاکنون) کاری را فیصله نداده ام. (۳۳) (اشراف) گفتند: ما سخت نیرومند و دلاوریم (و نباید در برابر یک نامه از موضع ضعف برخورد کنیم)، ولی اختیار کار با توست، نظر خود را بیان فرما تا ببینیم چه دستور می دهی؟ (و ما با قدرت انجام دهیم). (۳۴) (بلقیس) گفت: بی شک، هرگاه پادشاهان به منطقه ی آبادی وارد شوند (و هجوم برند)، آن جا را به تباهی می کشند و عزیزان آن جا را ذلیل می کنند و این، سیره ی همیشگی آنان است. (۳۵) و همانا من (جنگ را صلاح نمی بینم)، هدیه ای با ارزش به سویشان می فرستم، پس چشم براهم تا ببینم فرستادگان من با چه خبری برمی گردند. (شاید با قبول هدایا از سوی سلیمان، ما هم درامان باشیم). (۳۶) چون (پیک حامل هدایا) نزد سلیمان آمد، سلیمان گفت: آیا مرا با مالی ناچیز مدد می کنید؟ پس (بدانید) آنچه خداوند به من داده بهتر است از آنچه به شما داده است، (من با هدیه ی

شما شاد نمی شوم) بلکه شما هستید که به هدیه ی خودتان خوشحالید. (۳۷) (سلیمان به پیک بلقیس) گفت: به سوی آنان برگرد، پس ما حتما لشکریانی بر آنان وارد می کنیم که برای آنان تاب مقابله نیست و ما حتما آنان را از منطقه، ذلیلانه آواره می کنیم در حالی که خواری را احساس خواهند کرد. (۳۸) (سلیمان) گفت: ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او (بلقیس، ملکه ی سبا) را قبل از آن که آنان به حال تسلیم نزد من آیند برای من می آورد.؟ (۳۹) عفیریتی از جن (که دارای قدرت و زیرکی خاصی بود به سلیمان) گفت: من آن را نزد تو می آورم پیش از آن که از جای خود برخیزی، و من قطعا بر این کار هم قدرت دارم و هم مورد اعتمادم. (۴۰) کسی (به نام آصف بن برخیا) که به بخشی از کتاب (الهی) آگاهی داشت (سلیمان) گفت: من آن (تخت) را قبل از آن که پلک چشمت بهم بخورد نزد تو می آورم. (سلیمان پذیرفت و او تخت را آورد). همین که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود مستقر دید، (به جای غرور و تکبر) گفت: این (توانایی وزیر من که مقداری از علم کتاب و اسم اعظم را می داند)، از لطف پروردگار من است، تا مرا (با این نعمت ها) بیازماید که آیا شکر گزارم یا کفران می کنم؟ و هر کس شکر کند، قطعا به سود خویش شکر ورزیده و هر کس کفران نماید (به ضرر خویش گام نهاده، زیرا) پروردگار من (از شکر مردم) بی نیاز و کریم است. (بی نیازی و کرامت، برای خداوند ذاتی است و هرگز وابسته به شکر یا کفران کسی نیست). (۴۱) (سلیمان) گفت: تخت (ملکه) را برایش

ناشناس گردانید، تا ببینم آیا پی می برد یا از کسانی است که پی نمی برند؟ (۴۲) پس هنگامی که (بلقیس) آمد، به او گفته شد: آیا تخت تو این گونه است؟ گفت: گویا خود آن است، و پیش از این، به ما علم (به حَقّائیت سلیمان) داده شده و ما فرمان بردار بوده ایم. (۴۳) آنچه (آن زن) به جای خدا می پرستید، او را (از تسلیم شدن در برابر حق) بازداشته بود، و او از قوم کافران بود، (ولی بعد از کفر، ایمان آورد). (۴۴) به او (بلقیس) گفته شد: وارد قصر شو! پس چون آن را دید، پنداشت بر که آبی است، (برای عبور) جامه از ساق پایش برگرفت، (تا تر نشود. سلیمان به او) گفت: (این جا آبی نیست)، بلکه قصری از شیشه و بلور صیقلی است. (ملکه ی سبا) گفت: پروردگارا! من به خودم ظلم کردم و (اکنون) همراه سلیمان، در برابر پروردگار جهانیان سر تسلیم فرود آورده ام. (۴۵) و به راستی به سوی قوم نمود، برادرشان (حضرت) صالح را فرستادیم که (او به مردم گفت): خداوند را پرستید. پس آن گاه مردم به دو گروه متخاصم تقسیم شدند. (۴۶) صالح گفت: ای قوم من! چرا پیش از نیکی شتابزده خواهان بدی هستید؟ چرا از خداوند آمرزش نمی خواهید تا مشمول رحمت گردید.؟ (۴۷) (مردم به صالح) گفتند: ما به تو و همراهانت فال بد زده ایم (و قحطی موجود به خاطر وجود شماست. صالح) گفت: فال (و سرنوشت نیک و بد) شما نزد خداست، بلکه شما گروهی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته اید. (۴۸) و در آن شهر نه دسته (و گروه) بودند که در آن سرزمین فساد می کردند و اهل اصلاح نبودند. (۴۹) (آن گروه مفسد) گفتند: به خداوند سوگند یاد کنید

(و هم قسم شوید) که بر او و خانواده اش شیخون می زنیم، سپس به ولی او خواهیم گفت: ما در محل قتل کسانش حاضر نبودیم (تا چه رسد به اینکه آنان را کشته باشیم)، و ما قطعاً راست می گوئیم. (۵۰) و (آن نه گروه مفسد) دست به تدبیر بزرگی زدند و ما نیز به تدبیر بزرگی دست زدیم، ولی آنها نمی فهمیدند. (۵۱) پس بنگر که پایان تدبیر آنان (و شیخون به صالح و کسانش) به کجا انجامید، ما آنان و قومشان همگی را هلاک کردیم. (۵۲) پس این خانه های آنهاست که به خاطر ظلمی که کردند ویران و خالی شده است، و قطعاً در این (کیفر، عبرت و) نشانه روشنی است برای اهل علم و آگاهی. (۵۳) و مؤمنان و کسانی را که اهل پروا بودند، (از مهلکه) نجات دادیم. (۵۴) و (نیز) لوط را (فرستادیم) که به قومش گفت: آیا این کار بسیار زشت را در حالی که به زشتی آن آگاهید، انجام می دهید؟ (۵۵) آیا شما با بودن زنان، برای غریزه ی شهوت به سراغ مردان می روید؟ بلکه شما مردمی (نادان و) جهالت پیشه اید. (۵۶) ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: خاندان لوط را از شهرتان بیرون کنید، زیرا آنان مردمی هستند که پاکیزگی می جویند. (۵۷) پس ما لوط و خانواده اش را نجات دادیم، جز زنش را که (به خاطر انحراف) مقدر کرده بودیم از بازماندگان (و هلاک شدگان در آن شهر) باشد. (۵۸) سپس بارانی (از سنگ) بر سر آنها باریدیم (و همگی زیر آن دفن شدند) و چه بد است باران انداز شدگان. (۵۹) بگو: سپاس برای خداست و سلام بر آن بندگان، که آنان را برگزید. آیا خدا بهتر است یا آنچه را که شریک قرار می دهند؟ (۶۰) کیست که آسمان ها

و زمین را آفرید؟ و از آسمان برای شما آب فرستاد، پس به وسیله ی آن، باغهایی بهجت انگیز رویانید؛ کار شما نبود که درختانش را برویانید، آیا معبودی با خداست؟ (نه) بلکه آنان قومی منحرفند. (۶۱) کیست که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن، رودها قرار داد، و برای آن، کوه ها را (مانند لنگر) ثابت و پابرجا قرار داد و میان دو دریا (شور و شیرین) مانعی قرار داد (که مخلوط نشوند). آیا معبودی با خداست؟ (نه) بلکه اکثر آنان نمی دانند. (۶۲) کیست که هرگاه در مانده ای او را بخواند، اجابت نماید و بدی و ناخوشی را برطرف کند، و شما را جانشینان (خود در) زمین قرار دهد؟ آیا با خداوند معبودی است؟ چه کم پند می پذیرید. (۶۳) کیست که شما را در تاریکی های خشکی و دریا (به وسیله ی ستارگان) هدایت می کند، و کیست که بادها را پیشاپیش (باران) رحمتش به عنوان بشارت می فرستد، آیا معبودی با خداست؟ خداوند برتر است از آن چه برای او شریک قرار می دهند. (۶۴) کیست که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را (در قیامت) بازمی گرداند و کیست که شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؟ آیا با خداوند معبودی هست؟ بگو: اگر راست می گوید برهانتان را بیاورید. (۶۵) بگو: جز خداوند، هیچ کس در آسمان ها و زمین، غیب نمی داند و کسی نمی داند چه زمانی برانگیخته خواهد شد. (۶۶) بلکه علم مشرکان در قیامت به کمال خواهد رسید، بلکه آنان (امروز) درباره ی آن (آخرت) در شک هستند، بلکه نسبت به (چگونگی) وقوع آن کورند. (۶۷) و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: آیا هرگاه ما و پدرانمان (بعد از مرگ) خاک شدیم، آیا حتما (زنده از گور) بیرون آورده می شویم؟ (۶۸) در حقیقت به ما

و نیاکانمان از قبل، این وعده داده شده، (لکن) این وعده جز افسانه های پیشینیان چیز دیگری نیست. (۶۹) بگو: در زمین بگردید پس بنگرید که فرجام گنه پیشگان چگونه بوده است. (۷۰) و بر (انحراف و عواقب شوم) آنان اندوه مخور و از آنچه مکر (و توطئه) می کنند، دلتنگ مباش. (۷۱) و می گویند: اگر راست می گوئید، این وعده (عذاب دنیا یا قیامت) کی خواهد بود؟ (۷۲) بگو: چه بسا بخشی از آن غذایی را که با شتاب می خواهید، در پی شما باشد (و به شما برسد و خود خبر نداشته باشید). (۷۳) و البتّه پروردگار تو بر (این) مردم دارای بخشش است و لکن بیشترشان شکرگزار نیستند. (۷۴) و البتّه پروردگار تو، آنچه را در سینه هاشان پنهان دارند و آنچه را آشکار می نمایند، (به خوبی) می داند. (۷۵) و هیچ (موجود) پنهانی در آسمان و زمین نیست، مگر این که در کتابی روشن (نزد خداوند ثبت) است. (۷۶) همانا این قرآن، بیشتر آنچه را بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند، (به طور صحیح) بر آنان حکایت می کند. (۷۷) و البتّه که آن (قرآن) برای اهل ایمان، مایه ی رحمت و هدایت است. (۷۸) بدون شک، پروردگار تو با حکم خود میانشان داوری خواهد کرد و او صاحب قدرت و آگاه است. (۷۹) پس بر خداوند توکل کن (و بدان) که تو بر حق آشکار هستی. (۸۰) بی شک، نمی توانی دعوت خود را به گوش مردگان برسانی، و نمی توانی کران را آنگاه که روی برمی گردانند و پشت می کنند، فراخوانی (و حقیقت را به آنان بفهمانی). (۸۱) تو هدایت کننده کوران از گمراهیشان نیستی؛ توفیق می توانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که به آیات ما ایمان آورده اند و در برابر حق تسلیم هستند. (۸۲) و هرگاه سخن (و وعده ی عذاب الهی) بر مردم حتمی شود، جنبنده ای را

برای آنان از زمین بیرون آوریم تا با مردم سخن گوید، که همانا مردم آیات ما را باور نمی کردند. (۸۳) و (یاد کن) روزی که از هر امّیتی گروهی از کسانی که آیات ما را انکار می کنند محشور می کنیم، پس آنان از پراکنده شدن منع می شوند. (۸۴) چون گرد آیند، (خداوند) می فرماید: آیا آیات مرا دروغ انگاشتید و حال آن که به آنها احاطه ی علمی نداشتید، آیا شما (در طول حیات جز تکذیب) چه می کردید؟ (۸۵) و به خاطر ظلمی که کردند، حکم (عذاب) بر آنان مقرر گردید، پس آنها حرفی نمی زنند (و سخنی ندارند که بگویند). (۸۶) آیا ندیدند که ما شب را قرار دادیم تا در آن آرام گیرند و روز را روشنی بخش ساختیم؟ (تا در آن برای معاش خود تلاش کنند) حتما در این امر برای کسانی که ایمان دارند عبرت هایی است. (۸۷) و (یاد کن) روزی که در صور دمیده شود، پس هر که در آسمان ها و هر که در زمین است به هراس افتد، مگر آن کس که خدا بخواهد و همگی خاضعانه نزد او آیند. (۸۸) و کوه ها را می بینی و می پنداری که بی حرکتند، در حالی که آنها همچون ابر در حرکتند. (این) صنعت (ماهرانه) خداست که هر چیزی را با دقت ساخته است، او به هر چه انجام می دهد آگاه است. (۸۹) هر کس کار نیکی بیاورد، پس برای او (پاداشی) بهتر از عملش خواهد بود، و آنان از هراس آن روز ایمن هستند. (۹۰) و هر کس که کار بدی بیاورد، پس به رو در آتش (دوزخ) سرنگون شوند، (به آنان گفته شود): آیا جز آنچه می کردید سزا داده می شوید؟ (۹۱) (ای پیامبر! بگو): فقط مأمورم که پروردگار این شهری که خداوند آن

را محترم شمرده پرستش کنم، و همه چیز تنها برای اوست و مأمورم که از اهل تسلیم و طاعت باشم. (۹۲) و (همچنین مأمورم) قرآن (را بر مردم) تلاوت کنم. پس هر کس هدایت را بپذیرد تنها به سود خود پذیرفته و هر کس گمراه شود، پس بگو: (من مسئول نیستم، زیرا) من فقط هشداردهنده ام. (۹۳) و بگو: ستایش برای خداست. به زودی آیاتش را به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت. و پروردگارت از آنچه انجام می دهد غافل نیست. (۹۴)

القصص

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) طاء، سین، میم. (۲) اینها آیات کتاب روشنگر است. (۳) ما بخشی از سرگذشت موسی و فرعون را برای (آگاهی) گروهی که ایمان می آورند، بدرستی بر تو می خوانیم. (۴) همانا فرعون در سرزمین (مصر) سرکشی کرده و مردم آنجا را فرقه فرقه نموده است، گروهی از آنان را به زبونی و ناتوانی کشانده، پسرانشان را سر می برد و زنانشان را (برای کنیزی) زنده نگه می دارد. براستی که او از تبه کاران است. (۵) و ما اراده کرده ایم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثین (روی زمین) قرار دهیم. (۶) و به آنان (مستضعفین) در زمین، قدرت و تمکن بخشیم، و از ناحیه آنان به فرعون و (وزیرش) هامان و سپاهیانشان آنچه را که از آن بیمناک بودند نشان دهیم. (۷) و ما به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر بدهد، پس هرگاه (از فرعونیان) بر او بیمناک شدی، او را (در جعبه ای گذاشته و) به دریا بیفکن و (از این فرمان) مترس و (از دوریش) غمگین مباش، (زیرا) ما او را به تو بازمی گردانیم و او را از پیامبران قرار می دهیم. (۸) پس

(مادر موسی چنان کرد، چیزی نگذشت که) فرعونیان، او را (دیده و از آب) برگرفتند تا سرانجام، دشمن و مایه اندوهشان گردد. همانا فرعون و هامان و سپاهیانشان خطاکار بودند. (۹) و (چون) همسر فرعون (احساس کرد که آنان قصد کشتن کودک را دارند خطاب به فرعون) گفت: او را نکشید (که او) روشنی چشم من و توست. شاید به ما سودی برساند یا او را به فرزند بگیری، ولی آنها نمی فهمیدند (که چه کسی را در آغوش خویش می پروراند). (۱۰) و دل مادر موسی (از هر چیز، جز فکر فرزند) تهی شد (و) اگر قلب او را استوار نساخته بودیم تا از ایمان آورندگان (به وعده ی ما باقی) بماند، همانا نزدیک بود که (به واسطه جزع و فرع) آن (راز) را افشا کند. (۱۱) و (مادر موسی) به خواهر او گفت: (صندوق حامل موسی را) دنبال کن پس او از دور وی را زیر نظر داشت، در حالی که (دشمنان) متوجه نبودند (که آنکه او را تعقیب می کند خواهر موسی است و از این تعقیب، چه هدفی دارد). (۱۲) و ما (به دهان گرفتن سینه ی) زنان شیرده را از پیش بر او ممنوع کردیم، پس (خواهر موسی که مأموران را در جستجوی دایه دید) گفت: آیا می خواهید شما را بر خانواده ای راهنمایی کنم که سرپرستی او را برای شما بپذیرند و برای او خیرخواه باشند؟ (۱۳) پس ما (اینگونه) او را به مادرش باز گردانیدیم تا روشنی چشم او باشد و غم نخورد و بداند که همانا وعده الهی حق است، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۱۴) چون موسی نیرومند شد و کامل گردید، به او حکمت و دانش عطا کردیم و ما اینگونه نیکوکاران را پاداش

می دهیم. (۱۵) و موسی وارد شهر شد، در حالی که مردم (از ورودش) بی خبر بودند، پس در آنجا به دو مرد برخورد که با یکدیگر نزاع می کردند، این یکی از طرفدارانش و آن (دیگری) از دشمنانش بود. پس آن که از پیروان موسی بود، از او در برابر دشمنش یاری خواست. پس موسی (به حمایت از دوست خود) مُشتی بر او زد که کار او را ساخت (و با همان مشت کشته شد)، موسی (از این پیشامد تکانی خورد و) گفت: این از کار شیطان بود، همانا او دشمن گمراه کننده ی آشکاری است. (۱۶) (موسی) گفت: پروردگارا! همانا من به خویشتم ستم کرده ام، پس مرا ببخش، پس (خداوند) او را آمرزید بدرستی که او آمرزنده ی مهربان است. (۱۷) (سپس موسی) گفت: پروردگارا! بخاطر (قدرت و) نعمتی که بر من ارزانی داشتی، پس هرگز پشتیبان تبه کاران نخواهم بود. (۱۸) (ولی از آن پس، موسی به سبب این قتل) در شهر نگران و ترسان گردید (و هر لحظه انتظار حادثه ای را می کشید) پس ناگهان (مشاهده کرد) همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود، با فریاد از او کمک می خواهد!، موسی به او گفت: بدرستی که تو در گمراهی آشکاری هستی! (۱۹) پس چون (موسی) خواست به آن کسی که دشمن هر دوی آنها بود حمله کند (و با او درگیر شود، او) گفت: ای موسی! آیا تصمیم گرفته ای که مرا (هم) به قتل برسانی، همان گونه که دیروز (نیز) انسانی را کُشتی؟! تو جز زورگویی در روی زمین هدفی نداری و نمی خواهی که از مصلحان باشی. (۲۰) و (در این هنگام) مردی از دورترین نقطه شهر (که مرکز استقرار فرعونیان بود) شتابان (به سوی او) آمد و گفت: ای موسی!

همانا سران قوم در مورد تو مشورت می کنند تا تو را بکشند، پس (فوراً از اینجا) خارج شو، همانا که من از خیرخواهان و دلسوزان تو هستم. (۲۱) پس (موسی) از شهر خارج شد در حالی که نگران و ترسان بود. گفت: پروردگارا! مرا از (دست) این گروه ستمگر نجات ده. (۲۲) و چون (موسی) به سوی مدین روی نهاد، گفت: امید است که پروردگارم مرا به راه راست هدایت فرماید. (۲۳) و چون موسی به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در اطراف آن دید که به سیراب کردن (چهار پایان خویش) مشغولند و در کنار آنان به دو زن برخورد که مراقب بودند (تا گوسفندانشان با گوسفندان دیگر مخلوط نشوند. پس موسی جلو رفته و به آنان) گفت: منظور شما (از این کناره گیری) چیست؟ گفتند: ما (برای پرهیز از اختلاط با مردان، گوسفندان خود را) آب نمی دهیم تا اینکه همه ی چوپانان خارج شوند و (حضور ما در اینجا برای آن است که) پدر ما پیرمردی کهنسال است. (۲۴) پس (موسی گوسفندانشان را) برای آنان آب داد، سپس رو به سوی سایه آورد و گفت: پروردگارا! همانا من به هر خیری که برایم بفرستی نیازمندم. (۲۵) پس (چیزی نگذشت که) یکی از آن دو (زن) در حالی که با حیا و عفت راه می رفت به نزد او آمد و گفت: همانا پدرم از شما دعوت می کند تا مزد اینکه برای ما آب دادی به تو بپردازد. پس همین که موسی به نزد آن پدر پیر (حضرت شعیب) آمد و سرگذشت خود را برای او بازگو کرد، او گفت: نترس، تو از (دست) گروه ستمگران نجات یافتی. (۲۶) یکی از آن دو (دختر، خطاب به پدر) گفت:

ای پدر! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی که (می توانی) استخدام کنی، شخصِ توانا و امین است. (۲۷) حضرت شعیب به موسی گفت: من قصد دارم تا یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم بر این (شرط) که هشت سال برای من کار کنی و اگر (این مدّت را) به ده سال تمام کردی، پس (بسته به خواست و محبت) از ناحیه توست و من نمی خواهم که بر تو سخت گیرم، بزودی به خواست خداوند، مرا از صالحان خواهی یافت. (۲۸) موسی پیشنهاد شعیب را پذیرفت و گفت: این (قرارداد) بین من و تو (برقرار شد، البته) هر کدام از دو مدّت را که به انجام رساندم، پس ستمی بر من نخواهد بود، و خداوند بر آنچه ما می گوئیم (گواه و) وکیل است. (۲۹) پس چون موسی، مدّت (قرارداد خود با شعیب) را به پایان رساند و با خانواده اش رهسپار گردید، از سوی (کوه) طور آتشی را دید. به خانواده اش گفت: (همین جا) بمانید، همانا من آتشی دیده ام، (می روم تا) شاید از آن خبری بیایم یا مقداری آتش برایتان بیاورم تا (با آن) گرم شوید. (۳۰) پس همین که (موسی) به نزد آن (آتش) آمد، (ناگهان) از جانب راست آن درّه، در آن منطقه مبارک و خجسته از (میان) یک درخت، ندا داده شد که ای موسی! همانا من، الله، پروردگار جهانیان هستم. (۳۱) و (از تو می خواهم) اینکه عصایت را بیفکنی! پس چون (موسی) عصا را انداخت ناگهان) مشاهده کرد که آن (عصا) چنان جست و خیز می کند که گویا ماری چالاک و کوچک است، پشت کنان فرار کرد و به عقب (هم) نگاه نکرد! (به او ندا رسید که) ای

موسی! پیش بیا و ترس، همانا تو در امان هستی. (۳۲) (ای موسی! اکنون) دست را در گریبان تو فرو ببر (خواهی دید که) بدون هیچ بیماری، و نقص و عیبی، سفید و درخشان بیرون خواهد آمد، و برای رهایی از (تعجب و) ترس، بازوی خود را جمع کن، پس این (دو معجزه، دو دلیل روشن و) دو برهان از طرف پروردگارت به سوی فرعون و اشراف اطراف اوست، بدرستی که آنان گروهی فاسق بوده اند. (۳۳) (موسی) گفت: پروردگارا! همانا من یکی از آنها (فرعونیان) را کشته ام، پس می ترسم که مرا (به قصاص او) به قتل رسانند. (۳۴) و برادرم هارون را که در بیان از من شیواتر است برای یاری ام با من بفرست تا مرا تصدیق کند، همانا می ترسم که (فرعونیان) مرا تکذیب کنند. (۳۵) (خداوند) فرمود: (نگران مباش) ما بازوی تو را به واسطه (همراهی) برادرت محکم خواهیم کرد و برای شما، برتری و سلطه قرار خواهیم داد، پس به برکت آیات (و نشانه های) ما بر شما دست نخواهند یافت (و) شما و هر کس پیروی تان کند، پیروز خواهید بود. (۳۶) پس هنگامی که موسی با (معجزات و) آیات روشن ما به سراغ آنان آمد، گفتند: این چیزی جز سحر ساختگی نیست و ما چنین چیزی را در (میان) نیاکان خود نشنیده ایم. (۳۷) و موسی (در پاسخ تکذیب فرعونیان) گفت: پروردگار من به کسانی که از جانب او آمده اند، آگاه تر است و (می داند) سرانجام (نیک) آخرت برای چه کسانی است. بدرستی که ستمکاران رستگار نخواهند شد. (۳۸) و فرعون گفت: ای بزرگان قوم! (اگرچه) من جز خودم معبودی برای شما نمی شناسم (امّا برای تحقیق بیشتر) ای همامان! برای من آتشی بر گِل بیفروز (و آجر تهیه کن) پس برجی بلند برای

من بساز، شاید (به واسطه بالا- رفتن از آن) به خدای موسی دست یابم. و همانا من او را از دروغگویان می پندارم. (۳۹) او (فرعون) و سپاهیانش به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و پنداشتند که آنان به سوی ما بازگردانده نمی شوند. (۴۰) پس ما (نیز) او و لشگریانش را (با قهر خود) گرفتیم و به دریا افکندیم. پس بنگر که پایان کار ستمگران چگونه است. (۴۱) و آنان (فرعونیان) را پیشوایانی قراردادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می کنند و (البته در) روز قیامت، یاری نخواهند شد. (۴۲) و در این دنیا، لعنتی بدرقه آنان کردیم و روز قیامت، آنان از زشت چهره گان خواهند بود. (۴۳) و به تحقیق بعد از آنکه نسل های نخستین را نابود ساختیم، به موسی کتاب (آسمانی تورات را) عطا کردیم (تا وسیله ای) برای بصیرت مردم و هدایت و رحمت باشد، شاید که آنان پند گیرند. (۴۴) و هنگامی که فرمان (نبوت) را به موسی دادیم، تو در جانب غربی (کوه طور) حضور نداشتی و از شاهدان نبود. (۴۵) ولی ما (اقوامی را) در اعصار مختلف خلق کردیم، پس زمان های طولانی بر آنها گذشت (و آثار انبیا از دلهایشان محو شد، پس تو را با کتاب آسمانی به سوی مردم فرستادیم)، و تو در میان اهل مدین اقامت نداشته ای تا (از وضع آنان آگاه باشی و بتوانی) آیات ما را (پیرامون مردم مدین) بر آنان (مردم مکه) بخوانی، لکن سنت ما این است که افرادی را برای هدایت می فرستیم. (۴۶) و آنگاه که ما (موسی را) ندا دادیم، تو در کنار کوه طور نبود، لیکن (این وحی و اطلاع از اخبار گذشتگان) رحمتی است از جانب پروردگارت تا تو (به واسطه ی آن) قومی را که پیش از تو

هشدار دهنده ای برایشان نیامده بود، هشداردهی، شاید آنان متذکر شوند. (۴۷) و اگر نبود اینکه هرگاه مصیبتی در اثر عملکردشان به آنان برسد، می گویند: پروردگارا! (ما که نمی دانستیم) چرا برای ما پیامبری فرستادی تا آیات تو را پیروی کنیم و از ایمان آورندگان باشیم، (ما هرگز پیامبری به سوی آنان نمی فرستادیم). (۴۸) پس هرگاه از جانب ما (آیات) حق برای آنان آمد، گفتند: چرا آنچه (به این پیامبر) داده شده، شبیه آن چه به موسی داده شده نیست؟ (چرا معجزاتی مثل تبدیل عصا به اژدها و یا نزول دفعی کتاب، مثل تورات که قابل مشاهده باشد ندارد؟! اما) مگر (همین کافران لجوج و بهانه گوی) به آنچه قبلاً به موسی داده شده بود، کفر نورزیدند؟ (مگر آنها نبودند که) گفتند: (این دو کتاب تورات و قرآن) سحرهایی هستند که پشتیبان یکدیگرند و (نیز) گفتند: همانا ما به همه ی آنها کافریم؟! (۴۹) (ای پیامبر! به آنان) بگو: (اکنون که منکر هر دو کتاب هستید) اگر راست می گویید، شما کتابی از جانب خداوند بیاورید که از این دو (کتاب تورات و قرآن) هدایت بخش تر باشد تا من از آن پیروی کنم. (۵۰) پس اگر (خواسته و پیشنهاد) تو را نپذیرفتند، بدان که آنان پیرو هوسهای نفسانی خویش اند و کیست گمراه تر از آن کس که بدون (پذیرش حق و توجه به) هدایت و رهنمون الهی، از هوس خود پیروی نماید؟ همانا خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی کند. (۵۱) و ما پیوسته برای آنان سخن گفتیم (و آیات قرآن را برایشان نازل کردیم) شاید که پند گیرند و متذکر شوند. (۵۲) (برخی از) آنان که پیش از این (قرآن) کتابشان دادیم، همانها به آن (قرآن) ایمان می آورند. (۵۳) و زمانی که (قرآن) بر آنان تلاوت

شود، گویند: ما به آن ایمان آوردیم، همانا آن، حقی است از طرف پروردگار ما (و) ما پیش از این (نیز) اهل تسلیم بوده ایم. (۵۴) آنان به خاطر صبرشان، دو برابر پاداش داده می شوند. و (آنانند که) بدی ها را با نیکی دفع می کنند و از آنچه روزی آنان کرده ایم (به دیگران) انفاق می نمایند. (۵۵) و هرگاه (سخن) لغوی را بشنوند، از آن روی برگرداند و گویند: اعمال ما برای ما و کارهای شما برای شما باشد، سلام (وداع ما) بر شما باد، ما به سراغ جاهلان نمی رویم. (۵۶) (ای پیامبر!) همانا تو نمی توانی هر که را دوست داری هدایت کنی (و به مقصد برسانی)، بلکه این خداوند است که هر کس را بخواهد هدایت می کند و او به ره یافتگان آگاه تر است. (۵۷) و (کفار مکّه) گفتند: اگر ما با (قبول برنامه های) تو، هدایت را بپذیریم، (بزودی) از سرزمینمان آواره خواهیم شد. (بگو): آیا ما آنان را در حرم امنی قرار ندادیم که بهره های هر چیزی به عنوان روزی از جانب ما به سوی آن سرازیر می شود؟ ولی بیشتر آنان نمی دانند! (۵۸) و چه بسیار مناطقی که ما (آنها را) بخاطر طغیان در زندگی، هلاک کردیم، این خانه های آنهاست که بعد از آنان جز اندکی (از انسان ها در آن) سکونت نکردند و ما وارث آنان هستیم. (۵۹) و پروردگارت قریه ها (و شهرها) را نابود نمی کند، مگر اینکه در میان آنان پیامبری برانگیزد، که آیات ما را بر آنان تلاوت کند. و ما هیچ آبادی را هلاک نکردیم مگر آنکه اهل آن ظالم بودند. (۶۰) و آنچه به شما داده شده، بهره ی زندگی دنیا و زینت آن است (که فانی و زودگذر است)، در حالی که آنچه نزد خداست، بهتر و پایدارتر

است. پس آیا نمی اندیشید؟! (۶۱) پس آیا کسی که به او وعده ای نیکو داده ایم و او آن را خواهد دید، مانند کسی است که او را از بهره ی زندگی دنیا بهره مند ساختیم (و) سپس او در روز قیامت از احضارشدگان (برای حساب و جزا) خواهد بود؟! (۶۲) و روزی که (خداوند) آنها را ندا می دهد، پس می گوید: کجایند آن شریکانی که برای من می پنداشتید؟ (۶۳) آن (شریکان و) کسانی که حکم عذاب بر آنان محقق گشته، می گویند: پروردگارا! اینان کسانی هستند که ما گمراه کرده ایم. همان گونه که خود گمراه بودیم، آنها را (نیز) گمراه نمودیم، (امّا اینک از آنان) به سوی تو بیزاری می جویم. (اینان در واقع) ما را نمی پرستیدند (بلکه بدنبال هواپرستی و هوسرانی خود بودند). (۶۴) و (در این هنگام به مشرکان) گفته می شود: (اکنون آن) معبودانی را که شریک خدا می پنداشتید بخوانید، پس آنها را می خوانند، امّا جوابی به آنها نمی دهند و (در این حال) عذاب الهی را می بینند (که آنان را در برمی گیرد، پس آرزو می کنند) ای کاش، هدایت یافته بودند. (۶۵) و (به یاد آورید) روزی که (خداوند) آنها را ندا می دهد، پس می گوید: به پیامبران (و فرستادگان من) چه پاسخی دادید؟ (۶۶) پس در آن روز، همه ی اخبار (و پاسخهایی که می توان از دیگران گرفت) بر آنان پوشیده می ماند، و آنان از یکدیگر سؤالی نمی کنند. (۶۷) امّا هر کس (در این دنیا) توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته ای انجام دهد، پس امید است که از رستگاران باشد. (۶۸) و پروردگارت آنچه را بخواهد می آفریند و (آنچه را بخواهد) برمی گزیند، برای آنان (در برابر خداوند) حقّ انتخابی نیست، منزّه است خدا و برتر است از آنچه (برای او) شرک می ورزند. (۶۹) و پروردگارت تو آنچه را دل های

آنان پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌سازند، می‌داند. (۷۰) او الله است، معبودی جز او نیست، ستایش در دنیا و آخرت (و آغاز و فرجام) مخصوص اوست، حاکمیت تنها از آن اوست و به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۷۱) بگو: آیا اندیشیده‌اید که اگر خدا شب را تا روز رستاخیز پایدار بدارد، کدام خدایی غیر از «الله» برای شما روشنی خواهد آورد؟ پس آیا نمی‌شنوید؟ (۷۲) (و) بگو: به من خبر دهید که اگر خداوند، روز شما را تا روز رستاخیز جاودان بدارد، کدام خدایی غیر از «الله» برای شما شب خواهد آورد تا در آن آرامش (و آسایش) یابید؟ پس آیا نمی‌نگرید؟ (۷۳) و از رحمت اوست که برای شما شب و روز را قرار داد تا در آن آرامش یابید و از فضل او (روزی خود را) بجوید، و باشد که شکر گزارید. (۷۴) (باز بخاطر آورید) روزی را که (خداوند) آنها را ندا می‌دهد، پس می‌گوید: کجایند آن (همتایان و) شریکانی که برای من می‌پنداشتید؟! (۷۵) و (در آن روز) از هر اُمّیتی، گواهی بیرون می‌آوریم، پس (به مشرکان) می‌گوییم: دلیل خود را (بر شرک) بیاورید! پس می‌فهمند که حق، مخصوص خداست و هر چه به دروغ می‌بافتند، از (دست) آنان رفته و محو شده است. (۷۶) همانا قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم نمود، با آن که ما آنقدر از گنج‌ها (و صندوق جواهرات) به او داده بودیم که حمل (آن ذخایر و) کلیدهایش بر گروه نیرومند نیز سنگین بود. روزی قومش به او گفتند: مغرورانه شادی مکن، به درستی که خداوند شادمانان مغرور را دوست نمی‌دارد. (۷۷) و (ای قارون!) در آنچه خداوند به تو داده است، سرای آخرت را جستجو

نما و (در عین حال) بهره ات را نیز از این دنیا فراموش مکن و همان گونه که خداوند به تو احسان کرده است، تو نیز (از این ثروت به دیگران) احسان نما و بدنبال فساد در زمین مباش که خداوند، فسادگران را دوست نمی دارد. (۷۸) (قارون در جواب) گفت: همانا این (ثروت فراوان) به واسطه دانشی که نزد من است، به من داده شده، آیا او نمی دانست که خداوند، قبل از او از میان نسل ها، کسانی را که از او نیرومندتر و مال اندوزتر بودند، هلاک کرده است؟ و (در آن هنگام حتی) از گناهان مجرمان (هم) سؤالی نمی شود؟! (۷۹) (روزی قارون) با تمام تجمل خود در میان قومش ظاهر شد، (با دیدن این صحنه) آنان که خواهان زندگانی دنیا بودند (آهی کشیده و) گفتند: ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده، برای ما نیز بود. براستی که او بهره ی بزرگی (از نعمت ها) دارد. (۸۰) و (اما) کسانی که علم و آگاهی (واقعی) به آنان داده شده بود، گفتند: وای بر شما! پاداش الهی برای کسانی که ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند (از این مال و ثروت)، بهتر است، و (البته) جز صابران، آن (پاداش) را دریافت نخواهند کرد. (۸۱) پس ما، او و خانه اش را به زمین فرو بردیم و هیچ گروهی نبود که او را در برابر قهر خداوند یاری کند و خودش نیز نمی توانست از خویش دفاع نماید. (۸۲) و همان کسانی که موقعیت دیروز او (قارون) را آرزو می کردند (با دیدن صحنه هلاکت او) می گفتند: وای! (بر ما) گویا خداوند، (رزق و) روزی را بر هر کس از بندگانش که بخواهد، گشاده و یا تنگ می گرداند، (و) اگر خداوند بر ما

منت نهاده بود، هر آینه ما را نیز (با او) به قعر زمین برده بود، وای! گویی کافران، رستگار نمی شوند. (۸۳) (ما، نجات و سعادت در) آن سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می دهیم که خواستار برتری و فساد در زمین نباشند و سرانجام، (رستگاری) از آن پرهیزکاران است. (۸۴) هر کس نیکی آورد، برای او (پاداشی) بهتر از آن خواهد بود، و هر کس بدی آورد، پس کسانی که کارهای ناروا انجام دهند، جز (به اندازه) آنچه کرده اند، مجازات نمی شوند. (۸۵) همانا آن کس که قرآن را (بر تو نازل و عمل به آن را) بر تو واجب کرد، قطعاً تو را به وعده گاه (و زادگاهت) باز خواهد گردانید. بگو: پروردگارم آگاه تر است که چه کسی هدایت آورده و چه کسی در گمراهی آشکار است. (۸۶) و تو امید نداشتی که (این) کتاب (آسمانی) به تو القا گردد، (و این نزول نبود)، مگر رحمتی از سوی پروردگارت، پس (به شکرانه ی آن) هرگز پشتیبان کافران مباش. (۸۷) و (به هوش باش) پس از آنکه آیات الهی به سوی تو نازل گردید، (وسوسه ها و تهدیدات کفار) تو را (از تبلیغ و عمل به آن) باز ندارد و (همچنان دیگران را) به سوی پروردگارت دعوت کن و هرگز از مشرکان مباش. (۸۸) و (هرگز) معبود دیگری را با «الله» مخوان که معبودی جز او نیست. همه چیز جز وجه او نابود است، حکم (و حاکمیت، تنها) از آن اوست، و همه به سوی او بازگردانده می شوید. (۸۹)

العنکبوت

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) الف، لام، میم. (۲) آیا مردم پنداشتند که چون گفتند: ایمان آوردیم، رها می شوند و دیگر مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟! (۳) در حالی که بدون تردید کسانی را که پیش از ایشان

بودند آزمودیم تا خداوند کسانى را كه راست گفتند معلوم دارد و دروغگويان را (نيز) معلوم دارد. (۴) آيا كسانى كه كارهاى بد انجام مى دهند، پنداشته اند كه بر ما پيشى خواهند گرفت (و از كيفر ما خواهند گريخت)؟ چه بد داورى مى كنند. (۵) آن كس كه به ديدار خداوند اميد دارد (مى داند كه) بى شك اجلى كه خداوند تعيين كرده آمدنى است؛ و اوست شنواى دانا. (۶) و هر كس تلاش كند پس براى خود مى كوشد، زيرا خداوند از جهانيان بى نياز است. (۷) و كسانى كه ايمان آورده و كارهاى شايسته انجام داده اند، قطعاً لغزش هاى آنان را مى پوشانيم، و بى شك بهتر از آنچه عمل مى كرده اند پاداششان مى دهيم. (۸) و به انسان سفارش كرديم كه به پدر و مادر خود نيكي كند، و اگر آن دو كوشيدند تا چيزى را كه بدان علم ندارى شريك من سازى، از ايشان اطاعت مكن، سرانجام شما به سوى من است، پس شما را از (حقيقت) آنچه انجام مى داديد آگاه خواهيم ساخت. (۹) و كسانى كه ايمان آورده و كارهاى شايسته انجام داده اند، بى شك آنان را در زمره ي شايستگان درمى آوريم. (۱۰) و برخى از مردم (به زبان) مى گویند: به خداوند ايمان آورده ايم، پس هرگاه در راه خدا آزار ببينند، اذيت و آزار مردم را به عنوان عذاب خداوند قرار مى دهند، و اگر از جانب پروردگارت يارى و پيروزي رسد، با تأكيد مى گویند: ما با شما بوديم. آيا (نمى دانند كه هيچ كس از) خداوند به آنچه در دلهاى جهانيان مى گذرد، آگاه تر نيست؟ (۱۱) و قطعاً خدا كسانى را كه ايمان آورده مى شناسد، و منافقان را (نيز) مى شناسد. (۱۲) و كسانى كه كافر شده اند، به كسانى كه ايمان آوردند گفتند: شما راه ما را پيروي كنيد، (اگر گناهي داشته باشد) ما

گناهان شما را بر عهده می گیریم. در حالی که چیزی از گناهانشان را عهده دار نیستند؛ قطعاً آنان دروغگویانند. (۱۳) بی شک آنان هم بار (خطای) خودشان و (هم) بارهای دیگر را با بار خود بر دوش خواهند کشید، و مسلماً در روز قیامت از آنچه به دروغ می بافتند بازخواست خواهند شد. (۱۴) و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس در میان آنان، هزار سال به استثنای پنجاه سال درنگ کرد، (ولی جز اندکی از مردم به سخن او گوش ندادند) پس طوفان (قهر خداوند) آنان را در حالی که ستمگر بودند فرا گرفت. (۱۵) پس او و سرنشینان کشتی را نجات دادیم و آن (ماجرا) را برای جهانیان، نشانه ی (عبرت) قرار دادیم. (۱۶) و (یاد کن) ابراهیم را آنگاه که به قومش گفت: خدا را پرستید و از او پروا کنید، اگر بدانید این (کار) برای شما بهتر است. (۱۷) همانا شما به جای خدا بت هایی را می پرستید و دروغی را می سازید، همانا کسانی که به جای خدا پرستش می کنید، مالک رزق شما نیستند، پس روزی را نزد خدا جستجو کنید و او را پرستید و برای او شکر نمایید که به سوی او بازگردانده می شوید. (۱۸) و اگر (مرا) تکذیب کنید (تعجب ندارد)، زیرا امت های پیش از شما (نیز پیامبرانشان را) تکذیب کردند و بر پیامبر (خدا) جز تبلیغ روشن (مسئولیتی) نیست. (۱۹) آیا ندیده اند که خداوند چگونه آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را باز می گرداند؟ البتّه این (کار) بر خداوند آسان است. (۲۰) بگو: در زمین بگردید، پس بنگرید که (خداوند) چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس (همان) خدا نشأه ی آخرت (قیامت) را ایجاد می کند، همانا خداوند بر هر کاری بسیار توانا است. (۲۱) (خداوند)، هر که را

بخواهد عذاب و هر که را بخواهد رحمت می کند، و به سوی او بازگردانده می شوید. (۲۲) و شما هرگز نمی توانید خدا را عاجز کنید، نه در زمین و نه در آسمان، و برای شما جز خداوند، ولی و یاور نیست. (۲۳) و کسانی که به آیات خداوند و لقای او کفر ورزیدند، آنان از رحمت من مأیوس هستند و آنانند که برایشان عذابی دردناک خواهد بود. (۲۴) پس پاسخ قوم او (ابراهیم) جز این نبود که گفتند: او را بکشید یا بسوزانید. ولی خداوند او را از آتش نجات داد. همانا در این (نجات بخشی الهی) برای گروهی که ایمان می آورند، نشانه هایی (از قدرت خداوند) است. (۲۵) و (ابراهیم) گفت: شما به جای خدا بت هایی را اختیار کرده اید که مایه ی پیوند شما در زندگی دنیاست، اما روز قیامت، بعضی از شما بعضی دیگر را انکار و برخی از شما برخی دیگر را لعنت خواهد کرد، و جایگاه شما (در) آتش است و برای شما یاورانی نخواهد بود. (۲۶) پس لوط به او (ابراهیم) ایمان آورد، و گفت: همانا من به سوی پروردگارم روی آورده ام که او عزیز و حکیم است. (۲۷) و اسحاق و یعقوب را به او (ابراهیم) عطا کردیم، و در میان فرزندانش پیامبری و کتاب را قرار دادیم، و پادشاه او را در دنیا عطا کردیم و قطعاً او در آخرت از شایستگان است. (۲۸) و (یاد کن) لوط را آنگاه که به قوم خود گفت: همانا شما به کاری زشت می پردازید که هیچ یک از مردم جهان در آن کار بر شما پیشی نگرفته است. (۲۹) شما به سراغ مردها می روید و راه (طبیعی زناشویی) را قطع می کنید و در مجالس خود (آشکارا و بی پرده) اعمال ناپسند انجام

می دهید؟ پس قومش پاسخی ندادند جز این که گفتند: اگر تو (در ادعای پیامبری) از راستگویانی، عذاب خدا را برای ما بیاور. (لوط) (۳۰) گفت: پروردگارا! مرا بر قوم (فاسد و) تبه کار پیروز گردان. (۳۱) و چون فرستادگان ما (که از فرشتگان بودند)، برای ابراهیم مژده ی (تولّد فرزند) آوردند، گفتند: ما نابودکننده ی اهل این منطقه هستیم، زیرا مردم آن ستمگرند. (۳۲) (ابراهیم) گفت: در این منطقه لوط است، فرشتگان گفتند: (نترس) ما به کسانی که در این جا هستند آگاه تریم؛ قطعاً او (لوط) و خاندانش را نجات می دهیم، جز همسرش که از باقی ماندگان (در قهر ما) است. (۳۳) و هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از آمدنشان بد حال شد و دستش (از حمایت آنان در برابر بدکاران) کوتاه گردید؛ (فرشتگان) گفتند: نترس و غمگین مباش، ما تو و خانواده ات را نجات می دهیم، مگر همسرت که از باقی ماندگان (در عذاب) است. (۳۴) همانا ما بر اهل این منطقه به خاطر فسقی که داشتند، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت. (۳۵) و از آن منطقه (غضب شده) نشانه ی روشنی (و درس عبرتی)، برای کسانی که می اندیشند باقی گذاشتیم. (۳۶) و به سوی (مردم) مَیدین، برادرشان شعیب را (به رسالت فرستادیم)؛ پس گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، و به روز قیامت امیدوار باشید، و در زمین (فتنه انگیزی و) فساد نکنید. (۳۷) پس شعیب را تکذیب کردند و (به این سبب) زلزله آنان را فرا گرفت، و بامدادان در خانه های خود به رو در افتاده (و مرده) بودند. (۳۸) و (قوم) عاد و ثمود را نیز (هلاک کردیم)؛ و بی شک (بعضی) از مساکن (مخروبه ی) آنان برای شما آشکار است؛ و شیطان اعمالشان را برای آنان زینت داد، پس آنان را از راه (خدا)

باز داشت، در حالی که (برای شناخت حق و باطل) بصیرت داشتند. (۳۹) و قارون و فرعون و هامان را (نیز هلاک کردیم)؛ و به راستی موسی همراه دلایل روشن (و معجزات) به سوی آنان آمد، (ولی) آنان در زمین تکبر و سرکشی کردند، و (با این همه) نتوانستند (بر خدا) پیشی گیرند (و از عذاب الهی فرار کنند). (۴۰) پس هر یک (از آنان) را به (جرم) گناهش گرفتار (عذاب) کردیم، پس بر بعضی از آنان باد شدید ریگ افشان فرستادیم، و بعضی از آنان را صیحه ی آسمانی (و بانگ مرگبار) فرا گرفت، و برخی را در زمین فرو بردیم، و بعضی دیگر را غرق کردیم؛ و چنان نبود که خداوند بر آنان ستم کند، بلکه خودشان بر خود ستم کردند. (۴۱) مَثَلِ کسانی که غیر خدا را سرپرست خود برگزیدند، همانند مَثَلِ عنکبوت است که (برای خود) خانه ای ساخته؛ و البته سست ترین خانه ها خانه ی عنکبوت است اگر می دانستند. (۴۲) همانا خداوند آنچه را غیر از او می خوانند، هر چه باشد، او عزیز و حکیم است. (۴۳) و این مثل ها را برای مردم می زنیم، اما جز دانشمندان و آگاهان، کسی آن را درک نمی کند. (۴۴) خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفرید، همانا در این آفرینش، برای اهل ایمان نشانه ی قطعی است. (۴۵) آنچه را از کتاب (آسمانی قرآن) به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را بپا دار، که همانا نماز (انسان را) از فحشا و منکر بازمی دارد و البته یاد خدا بزرگ تر است و خداوند آنچه را انجام می دهید می داند. (۴۶) و با اهل کتاب جز با بهترین شیوه مجادله نکنید، مگر ستمگران از آنان، و (به آنان) بگویید: ما به آنچه (از سوی خدا) بر

ما و شما نازل شده ایمان داریم، و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم او هستیم. (۴۷) و این گونه، کتاب را بر تو نازل کردیم. پس (بعضی از) کسانی که کتاب آسمانی به ایشان دادیم به آن (قرآن) ایمان می آورند، و از این (مشرکان نیز) کسانی به آن ایمان می آورند و جز کافران (کسی) آیات ما را انکار نمی کند. (۴۸) و تو قبل از (نزول) این (قرآن) هیچ کتابی نمی خواندی، و با دست خود آن (قرآن) را نمی نویسی، مبادا آنان که در صدد ابطال (سخنان) تو هستند، شک و تردید کنند. (۴۹) بلکه آن (قرآن) آیاتی است روشن که در سینه های کسانی که به آنان معرفت داده شده جای دارد؛ و جز ستمگران آیات ما را انکار نمی کنند. (۵۰) و گفتند: چرا بر او از طرف پروردگارش معجزاتی (مانند عصای موسی) نازل نمی شود؟ بگو: معجزات تنها نزد خداست (و به فرمان او نازل می شود نه میل دیگران)؛ و من فقط هشدار دهنده ای آشکار هستم. (۵۱) آیا (این معجزه) برای آنان کافی نیست که ما کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم تا پیوسته بر آنان تلاوت شود؟ همانا در این کتاب، برای گروهی که ایمان آورند، رحمت و تذکری قطعی است. (۵۲) بگو: همین بس که خداوند میان من و شما گواه است؛ آنچه را در آسمان ها و زمین است می داند؛ و کسانی که (به جای پیروی از حق)، به باطل ایمان آوردند و به خدا کفر ورزیدند، آنان همان زیانکارانند. (۵۳) آنان با عجله از تو عذاب (الهی را) می خواهند و اگر مهلت معین (برای آنان مقرر) نبود، قطعاً عذاب به سراغشان می آمد، (ولی بدانند) عذاب ناگهانی به سراغشان خواهد آمد در حالی

که از آن غافلند. (۵۴) آنان از تو عذاب فوری می خواهند، و حال آن که جهنم بر کافران احاطه دارد. (۵۵) روزی (فرا رسد) که عذاب از بالای سرشان و از زیر پاهایشان آنان را فرا گیرد؛ (در آن روز خداوند) می فرماید: بپشید (جزای) کارهایی را که (در دنیا) انجام داده اید. (۵۶) ای بندگانِ با ایمان من! همانا زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید. (۵۷) هر نفسی، چشده ی مرگ است؛ سپس به سوی ما باز گردانده می شوید. (۵۸) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، قطعاً آنان را در غرفه هایی از بهشت جای می دهیم که نهرها از زیر آنها جاری است؛ همیشه در آنجا خواهند بود؛ چه خوب است پاداش عمل کنندگان. (۵۹) (مؤمنان صالح) کسانی هستند که (در برابر مشکلات) صبر (و استقامت) کرده و بر پروردگارشان توکل می کنند. (۶۰) و چه بسا جنبنده ای که نمی تواند روزی خود را تأمین کند، خداست که به او و به شما روزی می دهد و اوست شنوای دانا. (۶۱) و اگر از آنان (مشرکان) سؤال کنی: چه کسی آسمان ها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را تسخیر کرد؟ حتماً خواهند گفت: خدا. پس، (از راه حق) به کجا منحرف می شوند؟ (۶۲) خداوند برای هر کس از بندگان که بخواهد روزی را می گسترد و یا تنگ می کند، همانا خداوند به هر چیزی آگاه است. (۶۳) و اگر از آنان (مشرکان) بپرسی: چه کسی از آسمان، آبی فرستاد که به وسیله ی آن زمین را بعد از مرگش زنده کرد؟ حتماً خواهند گفت: خدا. بگو: ستایش مخصوص خداست، امّا بیشتر آنان نمی اندیشند. (۶۴) این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازیچه نیست و اگر بدانند، زندگی حقیقی، همان سرای آخرت است. (۶۵) پس هنگامی که بر کشتی سوار شوند

(و خطر را احساس کنند)، خدا را با اخلاص می خوانند (و غیر او را فراموش می کنند) پس همین که (خداوند) آنان را به سوی خشکی رساند و نجات داد، باز ناگاه به شرک برمی گردند. (۶۶) (بگذار) تا به آنچه به آنان داده ایم ناسپاسی کنند و (از لذت های زودگذر زندگی) کامیاب شوند؛ اما به زودی خواهند فهمید. (۶۷) آیا ندیدند که ما حرمی امن قرار دادیم و حال آن که مردم از اطرافشان ربوده می شدند؟! پس آیا به باطل ایمان می آورند و به نعمت خداوند کفر می ورزند؟ (۶۸) و کیست ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بنهد یا هنگامی که حق به سراغش آمد آن را تکذیب کند؟ آیا برای کافران، در دوزخ جایگاهی نیست؟ (۶۹) و کسانی که در راه ما (تلاش و) جهاد کردند، راه های (قرب به) خود را به آنان نشان خواهیم داد و همانا خداوند با نیکوکاران است. (۷۰)

الروم

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) الف، لام، میم. (۲) رومیان مغلوب (ایرانیان) شدند. (۳) (این شکست) در نزدیک ترین سرزمین (رخ داد) ولی آنان بعد از مغلوب شدن، در آینده ی نزدیکی پیروز خواهند شد. (۴) (این پیروزی) در چند سال (آینده خواهد بود)، قبل از پیروزی و شکست و بعد از آن، کار تنها به دست خداست و در آن روز (پیروزی)، مؤمنان خوشحال خواهند شد. (۵) خداوند هر کس را بخواهد، به یاری خود یاری می کند، و او قدرتمند و نفوذ ناپذیر مهربان است. (۶) (این پیروزی) وعده ی الهی است. خداوند وعده اش را تخلف نمی کند؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۷) (مردم) فقط ظاهری از زندگی دنیا را می شناسند، و آنان از آخرت غافلند. (۸) آیا آنان در وجود خودشان فکر نکردند؟ خداوند آسمان ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز بر اساس

حق و زمان بندی معین نیافریده است، و بی شک بسیاری از مردم به لقای پروردگارشان (در قیامت) کفر می ورزند. (۹) آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟ آنها نیرومندتر از اینان بودند و زمین را زیرورو کردند و بیش از آنچه اینان آباد کردند، آن را آباد ساختند، و پیامبرانشان همراه با (معجزه و) دلایل روشن به سراغشان آمدند، (امّا آنها انکار کردند و به قهر خدا گرفتار شدند) پس خداوند به آنان ستم نکرد، بلکه آنها بر خود ستم کردند. (۱۰) سپس عاقبت کسانی که کارهای بد مرتکب شدند، این شد که آیات خدا را تکذیب کردند و همواره آن را به مسخره می گرفتند. (۱۱) خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را تجدید می کند، آنگاه به سوی او باز گردانده می شوید. (۱۲) و روزی که قیامت بر پا می شود، تبه کاران نومید و غمگین می شوند. (۱۳) و برای آنان از شریکانی (که برای خدا قرار داده اند) شفیعانی نخواهد بود، و آنان (در آن روز) به شریکان خود کافر می شوند. (۱۴) و روزی که قیامت بر پا می شود، در آن روز (مردم) از هم جدا می شوند. (۱۵) پس کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام دادند، پس آنان در باغی (از بهشت) شادمان خواهند بود. (۱۶) و امّا کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کردند، پس احضارشدگان در عذابند. (۱۷) پس خدا را تنزیه کنید به هنگامی که وارد شب می شوید و هنگامی که به صبح درمی آید. (۱۸) و حمد و ستایش در آسمان ها و زمین و هنگام شب و هنگامی که ظهر می کنید، مخصوص اوست. (۱۹) زنده را از مرده بیرون می آورد، و مرده را (نیز) از زنده بیرون می کشد، و

زمین را بعد از مرگش زنده می کند، و شما نیز (روز قیامت) این گونه بیرون آورده می شوید. (۲۰) و از نشانه های الهی آن است که شما را از خاکی (پست) آفرید، پس (به صورت) بشری به هر سوی پراکنده شدید. (۲۱) و از نشانه های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و میان شما و همسرانتان علاقه ی شدید و رحمت قرار داد؛ بی شک در این (نعمت الهی)، برای گروهی که می اندیشند نشانه های قطعی است. (۲۲) و از نشانه های الهی، آفرینش آسمان ها و زمین، و تفاوت زبان ها و رنگ های شماست؛ همانا در این امر برای دانشمندان نشانه هایی قطعی است. (۲۳) و از نشانه های الهی، خوابیدن شما در شب و روز، و تلاش شما در کسب فضل پروردگار است؛ همانا در این امر برای گروهی که (حقایق را) می شنوند نشانه هایی قطعی است. (۲۴) و از نشانه های الهی آن است که برق (آسمان) را که مایه ی بیم و امید است به شما نشان می دهد، و از آسمان، آبی می فرستد که زمین را بعد از مردنش زنده می کند، همانا در این امر برای گروهی که می اندیشند نشانه هایی قطعی است. (۲۵) و از نشانه های الهی آن است که آسمان و زمین به فرمان او بر پاست؛ پس هرگاه شما را از زمین فراخواند، ناگهان (از قبر) بیرون می آید (و در صحنه ی قیامت حاضر شوید). (۲۶) و هر که در آسمان ها و زمین است از آن اوست، همه برای او فرمانبردارند. (۲۷) و او کسی است که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را (باز می گرداند و) تجدید می کند، و این کار برای او (از آفرینش نخستین) آسان تر است، و قدرت برتر در آسمان ها و زمین

مخصوص اوست؛ و او غلبه ناپذیر و دانا به حقایق امور است. (۲۸) خداوند برای شما، مثالی از خودتان زده است (و آن این که) آیا در آنچه ما روزی شما کردیم، از بردگانتان شریکانی را می پذیرید، تا آنان در رزق، مساوی (و شریک) شما باشند؟ و آیا همانطور که از یکدیگر می ترسید از بردگانتان می ترسید؟! (شما که در یک لقمه ی نان، حاضر نیستید با زیردستان خود شریک باشید، چگونه بت های بی روح را شریک خدا می دانید؟! ما آیات خود را برای گروهی که می اندیشند، این گونه شرح می دهیم. (۲۹) آری، کسانی که ظلم کردند، بدون آگاهی، از هوس های خود پیروی نمودند. پس کسی را که خدا گمراهش کرد، چه کسی می تواند هدایت کند؟ برای آنان هیچگونه یآوری نیست. (۳۰) پس با گرایش به حق به این دین روی بیاور، (این) فطرت الهی است که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است، برای آفرینش الهی دگرگونی نیست، این است دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۳۱) (شما نیز بر اساس همان فطرت)، به سوی او روی آورید و از او پروا کنید و نماز را بر پا کنید و از مشرکان نباشید. (۳۲) از کسانی که دین خود را جدا و پراکنده کردند و به دسته ها و فرقه ها تقسیم شدند؛ و هر گروهی به آنچه نزد آنهاست شادمانند. (۳۳) و هرگاه زیانی به مردم رسد، توبه کنان پروردگار خود را می خوانند و به سوی او بازمی گردند، اما چون خداوند از طرف خود رحمتی به آنان بچشانند، گروهی از آنان به پروردگارشان شرک می ورزند. (۳۴) تا سرانجام درباره ی آنچه به ایشان بخشیده ایم کفران پیشه کنند، پس کام بگیرید که به زودی خواهید دانست (نتیجه ی کفر و کفران چیست). (۳۵) آیا ما بر ایشان حجت

و دلیل محکمی نازل کرده ایم؟ دلیلی که درباره ی شرک آنان سخنی بگوید (آن را موجه بدانند)؟! (۳۶) و هرگاه به مردم رحمتی چشاییم، به آن شاد شوند و اگر به خاطر دستاورد گذشته (و اعمال بد) آنها، ناگواری (و مصیبتی) به آنان رسد، ناگهان مأیوس می شوند. (۳۷) آیا ندیدند که خداوند برای هر کس بخواهد (طبق حکمت)، روزی را گسترش می دهد و (یا) تنگ می سازد؟ البتّه در این (توسعه و ضیق) برای کسانی که ایمان می آورند نشانه هایی قطعی است. (۳۸) (اکنون که دانستی توسعه ی رزق به دست خداست،) پس حقّ خویشاوند و تنگدست و در راه مانده را ادا کن. این (انفاق) برای کسانی که خواهان خشنودی خدا هستند بهتر است، و آنان همان رستگارانند. (۳۹) و آنچه شما به رسم ربا دادید که بر اموال مردم (رباخوار) افزوده شود، پس نزد خداوند فزونی نخواهد یافت، و آنچه را به عنوان زکات می پردازید و رضای خدا را می طلبید پس آنان (که چنین کنند پاداشی) چند برابر دارند. (۴۰) خداوند کسی است که شما را آفرید، سپس به شما روزی داد، آنگاه شما را می میراند، سپس زنده می کند؛ آیا از شریک هایی که شما برای خدا گرفته اید کسی هست که ذرّه ای از این کارها را انجام دهد؟ او منزّه و برتر است از آنچه شریکش قرار می دهند. (۴۱) به خاطر کارهایی که مردم انجام داده اند، فساد در خشکی و دریا آشکار شده است، تا (خداوند) کیفر بعضی اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند. (۴۲) بگو: در زمین سیر کنید پس بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما (زندگی می کردند و) بیشترشان مشرک بودند چگونه بود. (۴۳) (حال که دانستی فرجام شرک هلاکت است،) پس به دین استوار ایمان بیاور، پیش

از آن که روزی بیاید که برای آن برگشتی از (قهر) خدا ممکن نیست، در آن روز مردم از هم جدا (و دسته دسته) می شوند. (۴۴) هر کس کفر ورزد، کفرش به زیان اوست و کسانی که کار شایسته انجام دهند (سعادت ابدی را) برای خودشان آماده می کنند. (۴۵) تا (خداوند) کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، از فضل خویش پاداش دهد؛ (و کافران را محروم کند، زیرا) او کافران را دوست نمی دارد. (۴۶) و از نشانه های الهی این است که بادهای که بادها را می فرستد، تا مژده (باران) دهند و بخشی از رحمتش را به شما بچشانند و کشتی ها به فرمانش حرکت کنند، و شما از فضل او (روزی) بجوید، شاید شکرگزاری کنید. (۴۷) و البتّه ما پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم، پس آنان دلایل روشن برای مردم آوردند، (برخی ایمان آوردند و بعضی کفر ورزیدند) پس، از کسانی که مرتکب جرم شدند انتقام گرفتیم، و (مؤمنان را یاری کردیم (که) یاری مؤمنان حقّی است بر عهده ی ما. (۴۸) خداوند کسی است که بادهای که بادها را می فرستد و ابری برمی انگیزد و آن را در آسمان، هر گونه بخواهد می گستراند و آن را بخش بخش می کند، پس می بینی که باران از لابلای آن (ابر) بیرون می آید. پس هرگاه آن (باران) را به هر کس از بندگانش که بخواهد برساند، به ناگاه آنان شادمان گردند. (۴۹) و هر چند پیش از آن که (باران) بر آنان نازل شود، (آری)، پیش از آن نومید بودند. (۵۰) پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را بعد از مرگش زنده می کند. همانا خداست زنده کننده ی مردگان و او بر هر چیزی قدرت دارد. (۵۱) و اگر بادی (آفت

زا) بفرستیم، و (مردم زمین سرسبز) را زرد شده ببینند، بعد از آن کفر خواهند ورزید. (۵۲) (دل‌های اینان مرده است) پس تو نمی‌توانی مردگان را شنوا کنی، و این دعوت را به گوش کران آنگاه که پشت کنان روی می‌گردانند، برسانی. (۵۳) و تو هدایت‌کننده‌ی کوران از گمراهیشان نیستی، تنها کسانی سخت را به گوش می‌گیرند که به آیات ما ایمان دارند و اهل تسلیم هستند. (۵۴) خداست که شما را از ناتوانی آفرید، سپس بعد از ناتوانی، قوتی بخشید، آنگاه بعد از توانایی و قوت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد می‌آفریند، و اوست دانای توانا. (۵۵) و روزی که قیامت بر پا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی درنگ نکرده‌اند، (آنان در دنیا نیز) این‌گونه (از حق) گردانده می‌شدند. (۵۶) و کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده، (به مجرمان) می‌گویند: قطعاً شما (به موجب آنچه) در کتاب خداست تا روز رستاخیز (در برزخ) مانده‌اید، پس این، روز رستاخیز است، ولی شما نمی‌دانستید (که قیامت حق است). (۵۷) پس در چنین روزی، پوزش کسانی که ستم کردند سودی ندارد، و توبه‌ی آنان نیز پذیرفته نمی‌شود. (۵۸) و به راستی در این قرآن، برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم، و اگر برای آنان نشانه و معجزه‌ای بیاوری، کافران حتماً خواهند گفت: شما جز بر باطل نیستید. (و این‌ها سحر و جادوست). (۵۹) این‌گونه، خداوند بر دل‌های کسانی که معرفت ندارند، مهر می‌زند. (۶۰) پس صبر پیشه کن که همانا وعده‌ی خداوند (درباره‌ی نصرت تو) حق است، و کسانی که (به راه حق) یقین ندارند تو را به سبک سری وادار نکنند. (۶۱)

لقمان

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) الف، لام، میم. (۲) این، آیات کتاب سراسر

حکمت است. (۳) که (مایه ی) هدایت و رحمت، برای نیکوکاران است. (۴) آنان که نماز به پا می دارند و زکات می پردازند و تنها آنان به آخرت یقین دارند. (۵) آنان بر هدایتی از پروردگارشان هستند و هم آنانند رستگاران. (۶) و برخی از مردم، خریدار سخنان بیهوده و سرگرم کننده اند، تا بی هیچ علمی، (دیگران را) از راه خدا گمراه کنند و آن را به مسخره گیرند؛ آنان برایشان عذابی خوارکننده است. (۷) و هرگاه آیات ما بر او خوانده شود، مستکبرانه روی برگرداند، چنان که گویی آن را نشنیده، گویا در گوش های او سنگینی است، پس او را به عذابی دردناک بشارت ده. (۸) همانا کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، برای آنان باغ های پر نعمت (بهشت) است. (۹) در آن جاودانه اند، وعده ی الهی حق است و اوست شکست ناپذیر حکیم. (۱۰) (خداوند)، آسمان ها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوه هایی بیفکند که زمین شما را نلرزاند، و در آن از هر جنبه ای منتشر ساخت؛ و از آسمان، آبی فرو فرستادیم پس در زمین (انواع گوناگونی) از جفت های (گیاهان) نیکو و پر ارزش رویاندیم. (۱۱) این آفرینش خداست، پس به من نشان دهید که (معبودان) غیر او چه آفریده اند؟ آری، ستمگران (مشرک) در گمراهی آشکارند. (۱۲) و ما به لقمان حکمت دادیم، که شکر خدا را به جای آور و هر کس شکر کند، همانا برای خویش شکر کرده؛ و هر کس کفران کند (بداند به خدا زیان نمی رساند، زیرا) بی تردید خداوند بی نیاز و ستوده است. (۱۳) و (یاد کن) زمانی که لقمان به پسرش در حال موعظه ی او گفت: فرزندم! چیزی را همتای خدا قرار نده، زیرا که شرک (به خدا)، قطعاً ستمی بزرگ است. (۱۴) و ما انسان را

درباره ی پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را حمل کرد، در حالی که هر روز ناتوان تر می شد، (و شیر دادن) و از شیر گرفتنش در دو سال است، (به او سفارش کردیم که) برای من و پدر و مادرت سپاس گزار، که بازگشت (همه) فقط به سوی من است. (۱۵) و اگر آن دو (پدر و مادر) تلاش کردند چیزی را که بدان علم نداری، شریک من سازی، از آنان فرمان مبر، ولی با آنان در دنیا به نیکی رفتار کن، و راه کسی را پیروی کن که به سوی من باز آمده است، پس بازگشت شما به سوی من است، من شما را به آنچه عمل می کردید آگاه خواهم ساخت. (۱۶) ای فرزندم! اگر (عمل تو) همسنگ دانه ی خردلی باشد و در دل تخته سنگی یا در آسمان ها یا در زمین نهفته باشد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می آورد، زیرا که خداوند دقیق و آگاه است. (۱۷) فرزندم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه از سختی ها به تو می رسد مقاومت کن که این (صبر) از امور واجب و مهم است. (۱۸) و روی خود را از مردم (به تکبر) بر مگردان، و در زمین مغرورانه راه مرو، زیرا خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد. (۱۹) و در راه رفتن (و رفتارت)، میانه رو باش و از صدایت بکاه، زیرا که ناخوش ترین صداها، آواز خران است. (۲۰) آیا ندیدید که خداوند آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است برای شما مسخر کرده، و نعمت های ظاهری و باطنی خود را بر شما سرازیر کرده است، ولی بعضی از مردم بدون

هیچ

دانش و هدایتی و بدون هیچ کتاب روشنگری، درباره ی خداوند به جدال و ستیز می پردازند. (۲۱) و هر گاه به آنان گفته شود: آنچه را خدا نازل کرده پیروی کنید. گویند: بلکه ما آنچه را پدرانمان را بر آن یافته ایم پیروی خواهیم کرد. آیا اگر شیطان آنان را به عذاب فروزان فرا خواند (باز هم باید از او تبعیت کنند)؟! (۲۲) و هر کس روی خود را (به حقیقت) به سوی خدا کند، در حالی که نیکوکار باشد، پس بی تردید به دستگیره (و رشته ی) محکمی چنگ زده، و پایان همه ی کارها به سوی اوست. (۲۳) (ای پیامبر!) هر کس کفر ورزید، کفرش تو را محزون نکند، بازگشت آنان تنها به سوی ماست، پس ما آنان را به عملکردشان آگاه خواهیم کرد، قطعاً خداوند به آنچه در سینه هاست آگاه است. (۲۴) آنان را (در دنیا) اندکی بهره مند می سازیم، سپس به عذاب سختی گرفتارشان خواهیم ساخت. (۲۵) و اگر از آنان سؤال کنی: چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است؟ حتماً خواهند گفت: خدا. بگو: ستایش از آن خداست، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۲۶) آنچه در آسمان ها و زمین است از آن خداست، همانا خداوند بی نیاز و ستوده است. (۲۷) و اگر آنچه درخت در زمین است، قلم شوند، و دریا و از پس آن هفت دریا به کمک آیند، (و مرگب شوند تا کلمات خدا را بنویسند)، کلمات خدا به پایان نرسد، همانا خداوند شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۸) آفرینش و رستاخیز (همه ی) شما (نزد خدا چیزی) جز مانند (آفریدن و زنده کردن) یک تن نیست، همانا خداوند شنوا و بیناست. (۲۹) آیا ندیدی که خداوند، پیوسته شب را در روز، و روز را در شب داخل می کند، و خورشید و ماه را تسخیر

کرده، هر یک تا زمان معینی در حرکت اند؟ همانا خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۳۰) این همه، دلیل بر آن است که خداوند، حق، و آنچه غیر از او می خوانند باطل است، و همانا خداوند بلند مرتبه و بزرگ است. (۳۱) آیا نمی بینی که کشتی ها در سایه ی نعمت خداوند در دریا حرکت می کنند، تا خداوند بخشی از آیات قدرت خود را به شما نشان دهد؟ همانا در این (حرکت کشتی ها) برای مردم شکیبیا و سپاس گزار، نشانه هایی است. (۳۲) و هرگاه موجی (خروشان در دریا) همچون ابرها (ی آسمان) آنان را بپوشاند، خدا را با طاعتی خالصانه می خوانند، پس چون خداوند آنان را به خشکی (رساند و) نجات دهد، بعضی راه اعتدال پیش گیرند (و بعضی راه انحراف)، و جز پیمان شکنان ناسپاس، آیات ما را انکار نمی کنند. (۳۳) ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید و بترسید از روزی که هیچ پدری مسئولیت (اعمال) فرزندش را نمی پذیرد و هیچ فرزندی به جای پدرش قبول مسئولیت نمی کند، قطعاً وعده ی خداوند حق است، پس زندگی دنیا شما را نفریید و (شیطان) فریبکار، شما را نسبت به خدا فریب ندهد. (۳۴) بی گمان آگاهی از زمان (برپایی قیامت) مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می کند، و آنچه را در رحم هاست می داند، و هیچ کس نمی داند که فردا چه به دست می آورد، و هیچ کس نمی داند که در چه سرزمینی می میرد، همانا خداوند علیم و خبیر است. (۳۵)

السجده

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) الف، لام، میم. (۲) نازل کردن این کتاب که شکی در آن نیست، از سوی پروردگارِ جهانیان است. (۳) آیا می گویند: (پیامبر) قرآن را به دروغ ساخته؟ بلکه آن همان حقّ منحصر به فرد است که از طرف پروردگارت می باشد تا قومی

را که قبل از تو هیچ هشدار دهنده ای برایشان نیامده بود بترسانی، تا شاید هدایت یابند. (۴) خداوند کسی است که آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، در شش روز آفرید، سپس بر عرش استیلا یافت؛ برای شما جز او هیچ یاور و شفاعت کننده ای نیست، آیا متذکر نمی شوید (و پند نمی گیرید؟) (۵) (خداوند) امر (این جهان) را از آسمان به سوی زمین تدبیر می کند، سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سال هایی است که می شمردید، (نظام این عالم برچیده می شود و) به سوی او بالا می رود. (۶) اوست (خداوندی) که از پنهان و آشکار آگاه، (و) شکست ناپذیر و مهربان است. (۷) کسی که هر چه را آفرید نیکو آفرید، و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد. (۸) سپس (بقای) نسل او را از عصاره ای از آب پست و بی مقدار مقرر فرمود. (۹) سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید، و برای شما گوش و چشم ها و دل ها قرار داد، (ولی) اندکی از شما سپاس می گزارید. (۱۰) و گفتند: آیا همین که (پس از مرگ) در زمین (دفن و پوسیده و) گم شدیم، آیا آفرینش جدیدی خواهیم یافت؟ آری، آنان به ملاقات پروردگارشان کافرند. (۱۱) بگو: فرشته ی مرگ که بر شما گمارده شده، جانتان را می گیرد، سپس به سوی پروردگارتان برگردانده می شوید. (۱۲) و (چه صحنه ی دلخراشی است) اگر بینی مجرمان را هنگامی که نزد پروردگارشان سرهای خود را به زیر افکنده (می گویند: پروردگارا! دیدیم و شنیدیم) (آنچه را وعده کرده بودی)، پس ما را (به دنیا) بازگردان تا کار نیکو انجام دهیم، همانا ما به یقین رسیدیم. (۱۳) و اگر می خواستیم هر کس را (به اجبار) به هدایت می رساندیم ولی (می خواهیم که

هر کس خود راه خود را انتخاب کند.) ولی (کافران بدانند که) اراده قطعی من چنین است که دوزخ را (از افراد بی ایمان و گنه کار) از جن و انس پر خواهم کرد. (۱۴) پس به خاطر آن که ملاقات چنین روزی را فراموش کردید (عذاب را) بپشید، ما (نیز) شما را به دست فراموشی سپردیم، و عذاب دائمی را بپشید، به خاطر آنچه انجام می دادید. (۱۵) تنها کسانی به آیات ما ایمان دارند که هرگاه این آیات به آنان یادآوری شود به شکل سجده رُخ بر خاک نهند و با ستایش پروردگارشان تسبیح گویند، و آنان تکبر نمی ورزند. (۱۶) (مؤمنان، به هنگام شب،) پهلوهایشان از بسترها دور می ماند (و) پروردگارشان را از روی بیم و امید می خوانند، و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند. (۱۷) هیچ کس نمی داند چه پاداش مهمی که مایه ی روشنی چشم هاست برای آنان نهفته است، این پاداش کارهایی است که انجام می دادند. (۱۸) پس آیا کسی که مؤمن است مثل کسی است که فاسق است؟ (هرگز چنین نیست، این دو گروه) مساوی نیستند. (۱۹) اما کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده اند، پس برای پذیرایی از آنها جایگاهی از باغ ها (ی بهشت فراهم) است، به خاطر آنچه انجام می دادند. (۲۰) و اما کسانی که (از مدار ایمان خارج و) فاسق شدند، پس جایگاهشان آتش است، هر گاه اراده کنند که از آن بیرون آیند، در آن باز گردانده می شوند و به آنان گفته می شود: بپشید عذاب آتشی را که همواره تکذیبش می کردید. (۲۱) و البتّه ما غیر از آن عذاب بزرگ تر (در قیامت) از عذاب نزدیک (در این دنیا) به آنان می چشانیم، تا شاید به سوی خدا باز گردند. (۲۲) و کیست ستمکارتر از کسی که

به آیات پروردگارش تذکر داده شود، ولی از آنها اعراض نماید؟ البتّه ما از تبه کاران انتقام می گیریم. (۲۳) و همانا ما به موسی کتاب (آسمانی تورات) دادیم، پس در لقای او (با خدا و دریافت آیات الهی) شک نداشته باش، ما آن (کتاب) را برای بنی اسرائیل مایه ی هدایت قرار دادیم. (۲۴) و از میان بنی اسرائیل پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت کنند؛ چون آنان، هم صبر کردند و هم به آیات ما یقین داشتند. (۲۵) همانا پروردگار تو میان مردم در قیامت در آنچه اختلاف داشتند داوری خواهد کرد. (۲۶) آیا برایشان روشن نشده که ما قبیله های بسیاری را قبل از ایشان هلاک کردیم؟ با این که این ها در خانه های آن هلاک شدگان رفت و آمد دارند؛ البتّه در این (هلاکت ها و جایگزین شدن ها، عبرت ها و) نشانه هایی است، آیا نمی شنوند؟ (۲۷) آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمین بی گیاه می رانیم، پس به وسیله ی آن گیاهان را می رویانیم تا چهار پایانشان و خودشان از آن بخورند؟ پس آیا نمی بینند؟ (۲۸) و کفار می پرسند: اگر راست می گوئید، این پیروزی (شما) چه زمانی است؟ (۲۹) بگو: (بدانید که در) روز پیروزی، ایمان آوردن کسانی که کفر ورزیدند به حالشان سودی نخواهد داشت، و به آنان مهلت داده نخواهد شد. (۳۰) پس، از آنان دوری کن و منتظر باش، که آنان نیز منتظرند. (۳۱)

الأحزاب

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ای پیامبر! از خداوند پروا کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند دانا و حکیم است. (۲) و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می شود پیروی کن که خداوند به آنچه انجام می دهی آگاه است. (۳) و بر خداوند توکل کن، و همین بس که خداوند وکیل و نگهبان (تو) است. (۴) خداوند

برای هیچ مردی در درونش دو دل قرار نداده است؛ و هرگز همسرانی را که مورد «ظهار» قرار می دهید مادران شما قرار نداده؛ (و نیز) فرزند خوانده های شما را پسر (واقعی) شما قرار نداده است. این (قرار دادن همسر به منزله ی مادر و فرزند خوانده به منزله ی فرزند) سخنی است که شما به زبان می گوید، و خداوند حق می گوید و اوست که به راه (راست) هدایت می کند. (۵) آنان (پسر خواندگان) را به نام پدرانشان بخوانید، که این نزد خداوند عادلانه تر است، پس اگر پدرانشان را نمی شناسید، آنان برادران دینی و موالی شما هستند؛ و در آنچه (پیش از این) خطا کردید (و پسر خواندگان را فرزند خود دانستید) گناهی بر شما نیست، ولی در آنچه دل‌هایتان قصد و عمد داشته (مسئولید) و خداوند آمرزنده ی مهربان است. (۶) پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است، و همسران او (در حرمت نکاح مانند) مادران مؤمنان محسوب می شوند، و در کتاب خداوند، خویشاوندان (نسبی) بعضی نسبت به بعضی از مؤمنان و مهاجران (که قبلاً بر اساس ایمان و هجرت ارث می بردند، در ارث بردن) اولویت دارند، مگر آن که بخواهید نسبت به دوستانتان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را در قالب وصیت به آنان بدهید)؛ این (حکم) در کتاب (الهی) نوشته شده است. (۷) (و به یاد آور) هنگامی که ما از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی فرزند مریم، و از همه ی آنان پیمانی استوار گرفتیم (که در ادای مسئولیت و دعوت کوتاهی نکنند). (۸) (خداوند از پیامبران پیمان محکم گرفت) تا راستگویان را از صداقتشان (در ایمان و عمل صالح)، بازخواست

کند؛ و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است. (۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن گاه که (دشمنان شما در قالب) لشکریانی به سراغتان آمدند، ولی ما (برای دفاع از شما) تند بادی (سخت) و لشکریانی که آنها را نمی دیدید بر آنان فرستادیم، (و بدین وسیله دشمنان را قلع و قمع کردیم)، و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست. (۱۰) آن گاه که دشمنان از بالا و پایین (شهر) شما به سراغتان آمدند (و مدینه را محاصره کردند)، و آن گاه که چشم ها (از ترس) خیره شده بود و جان ها به حنجره ها رسیده بود، و به خداوند گمان های (بدی) می بردید. (۱۱) آن جا بود که مؤمنان آزمایش شدند و به لرزه ی سختی دچار شدند. (۱۲) و آن گاه که منافقان و کسانی که در روحشان بیماری (شک و تردید) بود، گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده های فریبنده به ما ندادند. (۱۳) و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه! (در صحنه جنگ) برای شما جای ماندن نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه (بازگشت) می خواستند (و) می گفتند: همانا خانه های ما بی حفاظ است. در حالی که بی حفاظ نبود و آنان جز فرار (از جنگ) قصد دیگری نداشتند. (۱۴) و (آن منافقان و بیمار دلان چنان بودند که) اگر (دشمنان) از اطراف مدینه بر آنان وارد می شدند و از آنان تقاضای فتنه گری می کردند، به سرعت می پذیرفتند، و جز مدت کمی درنگ نمی کردند. (۱۵) در حالی که آنان پیش از این با خداوند پیمان بسته بودند که (به دشمن) پشت نکنند؛ و پیمان الهی بازخواست شدنی است. (۱۶) بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، این فرار

هرگز برای شما سودی ندارد و (بر فرض که سودتان دهد) در آن صورت جز بهره اندکی نخواهید برد. (۱۷) بگو: اگر خداوند برای شما رنجی یا رحمتی اراده کند، کیست که شما را در برابر (اراده) خداوند مصون بدارد؟ در حالی که آنان غیر از خداوند برای خود نه کارسازی می یابند و نه یاری دهنده ای. (۱۸) بدون شک خداوند کسانی از شما که مردم را (از جبهه و جهاد) باز می داشتند و کسانی را که به برادران خود می گفتند: به سوی ما بیایید (و خود را به کشتن ندهید) به خوبی می شناسد؛ (آنان ضعیف و ترسو هستند) و جز اندکی به جبهه نمی روند. (۱۹) در حالی آنان بر یاری شما بخیل هستند، که هرگاه (لحظات) بیم (و جنگ) پیش آید، آنان را می بینی چنان به تو می نگرند که چشمانشان (در حدقه) می چرخد، همچون کسی که مرگ او را فرا گرفته، پس همین که ترس از میان رفت، زبان های تند و خشن (خود را) بر شما می گشایند، در حالی که نسبت به خیر (مال و غنیمت) بخیل هستند، آنان ایمان (واقعی) ندارند و خداوند اعمالشان را محو نموده؛ و این کار بر خداوند آسان است. (۲۰) (آنها به قدری وحشت زده شده اند که) می پندارند احزاب (مشرک و یهود مهاجم) هنوز پراکنده نشده اند و اگر (بار دیگر) دسته های دشمن (به سراغ مسلمانان) آید، دوست دارند کاش میان اعراب بادیه نشین بودند (و درگیر جنگ نمی شدند) و تنها از اخبار (مربوط به) شما جو یا می شدند و این افراد اگر در میان شما بودند جز اندکی نمی جنگیدند. (۲۱) همانا برای شما در (سیره ی) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست، (البته) برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند

و خدا را بسیار یاد می کنند. (۲۲) و همین که مؤمنان دسته ها (ی لشکر دشمن) را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفتند. و (دیدن لشکر مهاجم) جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. (۲۳) از میان مؤمنان مردانی هستند که آنچه را با خداوند پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند (و خود را آماده ی جهاد نمودند)، برخی از آنان پیمانشان را عمل کردند (و به شهادت رسیدند) و بعضی دیگر در انتظار (شهادت) هستند، و هرگز (عقیده و پیمان خود را) تغییر ندادند. (۲۴) تا خداوند صادقان را به خاطر صداقتشان پاداش دهد، و منافقان را اگر بخواهد عذاب کند یا (اگر توبه کنند) لطف خود را بر آنان باز گرداند زیرا که خداوند آمرزنده ی مهربان است. (۲۵) و خداوند کسانی را که کفر ورزیدند با دلی پر از خشم برگرداند، بدون آن که هیچ خیری (پیروزی و غنیمی) به دست آورند، و خداوند مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت (و آنان را پیروز کرد)، و خداوند، توانای شکست ناپذیر است. (۲۶) و خداوند کسانی از اهل کتاب (یهودیان) را که از مشرکان عرب پشتیبانی می کردند، از برج و قلعه های مرتفعشان پایین کشید و در دل های آنان ترس و وحشت افکند، (که در نتیجه شما مسلمانان) گروهی (از آنان) را کشتید و گروهی را اسیر کردید. (۲۷) و سرزمین آنان و خانه ها و اموالشان و (نیز) زمینی را که در آن گام نهاده بودید در اختیار شما گذاشت، و خداوند بر هر کاری تواناست. (۲۸) ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زینت (و زرق و برق) آن را می خواهید، بیاید تا شما را (با

پرداخت مَهْرَتان) بهره مند سازم و به وجهی نیکو (بدون قهر و خشونت) رهایتان کنم. (۲۹) و اگر خدا و رسولش و سرای آخرت را می خواهید، پس (بدانید که) قطعاً خداوند برای نیکوکاران از شما پاداش بزرگی را آماده کرده است. (۳۰) ای همسران پیامبر! هر کس از شما کار زشت (و گناهی) آشکار مرتکب شود، عذابش دو چندان خواهد بود و این (کار) برای خدا آسان است. (۳۱) و هر کس از شما نیز که در برابر خدا و رسولش فروتنی کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو بار خواهیم داد و برایش روزی کریمانه و پر ارزشی فراهم کرده ایم. (۳۲) ای همسران پیامبر! شما مثل یکی از زنان (عادی) نیستید. اگر تقوا پیشه اید پس به نرمی و کرشمه سخن نگوئید تا (مبادا) آن که در دلش بیماری است طمعی پیدا کند، و نیکو و شایسته سخن بگوئید. (۳۳) و در خانه های خود قرار گیرید و همچون دوران جاهلیتِ نخستین، با خود آرایبی ظاهر نشوید (و زینت های خود را آشکار نکنید)، و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید، و از خدا و رسولش اطاعت کنید؛ همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت (پیامبر) دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. (۳۴) و آنچه که از آیات خدا و حکمت در خانه هایتان تلاوت می شود یاد کنید؛ همانا خداوند (نسبت به شما) دارای لطف و (از کارهای شما) آگاه است. (۳۵) همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردان مطیع خدا و زنان مطیع خدا، و مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان شکیبا و زنان شکیبا، و مردان فروتن و زنان

فروتن، و مردان انفاق گر و زنان انفاق گر، و مردان روزه دار و زنان روزه دار، و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که خدا را بسیار یاد می کنند و زنانی که بسیار به یاد خدا هستند، خداوند برای (همه ی) آنان آمرزش و پاداشی گرانقدر و بزرگ آماده کرده است. (۳۶) و هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارند هنگامی که خدا و رسولش امری را مقرر کنند، از سوی خود امر دیگری را اختیار کنند و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی نماید، پس بدون شک به گمراهی آشکاری گرفتار شده است. (۳۷) و (به یاد آر) زمانی که به (زید بن حارثه)، کسی که خداوند بر او نعمت (اسلام و ایمان) داده بود و تو (نیز) به او نعمت (آزادی) داده بودی می گفتی: همسرت را نگاه دار (و او را طلاق نده) و از خدا پروا کن. و در دلت چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند، و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی. پس چون دوران کامیابی زید از همسرش پایان یافت (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو در آوردیم تا در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخوانده هایشان هنگامی که طلاق گیرند مشکلی نباشد، و فرمان خداوند انجام شدنی است. (۳۸) بر پیامبر در (انجام) آنچه خداوند برای او تعیین کرده هیچ سختی و محذوری نیست، چنان که خداوند درباره ی انبیای قبلی نیز این سنت را قرار داده بود (که آداب و رسوم جاهلی و بی اساس را بشکنند)، و فرمان خدا همواره سنجیده و اندازه گیری شده است. (۳۹) کسانی که پیام های الهی را ابلاغ

می کنند و از خدا می ترسند، و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند، و خداوند برای حسابرسی کافی است. (۴۰) محمد صلی الله علیه و آله، پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست، بلکه رسول خدا و خاتم پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است. (۴۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید. (۴۲) و او را در هر صبح و شام تسبیح نمایید (و به پاکی بستن). (۴۳) او کسی است که بر شما درود می فرستد و فرشتگان او (نیز بر شما درود می فرستند) تا شما را از تاریکی ها (کفر، شرک، جهل، تفرقه و خرافات) به سوی نور (ایمان، تقوا، علم و وحدت) در آورند و او به مؤمنان مهربان است. (۴۴) تحیت آنان در روزی که خدا را ملاقات کنند سلام است؛ و خداوند برای آنان پاداشی نیکو فراهم کرده است. (۴۵) ای پیامبر! همانا ما تو را گواه (بر مردم) و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم. (۴۶) و (نیز) دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابان (قرار دادیم). (۴۷) و به مؤمنان بشارت ده که برای آنان از سوی خداوند بخششی بزرگ است. (۴۸) و کافران و منافقان را اطاعت مکن، و به آزارشان اعتنا مکن، و بر خدا توکل نما که خداوند برای وکالت کافی است. (۴۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه زنان با ایمان را به همسری گرفتید و پیش از آن که با آنان آمیزش کنید طلاقشان دادید، عده ای برای شما به عهده آنان نیست تا حسابش را نگهدارید، پس آنها را (با پرداخت مهریه و هدیه ی مناسبی) بهره مند سازید و به طرز شایسته ای رهایشان کنید. (۵۰) ای پیامبر! ما برای تو همسرانی را که مهرشان را پرداخته ای حلال کردیم

و همچنین کنیزانی را که (به عنوان غنایم جنگی) خداوند بر تو ارزانی داشته و مالک شدی (بر تو حلال کردیم) و نیز (ازدواج با) دختران عمویت و دختران عمّه هایت و دختران دایی و دختران خاله هایت را که با تو هجرت کرده اند، (برای تو حلال کردیم)، و زن با ایمانی که خود را به پیامبر ببخشد (و مهریه ای از حضرت نخواهد) اگر پیامبر بخواهد می تواند او را به عقد خویش در آورد؛ (این قانون عقد بدون مهریه) مخصوص توست نه دیگر مؤمنان؛ همانا می دانیم که برای مؤمنان دربارۀ همسران و کنیزانشان چه حکمی کرده ایم، (این برای آن است که) تا برای تو مشکلی نباشد، و خداوند آمرزنده ی مهربان است. (۵۱) از همسرانت هر کدام را خواستی می توانی (نوبت او را) مؤخرداری و هر که را خواهی نزد خود جای دهی، و بر تو باکی نیست هر کدام را که (برای مدّتی) ترک کرده ای دوباره طلب کنی؛ این (حکم) برای آن که چشمانشان روشن شود و ناراحت نشوند و همه ی آنان به آنچه در اختیارش ان می گذاری راضی باشند مناسب تر است، و خداوند آنچه را در دل های شماست می داند، و خداوند دانا و بردبار است. (۵۲) از این پس، هیچ زنی بر تو حلال نیست، و نباید (همسرانت را رها کنی و) همسر دیگری به جای آنان بگیری، هر چند زیبایی آنان تو را به شگفت آورد، مگر کنیزانی که مالک آنها می شوی؛ و خداوند بر هر چیزی مراقب است. (۵۳) ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آن که به شما اجازه داده شود برای خوردن غذا، (به شرط آن که قبل از موعد نیایید) و

در انتظار وقت غذا نباشید؛ ولی هرگاه دعوت شدید پس داخل شوید، و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از خوردن غذا) به گفتگو نپردازید؛ همانا این (گفتگوهای پس از غذا) پیامبر را آزار می دهد، اما او از شما شرم می کند (و چیزی نمی گوید) ولی خداوند از (گفتن) حق شرم ندارد. و هرگاه از همسران پیامبر چیزی از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) خواستید از پشت پرده بخواهید؛ این رفتار برای دل های شما و دل های آنان به پاکی و پاکدامنی است و شما حق ندارید که رسول خدا را آزار دهید و با همسران او پس از رحلتش ازدواج کنید که این کار نزد خداوند (گناهی) بزرگ است. (۵۴) اگر چیزی را آشکار نمایید یا پنهانش کنید پس بی شک خداوند به هر چیزی داناست. (۵۵) بر زنان، (نداشتن حجاب) در مورد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران برادرانشان و پسران خواهرشان و دیگر زنان مسلمان و کنیزانشان گناهی نیست، و تقوای الهی پیشه کنید زیرا خداوند بر هر چیزی گواه است. (۵۶) همانا خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! شما (نیز) بر او درود فرستید و به او سلام کنید سلامی همراه با تسلیم. (۵۷) همانا کسانی که خدا و رسولش را آزار می دهند، خداوند در دنیا و آخرت آنان را لعنت می کند، و برای آنان عذاب خوارکننده ای آماده کرده است. (۵۸) و کسانی که مردان و زنان با ایمان را بدون آن که کاری کرده باشند آزار می دهند بدون شک بهتان و گناه روشنی را بر دوش کشیده اند. (۵۹) ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: روسری های بلند بر خود بیفکنند، این (عمل) مناسب تر

است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده مهربان است. (۶۰) اگر منافقان و کسانی که در دل هایشان بیماری است و آنان که در مدینه شایعه پراکنی می کنند (از کارشان) دست بردارند، حتماً تو را بر ضد آنان می شورانیم، آنگاه جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند. (۶۱) آنان لعنت شدگانند، هر کجا یافت شوند باید دستگیر شده و به سختی کشته شوند. (۶۲) این سنت خداوند درباره ی کسانی است که پیش از این بوده اند (و این فتنه انگیزی ها و دلهره ها را در جامعه به وجود می آوردند) و هرگز برای سنت خداوند تغییری نخواهی یافت. (۶۳) مردم پیوسته از زمان وقوع قیامت از تو می پرسند، بگو: علم آن تنها نزد خداست و تو چه می دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد. (۶۴) همانا خداوند کافران را لعنت کرده (و از لطف خود دور نموده) و برای آنان آتش فروزانی فراهم کرده است. (۶۵) آنان برای همیشه در آن می مانند و دوست و یابوری (برای خود) نمی یابند. (۶۶) روزی که صورت های آنان در آتش گردانده می شود، (با حسرت) می گویند: ای کاش! خدا را اطاعت می کردیم و پیرو رسول (او) بودیم. (۶۷) و گویند: پروردگارا! همانا ما سران و بزرگانمان را اطاعت کردیم، پس آنان ما را از راه به در بردند. (۶۸) پروردگارا! آنان را عذاب دو چندان ده و به لعنتی بزرگ لعنت کن. (۶۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! مانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند، پس خداوند او را از آنچه (درباره اش به افترا) می گفتند، تبرئه فرمود و او نزد خداوند آبرومند بود. (۷۰) ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن (حق و) استوار گویند. (۷۱) تا خداوند کارهای شما را اصلاح

کند و گناهانتان را بیامرزد؛ و هر کس خدا و رسولش را اطاعت کند، بدون شک به رستگاری بزرگی دست یافته است. (۷۲) همانا ما امانت (الهی) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس، از حمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند، ولی انسان آن را بر دوش گرفت، اما او بس ستمکار و نادان است. (۷۳) تا خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را (به علت ضایع کردن امانت) عذاب کند، و لطف خود را بر مردان و زنان با ایمان برگرداند (و توبه‌ی آنان را بپذیرد) که خداوند آمرزنده‌ی مهربان است. (۷۴)

سبأ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) ستایش مخصوص خدایی است که آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است ملک اوست و در آخرت (نیز) حمد و ستایش تنها برای اوست و اوست حکیم آگاه. (۲) آن چه در زمین فرو می‌رود و آن چه از آن خارج می‌شود و آن چه از آسمان نازل می‌شود و آن چه در آن بالا می‌رود (همه را) می‌داند و اوست مهربان آمرزنده. (۳) و کسانی که کافر شدند گفتند: قیامت برای ما نخواهد آمد. بگو: چرا، به پروردگaram که آگاه از غیب و نهان است سوگند که به سراغ شما نیز خواهد آمد. به میزان ذره‌ای در آسمان‌ها و در زمین از خدا پوشیده نیست، نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر از آن، نیست جز آن که در کت‌اب روشن (الهی ثبت) است. (۴) تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند پاداش دهد؛ آنانند که برایشان آمرزش و روزی نیکو مقرر است. (۵) و کسانی که در (انکار و محو) آیات

ما تلاش کردند که ما را درمانده کنند، آنانند که برایشان عذابی (سخت) از عقوبتی دردناک است. (۶) و کسانی که به آنان علم داده شده، آن چه را از جانب پروردگارت به تو نازل شده حق می بیند که به راه خدای عزیز ستوده هدایت می کند. (۷) و کسانی که کفر ورزیدند، (به استهزا) گفتند: آیا شما را به مردی راهنمایی کنیم که به شما خیر می دهد هر گاه (در قبرها) کاملاً متلاشی شدید (بار دیگر) در آفرینش تازه ای (زنده) خواهید شد؟ (۸) آیا او (دانسته) بر خدا دروغی بسته یا جنونی در اوست؟ (نه، چنین نیست) بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند در عذاب و گمراهی دوری (از نجات و حق) هستند. (۹) آیا به آن چه از آسمان و زمین، پیش رو و پشت سرشان است نگاه نکردند؟ اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می بریم یا قطعه‌هایی از (سنگ‌های) آسمان را بر سرشان فرود می آوریم، همانا در این (تهدید) برای هر بنده‌ی توبه‌کاری عبرت‌قطعی است. (۱۰) و همانا داوود را از سوی خود فضیلتی دادیم (و گفتیم: ای کوه‌ها! با او (در تسیح خدا) هم نوا شوید و (ای) پرندگان! (همراهی کنید) و آهن را برای او نرم کردیم. (۱۱) (و گفتیم: زره‌های کامل و فراخ بساز و بافت آن را درست اندازه‌گیری کن. و کار شایسته انجام دهید، همانا من به آن چه عمل می کنید بینا هستم. (۱۲) و برای سلیمان باد را (رام و مسخر کردیم) که صبحگاهان مسیر یک ماه را می پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را، و برای او چشمه‌ی مس (گداخته) را روان ساختیم و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می کردند؛ و هر

یک از آنان که از فرمان ما سرپیچی می کرد او را از عذاب فروزان می چشانیدیم. (۱۳) جنیان، هر چه را که سلیمان می خواست از محراب و تمثال و ظروف بزرگ مانند حوضچه و دیگ های ثابت برایش می ساختند. ای خاندان داوود! شکر (این همه نعمت را) بجا آورید. اما اندکی از بندگان من سپاسگزارند. (۱۴) پس چون مرگ را بر سلیمان مقرر داشتیم، کسی جنیان را از مرگ او آگاه نساخت مگر جنبنده ی زمین (= موریانه) که عصایش را (به تدریج) می خورد، پس چون سلیمان به زمین افتاد جنیان دریافتند که اگر غیب می دانستند، در آن عذاب خوارکننده (کارهای سخت) نمی ماندند. (۱۵) همانا برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه ای (از قدرت و رحمت الهی) بود: دو باغ و بوستان از راست و چپ. از روزی پروردگارتان بخورید و برای او شکر گزار باشید (که) شهری پاک و پروردگاری آمرزنده (دارید). (۱۶) پس (به جای شکر، از خداوند) روی گرداندند، و ما بر آنان سیل ویرانگر عَرم را فرستادیم و دو باغستان (پر محصول) آنان را به دو باغ با میوه های تلخ و شورگز و اندکی از درخت سدر تبدیل نمودیم. (۱۷) این (کیفر) را به خاطر کفرانشان به آنان جزا دادیم و آیا جز ناسپاسان را کیفر می دهیم؟ (۱۸) و میان آنان و مناطقی که در آن برکت قرار داده بودیم، آبادی هایی آشکار بود (که به هم وصل و نزدیک بود) و سفر در میان قریه ها را به طور متناسب مقرر کرده بودیم (و به آنان گفتیم): در این مناطق شب ها و روزها در حال امن سفر کنید. (۱۹) پس (به ناسپاسی) گفتند: پروردگارا! میان سفرهای ما فاصله بیانداز و بر خویشتن ستم کردند، پس ما آنان را موضوع داستان هایی

(برای عبرت دیگران) قرار دادیم و آنان را به کلی پراکنده و متلاشی کردیم، همانا در این (ناسپاسی آنان و قهر ما) نشانه‌هایی (از عبرت) برای هر صبرکننده و شکرگزاری وجود دارد. (۲۰) و البتّه ابلیس گمان خود را (که می‌گفت: من اولاد آدم را گمراه می‌کنم) بر آنان تحقّق یافته دید، پس همگی از او پیروی کردند، جز گروه اندکی از مؤمنان. (۲۱) و ابلیس هیچگونه تسلّط و غلبه‌ای بر آنان (که از او پیروی کردند) نداشت. (کار او تنها وسوسه است) تا معلوم کنیم کسی را که به آخرت ایمان دارد (و در برابر وسوسه‌های او مقاومت می‌کند) از کسی که نسبت به آخرت در تردید است، و پروردگارت بر همه چیز نگهبان است. (۲۲) بگو: کسانی را که جز خدا (شریک و معبود خود) پنداشته‌اید بخوانید (تا حاجتی از شما برآورند)، آنان به میزان ذره‌ای مالک چیزی در آسمان و زمین نیستند، و برای شریک‌ها (ی‌خیالی شما) در (اداره‌ی) زمین و آسمان هیچگونه مشارکتی نیست و از طرف آنان هیچگونه پشتیبانی برای خداوند نیست. (۲۳) و شفاعت نزد خداوند سودی ندارد، مگر برای آن کس که او اجازه دهد. (انتظار اذن شفاعت، ادامه دارد) تا زمانی که هراس و اضطراب از دل‌های آنان بر طرف شود، (مجرمان) از آنان پرسند: پروردگار شما چه گفت؟ پاسخ می‌دهند: حق گفت؛ و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۲۴) (ای پیامبر! به مشرکان) بگو: کیست که از آسمان‌ها و زمین به شما روزی می‌دهد؟ بگو: خدا؛ و البتّه (یکی از) ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در گمراهی آشکار هستیم. (۲۵) بگو: (شما) از آن چه ما مرتکب شده‌ایم باز خواست نخواهید شد، و ما (نیز)

از آن چه شما انجام می دهید باز خواست نخواهیم شد. (۲۶) بگو: پروردگار ما، ما و شما را (در قیامت) گرد می آورد، سپس بین ما و شما به حق داوری خواهد کرد و اوست داور دانا. (۲۷) بگو: کسانی را که به عنوان شریک به خداوند ملحق کرده اید به من نشان دهید. هرگز چنین نیست، بلکه اوست خدای نفوذناپذیر حکیم. (۲۸) و ما تو را به عنوان پیامبری مژده دهنده و بیم دهنده نفرستادیم جز برای همه ی مردم، ولی بیش تر مردم نمی دانند. (۲۹) و آنان (با تمسخر) می گویند: اگر راست می گویند، این وعده (قیامت) چه وقت خواهد بود؟ (۳۰) بگو: برای شماست وعده روزی که نه (می توانید) ساعتی از آن تأخیر کنید و نه پیشی بگیرید. (۳۱) و کسانی که کافر شدند گفتند: ما نه به این قرآن و نه به آن (کتابی) که پیش از آن بوده است هرگز ایمان نخواهیم آورد. (و تعجب می کنی) اگر بینی وقتی که ستمگران (مشرک) در پیشگاه پروردگارشان باز داشت شده اند در حالی که بعضی با بعض دیگر جدل و گفتگو می کنند (و گن اه خود را به گردن یکدیگر می اندازند). کسانی که ضعیف نگاه داشته شده اند (زیر دستان) به مستکبران می گویند: اگر شما نبودید، حتماً ما مؤمن بودیم. (۳۲) (اما) کسانی که استکبار ورزیدند به مستضعفان گویند: آیا ما شما را از هدایتی که به سراغتان آمد باز داشتیم؟ بلکه شما خود گناهکار بودید. (۳۳) و زیردستان به مستکبران گویند: بلکه (مایه ی گمراهی ما) نیرنگ شب و روز (شما بود)، آن گاه که ما را فرمان می دادید به خدا کفر ورزیم و برای او همتیانی قرار دهیم. و همین که عذاب را مشاهده کردند پشیمانی خود را پنهان نمودند. و ما در گردن کسانی

که کفر ورزیدند غل ها قرار دادیم، آیا جز آن چه عمل می کردند جزا داده می شوند؟ (۳۴) و ما در هیچ دیاری هشدار دهنده ای نفرستادیم مگر آن که افراد خوشگذر آنان گفتند: حتماً ما به آن چه بدان فرستاده شده اید کافریم. (۳۵) و گفتند: ما از جهت اموال و اولاد بیش تریم (و این نشانه لطف خداوند به ماست) و ما عذاب نمی شویم. (۳۶) بگو: همانا پروردگار من برای هر که بخواهد روزی را گشایش می دهد یا تنگ می گرداند ولی بیش تر مردم نمی دانند. (که این گشایش ها و تنگی ها بیانگر میزان علاقه خداوند به آنان نیست). (۳۷) و اموال و فرزندان آن گونه (فضیلتی) نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند، مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده اند. پس آنانند که برایشان دو برابر آن چه عمل کردند پاداش است و آنانند که در غرفه ها و طبقات (بهشتی) آسوده خاطرند. (۳۸) و کسانی که به قصد به ستوه آوردن (و محو و ابطال آیات) ما تلاش می کنند، اینان در عذاب (الهی) احضار می شوند. (۳۹) بگو: بدون شک، پروردگارم برای هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشایش می دهد، و یا برای او تنگ (و محدود) می گرداند و هر چه را (در راه او) انفاق کردید پس او (عوضش را) جایگزین می کند و او بهترین روزی دهندگان است. (۴۰) و (به یاد آور) روزی که خداوند همه را محشور می کند، سپس به فرشتگان می گوید: آیا این ها شما را می پرستیدند؟ (۴۱) فرشتگان گویند: خدایا! تو منزهی، تو سرپرست مایی، نه آنها، بلکه آنان جن را می پرستیدند، (و) بیش ترشان به آنان ایمان داشتند. (۴۲) پس امروز برخی از شما برای یکدیگر مالک سود و زیانی نیست، و به کسانی که ستم کردند می گوئیم:

بچشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می شمردید. (۴۳) و هرگاه آیات روشن ما بر آنان خوانده شود گویند: جز این نیست که این مرد می خواهد شما را از آن چه پدرانتان می پرستیدند باز دارد. و گویند: این قرآن جز دروغی بافته شده نیست. و کسانی که کفر ورزیدند، همین که حق به سراغشان آمد، گفتند: این، جز یک جادو و سحر روشن چیز دیگری نیست. (۴۴) و ما به آنان (مشرکان عرب) کتاب های آسمانی نداده بودیم که آن را بخوانند و بیاموزند و بیم دهنده ای به سوی آنان نفرستاده ایم. (۴۵) و کسانی که پیش از آنان بودند، (پیامبران را) تکذیب کردند، در حالی که (کافران قوم تو) به یک دهم آن چه (از قدرت و امکانات) به گذشتگان داده بودیم نرسیده اند، پس آنان پیامبران مرا تکذیب کردند، پس (بین) چگونه بود کیفر و عقوبت من (نسبت به آنان). (۴۶) بگو: من شما را به یک سخن پند می دهم؛ برای خدا قیام کنید، دو نفر دو نفر و یک نفر یک نفر، پس بیاندیشید (تا ببینید) که هیچ گونه در هم سخن شما (پیامبر) نیست، او برای شما از عذاب سختی که در پیش است جز هشدار دهنده ای نیست. (۴۷) بگو: هر مزدی که از شما خواستم پس آن به نفع شماست، مزد من جز بر خدا نیست و او بر هر چیزی گواه است. (۴۸) بگو: همانا پروردگارم که به نهان ها بسیار آگاه است حق را (بر دل ها) می افکند. (۴۹) بگو: حق آمد و باطل (کاری از آن ساخته نیست) نمی تواند آغازگر چیزی باشد و نه تجدیدکننده آن. (۵۰) بگو: اگر من گمراه شده باشم به زیان خود گمراه شده ام، و اگر هدایت یافته باشم پس به (برکت) چیزی است

که پروردگارم به من وحی می کند، همانا اوست شنوای نزدیک. (۵۱) و اگر بینی وقتی که کافران (از عذاب سخت) فرغ کنند و راه گریزی در کار نیست، و از مکانی نزدیک دستگیر شوند (تعجب خواهی کرد). (۵۲) (و در آن حال) گویند: به او ایمان آوردیم و کجا این دست یابی به ایمان از راه دور (که توان بر انجام عمل صالحی ندارند) به سودشان خواهد بود. (۵۳) در حالی که پیش از این به آن کفر ورزیدند و از دور دست ها تیر در تاریکی می انداختند. (و به پیامبر اسلام تهمت ها می زدند). (۵۴) (سرانجام) میان آنان و آن چه می خواستند جدایی افتاد، همان گونه که از دیر باز با امثال ایشان چنین شد، زیرا آنان در شک و تردید سختی بودند. (۵۵)

فاطر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ستایش، مخصوص خداوندی است که آفریدگار آسمان ها و زمین است؛ فرشتگان را که دارای بال های (قدرت) دو تا دو تا و سه تا سه تا و چهار تا چهار تا هستند، رسولانی قرار داد. او هر چه را بخواهد در آفرینش می افزاید، البتّه خداوند بر هر کاری تواناست. (۲) هر رحمتی را که خداوند (به روی) مردم بگشاید، بازدارنده ای برای آن نیست، و هر چه را خداوند دریغ دارد، پس غیر او فرستنده ای برای آن نیست، و اوست عزیز و حکیم. (۳) ای مردم! نعمت هایی را که خداوند به شما عطا کرده یاد کنید، آیا جز خداوند، آفریدگاری است که از آسمان و زمین به شما روزی دهد؟ جز او معبودی نیست. پس چگونه از حق به سوی باطل بازگردانده می شوید. (۴) و اگر تو را تکذیب می کنند (نگران مباش زیرا) پیامبران پیش از تو (نیز) تکذیب شده اند، و همه ی کارها به سوی خداوند

بازمی گردد. (۵) ای مردم! وعده ی خداوندی حق است؛ پس زندگی دنیا شما را فریب ندهد و مبادا (شیطان) فریبکار شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد. (۶) بی گمان، شیطان دشمن شما است، پس شما نیز او را دشمن بگیرید؛ جز این نیست که او دار و دسته ی خود را فرامی خواند تا از اصحاب دوزخ باشند. (۷) کسانی که کفر ورزیدند، برایشان عذابی سخت است، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود. (۸) پس آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده و آن را نیکو می بیند، (مانند کسی است که هدایت یافته است). پس بدون شک خداوند هر که را بخواهد (و سزاوار بداند) گمراه می کند و هر که را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می نماید، پس مگذار به خاطر حسرت بر آنان جانت از دست برود، زیرا خداوند به آن چه انجام می دهند آگاهی کامل دارد. (۹) و خداوند است که بادهای فرستاد تا ابر را برانگیزاند، پس آن را به سوی سرزمینی مرده راندیم، و به وسیله ی آن زمین را بعد از مردنش زنده نمودیم. رستاخیز نیز چنین است. (۱۰) هر کس خواهان عزّت است، پس عزّت، همه از آن اوست (و به هر که بخواهد می دهد). تنها سخن (و عقیده ی) پاک به سوی او بالا می رود، و کار شایسته آن را بالا می برد، و کسانی که برای انجام بدی ها نقشه می کشند، برایشان عذاب سختی است و نیرنگ آنان است که تباه می شود. (۱۱) خداوند، شما را از خاک و سپس از نطفه آفرید؛ آن گاه شما را زوج یکدیگر قرار داد، و هیچ ماده ای جز با علم او باردار نشود

و نزاید، و هیچ کس عمر طولانی داده نشود و یا از عمرش کاسته نشود، مگر آن که در کتاب (علم خدا ثبت گردیده) است؛ قطعاً این امر بر خداوند آسان است. (۱۲) دو دریا یکسان نیستند: این یکی شیرین، لطیف (و) نوشیدنش گواراست، و آن یکی، شور و تلخ است، ولی شما از هر دو گوشت تازه می‌خورید و زیور (و مروارید) بیرون می‌آورید و می‌پوشید. کشتی‌ها را در آن می‌بینی که امواج را می‌شکافند تا از فضل او (روزی) طلبد و شاید شکر گزار باشید. (۱۳) شب را در روز فرو می‌برد و روز را در شب داخل می‌کند. (از یکی می‌کاهد و به دیگری می‌افزاید.) و خورشید و ماه را رام و مسخر نمود، هر یک از آنها برای مدتی معین در حرکتند. این است خداوند پروردگار شما، فرمانروایی مخصوص اوست. و کسانی که به جای او می‌خوانند ما لک پست هسته‌ی خرمائی نیستند. (۱۴) اگر آن (بت)‌ها را بخوانید، دعای شما را نمی‌شنوند و اگر بشنوند پاسخی به شما ندهند، و روز قیامت شرک شما را انکار خواهند کرد، و هیچ کس مانند (خداوند) خبیر، تو را (به حقیقت کارها) آگاه نکند. (۱۵) ای مردم! این شما هستید که به خداوند نیاز دارید و (تنها) خداوند، بی‌نیاز و ستوده است. (۱۶) اگر بخواهد شما را می‌برد و آفریده‌ی جدیدی می‌آورد. (۱۷) و این کار بر خداوند سخت نیست. (۱۸) و هیچ فردی بار (گناه) دیگری را بر دوش نکشد، و اگر سنگین باری برای حمل بارش، حتی از نزدیکان خود دعوتی کند، چیزی از بارش حمل نشود (و کسی به او رحم نکند). تو تنها کسانی را که در نهبان از پروردگارشان می‌ترسند و نماز به

پا می دارند هشدار می دهی، و هر کس (از گناه) پاک شود، پس این پاکی به نفع خود اوست و بازگشت (همه) تنها به سوی خداوند است. (۱۹) (مؤمن و کافر یکسان نیستند چنانکه) نابینا و بینا یکسان نیستند. (۲۰) تاریکی و روشنایی (نیز یکسان نیستند). (۲۱) و سایه و گرمای آفتاب (یکسان نیستند). (۲۲) و زندگان و مردگان یکسان نیستند. همانا خداوند (حق را) به هر کس که بخواهد می شنواند و تو هرگز نمی توانی به کسانی که در گورها هستند (حق را) بشنوانی. (۲۳) تو جز بیم دهنده ای (بیش) نیستی. (۲۴) همانا ما تو را به حق برای بشارت و هشدار فرستادیم و هیچ امتی نبوده مگر آن که در آن هشدار دهنده ای گذشته است. (۲۵) و اگر تو را تکذیب می کنند (نگران مباش، زیرا) بدون شک کفّاری که پیش از آنان بودند نیز (انبیا را) تکذیب نمودند، پیامبرانسان همراه با معجزه ها و دلایل آشکار و نوشته ها و کتاب روشنگر به سراغشان آمدند (امّا آنان ایمان نیاوردند). (۲۶) سپس کسانی را که کفر ورزیدند (به مؤاخذه و مجازات) گرفتم، پس کیفر من چگونه است؟ (۲۷) آیا ندیده ای که خداوند از آسمان، آبی فرو فرستاد، پس به واسطه ی آن میوه هایی رنگارنگ (از زمین) بیرون آوردیم. و از بعضی کوه ها (رگه ها و) راه های سفید و سرخ، به رنگ های گوناگون و کاملاً سیاه (بیرون آوردیم). (۲۸) و همچنین از مردم و جنبنده ها و چهار پایان به رنگ های گوناگون (آفریدیم)؛ از میان بندگان او تنها دانشمندان (ربّانی) خشیت الهی دارند، بی شک خداوند، عزیز و آمرزنده است. (۲۹) همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می کنند و نماز بر پا می دارند و از آن چه ما روزیشان کرده ایم، پنهان و آشکار انفاق می کنند، به تجارتی دل بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد. (۳۰) خداوند پاداش

آنان را به طور کامل عطا کند و از فضل خویش به آنان بیفزاید، چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است. (۳۱) و آن چه از کتاب به سوی تو وحی کردیم، همان حق است که تصدیق کننده ی کتاب های پیش از آن است؛ قطعاً خداوند نسبت به بندگانش خبیر و بینا است. (۳۲) آنگاه این کتاب (قرآن) را به گروهی از بندگانمان که (آنان را) برگزیدیم به میراث دادیم، پس برخی از بندگان ما (در عمل به کتاب) بر خود ستمکارند و بعضی میانه رو و برخی با اذن الهی نسبت به کارهای خیر سبقت گیرند، که این همان فضل بزرگ الهی است. (۳۳) (پاداش الهی و آن فضل بزرگ)، باغ هایی همیشه سرسبز است که به آنها وارد خواهند شد، و در آنها با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت می شوند و لباس آنان در آن جا (از) ابریشم است. (۳۴) و گویند: سپاس برای خداوندی است که اندوه را از ما زدود، همانا پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است. (۳۵) خداوندی که ما را از فضل خویش در سرای ابدی جای داد که در آن جا هیچ رنجی به ما نمی رسد و درماندگی به سراغ ما نمی آید. (۳۶) و کسانی که کفر ورزیدند، برایشان آتش دوزخ است، نه بر آنها حکم می شود که بمیرند و نه از عذاب دوزخ تخفیفی برایشان هست؛ ما این گونه هر ناسپاسی را کیفر می دهیم. (۳۷) و آن کفار در دوزخ ناله می زنند (و می گویند): پروردگارا! ما را خارج کن تا عمل صالحی انجام دهیم، غیر از آنچه که قبلاً انجام می دادیم. (در پاسخ به آنان گفته می شود): آیا ما به شما چندان عمر ندادیم که در آن هر کس که بنای تذکر دارد متذکر

شود و (عبرت گیرد؟ به علاوه) هشدار دهنده به سراغتان آمد (ولی شما توجهی نکردید)، که اینک بچشید، پس برای ستمگران هیچ یاوری نیست. (۳۸) همانا خداوند به غیب آسمان ها و زمین آگاه است، بدون شک او به راز دل ها داناست. (۳۹) او کسی است که شما را در زمین جانشینان (پیشینان) قرار داد؛ پس هر کس کفر ورزد بر ضررش خواهد بود و کافران را کفرشان جز دشمنی و خشم نزد پروردگارشان نمی افزاید، و کافران را کفرشان جز خسارت نمی افزاید. (۴۰) بگو: آیا شریکان خویش را که به جای خداوند می خوانید دیده اید؟ به من نشان دهید که چه چیزی را از زمین آفریده اند، یا برای آنان در (آفرینش) آسمان ها مشارکتی است؟ یا به آنان کتابی داده ایم که ایشان، دلیل و حجتی از آن بر شرک خود دارند؟ (نه، هیچ کدام نیست)، بلکه ستمکاران تنها بر اساس وعده ای (دروغی) که بعضی شان به بعضی دیگر (در مورد شفاعت) می دهند یکدیگر را فریب می دهند. (۴۱) همانا خداوند آسمان ها و زمین را از زوال (و سقوط و خروج از مدار) نگاه می دارد، و اگر زوال پذیرند (و از مدار خارج شوند) احدی جز او نمی تواند آنها را نگاه دارد؛ البته او بردبار و آمرزنده است. (۴۲) و (مشرکان) با سخت ترین سوگندها، به خدا سوگند یاد کردند که اگر هشدار دهنده ای به سراغشان بیاید از هر یک از ائمت های دیگر هدایت یافته تر شوند؛ پس همین که هشدار دهنده ای برایشان آمد، جز نفرت (از حق) چیزی بر آنان نیفزود. (۴۳) (نفرت آنان از حق) به خاطر استکبار در زمین و نیرنگ بدشان بود، و نیرنگ بد جز اهلش را فرا نگیرد، پس آیا آنان جز سنت (خداوند را در مورد قلع و

قمع) پیشینیان انتظار دارند؟ با آنکه برای سنت و قانون الهی هرگز جایگزینی نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نخواهی یافت. (۴۴) آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند که سرانجام کسانی که قبل از ایشان بودند و قدرتشانشان بیش از آنان بود چه شد؟ و هیچ چیز در آسمانها و زمین نیست که خداوند را به عجز در آورد (و از حیطة ی قدرت او خارج باشد). البته او بس آگاه و تواناست. (۴۵) و اگر خداوند مردم را به سزای آن چه انجام داده اند مؤاخذه نماید، هیچ جنبنده ای روی زمین باقی نمی ماند، ولی (سنت خداوند بر آن است که) مردم را تا مدتی معین مهلت دهد (تا خود را اصلاح نمایند)، پس همین که مدتشان به سر آمد (آنان را مؤاخذه می کند). و همانا خداوند به (احوال) بندگان خود بیناست (و هر کس را به مقتضای کردارش جزا می دهد). (۴۶)

پس

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) یا، سین. (۲) سوگند به قرآن (محکم و) حکمت آموز. (۳) که همانا تو از پیامبرانی. (۴) بر راه راست هستی. (۵) قرآن از جانب خداوند قادر مهربان نازل شده است. (۶) تا به مردم آن چه را به نیاکانشان هشدار داده شده تو نیز هشدار دهی، پس آنان غافلند. (۷) به یقین فرمان (عذاب) بر بیشتر آنان سزاوار گشته است پس ایشان ایمان نمی آورند. (۸) به راستی که ما در گردن های آنان غل هایی قرار دادیم، که تا چانه شان را می پوشاند در نتیجه سرهای آنان بالا مانده است (و نمی توانند اطراف و پیش پای خود را ببینند). (۹) و پیش روی آنان حائل و سدّی و پشت سرشان نیز حائل و سدّی قرار دادیم، و به طور فراگیر آنان را پوشاندیم، پس هیچ چیز را نمی بینند. (۱۰) بر آنان تفاوتی نمی کند که

آنان را بیم دهی یا بیم ندهی، ایمان نمی آورند. (۱۱) تنها کسی را (می توانی) هشدار دهی که از ذکر (قرآن) پیروی کند و در درون و نهان از خدای رحمان بترسد، پس او را به آموزش و پاداشی پر ارزش بشارت ده. (۱۲) همانا ما مردگان را زنده می کنیم و آن چه را از پیش فرستاده اند و آثارشان را می نویسیم و هر چیزی را در (کتاب و) پیشوایی روشن برشمرده ایم. (۱۳) برای آنها اصحاب قریه را مثال بزن که فرستادگان خدا به سوی آنها آمدند. (۱۴) آن گاه که دو نفر (از پیامبران خود) را به سوی آنان فرستادیم، پس تکذیبشان کردند، سپس با شخص سوئی (آن دو را) تأیید کردیم، پس گفتند: همانا ما (از طرف خدا) به سوی شما فرستاده شده ایم. (۱۵) کفار گفتند: شما جز بشری مثل ما نیستید و خدای رحمان چیزی (بر شما) نازل نکرده است، شما جز دروغ نمی گوئید. (۱۶) پیامبران گفتند: پروردگار ما می داند که ما به سوی شما فرستاده شده ایم. (۱۷) و بر ما، جز تبلیغ آشکار و روشن، وظیفه ی دیگری نیست. (۱۸) (کفار به انبیا) گفتند: ما (حضور) شما را به فال بد گرفته ایم (وجود شما شوم است و مایه ی بدبختی ما) و اگر از حرفتان دست بردارید قطعاً شما را طرد خواهیم کرد و از طرف ما عذاب دردناکی به شما خواهد رسید. (۱۹) (انبیا در پاسخ) گفتند: شومی شما از خود شماست، آیا اگر پند داده شدید (باید فال بد بزنید)؟ بلکه شما قومی اسرافکارید. (۲۰) و از دورترین منطقه شهر، مردی با شتاب آمد (و) گفت: ای قوم من! از این انبیا پیروی کنید. (۲۱) از کسانی که پاداشی درخواست نمی کنند و خود هدایت یافته اند پیروی کنید. (۲۲) و چیست مرا که نپرستم آنکه مرا آفریده

است و همگی به سوی او بازگشت داده می شوید. (۲۳) آیا به جای او خدایانی را برگزینم که اگر خداوند رحمان اراده ی گزندی به من نماید، شفاعت آنها کمترین سودی برای من ندارد و مرا نمی رهانند؟ (۲۴) در این صورت من در گمراهی آشکاری خواهم بود. (۲۵) (ای مردم! بدانید) من به پروردگارتان ایمان آوردم، پس (شما نیز سخن مرا) بشنوید (و ایمان آورید). (۲۶) (سرانجام او را شهید کردند) به او گفته شد: به بهشت وارد شو. گفت: ای کاش قوم من می دانستند. (۲۷) که پروردگارم مرا بخشید و از گرامی داشتگان قرارم داد. (۲۸) و ما بعد از (شهادت آن مرد خدا) هیچ لشگری از آسمان برای هلاک قوم او نفرستادیم و اصولاً سنت ما قبل از این هم چنین نبود (که برای عذاب اهل زمین سپاهی از آسمان بفرستیم). (۲۹) تنها یک صیحه (آسمانی، صیحه ای تکان دهنده و مرگبار که) ناگهان همگی خاموش شدند. (۳۰) ای دریغ بر بندگان! که هیچ پیامبری بر آنان نیامد مگر آن که او را به استهزا گرفتند. (۳۱) آیا ندیدند چه بسیار نسل هایی را که قبل از آنان هلاک کردیم و آنان به سوی این کفار برنمی گردند؟ (۳۲) و همگی نزد ما احضار می شوند. (۳۳) و زمین مرده که ما آن را زنده کردیم و دانه ای از آن خارج ساختیم که از آن می خورند، برای آنان نشانه ای است (بر امکان معاد). (۳۴) و در آن، باغ هایی از درختان خرما و انگور قرار دادیم و در آن چشمه ها شکافته و روان ساختیم. (۳۵) تا از میوه ی آن و آن چه دستانشان به عمل آورده است، بخورند، پس چرا سپاسگزاری نمی کنند؟ (۳۶) منزّه است خدایی که تمام زوج ها را آفرید، از آن چه زمین می رویاند و از خود مردم و از آن چه نمی دانند. (۳۷) و نشانه ای (دیگر) برای

آنان شب است که ما روز را (مانند پوست) از آن برمی کنیم، پس در تاریکی فرو می روند. (۳۸) و خورشید به (سوی) قرارگاه خود روان است، آن نظام تقدیر خداوند عزیز داناست. (۳۹) و برای ماه نیز منزلگاه هایی معین کرده ایم، تا همچون شاخه کهنه ی خرما برگردد. (۴۰) نه خورشید را سزاست که به ماه رسد و نه شب را سزد که بر روز پیشی گیرد هر کدام در سپهر و مدار معینی شناورند. (۴۱) و نشانه ای (دیگر) برای آنان، آن است که ما فرزندانمان را در کشتی های پر از بار سوار کردیم. (۴۲) و برای آنان مرکب های دیگری مانند همان آن، (از قبیل اسب و شتر...) آفریدیم. (۴۳) و اگر بخواهیم آنان را غرق می کنیم، به گونه ای که نه فریادرسی برایشان باشد و نه (از دریا) نجات داده شوند. (۴۴) مگر آنکه بار دیگر رحمت ما شامل حالشان شود و تا مدتی (دیگر از زندگی) بر خوردار باشند. (۴۵) و هرگاه به آنان گفته شود از (مجازات دنیا) که پیش روی شماست و از (مجازات آخرت) که به دنبال شماست پروا کنید تا شاید مورد رحمت قرار گیرید (اعراض می کنند). (۴۶) و هیچ نشانه ای از نشانه های پروردگارشان برای آنان نمی آید مگر آن که از آنها روی گردانند. (۴۷) و هرگاه به آنان گفته شود: از آن چه خداوند رزوی شما کرده بخشش کنید، کسانی که کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آورده اند می گویند: آیا به کسانی غذا دهیم که اگر خداوند می خواست خودش به آنها غذا می داد؟ شما در گمراهی آشکاری هستید. (۴۸) (کفار) می گویند: اگر راست می گوئید، این وعده (قیامت) چه وقت فرامی رسد؟ (۴۹) آنان جز یک صیحه (مرگبار) را انتظار نمی کشند که آنان را فرا خواهد گرفت، در حالی که به مخاصمه و جدال سرگرمند. (۵۰) پس در

آن حال، نه توان وصیّتی دارند و نه می توانند به سوی خانواده هایشان باز گردند. (۵۱) و در صور دمیده شود، پس ناگاه آنان از گورها (برخاسته،) شتابان به سوی پروردگارشان می آیند. (۵۲) گویند: وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این همان است که خدای رحمان وعده داد و پیامبران راست گفتند. (۵۳) (آری،) جز یک بانگ نبود که ناگهان همگی نزد ما احضار شدند. (۵۴) پس در چنین روزی بر هیچ کس ستمی نمی شود، و جز آن چه عمل کردید جزایی داده نمی شوید. (۵۵) بی شک اهل بهشت در آن روز به خوشی مشغولند. (۵۶) آنان و همسرانشان در زیر سایه ها بر تخت های زینتی تکیه می زنند. (۵۷) در آن جا (هر گونه) میوه برای آنان مهیّا است و هر آن چه بخواهند برایشان موجود است. (۵۸) سلام، سخن پروردگار مهربان به آنان است. (۵۹) و (گفته می شود) ای گناهکاران و مجرمین! امروز (از نیکوکاران) جدا شوید. (۶۰) ای فرزندان آدم! مگر با شما پیمان نبستم که شیطان را اطاعت نکنید که همانا او برای شما دشمنی آشکار است. (۶۱) و تنها مرا بپرستید، که راه مستقیم همین است. (۶۲) آیا شیطان گروه زیادی از شما را گمراه کرد، پس چرا تعقل نمی کردید؟ (۶۳) این همان جهنمی است که به شما وعده داده می شد. (۶۴) امروز وارد آن شوید و به خاطر کفری که داشتید، به آتش آن بسوزید. (۶۵) امروز بر دهانشان مُهر می نهیم و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان به آن چه کسب کرده اند گواهی می دهند. (۶۶) و اگر بخواهیم فروغ دیدگانشان را محو می کنیم، پس آنگاه که در راه سبقت می گیرند، چگونه خواهند دید؟ (۶۷) و اگر بخواهیم آنان را در جای خود مسخ می کنیم (و به مجسمه هایی بی روح مبدّل می سازیم،) به گونه ای که نه بتوانند به راه خود ادامه دهند و

نه بر گردند. (۶۸) و هر که را طول عمر دهیم، او را در آفرینش واژگونه می کنیم. (حافظه اش به فراموشی سپرده می شود، قدرتش به ضعف می گراید و قامتش خم می گردد) آیا تعقل نمی کنند؟ (۶۹) و ما به او (پیامبر) شعر نیاموختیم و سزاوار او نیز نیست، آن (چه به او آموختیم) جز مایه ی ذکر و قرآن روشن نیست. (۷۰) (این قرآن برای آن است که) تا هر کس زنده (دل) است، هشدارش دهد و (حجت را بر کافران تمام کند) و گفتار خدا درباره آنان محقق گردد. (۷۱) آیا ندیدند که ما از آن چه با قدرت خود به عمل آوردیم برای آنان چهارپایانی آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟ (۷۲) و چهارپایان را برای آنان رام کردیم، از برخی سواری می گیرند و از برخی تغذیه می کنند. (۷۳) و در آنها بهره های دیگری نیز (از قبیل پشم و کرک) و نوشیدنی ها برای مردم است. پس چرا (با این حال) سپاس نمی گزارند؟! (۷۴) و به جای خداوند (یگانه) خدایانی را (به پرستش) گرفتند، به این امید که یاری شوند. (۷۵) (در حالی که آن) خدایان، توان یاری آنان را ندارند و اینها (در قیامت) به عنوان لشکر بت ها احضار می شوند. (۷۶) پس سخنان مشرکان تو را محزون نکند، ما آن چه را پنهان می دارند و آن چه را آشکار می کنند می دانیم. (۷۷) آیا انسان ندید (و نیاندیشید) که ما او را از نطفه ای (بی مقدار) آفریدیم؟ پس اینک ستیزه جویی آشکار شده است. (۷۸) و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد؛ گفت: چه کسی این استخوان ها را در حالی که پوسیده است زنده خواهد کرد؟ (۷۹) (به او) بگو: همان کسی که بار اول آن را آفرید، (بار دیگر) آن را زنده خواهد کرد و او بر

هر آفریده ای آگاه است. (۸۰) (اوست) آن که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید پس هرگاه بخواهید از آن آتش می‌افروزید. (۸۱) آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، توانا نیست که مثل آنها را بیافریند؟ آری، (می‌تواند) و او آفریدگار بسیار داناست. (۸۲) چون چیزی را اراده کند، فرمانش این است که بگوید: «باش» پس بی‌درنگ موجود می‌شود. (۸۳) پس منزّه است کسی که حاکمیت و مالکیت همه چیز به دست اوست و به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۸۴)

الصفات

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) سوگند به صف بستگان (در صفوفی منظم) صف بستنی. (۲) پس بازمی‌دارند (از معاصی و وسوسه‌ها) باز داشتنی. (۳) همانان که پی در پی ذکر خدا (کتاب آسمانی) را تلاوت می‌کنند. (۴) بی‌شک که معبود شما یکتاست. (۵) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن دو است و پروردگار مشرق‌ها (و مغرب‌ها). (۶) ما آسمان زیرین را به زیور ستارگان آراستیم. (۷) و (آن را) از هر شیطان متمرد و سرکشی محفوظ داشتیم. (۸) آن‌ها نمی‌توانند به (اسرار) عالم بالا گوش فرا دهند و از هر سو به آنها (شهاب) پرتاب می‌شود. (۹) تا رانده شوند و برای آن‌ها عذابی پاینده است. (۱۰) مگر آنکه شیطانی (به آسمان بالا رود و) به سرعت خبری را برآید که شهاب و شراره ای نافذ او را دنبال (و نابود) کند. (۱۱) پس از آنان نظر بخواه که آفرینش آنان سخت تر است یا کسانی که ما در آسمانها و زمین آفریدیم؟ ما آنان را از گلی چسبنده آفریدیم. (۱۲) بلکه تو (از افکار آنان) تعجب می‌کنی و آنان (تو را) مسخره می‌کنند. (۱۳) و هرگاه اندرز داده شوند پند نمی‌گیرند. (۱۴) و هرگاه معجزه ای بینند، یکدیگر را به مسخره کردن دعوت می‌کنند. (۱۵) و می‌گویند: این جز جادویی آشکار نیست. (۱۶) (می‌گویند): آیا چون مردیم و خاک و استخوان

(پوسیده) شدیم آیا (دوباره) برانگیخته خواهیم شد؟! (۱۷) و آیا پدران گذشته ی ما نیز (زنده خواهند شد)؟ (۱۸) بگو: آری (همه زنده می شوید) در حالی که خوار و کوچک خواهید بود. (۱۹) همانا قیامت با یک صیحه است، پس آن گاه آنان (صحنه قیامت را) خواهند دید. (۲۰) و گویند: وای بر ما این روز جزاست. (۲۱) (به آنها گفته می شود): این همان روز جدایی (حق از باطل) است که دائماً آن را تکذیب می کردید. (۲۲) (خداوند به فرشتگان دستور می دهد): ستمکاران و هم ردیفان آنان و آن چه را به جای خداوند می پرستیدند (در یک جا) گرد آورید. (۲۳) پس همه را به راه دوزخ راهنمایی کنید. (۲۴) آنان را متوقف کنید، زیرا که آنان مورد سؤال و بازخواست هستند. (۲۵) (به آنان گفته می شود): چه شد که امروز یکدیگر را یاری نمی کنید. (۲۶) (آری، نمی توانند یکدیگر را یاری کنند) بلکه آنان امروز کاملاً تسلیم (قدرت خدا) هستند. (۲۷) و بعضی از آنان به بعضی دیگر روی کرده و از یکدیگر می پرسند. (۲۸) (پیروان به رهبران) گویند: بی شک شما بودید که از روی قهر و غلبه (برای گرایش ما به کفر و شرک) به سراغ ما می آمدید. (۲۹) (گروه دیگر در پاسخ) گویند: (این چنین نیست) بلکه شما خود اهل ایمان نبودید. (۳۰) و ما را بر شما سلطه و غلبه ای نبود بلکه شما خود گروهی سرکش بودید. (۳۱) پس وعده (عذاب) پروردگاران بر ما محقق شد و بدون شک ما چشندگان عذابیم. (۳۲) پس ما شما را گمراه کردیم (اما نه با قهر) زیرا که ما خود نیز منحرف بودیم. (۳۳) پس آنان در آن روز، در عذاب الهی مشترکند. (۳۴) همانا ما با مجرمان این گونه رفتار می کنیم. (۳۵) آنان که هرگاه برایشان «لا اله الا الله» گفته می شد، تکبر می ورزیدند. (۳۶) و می گفتند: آیا ما به خاطر شاعری دیوانه خدایانمان

را رها کنیم؟ (۳۷) (هرگز چنین نیست) بلکه او حق آورده و انبیا (پیشین) را تصدیق نموده است. (۳۸) شما (نیز به خاطر این روحیه ی استکباری و تهمت ها و لجاجت ها) عذاب دردناک الهی را خواهید چشید. (۳۹) و جز آن چه انجام داده اید، کیفر نمی بینید. (۴۰) مگر بندگان خالص شده ی خدا (که از کیفر برکنارند). (۴۱) آنانند که برایشان رزق معلوم است. (۴۲) انواع میوه ها و آنان مورد احترامند. (۴۳) در باغ های پر نعمت (بهشت). (۴۴) بر تخت هایی در برابر یکدیگر (تکیه زده اند). (۴۵) و از نهر جاری (جامی از شراب) بر آنان می گردانند، (۴۶) شرابی سفید رنگ و لذت بخش برای نوشندگان. (۴۷) (شرابی که) نه مایه ی فساد عقل است و نه آنان از نوشیدن آن مست می شوند. (۴۸) و نزدشان همسرانی است درشت چشم که چشم از غیر فرو بندند. (۴۹) گویی (از شدت سفیدی) تخم مرغانی هستند پوشیده و پنهان. (۵۰) پس بعضی از آنان بر بعضی روی کرده و از یکدیگر سؤال می کنند. (۵۱) یکی از آنان گوید: مرا در دنیا همنشینی بود. (۵۲) که پیوسته می گفت: آیا تو از باوردارندگان (قیامت) هستی؟ (۵۳) آیا هرگاه مردیم و خاک و استخوان شدیم (دوباره زنده شده و) جزا داده خواهیم شد؟ (۵۴) گوید: آیا شما (بهشتیان) می توانید (بر حال او) اطلاع یابید؟ (۵۵) پس از حال او اطلاع می یابد، پس او را در میان دوزخ می بیند. (۵۶) (فرد بهشتی به دوزخی) گوید: به خدا سوگند نزدیک بود که مرا به نابودی کشانی. (۵۷) و اگر نعمت (و لطف) پروردگارم نبود قطعاً من از احضار شدگان (در دوزخ) بودم. (۵۸) (اهل بهشت از شدت شادی به یکدیگر می گویند: آیا ما دیگر نمی میریم؟ (۵۹) مگر همان مرگ اولی (که گذشت) و ما دیگر عذاب نخواهیم شد؟ (۶۰) قطعاً این (نعمت های ابدی) رستگاری بزرگی است (که نصیب ما شده). (۶۱) باید اهل عمل برای چنین جایگاهی کار کنند. (۶۲) آیا آن (نعمت های بهشتی) برای پذیرایی بهتر است

یا درخت زقوم؟ (۶۳) همانا ما درخت زقوم را وسیله ی شکنجه و درد و رنج ستمگران قرار داده ایم. (۶۴) همانا این درخت از عمق دوزخ می روید. (۶۵) خوشه ها و شکوفه ی آن مانند سرهای شیاطین است. (۶۶) پس دوزخیان از آن می خورند و شکم ها را از آن پر می کنند. (۶۷) سپس بر روی آن (غذا) مخلوطی از آب جوشان و سوزنده برای آنان خواهد بود. (۶۸) پس بازگشت آنان به سوی دوزخ است. (۶۹) آنان پدران خویش را گمراه یافتند. (۷۰) اما با این حال، در پی آنان شتابان می روند. (۷۱) بی گمان قبل از آنان، اکثر پیشینیان (نیز) گمراه شدند. (۷۲) و قطعاً ما در میانشان بیم دهندگانی فرستادیم. (۷۳) پس (اینک) بنگر که سرانجام هشدار داده شدگان چگونه بود. (۷۴) (که همه آنان هلاک شدند) به استثنای بندگان خالص شده خدا. (۷۵) و همانا نوح، ما را (به فریاد رسی) ندا داد، (و ندای او را اجابت کردیم) پس چه خوب پاسخ دهنده ای هستیم. (۷۶) و او و کسانش را از اندوه بزرگ رهانیدیم. (۷۷) و (تنها) نسل او را باقی گذاشتیم. (۷۸) و در میان آیندگان برای او (مدح و ثنا) به جا گذاشتیم. (۷۹) در میان جهانیان بر نوح سلام باد. (۸۰) همانا ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۸۱) به راستی که او از بندگان مؤمن ما بود. (۸۲) سپس دیگران را غرق کردیم. (۸۳) و بی گمان، ابراهیم از پیروان نوح بود. (۸۴) آن گاه که با دلی سلیم و سالم (از هر عیب) به پیشگاه پروردگارش آمد. (۸۵) آن گاه که به پدر (سرپرست) و قوم خویش گفت: این (بت ها) چیست که می پرستید؟ (۸۶) آیا به دروغ معبودهای دیگری غیر از خداوند می خواهید. (۸۷) پس گمان شما به پروردگار جهانیان چیست (که غیر او را می پرستید)؟ (۸۸) پس نگاه خاصی به ستارگان کرد. (۸۹) و گفت: من بیمارم (و نمی توانم در مراسم عید شما شرکت کنم). (۹۰) پس مردم از او روی گردانده برگشتند. (۹۱) پس پنهانی به سراغ

خدایان آنان (در بت خانه) رفت و (با تمسخر) گفت: چرا غذا نمی خورید؟ (۹۲) شما را چه شده، چرا سخن نمی گوید؟ (۹۳) پس (دور از چشم مردم) به سراغ بت ها رفت و با قدرت ضربه محکمی بر آنها فرود آورد (و خردشان کرد). (۹۴) پس مردم شتابان به سوی او روی آوردند (و اعتراض کردند). (۹۵) (ابراهیم) گفت: آیا آن چه را خود می تراشید می پرستید؟ (۹۶) در حالی که خداوند شما و آن چه را انجام می دهید (و می سازید) آفریده است. (۹۷) گفتند: برای (کیفر) او بنیانی به پا کنید (همچون کوره) پس او را در آتش بیفکنید. (۹۸) پس خواستند برای (نابودی) ابراهیم به او نیرنگی زنند، ولی ما آنان را زبردست و مغلوب قرار دادیم (و نقشه ی آن ها را بر آب کردیم). (۹۹) و (ابراهیم) گفت: من به سوی پروردگارم رهسپارم، او مرا راهنمایی خواهد کرد. (۱۰۰) پروردگارا! (فرزندی) از گروه صالحان به من ببخش. (۱۰۱) پس ما او را به نوجوانی بردبار مژده دادیم. (۱۰۲) پس چون نوجوان در کار و کوشش به پای او رسید، پدر گفت: ای فرزندم! همانا در خواب (چنین) می بینم که تو را ذبح می کنم پس بنگر که چه می بینی و نظرت چیست؟ فرزند گفت: ای پدر! آن چه را مأمور شده ای انجام ده که به زودی اگر خدا بخواهد مرا از صبرکنندگان خواهی یافت. (۱۰۳) پس چون هر دو تسلیم (فرمان ما) شدند و ابراهیم، گونه ی فرزند را بر خاک نهاد (تا ذبحش کند)، (۱۰۴) او را ندا دادیم که ای ابراهیم! (۱۰۵) حَقًّا که رؤیایت را تحقق بخشیدی (و امر ما را اطاعت کردی)، همانا ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم (و نیت عمل خیر آنان را به جای عمل قبول می کنیم). (۱۰۶) همانا این همان آزمایش آشکار بود. (۱۰۷) و ما قربانی بزرگی را فدای

او کردیم. (۱۰۸) و در میان آیندگان برای او (نام نیک) به جا گذاشتیم. (۱۰۹) درود و سلام بر ابراهیم. (۱۱۰) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم (که برای آنان مدح و ثنا به جا می گذاریم). (۱۱۱) همانا او از بندگان مؤمن ماست. (۱۱۲) و او را به اسحاق که پیامبری از شایستگان بود مژده دادیم. (۱۱۳) و بر ابراهیم و اسحاق برکت و خیر بسیار عطا کردیم و از نسل آن دو (برخی) نیکوکار و (برخی) آشکارا به خود ستمکار بودند. (۱۱۴) و به راستی ما بر موسی و هارون منت نهادیم. (۱۱۵) و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم. (۱۱۶) و آنان را یاری کردیم، پس غالب آمدند (و پیروز شدند). (۱۱۷) و به آن دو کتاب روشنگر دادیم. (۱۱۸) و آن دو را به راه راست هدایت کردیم. (۱۱۹) و برای آن دو در میان آیندگان (نام نیک) باقی گذاشتیم. (۱۲۰) سلام بر موسی و هارون. (۱۲۱) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (۱۲۲) همانا آن دو از بندگان مؤمن ما بودند. (۱۲۳) و به راستی الیاس از فرستادگان ما بود. (۱۲۴) آن گاه که به قوم خود گفت: آیا (از خدا) پروا نمی کنید؟ (۱۲۵) آیا (بت) بعل را می خوانید و بهترین آفریدگار را رها می کنید؟ (۱۲۶) خدایی که پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شماست؟! (۱۲۷) پس او را تکذیب کردند و بدون شک آنان (در دوزخ) احضار خواهند شد. (۱۲۸) به جز بندگان برگزیده ی خدا. (۱۲۹) و برای او در میان آیندگان (نام نیک) بر جای گذاشتیم. (۱۳۰) سلام و درود بر الیاس. (۱۳۱) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (۱۳۲) همانا او از بندگان مؤمن ماست. (۱۳۳) و همانا لوط یکی از فرستادگان است. (۱۳۴) آن گاه که او و همه ی خانواده اش را (از قهر خود) نجات دادیم. (۱۳۵) جز پیرزنی که در میان باقی ماندگان (جزء هلاک شدگان) بود. (۱۳۶) سپس باقی را نابود کردیم. (۱۳۷) و همانا شما صبحگاهان بر آثار

آنان می گذرید. (۱۳۸) (و نیز) شامگاهان؛ پس آیا عقل خود را بکار نمی گیرید. (۱۳۹) و همانا یونس از فرستادگان است. (۱۴۰) آن گاه که (از قوم خود) فرار کرد (و) به سوی کشتی پر (از بار و مسافر شتافت. کشتی به خطر افتاد و بنا شد بر اساس قرعه، افرادی به دریا افکنده شوند). (۱۴۱) پس یونس با مسافران کشتی قرعه انداخت و از بازندگان شد. (۱۴۲) پس (او را به دریا افکندند و) ماهی بزرگی او را بلعید. او خود را سرزنش می کرد (و در شکم ماهی به تسبیح خداوند پرداخت). (۱۴۳) پس اگر از تسبیح گویان نبود، (۱۴۴) تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند. (۱۴۵) پس او را در حالی که بیمار بود به زمین خشکی افکندیم. (۱۴۶) و بر او بته ای از کدو رویاندیم. (۱۴۷) و او را (پس از بهبودی) به سوی یکصد هزار نفر بلکه یا بیش تر فرستادیم. (۱۴۸) پس ایمان آوردند و تا مدتی آنان را کامیاب و بهره مند کردیم. (۱۴۹) (می گویند: ملائکه دختران خدا هستند) پس از آنان سؤال کن: آیا دختران برای پروردگارت و پسران برای آنان است؟! (۱۵۰) یا ما فرشتگان را زن آفریدیم و آنان ناظر بودند؟! (۱۵۱) آگاه باشید که آنان از سر تهمت می گویند: (۱۵۲) «خدا فرزند آورده!» و البته آنان دروغ گویند. (۱۵۳) آیا خداوند دختران را بر پسران برگزیده است؟! (۱۵۴) شما را چه شده است؟ چگونه داوری می کنید؟! (۱۵۵) پس آیا پند نمی گیرید؟! (۱۵۶) آیا برای شما (در این عقاید باطل) دلیل روشنی است؟! (۱۵۷) پس اگر راست می گوید کتاب (و سند) تان را بیاورید. (۱۵۸) و (گفتند: خدا از جنیان همسر گرفته است و) میان خدا و جن نسبتی قائل شدند در حالی که جنیان به خوبی می دانند آنها (برای حساب پس دادن) احضار خواهند شد. (۱۵۹) خداوند از آن چه آنان می گویند، منزّه است. (۱۶۰) جز بندگان برگزیده ی خدا (که او را به شایستگی توصیف

می کنند). (۱۶۱) همانا شما (بت پرستان) و آنچه می پرستید. (۱۶۲) هرگز نمی توانید (دیگران را فریب دهید و) بر ضد خداوند گمراه کنید. (۱۶۳) مگر کسی که خودش (با اراده و اختیار) به دنبال دوزخ باشد. (۱۶۴) (فرشتگان گویند:) و هیچ کس از ما نیست مگر آن که برای او (مرتبه و) جایگاهی معین است. (۱۶۵) و این ما هستیم که (برای اطاعت فرمان خداوند) صف کشیده ایم. (۱۶۶) و این مائیم که تسیح گوی خداییم. (۱۶۷) (مشرکان) پیوسته و با تأکید می گفتند. (۱۶۸) اگر پندنامه ای از نوع (کتاب های) پیشینیان نزد ما بود، (۱۶۹) ما نیز حتما از بندگان برگزیده ی خدا بودیم. (۱۷۰) ولی همین که قرآن برای آنان آمد) پس به آن کفر ورزیدند و به زودی (نتیجه ی کفر خود را) خواهند دانست. (۱۷۱) و بی شک فرمان ما برای بندگان که به رسالت فرستاده شده اند از پیش معین شده است. (۱۷۲) همانا ایشانند که پیروزند. (۱۷۳) و همانا سپاه ماست که پیروز است. (۱۷۴) پس تا مدتی (معین از کفار) روی بگردان. (۱۷۵) و (عناد و لجاجت) آنان را بنگر، پس به زودی (کیفر عنادشان را) خواهند دید. (۱۷۶) پس آیا نسبت به نزول عذاب ما عجله دارند؟ (۱۷۷) پس هرگاه (عذاب ما) به آستانه آنان فرود آید، اخطار شدگان چه بد صبحگاهی خواهند داشت. (۱۷۸) و تا مدتی از آنان روی بگردان. (۱۷۹) و بنگر، پس به زودی خواهند دید (که عاقبتشان چه می شود). (۱۸۰) پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزیز، از آن چه درباره ی او (می پندارند و) توصیف می کنند. (۱۸۱) و سلام بر همه ی فرستادگان. (۱۸۲) و سپاس و ستایش برای خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۱۸۳)

ص

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) صاد، به قرآن پندآموز سوگند. (۲) آری، کسانی که کفر ورزیدند، در سرکشی سخت و مخالفت شدیدی هستند. (۳) چه بسیار اقوام پیش از اینان که (به خاطر کفر و نفاق) هلاکشان کردیم، پس فریاد زدند، لکن (چه سود) که زمان،

زمان فرار نبود. (۴) و تعجب کردند که هشدار دهنده ای از خودشان به سراغشان آمده و کافران گفتند: این، جادوگری دروغگو است. (۵) آیا او به جای معبودهای متعدّد، یک معبود قرار داده است؟ البتّه که این، چیزی بسیار عجیب است! (۶) سردمداران کفر، (سخن پیامبر) را رها کردند (و به دیگران نیز گفتند): بروید و بر پرستش خدایان خود پایدار بمانید که این مقاومت شما چیز مطلوبی است. (۷) ما این مطالب را در آیین اخیر (نیاکان یا آیین مسیحیت) نشنیده ایم، این آیین جز آیینی ساختگی نیست. (۸) آیا از میان همه ی ما، قرآن بر او نازل شده است؟ (این حرف ها بهانه ای بیش نیست) بلکه آنان نسبت به قرآن، در شک هستند. آری، آنان هنوز عذاب مرا نچشیده اند. (۹) مگر گنجینه های رحمت پروردگار عزیز و بخشنده ی تو در اختیار آنان است (تا وحی بر افرادی که آنان می خواهند نازل شود)؟ (۱۰) یا حکومت آسمان ها و زمین و آن چه میان آنهاست، از ایشان است؟ پس به وسیله ی امکاناتی که دارند بالا روند (و رشته کار را بدست گیرند و از نزول وحی بر کسی که ما می خواهیم جلوگیری کنند). (۱۱) آنان لشگر کوچکی از احزاب شکست خورده اند (که از حقیقت دورند و بهانه می گیرند). (۱۲) پیش از این کفار (مکه نیز)، قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت، انبیا را تکذیب کردند. (۱۳) (همان گونه که) قوم ثمود و لوط و اصحاب بیشه (که قوم حضرت شعیب بودند) آنان نیز احزابی بودند (که انبیا را تکذیب کردند). (۱۴) هر یک از این گروه ها، رسولان را تکذیب کردند و عذاب الهی در مورد آنان تحقّق یافت. (۱۵) گویا این کفار جز صیحه ای هلاکت بار که به دنبالش هیچ آرامش و آسایشی برای آنان نیست انتظار ندارند. (۱۶) و (لذا با

تمسخر و غرور) گفتند: «پروردگارا! سهم ما را (از عذاب) هرچه زودتر قبل از روز قیامت به ما بده».(۱۷)(ای پیامبر!) بر آن چه می گویند شکلیا باش و بنده ی ما داود را یاد کن که صاحب قدرت بود، امّا با این حال، همواره روی به سوی درگاه ما داشت.(۱۸) همانا ما کوه ها را رام کردیم تا شامگاهان و بامدادان، همراه او تسیح گویند.(۱۹) و پرندگان را (نیز) گرد آورده (و تسخیر او کردیم) تا همگی به داود رجوع کنند (و در ذکر خدا با او هماهنگ گردند).(۲۰) و فرمانروایی و حکومت او را استوار داشتیم و به او حکمت و داوری عادلانه و فیصله بخش دادیم.(۲۱) و آیا ماجرای آن دادخواهان که از دیوار محراب (داود) بالا رفتند به تو رسیده است؟(۲۲) آن گاه که (ناگهانی) بر او وارد شدند و او از (مشاهده ی) آنان به هراس افتاد. شاکیان گفتند: نترس، ما دو نفر درگیر شده ایم و یکی از ما بر دیگری تعدّی نموده است، پس بین ما به حق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست راهنمایی فرما».(۲۳) این برادر من است که برای او نود و نه میش و برای من تنها یک میش است، امّا (با آن همه سرمایه به من) می گوید: آن یک میش را هم به من واگذار و در گفتگو بر من غلبه نموده است.(۲۴) (داود) گفت: حقّا که او با درخواست افزودن میش تو به میش های خودش به تو ستم کرده است و البتّه بسیاری از شریکان، بعضی بر بعضی ستم می کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام می دهند و آنان کم هستند و داود متوجه شد که

ما او را (با این صحنه و طرح نزاع) آزمایش کردیم، پس، (از قضاوت خود قبل از شنیدن سخن طرف مقابل پشیمان شد و) از پروردگارش آمرزش خواست و به رکوع در افتاد و توبه و انابه کرد. (۲۵) پس ما آن (قضاوت عجولانه) را بر او بخشیدیم و البته برای او در نزد ما مقام قرب و عاقبت نیک است. (۲۶) ای داود! همانا ما تو را در زمین جانشین قرار دادیم، پس میان مردم به حق داوری کن و از هواها و هوس‌ها پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف می‌کند. البته کسانی که از راه خدا منحرف می‌شوند برایشان عذاب سختی است به خاطر آن که روز قیامت را فراموش کردند. (۲۷) و ما آسمان و زمین و آن چه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم، این، پندار کسانی است که کفر ورزیدند، پس وای از آتش (دوزخ) بر کسانی که کافر شدند! (۲۸) آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند همانند فسادگران در زمین قرار می‌دهیم، یا اهل تقوا را مانند فاجران قرار می‌دهیم؟ (۲۹) (این) کتاب مبارکی است که به سوی تو فرو فرستادیم تا در آیات آن تدبیر کنند و خردمندان پند گیرند. (۳۰) و ما به داود سلیمان را بخشیدیم، او بنده‌ی خوبی بود، زیرا که بسیار به درگاه ما روی می‌آورد. (۳۱) آن گاه که عصرگاهان اسبان چابک تندرو بر سلیمان عرضه شد (و او مشغول سان دیدن بود). (۳۲) پس گفت: من این اسبان را به خاطر پروردگارم (و برای جهاد با کفار) دوست دارم، (سان دیدن ادامه داشت) تا آنکه اسبان از دیدگان او پنهان شدند. (۳۳) پس دستور داد که اسبان را نزد من باز گردانید (تا بار

دیگر آنها را بینم) پس شروع کرد (به نوازش کردن اسبان و) تا ساق ها و گردن های اسبان را دست می کشید. (۳۴) و به راستی ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم پس به درگاه خدا انابه و توبه کرد. (۳۵) و گفت: پروردگارا! مرا بیمارز و به من فرمانروایی و ملکی عطا کن که پس از من سزاوار هیچ کس نباشد، همانا تو بسیار بخشنده ای. (۳۶) پس ما باد را مسخر او ساختیم که به فرمان او هر کجا می خواهد به نرمی و آرامی حرکت کند. (۳۷) و شیاطین را (مسخر او ساختیم) هر بنیا و غواصی از آنها را. (۳۸) و گروه دیگری از شیاطین که در غل و زنجیر (و تحت سلطه ی او) بودند. (۳۹) (گفتیم: این بخشش بی حساب ماست، به هر کس می خواهی ببخش یا امساک کن. (۴۰) و برای او نزد ما مقامی شایسته و سرانجامی نیک است. (۴۱) و بنده ی ما ایوب را یاد کن، آن گاه که پروردگارش را ندا داد که: شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است. (۴۲) (به او گفتیم: پای خود را بر زمین بزن (تا از زیر پای تو چشمه ای جاری کنیم) این چشمه ی آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است. (۴۳) و ما بر اساس رحمت خویش خانواده اش را (که در اثر بیماری سخت و طولانی، از او جدا شده بودند) به او بخشیده و برگرداندیم و همانند آنها را به آنان افزودیم (و بستگانش را توسعه دادیم) تا برای خردمندان پندی باشد. (۴۴) و او را از بن بست تعهدی که کرده بود نجات دادیم. او سوگند یاد کرده بود که به خاطر تخلف همسرش ضربه ای شلاق به او بزند لکن چون همسرش وفادار بود به او گفتیم: دسته ای از

شاخه های نازک گیاه به دست خود بگیر و با آن بزَن تا (بدن همسرت آزرده نشود) و سوگند را مشکن. ما ایوب را صابر یافتیم، چه بنده ی خوبی که بسیار توبه و انابه دارد. (۴۵) و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که دارای قوت و بصیرت بودند یاد کن. (۴۶) همانا ما آنان را با خلوص ویژه ای که یادآور سرای قیامت بود خالص کردیم. (۴۷) و آنان در پیشگاه ما از برگزیدگان و نیکانند. (۴۸) و اسماعیل و یسع و ذوالکفل را که همه از نیکانند یاد کن. (۴۹) این یاد (ما در دنیا از آنان) است و البته برای پرهیزکاران بازگشتگاهی نیکو (در قیامت) خواهد بود. (۵۰) باغ های جاودانه ای که درهائش به روی آنان گشوده است. (۵۱) در آن جا (بر تخت ها) تکیه می زنند (و) میوه های فراوان و نوشیدنی در آن جا طلب می کنند. (۵۲) و در کنارشان همسرانی است که به شوهرانشان چشم دوخته و هم سالند. (۵۳) این است آن چه برای روز حساب به شما وعده داده می شود. (۵۴) این رزق ماست که برای آن پایانی نیست. (۵۵) این (پاداش بهشتیان) و البته برای طغیانگران بازگشت گاه بدی است. (۵۶) دوزخی که در آن وارد می شوند، چه بد آرامگاهی است. (۵۷) این آب داغ و چرکابی است که باید آن را بچشند. (۵۸) و (جز این ها) کیفرهای دیگری از همان نوع برای آنان است. (۵۹) (به سران دوزخی گفته می شود:) این ها گروهی (از پیروان شما) هستند که همراه شما وارد می شوند، (آنها می گویند:) خوش آمدی برای آنان نیست، زیرا که آنان وارد دوزخ شدند. (۶۰) (آنان به رهبران و پیش کسوتان خود) گویند: بلکه خوش آمد بر شما مباد که شما این عذاب را برای ما پیش فرستادید، پس چه جایگاه بدی است. (۶۱) گویند: «پروردگارا! هر کس این عذاب را برای ما فراهم

ساخته، پس در آتش عذاب او دو برابر بیفزا». (۶۲) و گویند: چرا مردانی را که ما آنان را از اشرار می شمردیم (در این جا) نمی بینیم؟ (۶۳) آیا ما (به ناحق) آنان را به مسخره می گرفتیم (و امروز اهل بهشتند، یا آنکه در جهنم هستند) و چشمان ما به آنها نمی افتد. (۶۴) همانا مجادله ی اهل آتش یک واقعیت است. (۶۵) بگو: من فقط بیم دهنده ام و هیچ معبودی جز خداوند یکتای قهار و مقتدر نیست. (۶۶) پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است، نفوذناپذیر و بسیار آمرزنده. (۶۷) بگو: او خیر بزرگی است، (۶۸) که شما از او روی گردانید. (۶۹) برای من نسبت به عالم بالا هیچ آگاهی نبود، آن گاه که (درباره او با یکدیگر) مجادله می کردند. (۷۰) به من چیزی وحی نمی شود مگر از آن رو که من هشدار دهنده ای آشکارم. (۷۱) آن گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من آفریننده ی بشری از گل هستم. (۷۲) پس همین که او را نظام بخشیدم و از روح خود در او دمیدم، سجده کنان برای او به خاک افتید. (۷۳) پس فرشتگان همه با هم سجده کردند. (۷۴) مگر ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود. (۷۵) (خداوند) فرمود: «ای ابلیس! چه چیز تو را مانع شد که برای موجودی که به دستان قدرت خویش خلق کردم سجده کنی؟ تکبر کردی یا از بلند مرتبه گانی؟!» (۷۶) ابلیس گفت: «من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل» (۷۷) خداوند فرمود: «پس از این درگاه بیرون شو که تو رانده شده ای. (۷۸) و همانا لعنت من تا روز رستاخیز بر تو خواهد بود.» (۷۹) ابلیس گفت: «پروردگارا! پس مرا تا روزی که (خلایق) برانگیخته (و زنده) می شوند مهلت ده.» (۸۰) تا روز و زمانی معین. (۸۱) تا روز و زمانی معین. (۸۲) ابلیس گفت: به عزت تو سوگند که همه

(ی مردم) را گمراه خواهم کرد. (۸۳) مگر بندگان تو آنان که خالص شده اند. (۸۴) (خداوند) فرمود: به حق سوگند و حق می گویم: (۸۵) که جهنم را از تو و تمام کسانی که از تو پیروی کنند پر خواهم کرد. (۸۶) (ای پیامبر! به مردم) بگو: من از شما (به خاطر رسالتم) هیچ پاداشی طلب نمی کنم و من اهل تکلف نیستم. (۸۷) او جز تذکری برای جهانیان نیست. (۸۸) و خبرش را پس از مدتی خواهید دانست. (۸۹)

الزمر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) نزول (تدریجی) کتاب (بر تو) از جانب خداوند عزیز حکیم است. (۲) همانا ما این کتاب (آسمانی) را به سوی تو به حق نازل کردیم، پس خدا را در حالی که دین خود را برای او خالص نموده ای عبادت کن. (۳) آگاه باشید که دین خالص مخصوص خداوند است و کسانی که به جای خداوند معبودهایی را برگزیدند (و در توجیه کار خود گفتند:) ما آنها را نمی پرستیم مگر برای آن که ما را هر چه بیش تر به خدا نزدیک کنند، همانا خداوند درباره ی آن چه آنان بر سر آن اختلاف می کنند، میانش ان داوری خواهد کرد. البته خداوند کسی را که دروغگوی کفران پیشه است هدایت نمی کند. (۴) اگر خداوند اراده کرده بود (برای خود) فرزندی بگیرد قطعاً از آن چه می آفریند، آن چه را می خواست برمی گزید. او منزّه است (از این که فرزندی داشته باشد) او خداوند یگانه ی پیروز است. (۵) او آسمان ها و زمین را به حق آفرید. شب را بر روز و روز را بر شب درمی پیچد و خورشید و ماه را رام ساخت. هر یک تا مدتی معین در حرکتند، بدانید که او عزیز و بسیار آمرزنده است. (۶) او شما را از یک نفس آفرید، سپس جفتش را از همان

نفس قرار داد و برای شما (از خزانه قدرت خود) از چهار پایان هشت زوج (نر و ماده ی گوسفند و بز و گاو و شتر) نازل کرد. او شما را در شکم های مادراتان و در تاریکی های سه گانه (گوشت و پوست و خون) آفرینشی پس از آفرینشی (دیگر در مراحل گوناگون) می آفریند. این است خدایی که پروردگار شماست، حکومت برای اوست، جز او هیچ معبودی نیست، پس چگونه به بیراهه می روید؟ (۷) اگر کفران کنید، پس (بدانید) خداوند از شما بی نیاز است و برای بندگانش کفران را نمی پسندد. و اگر شکر گزار باشید آن را برای شما می پسندد و هیچ گناهکاری بار (گناه) دیگری را بر نمی دارد، سپس بازگشت شما به سوی پروردگارتان است، پس شما را به آن چه عمل می کردید خبر خواهد داد، همانا او به آن چه در سینه هاست بس آگاه است. (۸) و هرگاه به انسان آسیبی رسد پروردگارش را می خواند در حالی که (با توبه) به سوی او بازگشته است. اما همین که خداوند از جانب خویش نعمت بزرگی به او دهد آن چه را (به خاطر رفع آن) قبلاً خدا را می خواند، فراموش می کند و برای خداوند همتیانی قرار می دهد تا (خود و دیگران را) از راه او منحرف سازد. بگو: «مدّت کمی را با کفر خود کامیاب باش که تو بدون شک از دوزخیانی». (۹) آیا (چنین کسی بهتر است یا) آن کس که در طول شب در حال سجده و قیام به اطاعت مشغول است (و) از آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: «آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟» تنها خردمندان متذکر می شوند (و پند می پذیرند). (۱۰) بگو: «ای بندگان من

که ایمان آورده اید! از پروردگارتان پروا کنید. برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند نیکی است، و زمین خدا بزرگ است، (پس اگر در منطقه ای برای حفظ ایمان و تقوا و کار نیک در فشارید، هجرت نمایید). همانا صابران پاداش خود را بی حساب به طور کامل دریافت می دارند. (۱۱) بگو: «همانا من مأمورم که خدا را پرستم در حالی که دین را برای او خالص و پیراسته گردانیده ام. (۱۲) و فرمان یافته ام که اولین مسلمان باشم». (۱۳) بگو: «البته اگر نسبت به پروردگارم عصیان ورزم، از عذاب روز بزرگ بیم دارم». (۱۴) بگو: «من تنها خدا را می پرستم در حالی که دینم را برای او خالص کرده ام. (۱۵) پس شما جز او هر چه را می خواهید پرستید». بگو: «همانا زیانکاران (واقعی) کسانی هستند که سرمایه ی وجودی خویش و بستگانشان را در قیامت از کف داده باشند، آگاه باش، این همان زیان آشکار است». (۱۶) برای زیانکاران از بالای سرشان لایه هائی از آتش و از زیر پایشان نیز لایه هائی (از آتش) است. این عذابی است که خداوند بندگان را به آن می ترساند. پس ای بندگان من! از من پروا کنید. (۱۷) و کسانی که از عبادت و بندگی طاغوت ها (و قدرت های ضد الهی) دوری نموده و به سوی خدا بازگشتند بر آنان مژده باد، پس بندگان مرا بشارت ده. (۱۸) آنان که سخن را با دقت می شنوند و بهترین آن را پیروی می کنند، آنانند که خداوند هدایتشان نموده و آنانند همان خردمندان. (۱۹) پس آیا کسی را که حکم عذاب بر او حتمی شده است (می توانی هدایت کنی؟) آیا تو می توانی کسی را که در آتش است رهایی بخشی؟ (۲۰) ولی کسانی که از پروردگارشان پروا دارند، برایشان غرفه هائی (در بهشت) است که بالای آن

غرفه ها، غرفه های دیگری بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است، (این،) وعده ی الهی است و خداوند در وعده اش خلاف نمی کند. (۲۱) آیا ندیده ای که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد، پس آن را به صورت چشمه هایی در زمین راه داد، سپس با آن، زراعتی که رنگ های گوناگونی دارد بیرون می آورد، آن گاه آن کشت (و زراعت) با هیجان رشد می کند (تا آن که می خشکد) پس آن را زرد می بینی، سپس آن را به صورت کاه و خاشاک درمی آورد، همانا در این (تغییر و تحوّل) برای خردمندان پند و یادآوری است (که بدانند دنیا ناپایدار است). (۲۲) آیا کسی که خداوند سینه اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده است، پس او از طرف خداوند بر (فراز مرکبی از) نور است (مثل کسی است که در تنگنای تعصّب و لجاجت و غرور است؟ نه) پس وای بر آنان که از سنگدلی یاد خدا نمی کنند. آنان در گمراهی آشکارند. (۲۳) خداوند بهترین سخن را در قالب کتابی نازل کرد (که آیاتش) متشابه (و مشابه یکدیگر است). از (تلاوت آیات) آن پوست کسانی که از پروردگارشان می ترسند به لرزه می افتد، سپس (با ایمان و اُنس) به یاد خدا پوست ها و دل های آنان نرم و آرام می شود، این است هدایت خداوند که هر که را بخواهد به آن هدایت می کند و هر که را خداوند (به خاطر فسق و فسادش) گمراه نماید، پس هیچ هدایت کننده ای برای او نیست. (۲۴) پس آیا کسی که (با ایمان و عمل صالح) روی خود را از عذاب بد روز قیامت دور می سازد (مثل کسی است که از قهر الهی در قیامت غافل است)؟ و (در آن روز) به ستمگران گفته می شود:

«بچشید آن چه را کسب کرده اید.» (۲۵) کسانی که پیش از این کفار بودند (نیز پیامبران را) تکذیب کردند پس از طریقی که توجّه نداشتند عذاب به سراغشان آمد. (۲۶) پس خداوند خواری و رسوایی در زندگی دنیا را به آنان چشاند و قطعاً عذاب آخرت بزرگ تر است اگر معرفت داشتند. (۲۷) و همانا ما در این قرآن (برای هدایت مردم) از هر مثالی آوردیم، تا شاید متذکر شوند. (۲۸) قرآنی عربی (و فصیح)، بی هیچ کجی، شاید مردم پرهیزکار شوند. (۲۹) خداوند (برای توحید و شرک) مثلی زده است: بنده ای که چند مالکک ناسازگار در مالکیت او شریک باشند (و دستورات متضاد به او بدهند) و بنده ای که تنها مطیع یک نفر است (و فقط از او دستور می گیرد) آیا این دو در مثل یکسانند؟ حمد و ستایش مخصوص خداوند است، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۳۰) بدون شک تو خواهی مُرد و آنان (نیز) مردنی هستند. (۳۱) سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان به مخاصمه و جدال خواهید پرداخت. (۳۲) پس کیست ظالم تر از کسی که بر خداوند دروغ بست و چون سخن راست برایش آمد تکذیب نمود؟ آیا برای کافران در دوزخ جایگاهی نیست؟ (۳۳) و کسی که سخن راست آورد و آن را تصدیق کرد، آنانند همان تقوایبشه گان. (۳۴) هر چه بخواهند برای آنان نزد پروردگارشان فراهم است، این است پاداش نیکوکاران. (۳۵) تا خداوند (در سایه ی ایمان و صداقت آنان) بدترین کاری که مرتکب شده اند از آنها بپوشاند و آنان را به بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش دهد. (۳۶) آیا خداوند برای بنده اش کافی نیست؟ و مردم تو را از غیر خدا می ترسانند و هر که را خدا گمراه کند پس هیچ راهنمایی برای او نخواهد بود. (۳۷) و هر که را خداوند هدایت کند، پس هیچ گمراه کننده ای

برای او نیست، آیا خداوند، نفوذناپذیر و صاحب انتقام نیست. (۳۸) و اگر (از مشرکان) سؤال کنی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟» قطعاً خواهند گفت: «خدا» بگو: «پس آیا در آن چه از غیر خدا می‌خوانید نظر و اندیشه کرده اید؟! (راستی) اگر خداوند نسبت به من ضرری را اراده کند آیا این بت‌ها می‌توانند آن ضرر را برطرف کنند، یا (اگر) خداوند برای من لطف و رحمتی را بخواهد، آیا آنها می‌توانند مانع آن رحمت شوند؟» بگو: «خداوند برای من کافی است. اهل توکل تنها بر او توکل می‌نمایند.» (۳۹) بگو: «ای قوم من! شما بر اساس موضع (و مقام یا قدرت) خود عمل کنید، من نیز (به وظیفه‌ی خود) عمل می‌کنم، پس در آینده‌ی نزدیکی خواهید دانست. (۴۰) که عذاب خوارکننده (دنیا) به سراغ چه کسی خواهد آمد و عذاب پایدار (قیامت) بر او نازل خواهد شد.» (۴۱) همانا ما برای (هدایت) مردم کتاب (آسمانی قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم، پس هر که هدایت را پذیرفت به سود خود اوست و هر که گمراه شد، پس بی‌شک بر ضرر نفس خویش (قیام کرد) و (گمراهی را برگزید و تو وکیل بر مردم نیستی) تا با اجبار آنان را هدایت کنی. (۴۲) خداوند است که جان‌ها را به هنگام مرگشان به طور کامل می‌گیرد، و (جان) آن را که نمرده است در هنگام خواب (می‌گیرد)، پس آن را که مرگ بر او قطعی شده نگاه می‌دارد و جان‌های دیگر را (که مرگش فرا نرسیده) برای مدتی معین (به جسم آنان) باز می‌گرداند. بی‌شک در این (گرفتن و دادن روح هنگام خواب و بیداری)، برای گروهی که فکر می‌کنند نشانه‌هایی بزرگ

(از قدرت خدا) وجود دارد. (۴۳) آیا مشرکان به جای خدا (بت ها را) شفیعان گرفته اند؟! بگو: «آیا اگر مالک هیچ چیز نباشند و قدرت تعقل نداشته باشند (باز هم شفیع شما خواهند بود)؟» (۴۴) (ای پیامبر! به آنان) بگو: «تمام شفاعت ها (در دنیا و آخرت) برای خداست، برای اوست حکومت و فرمانروائی آسمان ها و زمین، سپس به سوی او برگردانده می شوید.» (۴۵) و هرگاه خداوند به تنهایی یاد شود، دل های کسانی که به آخرت ایمان ندارند متنفر می شود، ولی هرگاه از غیر او یاد شود، بی درنگ شادمان می شوند. (۴۶) بگو: «خداوندا! ای آفریدگار آسمان و زمین! و ای دانای غیب و شهود! تویی که در میان بندگانت در آن چه همواره اختلاف می کنند داوری خواهی کرد.» (۴۷) و کسانی که ستم کرده اند اگر تمام آن چه را که در زمین است و مانند آن را با آن مالک باشند، در روز قیامت برای نجات از عذاب سخت الهی همه ی آن را فدیة خواهند داد (ولی چه سود؛ در آن روز) برای آن ستمگران از سوی خداوند چیزهایی روشن و ظاهر می شود که هرگز در محاسن باتشان پیش بینی نمی کردند. (۴۸) و (در آن روز) برای آنان بدی آن چه (در دنیا) کسب کرده اند روشن خواهد شد و آن عذابی که به مسخره می گرفتند آنان را فرا خواهد گرفت. (۴۹) پس چون سختی و ضرری به انسان رسد ما را می خواند، سپس همین که از جانب خود نعمتی به او عطا کنیم گوید: «بر اساس علم و تدبیرم نعمت ها به من داده شده» (چنین نیست) بلکه آن نعمت وسیله ی آزمایش است، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۵۰) به راستی کسانی که قبل از آنان بودند (نیز) این سخن را گفتند، ولی آن چه را

(در دنیا) کسب می کردند کاری برایشان نکرد. (۵۱) پس (نتیجه) اعمال بدی که مرتکب شده بودند به آنان رسید و کسانی از اینان (کافران مکه) که ستم کردند به زودی بدی آن چه را انجام داده اند به ایشان خواهد رسید و آنان نمی توانند ما را درمانده کنند (و از ما بگریزند). (۵۲) آیا (هنوز) ندانسته اند که خداوند روزی را برای هر که بخواهد گسترده یا تنگ می سازد؟! البته در این امر برای کسانی که ایمان می آورند نشانه هایی (از حکمت و قدرت الهی) است. (۵۳) بگو: «ای بندگان من که بر نفس خویش اسراف (و ستم) کرده اید! از رحمت خداوند مأیوس نشوید، همانا خداوند همه ی گناهان را می بخشد، زیرا که او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۴) و پیش از آن که عذاب به سراغ شما آید و دیگر یاری نشوید، به سوی پروردگارتان باز گردید (و توبه کنید) و تسلیم او شوید. (۵۵) و از بهترین آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است پیروی کنید، پیش از آن که عذاب، ناگهانی و در حالی که از آن بی خبرید به سراغ شما آید. (۵۶) تا مبادا (در قیامت) کسی بگوید: «دریغا بر من بر آن چه در (کاری که) جهت الهی (داشته) کوتاهی کرده ام و همانا من از مسخره کنندگان (آیات او) بودم.» (۵۷) یا آن که (از شدت اندوه) بگوید: «اگر خداوند هدایتم کرده بود، از پرهیزکاران بودم.» (۵۸) یا هنگامی که عذاب را ببیند بگوید: «ای کاش برای من بازگشتی بود تا از نیکوکاران می شدم.» (۵۹) آری، آیات من به سراغ تو آمد، اما آنها را تکذیب کردی و تکبر ورزیدی و از کافران شدی. (۶۰) و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند رو سیاه می بینی، آیا در دوزخ جایگاهی

برای متکبران نیست؟ (۶۱) و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کرده اند، همراه با کامیابی شان نجات می دهد، در حالی که هیچ بدی به آنان نرسد و ایشان اندوهگین نشوند. (۶۲) خداوند آفریدگار هر چیزی است و اوست که بر هر چیز نگهبان (و حافظ و ناظر) است. (۶۳) کلیدهای آسمان ها و زمین برای اوست و کسانی که به آیات الهی کفر ورزیدند آنان همان زیان کارانند. (۶۴) بگو: «ای نادانان! آیا مرا فرمان می دهید که جز خدا بپرستم؟» (۶۵) و قطعاً به تو و به کسانی که (از پیامبران) پیش از تو بوده اند وحی شده است که: «اگر شرک ورزی بدون شک عمل تو تباه می شود و قطعاً از زیانکاران خواهی شد.» (۶۶) بلکه تنها خدا را پرستش کن و از سپاس گزاران باش. (۶۷) و خدا را آن گونه که حق اوست قدردانی نکردند (و او را نشناختند)، در حالی که روز قیامت زمین یکسره در قبضه ی قدرت اوست و آسمان ها به دست قدرت او در هم پیچیده اند. او منزه است و از آن چه شریک او قرار می دهند برتر است. (۶۸) و در صور دمیده شود، پس هر که در آسمان ها و هر که در زمین است، بی هوش شده (و می میرد)، مگر آن که را خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در آن دمیده شود، پس ناگاه آنان (زنده شده)، به پا خیزند و (به اطراف) نظر می کنند. (۶۹) و (در آن روز) زمین به نور پروردگارش روشن گردد و نامه ی اعمال را در میان نهند و پیامبران و شاهدان را حاضر سازند و میان آنان به حق داوری شود در حالی که بر آنان ستم نمی رود. (۷۰) و به هر کس (نتیجه ی) آن چه انجام داده به تمامی داده شود و خداوند به

آن چه انجام می دهند آگاه تر است. (۷۱) و کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند، تا چون به نزدیک آن رسند درهای دوزخ گشوده شود و نگهبانان آن به ایشان گویند: «آیا از میان شما پیامبرانی به سراغ شما نیامدند تا آیات پروردگارتان را بر شما تلاوت کنند و شما را از دیدار امروزتان هشدار دهند؟» گویند: «چرا»، (آنان آمدند ولی ما گوش ندادیم) لکن فرمان عذاب بر کافران قطعی است. (۷۲) به آنان گفته شود: «از درهای دوزخ وارد شوید که جاودانه در آن خواهید بود، پس چه بد است منزلگاه متکبران». (۷۳) و کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون به نزد آن رسند، در حالی که درهای بهشت گشوده شده است و نگهبانان بهشت به آنان گویند: «سلام بر شما پاک و پسندیده بودید، پس داخل شوید در حالی که در آن جاودانه خواهید بود». (۷۴) و (بهشتیان) گویند: «سپاس خداوندی را که به وعده ای که به ما داد وفا کرد و زمین را میراث ما قرار داد. تا از بهشت هر جای را که بخواهیم برمی گزینیم.» پس چه نیکوست پاداش اهل عمل. (۷۵) و فرشتگان را می بینی که گرد عرش حلقه زده اند، در حالی که همراه با ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و میان آنان به حق داوری گردد و گفته می شود: «سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان است.» (۷۶)

غافر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) حاء، میم. (۲) نزول کتاب از طرف خداوند عزیز علیم است. (۳) آمرزنده ی گناه، پذیرنده ی توبه، سخت کیفر و صاحب عطای فراوان. هیچ معبودی جز او نیست. بازگشت (همه) به سوی اوست. (۴) جز کسانی که کفر ورزیدند کسی در آیات خداوند

جدال و ستیزه نمی کند پس تحرّک آنان در شهرها تو را نفریبد. (۵) پیش از این (کفّار مکه) نیز قوم نوح و احزابی که بعدشان آمدند (پیامبرانشان را) تکذیب کردند و هر امتی تصمیم گرفت تا پیامبرش را به عقوبت بگیرد و به وسیله ی باطل مجادله کردند تا حق را نابود نمایند، پس آنان را (به قهر خود) گرفتم، پس (بنگر که) کیفر من چگونه بوده است. (۶) و بدین گونه (که احزاب در دنیا عقوبت شدند) وعده عذاب پروردگارت درباره ی کسانی که کفر ورزیدند قطعی شد که آنان اهل دوزخند. (۷) کسانی که عرش (خدا) را حمل می کنند و آنان که اطراف آن هستند، پروردگارشان را با سپاس و ستایش تسبیح کرده (و به پاکی یاد می کنند) و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده اند (از خداوند) آمرزش می خواهند (و می گویند): پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است، پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی کرده اند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن. (۸) پروردگارا! و آنان را با هر کس از پدران و همسران و فرزندانشان که صلاحیت دارند به باغ های اقامتی که به ایشان وعده داده ای وارد کن؛ همانا تو همان خدای عزیز و حکیمی. (۹) پروردگارا! آنان را از بدی ها (و کیفر اعمالشان) حفظ کن و هر کس را در آن روز از بدی ها حفظ کنی، پس مشمول رحمت ساخته ای؛ و این همان رستگاری بزرگ است. (۱۰) همانا کسانی که کفر ورزیدند (در دوزخ) ندا می شوند: «قطعاً خشم خداوند (نسبت به شما) بزرگ تر از خشم شما نسبت به خودتان است، زیرا شما به ایمان دعوت می شدید ولی کفر می ورزیدید.» (۱۱) کفّار گویند: «پروردگارا!

ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی. اینک به گناهان خود اعتراف کردیم؛ پس آیا برای بیرون رفتن (از دوزخ) راهی هست؟» (۱۲) این (عذاب) برای آن است که هرگاه خداوند به یگانگی خوانده می شد، کفر می ورزیدید، ولی هرگاه برای او شریکی مطرح می شد باور می کردید، پس (امروز) حکم برای خداوند بلند مرتبه (و) بزرگ است. (۱۳) اوست آن که آیات خود را به شما نشان می دهد و از آسمان برای شما روزی نازل می کند، ولی جز آن که به درگاه خدا انابه دارد، متذکر نمی شود. (۱۴) پس خدا را بخوانید در حالی که دین خود را برای او پیراسته کرده اید، هر چند کافران را ناخوش آید. (۱۵) او دارای درجات رفیع (و) صاحب عرش است، (و) از طرف خود فرشته ی وحی (روح الامین) را بر هر کس از بندگانش که بخواهد می فرستد تا مردم را از روز ملاقات (و قیامت) بترساند. (۱۶) روزی که مردم ظاهر و آشکارند و هیچ چیز از آنان بر خداوند پنهان نیست. (در آن روز ندا آید:) امروز حکومت برای کیست؟ (و پاسخ آید:) برای خداوند یکتای قهار. (۱۷) امروز، هر کس در برابر کاری که کسب کرده است پاداش داده می شود؛ امروز هیچ ظلمی نیست؛ همانا خداوند به حساب ها زود می رسد. (۱۸) (ای پیامبر!) مردم را از روز نزدیک (قیامت) هشدار ده، آن گاه که (از شدت وحشت) جان ها به گلوگاه رسد، در حالی که اندوه خویش فرو می برند، (در آن روز) برای ستمکاران هیچ دوست دلسوز و هیچ شفاعت گری که سخنش پذیرفته باشد وجود ندارد. (۱۹) خداوند از خیانت چشم ها و آن چه دل ها مخفی می کنند، آگاه است. (۲۰) و خداوند به حق داوری می کند و معبودهایی که جز او می خوانند هیچ حکمی

نمی کنند. همانا خداوند اوست شنوای بینا. (۲۱) آیا در زمین سیر نکردند تا بنگرند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند و قوت و آثارشان در زمین سخت تر و نیرومندتر از اینان بوده چگونه بوده است؟ پس خداوند آنان را به خاطر گناهانشان (به قهر خود) گرفت و در برابر (قهر) خداوند برای آنان هیچ مدافعی نبود. (۲۲) این (قهر الهی) به خاطر آن بود که پیامبرانشان همراه با دلائل روشن به سراغ آنان می آمدند، ولی آنان کفر ورزیدند، پس خداوند آنان را به قهر خود گرفت. همانا او قوی و سخت کیفر است. (۲۳) و همانا ما موسی را همراه با معجزات و منطق روشن فرستادیم. (۲۴) به سوی فرعون و هامان و قارون، پس گفتند: «او ساحری دروغگوست». (۲۵) پس چون موسی از طرف ما همراه با حق به سراغ آنان آمد، گفتند: «پسران کسانی را که با موسی ایمان آورده اند بکشید و زنانشان را زنده نگهدارید». (غافل از آن که) طرح و نیرنگ کافران جز در گمراهی و تباهی نیست. (۲۶) و فرعون گفت: «مرا بگذارید تا موسی را بکشم و او پروردگارش را به یاری طلبد (تا نجاتش دهد) همانا من می ترسم که دین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد بر پا کند». (۲۷) و موسی گفت: «من به پروردگار خود و پروردگار شما از (شرّ) هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد پناه می برم». (۲۸) و مردی با ایمان از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می داشت گفت: «آیا می خواهید مردی را که می گوید: پروردگار من خداوند است بکشید؟! در حالی که او از طرف پروردگارتان با دلایل روشن نزد شما آمده است، اگر او دروغگو باشد دروغش به زیان خود

اوست ولی اگر راستگو باشد، بعضی از آنچه را به شما وعده می دهد به شما خواهد رسید، همانا خداوند کسی را که اسرافکار (و) بسیار دروغگو است هدایت نمی کند. (۲۹) (آن مرد با ایمان در ادامه ی سخن خود گفت:) ای قوم من! امروز حکومت برای شماست که در این سرزمین غلبه دارید، ولی اگر (قهر خدا) به سراغ ما آید پس چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟ فرعون گفت: «من جز آن چه را که تشخیص می دهم راه دیگری به شما ارائه نمی دهم و من جز راه رشد، شما را هدایت نمی کنم.» (۳۰) و کسی که ایمان آورده بود گفت: «ای قوم! من از روزی مثل روز (هلاک) آن احزاب بر شما می ترسم. (۳۱) (از سرنوشتی) مانند سرنوشت قوم نوح (که به طوفان) و قوم عاد (که به باد سخت و سرد و مسموم) و قوم ثمود (که به صاعقه گرفتار شدند) و کسانی که پس از آنها آمدند؛ و خداوند بر بندگان اراده ی ظلم نمی کند. (۳۲) ای قوم من! همانا من از روزی که یکدیگر را به فریاد بخوانید بر شما بیمناکم. (۳۳) روزی که روی می گردانید (و) فرار می کنید (اما) برای شما هیچگونه پناهگاه و نگهدارنده ای در برابر عذاب الهی نیست؛ و هر که را خداوند (بر اثر عملش) گمراه کند (و به حال خود واگذارد) هیچ هدایت کننده ای برای او نیست. (۳۴) همانا یوسف پیش از این با دلایل روشن نزد شما آمد، اما شما همواره از آن چه برایتان آورده بود در شک بودید، تا آن گاه که یوسف از دنیا رفت، گفتید: «خداوند پس از او هرگز پیامبری نخواهد فرستاد». این گونه، خداوند هر افراترگر تردیدکننده ای را گمراه می سازد. (۳۵) کسانی که درباره ی

آیات خداوند به ستیز و مجادله می پردازند، بدون آن که هیچ دلیلی برایشان آمده باشد، (این کار) نزد خداوند و نزد کسانی که ایمان آورده اند خشم بزرگی را به دنبال دارد. این گونه، خدا بر دل هر متکبر جباری مَهر می نهد. (۳۶) و فرعون گفت: «ای هامان! برای من بنای بلندی بساز، شاید به وسایلی دست یابم. (۳۷) وسایلی که سبب (صعود به) آسمان ها باشد، تا از خدای موسی اطلاع یابم، همانا من او را دروغگو می پندارم.» و این گونه برای فرعون کار زشتش زیبا جلوه داده شد و از راه حق بازماند و توطئه ی فرعون جز به نابودی و زیان نمی انجامد. (۳۸) و کسی که (از قوم فرعون به موسی) ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من! از من پیروی کنید، تا شما را به راه درست هدایت کنم. (۳۹) ای قوم من! همانا این زندگی دنیا کالایی (ناچیز) است و همانا آخرت، آن سرای پایدار است. (۴۰) هر کس کار بدی انجام دهد، جز به همان مقدار کیفر داده نمی شود و هر کس از مرد یا زن که مؤمن باشد و کار شایسته ای انجام دهد، پس اینانند که داخل بهشت می شوند و در آن جا بی حساب روزی داده می شوند. (۴۱) (مؤمن آل فرعون گفت:) ای قوم! مرا چه می شود که شما را به رهایی (از آتش) می خوانم و شما مرا به دوزخ فرامی خوانید؟! (۴۲) مرا دعوت می کنید تا به خدا کفر ورزم و چیزی را که به (حَقَّائیت) آن علم ندارم شریک او گردانم (در حالی که) من شما را به سوی (خداوند) عزیز غَفَّار دعوت می کنم. (۴۳) قطعاً آن چه مرا به آن دعوت می کنید، در دنیا و آخرت در خور دعوت نیست، در حالی که بازگشت ما

به سوی خداست و مسرفان همدم آتشند. (۴۴) پس به زودی آن چه را برای شما می گویم متذکر خواهید شد و من کارم را به خدا واگذار می کنم زیرا که او به (احوال) بندگان بیناست. (۴۵) پس خداوند او را از بدی های آن چه نیرنگ نمودند حفظ کرد و عذاب سختی آل فرعون را فراگرفت. (۴۶) آتش هر صبح و شام بر آن عرضه می شود و روزی که رستاخیز برپا شود، (گویند:) «آل فرعون را در سخت ترین عذاب وارد کنید». (۴۷) و (یاد کن) آن گاه که در آتش به محاجه (و آوردن دلیل) می پردازند، پس زیردستان به کسانی که تکبر ورزیدند، گویند: «همانا ما پیرو شما بودیم، آیا (امروز) شما می توانید حتی بخشی از آتش را از ما دور کنید؟» (۴۸) کسانی که تکبر می ورزیدند (در پاسخ) گویند: «ما همگی در آتش هستیم، زیرا خداوند میان بندگانش (به عدالت) داوری کرده است». (۴۹) و کسانی که در دوزخند، به نگهبانان دوزخ گویند: «از پروردگارتان بخواهید که یک روز از عذاب ما بکاهد». (۵۰) (نگهبانان دوزخ در پاسخ) گویند: «آیا چنین نبود که پیامبرانتان معجزاتی برای شما آوردند؟» می گویند: «چرا» گویند: «پس دعا کنید (و خدا را بخوانید)» ولی دعای کافران در تباهی است. (۵۱) همانا ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، هم در زندگی دنیا و هم روزی که گواهان (برای گواهی دادن) به پا می خیزند یاری می کنیم. (۵۲) (همان) روزی که عذرخواهی ستمگران سودشان ندهد، لعن و نفرین برای آنان است و جایگاهشان سرای بد. (۵۳) و همانا ما به موسی هدایت دادیم و به بنی اسرائیل کتاب آسمانی (تورات) را به میراث دادیم. (۵۴) (که) مایه ی هدایت و تذکر برای خردمندان است. (۵۵) پس صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده های خداوند حق است

و برای گناهت استغفار کن و شامگاهان و بامدادان، سپاسگزارانه پروردگارت را تسبیح کن. (۵۶) همانا کسانی که در آیات خداوند بدون حجتی که برایشان آمده باشد به مجادله برمی خیزند، در سینه هایشان جز خود بزرگ بینی نیست که به آن نخواهند رسید، (و از مجادله خود نتیجه نخواهند گرفت) پس به خداوند پناه ببر که بی شک او شنوای بیناست. (۵۷) قطعاً آفرینش آسمان ها و زمین از آفرینش مردم بزرگ تر است ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۵۸) ناینا و بینا یکسان نیستند و کسانی هم که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، با (مردم) بدکار برابر نیستند؛ چه کم متذکر می شوید. (۵۹) همانا قیامت آمدنی است؛ شکی در آن نیست، ولی اکثر مردم ایمان نمی آورند. (۶۰) و پروردگارتان گفت: «مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم. همانا کسانی که از عبادت من سر باز زده و تکبر می ورزند به زودی با سرافکنندگی به جهنم وارد می شوند». (۶۱) خداوند کسی است که شب را برای شما قرار داد تا در آن آرام گیرید و روز را روشنی بخش ساخت؛ همانا خداوند نسبت به مردم لطف بسیار دارد ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی کنند. (۶۲) این است خداوندی که پروردگار شما و آفریدگار هر چیز است، معبودی جز او نیست، پس چگونه (از راه حق) بازگردانده می شوید؟ (۶۳) این گونه، کسانی که به آیات خداوند کفر ورزیدند به بیراهه کشیده می شوند. (۶۴) خداوند کسی است که زمین را محل استقرار شما و آسمان را سر پناه قرار داد و شما را نقش بندی کرد، پس صورت های شما را نیکو نمود و از پاکیزه ها به شما روزی داد، این است خدایی که پروردگار شماست، پس پر برکت و بلند مرتبه است خدایی که پروردگار جهانیان است. (۶۵) اوست زنده ای که

جز او معبودی نیست، پس او را در حالی که دین را برای او خالص نموده اید بخوانید. سپاس برای خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۶۶) بگو: «من نهی شده ام از این که آنان را که شما جز خداوند می خوانید پرستش کنم، (آن هم) زمانی که از طرف پروردگارم دلایل روشنی برایم آمده است و فرمان یافته ام که تسلیم پروردگار جهانیان باشم». (۶۷) او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه ای، سپس از علقه ای (خون بسته شده)، سپس شما را به صورت نوزادی (از رحم ها) بیرون می آورد سپس (رشدتان می دهد) تا به کمال قوت خود برسید (و) آنگاه تا پیر شوید، و بعضی از شما پیش از رسیدن به پیری می میرد (ولی بعضی از شما زنده می ماند) تا به سرآمدی که معین است برسید و باشد که تعقل کنید. (۶۸) او کسی است که زنده می کند و می میراند، و چون به وجود چیزی حکم کند، فقط به آن می گوید: «باش» پس بی درنگ موجود می شود. (۶۹) آیا کسانی را که در آیات خداوند مجادله و ستیز می کنند ندیدی که چگونه (از حق) منصرف می شوند؟ (۷۰) کسانی که کتاب خدا و آن چه را که پیامبران را به آن فرستادیم تکذیب کرده اند، پس به زودی (نتیجه ی کار خود را) خواهند دانست. (۷۱) آن گاه که غل ها در گردن هایشان باشد و با زنجیرها کشیده می شوند. (۷۲) در آب جوشان و سپس در آتش سوزانده می شوند. (۷۳) سپس به آنان گفته می شود: «آن چه (برای خدا) شریک قرار می دادید کجا هستند؟ (۷۴) (آنها) که جز خدا پرستش می کردید؟! گویند: «از نزد ما گم شده اند (سپس به دروغ گویند): بلکه ما در دنیا چیزی را پرستش نمی کردیم». این گونه خداوند کافران را گمراه می کند. (۷۵) این

(عذاب) به خاطر آن است که در زمین به ناحق شادی می کردید و در ناز و سرمستی به سر می بردید. (۷۶) از درهای دوزخ وارد شوید که جاودانه در آنید و چه بد است جایگاه متکبران. (۷۷) پس (ای پیامبر!) صبر کن که وعده ی خداوند حق است. پس هرگاه بخشی از آن چه را به آنان وعده داده ایم به تو نشان دهیم، یا (پیش از آن) تو را از دنیا ببریم (در هر صورت) به سوی ما بازمی گردند (و عذاب را می چشند). (۷۸) و همانا ما پیش از تو پیامبرانی فرستادیم. داستان بعضی از آنان را برای تو بازگو کردیم و (داستان) بعضی دیگر را برای تو نقل نکردیم و هیچ پیامبری نمی تواند معجزه ای جز به فرمان خدا بیاورد، پس چون فرمان خدا آمد (و قیامت برپا شد) به حق داوری خواهد شد و باطل گرایان در آن جا زیانکارند. (۷۹) خداوند است که برای شما چهار پایان را قرار داد تا از آنها سواری بگیرید و از آنها بخورید. (۸۰) و برای شما در چهار پایان منافع (دیگری نیز) هست؛ و سوار بر آنها به نیازی که در دل دارید برسید و بر آنها و بر کشتی ها حمل می شوید. (۸۱) و خداوند (پیوسته) آیات خود را به شما نشان می دهد، پس کدام یک از آیات الهی را انکار می کنید؟ (۸۲) پس آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بوده اند چه شد (و چگونه نابود شدند؟ آنان) تعدادشان از اینان بیشتر و قدرت و آثارشان در زمین سخت تر (و فزون تر) بود، اما آن چه را به دست آورده بودند به کارشان نیامد. (۸۳) پس چون پیامبرانسان همراه با معجزات به سراغشان آمدند به آن مقدار

علمی که نزدشان بود خوشحال شدند (و حاضر نشدند منطق انبیا را بپذیرند) و آن چه (از قهر الهی) که به تمسخر می گرفتند، آنان را فرا گرفت. (۸۴) پس چون عذاب ما را دیدند گفتند: «به خداوند یکتا ایمان آوردیم و به آن چه (از قبل) شرک می ورزیدیم کافر شدیم». (۸۵) اما پس از آن که قهر ما را دیدند، دیگر ایمانشان برایشان سودی نداشت. این سنت الهی است که در میان بندگانش جاری است. و در این جا کافران زیانکارند. (۸۶)

فصلت

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) حاء، میم. (۲) (این قرآن) از طرف خداوند بخشنده ی مهربان نازل شده است. (۳) کتابی که آیات آن به روشنی بیان شده است، قرآنی عربی، برای مردمی که می دانند. (۴) (کتابی) بشارت دهنده و هشدار دهنده؛ پس (با این حال) بسیاری از مردم روی گردان شدند و (ندای قرآن را) نمی شنوند. (۵) و گفتند: «دل های ما از آن چه ما را به سوی آن دعوت می کنی در پوشش و پرده است و در گوش های ما سنگینی است، و میان ما و تو حجابی است، پس تو (کار خود را) انجام ده، ما نیز (کار خود را) انجام می دهیم.» (۶) (ای پیامبر! به مردم) بگو: «همانا من بشری هستم مثل شما؛ (با این تفاوت که) به من وحی می شود که قطعاً خدای شما یکتا است. پس بدون انحراف به سوی او رو کنید و از او آمرزش بخواهید و وای بر مشرکان. (۷) کسانی که زکات نمی پردازند و آنان همان هایی هستند که به آخرت کافرند. (۸) همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند برایشان پاداش دائمی (و بی منت) است. (۹) بگو: آیا شما به کسی که زمین را در دو روز آفریده است کفر می ورزید و برای او همتیانی

قرار می دهید؟ اوست پروردگار جهانیان. (۱۰) و در زمین کوه هایی را بر فرازش قرار داد و در آن خیر فراوان نهاد، و در چهار روز رزق و روزی اهل زمین را مقدر کرد که برای تمام نیازمندان کافی است. (۱۱) سپس به (آسمان) در حالی که دود بود توجه کرد، پس به آن و زمین فرمود: با رغبت یا کراهت بیایید (و شکل بگیرید) گفتند: فرمانبردار آمدیم (و شکل گرفتیم). (۱۲) پس آن را (که به صورت دود بود)، در دو روز در قالب هفت آسمان درآورد و در هر آسمانی امرش را وحی کرد؛ ما آسمان دنیا را به ستارگان زینت دادیم و آن را وسیله ی حفظ (آسمان ها) قرار دادیم؛ این است تقدیر خدای توانا و دانا. (۱۳) پس اگر روی گرداندند بگو: «من شما را از صاعقه ای همچون صاعقه ی قوم عاد و ثمود می ترسانم. (۱۴) آن گاه که فرستادگان (ما) از پیش رو و از پشت سر به سراغشان آمدند (و گفتند): «جز خداوند را نپرستید» (اما آنان در پاسخ) گفتند: «اگر پروردگار ما می خواست (پیامبری بفرستد) قطعاً فرشتگانی را می فرستاد، پس ما به آن چه شما به آن فرستاده شده اید کافریم.» (۱۵) پس قوم عاد به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند: «کیست که از ما قدرتمندتر باشد؟» آیا ندیدند که همان خداوندی که آنان را آفرید قوی تر از آنهاست؟ و پیوسته به آیات ما کفر ورزیدند. (۱۶) پس ما بادی سرد و توفنده و مسموم کننده را در ایامی نحس بر آنان فرستادیم تا عذاب خوارکننده ای را در همین دنیا به آنان بچشانیم، و قطعاً عذاب آخرت رسواکننده تر است و آنان یاری نخواهند شد. (۱۷) و اما قوم ثمود، آنان را هدایت کردیم ولی کوردلی را بر

هدایت ترجیح دادند پس به کیفر آن چه کسب می کردند صاعقه عذاب خفت بار آنان را فرو گرفت. (۱۸) و (از عاد و ثمود) ما آنان را که ایمان آوردند و تقوا پیشه بودند نجات دادیم. (۱۹) و (یاد کن) روزی را که دشمنان خدا جمع گشته و به سوی دوزخ آورده می شوند و آنان را از پراکندگی بازمی دارند. (۲۰) تا چون به دوزخ رسند، گوش و چشمان و پوستشان به آن چه انجام می دادند گواهی می دهد. (۲۱) و دوزخیان به پوستشان گویند: «چرا علیه ما گواهی دادید؟» گویند: «خدایی که همه چیز را به نطق آورده ما را نیز به سخن آورد، او که نخستین بار شما را آفرید و فقط به سوی او برگردانده می شوید.» (۲۲) (بر فرض) شما گمان می کردید که خداوند بسیاری از عمکردتان را نمی داند، ولی (نسبت به اعضای بدنانتان که وسیله ی گناه شما بودند) نمی توانستید چیزی را پنهان کنید که گوش و چشم ها و پوستتان بر ضد شما گواهی دهد. (۲۳) و این گمان (فاسد) شما نسبت به پروردگارتان بود که شما را به هلاکت انداخت و از زیانکاران شدید. (۲۴) پس اگر صبر کنند (چه سود که) دوزخ جایگاهشان است، و اگر تقاضای عفو کنند، از بخشودگان نیستند. (۲۵) و ما برای آنان همنشینانی گماشتیم، که از پیش رو و پشت سرشان (کارهای خلافشان را) برایشان زیبا جلوه دادند و فرمان عذابی که قبل از آنان گروه هایی از جن و انس را فراگرفته بود بر آنان نیز ثابت شد، همانا که آنان زیانکارانند. (۲۶) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «به این قرآن گوش ندهید و در (هنگام تلاوت) آن (سخن) لغو بیافکند تا شاید پیروز شوید.» (۲۷) پس قطعاً به آنان که کفر ورزیدند عذاب سختی می چشانیم

و حتماً آنان را به بدترین کاری که انجام می دادند کیفر خواهیم داد. (۲۸) سزای دشمنان خدا همین است که برایشان به خاطر انکار دائمی آیات ما، آتشی باشد که همیشه در آن جا بمانند. (۲۹) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «پروردگارا! آن جن و انسی که ما را گمراه کردند به ما نشان ده تا آنها را زیر قدم هایمان بگذاریم (و لگد مالشان کنیم) تا از پست ترین افراد باشند.» (۳۰) همانا کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست، پس (بر این عقیده) مقاومت نمودند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند (و می گویند: نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به بهشتی که پی در پی وعده داده می شدید. (۳۱) ما فرشتگان) در دنیا و آخرت دوستان شماییم؛ و برای شماست (در بهشت) هر چیزی که تمایل داشته باشید و برای شماست در آن جا هر چه را درخواست کنید. (۳۲) (همه ی این ها) پذیرایی مقدماتی جانب خداوند بخشنده ی مهربان است. (۳۳) و کیست خوش سخن تر از کسی که (مردم را) به سوی خداوند دعوت کند و (خود نیز) عمل شایسته انجام دهد و بگوید: «من از مسلمانان هستم»؟ (۳۴) و نیکی با بدی یکسان نیست؛ (بدی دیگران را) با شیوه ی بهتر (که نیکی است) دفع کن، که این هنگام آن کس که میان تو و او دشمنی است همچون دوست گرم می شود (و عداوتش نسبت به تو تمام می شود). (۳۵) و این (خصلت و برخورد نیکو) را جز کسانی که اهل صبر و شکیبایی هستند دریافت نمی کنند، و این را جز کسی که دارای بهره ی بزرگی (از کمالات باشد) نخواهد یافت. (۳۶) و اگر انگیزه و وسوسه ای از طرف شیطان تو را تحریک کند (که بدی را با بدی جواب دهی) پس

به خداوند پناه ببر که او خود شنوای آگاه است. (۳۷) و از نشانه های (قدرت) او شب و روز و خورشید و ماه است، نه برای خورشید سجده کنید و نه برای ماه (بلکه) برای خداوندی که آنها را آفریده سجده کنید، اگر تنها او را می پرستید. (۳۸) و اگر (گروهی از مردم از عبادت خداوند) تکبر ورزیدند، پس (باکی نیست زیرا) کسانی (از فرشتگان) که نزد پروردگارت هستند شب و روز برای او تسبیح می گویند و خسته نمی شوند. (۳۹) و از آیات خداوند آن است که زمین را پژمرده (و بی جان) می بینی پس همین که (از آسمان) آب را بر آن فرو فرستادیم به جنبش در آمد و نمو کرد، البتّه همان کسی که (زمین مرده را) زنده کرد، قطعاً زنده کننده ی مردگان است؛ بدون شک او بر هر کاری قادر است. (۴۰) همانا کسانی که در آیات ما به انحراف می روند بر ما پوشیده نیستند، پس آیا کسی که در آتش افکنده می شود بهتر است یا کسی که در روز قیامت در آرامش حاضر می شود؟ شما هر چه می خواهید انجام دهید، قطعاً خداوند به آن چه عمل می کنید، بینا است. (۴۱) البتّه کسانی که به قرآن چون به سراغشان آمد کفر ورزیدند (به کیفر خود می رسند) در حالی که قرآن کتابی نفوذ ناپذیر است. (۴۲) هیچگونه باطلی از پیش رو و از پشت سر در آن راه ندارد، (این قرآن) از طرف خداوند فرزانه و ستوده نازل شده است. (۴۳) (ای پیامبر!) به تو گفته نمی شود جز آن چه به پیامبران قبل از تو نیز گفته شده، همانا پروردگار تو صاحب آمرزشی بزرگ و کیفری دردناک است. (۴۴) و اگر ما قرآن را عجمی قرار داده بودیم حتماً می گفتند: «چرا

آیات آن باز و روشن نشده (و با تعجب می پرسیدند) آیا (قرآن) اعجمی و (مخاطب آن پیامبر و مردم) عربی؟! بگو: «این قرآن برای کسانی که ایمان آوردند هدایت و شفایی است، و کسانی که ایمان نمی آورند در گوش هایشان سنگینی است و قرآن برای آنان مایه کوری است، (گویی) آنان از راه دور ندا می شوند. (ولی صدا را نمی شنوند). (۴۵) و البتّه ما به موسی کتاب (آسمانی تورات) دادیم، پس در آن اختلاف شد و اگر نبود سنّت سابق پروردگارت (در مورد مهلت دادن به مردم)، قطعاً میانشان داوری شده بود (و هر اختلاف کننده ای به کیفر خود رسیده بود)، و البتّه آنان درباره ی قرآن نیز در شکی همراه با سوء ظن هستند. (۴۶) هر کس کار شایسته ای انجام دهد، پس به سود خود اوست، و هر کس بدی کند پس بر علیه خویش عمل کرده است، و پروردگار تو به مردم ستم نمی کند. (۴۷) آگاهی به زمان وقوع قیامت تنها به خداوند بازمی گردد، و هیچ میوه ای از غلاف خود خارج نمی شود و هیچ مادّه ای باردار نمی شود و بار نمی گذارد مگر به علم او، و روزی که (خداوند) آنان را ندا کند: شرکای من (که می پنداشتید) کجا هستند؟» گویند: «ما عرض داشتیم که هیچ گواهی (بر گفتار و عقیده ی خود) نداریم.» (۴۸) و هر چه را که از پیش همواره می خواندند، از نزد آنان محو شود، و می فهمند که برایشان هیچ راه فراری نیست. (۴۹) انسان از دعای خیر خسته نمی شود، و هرگاه شری به او رسد پس بسیار مأیوس و نومید می شود. (۵۰) و اگر بعد از سختی ای که به انسان رسیده از طرف خود رحمتی به او بچشانیم حتماً می گوید: «این رحمت، حقّ من است» (و

چنان مغرور می شود که می گوید: گمان نمی کنم قیامتی بر پا شود و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم حتماً برای من نزد او بهترین (منزلت) خواهد بود.» پس ما کسانی را که کفر ورزیدند، حتماً به آن چه انجام داده اند آگاه خواهیم کرد، و قطعاً از عذاب سخت به آنان خواهیم چشاند. (۵۱) و هرگاه به انسان نعمتی بخشیم، روی گرداند و خود را کنار کشد و هرگاه شرّی به او رسد پس دعایی طولانی کند. (۵۲) بگو: به من «خبر دهید که اگر قرآن از جانب خداوند باشد سپس شما به آن کفر ورزیدید، کیست گمراه تر از آن که در مخالفت شدید با قرآن باشد؟» (۵۳) ما در آینده نزدیکی آیات خود را در اطراف جهان و در درون جانیشان به آنان نشان خواهیم داد، تا برایشان روشن شود که قطعاً او حق است، آیا کافی نیست که پروردگارت بر هر چیزی گواه است؟ (۵۴) آگاه باش که مردم از ملاقات پروردگارشان (در قیامت) در شکی عمیق هستند. آگاه باش که او به هر چیزی احاطه دارد. (۵۵)

الشوری

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) حا، میم، (۲) عین، سین، قاف. (۳) اینگونه خداوند عزیز حکیم به تو و کسانی که قبل از تو بوده اند وحی می کند. (۴) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است از آن اوست و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۵) نزدیک است که آسمان ها (از عظمت وحی) از فرازشان بشکافند در حالی که فرشتگان همراه با سپاس، پروردگارشان را تسبیح می کنند و برای کسانی که در زمین هستند آمرزش می طلبند. آگاه باش که خداوند، اوست بسیار بخشنده و مهربان. (۶) و کسانی که به جای او سرورانی را به پرستش گرفته اند خداوند مراقب آنان است و تو بر

(ایمان آوردن آنان) وکیل نیستی (تا با اجبار وادارشان کنی). (۷) و بدین سان قرآنی عربی را به تو وحی کردیم تا مردم مگه و کسانی را که اطراف آن هستند هشدار دهی و از روز جمع (قیامت) که شکی در آن نیست بیم دهی گروهی در بهشت و گروهی در آتش سوزانند. (۸) و اگر خدا می خواست مردم را اّمّت یگانه قرار می داد (ولی سنّت خدا بر دادن اختیار به مردم است) و هر کس را که بخواهد در رحمت خود وارد می کند و برای ستمگران هیچ سرپرست و یاوری (در آن روز) نیست. (۹) آیا به جای خداوند سرپرستان دیگری گرفته اند، با آنکه تنها خدا سرپرست (واقعی) است و اوست که مردگان را زنده می کند و اوست که بر هر کاری تواناست. (۱۰) و هر چه را در آن اختلاف دارید پس حکمش با خداست، این است خدایی که پروردگار من است. تنها بر او توکل کرده ام و تنها به سوی او انابه می کنم. (۱۱) آفریننده آسمان ها و زمین، برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از چهار پایان نیز جفت هایی، به این وسیله شما را کثیر می کند. او را هیچ مانندی نیست و او شنوا و بیناست. (۱۲) کلیدهای آسمان ها و زمین برای اوست، برای هر که بخواهد رزق را توسعه می دهد و یا تنگ می گیرد، همانا او به هر چیز آگاه است (و توسعه و تضییق او بر اساس علم و حکمت است). (۱۳) از (احکام) دین آنچه را به نوح سفارش کرد، برای شما (نیز) مقرر داشت و آنچه به سوی تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش نمودیم آن بود که دین را به پا دارید

و در آن دچار تفرقه نشوید، آنچه مردم را بدان دعوت می کنی بر مشرکان سنگین است. خداوند هر که را بخواهد به سوی خویش برمی گزیند و هر که را به درگاه او رو آورد به سوی خویش هدایت می کند. (۱۴) و (از دور پیامبران) پراکنده نشدند مگر پس از آنکه علم (به حَقانیت آنان) برایشان حاصل شد، به خاطر روحیه کینه و حسادت که میانشان بود، و اگر سنت سابق خداوند (در مورد مهلت دادن به کفار) تا زمانی معین نبود، میان آنان حکم می شد (و اهل باطل هلاک می گشتند) و همانا کسانی که پس از آنان کتاب آسمانی را به میراث بردند، درباره ی آن دچار شک و تردید هستند. (۱۵) پس (ای پیامبر) به خاطر آن (که اهل کتاب دچار شک و تردید یا عناد و لجاجت با تو هستند، آنان را به راه حق) دعوت کن و بر آن پایداری نما آن گونه که فرمان یافته ای و خواسته های آنان را پیروی مکن و (به آنان) بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان دارم و فرمان یافته ام تا میان شما به عدالت حکم کنم. خداوند، پروردگار ما و شماست. اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شماست (و هیچ کدام مسئول کارهای دیگری نیستیم) هیچ حجتی میان ما و شما (ناگفته) نمانده است. خداوند (در قیامت) میان ما جمع خواهد کرد و بازگشت همه به سوی اوست. (۱۶) و کسانی که درباره خداوند پس از آنکه دعوت او را پذیرفته اند به جدال (می پردازند) دلیلشان نزد پروردگارشان باطل و بی پایه است و بر آنهاست خشم الهی و برایشان عذاب سختی است. (۱۷) خداست آنکه کتاب آسمانی و میزان را

به حق نازل کرد و چه می دانی شاید قیامت نزدیک باشد. (۱۸) کسانی که ایمان به قیامت ندارند (نسبت به وقوع آن) شتاب می ورزند، ولی کسانی که به آن ایمان دارند از آن می ترسند و می دانند که قیامت حق است، بدانید محققاً کسانی که درباره قیامت به جدال می پردازند در گمراهی دوری هستند. (۱۹) خداوند نسبت به بندگانش با مهر و لطف رفتار می کند، هر که را بخواهد (و صلاح بداند) روزی می دهد و اوست توانای غالب. (۲۰) آن که کشت آخرت بخواهد برای او در کشتش می افزاییم و آن که کشت دنیا بخواهد از آن به او می دهیم و در آخرت هیچ نصیبی ندارد. (۲۱) آیا خدایانِ باطلِ مشرکان، احکامی از دین که خداوند به آن اذن نداده برای مشرکان قرار داده اند و اگر فرمان قطعی (خداوند مبنی بر مهلت دادن به منحرفان) نبود قطعاً میان مشرکان (به هلاکت) حکم می شد و همانا ستمکاران برایشان عذابی دردناک است. (۲۲) ستمکاران را خواهی دید که از آنچه انجام داده اند هراسانند در حالی که (کیفر) آن به آنان خواهد رسید و کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده اند در باغ های بهشت هستند، برای آنان نزد پروردگارشان هر چه را بخواهند (فراهم است). این است آن فضل بزرگ. (۲۳) این (فضل بزرگ) چیزی است که خداوند به بندگانش، آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند بشارت می دهد. (ای پیامبر! به مردم) بگو: من از شما بر این (رسالت خود) هیچ مزدی جز مودت نزدیکانم را نمی خواهم و هر کس کار نیکی انجام دهد، برای او در نیکویی آن می افزاییم. همانا خداوند بسیار آمرزنده و قدردان است. (۲۴) آیا می گویند (که محمد) بر خدا دروغی بسته است، پس

اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر می نهد. خداوند باطل را محو و حق را با کلمات خویش استوار می سازد همانا او به راز سینه ها آگاه است. (۲۵) و اوست که توبه را از بندگانش می پذیرد و از گناهان درمی گذرد و هر چه را انجام می دهد می داند. (۲۶) و (دعای) کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده اند اجابت می کند و از فضل خویش بر آنان می افزاید و برای کافران عذابی شدید است. (۲۷) و اگر خداوند برای بندگانش رزق را توسعه می داد در زمین طغیان می کردند و لکن آنچه را می خواهد به اندازه ای (معین) نازل می کند. زیرا که او به بندگانش آگاه و بیناست. (۲۸) و اوست که پس از ناامیدی مردم باران می فرستد و رحمت خویش را گسترش می دهد و اوست سیرور ستوده. (۲۹) و از نشانه های قدرت او آفرینش آسمان ها و زمین است و جنبندگانی که در آن دو پراکنده اند و او هرگاه بخواهد بر گردآوری آنها تواناست. (۳۰) و آنچه از مصیبت به شما رسد پس به خاطر دست آورد خودتان است و او از بسیاری (گناهانتان) درمی گذرد. (۳۱) و شما نمی توانید (خدا) را در زمین به عجز آورید (و از سلطه او خارج شوید) و برای شما از غیر خداوند هیچ سرپرست و یآوری نیست. (۳۲) و از نشانه های (قدرت) او (حرکت) کشتی ها است در دریا که همچون علائمی برجسته اند. (۳۳) اگر بخواهد باد را متوقف می کند پس کشتی ها بر پشت آب راکد می مانند. همانا در این امر برای هر صبر پیشه سپاسگزار، نشانه هایی (از قدرت خدا) وجود دارد. (۳۴) یا (کشتی ها را) به خاطر آنچه (صاحبانشان) انجام داده اند نابود می کند و یا از بسیاری درمی گذرد (و غرقشان نمی کند). (۳۵) و کسانی که در آیات ما مجادله می کنند بدانند که برایشان

راه گریزی نیست. (۳۶) آنچه به شما داده شده بهره زندگی دنیاست و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و به پروردگارشان توکل می کنند، بهتر و باقی تر است. (۳۷) و کسانی که از گناهان کبیره و زشتی ها پرهیز می کنند و چون خشم و غضب کنند، می بخشند. (۳۸) و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را بر پا داشته و کارشان با مشورت میانشان انجام می گیرد و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. (۳۹) و کسانی که هرگاه به آنان ستمی رسد (تسلیم نمی شوند و) یاری می طلبند. (۴۰) و جزای بدی بدیی مانند آن است، پس هر که عفو کند و اصلاح نماید پس پاداش او بر خداست همانا او ستمکاران را دوست ندارد. (۴۱) و کسانی که بعد از ظلم دیدنشان (برای رفع آن) یاری می طلبند بر آنان راه (نکوهشی) نیست. (۴۲) همانا نکوهش فقط بر کسانی است که به مردم ستم می کنند و در زمین به ناحق طغیان می کنند، آنانند که برایشان عذاب دردناکی است. (۴۳) و البته کسی که صبر نماید (و مجرم را ببخشد) همانا این از کارهای استوار است. (۴۴) و هر که را خدا گمراه کند (و به گمراهی خویش واگذارد) پس بعد از آن برای او هیچ یآوری نیست و ستمگران را هنگامی که عذاب الهی را دیدند مشاهده می کنی که می گویند: آیا راهی برای بازگشت (به دنیا) وجود ندارد؟ (۴۵) و آنان را می بینی که بر آتش عرضه می شوند در حالی که از شدت ذلت خاشعند و از گوشه چشم پنهانی می نگرند. و کسانی که ایمان آورده اند گویند: همانا زیانکاران کسانی هستند که خود و خانواده شان را در قیامت باختند. بدانید که همانا ستمگران در عذابی پایدارند. (۴۶) و برای آنان جز خداوند هیچ یآوری

که یاریشان کند نخواهد بود و هر کس را که خداوند گمراه کند پس برای او هیچ راه (نجاتی) نیست. (۴۷) پیش از آنکه روزی فرا رسد که از جانب خداوند بازگشتی برایش نباشد، پروردگارتان را اجابت کنید. در آن روز برای شما هیچ پناهگاهی نیست و شما را هیچ قدرت انکار نیست. (۴۸) پس اگر روی گردانند (غمگین مباش) ما ترا بر آنان نگهبان نفرستادیم، (تا به اجبار آنان را به ایمان واداری)، جز رساندن پیام، مسئولیتی بر تو نیست و البته هرگاه از جانب خود رحمتی به انسان بچشانیم به آن شاد شده (و از ما غافل می شود) و اگر به خاطر دست آورد کار شان بلایی به آنان رسد، (نعمت ها را فراموش می کنند)، همانا انسان ناسپاس است. (۴۹) فرمان روایی آسمان ها و زمین مخصوص خداست، هر چه بخواهد می آفریند، به هر که بخواهد دختران بخشد و به هر که بخواهد پسران بخشد. (۵۰) یا (در یک رحم) پسران و دختران را در کنار هم قرار دهد و هر که را بخواهد نازا گرداند، همانا اوست دانای توانا. (۵۱) و هیچ بشری را نسزد که خداوند با او سخن گوید مگر از طریق وحی (که بر قلب او نازل می شود) یا از پس پرده و حجاب یا آنکه فرستاده ای (به نام فرشته) فرستد، پس به اذن او هر چه بخواهد وحی کند. همانا او والا مرتبه و با حکمت است. (۵۲) و بدین گونه ما روحی (به نام قرآن) را از فرمان خود به تو وحی کردیم و تو نه کتاب را می دانستی چیست و نه ایمان را، ولی ما آن را نوری قرار دادیم که هر که از بندگانمان را بخواهیم به وسیله آن هدایت

کنیم و همانا تو (مردم را) به راه راست هدایت می کنی. (۵۳) راه خداوندی که آنچه در آسمان ها و زمین است برای اوست. بدانید که همه امور به سوی او بازمی گردد. (۵۴)

الزخرف

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) حاء، میم. (۲) به کتاب روشنگر سوگند. (۳) همانا ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم باشد که در آن تعقل کنید. (۴) و همانا آن در "امّ الكتاب" (لوح محفوظ) است که نزد ما بلند مرتبه و حکمت آمیز و استوار است. (۵) آیا بخاطر آنکه شما گروهی اسرافکارید ما ذکر (قرآن) را از شما باز گردانیم. (۶) و چه بسیار پیامبری که در میان پیشینیان فرستادیم. (۷) و هیچ پیامبری به سراغشان نمی آمد مگر آنکه او را مسخره می کردند. (۸) پس ما کسانی را که از نظر قدرت سخت تر از این اسراف کاران بودند هلاک کردیم و سرنوشت پیشینیان تکرار شد. (۹) و اگر از آنان سؤال کنی چه کسی آسمان ها و زمین را آفرید؟ قطعاً خواهند گفت: آنها را (خداوند) قادر دانا آفریده است. (۱۰) همان که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد و در آن برای شما راه هایی قرار داد تا شاید راه یابید. (۱۱) و آن کس که از آسمان به اندازه ای معین، آبی فرو فرستاد، پس به واسطه ی آن، سرزمین مرده را زنده کردیم، شما نیز این گونه (از قبرها) خارج می شوید. (۱۲) و همان کسی که همه ی جفت ها را آفرید و برای شما کشتی ها و چهارپایان قرار داد که بر آنها سوار شوید. (۱۳) تا بر پشت آنها قرار گیرید و آنگاه که بر آن استقرار یافتید نعمت پروردگارتان را یاد کنید و بگویید منزه است آن که این مرکب را برای ما رام کرد و ما بر آن توانا نبودیم. (۱۴) و همانا ما به سوی پروردگارمان باز خواهیم گشت. (۱۵) (مشركان

گفتند: ملائکه دختران خدایند) و برای او از بندگانش جزئی قرار دادند. همانا انسان، کفران پیشه آشکار است. (۱۶) آیا از آنچه می آفریند دخترانی برگرفته و برای شما پسران را برگزیده است. (۱۷) در حالی که هرگاه یکی از آن مشرکان را به آنچه برای خداوند رحمن پسندیده است مژده دهند چهره اش سیاه گردد و اندوه خود را فرو برد. (۱۸) آیا کسی را که در زیور پرورش یافته و در مجادله بیانش غیر روشن است (شایسته نسبت دادن به خداست؟) (۱۹) و فرشتگان را که خود بندگان (خدای) رحمان هستند، مؤنث پنداشتند. آیا شاهد آفرینش آنها بوده اند؟ گواهی آنان (بر آن همه خرافات) به زودی نوشته می شود و بازخواست خواهند شد. (۲۰) و (مشرکان در توجیه خلاف خود) گفتند: اگر (خدای) رحمن می خواست، ما آنها را نمی پرستیدیم. برای آنان نسبت به این گفتار هیچگونه آگاهی (و دلیل علمی) نیست و ایشان جز از روی حدس و گمان سخنی نمی گویند. (۲۱) آیا پیش از این به آنان کتابی دادیم که ایشان به آن تمسک می جویند. (۲۲) (چنین نیست) بلکه گویند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و با پیروی از آنان هدایت یافته ایم. (۲۳) و بدین گونه ما در هیچ شهر و دیاری پیش از تو هشدار دهنده ای نفرستادیم مگر آنکه ثروتمندان مغرورشان گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و از آثار آنان پیروی می کنیم. (۲۴) (پیامبرشان) گفت: آیا اگر آئینی هدایت بخش تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید برایتان بیاورم (حاضرید دست از راه نیاکان بردارید) گفتند: ما به آنچه بدان فرستاده شده اید کافریم. (۲۵) پس ما از آنان انتقام گرفتیم و بنگر که فرجام تکذیب کنندگان چگونه است. (۲۶) و (به یاد آور) زمانی که ابراهیم به پدر (عمویش آزر) و قوم

خود گفت: همانا من از آنچه شما می پرستید بیزارم. (۲۷) مگر (پرستش) کسی که مرا پدید آورد که البته او هدایت‌م خواهد کرد. (۲۸) و آن (کلمه توحید) را در میان نسلش کلمه ماندنی قرار داد. باشد که آنان (به توحید) بازگردند. (۲۹) (من نه تنها مشرکان را هلاک نکردم) بلکه آنان و پدران‌شان را کامیاب کردم تا آن که حق (قرآن) و پیامبری آشکار به سراغشان آمد. (۳۰) و چون حق به سراغشان آمد، گفتند: این سحر است و ما به آن کفر می ورزیم. (۳۱) و گفتند: چرا این قرآن بر مردی بزرگ (از نظر جاه و مال) از دو قریه (مکه و طائف) نازل نشده است. (۳۲) آیا آنان رحمت پروردگارت (در مورد تعیین پیامبر) را (میان خود) تقسیم می کنند در حالی که ما معیشت آنان را در زندگی دنیا میان‌شان تقسیم کرده ایم (تا چه رسد به اعطای مقام والای نبوت) و درجات بعضی انسان‌ها را بر برخی دیگر برتری دادیم تا برخی از آنان برخی دیگر را به خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می اندوزند بهتر است. (۳۳) و اگر نبود که مردم یکسره و یک دست (کافر) می شدند، برای خانه‌های کسانی که به خدای رحمن کفر می ورزند، سقف‌هایی از نقره قرار می دادیم و نیز نردبان‌هایی که بر آنها بالا روند. (۳۴) و برای خانه‌هایشان درب‌های متعدد و تخت‌هایی که بر آنها تکیه زنند (قرار می دادیم). (۳۵) و هر گونه زینتی (برای آنان فراهم می کردیم) ولی اینها همه جز وسیله کامیابی زندگی دنیا نیست، در حالی که آخرت نزد پروردگارت مخصوص اهل تقواست. (۳۶) و هر که از یاد خدای رحمن روی گردان شود شیطانی بر او می گماریم که همراه و دمساز وی گردد. (۳۷) و آنها (شیاطین) مردم را از

راه (حق) بازمی دارند ولی گمان می کنند که هدایت یافته اند. (۳۸) (همراه بودن شیطان ادامه دارد) تا زمانی که (مجرم در قیامت) نزد ما آید (و به شیطان همدم خود) گوید: ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود، چه بد همنشینی بودی. (۳۹) (ولی به آنان گفته می شود) امروز (آرزوی دوری از شیاطین) برای شما سودی ندارد چرا که ظلم کردید، شما (با شیاطین) در عذاب مشترکید. (۴۰) (ای پیامبر!) آیا تو می توانی سخن خود را به گوش کران برسانی یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکارند هدایت کنی؟ (۴۱) پس هرگاه تو را از (میان آنان) ببریم، از آنان انتقام خواهیم گرفت. (۴۲) یا (اگر زنده باشی) عذابی را که به آنان وعده داده ایم به تو نشان می دهیم، پس بدون شک ما بر نابودی آنان مقتدریم. (۴۳) پس آنچه را به تو وحی شده محکم بگیر، همانا تو بر راه مستقیم هستی. (۴۴) و همانا قرآن برای تو و قومت وسیله یادآوری (و عظمت) است و به زودی (درباره آن) از شما سؤال خواهد شد. (۴۵) و از رسولانی که قبل از تو فرستاده ایم (از طریق پیروان یا کتابشان) سؤال کن، آیا غیر از خداوند رحمان، معبودان دیگری برای پرستش مردم قرار داده ایم؟ (۴۶) و همانا ما موسی را همراه با آیات (و معجزات) خود به سوی فرعون و اشراف قومش فرستادیم پس گفت: همانا من فرستاده پروردگار عالمیانم. (۴۷) پس چون موسی با آیات ما به سراغ آنان آمد، آنان به آن (آیات و معجزات) خندیدند. (۴۸) و ما هیچ معجزه ای به فرعونیان نشان نمی دادیم، مگر آنکه از معجزه دیگر بزرگتر بود و ما آنان را به عذاب گرفتیم تا شاید باز گردند. (۴۹) و (به موسی) گفتند: ای ساحر، پروردگارت را

به آنچه نزد تو عهد کرده است برای ما بخوان (تا عذاب را از ما بردارد که در آن صورت) قطعاً هدایت تو را خواهیم پذیرفت. (۵۰) ولی همین که (به دعای موسی) عذاب را از آنان برطرف کردیم، همان دم همگی پیمان شکستند (و ایمان نیاوردند). (۵۱) و فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست و این نهرها از زیر (کاخ) من جاری نیست؟ آیا (عظمت مرا) مشاهده نمی کنید. (۵۲) بلکه من از این کسی که بی مقدار است و نمی تواند روشن سخن بگوید بهترم. (۵۳) (اگر موسی حق است) پس چرا دستبندهایی از طلا بر او نیاویخته، یا (برای تصدیق رسالتش)، با او فرشتگانی همراه نشده اند. (۵۴) پس فرعون قوم خود را سبک شمرد و آنان او را اطاعت کردند زیرا آنان قومی فاسق بودند. (۵۵) پس چون ما را به خشم آوردند، از آنان انتقام گرفتیم و همه آنان را غرق کردیم. (۵۶) پس آنان را پیشگامانی (بد) و عبرتی برای آیندگان قرار دادیم. (۵۷) و همین که (از سوی بت پرستان) درباره عیسی بن مریم مثالی زده شد (که اگر معبودان غیر خدا همیزم دوزخند پس عیسی نیز که معبود است دوزخی است) ناگهان قوم تو در پی آن فریاد تمسخر بر داشتند. (۵۸) و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او؟ (اگر عیسی که از معبودهای ما بهتر است در جهنم باشد، به جهنم رفتن ما و معبودهایمان چندان مهم نیست). این مثال را برای تو جز از راه جدل نزدند بلکه آنان قومی جدل پیشه اند. (۵۹) عیسی جز بنده ای نیست که ما بر او نعمت دادیم و او را برای بنی اسرائیل الگو و نمونه قرار دادیم. (۶۰) و اگر خواهیم

به جای شما در زمین فرشتگانی را قرار می دهیم تا جانشین شما شوند. (۶۱) و همانا عیسی (چون مرده زنده می کرد) مایه علم و آگاهی به قیامت است. پس در قیامت شک نکنید و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است. (۶۲) و شیطان شما را (از راه خدا) باز ندارد، همانا او دشمن آشکار شماست. (۶۳) و چون عیسی همراه با دلایل روشن (و معجزات) آمد، گفت: همانا من برای شما حکمت آورده ام (و آمده ام) تا بعضی از آنچه در آن اختلاف می کنید برای شما بیان کنم. پس از خداوند پروا و مرا اطاعت کنید. (۶۴) همانا خداوند همان پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید که این راه مستقیم است. (۶۵) پس از میان مردم گروه هایی اختلاف نمودند، پس وای بر کسانی که ظلم کردند از عذاب روز دردناک. (۶۶) آیا جز قیامت را انتظار می برند که ناگهان به سراغشان آید در حالی که بی خبرانند. (۶۷) دوستان (امروز)، در آن روز با یکدیگر دشمن اند، جز اهل تقوی. (۶۸) (خداوند به آنان می گوید: ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه غمگین می شوید. (۶۹) آنان که به آیات ما ایمان آورده و همواره تسلیم (حق) هستند. (۷۰) شما و همسران تان در حالی که شادمانید به بهشت داخل شوید. (۷۱) ظرف ها و جام هایی از طلا- بر آنان چرخانده می شود و آنچه را که نفس میل داشته باشد و چشم (از دیدنش) لذت ببرد در بهشت موجود است و شما در آنجا جاودانه هستید. (۷۲) و این است بهشتی که به خاطر عملکردتان به میراث برده اید. (۷۳) در آنجا برای شما میوه فراوانی است که از آنها می خورید. (۷۴) بدون شک مجرمان در عذاب دوزخ جاودانه اند. (۷۵) عذاب از آنان کاهش نمی یابد و آنان در آنجا (حزنی همراه با) یأس

دارند. (۷۶) و ما به آنان ستم نکردیم و لکن آنان خود ستمگر بوده اند. (۷۷) و فریاد می کشند که ای مالک (دوزخ! بگو): پروردگارت علیه ما حکم (مرگ) صادر کند. او می گوید: شما ماندنی هستید (و مرگ در کار نیست). (۷۸) همانا ما حق را برای شما آوردیم ولی اکثر شما نسبت به آن کراهت داشتید. (۷۹) بلکه آنان تصمیم قطعی (بر نپذیرفتن حق) گرفتند، (اگر چنین است) پس ما نیز تصمیم گرفته ایم (و کیدشان را بی اثر می گذاریم). (۸۰) آیا آنان گمان می کنند که ما اسرار پنهانی و سخنان در گوشی آنان را نمی شنویم. چرا و فرستادگان ما نزد آنان حضور داشته و (همه چیز را) ثبت می کنند. (۸۱) (ای پیامبر! به آنان) بگو: اگر برای خداوند رحمن فرزندی بود پس من اولین پرستنده بودم (و به آن فرزند احترام می گذاردم). (۸۲) منزّه است پروردگار آسمان ها و زمین، پروردگار عرش، از آنچه او را توصیف می کنند. (۸۳) پس (این یاوه سراها را) به حال خود واگذار تا (در باطل) فرو روند و سرگرم باشند تا روزی را که وعده داده شده اند ملاقات نمایند. (۸۴) و اوست آنکه در آسمان ها پرستش می شود و در زمین نیز پرستش می شود و اوست حکیم دانا. (۸۵) منشأ خیر و برکت است، آن که حکومت آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست برای اوست و آگاهی از قیامت مخصوص اوست و به سوی او بازگردانده می شوید. (۸۶) کسانی را که جز او می خوانند مالک هیچگونه شفاعتی نیستند مگر کسانی که شهادت به حق داده اند (مثل حضرت عیسی و فرشتگان که بدون رضای خودشان معبود قرار گرفته اند) و آنان خود می دانند (که مورد شفاعت کجاست). (۸۷) و اگر از مشرکان سؤال کنی چه کسی آنان را آفریده است، قطعاً خواهند گفت: خدا. پس چگونه به انحراف

کشانده می شوند. (۸۸) و سخن رسول ما این است: ای پروردگارا! همانا اینان قومی هستند که ایمان نمی آورند. (۸۹) اکنون که از هدایتشان ناامید شده ای) پس از آنان روی گردان و بگو: بدرود. در آینده خواهند فهمید (که کیفرشان چیست؟) (۹۰)

الدخان

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) حاء، میم. (۲) به کتاب روشنگر سو گند. (۳) ما آن را در شبی مبارک و فرخنده نازل کردیم، ما همواره انذارکننده بودیم. (۴) در آن (شب مبارک) هر امر مهمی بر طبق حکمت الهی تفصیل و تبیین می شود. (۵) (نزول قرآن در شب قدر و فیصله امور در آن شب، امری (و اراده ای) است از طرف ما، همانا ما فرستنده (همه انبیا) هستیم. (۶) (نزول کتاب و فرستادن انبیا) از طرف پروردگارت رحمت بزرگی است، همانا او خود شنوای داناست. (۷) پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست، اگر اهل یقین باشید. (۸) هیچ معبودی جز او نیست، اوست که زنده می کند و می میراند و پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست. (۹) (کافران این را باور ندارند)، بلکه آنان در شکی (عمیق و پیوسته با حقایق) بازی می کنند. (۱۰) پس منتظر روزی باش که آسمان دود، نمایانی را با خود می آورد. (۱۱) (دودی که) همه مردم را فرامی گیرد. این است عذاب دردناک. (۱۲) (مردم می گویند) پروردگارا این عذاب را از ما دفع کن، ما ایمان می آوریم. (۱۳) این بیداری برای آنان چه سود؟ در حالی که پیامبری روشنگر به سراغشان آمد. (ولی اعتنا نکردند) (۱۴) سپس از او روی گرداندند و گفتند: او جن زده ای است که تعلیمش داده اند. (۱۵) البتّه ما برای مدّت کمی بر طرف کننده عذاب هستیم (لکن) شما دوباره از سر گیرنده هستید. (۱۶) روزی که ما با قدرتی بزرگ (شما را) خواهیم گرفت، همانا که انتقام گیرنده ایم. (۱۷) و همانا ما قبل از این کفار، قوم فرعون را آزمودیم و پیامبر با

کرامتی به سراغشان آمد. (۱۸) موسی به آنان گفت: بنی اسرائیل، این بندگان خدا را به من واگذارید (تا آزادشان کرده و از استعمارشان نجات دهید) همانا من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۹) و اینکه بر خداوند برتری نجوید، همانا من برهانی آشکار برای شما آورده‌ام. (۲۰) و از اینکه مرا متهم (یا سنگسار) کنید، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم. (۲۱) و اگر به من ایمان نمی‌آورید پس (لااقل) از من کناره بگیرید. (۲۲) پس (چون از پذیرش دعوتش مأیوس شد) پروردگارش را خواند و (گفت:): آنان قومی گنه پیشه هستند. (۲۳) پس (به او گفتیم:): بندگان مرا شبانه کوچ بده، زیرا که شما تحت تعقیب (فرعونیان) هستید. (۲۴) و دریا را آرام پشت سر بگذار (و توقع نداشته باش که بعد از عبور شما آبها روی هم ریخته شود، آنگاه که لشکر فرعون وارد شود، آب‌ها روی هم ریخته خواهد شد). زیرا آنان غرق شدگانند. (۲۵) چه بسیار از باغ‌ها و چشمه‌ها به جا گذاشتند (و رفتند). (۲۶) و کشت‌ها و جایگاه‌های عالی. (۲۷) و نعمت‌هایی که در آنها کامیاب بودند. (۲۸) و ما این‌گونه (همه را از آنان گرفتیم و) آنها را به قوم دیگر به میراث دادیم. (۲۹) پس نه آسمان و زمین بر آنان گریست و نه به آنان مهلتی داده شد. (۳۰) و همانا ما بنی اسرائیل را از آن عذاب خوارکننده نجات دادیم. (۳۱) از (عذاب) فرعون که مردی بزرگ طلب و از اسراف کاران بود. (۳۲) و همانا ما آنان را به خاطر علم بر جهانیان (هم زمان خود) برگزیدیم. (۳۳) و از نشانه‌های قدرت خود، آنچه را که در آن آزمایش آشکار بود به آنان دادیم. (اما چه سود) (۳۴) البته این مشرکان (زمان تو) پیوسته می‌گویند: (۳۵) غیر از این مرگ اول ما (چیز دیگری در کار) نیست و ما بار

دیگر زنده نخواهیم شد. (۳۶) پس اگر شما (پیامبران) راستگو هستید، پدران (مرده) ما را باز آورید. (۳۷) آیا مشرکان مکه (از نظر موقعیت) بهترند یا قوم تبع و دیگرانی که قبل از آنان بودند. ما آنان را به خاطر آنکه قومی تبه کار بودند هلاک کردیم. (پس چرا اینها عبرت نمی گیرند). (۳۸) و ما آسمان ها و زمین و آنچه را بین آنهاست به بازی نیافریدیم. (۳۹) ما جز بر اساس حق آسمان و زمین را نیافریدیم، ولی اکثر مشرکان نمی دانند. (۴۰) همانا روز جدا سازی (حق از باطل) وعده گاه همه آنهاست. (۴۱) روزی که هیچ دوستی از دوست خود حمایتی نمی کند و آنان (از هیچ سوی دیگر نیز) یاری نمی شوند. (۴۲) جز کسی که خداوند او را مورد رحمت قرار دهد، همانا او عزیز و رحیم است. (۴۳) همانا (میوه) درخت زقوم، (۴۴) غذای گناهکاران است. (۴۵) همچون مس آب کرده در شکم آنها می جوشد. (۴۶) همچون جوشش آب داغ. (۴۷) (به مأموران دوزخ گفته می شود) گنه کار را بگیرد و او را به وسط آتش شعله ور بکشید. (۴۸) سپس از آب سوزان بر سرش بریزید. (۴۹) (به او گفته می شود) بچش که تو همان هستی که به گمان خود عزیز و کریم بودی. (۵۰) این همان است که همواره در آن تردید داشتید. (۵۱) به راستی پرهیزگاران در جایگاهی امن هستند. (۵۲) در میان باغ ها و کنار چشمه سارها. (۵۳) لباس های ابریشم نازک و ضخیم می پوشند در حالی که در برابر هم (بر تخت ها) جای گرفته اند. (۵۴) این گونه (ما پاداش می دهیم) و آنان را به حورالعین (زنان سیمین تن و فراخ چشم) تزویج می کنیم. (۵۵) در آن باغ ها هر میوه را (که بخواهند) با آسودگی می طلبند. (۵۶) در بهشت جز مرگ نخستین (که پشت سر گذاشته اند) مرگی نخواهند چشید و خداوند آنان را از عذاب سوزان حفظ نموده است. (۵۷) (اینها همه) بخشی است از طرف پروردگارت، این است

همان کامیابی بزرگ. (۵۸) جز این نیست که ما قرآن را به زبان تو آسان گردانیدیم تا شاید متذکر شوند. (۵۹) پس منتظر باش که آنان نیز منتظرند. (تو منتظر پیروزی و آنان منتظر سرنوشت شوم خود). (۶۰)

الجائیه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) حاء، میم. (۲) نزول کتاب از طرف خداوند عزّت مند حکیم است. (۳) همانا در آسمان ها و زمین برای مؤمنان نشانه هایی است. (۴) و در آفرینش شما و آنچه از جنبه ها که (در هستی) پراکنده نموده، برای اهل یقین، نشانه هایی (از قدرت الهی) است. (۵) و شب و روز که در پی یکدیگرند و آنچه از روزی که خداوند از آسمان فرو فرستاده و زمین را به واسطه ی آن بعد از پژمردگی اش سبز و زنده نموده است و گردش بادهای، برای کسانی که تعقل کنند نشانه هایی (از قدرت الهی) است. (۶) این ها آیات الهی است که ما آنها را به حق بر تو تلاوت می کنیم، پس بعد از خدا و آیات او به چه سخنی ایمان می آورند. (۷) وای بر هر دروغ پرداز گناه پیشه. (۸) (گناهکاری که) آیات خدا را که پیوسته بر او تلاوت می شود، می شنود ولی همچون کسی که آنها را نشنیده متکبرانه (بر انحراف خود) اصرار می ورزد، پس او را به عذابی سخت بشارت ده. (۹) و هرگاه از آیات ما چیزی فهمد آن را به مسخره می گیرد، آنانند که برایشان عذاب خفّت باری است. (۱۰) جهنّم پیش روی آنان است و آنچه را به دست آورده اند و آنچه را از غیر خدا، اولیای خود گرفته اند، ذرّه ای آنان را بی نیاز نمی کند و برای آنان عذاب بزرگی است. (۱۱) این (قرآن) مایه ی هدایت است و کسانی که به آیات پروردگارشان کفر ورزیدند برایشان عذابی دردناک از هول و اضطراب است. (۱۲) خداوند کسی است که دریا را برای شما

رام کرد تا به فرمان او کشتی‌ها در آن جریان پیدا کنند و تا از فضل او جستجو کنید و شاید شکرگزاری کنید. (۱۳) و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همه از اوست که برای شما رام نمود، همانا در این تسخیر برای کسانی که فکر کنند، قطعاً نشانه‌هایی است. (۱۴) (ای پیامبر!) به کسانی که ایمان آورده‌اند، بگو: از کسانی که به (روز رستاخیز که یکی از) ایام الله (است) امید ندارند، درگذرند (و آنان را به خدا واگذارند) تا خداوند (در آن روز) هر قومی را به آنچه انجام می‌دادند جزا دهد. (۱۵) هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، پس به سود خود اوست و هر کس عمل بدی مرتکب شود، پس به زیان خود اوست، سپس به سوی پروردگارتان بازگشت داده می‌شوید. (۱۶) و همانا ما به بنی اسرائیل کتاب (آسمانی تورات) و حکومت و نبوت دادیم و از (خوردنی‌های) پاکیزه و دلپسند روزی کردیم و آنان را بر اهل زمانه برتری دادیم. (۱۷) و به آنان دلایل روشنی نسبت به امر (دین) دادیم، پس اختلاف نکردند مگر پس از آنکه حقیقت برایشان حاصل شد (و این اختلاف) از روی حسادت و برتری‌جویی بود که میان آنان وجود داشت. همانا خداوند در قیامت درباره آنچه پیوسته اختلاف می‌کنند، میانشان داوری خواهد کرد. (۱۸) سپس تو را بر شریعتی از امر (دین) قرار دادیم، پس آن را پیروی کن و از خواسته‌های جاهلان پیروی نکن. (۱۹) آنان هرگز در برابر خداوند از تو دفاع نخواهند کرد و البته ستمگران یاور یکدیگرند و خداوند یار افراد با تقواست. (۲۰) این (کتاب) برای مردم، وسیله‌ی بصیرت و هدایت و برای اهل یقین، مایه‌ی رحمت است. (۲۱) آیا کسانی که مرتکب کارهای

بد شدند گمان کردند که ما آنان را همچون کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند قرار خواهیم داد و حیات و مرگشان یکسان است؟ چه بد داوری می کنند. (۲۲) و خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفرید تا هر کس به موجب آنچه کسب نموده است پاداش داده شود و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (۲۳) پس آیا دیدی کسی را که هوای خویش را معبود خود قرار داده و خداوند او را با وجود آگاهی به بیراهه گذاشت و بر گوش و قلبش مهر زد و بر چشمش پرده ای نهاد. پس بعد از خدا کیست که او را هدایت کند، پس آیا پند نمی گیرید؟ (۲۴) و گفتند: جز همین زندگی دنیایی، زندگی دیگری نیست، می میریم و زنده می شویم (یک گروه می رویم و یک گروه می آییم) و ما را چیزی جز طبیعت و روزگار نبود نمی کند، در حالی که هیچگونه علمی بر این ادعا ندارند. آنان جز گروهی خیالباف نیستند. (۲۵) و هرگاه آیات روشن ما (درباره معاد) بر آنان تلاوت گردد، دلیل و حجتی ندارند، مگر آنکه گویند: اگر راست می گوئید پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید. (۲۶) بگو: خداست که شما را زنده می کند و سپس می میراند و آنگاه برای روز قیامتی که شکی در آن نیست همه را جمع می نماید ولی اکثر مردم نمی دانند. (۲۷) حکومت و فرمانروایی آسمان ها و زمین مخصوص خداست و روزی که رستاخیز بر پا شود، آن روز یاهو سرایان زیانکارند. (۲۸) (در روز رستاخیز) هر امتی را به زانو در آمده می بینی، در حالی که هر امتی به سوی کتابش (برای دادرسی) فراخوانده شده است. امروز آنچه را عمل می کردید دریافت خواهید کرد. (۲۹) این است کتاب

ما که به حق درباره شما سخن می گوید، همانا ما آنچه را انجام می دادید نسخه برداری و ثبت می کردیم. (۳۰) پس کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند پروردگارشان آنان را در رحمت خویش داخل می کند، این است آن رستگاری آشکار. (۳۱) و اما کسانی که کفر ورزیدند (به آنان گفته می شود) مگر آیات من بر شما خوانده نشد، پس استکبار ورزیدید و گروهی مجرم بودید. (۳۲) و هرگاه گفته شد که وعده الهی حق است و در قیامتی که (در پیش است) شکی نیست، گفتید: ما نمی دانیم قیامت چیست، ما آن را جز گمانی نمی پنداریم و ما به سراغ باور کردن آن نیستیم. (۳۳) و بدی های اعمالشان برایشان روشن شد و آنچه را به مسخره می گرفتند، فراگیرشان شد. (۳۴) و به آنان گفته شود: امروز ما شما را به فراموشی می سپاریم، همان گونه که شما دیدار امروزتان را به فراموشی سپردید، جایگاه شما آتش است و برای شما هیچ یابوری نیست. (۳۵) این به خاطر آنست که شما آیات خدا را مسخره گرفتید و زندگی دنیا مغرورتان کرد. پس امروز نه از آتش دوزخ خارج می شوند و نه از آنان خواسته می شود که رضایت خدا را بخواهند. (۳۶) پس سپاس و ستایش مخصوص خداوند است، پروردگار آسمان ها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان. (۳۷) و بزرگی در آسمان ها و زمین مخصوص اوست و اوست خدای عزیز و حکیم. (۳۸)

الأحقاف

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) حا، میم. (۲) نزول (این) کتاب از طرف خداوند عزیز و حکیم است. (۳) ما آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست، جز بر اساس حق و زمان بندی مشخص نیافریدیم، و (لی) کسانی که کفر ورزیدند، از آنچه بدان هشدار داده شده اند روی گردانند. (۴) بگو: آیا آنچه را به جای خداوند می خوانید، دیده اید؟

به من نشان دهید که چه چیزی را از زمین آفریده اند، یا در (آفرینش) آسمان ها چه مشارکتی داشته اند؟ اگر راستگو هستید، کتابی پیش از این (قرآن) یا نشانه ای علمی (بر ادعای خود) برای من بیاورید. (۵) و کیست گمراه تر از کسی که به جای خداوند، کسانی را می خواند که تا روز قیامت پاسخش را نمی دهند و حتی از خوانده شدن خود بی خبرند. (۶) و آنگاه که مردم محشور شوند، آنها دشمن شان خواهند بود و عبادتشان را انکار خواهند کرد. (۷) و هرگاه آیات روشنگر ما بر آنان خوانده شود، کسانی که کفر ورزیدند، در باره حقی که برایشان آمده، گویند: این سحر آشکار است. (۸) یا اینکه می گویند: (آنچه را پیامبر آورده) افتراست. بگو: اگر من آن را به دروغ به خدا بسته باشم، (در آن هنگام) شما در برابر قهر خداوند نمی توانید از من دفاع کنید. خداوند به آنچه در آن وارد می شوید (و به گفتگو و جدال می پردازید) آگاه تر است. برای گواه به میان من و شما خداوند کافی است و اوست بسیار آمرزنده و مهربان. (۹) بگو: من در میان پیامبران بی سابقه نیستم و نمی دانم با من و شما چگونه عمل خواهد شد و جز آنچه به من وحی می شود از چیز دیگری پیروی نمی کنم و من جز هشدار دهنده ای آشکار نیستم. (۱۰) بگو: اگر (این قرآن) از نزد خدا باشد و شما به آن کفر ورزید، در حالی که گواهی از بنی اسرائیل، بر همانند آن (یعنی تورات) گواهی داده و ایمان آورده، ولی شما (همچنان) تکبر ورزیده اید، آیا (عاقبت کار را) دیده اید؟ همانا خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند. (۱۱) و کسانی که کفر ورزیدند، درباره کسانی که ایمان آورده اند، گویند: اگر (اسلام) خوب بود،

آنان در پذیرفتن آن بر ما سبقت نمی گرفتند. و چون خود هدایت نیافتند، به زودی خواهند گفت: این دروغی سابقه دار است. (۱۲) و پیش از قرآن، کتاب موسی امام و رحمت بود و این کتاب که به زبان عربی است، تصدیق کننده (کتاب های آسمانی) است تا به ظالمان هشدار دهد و برای نیکوکاران بشارت باشد. (۱۳) همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس (بر ایمان و گفته خود) پایداری کردند، هیچ بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد. (۱۴) آنان به خاطر آنچه (از کارهای نیک) انجام می دادند، اهل بهشتند و همواره در آن خواهند ماند. (۱۵) و ما انسان را سفارش کردیم که به والدین خود نیکی کند، مادرش او را با سختی حمل کرد و با سختی به دنیا آورد و دوران حمل تا از شیر گرفتنش سی ماه (به طول کشد)، تا آنگاه که به رشد کامل رسد و چهل ساله شود، گوید: پروردگار! مرا توفیق ده تا نعمتی را که بر من و والدین من لطف کردی شکرگزاری کنم و عمل شایسته ای انجام دهم که تو آن را بپسندی و فرزندانم را برای من شایسته گردان، همانا من به سوی تو بازگشته و از مسلمین و تسلیم شدگانم. (۱۶) آنانند کسانی که بهترین آنچه را انجام داده اند، از آنان می پذیریم و از بدی هایشان درمی گذریم، در حالی که در زمره بهشتیانند. (این بهشت، همان) وعده راستی است که همواره به آنان وعده داده می شدند. (۱۷) و آنکه به والدین خود گفت: اُف بر شما، آیا به من وعده می دهید که (پس از مرگ از گور) خارج گردم، در حالی که نسل های بسیاری پیش از من گذشته اند (و هرگز زنده نشده اند). ولی والدین او،

خدا را به فریادرسی می خوانند (و به او می گویند): وای بر تو، ایمان بیاور قطعاً وعده خداوند حق است، اما او می گوید: این (وعده ها) جز افسانه پیشینیان نیست. (۱۸) آنان کسانی هستند که در میان اقوام کافری از جن و انس که پیش از آنان بودند، عذاب خدا بر آنان قطعی شده است، حتماً آنان زیانکارانند. (۱۹) و برای هر یک (از جن و انس، گذشتگان و آیندگان)، از آنچه انجام داده اند، در جاتی است (که به آن خواهند رسید) و (خداوند) جزای کارهایشان را کامل بدهد و آنان مورد ستم قرار نگیرد. (۲۰) و (یاد کن) روزی که کافران بر آتش عرضه شوند. (به آنان گفته شود): شما در زندگی دنیا، نعمت های دل پسندان را تلف کردید و از آنها کامیاب شدید (و برای امروزتان چیزی ذخیره نکردید) پس امروز به خاطر استکبار ناحقی که در زمین داشتید و پیوسته مرتکب گناه می شدید به عذاب خوارکننده کیفر داده می شوید. (۲۱) و سرگذشت برادر قوم عاد (حضرت هود) را یاد کن آنگاه که قومش را در منطقه احقاف هشدار داد. در حالی که پیش از او و پس از او هشدار دهندگانی آمده بودند. (او به مردم گفت): جز خدا را نپرستید که من از عذاب روز بزرگ بر شما می ترسم. (۲۲) (قوم عاد به حضرت هود) گفتند: آیا به سراغ ما آمده ای تا ما را از خدایانمان برگردانی؟ پس اگر از راستگویانی آنچه را وعده می دهی برای ما بیاور. (۲۳) هود گفت: علم (به زمان وقوع قیامت) تنها نزد خداست و من آنچه را بدان فرستاده شده ام به شما ابلاغ می کنم ولی (متأسفانه) شما را گروهی جاهل می بینم. (۲۴) پس چون آن توده ی ابر را دیدند که به سمت

سرزمین آنان روی آورده است، گفتند: این ابر باران زاست، (هود گفت: چنین نیست) بلکه آن عذابی است که به شتاب خواستارش بودید. بادی که در آن عذابی دردناک نهفته است. (۲۵) (آن باد) به فرمان پروردگارش همه چیز را در هم می‌کوبد. پس صبح کردند در حالی که چیزی جز خانه‌هایشان دیده نمی‌شد، اینگونه، تبه‌کاران را جزا می‌دهیم. (۲۶) و همانا به قوم عاد چنان امکاناتی دادیم که به شما (اهل مکه) ندادیم و به آنان گوش و چشم و دل دادیم ولی گوش و چشم و دل آنان به حالشان سودی نبخشید، زیرا پیوسته آیات خدا را انکار می‌کردند و (بالاخره) عذابی که آن را به مسخره می‌گرفتند آنان را فراگرفت. (۲۷) و همانا آبادی‌هایی را که در اطراف شما (اهل مکه) بود، نابود کردیم و آیات خود را گونه‌گونه بیان کردیم تا شاید (از راه باطل خود) باز گردند. (۲۸) پس چرا معبودانی که به جای خداوند برای تقرّب برگزیده بودند، آنان را یاری نکردند؟ بلکه از نزد آنان محو شدند و این بود (سرانجام) انحراف آنان و آنچه که می‌بافتند. (۲۹) و آنگاه که گروهی از جن را به سوی تو روانه ساختیم تا قرآن را بشنوند، پس چون نزد آن حاضر شدند، گفتند: خاموش باشید (و گوش فرا دهید) پس چون (شنیدن آیات) به انجام رسید به سوی قوم خود باز گشتند تا آنان را هشدار دهند. (۳۰) گفتند: ای قوم ما! همانا ما (آیات) کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده و کتاب‌های پیش از خود را تصدیق می‌کند. مردم را به سوی حق و به سوی راه راست هدایت می‌نماید. (۳۱) ای قوم ما! دعوت گرانگیز را اجابت کنید

و به او ایمان آورید تا خداوند از گناهانتان بر شما ببخشد و از عذاب دردناک امانتان دهد. (۳۲) و هر که دعوت گرهی را پاسخ نگوید، پس نمی تواند (عوامل قهر الهی) در زمین را عاجز کند و جز خداوند هیچگونه یآوری نخواهد داشت، آنان در گمراهی آشکارند. (۳۳) آیا ندیده اند که خداوندی که آسمان ها و زمین را آفریده و در آفرینش آنها درنمانده، می تواند مردگان را زنده کند، آری، او بر هر کاری بسیار تواناست. (۳۴) و روزی که کافران بر آتش عرضه شوند (به آنان گفته شود): آیا این (جهنم) حق نیست؟ گویند: به پروردگاران سوگند که چنین است. (خداوند به آنان) گوید: پس به خاطر کفرتان، عذاب را بچشید. (۳۵) پس (ای پیامبر،) صبر کن همان گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند و برای (عذاب) آنان شتاب نکن. روزی که آنچه را وعده داده شده اند بنگرند گویی جز ساعتی از روز (در دنیا) نمانده اند (این) ابلاغی است (برای همگان) پس آیا جز گروه بدکار هلاک می گردند؟ (۳۶)

محمد

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، (خداوند) اعمالشان را تباه گردانید. (۲) و کسانی که (به خدا) ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده اند و به آنچه بر محمد نازل شده که حق است و از جانب پروردگارشان است ایمان آورده اند، خداوند بدی های آنان را پوشاند و کارشان را به سامان آورد. (۳) این (دو گونه سرانجام) به خاطر آن است که کسانی که کفر ورزیدند، از باطل پیروی کردند و کسانی که ایمان آوردند، از همان حقی که از طرف پروردگارشان (نازل شده) است پیروی نمودند. این گونه خداوند برای (بیداری) مردم مثال حالشان را بیان می کند. (۴) پس

هرگاه با کسانی که کافر شدند (در میدان جنگ) روبرو شدید، گردن هایشان را بزنید تا آن که آنان را از پا درآورید (و چون در دست شما اسیر شوند) پس آنان را سخت ببندید (تا فرار نکنند) سپس، یا بر آنان منت نهید (و آزادشان کنید) و یا با گرفتن فدیة و عوض رهایش کنید تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد. این است (دستور خداوند) و اگر خداوند اراده می کرد، (از طریق صاعقه و زلزله و دیگر بلاها) از آن کفار انتقام می کشید ولی خدا (فرمان جنگ داد) تا برخی از شما را به وسیله برخی دیگر بیازماید، و کسانی که در راه خدا کشته شدند هرگز خداوند اعمالشان را از بین نمی برد. (۵) خداوند، به زودی آنان را (به سوی مقامات والا) هدایت می کند و حال و کارشان را نیکو می گرداند. (۶) و در بهشتی که برای آنان توصیف کرده، وارد می سازد. (۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می سازد. (۸) و کسانی که کفر ورزیدند، بر آنان نگون ساری باد و (خداوند) اعمالشان را نابود گردانید. (۹) این (هلاکت) به خاطر آن است که آنچه را خداوند نازل کرده، ناخوش داشتند، پس (خداوند) کارهایشان را تباه (و بی ارزش) نمود. (۱۰) پس آیا در زمین سیر نکردند، تا بنگرند سرانجام کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟ خداوند آنان را هلاک کرد و برای این کافران نیز همانند آن کیفرها خواهد بود. (۱۱) این (کیفر کافران) به خاطر آن است که خداوند، یاور کسانی است که ایمان آورده اند و همانا کافران یآوری ندارند. (۱۲) همانا خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام

داده اند به باغ‌هایی (از بهشت) که نه‌رها از زیر (درختان) آن جاری است داخل می‌کند. و کسانی که کفر ورزیدند (از زندگی دنیا) بهره می‌گیرند و همان‌گونه که چهارپایان می‌خورند می‌خورند، و (سرانجام،) جایگاه آنهاست. (۱۳) و چه بسیار (مردم) شهرها که از (مردم) شهری که تو را بیرون کردند، نیرومندتر بودند، ما آنان را هلاک کردیم و برای آنان هیچ یآوری نبود. (۱۴) پس آیا کسی که بر دلیل روشنی از طرف پروردگارش است، همچون کسی است که بدی کردارش در نظرش آراسته شده و از هوس‌هایش پیروی کرده است؟ (۱۵) و صف بهشتی که اهل پروا به آن وعده داده شده‌اند، (چنین است): در آن نه‌رهایی است از آبی که بدبو شدنی نیست و نه‌رهایی از شیر که مزه آن دگرگونی ندارد و نه‌رهایی از شراب که برای نوشندگان لذت بخش است و نه‌رهایی از عسل مصفاً و ناب. و برای آنان در آنجا هرگونه می‌ای موجود است و نیز آمرزشی از طرف پروردگارشان. (آیا اینان) همانند کسانی هستند که در آتش جاودانه‌اند و آبی جوشان، نوشانده می‌شوند، که اندرونشان را متلاشی می‌کند. (۱۶) و گروهی از آنان، کسانی هستند که (در ظاهر) به تو گوش می‌سپارند، اما همین که از نزد تو بیرون روند، به صاحبان علم و دانش گویند: او هم اکنون چه گفت؟ آنان کسانی هستند که خداوند بر دل‌هایشان مهر نهاده و از هوای نفسشان پیروی کرده‌اند. (۱۷) و کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند هدایتشان را بیفزاید و روح پرهیزگاری به آنان عطا کند. (۱۸) پس آیا (کفار برای ایمان آوردن) قیامت را انتظار دارند، که ناگهان به سراغشان آید، در حالی که نشانه‌های آن آمده است. پس آنگاه که (رستاخیز) به

سراغشان آید متذکر شدن آنان چه سودی برایشان خواهد داشت؟! (۱۹) پس بدان که هیچ معبودی جز الله نیست و برای گناه خود و برای مردان و زنان با ایمان استغفار کن و خداوند، رفت و آمد و آرمیدن شما را می داند (و به تمام حالات شما آگاه است). (۲۰) و کسانی که ایمان آورده اند می گویند: چرا سوره ای (برای جهاد) نازل نمی شود؟ پس هنگامی که سوره ای محکم و روشن نازل می گردد که در آن نامی از جنگ رفته است، بیمار دلان را می بینی که به تو نگاه می کنند مانند نگاه کردن کسی که از (سکرات) مرگ بی هوش شده است، پس همان مرگ برایشان سزاوارتر است. (۲۱) فرمانبرداری باید و سخن سنجیده. پس هنگامی که امر (کارزار) قطعی شد، اگر به خدا راست گویند (و صادقانه جهاد کنند)، قطعاً برایشان بهتر است. (۲۲) پس (ای بیمار دلانِ سست ایمان!) اگر (از جهاد) روی گردانید، جز این از شما انتظار نمی رود که در زمین فساد کنید و پیوندهای خویشاوندی را قطع کنید. (۲۳) آنانند کسانی که خداوند از رحمت خویش دور و (گوششان را) کر و چشم هایشان را کور ساخته است (نه حقی می شنوند و نه حقی می بینند). (۲۴) آیا در قرآن تدبیر و تأمل نمی کنند یا بر دلهایشان قفل ها است. (۲۵) همانا کسانی که پس از آن که راه هدایت برایشان روشن شد به آن پشت کردند، شیطان (رفتار بدشان را) برایشان آراسته و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است. (۲۶) این، به خاطر آن است که (بیمار دلان مرتد) به کسانی که از دستورات الهی ناخوش بودند، گفتند: ما در بعضی امور از شما اطاعت خواهیم کرد، در حالی که خداوند پنهان کاری آنان را می داند. (۲۷) پس (حال آنان) چگونه خواهد بود، آنگاه که

فرشتگان جانشان را بازگیرند در حالی که به صورت و پشت آنان می‌کوبند. (۲۸) این (نوع جان گرفتن) به خاطر آن است که آنان از آنچه خداوند را به خشم می‌آورد، پیروی کرده و خشنودی خدا را خوش نداشتند، پس خداوند نیز اعمالشان را تباه کرد. (۲۹) آیا کسانی که در دل هایشان بیماری (نفاق و کفر) است، پنداشته‌اند که خداوند هیچ وقت کینه‌ها و حسادتشان را آشکار نخواهد کرد؟ (۳۰) و اگر بخواهیم آنان را به تو می‌نمایانیم، آنگاه ایشان را به سیمایشان می‌شناسی و در شیوه و آهنگ کلامشان نیز آنان را خواهی شناخت و خداوند (ظاهر و باطن) کارهایتان را می‌داند. (۳۱) ما قطعاً شما را می‌آزماییم تا از میان شما مجاهدان و صابران را معلوم بداریم و اخبار (و اعمالتان) را آزمایش خواهیم کرد. (۳۲) همانا کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند و بعد از آنکه برایشان راه هدایت روشن شد، با پیامبر مخالفت کردند، هرگز به خداوند گزند نرسانند و زود باشد که خداوند اعمالشان را تباه سازد. (۳۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از رسول (نیز) پیروی نمایید و کارهایتان را باطل نسازید. (۳۴) همانا کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، سپس در حال کفر از دنیا رفتند، پس خداوند هرگز آنان را نخواهد بخشید. (۳۵) پس سستی نوزید، تا به سازش دعوت کنید، با اینکه شما برترید و خداوند با شماست و هرگز چیزی از (پاداش) اعمالتان را کم نمی‌کند. (۳۶) زندگی دنیوی، تنها بازیچه و سرگرمی است و اگر ایمان آورید و پروا پیشه کنید، خداوند به شما پاداش می‌دهد و اموالتان را نمی‌خواهد. (۳۷) اگر خداوند اموالتان را بخواهد و به

آن اصرار ورزد، بخل می ورزید و (به سبب همین بخل) کینه های شما را آشکار می سازد. (۳۸) آگاه باشید! این شماست که برای انفاق در راه خدا دعوت می شوید، پس بعضی از شما بخل می ورزند و هر کس بخل ورزد، فقط نسبت به خود بخل می ورزد و خداوند غنی و بی نیاز است و شما باید نیازمندان و اگر روی بگردانید، قومی غیر شما را جانشین شما می کند که آنان مثل شما (سست ایمان و بخیل) نباشند. (۳۹)

الفتح

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) همانا ما گشایش آشکاری را برای تو پیش آوردیم. (۲) تا خداوند برای تو گناه پیش و پس (از هجرت را که کفار مکه به تو نسبت می دهند) ببخشد و نعمتش را بر تو تمام کند و تو را به راه راست هدایت نماید. (۳) و خداوند تو را با پیروزی شکست ناپذیری یاری نماید. (۴) اوست که آرامش را به دل های مؤمنان نازل کرد، تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند و لشکریان آسمان ها و زمین برای خداست و خداوند، دانای حکیم است. (۵) تا خداوند مردان و زنان با ایمان را، به باغ هایی (از بهشت) که نهلهایی از زیر (درختان) آن جاری است، داخل کند، در حالی که جاودانه در آن باشند و گناهانشان را می پوشاند و این نزد خداوند، رستگاری و کامیابی بزرگی است. (۶) و مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خداوند گمان بد دارند، (و می گویند خداوند پیامبرش را یاری نخواهد کرد)، عذاب کند، بدی بر آنها احاطه کرده است، خداوند بر آنان غضب کرده و از رحمت خود دورشان ساخته و برایشان جهنم را آماده کرده است که بد سرانجامی است. (۷) و برای خداوند است، لشکریان آسمان ها و زمین و

خداوند شکست ناپذیر حکیم است. (۸) همانا ما تو را گواه (بر اعمال) و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم. (۹) تا به خدا و رسولش ایمان آورید و او را یاری کنید و بزرگش بدارید و خداوند را بامدادان و شامگاهان، تسبیح گوید. (۱۰) همانا کسانی که با تو بیعت می کنند، در واقع با خدا بیعت می کنند، دست خداوند بالای دست آنهاست، پس هر کس پیمان شکنی کند، به زیان خود پیمان می شکند و هر کس به آنچه با خداوند عهد بسته وفا کند، خداوند به زودی پادش بزرگی به او خواهد داد. (۱۱) بزودی اعراب بازمانده از جنگ و جهادگريزان، (برای توجیه خلاف خود) به تو خواهند گفت: اموال و خانواده هایمان ما را مشغول و سرگرم ساخت (و نتوانستیم تو را همراهی کنیم). پس برای ما (از خداوند) طلب آمرزش کن. آنان به زبان چیزی می گویند که در دل هایشان نیست. (آنان) بگو: اگر خداوند برای شما زیانی اراده کند، یا برای شما سودی بخواهد، کیست که در برابر خداوند از شما دفاع کند، بلکه خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۲) بلکه (نافرمانی و فرار شما به خاطر آن بود که) گمان کردید پیامبر و مؤمنان هرگز (به سلامت) به خانواده های خود باز نخواهند گشت و این در دل های شما آراسته شد و گمان بد کردید و (این گونه) مردمی بدبخت شدید. (۱۳) و هر کس به خدا و پیامبرش ایمان نداشته باشد، پس ما برای کافران آتش شعله ور آماده کرده ایم. (۱۴) حکومت آسمان ها و زمین برای خداوند است، هر که را بخواهد (و شایسته بدانند) می بخشد و هر که را بخواهد (و سزاوار بدانند) عذاب می کند و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۵) آنگاه که شما به سوی

غنائم (خیبر) حرکت کردید تا آن‌ها را برگیرید، متخلفان (از حدیبیه) می‌گویند، بگذارید به دنبال شما بیاییم، آنان می‌خواهند کلام خدا را (که فرموده است: غیر از اصحاب حدیبیه در خیبر شرکت نکنند) تغییر دهند. (به آنان) بگو: شما هرگز نبای نبال ما بیائید، این گونه خداوند (درباره شما) از قبل گفته است. پس آنان بزودی می‌گویند که شما نسبت به ما حسد می‌برید (و نمی‌خواهید ما نیز از غنائم بهره‌ای ببریم. چنین نیست) ولی آنان جز اندکی نمی‌فهمند. (۱۶) به بادیه نشینان متخلف بگو: به زودی (برای جنگ) با گروهی زورمند دعوت خواهید شد، با آنان بجنگید یا اسلام آورند، پس اگر اطاعت کنید (و دعوت را قبول) کنید، خداوند پاداش نیک به شما خواهد داد و اگر سرپیچی کنید، همان گونه که پیش از این نافرمانی کردید، شما را عذابی دردناک عذاب خواهد کرد. (۱۷) بر نایبنا گناهی نیست و بر لنگ گناهی نیست و بر بیمار گناهی نیست، (که به جهاد نروند) و هر کس خدا و رسولش را پیروی کند، (خداوند) او را در باغ‌هایی (بهشتی) که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، داخل می‌کند و هر کس سرپیچی کند، او را به عذابی دردناک، عذاب خواهد کرد. (۱۸) همانا خداوند از مؤمنان راضی شد، آنگاه که (در حدیبیه) زیر آن درخت با تو بیعت کردند، پس خداوند آنچه را در دل هایشان (از ایمان و صداقت) بود، دانست، بنابراین آرامش را بر آنان نازل کرد و پیروزی نزدیکی را پاداش آنان قرار داد. (۱۹) و غنائم بسیاری که به چنگ خواهند آورد، و خداوند عزیز و حکیم است. (۲۰) خداوند، غنیمت‌های بسیاری به شما وعده داده است که آنها را

خواهید گرفت، پس این (غنائیم خبیر) را زودتر برای شما فراهم ساخت و دست مردم را از (تعرض بر) شما بازداشت، تا برای مؤمنان نشانه (و عبرتی) باشد و شما را به راهی راست، هدایت کند. (۲۱) و (غنائیم) دیگری (نصیبتان می کند) که شما بر آنها قدرت ندارید، ولی خداوند بر آنها احاطه دارد و خداوند بر هر چیزی توانمند است. (۲۲) و اگر کسانی که کفر ورزیدند با شما کارزار کنند، (توان مبارزه با شما را ندارند و) عقب نشینی و پشت کرده و آنگاه هیچ سرپرست و یآوری نخواهند یافت. (۲۳) (این پیروزی شما و ترس و شکست کفار،) سنت خداوند است که از پیش جاری بوده است و هرگز برای سنت های خداوند، تغییر و تبدیلی نخواهی یافت. (۲۴) و او کسی است که بعد از آنکه شما را (در حدیبیه) بر آنان پیروز ساخت، در درون مکه (نیز) دست آنان را از شما و دست شما را از آنان کوتاه کرد و خداوند به هر کاری که می کنید بیناست. (۲۵) آنان کسانی هستند که کفر ورزیدند و شما را از مسجدالحرام و قربانی های نگاه داشته شده را از رسیدن به محل قربانگاه باز داشتند و اگر مردان و زنان با ایمانی (در مکه) نبودند که (به خاطر فرمان حمله) آنان را نشناخته پایمال کنید و ناآگاهانه از سوی مسلمین، کش شده و به شما ضرر برسد (ما فرمان جنگ و حمله به مکه و مبارزه با این کفار را صادر می کردیم، ولی این فرمان را ندادیم) تا خداوند هر کس را بخواهد، در رحمت خود داخل کند. اگر (مؤمنان و مشرکان) از هم جدا بودند، قطعاً کسانی از اهل مکه را که کفر

ورزیدند، به دردناکی معذب می کردیم. (۲۶) آنگاه که کافران، تعصب (آن هم) تعصب جاهلیت را (نسبت به شما) در قلب های خود جا داده بودند. پس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد (و آنان برای صلح آماده شدند) و خداوند آنان را به حقیقت تقوی ملزم ساخت که به آن سزاوارتر و اهل آن بودند داوند به همه چیز آگاه است. (۲۷) همانا خداوند، آن رؤیا را برای پیامبرش به حق تحقق بخشید. شما مسلمین ان شاء الله آسوده خاطر، در حالی که سرهای خود را تراشیده اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید، به مسجدالحرام داخل خواهید شد. خداوند چیزی را دانست که شما نمی دانستید، پس غیر از این، پیروزی نزدیکی (در خیبر) برای شما قرار داد. (۲۸) او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خداوند گواه این موضوع باشد. (۲۹) محمد رسول خداست و کسانی که با او هستند، بر کفار، سخت و در میان خودشان مهربانند. آنان را پیوسته در رکوع و سجود می بینی، که فضل و رضوان را از خدا می جویند، نشانه آنان در رخسارشان از اثر سجود نمایان است. این است وصف ایشان در تورات و وصف آنان در انجیل، نند زراعتی است که جوانه را از زمین خارج کرده، پس آن را نیرو داده تا سخت شود و بر ساقه ی خود بایستد، آن گونه که کشاورزان را به شگفتی و شادی وامی دارد. تا خداوند بواسطه مؤمنین کفار را به خشم آورد، ولی خداوند به کسانی از کفار که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام

الحجرات

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! (در هیچ کاری) بر (حکم) خدا و پیامبر او پیشی نگیرید و از خداوند پروا کنید، که خداوند شنوا و دانا است. (۲) ای کسانی که ایمان آورده اید! (در گفتگو با پیامبر) صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید و آن گونه که با یکدیگر بلند گفتگو می کنید، با پیامبر بلند سخن مگویید! مبادا (به خاطر این بی ادبی،) اعمالتان نابود شود و شما آگاه نشوید. (۳) همانا کسانی که نزد پیامبر (از روی ادب و احترام) صدایشان را پایین می آورند، آنان کسانی هستند که خداوند دلهایشان را برای (پذیرش) تقوا آزمایش (و آماده) کرده و آمرزش و پاداش بزرگ مخصوص آنها است. (۴) همانا کسانی که از پشت حجره ها تو را می خوانند، اکثرشان تعقل نمی کنند. (۵) و اگر صبر کنند تا به سوی آنان خارج شوی، قطعاً برایشان بهتر است و خداوند بخشنده مهربان است. (۶) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر فاسقی برای شما خبری مهم آورد تحقیق کنید، مبادا (از روی زودباوری و شتاب زدگی تصمیم بگیرید و) ناآگاهانه به قومی آسیب رسانید، سپس از کرده ی خود پشیمان شوید. (۷) و بدانید که در میان شما رسول خداست که (شما باید از او پیروی کنید و) اگر او در بسیاری از امور پیرو شما باشد، قطعاً به سختی و مشقت خواهید افتاد، ولی خدا ایمان را محبوب شما قرار داده و در دلهایتان آن را زینت بخشیده است و کفر، فسق و گناه را مورد تنفر شم رار داده است. آنها همان رشد یافتگان هستند. (۸) (این علاقه به ایمان و تنفر از کفر،) فضل و نعمتی بزرگ از طرف خداوند است

و خداوند آگاه و حکیم است. (۹) و اگر دو گروه از مؤمنان به نزاع و جنگ پرداختند، پس میان آنان صلح و آشتی برقرار کنید. سپس اگر یکی از دو گروه بر دیگری تجاوز کرد، با متجاوز بجنگید تا به فرمان خداوند باز گردد. پس اگر متجاوز بازگشت (و دست از تجاوز برداشت)، میان آن دو گروه به عدالت صلح برقرار کنید و عدالت ورزید که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. (۱۰) همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند، پس میان برادران خود، (در صورت اختلاف و نزاع) صلح و آشتی برقرار کنید و از خدا پروا کنید تا مورد رحمت قرار گیرید. (۱۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! مبادا گروهی (از شما) گروهی دیگر را مسخره کند، چه بسا که مسخره شدگان بهتر از مسخره کنندگان باشند و زنان نیز، زنان دیگر را مسخره نکنند، شاید که آنان بهتر از اینان باشند و در میان خودتان عیب جویی نکنید و یکدیگر را با لقب های نخوانید. (زیرا) فسق بعد از ایمان، بد رسمی است، (و سزاوار شما نیست). و هر کس (از این اعمال) توبه نکند، پس آنان همان ستمگرانند. (۱۲) ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری گمان ها دوری کنید، زیرا بعضی گمان ها گناه است. و (در کار دیگران) تجسس نکنید و بعضی از شما دیگری را غیبت نکند، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (هرگز) بلکه آن را ناپسند می دانید و از پروا کنید، همانا خداوند توبه پذیر مهربان است. (۱۳) ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرمی ترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست،

همانا خدا دانای خبیر است. (۱۴) آن اعراب بادیه نشین گفتند: ما ایمان آورده ایم، به آنان بگو: شما هنوز ایمان نیاورده اید، بلکه بگوئید: اسلام آورده ایم و هنوز ایمان در دل‌های شما وارد نشده است و اگر خدا و رسولش را اطاعت کنید، خداوند ذره ای از اعمال شما کم نمی کند. همانا خداوند آمرزنده ربان است. (۱۵) مؤمنان، تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده و دچار تردید نشدند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند. اینانند که (در ادعای ایمان) راستگویانند. (۱۶) بگو: آیا شما، خدا را از دین و ایمان خود آگاه می کنید، در حالی که خداوند آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می داند و خداوند به هر چیزی دانا است؟! (۱۷) آنان بر تو منت می گذارند که اسلام آورده اند. بگو: اسلام آوردنتان را بر من منت ننهید، بلکه این خداوند است که بر شما منت دارد که شما را به سوی ایمان هدایت کرد، اگر راست می گوئید. (۱۸) همانا خداوند نهان آسمان‌ها و زمین را می داند و خداوند به آنچه عمل می کنید آگاه است. (۱۹)

ق

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) قاف، سوگند به قرآن با عظمت، (که نبوت تو و وقوع قیامت حق است). (۲) بلکه از آمدن پیامبری هشدار دهنده از میان خودشان در شگفت شدند، پس کافران گفتند: این (سخنان که از قیامت خبر می دهد) چیز عجیبی است! (۳) آیا هنگامی که مردیم و خاک شدیم (دوباره زنده می شویم؟) این برگشت بعید است. (۴) بدون شک هر چه را زمین از آنان می کاهد می دانیم و نزد ما کتابی است که (همه چیز را در خود) حفظ می کند. (۵) بلکه سخن حق را چون به سراغشان آمد، تکذیب کردند، پس در کار (نبوت

و معاد) سردرگمند. (۶) پس آیا به آسمان بالای سرشان نگاه نکرده اند که چگونه آن را بنا کردیم و (با ستارگان) زینت دادیم و آن را هیچ شکاف و خللی نیست؟ (۷) و زمین را بگسترديم و کوه های استوار در آن افکنديم و از هر نوع گیاه با طراوت در آن رویانديم. (۸) تا برای هر بنده ای که (به سوی حق)، روی می آورد، مایه ی بینش و پند باشد. (۹) و از آسمان، آبی پر برکت نازل کردیم، پس به وسیله آن باغ ها و دانه های درو شدنی رویانديم. (۱۰) و نیز درختان بلند خرما با خوشه های پر و برهم چیده. (۱۱) تا رزق بندگان باشد و بدان باران، زمین مرده را زنده کردیم، خروج (از گور نیز) این گونه است. (۱۲) پیش از اینان، قوم نوح و اصحاب رس و قوم ثمود، (پیامبران را) تکذیب کردند. (۱۳) و (نیز قوم) عاد و فرعون و برادران لوط. (۱۴) و اصحاب ایکه (قوم شعیب) و قوم تبع (پادشاهان یمن) همگی پیامبران را تکذیب کردند، پس وعده عذاب من، بر آنان قطعی شد (و نابود شدند). (۱۵) مگر در آفرینش نخستین و امانديم (تا از باز آفریدن شما در رستاخیز درمانده باشیم)، بلکه آنان از آفرینش جدید در تردیدند. (۱۶) و همانا ما انسان را آفریده ایم و هر چه را که نفسش او را وسوسه می کند می دانیم و ما از رگ گردن به او نزدیک تریم (و بر او مسلطیم). (۱۷) (یاد کن) آنگاه که دو فرشته (ملازم انسان) از راست و چپ، (به مراقبت) نشسته (اعمال آدمی را) دریافت می کنند. (۱۸) (انسان) هیچ سخنی به زبان نمی آورد، مگر آنکه در کنارش (فرشته ای) نگهبان حاضر و آماده (ثبت) است. (۱۹) و بی هوشی مرگ به راستی فرا رسد (و به انسان گفته شود): این همان است که همواره از آن

می گریختی. (۲۰) و در صور (رستاخیز) دمیده شود، این است روز تحقّق وعده عذاب. (۲۱) و هر کس (به صحنه قیامت) می آید، با او دو فرشته است که یکی او را به جلو سوق می دهد و دیگری گواه اوست. (۲۲) (به او گفته می شود): همانا از این صحنه در غفلتی (عمیق) بودی، پس ما پرده (غفلت) تو را کنار زدیم و امروز چشمت تیزبین شده است. (۲۳) و (فرشته) همراه او گوید: اینک (نامه اعمال او) نزد من آماده است. (۲۴) (خداوند به دو فرشته سائق و شهید خطاب می کند): هر کفرییشه لجوج را به دوزخ افکنید. (۲۵) (آن که) مانع خیر است و متجاوز و شبهه افکن. (۲۶) آنکه با خداوند یکتا، معبود دیگری قرارداد، پس او را در عذاب سخت بیفکنید. (۲۷) (شیطان)، هم نشین او گوید: پروردگارا من او را به طغیان وادار نکردم، بلکه او خودش در گمراهی دور و درازی بود. (۲۸) (خداوند گوید): نزد من با یکدیگر مشاجره نکنید، من پیش از این وعده عذاب را به شما داده بودم. (۲۹) فرمان (افکندن کافر در دوزخ) نزد من تغییر نمی یابد و من هرگز به بندگانم، ستم نکنم. (۳۰) روزی که به دوزخ گوییم: آیا پر شدی؟ و او گوید: آیا بیش از این هم هست؟ (۳۱) و بهشت را برای تقوایندگان نزدیک آورند، بی آنکه دور باشد. (۳۲) (به آنان گویند): این است آنچه به شما وعده داده می شد، که برای هر انسان توبه کار و حافظ (حدود الهی است). (۳۳) آن که در نهان از خدای رحمان خشیت داشته و با دلی توبه کار (به سراغ خدا) آمده است. (۳۴) (به آنان گویند): به سلامت وارد بهشت شوید. این روز (برای شما) جاودانه است. (۳۵) برای اهل بهشت در آنجا هر چه بخواهند آماده است و نزد ما افزون (بر آن چه

خواهند، موجود) است. (۳۶) و پیش از اینان چه بسیار نسل هایی را که نیرومندتر از ایشان بودند و (با نیروی خود) به شهرها راه گشودند، هلاک کردیم. آیا (برای آنان) راه گریزی بود. (۳۷) همانا در این (تحولات تاریخی و هلاک سرکشان) پندی است برای کسی که دلی (بیدار) دارد و یا با حضور قلب، (به سخنان حق) گوش فرا دهد. (۳۸) و همانا ما آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست، در شش روز (دوره) آفریدیم و هیچ رنج و خستگی به ما نرسید. (۳۹) پس بر آنچه (مخالفان) می گویند، شکیا باش و پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب، پروردگارت را با سپاس و ستایش، تنزیه کن. (۴۰) و پاره ای از شب را به تسبیح او پرداز و به دنبال سجده ها (نیز خدا را تسبیح گوی). (۴۱) و گوش به زنگ روزی باش که منادی از مکان نزدیک ندا می دهد. (۴۲) روزی که آن صیحه حقیقی را (از صور اسرافیل) بشنوند، آن روز، روز خروج (مردم از قبرها) است. (۴۳) همانا این ما هستیم که زنده می کنیم و می میرانیم و بازگشت (همه) به سوی ماست. (۴۴) روزی که زمین به سرعت از روی آنان شکافته شود، (و آنان از گورها بیرون آیند). این حشر (و گردآوردن همه انسان ها) بر ما آسان است. (۴۵) ما به آنچه (مخالفان) می گویند آگاه تریم و تو مأمور به اجبار مردم نیستی (تا آنان را با زور به راه راست درآوری). پس هر که را از وعده عذاب من می ترسد، به وسیله ی قرآن پند ده. (۴۶)

الذاریات

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) سوگند به بادهایی که با شدت اشیا را پراکنده می کنند. (۲) پس به ابرهای گرانبار سوگند. (۳) پس به کشتی هایی که به آسانی در حرکتند سوگند. (۴) پس به فرشتگانی که کارها را تقسیم می کنند سوگند. (۵) همانا

آنچه وعده داده می شوید قطعاً راست است. (۶) و حتماً (روز) جزا واقع شدنی است. (۷) سوگند به آسمان دارای راه ها (و زیبایی های بسیار. (۸) همانا شما در گفتار گوناگون (سرگردان) هستید. (۹) هر که از حق منصرف گشت، (در آینده نیز) به انحراف کشیده خواهد شد. (۱۰) مرگ بر دروغ زنان (که بی دلیل و برهان درباره قرآن و قیامت سخن می گویند). (۱۱) آنان که در بی خبری و غفلت غرقند. (۱۲) می پرسند روز جزا چه وقت است. (۱۳) روزی است که آنها بر آتش سوزانده می شوند. (۱۴) (به آنان گفته می شود): عذابتان را بچشید، این همان عذابی است که درباره آن عجله داشتید. (۱۵) همانا اهل تقوی در باغ ها و (کنار) چشمه ها (جای دارند) (۱۶) آنچه را پروردگارشان به آنان عطا کند دریافت می دارند، آنان قبل از آن (در دنیا) نیکوکار بودند. (۱۷) (برنامه شان این بود که) اندکی از شب را می خوابیدند. (۱۸) و در سحرگاهان، استغفار می کردند. (۱۹) و در اموالشان، برای سائل و محروم حقی بود. (۲۰) و در زمین برای اهل یقین، نشانه هایی است. (۲۱) و در (آفرینش) خودتان (نیز نشانه هایی از قدرت، عظمت و حکمت الهی است). پس چرا (به چشم بصیرت) نمی نگرید؟ (۲۲) و (تقدیر و تدبیر) رزق شما و آنچه وعده داده می شوید، در آسمان و عالم بالاست. (۲۳) پس به پروردگار آسمان و زمین سوگند، این سخن ما حق است همچنان که شما سخن می گوئید. (همان طور که در سخن گفتن خود شک نمی کنید، در گفته های ما نیز شک نکنید.) (۲۴) آیا داستان میهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟ (۲۵) آیا داستان میهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟ آنگاه که بر او وارد شدند و سلام گفتند. (ابراهیم در پاسخ) گفت: سلام، شما را نمی شناسم. (۲۶) پس پنهانی به سراغ خانواده خود رفت و گوساله فربه (و بریان شده ای) را آورد. (۲۷) پس غذا را نزدیک میهمانان گذارد، (ولی با تعجب دید

دست به سوی غذا نمی برند،) گفت: چرا نمی خورید؟! (۲۸) پس ابراهیم از (غذا نخوردن) مهمانان در درون خود احساس ترس کرد، آنان به او گفتند: نترس (ما فرشتگان الهی هستیم) و آنگاه او را به نوجوانی دانا بشارت دادند. (۲۹) پس همسر ابراهیم (با شنیدن مژده فرزند) فریادکنان پیش آمد و به صورت خود زد و گفت: پیرزنی نازا (چگونه صاحب فرزند شود)؟! (۳۰) (فرشتگان به ابراهیم) گفتند: پروردگار تو این گونه گفته و البته او حکیم و داناست. (۳۱) (ابراهیم) گفت: پس ای فرستادگان، کاری که به دنبال آن آمده اید چیست؟ (۳۲) گفتند: ما به سوی قومی ستم پیشه فرستاده شده ایم. (۳۳) تا (برای هلاکتشان) سنگ هایی از گل بر آنان فرو ریزیم. (۳۴) (سنگ هایی که) نزد پروردگارت برای (نابودی) مسرفان نشاندار شده اند. (۳۵) پس هر کس از مؤمنان که در آنجا بود بیرون کردیم. (۳۶) و از مسلمانان به جز یک خانه در آنجا نیافتیم. (۳۷) و در آن (دیوار چیزی باقی نگذاشتیم و تنها) برای کسانی که از عذاب دردناک می ترسند، نشانه ای (برای عبرت) قرار دادیم. (۳۸) و در (سرگذشت) موسی (نیز نشانه و عبرتی است)، آنگاه که او را همراه با حجتی روشن و آشکار به سوی فرعون فرستادیم. (۳۹) پس فرعون با تکیه بر قدرت و سپاهی که داشت، روی برگرداند و گفت: او یا جادوگر است یا جن زده. (۴۰) پس ما او و سپاهیانش را (به قهر) گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم، در حالی که او سزاوار سرزنش بود. (۴۱) و در (سرگذشت) قوم عاد نیز آنگاه که بر آنان باد نازا (ویرانگر) فرستادیم (عبرت و نشانه هایی است). (۴۲) (این باد) هیچ چیزی را که بر آن می وزید باقی نمی گذاشت مگر آنکه آن را خرد و تباہ می کرد. (۴۳) و در (سرگذشت) قوم ثمود (نیز نشانه های عبرتی است) آنگاه که به

آنان گفته شد تا زمانی (کوتاه، از زندگی) بهره ببرید. (۴۴) آنان از فرمان پروردگارش سر باز زدند، پس در حالی که می نگرستند صاعقه آنان را فراگرفت. (۴۵) پس، نه توان برخاستن داشتند و نه توانستند از کسی یاری طلبند. (۴۶) و پیش از آنان قوم نوح (را هلاک کردیم، زیرا) مردمانی فاسق بودند. (۴۷) و آسمان را با قدرتی وصف ناپذیر بنا کردیم، و ما گسترش دهنده ایم. (۴۸) و زمین را گسترانیدیم، پس چه نیکو گسترش دهنده ایم. (۴۹) و از هر چیز دو زوج آفریدیم، باشد که یاد کنید و پند گیرید. (۵۰) پس به سوی خدا بگریزید، که همانا من از سوی او برای شما هشداردهنده ای آشکارم. (۵۱) و با خداوند، معبود دیگری قرار ندهید که من از سوی او برای شما هشداردهنده ای آشکارم. (۵۲) (ای پیامبر!) بدین گونه (که تو را تکذیب کردند) پیشینیان اینان نیز هیچ پیامبری برایشان نیامد مگر آنکه گفتند: جادوگر یا جن زده است. (۵۳) (آیا مخالفان در طول تاریخ) به یکدیگر سفارش کرده اند (که با انبیا این گونه برخورد کنند؟) نه، بلکه آنان مردمی طغیانگرند. (۵۴) پس، از آنان روی بگردان که تو مورد سرزنش نیستی. (۵۵) و (به مردم) تذکر بده که قطعاً تذکر برای مؤمنین مفید است. (۵۶) و جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا عبادت کنند. (۵۷) و من از آنان هیچ رزقی نمی خواهم و نمی خواهم که به من طعام دهند. (۵۸) زیرا خداوند است آن روزی رسانِ نیرومند استوار. (۵۹) پس همانا برای کسانی که ظلم کردند، سهم و نصیبی (از عذاب) همانند سهم هم مسلکانشان است، پس شتاب نکنند (که به آن خواهند رسید). (۶۰) پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند، از روزی که وعده داده می شوند. (۶۱)

الطور

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) به (کوه) طور سوگند. (۲) به کتابی نوشته شده. (۳) در صفحه ای گشوده سوگند. (۴) به آن خانه ی

آباد سوگند. (۵) به سقف برافراشته (آسمان) سوگند. (۶) به دریای شعله ور سوگند. (۷) که عذاب پروردگارت قطعاً واقع شدنی است. (۸) برای آن هیچ مانعی نیست. (۹) روزی که آسمان به شدت در هم پیچیده شود. (۱۰) و کوه ها از جا کنده شده و به شتاب روان گردند. (۱۱) پس در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان! (۱۲) آنان که در باطل فرو رفته و به یاوه سرایی (درباره آیات الهی) سرگرمند. (۱۳) روزی که به سختی به سوی آتش رانده می شوند. (۱۴) (و به آنان گفته می شود: این همان آتشی است که دائماً آن را تکذیب می کردید. (۱۵) پس آیا این (عذاب هم) جادو است؟ آیا شما آن را نمی بینید؟ (۱۶) در آن وارد شوید و بسوزید، پس صبر کنید یا صبر نکنید برای شما یکسان است، جز این نیست که در برابر آنچه عمل می کردید جزا داده می شوید. (۱۷) همانا پرهیزگاران در باغ ها (ی بهشت) و نعمت فراوان هستند. (۱۸) به آنچه پروردگارشان به آنان داده، شاد و مسرورند و پروردگارشان آنان را از عذاب دوزخ حفظ کرده است. (۱۹) (به آنان خطاب می شود: به خاطر اعمالی که انجام می دادید گوارا بخورید و بیاشامید. (۲۰) تکیه کنان بر تخت های ردیف شده و آنان را با حورالعین (زیبا رویان سیاه چشم) به ازدواج در آوریم. (۲۱) و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان، در ایمان از آنان پیروی کردند ما ذریه آنان را به ایشان ملحق نموده و از پاداش عملشان هیچ نگاهیم. (آری) هر کس در گرو کاری است که کسب کرده است. (۲۲) و پی در پی آنان را میوه و گوشت از هر نوع که بخواهند می دهیم. (۲۳) آنان در بهشت، جام شرابی را دست به دست دهند که در (نوشیدن) آن نه بیهوده گویی است و نه گنه کاری. (۲۴) و پیوسته (برای خدمت آنان)، نوجوانانی همچون مروارید در صدف، بر گرد آنان می چرخند. (۲۵) و بعضی

بهشتیان رو به دیگری نموده و از یکدیگر سؤال می کنند (که رمز این همه کامیابی در اینجا چیست؟) (۲۶) گویند: ما پیش از این (در دنیا) نسبت به خانواده خویش خیرخواه بودیم (و آنان را از عذاب الهی هشدار می دادیم). (۲۷) پس خداوند بر ما منت نهاد و ما را از عذاب سوزان حفظ کرد. (۲۸) زیرا ما پیش از این همواره او را می خواندیم، همانا اوست نیکوکار مهربان. (۲۹) پس (به مردم) تذکر بده که به لطف پروردگارت تو نه کاهن و پیشگویی و نه دیوانه و جن زده. (۳۰) بلکه می گویند: او شاعری است که ما انتظار فرا رسیدن مرگ ناخوش او را داریم. (۳۱) (به آنان) بگو: در انتظار باشید که من نیز با شما از منتظرانم. (شما در انتظار مرگ من و من در انتظار پیروزی بر شما). (۳۲) آیا عقل هایشان آنان را دستور می دهد به این (که به پیامبر تهمت بزنند؟) یا آنان خود قومی طغیانگرند. (۳۳) آیا می گویند: پیامبر، (قرآن را از پیش خود ساخته و) به خدا نسبت داده؟ (چنین نیست)، بلکه آنان (به سبب طغیان و حسد) ایمان نمی آورند. (۳۴) پس اگر راستگویند، سخنی مانند قرآن بیاورند. (۳۵) آیا از هیچ آفریده شده اند یا خود آفریدگار خویشند؟! (۳۶) یا آسمان ها و زمین را آفریده اند! بلکه (حق این است که) یقین نمی ورزند. (۳۷) آیا گنجینه های پروردگارت نزد آنان است یا (بر این عالم) سیطره و حکومتی دارند؟ (۳۸) آیا نردبانی دارند که به واسطه ی آن (اسرار آسمان ها را) می شنوند؟ (اگر چنین است) پس شنونده ی آنان دلیلی روشن بیاورد. (۳۹) آیا خداوند را دختران و شما را پسران است (که به خیال خودتان احساس برتری کنید)؟ (۴۰) آیا از آنان مزدی (برای رسالت خود) درخواست می کنی، که پرداخت آن بر آنان سنگین است؟ (۴۱) آیا غیب نزد آنان است و ایشان (هر

چه را می خواهند در لوح محفوظ) می نویسند؟(۴۲) یا مگر می خواهند (برای از بین بردن حق) نیرنگی بکار برند؟ (پس بدانند که) کافران، خود گرفتار کید خواهند شد.(۴۳) یا برای آنان معبودی جز خداوند است، منزه است خداوند از آنچه برای او شریک قرار می دهند.(۴۴) (آنان به قدری لجوجند که حتی) اگر ببینند پاره ای از آسمان فرو می افتد (باز هم ایمان نمی آورند و) می گویند: این ابری متراکم است (نه قهر خدا). (۴۵) پس آنان را (به حال خود) واگذارشان تا آن روزشان را که در آن گرفتار صاعقه (و قهر خدا) می شوند، ببینند.(۴۶) روزی که نیرنگ و ترفندشان آنان را هیچ سود نبخشد و (از هیچ سوی) یاری نشوند.(۴۷) و البته برای کسانی که ستم کردند، عذابی است غیر از این (در دنیا یا برزخ) ولی اکثر آنان نمی دانند.(۴۸) برای (انجام) فرمان پروردگارت پایداری کن، که تو در دید ما (و تحت حمایت ما) هستی و هنگامی که (از خواب) برمی خیزی، با ستایش پروردگارت او را به پاکی یاد کن.(۴۹) پس پاسی از شب و به هنگام ناپدید شدن ستارگان، خدا را تسبیح کن.(۵۰)

النجم

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱) سوگند به ستاره، چون فرو شود.(۲) همانا یار و مصاحب شما (محمّد صلی الله علیه و آله)، نه گمراه شده و نه منحرف گشته است.(۳) و نه از روی هوای نفس سخن می گوید.(۴) سخن او جز وحی که به او نازل می شود، نیست.(۵) (وحی را خداوند) قوی قدرت به او آموخت.(۶) (خداوند) صاحب صلابت که سلطه یافت.(۷) در حالی که او در افق برتر بود.(۸) سپس نزدیک شد پس نزدیک تر.(۹) تا جایی که فاصله اش به اندازه دو کمان یا کمتر شد.(۱۰) پس به بنده اش وحی کرد، آنچه را وحی کرد.(۱۱) قلب، آنچه را دید دروغ نخواند.(۱۲) پس آیا

بر سر آنچه می بیند با وی جدال می کنید؟ (۱۳) و همانا در نزولی دیگر او را دید. (۱۴) نزد سدره المنتهی. (۱۵) نزد سدره المنتهی. که بهشتِ امن نزد آن است. (۱۶) آنگاه که سدره المنتهی را پوشاند آن (نوری) که می پوشاند. (۱۷) دیده منحرف نگشت و تجاوز نکرد. (۱۸) همانا او برخی از نشانه های بزرگ پروردگارش را دید. (۱۹) آیا (بت های) لات و عزی را دیده اید؟ (۲۰) و منات، آن سومین بت دیگر. (۲۱) آیا (این گونه می پندارید که) پسر برای شما است و دختر برای خداوند؟ (۲۲) این (تقسیم شما) تقسیمی است ناعادلانه. (۲۳) این بت ها جز نام هایی بیش نیستند که شما و پدرانتان، نام گذاری کرده اید. خداوند هیچگونه برهانی (بر حقایق آنها) نفرستاده است. (مشرکان)، جز گمان و آنچه که دلخواهشان است پیروی نمی کنند، در حالی که از سوی پروردگارشان هدایت به سراغشان آمده است. (۲۴) آیا (می پندارید که) انسان، به هر چه آرزو دارد می رسد؟ (۲۵) پس آخرت و دنیا برای خداوندست. (۲۶) و چه بسا فرشتگانی که در آسمان ها هستند، (ولی) شفاعت آنان سودی ندارد، مگر بعد از آن که خداوند برای هر که بخواهد و رضایت دهد، اجازه شفاعت دهد. (۲۷) همانا کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را به نام دختران نام گذاری می کنند. (۲۸) در حالی که برای آنان (به این امر) هیچ علمی نیست، آنان جز گمان، از چیزی پیروی نمی کنند و قطعاً گمان، (انسان را) از حق بی نیاز نمی کند. (۲۹) پس، از هر که از یاد ما روی گرداند و جز زندگی دنیا را خواستار نبود روی گردان. (۳۰) آن، آخرین درجه از علم و شناخت آنان است. همانا پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده اند، بهتر می شناسد و کسانی را که هدایت یافته اند، بهتر می داند. (۳۱) و برای اوست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است تا کسانی را که بد

انجام دادند کیفر بدهد و کسانی را که نیکی کرده اند، به بهترین وجه پاداش دهد. (۳۲) کسانی که از گناهان بزرگ و زشتی های آشکار اجتناب می کنند جز گناهان ناخواسته، بی شک پروردگارت (نسبت به آنان) آمرزشش گسترده است. او به شما داناتر است آنگاه که شما را از زمین پدید آورد و آنگاه که شما در شکم مادرانتان جنین بودید، پس خود را بی عیب شمارید او به تقواییشان داناتر است. (۳۳) پس آیا دیدی آن که را اعراض کرد. (۳۴) پس آیا دیدی آن که را اعراض کرد. و اندکی (از مال) بخشید و دست کشید؟ (۳۵) آیا علم غیب نزد اوست و او (حقایق را) می بیند؟! (۳۶) آیا از آنچه در تورات موسی (درباره کمک به محرومان) آمده، او را خبر نداده اند؟ و (نیز صحف) ابراهیم که (حق را) به طور کامل ادا کرد. (۳۸) (در همه کتب آسمانی است) که هیچ کس بار دیگری را به عهده نخواهد گرفت. (۳۹) و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده، (بهره دیگری) نیست. (۴۰) و اینکه تلاش و سعی او را به زودی به وی بنمایند. (۴۱) سپس جزای کامل آن را به او بدهند. (۴۲) و پایان و بازگشت همگان به سوی پروردگار توست. (۴۳) و اوست که بخنداند و بگریاند. (۴۴) و اوست که بمیراند و زنده کند. (۴۵) و هموست که دو زوج نر و ماده را آفرید، (۴۶) از نطفه ای، آنگاه که (در رحم) فروریخته شود. (۴۷) و بر اوست آفرینش دیگر (در قیامت). (۴۸) و اوست که بی نیاز کند و نیازمند سازد. (۴۹) و اوست پروردگار (ستاره) شعری. (۵۰) و هموست که نسل پیشین عاد را هلاک کرد. (۵۱) و ثمود را نیز، پس (احدی از آنان) باقی نگذاشت. (۵۲) و پیش از آنان، قوم نوح

را که ستمکارتر و سرکش تر بودند. (۵۳) و شهرهای قوم لوط را فرو ریخت. (۵۴) پس آن شهرها را (با قهر و عذاب خود) پوشاند، آنچه پوشاند. (۵۵) پس در کدامیک از نعمت های پروردگارت تردید می کنی؟ (۵۶) این (پیامبر) هشدار دهنده ای از سنخ هشدار دهندگان پیشین است. (۵۷) رستاخیز نزدیک شد. (۵۸) جز خداوند، کسی برطرف کننده (شداید) آن روز نیست. (۵۹) پس آیا از این سخن، تعجب می کنید. (۶۰) و می خندید و گریه نمی کنید؟ (۶۱) در حالی که شما غافل و هوس رانید. (۶۲) پس تنها خدا را سجده کنید و پرستش نمایید. (۶۳)

القمر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) قیامت نزدیک شد و ماه بشکافت. (۲) و اگر معجزه ای بینند اعراض کنند و گویند: این سحری است پی در پی. (۳) و تکذیب کردند و از هوس های خود پیروی نمودند و هر کاری (سرانجام) جایگاه و قرارگاهی دارد. (۴) و همانا از خبرهای مهم، آن چه مایه دست برداشتن (از کفر) است برای آنان آمد. (۵) (با این که آن اخبار،) حکمتی رسا بود، ولی بیم دهندگان (برای افراد لجوج) سودی نبخشیدند. (۶) پس، از آنان روی بگردان، (و منتظر باش) روزی را که دعوت کننده، (آنان را) به سوی چیزی ناخوش (و عذاب دوزخ) فرا خواند. (۷) آنان در حالی که چشم هایشان (از ترس و وحشت) فرو افتاده، همچون ملخ های پراکنده از قبرها خارج می شوند. (۸) باگردن های کشیده، سراسیمه به سوی دعوت کننده می روند. کفار می گویند: این روز سختی است. (۹) پیش از این (کفار که پیامبر را تکذیب می کنند) قوم نوح، بنده ی ما را تکذیب کردند، و (علاوه بر تکذیب) گفتند: او دیوانه است و از راه صحیح بازمانده است. (۱۰) پس نوح پروردگارش را (چنین) خواند که من مغلوب هستم، پس مرا یاری کن. (۱۱) پس ما درهای آسمان را با ریزش باران باز نمودیم. (۱۲) و از زمین چشمه هایی جوشانیدیم، پس آب (زمین و آسمان) بر اساس امری که

مقدر شده بود به هم پیوستند. (۱۳) و نوح را بر (کشتی ای که) دارای تخته ها و میخ ها بود سوار کردیم. (۱۴) کشتی (حامل نوح و پیروانش) زیر نظر ما به حرکت در آمد. (این امر) پاداش پیامبری بود که مورد تکذیب و کفر قرار گرفت. (۱۵) و همانا ما کشتی را به عنوان نشانه باقی گذاشتیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۱۶) پس عذاب و هشدار من چگونه است؟ (۱۷) و همانا ما قرآن را برای تذکر (و پندپذیری)، آسان ساختیم، پس آیا پندپذیری هست؟ (۱۸) قوم عاد (پیامبر خود را) تکذیب کردند، پس عذاب و هشدار من چگونه بود؟ (۱۹) ما بر آنان در روزی شوم، پی در پی تند بادی سخت و سرد فرستادیم. (۲۰) (تندبادی که) مردم را همچون تنه های خرما ی ریشه کن شده از جا برمی کند. (۲۱) پس عذاب و هشدار ما چگونه است؟ (۲۲) و همانا ما قرآن را برای پندپذیری آسان نمودیم، پس آیا پندپذیری هست؟ (۲۳) قوم ثمود، هشدار دهندگان را تکذیب کردند. (۲۴) پس گفتند: آیا از میان خود از انسانی تک و تنها پیروی کنیم؟ در این صورت ما در گمراهی و جنونی عمیق خواهیم بود. (۲۵) آیا از میان ما تنها بر او وحی نازل شده است؟ بلکه او بسیار دروغگو و خودخواه است. (۲۶) در آینده خواهند دانست که دروغگو و خودخواه کیست. (۲۷) همانا ما شتر ماده را برای آزمایش آنان فرستادیم (و به حضرت صالح گفتیم: پس مراقب (پایان) کار آنان باش و شکیبایی پیشه کن. (۲۸) و به آنان خبر ده که آب، میان آنان و شتر تقسیم شده است، هر کدام برای دریافت نصیب خود حاضر شوند. (۲۹) پس آنان رفیقشان را صدا کردند، پس دست درازی کرد و شتر را از پای در آورد. (۳۰) پس (بنگر) که عذاب و هشدار من چگونه است؟ (۳۱) (به کیفر این جنایت)

ما صیحه (و صاعقه ای مرگبار) را فرو فرستادیم، پس آنان مثل گیاه خشک و خردشده ای گشتند که صاحب چهارپایان در آغل می ریزد. (۳۲) و البتّه ما قرآن را برای پند گرفتن، آسان قرار دادیم، پس آیا پندپذیری هست؟ (۳۳) قوم لوط نیز هشدار دهندگان را تکذیب کردند. (۳۴) ما نیز بر آنان بادی همراه با سنگ فرو فرستادیم و فقط خانواده لوط را در سحرگاه نجاتشان دادیم. (۳۵) (این نجات) نعمتی از طرف ما بود، ما این گونه هر که را شکر کند پاداش می دهیم. (۳۶) لوط، مردم را از قهر ما هشدار داده بود، پس هشدارهای ما را به مجادله گرفتند. (۳۷) و قوم لوط برای (سوء قصد به) مهمانان او به مراوده و گفتگو پرداختند، پس ما چشم آنان را نابینا کردیم، پس بچشید عذاب و هشدار ما را. (۳۸) و صبحگاهان عذابی پایدار به سراغشان آمد. (۳۹) و صبحگاهان عذابی پایدار به سراغشان آمد. پس بچشید عذاب و هشدار ما را. (۴۰) همانا ما قرآن را برای پند گرفتن، آسان ساختیم پس آیا پندپذیری هست؟ (۴۱) و همانا هشدار دهندگان به سراغ فرعونیان آمدند. (۴۲) (اما آنان) همه ی معجزات ما را تکذیب کردند، پس ما آنان را همچون گرفتن مقتدری نفوذناپذیر (به قهر) گرفتیم. (۴۳) آیا کافرانِ شما از آنان بهترند (تا ما آنان را به قهر نگیریم) یا برای شما امان نامه ای در کتاب های آسمانی است؟ (۴۴) یا می گویند: ما همگی پشتیبان یکدیگریم (و قدرتی ما را نخواهد شکست). (۴۵) در آینده ی نزدیکی، جمع آنان در هم شکسته خواهد شد و همه (به یکدیگر) پشت خواهند کرد. (۴۶) آری، قیامت وعده گاه آنان است و آن روز، سخت تر و تلخ تر است. (۴۷) همانا مجرمان در گمراهی و جنونند. (۴۸) روزی که به رو در آتش کشیده شوند (و به آنان گفته شود: تماس جهنم (و آتش دوزخ)

را بچشید. (۴۹) همانا ما هر چیز را به اندازه ی معینی آفریده ایم. (۵۰) و فرمان ما جز یک فرمان نیست (آن هم بسیار سریع) مانند یک چشم برهم زدن. (۵۱) و همانا ما کسانی را که مانند شما بودند هلاک کردیم، پس آیا پندپذیری هست؟ (۵۲) هر چیزی که انجام داده اند در نامه ها (ی اعمالشان) ثبت است. (۵۳) و هر کوچک و بزرگی نوشته شده است. (۵۴) همانا پرهیزکاران در باغ ها و (کنار) جوی ها هستند. (۵۵) در جایگاهی راستین، نزد فرمانروایی مقتدر. (۵۶)

الرحمن

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) خداوندِ رحمان. (۲) قرآن را آموخت. (۳) او انسان را آفرید. (۴) به او بیان آموخت. (۵) خورشید و ماه، حساب معینی دارند. (۶) و گیاه و درخت (برای او) سجده می کنند. (۷) و آسمان را بالا برد و میزان را مقرر کرد. (۸) تا در میزان تجاوز نکنید. (۹) و وزن را بر اساس عدل بر پا دارید و در ترازو کم نگذارید. (۱۰) و زمین را برای زمینیان قرار داد. (۱۱) که در آن هر گونه میوه و خرما ی غلافدار. (۱۲) و دانه پوست دار و گیاه خوش بو است. (۱۳) پس (ای جن و انس)، کدام نعمت پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۱۴) انسان را از گل خشکیده ای همچون سفال آفرید. (۱۵) و جن را از شعله ی آتشی بی دود آفرید، (۱۶) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۱۷) پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب. (۱۸) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۱۹) دو دریا (ی شور و شیرین) را روان ساخت که به هم می رسند. (۲۰) (اما) میان آن دو فاصله ای قرار داد که به هم تجاوز نکنند. (۲۱) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۲) از هر دو (دریا)، مروارید و مرجان بیرون می آید، (۲۳) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۴) و در دریا، کشتی های ساخته شده همانند کوه، برای اوست. (۲۵) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۶) هر که روی زمین است، فناپذیر

است. (۲۷) و (تنها) ذات پروردگارت که دارای شکوه و اکرام است، باقی می ماند. (۲۸) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۹) هر که در آسمان ها و زمین است، (نیاز خود را) از او درخواست می کند. او هر روز در شأن و کاری است. (۳۰) پس کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۳۱) ای جن و انس! به زودی (حساب و کتاب) شما را بررسی می کنیم. (۳۲) پس کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۳۳) ای گروه جن و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمان ها و زمین نفوذ کنید، نفوذ کنید. هرگز نمی توانید مگر به واسطه قدرتی فوق العاده. (۳۴) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۳۵) آن روز شعله ای از آتش و مس گداخته بر شما فرومی ریزد، پس نمی توانید تقاضای یاری کنید. (۳۶) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۳۷) پس آنگاه که آسمان شکافته شده، گلگون و مثل روغن گداخته در آید، (۳۸) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۳۹) پس در آن روز (و آن موقف خاص) هیچ یک از انس و جن، از گناهِش پرسیده نشود. (۴۰) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ (۴۱) تبه کاران، به سیمایشان شناخته شوند، پس به موهای سر و قدم ها گرفته (و به دوزخ پرتاب) شوند. (۴۲) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۴۳) این است جهنمی که تبه کاران آن را انکار می کردند. (۴۴) میان آتش و آب داغ و سوزان در حرکتند. (۴۵) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۴۶) و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ (بهشتی) است. (۴۷) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۴۸) باغ هایی دارای درختان پر شاخه و با طراوت (یا نعمت های متنوع و گوناگون). (۴۹) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۵۰) در آن دو باغ دو

چشمه همیشه جاری است. (۵۱) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۵۲) در آن دو باغ از هر میوه ای دو نوع موجود است. (۵۳) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۵۴) بهشتیان بر بسترهایی که پوشش داخلی آنها از دیبا و ابریشم ضخیم است تکیه زده اند و میوه های آن دو باغ برای چیدن در دسترس است. (۵۵) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۵۶) در آنجا، همسرانی هستند که نگاهشان از بیگانه کوتاه و پیش از اینان، هیچ جن و انسی آنان را لمس نکرده است. (۵۷) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۵۸) گویا آنان یاقوت و مرجان هستند. (۵۹) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۰) آیا پاداش نیکی (شما) جز نیکی (ما) است، (۶۱) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۲) و پایین تر از آن دو باغ، دو باغ دیگر هست. (۶۳) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۴) (آن دو باغ) از شدت سرسبزی به سیاهی می ماند. (۶۵) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۶) در آن دو باغ، دو چشمه جوشان است. (۶۷) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۸) در آن دو باغ، میوه و خرما و انار است. (۶۹) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۷۰) در آن باغ ها زنانی نیکو سیرت و زیبا صورت است. (۷۱) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۷۲) حوریه هایی که در خیمه ها پرده نشین هستند. (۷۳) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۷۴) قبل از بهشتیان، هیچ انسان یا جنی آنان را لمس نکرده است. (۷۵) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۷۶) آنان بر بالش هایی تکیه زده اند که با پارچه های سبزرنگ و فرشهای کمیاب آراسته شده است. (۷۷) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۷۸) خجسته

الواقعه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) آن گاه که آن واقعه (عظیم قیامت) روی دهد. (۲) که در واقع شدن آن دروغی نیست (و سزا نیست کسی آن را دروغ شمارد). (۳) (آن واقعه) پایین آورنده و بالا برنده است (نظام خلقت را زیر و رو می کند و نااهلان را پایین و خوبان را بالا می برد). (۴) آن گاه که زمین به سختی لرزانده شود. (۵) و کوه ها به شدت متلاشی شوند. (۶) پس به حالت غبار پراکنده در آیند. (۷) و (در آن روز) شما سه گروه باشید. (۸) پس (گروه اول) اصحاب یمین (گروه دست راستی) هستند، اصحاب یمین چه گروهی هستند! (گویی تجسم سعادتند). (۹) و دسته دوم دسته سمت چپ (اصحاب شقاوتند، آن اصحاب شقاوت چه هستند؟) (گویی تبلور بدی هایند). (۱۰) (گروه سوم) پیشگامانی (در خیرات هستند که در گرفتن پاداش نیز)، پیشگامند. (۱۱) آنان مقربان درگاه خداوند هستند. (۱۲) در باغ های پر نعمت خواهند بود. (۱۳) (آنان) گروه زیادی از پیشینیان (و امت های قبل) خواهند بود. (۱۴) و گروه کمی از متاخرین. (۱۵) بر تخت هایی چیده شده و مرصع، (۱۶) در حالی که روبروی یکدیگرند، تکیه داده اند. (۱۷) بر گردشان پسرانی همیشه نوجوان به خدمت می گردند. (۱۸) با جام ها و آبریزها و ظرف هایی از (شراب و نوشیدنی های گوارا و) روان (پذیرایی می نمایند). (۱۹) از آن نوشیدنی ها نه سردرد می گیرند و نه مست می شوند. (۲۰) و (برای آنان) میوه هایی از هر چه انتخاب کنند. (۲۱) و گوشت پرنده از هر نوع که اشتها دارند. (۲۲) و زنانی سفید روی، درشت چشم و زیبا، (۲۳) همچون مروارید در صدف. (۲۴) پاداشی در برابر آنچه انجام می دادند. (۲۵) در آنجا سخن لغو و نسبت گناه به دیگری را نمی شنوند. (۲۶) سخنی جز سلام و درود نیست. (۲۷) و یاران راست، چه هستند یاران راست. (۲۸) در کنار درختان سدر بی خار. (۲۹) و درختان موز که میوه هایش به صورت فشرده رویهم چیده. (۳۰) و سایه ای پایدار. (۳۱) و

آبی ریزان (از آبشارها). (۳۲) و میوه ای فراوان. (۳۳) که نه تمام می شود و نه از مصرف آن جلوگیری می گردد. (۳۴) و هم خوابگانی والا قدر. (۳۵) که ما آنان را به نحو خاصی آفریدیم. (۳۶) پس آنان را دوشیزه و باکره قرار دادیم. (۳۷) زنانی هم سن و سال و شوهر دوست. (۳۸) (این نعمت ها) برای اصحاب یمین است. (۳۹) که گروهی از امت های قبل. (۴۰) و گروهی از امت های بعدی هستند. (۴۱) و (اما) یاران دست چپ، چه هستند یاران دست چپ (شقاوت مندان و نامه به دست چپ داده شدگان). (۴۲) در میان باد سوزان و آب داغ. (۴۳) و سایه ای از دود غلیظ و سیاهند. (۴۴) که نه خنک است و نه سودبخش. (۴۵) البته آنان پیش از این (در دنیا) نازپرورده و خوشگذران بودند. (۴۶) و همواره بر گناه بزرگ پافشاری می کردند. (۴۷) و پیوسته می گفتند: آیا هنگامی که ما مردیم و به صورت خاک و استخوان شدیم. آیا حتماً ما برانگیخته می شویم؟ (۴۸) و آیا نیاکان ما (نیز برانگیخته می شوند)؟ (۴۹) بگو: پیشینان و آیندگان. (۵۰) هر آینه به سوی وعدگاه روز معینی گردآوری خواهند شد. (۵۱) همانا ای گمراهان انکارکننده! (۵۲) حتماً از درختی (بد منظر و بد طعم و بد بو) که زقوم است خواهید خورد. (۵۳) آنگاه شکم ها را از آن پر خواهید کرد. (۵۴) و روی آن از آب جوشان می نوشید. (۵۵) پس مانند شتران عطش زده می نوشید. (۵۶) این است پذیرایی (ابتدایی) آنان روز قیامت. (۵۷) ما شما را آفریدیم، پس چرا تصدیق نمی کنید؟ (۵۸) آیا آنچه را (در رحم) می ریزید دیده اید؟ (۵۹) آیا شما آن را (به صورت انسان) می آفرینید یا ما آفریننده ایم؟ (۶۰) ماییم که مرگ را در میان شما مقدر کردیم و هرگز (مغلوب نمی شویم) و کسی بر ما پیشی نمی گیرد. (۶۱) تا مانند شما را جانشین شما کنیم و شما را در جهانی که نمی دانید پدیدار گردانیم. (۶۲) شما آفرینش نخستین را دانستید، پس چرا (به آفرینش دوباره) متذکر نمی شوید؟ (۶۳) آیا آنچه را کشت می کنید

دیده اید؟ (۶۴) آیا شما آن را می رویانید یا ما رویاننده ایم؟ (۶۵) اگر بخواهیم آن را خار و خاشاک می گردانیم، پس شما از روی تعجب می گوید: (۶۶) ما زیان دیده ایم. (۶۷) بلکه محروم و بدبختیم. (۶۸) آیا آبی را که می نوشید دیده اید؟ (۶۹) آیا شما آن را از ابر باران زافرو آوردید یا ما فرو فرستنده ایم؟ (۷۰) اگر بخواهیم آن را شور و تلخ می گردانیم، پس چرا سپاس نمی گذارید؟ (۷۱) آیا آتشی را که می افروزید دیده اید؟ (۷۲) آیا شما درخت آن را ایجاد کرده اید یا ما ایجاد کننده ایم؟ (۷۳) ما آتش را وسیله تذکر (آتش قیامت) و نعمتی برای مسافران قرار داده ایم. (۷۴) پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (۷۵) پس سوگند به جایگاه ستارگان. (۷۶) و البته اگر بدانید این سوگندی است بزرگ. (۷۷) همانا آن قرآن کریم است. (۷۸) که در کتاب محفوظی جای دارد. (۷۹) جز پاکیزگان به آن دست نزنند. (۸۰) فرو آمده از سوی پروردگار جهانیان است. (۸۱) آیا شما با این سخن (الهی)، با سبکی و سستی برخورد می کنید؟ (۸۲) و (سهم و) رزق خود را تکذیب قرآن قرار می دهید؟ (۸۳) پس چرا آنگاه که جان به گلوگاه رسد. (۸۴) و شما در آن هنگام نظاره می کنید. (۸۵) و ما از شما به آن (محتضر) نزدیک تریم ولی نمی بینید. (۸۶) پس اگر شما (در برابر اعمالتان) مجازات شدنی نیستید، (۸۷) چرا آن جان را (در حال احتضار به بدن خود) بر نمی گردانید، اگر راست می گوید؟ (۸۸) پس اگر او (محتضر) از مقرّبان باشد. (۸۹) راحت و رحمت و بهشت پر نعمت، روزی او خواهد بود. (۹۰) و اما اگر از اصحاب یمین باشد، (۹۱) (به او گفته می شود): از طرف اصحاب یمین (که هم فکran تو هستند) به تو سلام باد. (۹۲) و اما اگر از تکذیب کنندگان گمراه باشد، (۹۳) با آبی جوشان پذیرایی می شود. (۹۴) و ورود به دوزخ (جزای اوست). (۹۵) همانا این مطلب، حق و یقینی است. (۹۶) پس به نام پروردگار بزرگوارت تسبیح کن. (۹۷)

الحدید

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) آنچه در آسمان ها و زمین است

برای خداوند تسبیح گویند و اوست عزیز حکیم. (۲) حکومت آسمان ها و زمین برای اوست، زنده می کند و می میراند و او بر هر چیزی تواناست. (۳) اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی آگاه است. (۴) او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز (و دوران) آفرید، سپس بر تخت قدرت استیلا یافت. آنچه در زمین وارد می شود و آنچه از آن خارج می شود و آنچه از آسمان فرو می آید و آنچه در آن بالا می رود، (همه را) می داند و هر کجا باشید او با شماست و خدا به آنچه انجام می دهید بیناست. (۵) فرمانروایی آسمان ها و زمین برای اوست و تمام برنامه ها و کارها به خداوند بازمی گردد. (۶) شب را در روز و روز را در شب داخل می کند و او به راز دل ها، (نیت ها و انگیزه ها) داناست. (۷) به خدا و پیامبرش ایمان آورید و از آنچه شما را در (استفاده از) آن جانشین قرار داد، انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورند و انفاق کنند برایشان پاداشی بزرگ است. (۸) و شما را چه شده که به خدا ایمان ندارید؟ در حالی که پیامبر، شما را برای اینکه به پروردگارتان ایمان آورید فرامی خواند و به راستی خداوند از شما (از طریق عقل و فطرت و انبیا) پیمان گرفته است، اگر باور دارید. (۹) او کسی است که بر بنده خود آیات روشن و روشنگر فرو می فرستد تا شما را از تاریکی ها به روشنی در آورد و همانا خداوند نسبت به شما رأفت و رحمت بسیار دارد. (۱۰) و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی کنید؟ در حالی که (هر چه دارید می گذارید و می روید و) میراث

آسمان ها و زمین برای اوست. کسانی از شما که قبل از فتح (مکه) انفاق و جهاد کردند (با دیگران) یکسان نیستند. آنان از جهت درجه از کسانی که پس از آن (فتح مکه نفاق و جهاد کرد برترند و خداوند، هر دو را وعده نیکو داده و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۱۱) کیست آن که به خداوند وام دهد، وامی نیکو، تا خداوند آن را برای او دو چندان کند و برای او پاداشی گرانمایه است. (۱۲) روزی که مردان و زنان با ایمان را می بینی که نورشان از پیش روی و جانب راستشان به سرعت پیش می رود. (به آنان گفته می شود:) مژده باد شما را در امروز، به باغ هایی که از زیر (درختان) آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه اید. این است آن رستگاری و کامیابی بزرگ. (۱۳) روزی که مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند، می گویند: درنگی کنید تا از نور شما پرتوی بگیریم. به آنان گفته می شود: به عقب برگردید و (از دنیا) نوری بجویید. پس میان آنان دیواری زده می شود، با دری که درونش، (بهشت) رحمت و از جانب بیرونش (جهنم) عذاب است. (۱۴) منافقان، مؤمنان را ندا می دهند که مگر ما (در دنیا) با شما نبودیم، گویند: آری ولی شما خود را به فتنه افکندید و در انتظار (حوادث سوء برای مؤمنان) بودید و (در دین حق) شک کردید و آرزوها (ی باطل) شما را فریفت تا آن که فرمان خداوند (نسبت به هلاکت شما) فرارس و (شیطان) فریبنده، شما را در باره خداوند فریب داد. (۱۵) پس امروز، نه از شما (منافقان) و نه از کسانی که کفر ورزیدند، بدل و بلاگردانی پذیرفته نمی شود.

جایگاه شما آتش است. آتش، یاور و سزاوار شماست و بد سرانجامی است. (۱۶) آیا برای کسانی که ایمان آورده اند، زمان آن نرسیده که دل هایشان برای یاد خدا و آنچه از حق نازل شده، نرم و فروتن گردد و مانند کسانی نباشند که پیش از این، کتاب آسمانی به آنان داده شد، پس زمان طولانی بر آنان گذشت و دل هایشان سخت گردید و بسیارشان فاسق گشت. (۱۷) بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می کند. همانا ما نشانه های (توحید و عظمت) را برای شما روشن کردیم، باشد که تعقل کنید. (۱۸) همانا مردان و زنان صدقه دهنده و (آنان که) به خداوند وامی نیکو داده اند، برایشان پاداشی چند برابر است و برای آنان اجری نیکو خواهد بود. (۱۹) و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند، آنان همان کسانی هستند که سر تا پا صداقتند و نزد پروردگارش گواهند، پاداش و نورشان را دارند و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اصحاب دوزخند. (۲۰) بدانید که زندگانی پست دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی و زینت طلبی و فخر فروشی در میان خود و افزون طلبی در اموال و اولاد نیست، همانند بارانی که گیاه آن، کشاورزان را به شگفتی وا دارد، سپس خشک شود و آن را زرد بینی، سپس گاه شود و در آخرت، عذابی شدید و مغفرت رضوانی از جانب خداوند است و زندگانی دنیا جز کالای غرور نیست. (۲۱) برای رسیدن به مغفرتی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش همچون پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان دارند بشتابید، این فضل خداست، به هر که بخواهد می دهد و خداوند

را فزون بخشی بزرگ است. (۲۲) هیچ مصیبتی در زمین و نه در جسم و جانتان به شما نرسد، مگر آن که پیش از آنکه آن را پدید آوریم در لوحی ثبت است، همانا این امر بر خداوند آسان است. (۲۳) تا بر آنچه از دست دادید تأسف نخورید و به آنچه به شما داده شد شادمانی نکنید و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد. (۲۴) آنان که بخل می ورزند و مردم را به بخل ورزیدن فرمان می دهند و هر کس (از انفاق و قرض) روی گرداند، پس بی شک خداوند بی نیاز و ستوده است. (۲۵) همانا ما پیامبران را با دلایل آشکار فرستادیم و همراه آنان کتاب (آسمانی) و وسیله سنجش فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند و آهن را که در آن نیرویی شدید است و منافی برای مردم دارد فرو آوردیم (تا از آن بهره گیرند) و تا خداوند معلوم دارد چه کسی او پیامبرانش را به نادیده یاری می کند. آری خداوند، قوی و شکست ناپذیر است. (۲۶) و همانا نوح و ابراهیم را فرستادیم و در خاندان آنان نبوت و کتاب را قرار دادیم پس بعضی از آنان هدایت یافتند ولی بسیاری از آنان فاسقند. (۲۷) سپس به دنبال آنان، پیامبران خود را پی در پی آوردیم و عیسی پسر مریم را در پی آنان آوردیم و به او انجیل دادیم و در دل کسانی که او را پیروی کردند رأفت و رحمت قرار دادیم و (اما) ترک دنیایی که از پیش خود در آوردند ما آن را بر آنان مقرر نکرده بودیم، مگر (که) به قصد جلب خشنودی خداوند (انجام دهند) ولی آن گونه که باید، حق آن را مراعات نکردند. پس به

کسانی از آنان که ایمان آورده بودند پاداش دادیم ولی بسیاری از آنان فاسق و نافرمان بودند. (۲۸) ای کسانی که ایمان آورده اید از خداوند پروا کنید و به پیامبرش ایمان آورید تا از رحمت خود، دو بهره به شما عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به وسیله آن (در دنیا و آخرت) راه را طی کنید، و گناهان شما را بیخشد و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۹) تا اهل کتاب گمان نکنند که مسلمانان، راهی به فضل خدا ندارند (و همه امتیازات و الطاف دو چندانی مخصوص آنان است) و بدانند که فضل (و عنایت، تنها) به دست خداست، او به هر کس بخواهد آن را می دهد و خداوند دارای بخشش بزرگ است. (۳۰)

المجادله

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) همانا خداوند سخن آن زنی که درباره همسرش با تو مجادله کرده و به سوی خدا شکوه و گلایه می کرد، شنید و خداوند گفتگوی شما دو نفر را می شنود، همانا خداوند شنوای بیناست. (۲) کسانی از شما (مردان) که نسبت به همسرانشان ظهار می کنند، (بدانند که) آنها مادران آنها (نمی شوند و) نیستند. مادران آنان کسانی هستند که آنها را متولد کرده اند و آنها (بر اساس عادت جاهلی) سخن ناپسند و باطل می گویند و البته خداوند بسیار با گذشت و آمرزنده است. (۳) و کسانی که نسبت به همسران خود ظهار می کنند، سپس از آنچه گفته اند (پشیمان شده) و برمی گردند، کفاره آن قبل از آنکه با هم تماس گیرند آزاد کردن برده است. این (دستوری) است که به آن پند داده می شوید و خداوند به آنچه عمل می کنید، به خوبی آگاه است. (۴) پس کسی که (برده ای برای آزاد کردن) نیافت، باید قبل

از آمیزش با همسر، دو ماه پی در پی روزه بگیرد و کسی که نمی تواند باید شصت مسکین را طعام دهد. این برای آن است که به خدا و رسولش ایمان آورید و این قوانین الهی است و برای کافران (که اهل عمل به احکام الهی ستند) عذابی دردناک است. (۵) همانا کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند، سرکوب شده اند همان گونه که پیشینیانشان سرنگون شدند و همانا ما نشانه های روشنی نازل کردیم و برای کافران عذابی خوارکننده است. (۶) روزی که خداوند همه آنان را برانگیزد تا به آنچه انجام داده اند، آگاه سازد. (اعمالی که) خداوند تماماً شمارش کرده و آنها فراموش نموده اند و خدا بر هر چیز شاهد و گواه است. (۷) آیا ندیدی که خداوند آنچه را در آسمان ها و زمین است می داند. هیچ نجوای سه نفره نیست مگر آنکه او چهارمین آنهاست و هیچ پنج نفره ای نیست مگر آنکه او ششمین آنان است و نه (رازگویانی) کمتر از آن و نه بیشتر، مگر اینکه او با آنهاست، هر جا که باشند، سپس در روز امت آنان را خبر خواهد داد به آنچه که انجام دادند. همانا خداوند به هر چیزی بسیار داناست. (۸) آیا نظر نکردی به کسانی که از نجوی نهی شدند سپس به آنچه نهی شده، بازگشته و برای گناه و ستم و نافرمانی پیامبر با یکدیگر نجوی می کنند و (با این حال) هنگامی که سوی تو می آیند کلماتی برای تحیت و سلام بکار می برند (حتی) که خدا با آن تو را تحیت و سلام ننگ است و در بین خودشان می گویند: (اگر این مرد پیامبر است) پس چرا خداوند ما را به سبب آنچه

می گوئیم عذاب نمی کند؟ جهنم برای آنان کافی است که وارد آن می شوند، پس چه بد سرانجام و جایگاهی است. (۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه نجوی می کنید، به گناه و ستم و نافرمانی پیامبر نجوی نکنید و نسبت به کار نیک و تقوی نجوی کنید و از خدا پروا کنید که به سوی محشور می شوید. (۱۰) همانا نجوی از سوی شیطان است تا کسانی را که ایمان آورده اند اندوهگین کند، در حالی که جز به اذن خداوند، هیچ (نجوایی) ضرر رسان نیست، پس مؤمنان تنها بر خداوند توکل کنید. (۱۱) ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه به شما گفته شود در مجالس (برای دیگران) جا باز کنید، پس جا باز کنید تا خدا نیز برای شما گشایش دهد و هرگاه گفته شود برخیزید، برخیزید. (بزرگی، به نشستن در جای خاص نیست، بلکه) خداوند از میان شما کسانی را که ایمان آورده و انی را که صاحب علم و دانش اند، به درجاتی رفعت و بزرگی می دهد و خداوند به آنچه انجام می دهید به خوبی آگاه است. (۱۲) ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه خواستید با رسول خدا، گفتگوی خصوصی داشته باشید، پس قبل از نجوای خود صدقه ای بدهید. این برای شما بهتر و پاکیزه تر است و اگر (برای صدقه دادن مالی) نیافتید پس همانا خداوند آمرزنده و مهربان است (و می توانید بدون پرداخت صدقه گفتگوی خصوصی داشته باشید). (۱۳) آیا نگران شدید، از اینکه قبل از نجوایتان صدقه دهید؟ پس اکنون که صدقه ندادید و خدا هم لطف خود را بر شما بازگرداند، نماز به پا دارید و زکات پردازید و خدا و رسولش را اطاعت نمایید و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۱۴) آیا

ندیدی کسانی را که با گروهی که مورد غضب خداوند بودند، طرح دوستی ریختند؟ آنها نه از شما هستند و نه از آنان و با اینکه خود می دانند؟ به دروغ سوگند می خورند (که از شما هستند). (۱۵) خدا برای آنان عذاب سختی آماده ساخته، زیرا کاری انجام می دهند که بسیار بد است. (۱۶) سوگندهایشان را سپر ساختند و مردم را از راه خدا باز داشتند، پس برایشان عذاب خوارکننده است. (۱۷) هرگز اموال و فرزندانشان، چیزی از خشم و غضب خدا را از آنان دفع نمی کند. آنان اهل آتش هستند و در آنجا ماندگار. (۱۸) روزی که خداوند همگی آنان را برمی انگیزد و برای خداوند سوگند یاد می کنند، همانطور که برای شما سوگند یاد می کنند و می پندارند که آنان بر چیزی (استوار) هستند. بدانید که آنان همان دروغگویانند. (۱۹) شیطان بر آنان چیره و مسلط شده است، پس یاد خدا را از خاطرشان برده است. آنان حزب شیطانند. آگاه باشید که حزب شیطان همان زیانکارانند. (۲۰) همانا کسانی که در برابر خدا و رسولش موضع گیری می کنند، آنان در زمره خوارترین مردمند. (۲۱) خداوند حکم کرده است که همانا من و پیامبرانم (بر کافران و منافقان) چیره خواهیم شد. همانا خداوند قدرتمند شکست ناپذیر است. (۲۲) هیچ قومی را نمی یابی که به خدا و قیامت مؤمن باشند و (در همان حال) با کسی که در برابر خدا و رسولش موضع گرفته است مهرورزی کنند، حتی اگر پدران یا پسران یا برادران یا خویشانانشان باشند. آنها کسانی هستند که خداوند، ایمان را در دلهایشان ثابت فرموده و با روحی از جانب خویش آنان را تأیید نموده است و آنان را در باغهایی که نهرها از پای (درختان) آنها جاری است وارد می کند در حالی

که در آنجا جاودانه هستند، خداوند از آنان راضی است و آنان نیز از او راضی هستند. آنان حزب خدا هستند، آگاه باشید که تنها حزب خدا پیروز و ارند. (۲۳)

الحشر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است برای خدا تسبیح کنند (و خدا را به پاکی می ستایند) و اوست عزیز حکیم. (۲) اوست آن که کسانی از اهل کتاب را که کفر ورزیدند برای اولین بار از خانه هایشان بیرون راند، با آنکه شما گمان نداشتید که آنان (با داشتن آن همه قدرت، به آسانی) بیرون روند و خودشان گمان می کردند که قلعه ها و حصارهایشان آنان را از قهر خدا مانع خواهد شد، اما خدا از راهی که گمان نمی کردند بر آنان وارد شد و در دل هایشان ترس و وحشت افکند (به گونه ای که) خانه های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان خراب می کردند، پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید. (۳) و اگر این نبود که خداوند، بیرون شدن از خانمان را بر آنان نوشته بود، همانا آنان را در دنیا عذاب می کرد و البته در آخرت عذاب آتش دارند. (۴) این کیفر به خاطر آن است که آنان با خدا و رسولش دشمنی کردند و هر کس با خدا دشمنی کند پس (بداند که) عقاب خداوند سخت است. (۵) آنچه از درخت خرما قطع کردید یا آن را ایستاده بر پای خود واگذاشتید، همه به خواست و فرمان خداوند بود و (خداوند می خواست) فاسقان را خوار گرداند. (۶) و آنچه را خداوند از (اموال) آنان به رسولش باز گرداند (شما برای آن زحمتی نکشیده اند)، نه اسبی بر آن تاختید و نه شتری راندید، بلکه خداوند، پیامبران خود را

بر هر که بخواهد مسلط می سازد و خداوند بر هر چیز قادر است. (۷) آنچه را خداوند از اهل آبادی ها به رسولش بازگرداند، پس برای خدا و برای رسول و برای خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا (این اموال) تنها میان ثروتمندان شما در گردش نباشد و آنچه پیامبر برای شما آورده بگیرید و آنچه شما را از آن بازداشت رک کنید و از خدا پروا کنید، که خداوند، سخت کیفر است. (۸) (بخشی از فیئ) برای مهاجران فقیری است که از خانه ها و اموال خود بیرون رانده شدند و در پی فضل و رضوان الهی هستند و خدا و رسولش را یاری می کنند، آنان همان راستگویانند. (۹) و کسانی که در دارالهجره (مدینه) و ایمان، قبل از مهاجران جای گرفتند و کسانی را که (از مکه) به سویشان هجرت نمودند دوست می دارند و در دل، نیازی به آنچه (از فیئ) به مهاجران داده شده احساس نمی کنند و اگرچه خود شدیداً در فقر هستند ولی مهاجران را بر خود مق می دارند و کسانی که از بخل نفس محافظت شوند، آنان همان رستگارانند. (۱۰) و کسانی که بعد از مهاجرین و انصار آمدند، می گویند: پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت گرفته اند بیامرز و در دل های ما کینه مؤمنان را قرار نده. پروردگارا همانا تو رؤف و مهربانی. (۱۱) آیا به منافقان نظر نکردی که به برادران خود، کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیدند، می گویند: اگر شما رانده شدید ما نیز با شما خارج خواهیم شد و درباره شما از هیچ کس پیروی نخواهیم کرد و اگر مورد هجوم و جنگ قرار گرفتید قطعاً ما شما را

یاری خواهیم کرد و خداون اهد است که این منافقان دروغ گویند. (۱۲) همانا اگر کفار اخراج شوند، منافقان با آنان خارج نخواهند شد و اگر مورد تهاجم و جنگ قرار گیرند، منافقان آنان را یاری نخواهند کرد و اگر به یاری آنان برخیزند، (هنگام خطر) به آنان پشت خواهند کرد. سپس (هیچ یک از کفار و منافقان) یاری نمی شوند. (۱۳) قطعاً ترس و وحشتی که از شما در دل منافقان است، سخت تر از خوفی است که آنان از خدا دارند و این به خاطر آن است که آنان فهم و معرفتی ندارند. (۱۴) منافقان (به قدری ترسو هستند که) به طور جمعی با شما نمی جنگند جز در مناطق حفاظت شده یا از پشت دیوارها، درگیری آنان میان خودشان سخت است، تو آنان را متحد می پنداری در حالی که دل ها ایشان پراکنده است. این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که نمی اندیشند. (۱۵) (مثل یهود بنی نضیر) مثل کسانی است که چندی قبل از آنان بودند (و با وعده های منافقان اغفال شدند) و تلخی و ناکامی انحراف خود را چشیدند و برایشان عذاب دردناکی است. (۱۶) (فریب اهل کتاب از منافقان)، مثل (اغفال) شیطان است آن گاه که به انسان گفت: کافر شو، پس چون کفر ورزید، گفت: من از تو تبری می جویم، من از خداوندی که پروردگار جهانیان است می ترسم. (۱۷) پس سرانجام آن دو، (شیطان و کافر) آن است که جاودانه در آتشند و این کیفر ستمگران است. (۱۸) ای کسانی که ایمان آورده اید! از خداوند پروا کنید و هر کس به آن چه برای فردای (قیامت) خود فرستاده است بنگرد. باز هم از خدا پروا کنید که خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاهی عمیق دارد. (۱۹) همچون کسانی

نباشید که خدا را فراموش کردند، پس خدا نیز آنان را به خود فراموشی گرفتار کرد. آنان همان فاسقانند. (۲۰) اهل آتش و اهل بهشت یکسان نیستند، اهل بهشت همان رستگارانند. (۲۱) اگر این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم، بی شک آن کوه را از خشیت خداوند، خاشع و فرو پاشیده می دیدی. ما این مثال ها را برای مردم می زنیم، شاید بیاندیشند. (۲۲) او خدایی است که معبودی جز او نیست، به غیب و شهود آگاه است. او مهربان و بخشنده است. (۲۳) اوست خدای یکتا که معبودی جز او نیست فرمانروا، منزّه از هر عیب، سلامت بخش، ایمنی بخش، مسلط بر همه چیز، قدرتمند شکست ناپذیر، صاحب جبروت و کبریایی. از هر چه برای او شریک قرار می دهند منزّه است. (۲۴) اوست خداوند آفریننده، پدیدآورنده و صورت بخش، بهترین نام ها و صفات برای اوست. آنچه در آسمان ها و زمین است، تسبیح گوی اویند و اوست توانای بی همتا و دانای با حکمت. (۲۵)

المتحنه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خود را دوست نگیرید. شما با آنان طرح دوستی می افکنید، در حالی که آنان نسبت به حقّی که برای شما آمده است، کفر ورزیده اند. (علاوه بر آن که) آنان شما و پیامبر را به خاطر ایمان به خداوند که پروردگار شما است (از ه) اخراج و آواره نموده اند. اگر شما برای جهاد در راه من و طلب رضای من (از وطن) بیرون آمده اید (با آنان دوستی نکنید). شما مخفیانه دوستی خود را به آنان می رسانید در حالی که من به آنچه مخفیانه و آنچه آشکارا انجام دهید آگاه ترم و هر کس از شما چنین کند قط از راه راست گم گشته است. (۲) اگر بر

شما مسلط شوند دشمنان (سرسخت) شما خواهند بود و دست و زبانشان را به بدی، به سوی شما خواهند گشود و دوست دارند که شما (از دین خود دست برداشته و) کفر ورزید. (۳) در روز قیامت، نه خویشانان و نه فرزندانان، هیچ کدام سودی برایتان نخواهند داشت. (در آن روز خداوند) میان شما و آنان جدایی خواهد افکند و خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۴) همانا برای شما در (روش) ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشق و الگوی خوبی است، زیرا به قوم (مشرک) خود گفتند: همانا ما از شما و از آنچه جز خدا می پرستید، بیزاریم. ما به (آیین) شما کفر ورزیدیم و میان ما و شما کینه و دشمنی ابدی است مگر آنکه به خدای یگایمان بیاورید. جز سخن ابراهیم به پدرش که قطعاً برای تو استغفار خواهد کرد و من برای تو (جز دعا و درخواست) مالک چیزی نیستم. پروردگارا بر تو توکل کردیم و به سوی تو انابه نمودیم و بازگشت ما به سوی تو است. (۵) پروردگارا ما را محنت کش کافران قرار مده و ما را پیامرز، پروردگارا تو خود عزیز و حکیمی. (۶) همانا برای شما در (روش) آنان، (ابراهیم و یارانش) سرمشق خوبی است برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و هر کس روی برتابد، خداوند بی نیاز و ستوده است. (۷) امید است که خدا میان شما و کسانی که با آنان دشمنی داشتید، (به واسطه ی اسلام آوردن آنان در فتح مکه) دوستی برقرار کند و خداوند توانا است و خداوند بخشنده مهربان است. (۸) خداوند شما را از نیکی و عدل نسبت به کسانی که با شما به خاطر

دین جنگ نکرده و شما را از خانه هایتان بیرون ننموده اند منع نمی کند. همانا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. (۹) جز این نیست که خداوند شما را از دوستی ورزیدن با کسانی نهی می کند که به خاطر دین با شما جنگیده و شما را از سرزمین خود بیرون رانده اند و یا در اخراج شما همدستی کرده اند و هر کس با آنان دوستی ورزد، پس اینان همان ستمکارانند. (۱۰) ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه زنان مؤمن (از شوهر کافر جدا شده) هجرت کنان نزد شما آمدند آنان را (از نظر ایمان) آزمایش کنید و خداوند به ایمان آنان آگاه تر است. پس اگر آنان را مؤمن تشخیص دادید، به سوی کفار باز نگردانید، نه اینان برای آنان حلالند و آنان برای اینان حلال و آنچه را که شوهران کافر (برای این زنان) پرداخت کرده اند (از قبیل مهریه) به آنان بپردازید و بر شما گناهی نیست که با اینان ازدواج کنید به شرط آن که مهریه آنان را بپردازید و همسران کافره را به همسری نگاه ندارید و آنچه از برای آنها پرداخت کرده اید از کفار بگیریید همان گونه (اگر زن، مسلمان شده و به شما ملحق می شد)، هزینه هایی را که شوهران کافر پرداخت کرده بودند باید از شما درخواست نمایند. این حکم الهی است که خداوند میان شما مقدر داشته و خداوند آگاه حکیم است. (۱۱) و اگر از همسرانی که به سوی کفار رفته اند، چیزی از شما فوت شد (و شما نتوانستید مال و مهریه ای که پرداخت کرده اید، از کفار دریافت کنید) پس آنان را تعقیب کرده (و به چیزی رسیدید)، به آنان که همسرانشان رفته اند معادل آنچه خرج کرده اند بپردازید

و از خدا که به او ایمان دارید پروا کنید. (۱۲) ای پیامبر هنگامی که زنان با ایمان نزد تو آمدند تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا نگیرند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندان خود را نکشند و در میان دست و پای خود، مرتکب هیچگونه نسبت ناروایی نشوند (و فرزندی را به دیگری به ناحق نسبت ندهند) و هیچ کار خیری تو را نافرمانی نکنند، پس با آنان بیعت کن و برای آنان از خداوند آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۳) ای کسانی که ایمان آورده اید، گروهی را که خداوند بر آنان غضب کرده به سرپرستی، یا دوستی و یاری نگیرید، آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار از (بازگشت) اهل قبور مأیوسند. (۱۴)

الصف

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح گویند و اوست قدرتمند حکیم. (۲) ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی می گوئید که عمل نمی کنید؟ (۳) نزد خدا بسیار مورد غضب است که چیزی را بگوئید که عمل نمی کنید. (۴) همانا خداوند کسانی را دوست دارد که صف بسته در راه او پیکار کنند، چنانکه گویی بنایی آهنین هستند. (۵) و آنگاه که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! با این که می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم، چرا اذیت می کنید؟ پس چون منحرف شدند، خداوند دل های آنان را منحرف ساخت و خداوند قوم فاسق را هدایت نمی کند. (۶) و آنگاه که عیسی پسر مریم به بنی اسرائیل گفت: همانا من فرستاده خدا به سوی شما هستم و توراتی را که پیش از من بوده است تصدیق می کنم و نسبت به پیامبری که بعد

از من خواهد آمد و نامش احمد است، مژده می دهم. پس چون معجزات روشنی برای آنان آورد، گفتند: این سحر شکار است. (۷) و کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغ بست (و قرآن را سحر خواند)، در حالی که به اسلام دعوت می شود و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی کند. (۸) آنان تصمیم دارند که نور خدا را با دهان ها (و سخنان و افتراها)ی خود خاموش کنند، در حالی که خداوند کامل کننده نور خویش است، هر چند کافران ناخشنود باشند. (۹) او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق (به سوی مردم) فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب سازد، گرچه مشرکان آن را خوش نداشته باشند. (۱۰) ای کسانی که ایمان آورده اید، آیا شما را بر تجارتی که از عذاب دردناک (قیامت) نجاتتان دهد، راهنمایی کنم؟ (۱۱) به خدا و رسولش ایمان آورید و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید که این برای شما بهتر است اگر بدانید. (۱۲) (در این صورت)، خداوند گناهان شما را می آمرزد و به باغ هایی که نهراها از زیر آنها جاری است و خانه های دل پسند در بهشت های جاودان واردتان می کند. این رستگاری بزرگی است. (۱۳) و نعمت دیگری که آن را دوست دارید، یاری و نصرت از جانب خداوند و پیروزی نزدیک است و (ای پیامبر!) مؤمنان را بشارت ده. (۱۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، یاوران (دین) خدا باشید همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: یاوران من در راه خدا چه کسانی هستند؟ حواریون گفتند: ما یاوران (دین) خدا هستیم، پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند، پس کسانی را که ایمان دند بر دشمنشان یاری دادیم تا

الجمعه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، برای خداوند تسبیح گویند، فرمانروای با قداستِ عزیز حکیم. (۲) اوست که در میان مردم درس ناخوانده، پیامبری از خودشان مبعوث کرد تا آیات الهی را بر آنان بخواند و آنها را رشد و پرورش داده (از آلودگی شرک و تفرقه پاک سازد) و کتاب آسمانی و حکمت به آنان بیاموزد و همانا پیش از این در انحراف و گمراهی آشکار بودند. (۳) و (این بعثت، مخصوص زمان پیامبر نیست، بلکه برای) دیگرانی از مردم که هنوز به آنان ملحق نشده اند (و در آینده متولد می شوند، خواهد بود) و اوست خدای مقتدر حکیم. (۴) این بعثت، (در اختیار مردم نیست بلکه) لطف و تفضل الهی است که به هر کس که بخواهد، (و لیاقت داشته باشد) می دهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است. (۵) کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند الاغی هستند که کتاب هایی حمل می کند، (ولی چیزی از آن نمی فهمد). گروهی که آیات خدا را انکار کردند، مثل بدی دارند و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند. (۶) بگو: ای یهودیان! اگر گمان می کنید که تنها شما اولیای خدا هستید نه سایر مردم، اگر (در این پندار) راست می گوئید، آرزوی مرگ کنید (تا به پادشاهی که خداوند برای اولیای خود مقرر کرده، برسید!). (۷) ولی آنان به خاطر آنچه پیش از این انجام داده اند، (تحریف کتاب و کتمان صفات پیامبر و ...) هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد و خداوند به ستمگران به خوبی آگاه است. (۸) (ای پیامبر!) بگو: همانا مرگی را که از آن فرار می کنید قطعاً ملاقات کننده شما است، سرانجام

به نزد آن که به غیب و شهود آگاه است، برگردانده می شوید، پس او شما را به آنچه انجام داه اید خبر خواهد داد. (۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! آنگاه که برای نماز روز جمعه ندا داده شد، پس به سوی یاد خدا (نماز) شتاب کنید و داد و ستد را رها کنید که این برای شما بهتر است، اگر بدانید. (۱۰) پس هنگامی که نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید. (۱۱) و چون داد و ستد یا سرگرمی بینند، (از دور تو) پراکنده و به سوی آن روانه شوند و تو را ایستاده (در حال خواندن خطبه) رها کنند. (به آنان) بگو: آنچه (از فضل و برکت) نزد خداست، از سرگرمی و داد و ستد بهتر است و خداوند بهترین روزی دهندگان است. (۱۲)

المنافقون

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) هنگامی که منافقان نزد تو آیند، گویند: «گواهی می دهیم که تو پیامبر خدا هستی» و خدا می داند که تو پیامبرش هستی و خدا شهادت می دهد که منافقان دروغگویند. (۲) سوگندهای خود را سپر ساخته و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، به راستی آنچه انجام می دهند ناپسند است. (۳) آن (نفاق) برای آن است که آنان ایمان آورده سپس کفر ورزیدند، پس بر دل هایشان مهر (شقاوت) زده شد و از این رو نمی فهمند. (۴) و هرگاه آنان را ببینی، قیافه آنان (چنان آراسته است) که ترا به شگفت وادارد و اگر سخن گویند، (به قدری جذّاب و زیباست که) به کلامشان گوش فرادهی، گویا چوب هایی هستند (خشک و بی مغز و بی فایده و به هم) تکیه داده شده، هر ندایی را

علیه خود می پندارند، آنان دشمنند، پس از آنان دوری کن، خدا آنان را بکشد، چگونه از حق منحرف می شوند. (۵) و هرگاه به آنان گفته شود: بیایید تا رسول خدا برای شما طلب مغفرت کند، (از روی انکار و تکبر و تمسخر) سرهای خود را برمی گردانند و آنان را می بینی که از سر استکبار، (مردم را از گرایش به حق) بازمی دارند. (۶) برای آنان تفاوتی ندارد که برایشان استغفار کنی یا استغفار نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی بخشد، زیرا که خداوند گروه فاسق را هدایت نمی کند. (۷) آنان همان کسانی هستند که می گویند: بر کسانی که نزد رسول خدا هستند، انفاق نکنید تا پراکنده شوند؛ در حالی که خزانه های آسمان ها و زمین برای خداوند است ولی منافقان نمی فهمند. (۸) می گویند: «اگر (از این سفر جنگی) به مدینه بازگردیم، عزیزترین افراد، ذلیل ترین مردم را بیرون خواهد کرد»، در حالی که عزت و اقتدار مخصوص خدا و پیامبرش و مؤمنین است ولی منافقان نمی دانند. (۹) ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نسازد، و کسانی که چنین کنند، آنان همان زیانکارانند. (۱۰) و از آنچه روزی شما کرده ایم انفاق کنید پیش از آنکه مرگ به سراغ هر یک از شما آید، پس (در آستانه رفتن) گوید: پروردگارا چرا (مرگ) مرا تا مدتی اندک به تأخیر نیانداختی تا صدقه (و زکات) دهم و از صالحان گردم. (۱۱) و هرگز خداوند مرگ کسی را که اجلش فرارسیده، به تأخیر نمی اندازد و خداوند به آنچه عمل می کنید آگاه است. (۱۲)

التغابن

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح می گویند. فرمانروایی، مخصوص او و ستایش نیز مخصوص اوست و او بر همه

چیز تواناست. (۲) اوست آن که شما را آفرید، پس بعضی از شما) به اختیار خود) کافر و بعضی مؤمن شدند و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست. (۳) آسمان ها و زمین را به حق آفرید و شما را (در رحم مادر) صورت گری کرد و صورت شما را نیکو قرار داد و بازگشت (همه) به سوی اوست. (۴) آنچه در آسمان ها و زمین است می داند و آنچه را پنهان می کنید و آنچه را آشکار می سازید، می داند و خداوند به آنچه در سینه هاست به خوبی آگاهی دارد. (۵) آیا خبر کسانی که پیش از این کفر ورزیدند به شما نرسیده است؟ پس عقوبت کار خود را (در دنیا) چشیدند و برایشان (در آخرت) عذابی دردناک است. (۶) این (کیفر) به خاطر آن است که پیامبرانشان همراه با دلایل روشن (و معجزات) به سراغ آنها آمده بودند، و آنان (به جای پذیرش و ایمان آوردن به آنها) گفتند: آیا انسانی (مثل خودمان) ما را هدایت کند؟ از این رو کفر ورزیدند و (به پیامبران و دستورات الهی) پشت کردند و خداوند (از ایمان آنان) بی نیاز است و خداوند بی نیاز و ستوده است. (۷) کسانی که کفر ورزیدند، گمان کردند که هرگز مبعوث نخواهند شد. بگو: آری، به پروردگارت سوگند که همه شما مبعوث خواهید شد، سپس به آنچه عمل کرده اید، قطعاً خبر داده خواهید شد و این بر خداوند آسان است. (۸) پس، به خدا و رسولش و نوری (کتاب آسمانی قرآن) که نازل کردیم، ایمان آورید و (بدانید که) خداوند به آنچه عمل می کنید آگاه است. (۹) (یاد کن) روزی که خداوند شما را برای (حضور در) روز اجتماع گرد می آورد آن، روز حسرت و پشیمانی است و هر کس به خداوند

ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، بدی هایش را می پوشاند و او را به بهشت هایی که از زیر (درختان) آنها نهرها جاری است وارد می کند. در آنجا برای همیشه جاودانه هستند؛ این است رستگاری بزرگ. (۱۰) و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، همان ها اهل دوزخند در حالی همیشه در آن جا هستند و این سرانجام بدی است. (۱۱) هیچ مصیبتی، جز با اذن خداوند به کسی نرسد و هر کس به خداوند ایمان آورد، خداوند قلب او را (به صبر و شکیبایی) هدایت کند و خداوند به همه چیز آگاه است. (۱۲) خداوند را (در اوامر و نواهی شریعت) اطاعت کنید و پیامبر را (در دستورات حکومت و سنت هایش) پیروی نمایید، پس اگر روی گردانید، (بدانید که) همانا بر رسول ما جز پیام رسانی آشکار (وظیفه دیگری) نیست. (۱۳) خداوند، معبودی جز او نیست؛ و مؤمنان تنها بر او توکل کنند. (۱۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! برخی از همسران و فرزندانتان برای شما دشمنند (که شما را از راه خدا بازمی دارند)، پس از آنان بر حذر باشید و اگر (آزار و خطایشان را) عفو کنید و چشم ببوشید و درگذرید، پس (بدانید که) خداوند آمرزنده مهربان است. (۱۵) همانا اموال و اولاد شما وسیله آزمایشند و خداوند است که پاداش بزرگ نزد او است (و به کسانی پاداش می دهد که در این امتحان پیروز شوند). (۱۶) پس هر قدر می توانید، از خداوند پروا کنید و سخن او را بشنوید و اطاعت کنید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و هر کس از سرّ بخل نفس خویش درامان بماند، پس آنان همان رستگارانند. (۱۷) اگر به خداوند وام دهید وامی نیکو، آن را برای

شما زیاد می کند و شما را می آمرزد و خداوند سپاسگزار بردبار است. (۱۸) او به پنهان و آشکار آگاه است، نفوذ ناپذیر و حکیم است. (۱۹)

الطلاق

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ای پیامبر! هر گاه خواستید زنان را طلاق دهید، پس در زمان عِدّه، آنان را طلاق دهید (= زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و هنوز با شوهر همبستر نشده اند) و حساب (ایام) عِدّه را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست پروا کنید. (در ایام عِدّه،) نه شما آنان را از خانه بیرون کنید و نه آنان بیرون روند، مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شوند (که در این صورت اخراجشان مجاز است). این دستورات، حدود خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند، به خویش ستم کرده است. تو نمی دانی، شاید خداوند بعد از این، امر تازه ای پدید آورد. (۲) پس چون به پایان مدّت عِدّه نزدیک شدند، یا (با رجوع به آنان) به طرز شایسته و پسندیده ای نگاهشان دارید و یا (با پرداخت مهریه و سایر حقوق) به طرز شایسته ای از آنان جدا شوید و (هنگام طلاق) دو شاهد عادل از میان خود به گواه گیرید و گواهی را برای خدا به پا دارید. هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، این گونه پند داده می شود و هر کس که از خدا پروا کند، خداوند برای او راه بیرون شدن و رهایی (از هر گونه مشکل) را قرار می دهد. (۳) و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد و هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است. همانا خداوند کار خود را محقق می سازد. همانا خداوند برای هر چیز اندازه ای

قرار داده است. (۴) و زنانی که از عادت ماهانه مأیوسند، (و قصد دارید آنان را طلاق دهید)، اگر در وضع آنان شک کنید (که این عدم عادت به خاطر سن است یا بیماری و یا بارداری)، پس عده آنان سه ماه است و هم چنین است حکم زنانی که حیض ندیده اند (با آن که در سنّ حیض هستند) و پایان عده زنان باردار، وضع حمل آنان است و هر کس از خدا پروا کند، خداوند برای او در کارش آسانی پدید می آورد. (۵) این فرمان خداوند است که آن را به سوی شما نازل کرده است و هر کس از خدا پروا کند خداوند بدی هایش را می زداید و اجرش را بزرگ می گرداند. (۶) (تا پایان زمان عده)، زنان را در همانجا که خود سکونت دارید و در توانایی شماست، سکونت دهید و به آنان (از جهت مسکن و نفقه) آسیب نرسانید، تا کار بر آنان تنگ نمایید (و مجبور به ترک منزل شوند) و اگر باردار باشند، تا زمانی که وضع حمل کنند نفقه آنان را بدهید. پس اگر نوزادان شما را شیر دادند مزدشان را بدهید و (درباره نوزاد) میان خود به نیکی مشورت و توافق کنید و اگر توافق به دشواری کشید، زن دیگری او را شیر دهد (و مرد برای نوزاد دایه بگیرد). (۷) هر کس که دارای وسعت (مالی) است، باید طبق وسعت خود نفقه دهد و کسی که روزی بر او تنگ شده، باید از آنچه خداوند به او داده (به اندازه توان خود) انفاق کند. زیرا خداوند هیچ کس را مگر به اندازه آنچه به او داده است، تکلیف نمی کند. به زودی خداوند پس از سختی،

آسانی و فراخی پدید می آورد. (۸) و چه بسیار مناطق مسکونی که از فرمان پروردگار خود و فرستادگانش سر باز زدند، پس ما سخت به حساب آنان رسیدیم و به عذابی ناشناخته عذابشان کردیم. (۹) پس آنان ثمره تلخ کار خود را چشیدند و سرانجام کارشان خسارت بود. (۱۰) خداوند برای آنان عذابی سخت مهیا کرده است، پس ای خردمندان که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید. همانا خداوند وسیله تذکر برای شما فرستاده است. (۱۱) (آن وسیله تذکر، پیامبری است که آیات روشنگر الهی را بر شما تلاوت می کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد و کسانی که به خدا ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند، خداوند آنان را به باغ هایی که نهرها از زیر آن ها جاری است وارد می کند و برای همیشه در آنجا جاودانه هستند. حقا که خداوند روزی آنان را نیکو ساخته است. (۱۲) خدا است آن که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آن ها (را بیافرید). فرمان الهی میان آن ها نازل می شود تا بدانید که خداوند بر هر چیزی توانا است و علم او بر همه چیز احاطه دارد. (۱۳)

التحریم

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ای پیامبر! چرا چیزی را که خداوند برای تو حلال کرده، به خاطر جلب رضای همسرانت، بر خود حرام می کنی. خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲) همانا خداوند، (راه) رهایی (از تعهد) سوگندهایتان را (با پرداخت کفاره) برای شما مقوّر کرده است و خداوند سرپرست شماست و او دانا و حکیم است. (۳) و آن گاه که پیامبر به بعضی از همسرانش سخنی را به راز گفت، پس چون آن زن، راز را (به دیگری)

خبر داد و خداوند، (افشای) آن را بر پیامبر ظاهر ساخت، و پیامبر بعضی (از افشاگری های آن زن را به او) اعلام و از بیان برخی اعراض نمود. پس چون به آن زن خبر داد، (زن) گفت: چه کسی تو را از این خبردار کرد؟ پیامبر فرمود: خداوند دانای خبیر به من خبر داد. (۴) اگر شما دو نفر، (افشاگر راز و شنونده آن) به سوی خدا توبه کنید، (به نفع شماست). زیرا دل های شما منحرف گشته است. و اگر در مقابل پیامبر یاور هم باشید، (کاری از پیش نخواهید برد). زیرا خداوند، اوست یاور او و هم چنین جبرئیل و مؤمنان صالح و علاوه بر آنان، همه فرشتگان حامی او هستند. (۵) اگر پیامبر شما را طلاق دهد، امید است که پروردگارش همسرانی بهتر از شما را جانشین سازد. زنانی تسلیم، مؤمن، فرمان بر، اهل توبه، عبادت پیشه، روزه گیر، شوهر کرده یا دوشیزه. (۶) ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردمان (گنه کار) و سنگ ها هستند، حفظ کنید. آتشی که بر آن فرشتگانی درشت خو و سخت گیر نگهبانند و خدا را در آنچه فرمانشان دهد، نافرمانی نکنند و آنچه را فرمان یابند انجام دهند. (۷) (در قیامت به کافران خطاب می شود): ای کسانی که کافر شدید! امروز عذرخواهی نکنید، زیرا جز این نیست که جزا و کیفر شما همان عملکرد خودتان است. (۸) ای کسانی که ایمان آوردید! به درگاه خدا توبه کنید، توبه ای خالصانه. امید است که پروردگارتان بدی های شما را بپوشاند و شما را به بهشت هایی که نهرها از زیر آنها جاری است وارد کند. روزی که خداوند، پیامبر و کسانی را که به او

ایمان آورده اند خوار نکنند، نورشان پیشاپیش آنها و از سوی راستشان می شتابد، می گویند: پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را بیامرز، همانا تو بر هر چیز توانایی. (۹) ای پیامبر! با کفار و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر و جایگاه آنان دوزخ است و بد جای بازگشتی است. (۱۰) خداوند برای کسانی که کفر ورزیدند، همسر نوح و همسر لوط را مثال زده است که این دو زن، همسر (و از خانواده) دو بنده صالح از بندگان ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند. پس در برابر (کیفر) خداوند، برای آن دو زن هیچ کاری از آن دو پیامبر ساخته نبود و به آنان گفته شد: به آتش وارد شوید با وارد شوندگان. (۱۱) و خداوند برای کسانی که ایمان آورده اند، به همسر فرعون مثل زده است. آن گاه که گفت: پروردگارا! برای من نزد خویش در بهشت خانه ای بساز و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و مرا از گروه ستمگر رهایی بخش. (۱۲) و (خداوند به) مریم دختر عمران (نیز مثل زده است). زنی که دامن خویش را (از گناه) حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدیم (تا عیسی در دامن او متولد شد) و کلمات پروردگارش و کتب آسمانی را تصدیق کرد و از اطاعت پیشه گان بود. (۱۳)

الملك

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) مایه خیر و برکت است آن (خدایی) که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. (۲) او که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما کار بهتری انجام می دهید و اوست عزتمند و آمرزنده. (۳) همان کسی که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید. در

آفرینش خداوند رحمان هیچ خللی نمی بینی. بار دیگر دیده باز کن، آیا هیچ شکافی می بینی؟ (۴) باز، پی در پی چشم خود را برگردان (و تماشا کن، خواهی دید که) چشم در حالی که خسته و ناتوان است به سوی تو بازمی گردد (بدون آن که نقص و خللی مشاهده کند). (۵) و همانا ما آسمان دنیا را با چراغ هایی زینت دادیم و آن را وسیله راندن شیاطین قرار دادیم و برای آنها عذاب فروزان آماده کردیم. (۶) و برای کسانی که به پروردگارشان کفر ورزند عذاب جهنم است که بد بازگشتگاهی است. (۷) هنگامی که به دوزخ پرتاب شوند، خروش نابهنجار آن را می شنوند در حالی که جوشش و فوران دارد. (۸) نزدیک است از شدت خشم، پاره پاره شود، هر گاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانان دوزخ از آنان پرسند: آیا هشدار دهنده ای به سراغ شما نیامد؟ (۹) گویند: چرا، همانا هشداردهنده به سراغ ما آمد، ولی ما تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند چیزی نازل نکرده است و شما جز در گمراهی بزرگی نیستید. (۱۰) و گویند: اگر ما (حق را) می شنیدیم یا تعقل می کردیم، در زمره اهل آتش نبودیم. (۱۱) پس به گناه خود اعتراف نمایند، پس لعنت بر اهل آتش باد. (۱۲) همانا کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند، برایشان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۱۳) گفتارتان را پنهان کنید یا آشکار سازید، (تفاوتی ندارد) همانا او به آنچه در سینه هاست آگاه است. (۱۴) آیا کسی که آفرید، (از حالات آفریده خود آگاه نیست؟) در حالی که او باریک بین و آگاه است. (۱۵) اوست که زمین را برای شما رام ساخت، پس در شانه های آن رفت و آمد کنید و از رزق الهی بخورید (و بدانید که) برانگیخته شدن فقط به سوی اوست. (۱۶) آیا

خود را از (قهر) کسی که در آسمان است، ایمن می دانید، از این که شما را در زمین فرو برد، پس ناگاه زمین به لرزه افتد. (۱۷) یا از (قهر) کسی که در آسمان است، ایمن شده اید که تندبادی از سنگریزه بر شما فرو فرستد. پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است. (۱۸) همانا کسانی که قبل از آنان بودند، انبیا را تکذیب کردند، پس (بنگر که) کیفر من چگونه بود. (۱۹) آیا پرندگان را که بر فراز آنان، در حالی که بال های خود را گسترده و جمع می کنند (و در پروازند) نمی بینند؟ هیچ کس جز خداوند رحمن آنها را (در آسمان) نگاه نمی دارد. همانا او به هر چیز بینا است. (۲۰) یا کیست این کسی که سپاه شماست و شما را در برابر (قهر) خداوند رحمن یاری می دهد؟ کافران جز در فریب نیستند. (۲۱) یا کیست آن که اگر خداوند رزقش را قطع کند به شما روزی دهد؟ بلکه آنان در سرکشی و فرار (از حقیقت) لجاجت می کنند. (۲۲) پس آیا کسی که به رو افتاده راه می رود هدایت یافته تر است یا کسی که ایستاده بر راه راست می رود؟ (۲۳) بگو: اوست کسی که شما را پدید آورد و برای شما گوش و چشم ها و دل ها قرار داد اما شما اندکی سپاس می گذارید. (۲۴) بگو: اوست کسی که شما را در زمین بیافرید و به سوی او محشور می شوید. (۲۵) و (کفار، پیوسته از روی استهزاء) می گویند: اگر راست می گوئید این وعده قیامت چه زمانی است؟ (۲۶) (به آنان) بگو: علم (به زمان قیامت) تنها نزد خداوند است و من تنها بیم دهنده آشکارم. (۲۷) پس چون آن (دوزخ موعود) را نزدیک ببینند، چهره های کسانی که کفر ورزیدند، زشت و گرفته گردد

و (به آنها) گفته شود: این است آنچه (در دنیا به عنوان تمسخر) می خواستید. (۲۸) (ای پیامبر!) بگو: اگر خداوند من و کسانی را که با من هستند نابود کند، یا بر ما رحم نماید، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می دهد؟ (۲۹) بگو: او خدای رحمان است، ما به او ایمان آورده ایم و بر او توکل نموده ایم، پس خواهید دانست، کیست آن که در گمراهی آشکار است. (۳۰) بگو: به من خبر دهید اگر آب (چشمه ها و چاه های) شما در زمین فرو رود، کیست آن که آب روان و گوارا برای شما بیاورد. (۳۱)

القلم

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) نون. به قلم و آنچه می نویسند سوگند. (۲) که تو به خاطر (لطف و) نعمت پروردگار دیوانه نیستی. (۳) و همانا برای تو پاداش بی پایان است. (۴) و حقاً که تو بر اخلاق بزرگی استواری. (۵) پس به زودی می بینی و آنها نیز می بینند، (۶) که کدامیک از شما (تو یا دشمنانت) گرفتار جنونید. (۷) همانا پروردگارت، خود به آنکه از راهش منحرف شده، آگاه تر است، و همو به هدایت یافتگان داناتر است. (۸) پس، از تکذیب کنندگان اطاعت نکن. (۹) آنان دوست دارند که تو سازش کنی و آنان نیز با تو سازش کنند. (۱۰) و از هر فرومایه که بسیار سوگند یاد می کند، پیروی نکن. (۱۱) (آن که) عیب جوست و برای سخن چینی در جنب و جوش است. (۱۲) برای جلوگیری از کارهای خیر اصرار می ورزد، متجاوز و گنه پیشه است. (۱۳) خشن و بی اساس و تبار است. (۱۴) (تمام این زشتی ها) به خاطر آن است که او دارای مال فراوان و فرزندان نیرومند است. (۱۵) هرگاه آیات ما بر آنان تلاوت شود، گویند: افسانه های پیشینیان است. (۱۶) به زودی بر بینی اش مهر ذلت می نهیم. (۱۷) همانا یا مردم (مکه را) آزمودیم، همان گونه که صاحبان آن باغ (در یمن) آزمودیم،

آنگاه که سوگند یاد کردند صبحگاهان میوه های باغ را بچینند. (۱۸) و چیزی را (برای فقرا) استثناء نکردند. (۱۹) از طرف پروردگارت آفتی بر گرد باغ چرخید (و باغ را سوزاند). (۲۰) پس صبح شد در حالی که (اصل باغ به کلی) برچیده شده بود. (۲۱) (آنان بی خبر از ماجرا) بامدادان یکدیگر را ندا دادند. (۲۲) که اگر قصد چیدن میوه دارید به سوی کشتزار حرکت کنید. (۲۳) پس به راه افتادند، در حالی که آهسته با یکدیگر می گفتند. (۲۴) که مبادا امروز مسکینی بر شما وارد شود. (۲۵) در آن صبحگاهان قصد باغ کردند در حالی که خود را قادر (بر جمع محصول) می پنداشتند. (۲۶) پس چون آن را (سوخته) دیدند، گفتند: ما راه را گم کرده ایم، (این باغ ما نیست). (۲۷) بلکه ما از محروم شدگانیم. (۲۸) عاقل ترین آنها گفت: آیابه شما نگفتم چرا خدا را منزّه نمی دانید (و با تصمیم بر بخل خیال کردید خدا عاجز و شما همه کاره اید). (۲۹) گفتند: پروردگار ما منزّه است، قطعاً ما ستمکاریم. (۳۰) پس به یکدیگر روی آورده در حالی که به ملامت هم می پرداختند. (۳۱) گفتند: وای بر ما که سرکش بودیم. (۳۲) امید است پروردگار ما بهتر از آن را برای ما جایگزین کند، همانا ما به پروردگارمان رغبت و امید داریم. (۳۳) اینگونه است عذاب و اگر بدانند عذاب آخرت بزرگتر است. (۳۴) همانا برای پروا پیشه گان نزد پروردگارشان باغ های پر نعمت است. (۳۵) آیا ما مسلمانان را همچون مجرمان قرار می دهیم؟ (۳۶) شما را چه شده، چگونه داوری می کنید؟ (۳۷) آیا برای شما مکتوبی است که در آن می خوانید، (۳۸) هر چه را اختیار کنید برای شما خواهد بود؟ (۳۹) یا مگر برای شما برگردن ما پیمان هائی است که تا روز قیامت، هر چه را حکم کنید برای شما باشد؟ (۴۰) از آنان سؤال کن که کدام یک از آنان ضامن این ادعا است؟ (۴۱) یا برای آنان شریکانی است (که

در قیامت به دادشان رسد) پس اگر راست گو هستند، شریکانشان را بیاورند.(۴۲) روزی که کار بر آنان دشوار شود و به سجده کردن دعوت شوند ولی نتوانند.(۴۳) دیدگانشان (از ترس) فرو افتاده و ذلّت و خواری وجودشان را فرا گرفته است. آنان (در دنیا) به سجده دعوت می شدند در حالی که سالم بودند (ولی سجده نکردند و امروز دیگر عاجزند).(۴۴) پس مرا با کسی که (قرآن)، این حدیث (الهی) را تکذیب می کند واگذار، ما آنان را از راهی که نمی دانند تدریجاً (به سوی عذاب) پیش می بریم.(۴۵) و به آنان مهلت می دهم، همانا تدبیر من محکم و استوار است.(۴۶) آیا (در برابر انجام رسالت) مزدی درخواست می کنی که آنان از پرداخت آن سنگین بارند؟(۴۷) یا اسرار غیب نزد آنهاست و آن ها می نویسند.(۴۸) پس برای (تحقق) فرمان پروردگارت صبر کن و همانند (یونس) صاحب ماهی مباش آن گاه که با دلی پر اندوه ندا در داد.(۴۹) اگر رحمت پروردگارش او را در نیافته بود قطعاً به صحرائی بی گیاه افکنده می شد در حالی که مستحقّ مذمت بود.(۵۰) پس خداوند او را برگزید و از شایستگان قرارش داد.(۵۱) و نزدیک بود کسانی که کفر ورزیدند، چون قرآن را شنیدند، تو را چشم بزنند و می گویند: او دیوانه است.(۵۲) در حالی که آن قرآن جز مایه بیداری برای جهانیان نیست.(۵۳)

الحاقه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱) آن امر راستین.(۲) چیست آن امر راستین.(۳) و تو چه می دانی که چیست آن امر راستین.(۴) قوم ثمود و عاد آن حادثه کوبنده را تکذیب کردند.(۵) پس قوم ثمود به خاطر طغیان گری نابود شدند.(۶) و اما قوم عاد به وسیله بادی سرد و سوزنده و بنیان کن نابود شدند،(۷) که خداوند هفت شب و هشت روز پی در پی، آن را بر

آنان مسلط کرد. پس (اگر آنجا بودی) می دیدی که در آن ایام، آن قوم از پافتاده، گویا تنه های نخل تو خالی هستند.

(۸) پس آیا هیچ بازمانده ای برای آنان می بینی؟ (۹) و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و (مردم) مناطق زیر و رو شده (قوم لوط) مرتکب خطا شدند. (۱۰) پس فرستاده پروردگارشان را سرپیچی کردند و خداوند آنان را به قهری فزاینده و سخت بگرفت. (۱۱) همانا (در زمان نوح) چون (با اراده و قهر ما) آب طغیان کرد شما را در آن کشتی روان سوار کردیم. (۱۲) تا آن را وسیله تذکری برای شما قرار دهیم و گوشه‌ای که شنواست آن را ضبط کند. (۱۳) پس آنگاه که در صور دمیده شود یک دمیدنی. (۱۴) و زمین و کوه ها برگرفته و در هم کوبیده شوند، یک در هم کوبیدنی. (۱۵) پس در آن روز، واقعه (قیامت) به وقوع پیوندد. (۱۶) و آسمان بشکافد و در آن روز سست گردد. (۱۷) و فرشتگان در اطراف آن هستند (و منتظر فرمانند) و عرش پروردگارت را در آن روز هشت نفر (از فرشتگان یا اولیای خدا) بالای سر خود حمل می کنند. (۱۸) در آن روز شما (برای حساب) عرضه می شوید (در حالی که) هیچ چیز پنهانی از شما مخفی نماند. (۱۹) پس هر کس که نامه عملش به دست راستش داده شود، (شادی کنان) می گوید: بیائید کتاب مرا بخوانید. (۲۰) من می دانستم که با حساب خودم رو به رو خواهم شد. (۲۱) پس او در زندگی رضایت بخشی است. (۲۲) در بهشتی برین. (۲۳) که میوه هایش در دسترس است. (۲۴) به خاطر اعمالی که در دوران گذشته انجام داده اید، بخورید و بیاشامید و گوارایتان باد. (۲۵) و اما کسی که نامه عملش به دست چپش داده شود، می گوید: ای کاش نامه ام به من داده نشده بود. (۲۶) و نمی دانستم حسابم چیست؟ (۲۷) ای

کاش مرگ پایان کارم بود (و دیگر زنده نمی شدم). (۲۸) دارائی من رفع نیازی از من نکرد. (۲۹) قدرتم از دستم برفت. (۳۰) (گفته می شود): او را بگیرید و در غل بکشید. (۳۱) سپس او را در آتش شعله ور وارد بیندازید. (۳۲) سپس او را در آتش شعله ور وارد بیندازید. (۳۳) همانا او به خدای بزرگ ایمان نمی آورد. (۳۴) و بر طعام دادن به نیازمندان ترغیب نمی کرد. (۳۵) پس امروز در این جا دوستی صمیمی ندارد. (۳۶) و نه غذایی جز خونابه. (۳۷) که جز خطاکاران آن را نخورند. (۳۸) پس سوگند به آنچه می بینید. (۳۹) و آنچه نمی بینید. (۴۰) همانا آن (قرآن) کلام رسول گرامی است. (۴۱) و سخن یک شاعر نیست چه کم ایمان می آورید. (۴۲) و (همچنین) سخن کاهن و پیشگو نیست، چه کم متذکر می شوید. (۴۳) (همانا قرآن) فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیان است. (۴۴) و اگر پیامبر بعضی گفتارهای ساختگی را به ما نسبت دهد، (۴۵) قطعاً او را با قدرت (و به قهر) می گرفتیم. (۴۶) سپس رگ قلبش را قطع می کردیم. (۴۷) و هیچ یک از شما نمی توانست سپر او شود. (۴۸) همانا این قرآن برای اهل تقوی وسیله تذکر است. (۴۹) و ما می دانیم که بعضی از شما تکذیب کننده قرآنید. (۵۰) و بی شک (این تکذیب در قیامت) بر کافران حسرتی خواهد بود. (۵۱) و همانا آن، حق و یقینی است. (۵۲) پس با نام پروردگار بزرگت به تسبیح پرداز. (۵۳)

المعارج

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) سائلی، عذابی واقع شدنی را درخواست کرد. (۲) که برای کافران است و هیچ بازدارنده ای برای آن نیست. (۳) و از سوی خداوند صاحب درجات والاست. (۴) فرشتگان و روح، در روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال است، به سوی او بالا می روند. (۵) پس صبر کن صبری نیکو. (۶) همانا آنان آن روز را دور می بینند. (۷) و ما آن را نزدیک می بینیم. (۸) روزی که آسمان همانند فلز گداخته شود. (۹) و کوه ها مانند پشم حلاجی شده گردد. (۱۰) و هیچ دوستی از دوستش احوالی نپرسد. (۱۱) به یکدیگر نمایانده می شوند. در

آن روز مجرم دوست دارد فرزندان خود را برای دفع عذاب فدیة دهد و فدای خود کند. (۱۲) و همچنین همسر و برادرش را. (۱۳) و بستگان و قبیله اش را که همیشه به او پناه دادند. (۱۴) بلکه آرزو دارد تمام مردم روی زمین را فدا کند تا او را نجات دهند. (۱۵) چنین نیست، همانا آن آتش شعله ور است. (۱۶) که پوست بدن را به شدت جدا می کند. (۱۷) (این آتش) هر کس را که (به حق) پشت کرده و روی برتافته، فرامی خواند. (۱۸) و (نیز کسی که مال) جمع کرده و ذخیره ساخته است. (۱۹) همانا انسان، بی تاب و حریص آفریده شده است. (۲۰) هرگاه بدی به او رسد، نالان است. (۲۱) و هرگاه خیری به او رسد، بخیل است. (۲۲) مگر نمازگزاران. (۲۳) آنان که بر نمازشان مداومت دارند. (۲۴) و آنان که در اموالشان حقی است معلوم. (۲۵) برای افراد سائل و محروم. (۲۶) و آنان که روز جزا را باور دارند. (۲۷) و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند. (۲۸) زیرا از عذاب پروردگارشان ایمنی نیست. (۲۹) و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند. (۳۰) مگر بر همسران یا کنیزانشان که در این صورت، در خور ملامت نیستند. (۳۱) پس کسانی که جز این را طلب کنند، اینان همان تجاوزگراند. (۳۲) و آنان که رعایت کننده امانت ها و قراردادهای خویشند. (۳۳) و آنان که به (ادای) شهادت های خود قیام می کنند. (۳۴) و آنان که بر نمازشان مراقبت دارند. (۳۵) اینان در بهشت ها گرامی داشته می شوند. (۳۶) پس کافران را چه شده که شتابان به سوی تو می آیند. (۳۷) از راست و چپ، گروه گروه. (۳۸) آیا هر یک از آنان طمع دارد که به بهشتی پر نعمت در آید. (۳۹) چنین نیست، همانا ما آنان را از آنچه می دانند، آفریده ایم. (۴۰) به پروردگار مشرق ها و مغرب ها سوگند می خورم که ما تواناییم. (۴۱) بر این که بهتر از آنان را به جای ایشان بیاوریم و ما قطعاً مغلوب و ناتوان نیستیم. (۴۲) پس آنان

را به حال خود واگذار، یاوه بگویند و بازی کنند تا روزی را که وعده داده شده اند، ملاقات کنند. (۴۳) روزی که شتابان از قبرها بیرون آیند، چنان که گویی به سوی نشان هایی نصب شده می دوند. (۴۴) چشمانشان فرو افتاده و ذلتی (وصف ناپذیر) آنان را فرا گرفته است. این است آن روزی که به ایشان وعده داده می شد. (۴۵)

نوح

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) همانا ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قوم خود را قبل از آنکه عذابی دردآور به سراغشان بیاید هشدار بده. (۲) (نوح) گفت: ای قوم من! همانا من برای شما هشدار دهنده ای آشکارم. (۳) خدا را پرستید و از او پروا داشته باشید و مرا اطاعت کنید. (۴) (اگر چنین کنید) خداوند بخشی از گناهانتان را می بخشد و عمر شما را تا زمان تعیین شده به عقب می اندازد (و از مرگهای قهرآمیز شما را دور می دارد) امّا اجل معین شده (از سوی) خدا، هنگامی که فرارسد تأخیر بردار نیست. اگر می دانستید. (۵) (نوح) گفت: پروردگارا همانا من قوم خود را شب و روز دعوت کردم. (۶) ولی دعوت من جز بر فرار آنان نیفزود. (۷) و البتّه هرگاه که آنان را دعوت کردم تا (ایمان آورند و) تو آنان را پیامرزی، انگشتانشان را در گوشه‌هایشان نهادند و لباسهایشان را بر سر کشیدند و (بر طغیان خود) اصرار کردند و سخت تکبر ورزیدند. (۸) آنگاه من آنان را با صدای بلند دعوت کردم. (۹) سپس گاهی به طور آشکار و گاهی در نهان (با آنان سخن) گفتم. (۱۰) پس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است. (۱۱) آسمان را بر شما ریزش کنان می فرستد. (۱۲) و شما را با اموال و فرزندان یاری می کند و برای شما (از همان آب باران) باغ ها قرار می دهد و

برای شما نهرها جاری می سازد. (۱۳) شما را چه شده که از عظمت خداوند نمی ترسید؟ (۱۴) در حالی که خداوند شما را در مراحل گوناگون آفریده است. (۱۵) آیا نمی بینید که خداوند چگونه هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفریده است. (۱۶) و میان آنها ماه را نوری و خورشید را چراغی قرار داده است. (۱۷) و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویاند. (۱۸) سپس شما را در همان زمین بازمی گرداند و شما را بیرون می آورد. (۱۹) و خداوند زمین را برای شما بستری گسترده قرار داده است. (۲۰) تا در راه های وسیع آن رفت و آمد کنید. (۲۱) نوح گفت: پروردگارا همانا مردم مرا نافرمانی کردند و از کسی پیروی کردند که مال و فرزندش جز بر خسارتش نیفزود. (۲۲) و نیرنگی بس بزرگ به کار بستند. (۲۳) و گفتند: معبودهای خودتان را رها نکنید و دست از (بت های) وُد و سُواع و یَعوق و نَسر بردارید. (۲۴) و بی گمان بسیاری را گمراه کردند، پس (پروردگارا) ظالمین را جز گمراهی نیفزا. (۲۵) آنان به خاطر خطاهایشان غرق شدند و در آتشی وصف ناپذیر داخل شدند، و برای خود، غیر از خدا یآوری نیافتند. (۲۶) و نوح گفت: پروردگارا از این کافران هیچ کس بر زمین باقی نگذار. (۲۷) زیرا اگر آنان را باقی گذاری بندگان را گمراه می کنند و جز گناهکار و کفرپیشه نمی زایند. (۲۸) پروردگارا، مرا و پدر و مادرم را و هر کس که با ایمان به خانه ام وارد شود و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز و ظالمان را جز هلاکت نیفزا. (۲۹)

الجن

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) بگو: بر من وحی شده است که گروهی از جن (به قرائت من) گوش دادند، پس گفتند: همانا ما قرآنی شگفت شنیدیم. که به سوی رشد هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم

و هرگز احدی را شریک پروردگاران قرار نمی دهیم. (۲) بگو: بر من وحی شده است که گروهی از جن (به قرائت من) گوش دادند، پس گفتند: همانا ما قرآنی شکفت شنیدیم. که به سوی رشد هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم و هرگز احدی را شریک پروردگاران قرار نمی دهیم. (۳) و اینکه او، پروردگار عظیم متعالی ما، نه همسری گرفته و نه فرزند. (۴) و اینکه سفیهان ما درباره خداوند سخنی ناحق می گفتند. (۵) و ما گمان می کردیم که هرگز جن و انس بر خداوند دروغ نمی بندند. (۶) و مردانی از انسان به مردانی از جن پناه می برند و به طغیان آنان افزودند. (۷) و آنان پنداشتند چنانکه شما پنداشتید که خدا هرگز احدی را مبعوث نخواهد کرد. (۸) و ما به آسمان ها نزدیک شویم، پس آنجا را پر از نگهبانان نیرومند و شهاب ها یافتیم. (۹) و اینکه ما قبلاً برای (استراق) سمع در مراکزی از آسمان می نشستیم ولی اکنون هر که بخواهد استماع کند، شهابی در کمین خود می یابد. (۱۰) و اینکه ما نمی دانیم آیا برای کسانی که در زمین هستند شری اراده شده یا پروردگارشان برایشان خیر و صلاحی اراده کرده است. (۱۱) و اینکه بعضی از ما افراد صالحی هستند و بعضی جز آن، در راه های گوناگون هستند. (۱۲) و اینکه ما می دانیم که هرگز نمی توانیم در زمین خدا را ناتوان سازیم و با فرار از سلطه او خارج شویم. (۱۳) و اینکه چون هدایت (قرآن) را شنیدیم به آن ایمان آوردیم، پس هر کس به پروردگارش ایمان آورد، نه از نقصان حقی می ترسد و نه از ستمی. (۱۴) و اینکه برخی از ما اهل تسلیم و بعضی ستمکارند پس کسانی که اهل تسلیم هستند، آنان در جستجوی رشدند. (۱۵) آنان در جستجوی رشدند. ولی ستمکاران هیزم دوزخند. (۱۶) و اگر

بر طریق (حق) استقامت کنند، آنان را با آبی فراوان سیراب می کنیم،(۱۷)تا در آن (رفاه و آسایش) امتحانشان کنیم و هر کس از ذکر پروردگارش اعراض کند، او را در عذاب سخت درمی آورد.(۱۸)و اینکه مساجد برای خداوند است پس (در آنها) با خداوند احدی را نخوانید.(۱۹)و اینکه وقتی بنده خدا بر پا ایستاده و او را می خواند نزدیک بود (جنیان) بر او ازدحام کنند.(۲۰)بگو: من فقط پروردگارم را می خوانم و احدی را شریک او نمی گیرم.(۲۱)بگو: همانا من مالک هیچ سود و زیانی برای شما نیستم.(۲۲)بگو: همانا هیچ کس مرا در برابر خدا حفظ نخواهد کرد و جز او هرگز پناهگاهی نخواهم یافت.(۲۳) (وظیفه من) جز ابلاغی از جانب خدا و رساندن پیام او نیست. و کسی که خدا و رسولش را نافرمانی کند قطعاً آتش دوزخ برایش خواهد بود، در حالی که همیشه در آن آتش جاودانه اند.(۲۴)آنان در غفلت و غرور به سر می برند) تا وقتی که آنچه را به آن تهدید می شوند، ببینند، که خواهند دانست چه کسی یاورش ضعیف تر و نفراش کمتر است.(۲۵)بگو: من نمی دانم که آیا آنچه وعده داده می شوید نزدیک است، یا پروردگارم برای تحقق آن مدتی (طولانی) قرار می دهد.(۲۶)او عالم به غیب است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی کند،(۲۷)مگر کسی همانند پیامبر که از او راضی باشد، پس از پیش رو و از پشت سر نگهبانانی می فرستد.(۲۸)تا بدانند (رسولان) پیام های پروردگارشان را رسانده اند و او به آنچه نزد آنان است احاطه دارد و هر چیزی را با عدد، شماره کرده است.(۲۹)

المزمل

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱)ای جامه به خود پیچیده.(۲)شب را جز اندکی، به پا خیز.(۳)نصف آن،

یا اندکی از آن کم کن. (۴) یا بر آن بیفزای و قرآن را با تائی و شمرده بخوان. (۵) همانا ما سخنی سنگین و گرانمایه بر تو القا خواهیم کرد. (۶) همانا برخاستن در شب (برای عبادت) پایدارتر پابرجاتر و گفتار آن استوارتر است. (۷) همانا تو در روز حرکت و تلاشی طولانی داری (و کمتر به عبادت می رسی). (۸) و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به سوی او منقطع شو. (۹) او که پروردگار مشرق و مغرب است، معبودی جز او نیست، پس او را وکیل خود ساز. (۱۰) و بر آنچه می گویند صبر کن و به گونه ای نیکو از آنان کناره بگیر. (۱۱) و مرا با تکذیب کنندگان توانگر و خوشگذران واگذار و آنان را اندکی مهلت ده. (۱۲) همانا نزد ما است غل ها و آتش برافروخته. (۱۳) و غذایی گلوگیر و عذابی دردناک. (۱۴) در روزی که زمین و کوه ها به لرزه درآیند و کوه ها به صورت پشته هایی از شن روان گردند. (۱۵) همانا ما رسولی را که گواه بر شماست، به سوی شما فرستادیم، همان گونه که به سوی فرعون رسولی فرستادیم. (۱۶) امّا فرعون، آن رسول را نافرمانی کرد و ما او را به کیفری وخیم گرفتیم. (۱۷) پس اگر کفر ورزید، چگونه خود را از (عذاب) روزی که کودکان را پیر می کند مصون می دارید؟ (۱۸) آسمان به سبب (هول) آن روز می شکافد، آری وعده خداوند انجام شدنی است. (۱۹) همانا این آیات مایه تذکر است، پس هر کس می خواهد، راهی به سوی پروردگارش برگیرد. (۲۰) همانا پروردگارت می داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند، نزدیک به دو سوم شب یا نصف آن یا یک سوم آن را به عبادت برمی خیزید و خداوند شب و روز را اندازه گیری می کند. او می داند که شما نمی توانید به طور دقیق آن را

احصا کنید. از این رو شما را بخشید (و حساب دقیق شب را از شما برداشت) پس آنچه میسر است از قرآن بخوانید. خداوند می داند که برخی از شما بیمار خواهند شد و گروه دیگری به سفر می روند تا از فضل خدا (رزق) جویند و گروه دیگری در راه خدا به جهاد مشغولند (و از تلاوت قرآن بازمی مانند) پس (اکنون که فرصت دارید) هرچه می توانید از قرآن بخوانید و نماز به پا دارید و زکات بدهید و به خداوند وام دهید، وامی نیکو (بدانید که) آنچه برای خود از پیش فرستید، آن را نزد خدا نیکوتر و با پاداشی بزرگ تر خواهید یافت و از خداوند طلب آموزش کنید که همانا خداوند آمرزنده مهربان است. (۲۱)

المدثر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) ای ردا بر خود کشیده. (۲) به پا خیز و هشدار ده. (۳) و پروردگارت را بزرگ بدار. (۴) و لباس را پاکیزه دار. (۵) و از پلیدی دور شو. (۶) و (در عطا) منت مگذار و (کارت را) بزرگ بشمار. (۷) و به خاطر پروردگارت صبر کن. (۸) پس هنگامی که در صور دمیده شود. (۹) پس آن روز، روز سختی است. (۱۰) بر کافران آسان نیست. (۱۱) مرا واگذار با آن که خود به تنهایی آفریدم. (۱۲) و به او مالی پیوسته و در حال فزونی دادم. (۱۳) و پسرانی که در کنارش حاضرند. (۱۴) و برای او اسباب کامیابی را به طور کامل آماده کردم. (۱۵) با این حال، طمع دارد که بیفزایم. (۱۶) هرگز، زیرا او به آیات ما عناد می ورزد. (۱۷) به زودی او را به گردنه ای سخت گرفتار می کنم. (۱۸) همانا او (برای مبارزه با قرآن) فکر کرد و به سنجش پرداخت. (۱۹) پس مرگ بر او باد که چگونه سنجید. (۲۰) باز هم مرگ بر او که چگونه سنجید. (۲۱) سپس نگریست. (۲۲) سپس چهره در هم کشید و با عجله دست

به کار شد. (۲۳) سپس پشت کرد و تکبر ورزید. (۲۴) پس گفت: این (قرآن) جز سحری که (از پیشینیان) روایت می شود نیست. (۲۵) این نیست مگر گفته بشر. (۲۶) زود است که او را به سقر در آورم. (۲۷) و تو نمی دانی که سقر چیست. (۲۸) نه باقی گذارد و نه رها کند. (۲۹) پوست را به شدت دگرگون کند. (۳۰) بر آن (دوزخ) نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) گماشته شده اند. (۳۱) و نگهبانان آتش را جز از فرشتگان قرار ندادیم و تعداد آنها را جز وسیله آزمایش برای کسانی که کفر ورزیدند قرار ندادیم، تا اهل کتاب یقین کنند (که قرآن کتاب آسمانی است. زیرا همین عدد در تورات و انجیل نیز آمده است) و کسانی که ایمان آورده اند بر ایمان خود بیفزایند و اهل کتاب و مؤمنان، گرفتار شک و تردید نشوند و (به علاوه، عدد ۱۹ سبب شد تا کفار و بیمار دلان بگویند خدا از این مثال چه اراده ای کرده است؟ این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می کند و هر که را بخواهد هدایت می نماید و شمار لشکریان پروردگارت را کسی جز او نمی داند و این جز تذکری برای بشر نیست. (۳۲) به ماه سوگند، چنین نیست (که کفار می پندارند). (۳۳) به شب، آنگاه که پشت می کند سوگند. (۳۴) به صبح، آنگاه که آشکار می شود سوگند. (۳۵) که این (دوزخ)، یکی از بزرگترین پدیده هاست. (۳۶) هشدار می دهد، برای بشر است. (۳۷) برای هر کس از شما که بخواهد (در کار خیر) مقدم شود یا متاخر باشد. (۳۸) هر کسی در گرو چیزی است که کسب کرده است. (۳۹) مگر اصحاب یمین، (۴۰) که در باغ های بهشتی می پرسند: (۴۱) از مجرمان. (۴۲) چه چیز شما را روانه دوزخ کرد. (۴۳) گویند: ما از نماز گزاران نبودیم. (۴۴) و افراد مسکین را اطعام نمی کردیم. (۴۵) و با اهل باطل در سخنان باطل فرو می رفتیم. (۴۶) و پیوسته روز جزا را تکذیب می کردیم. (۴۷) تا آن

که مرگ به سراغ ما آمد. (۴۸) پس شفاعت شافعان سودشان ندهد. (۴۹) چه شده آنان را که از تذکر (قرآن) روی گردانند؟ (۵۰) گویا آنان گورخرانی گریزان هستند. (۵۱) که از شیر می گریزند. (۵۲) بلکه هر یک از آنان توقع دارد که نامه هایی سرگشاده (از سوی خدا) به او داده شود. (۵۳) چنین نیست، بلکه آنان از آخرت نمی ترسند. (۵۴) چنین نیست، همانا آن (قرآن) تذکری ارزشمند است. (۵۵) پس هر کس خواست، با آن تذکر یابد. (۵۶) و تذکر نمی یابند مگر آن که خداوند بخواهد. او سزاوار تقوی است و سزاوار آمرزیدن است. (۵۷)

القیامه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) به روز قیامت قسم می خورم. (۲) و به نفس ملامت گر قسم می خورم (که شما پس از مرگ زنده خواهید شد). (۳) آیا انسان می پندارد که استخوان های او را (بعد از مرگ) جمع نمی کنیم؟ (۴) بلکه ما قدریم (خطوط سر) انگشتان او را (بار دیگر) درست کنیم، (۵) ولی انسان می خواهد راه فسق و فجور را پیش روی خود باز کند. (۶) (لذا از روی تردید) می پرسد: روز قیامت چه وقت است؟ (۷) پس آنگاه که (در آستانه قیامت) چشم ها خیره گردد. (۸) و ماه تاریک شود، (۹) و خورشید و ماه جمع شوند. (۱۰) در آن روز انسان خواهد گفت: گریزگاه کجاست؟ (۱۱) هرگز، ملجأ و پناهگاهی نیست. (۱۲) آن روز قرارگاه فقط نزد پروردگار توست. (۱۳) آن روز انسان به آنچه پیش فرستاده و آنچه به جا گذاشته است خبر داده می شود. (۱۴) با آن که انسان بر (نیک و بد) نفس خویش بینا است (که چه کرده و چه می کند). (۱۵) اگر عذرهایی بتراشد. (۱۶) (ای پیامبر! به هنگام نزول وحی،) زبان خود را به حرکت در نیاور تا نسبت به تلاوت آن شتاب کنی. (۱۷) همانا گردآوردن و خواندن آن (بر تو) بر عهده ماست. (۱۸) پس چون آن را خواندیم، قرائت آن را دنبال کن. (۱۹) آنگاه بیان (حقایق و اسرار و توضیح) آن بر عهده ماست. (۲۰) چنین

نیست (که می پندارید) بلکه به این دنیای زودگذر دل بسته اید. (۲۱) و آخرت را رها کرده اید. (۲۲) چهره هایی در آن روز شاداب و با طراوت است. (۲۳) و به (لطف و پاداش) پروردگارش چشم دوخته اند. (۲۴) و چهره هایی در آن روز گرفته است. (۲۵) زیرا می داند مورد عذابی کمر شکن قرار می گیرد. (۲۶) چنین نیست (که انسان می پندارد) آنگاه که (در آستانه مرگ) جان به گلوگاه رسد. (۲۷) و گفته شود: چه کسی شفا دهنده است؟ (۲۸) و (محتضر) بداند که هنگام جدایی است. (۲۹) و ساق پا به ساق دیگر بچسبد (و دیگر حرکتی نکند) (۳۰) در آن روز به سوی پروردگارت سوق داده شود. (۳۱) او که نه حق را تصدیق کرد و نه نماز گزارد. (۳۲) بلکه تکذیب کرد و روی گردانید. (۳۳) و سپس با کبر و غرور به سوی اهلش رفت. (۳۴) (عذاب الهی) برای تو شایسته تر است، شایسته تر. (۳۵) باز هم شایسته تر است، شایسته تر. (۳۶) آیا انسان می پندارد که به حال خود رها می شود؟ (۳۷) آیا او قطره ای از منی نبود که (در رحم) ریخته می شد؟ (۳۸) سپس خون بسته ای شد و خداوند آن را آفرینش داد و استوار ساخت. (۳۹) و دو جنس زن و مرد را از آن پدید آورد. (۴۰) آیا این خدا قادر نیست که مردگان را زنده کند؟ (۴۱)

الإنسان

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) آیا بر انسان دوره ای از روزگار گذشت که چیزی قابل ذکری نبود؟ (۲) همانا ما انسان را از نطفه ای آمیخته (از نطفه مرد و زن) آفریدیم تا او را بیازماییم، پس او را شنوا و بینا گردانیدیم. (۳) به راستی ما راه (حق) را به او نمایانیدیم، خواه شاکر (و پذیرا) باشد یا ناسپاس. (۴) همانا ما برای کفر پیشه گان زنجیرها و غلها و آتشی برافروخته آماده ساختیم. (۵) همانا نیکان از پیمانهای می نوشند که با کافور (گیاهی خوشبو) آمیخته شده است. (۶) چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و هر گونه بخواهند،

آن را جاری می سازند. (۷) آنان به نذر وفا می کنند و از روزی که شرش فراگیر است می ترسند. (۸) و غذای خود را با آن که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می دهند. (۹) (و می گویند:) ما برای رضای خدا به شما طعام می دهیم و از شما پاداش و تشکر نمی خواهیم. (۱۰) همانا ما از پروردگاران، به خاطر روزی عبوس و سخت، می ترسیم. (۱۱) پس خداوند آنان را از شر آن روز مصون دارد و آنان را با شادی و سرور بس بزرگ روبرو کند. (۱۲) و به سبب صبری که کردند، بهشتی بزرگ و پوششی از حریر پاداششان دهد. (۱۳) در حالی که در آن بر تخت ها تکیه زده اند، در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمای. (۱۴) و سایه های درختان بر سرشان نزدیک و خوشه های میوه در دسترس آنان. (۱۵) بر دور آنان ظرف های نقره فام و تنگ های بلورین گردانده شود. (۱۶) بلورهایی از نقره که در اندازه هایی (معین و متفاوت) اندازه گیری کرده اند. (۱۷) در آن بهشت، جامی نوشانده می شوند که با زنجبیل آمیخته است. (۱۸) چشمه ای در آنجا است که سلسبیل نامیده می شود. (۱۹) و پسرانی همیشه جوان، (به خدمت) بر آنان می گردند، هرگاه آنان را بینی، پنداری مرواریدهای غلطان و پراکنده اند. (۲۰) و چون آنجا را بنگری نعمتی فراوان و سلطنتی بزرگ می بینی. (۲۱) بر اندامشان جامه های سبز از دیبای نازک و ضخیم است و با دستواره های نقره زینت شده اند و پروردگارشان شرابی طهور (پاک و پاک کننده) به آنان می نوشاند. (۲۲) همانا این جزایی است برای شما و سعیتان مورد سپاس است. (۲۳) همانا ما خود قرآن را بر تو فرو فرستادیم. (۲۴) پس در برابر حکم پروردگارت صبر پیشه کن و از هیچ گنه کار یا کفران پیشه اطاعت مکن. (۲۵) و در هر صبح و شام، نام پروردگارت را یاد کن. (۲۶) و بخشی از شب را برای او

سجده کن و در بخشی طولانی از شب به تسبیح او بپرداز. (۲۷) همانا اینان دنیای زودگذر را دوست دارند و روز گرانبار (قیامت) را پشت سر می نهند. (۲۸) مائیم که خلقشان کردیم و مفاصلشان را محکم ساختیم و هرگاه بخواهیم مانند آنها را چنانکه باید به جای آنان می آوریم. (۲۹) به راستی این آیات، وسیله تذکری است، پس هر که بخواهد، راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد. (۳۰) و شما چیزی رانمی خواهید، مگر این که خدا بخواهد، همانا خداوند دانا و حکیم است. (۳۱) هر که را بخواهد به رحمت خود درمی آورد و برای ظالمان عذابی دردناک آماده کرده است. (۳۲)

المرسلات

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) به فرستاده های پی در پی سو گند. (۲) پس به طوفان های سهمگین (سو گند). (۳) به نشردهندگانی (که حق را به نیکویی) نشر می دهند سو گند. (۴) پس آنان که به طور کامل (بین حق و باطل) فرق می گذارند. (۵) پس به القا کنندگان ذکر (و وحی به پیامبران). (۶) برای (رفع) عذر یا هشدار و انذار. (۷) همانا آنچه وعده داده می شوید، واقع شدنی است. (۸) پس آنگاه که ستگاران محو شوند. (۹) و آنگاه که آسمان شکافته شود. (۱۰) و آنگاه که کوه ها از ریشه کنده شود. (۱۱) و آنگاه که برای رسولان (برای ادای شهادت) وقت تعیین شود. (۱۲) برای چه روزی، اجل تعیین شده؟ (۱۳) برای روز داوری. (۱۴) و تو چه دانی که روز داوری چیست؟ (۱۵) در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان. (۱۶) آیا پیشینیان را هلاک نکردیم؟ (۱۷) سپس دیگران را در پی آنان آوردیم. (۱۸) ما با مجرمان این گونه عمل می کنیم. (۱۹) وای بر تکذیب کنندگان در آن روز. (۲۰) آیا ما شما را از آبی پست خلق نکردیم. (۲۱) پس آن را در قرارگاهی استوار قرار دادیم. (۲۲) تا مدتی معین. (۲۳) پس اندازه گیری کردیم و ما چه خوب اندازه گیریم. (۲۴) در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۲۵) آیا زمین را محل اجتماع قرار ندادیم؟ (۲۶) زنده ها و مرده ها. (۲۷) و در آن کوه هایی استوار و

بلند قرار دادیم و آبی گوارا به شما نوشاندیم. (۲۸) پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۲۹) (به مجرمان گویند): بروید به سوی آنچه آن را تکذیب می کردید. (۳۰) بروید به سوی سایه ای سه شاخه، (۳۱) نه خنک است و نه از شعله آتش مصون می دارد. (۳۲) همانا دوزخ، شراره هایی به اندازه کاخ پرتاب می کند. (۳۳) گویی شترانی زرد مویند. (۳۴) در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۳۵) (مجرمان) در این روز حرفی برای زدن ندارند. (۳۶) و به آنان اجازه داده نمی شود تا عذر خواهی کنند. (۳۷) در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۳۸) این روز، روز جدایی است که شما و پیشینیان را جمع کردیم. (۳۹) پس اگر چاره ای دارید به کار گیرید. (۴۰) در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۴۱) همانا تقوی پیشگان در سایه ها و چشمه ها (قرار دارند). (۴۲) و هر نوع میوه که بخواهند. (۴۳) بخورید و بیاشامید به پاداش آنچه انجام می دادید، گوارایتان باد. (۴۴) همانا ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (۴۵) در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۴۶) بخورید و بهره گیرید اندک که همانا شما مجرمید. (۴۷) در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۴۸) و هر گاه به آنان گفته شود رکوع کنید، رکوع نمی کنند. (۴۹) در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۵۰) پس بعد از این (قرآن) به کدامین سخن ایمان می آورند؟ (۵۱)

النبا

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) درباره چه از یکدیگر می پرسند؟ (۲) از خبر بزرگ. (۳) همان که ایشان در باره آن اختلاف دارند. (۴) چنین نیست؛ زود است که بدانند. (۵) باز چنین نیست؛ زود است که بدانند. (۶) آیا زمین را بستر قرار ندادیم؟ (۷) و کوه ها را (همچون) میخ ها؟ (۸) و شما را جفت آفریدیم. (۹) و خواب را مایه آرامش شما قرار دادیم. (۱۰) و شب را پوششی ساختیم. (۱۱) و روز را وقت تلاش و معاش قرار دادیم. (۱۲) و بر فراز شما هفت (آسمان) استوار بنا کردیم. (۱۳) و (خورشید را) چراغی فروزان قرار دادیم. (۱۴) و از ابرهای متراکم و فشرده، آبی فراوان فرو فرستادیم. (۱۵) تا به وسیله آن

دانه و گیاه بیرون آوریم. (۱۶) و باغهای پر درخت. (۱۷) همانا روز جدایی، وعده گاه (ما با شما) است. (۱۸) روزی که در صور دمیده شود و گروه گروه می آید. (۱۹) و آسمان گشوده شود و به صورت درههایی باز درآید. (۲۰) و کوه ها روان شوند و چون سراب گردند. (۲۱) همانا دوزخ، کمین گاهی است. (۲۲) برای سرکشان، جایگاه و بازگشتگاهی است. (۲۳) روزگاران در آن به سر برند. (۲۴) در آن دوزخ، نه خنکی چشند و نه آشامیدنی. (۲۵) مگر آب جوش و خونابه و چرکابه ای. (۲۶) که این، کیفی مناسب گناه آنهاست. (۲۷) آنان بودند که به روز حساب، امید و باوری نداشتند. (۲۸) و آیات ما را به سختی تکذیب می کردند. (۲۹) (ولی) ما حساب همه چیز را در کتاب خود داشتیم. (۳۰) پس بچشید که جز عذاب بر شما نمی افزاییم. (۳۱) همانا برای اهل پروا، رستگاری و کامیابی بزرگی است. (۳۲) انواع باغ ها و انگورها. (۳۳) و همسرانی زیبا و دلربا، همانند و هم سال. (۳۴) و جامهایی سرشار. (۳۵) در آنجا نه بیهوده ای شنوند و نه تکذیبی. (۳۶) پاداشی از طرف پروردگارت و عطایی از روی حساب. (۳۷) (پروردگارتو) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست می باشد، او سرچشمه رحمت است. (با این وصف) کسی را یارای خطاب با او نیست. (۳۸) روزی که روح و فرشتگان به صف ایستند، کسی سخن نگوید جز آن که (خدای) رحمان به او اجازه دهد و او سخن صواب گوید. (۳۹) آن روز، روز حق است (و محقق خواهد شد). پس هر که بخواهد، راه بازگشتی به سوی پروردگارش انتخاب کند. (۴۰) همانا ما شما را از عذابی نزدیک بیم دادیم، روزی که انسان به آنچه از پیش فرستاده بنگرد و کافر گوید: ای کاش خاک بودم. (۴۱)

النازعات

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) سوگند به فرشتگانی که جان (کافران) را به سختی می گیرند. (۲) سوگند به فرشتگانی که جان (مؤمنان) را به آسانی و نشاط می گیرند. (۳) سوگند

به فرشتگانی که (در انجام فرمان الهی) به سرعت شناورند. (۴) و (در انجام مأموریت) بر یکدیگر سبقت گیرند. (۵) و امور (بندگان) را تدبیر کنند. (۶) روزی که زلزله وحشتناک همه چیز را به لرزه درآورد. (۷) و به دنبال آن لرزه دیگری واقع شود. (۸) در آن روز، دل‌هایی ترسان و لرزان است. (۹) و چشم‌ها (از ترس) فرو افتاده. (۱۰) (آنان که در دنیا) می‌گویند: آیا (پس از مرگ) ما به زندگی نخستین باز گردانده می‌شویم؟ (۱۱) آنگاه که استخوان‌هایی پوسیده شدیم؟ (۱۲) (با خود) گویند: در این صورت، این بازگشتی زیانبار است. (۱۳) جز این نیست که آن بازگشت، با یک صیحه عظیم است. (۱۴) که ناگهان همگی در صحرای محشر حاضر شوند. (۱۵) آیا سرگذشت موسی به تو رسیده است؟ (۱۶) آنگاه که پروردگارش او را در سرزمین مقدس طوی ندا داد: (۱۷) به سوی فرعون برو که او سرکشی کرده است. (۱۸) پس به او بگو: آیا می‌خواهی که (از پلیدی‌ها) پاک شوی؟ (۱۹) و ترا به سوی پروردگارت هدایت کنم تا بترسی (و سرکشی نکنی). (۲۰) پس معجزه بزرگ را به او نشان داد. (۲۱) آیا او تکذیب کرد و نافرمانی نمود. (۲۲) آنگاه پشت کرد، در حالی که (برای خاموشی این دعوت) تلاش می‌نمود. (۲۳) پس (ساحران را) جمع کرد و ندا داد. (۲۴) و گفت: من پروردگار برتر شما هستم. (۲۵) آنگاه خداوند او را به کیفر دنیا و آخرت گرفتار کرد. (۲۶) همانا در این ماجرا برای هر کس که (از سوء عاقبت) بترسد، درس عبرتی است. (۲۷) آیا آفرینش شما سخت تر است یا آسمانی که او بنا کرده؟ (۲۸) سقفش را برافراشت و آن را استوار ساخت. (۲۹) شبش را تیره و روزش را روشن گرداند. (۳۰) بعد از آن، زمین را گسترش داد. (۳۱) و از آن آب و چراگاه بیرون آورد. (۳۲) و کوه‌ها را استوار و پابرجا گردانید. (۳۳) تا وسیله برخورداری شما و چارپایان شما باشد. (۳۴) آنگاه که آن حادثه بزرگ

فرارسد. (۳۵) در آن روز، انسان آنچه تلاش کرده، به یاد آورد. (۳۶) و جهنم برای هر بیننده ای آشکار شود. (۳۷) اما هر که سرکشی کرده، (۳۸) و زندگی پست دنیا را (بر آخرت) برگزیده، (۳۹) بی شک، دوزخ جایگاه اوست. (۴۰) و اما کسی که از مقام پروردگارش ترسید و نفسش را از هوس بازداشت. (۴۱) بی شک، بهشت جایگاه اوست. (۴۲) از تو درباره قیامت می پرسند که چه وقت بر پا می شود. (۴۳) تو را به گفتگو درباره آن چه کار؟ (۴۴) پایان و سرانجام آن با پروردگار توست. (۴۵) وظیفه تو هشدار کسی است که از آن می ترسد. (۴۶) گویی جز شبی یا روزی (در دنیا و برزخ) درنگ نکرده اند. (۴۷)

عبسی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) چهره درهم کشید و روی بر تافت. (۲) از اینکه نابینایی به سراغ او آمد. (۳) و تو چه دانی، شاید او در پی پاکی و پارسایی باشد. (۴) یا پند گیرد و آن پند سودش بخشد. (۵) اما کسی که خود را بی نیاز می بیند. (۶) پس تو به او می پردازی. (۷) با آنکه اگر پاک نگردد، بر تو چیزی نیست. (۸) و اما کسی که شتابان نزد تو آمد، (۹) در حالی که از خدا می ترسد، (۱۰) تو از او تغافل می کنی و به دیگری می پردازی. (۱۱) چنین نیست (که آنها می پندارند)، همانا قرآن وسیله تذکر است. (۱۲) پس هر کس بخواهد، آن را یاد کند و از آن پند گیرد. (۱۳) در میان صحیفه هایی ارجمند است. (۱۴) که بلند مرتبه و پاکیزه است. (۱۵) به دست سفیرانی، (۱۶) بزرگوار و نیکوکار. (۱۷) مرگ بر این انسان (سرکش) که چه ناسپاس است. (۱۸) (مگر خداوند) او را از چه چیز آفریده است. (۱۹) از نطفه ای ناچیز آفریدش و سامانش بخشید. (۲۰) سپس راه (سعادت) را برای او آسان و فراهم نمود. (۲۱) آنگاه او را میراند و در گورش نهاد. (۲۲) پس هر زمان که بخواهد او را برانگیزد. (۲۳) هرگز (چنین نیست) که هنوز آنچه را که خدا به او فرمان داده، انجام نداده است. (۲۴) پس

باید انسان به غذای خود بنگرد. (۲۵) ما آب را آن گونه که باید، (از آسمان) فرو ریختیم. (۲۶) سپس زمین را به خوبی شکافتیم. (۲۷) و در آن، دانه رویاندیم. (۲۸) و نیز انگور و سبزیجات، (۲۹) و زیتون و نخل خرما، (۳۰) و باغهای پردرخت، (۳۱) و میوه و چراگاه، (۳۲) برای برخورداری شما و چهارپایانتان. (۳۳) پس زمانی که آن صدای هولناک در آید. (۳۴) روزی که انسان از برادرش بگریزد. (۳۵) و از مادر و پدرش. (۳۶) و همسر و فرزندان. (۳۷) در آن روز برای هر یک از آنان کار و گرفتاری است که او را (از پرداختن به کار دیگران) بازدارد. (۳۸) چهره هایی در آن روز درخشانند، (۳۹) خندان و شادمانند، (۴۰) و چهره هایی در آن روز، غبار (غم) بر آنها نشسته. (۴۱) و تیرگی و سیاهی، چهره آنان را پوشانده است. (۴۲) اینان همان کافران بدکردارند. (۴۳)

التکویر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) آنگاه که خورشید در هم پیچیده و تاریک شود. (۲) و آنگاه که ستارگان به خاموشی گرایند. (۳) و آنگاه که کوه ها به حرکت در آیند. (۴) و آنگاه که شتران باردار به حال خود رها شوند. (۵) و آنگاه که حیوانات وحشی، برانگیخته و گرد هم آیند. (۶) و آنگاه که دریاها به جوش آیند. (۷) و آنگاه که جانها جفت و قرین شوند. (۸) و آنگاه که از دختر زنده به گور شده پرسیده شود. (۹) که به کدامین گناه کشته شده است؟ (۱۰) و آنگاه که نامه های عمل گشوده شود. (۱۱) و آنگاه که آسمان از جای کنده شود. (۱۲) و آنگاه که دوزخ شعله ور شود. (۱۳) و آنگاه که بهشت (برای اهلبش) نزدیک آورده شود. (۱۴) هر کس بداند که چه حاضر کرده است. (۱۵) سوگند به ستارگانی که بازمی گردند. (۱۶) در حرکت هستند و پنهان می شوند. (۱۷) و سوگند به شب آنگاه که برود. (۱۸) و سوگند به صبح آنگاه که بدمد. (۱۹) که همانا قرآن، کلام پیام آوری گرامی است. (۲۰) آن که نزد خداوند صاحب عرش، دارای قدرت و مقام والا- است. (۲۱) (فرشته ای که فرمانش برند و امینش

شمرند. (۲۲) و همانا مصاحب شما (پیامبر)، جن زده نیست. (۲۳) و قطعاً آن (فرشته وحی) را در افق روشن دیده است. (۲۴) و او بر غیب بخیل نیست (و آنچه را دریافت کرده، دریغ نمی کند). (۲۵) و آن قرآن، از القائن شیطان رانده شده نیست. (۲۶) پس به کجا می روید؟ (۲۷) آن (قرآن) جز پند و تذکری برای جهانیان نیست. (۲۸) برای هر کس از شما که بخواهد راستی و درستی پیشه کند. (۲۹) و شما نمی خواهید جز آنچه خداوند، پروردگار جهانیان بخواهد. (۳۰)

الانفطار

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) آنگاه که آسمان شکافته شود. (۲) و آنگاه که ستارگان پراکنده شوند. (۳) و آنگاه که دریاها گشوده و به هم راه یابند. (۴) و آنگاه که قبرها زیور و گردد. (۵) هر کس بداند، آنچه از پیش فرستاده و آنچه بر جای گذاشته است. (۶) ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته است؟ (۷) همان که تو را آفرید و اندامت را) استوار ساخت و متعادل کرد. (۸) و به هر صورت که خواست، تو را ترکیب کرد. (۹) با این همه، (شما روز) جزا را دروغ می پندارید. (۱۰) در حالی که قطعاً بر شما نگهبانانی (از فرشتگان) گمارده شده اند. (۱۱) نویسندگان بزرگوار، (۱۲) که به آنچه انجام می دهید آگاهند. (۱۳) بی شک، نیکان در ناز و نعمت بهشتی اند. (۱۴) و بی شک، بدکاران در آتشی شعله ور. (۱۵) که در روز جزا به آن وارد شوند و بسوزند. (۱۶) و لحظه ای، از آن غایب و جدا نشوند. (۱۷) تو چه دانی که روز جزا چه روزی است؟ (۱۸) باز، چه دانی که روز جزا چه روزی است؟ (۱۹) روزی که هیچ کس برای هیچ کس اختیاری ندارد و در آن روز، فرمان تنها برای خداست. (۲۰)

المطففين

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) وای بر کم فروشان. (۲) کسانی که هرگاه از مردم پیمانانه بگیرند کامل می گیرند. (۳) و هرگاه به ایشان پیمانانه دهند یا برایشان (کالایی را) وزن کنند، کم می گذارند. (۴) آیا آنان گمان ندارند که برانگیخته خواهند شد؟ (۵) برای روزی بزرگ. (۶) روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان (برای پاسخ به کارهایشان) خواهند ایستاد. (۷) چنین نیست (که آنان می پندارند)، همانا پرونده بدکاران در سجین است. (۸) و تو چه می دانی که سجین چیست؟ (۹) این، سرنوشتی است رقم خورده (و حتمی). (۱۰) وای بر تکذیب کنندگان در آن روز. (۱۱) کسانی که روز جزا را انکار می کنند. (۱۲) و جز تجاوزگر گناهکار، کسی آن را تکذیب نمی کند. (۱۳) هرگاه آیات ما بر او تلاوت شود، گوید: افسانه های

پیشینیان است. (۱۴) چنین نیست، بلکه آنچه کسب می کردند بر دل‌هایشان زنگار نهاده است. (۱۵) آنان در آن روز از (الطاف) پروردگارشان محبوب و محرومند. (۱۶) و آنگاه آنان به دوزخ وارد خواهند شد. (۱۷) سپس (به آنان) گفته خواهد شد: این همان چیزی است که آن را دروغ می پنداشتید. (۱۸) چنین نیست، همانا نامه عمل نیکوکاران در جایگاهی بلند است. (۱۹) و تو چه دانی که علّین چیست؟ (۲۰) سرنوشتی است رقم خورده و (حتمی). (۲۱) که مقربان الهی گواه آنند. (۲۲) همانا نیکوکاران در ناز و نعمت بهشتی اند. (۲۳) بر تخت‌ها (تکیه زده و) می نگرند. (۲۴) در چهره آنان خرمی و طراوت نعمت را می شناسی. (۲۵) از شرابی خالص و مُهر و موم شده به آنان نوشاندند. (۲۶) مُهر آن از مُشک است و هر کس که اهل مسابقه است، شایسته است که در (رسیدن به این نعمت‌ها) رقابت ورزد. (۲۷) و مخلوط آن، تسنیم است. (۲۸) چشمه‌ای که مقربان (الهی) از آن می نوشند. (۲۹) همانا مجرمان پیوسته به اهل ایمان می خندیدند. (۳۰) و هرگاه از کنارشان مرور می کردند، (از روی تمسخر) با چشم و ابرو به یکدیگر اشاره می کردند. (۳۱) و هرگاه به سوی اهل خودشان (و همفکران منحرفشان) بازمی گشتند، (شادمان از تمسخر) طنزگونه و بذله‌گویان بازمی گشتند. (۳۲) و هرگاه اهل ایمان را می دیدند، می گفتند: شکی نیست که آنان گمراهند. (۳۳) در حالی که آنان، رسالت نگهبانی بر مؤمنان را نداشتند. (۳۴) پس امروز، اهل ایمان بر این کفار می خندند. (۳۵) در حالی که بر تخت‌های بهشتی نظاره‌گرند. (۳۶) که آیا کافران کیفر عملکرد خود را دیده‌اند؟ (۳۷)

الانشقاق

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. (۱) آنگاه که آسمان شکافته شود. (۲) و پروردگارش را فرمان برد که چنین سزاوار است. (۳) و آنگاه که زمین هموار شود. (۴) و آنچه در آن است بیرون اندازد و خالی گردد. (۵) و به فرمان پروردگارش گوش سپرد که چنین سزد. (۶) هان ای انسان! تو به سوی پروردگارت تلاش بسیاری داری و سرانجام به لقای

او خواهی رسید. (۷) پس هر کس کارنامه اش به دست راستش داده شود، (۸) به زودی و به آسانی به حساب او رسیدگی خواهد شد، (۹) و شادمان به سوی خانواده اش (یا همفکرانش) بازمی گردد. (۱۰) و هر کس نامه اش از پشت سر (و به دست چپ) او داده شود، (۱۱) پس زود فریاد فغان بر خواهد آورد، (۱۲) و داخل دوزخ خواهد شد. (۱۳) همانا او (در دنیا) در میان خانواده اش شادمان بود. (۱۴) او گمان می کرد که هرگز بازمی گردد. (۱۵) چرا (باز خواهد گشت) و پروردگارش به او بیناست. (۱۶) به شفق، (سرخی بعد از غروب) سوگند می خورم، (۱۷) و به شب و آنچه (زیر پرده سیاهی خود) جمع می کند سوگند، (۱۸) و به ماه آنگاه که کامل گردد سوگند. (۱۹) که شما همواره از حالی به حال دیگر درآیید. (۲۰) پس آنان را چه شده که ایمان نمی آورند؟ (۲۱) و آنگاه که قرآن بر آنان خوانده شود، سجده نمی کنند؟ (۲۲) بلکه کافران (آیات الهی را) تکذیب می کنند. (۲۳) و خدا به آنچه در دل دارند آگاه تر است. (۲۴) پس ایشان را به عذابی دردناک بشارت ده. (۲۵) مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند که برای آنان پاداشی است ابدی و قطع نشدنی (و بی منت). (۲۶)

البروج

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) سوگند به آسمان که دارای برجهای بسیار است. (۲) به روز موعود سوگند. (۳) به شاهد و مشهود سوگند. (۴) مرگ بر صاحبان گودال (پر آتش). (۵) همان آتش پر هیزم. (۶) آنگاه که آنان بالای آن نشسته بودند. (۷) و تماشاگر شکنجه ای بودند که نسبت به مؤمنان روا می داشتند. (۸) آنان هیچ ایرادی به مؤمنان نداشتند، جز آنکه به خدای عزیز و حمید ایمان آورده بودند. (۹) آن که حکومت آسمان ها و زمین برای اوست و خداوند بر هر چیز گواه است. (۱۰) همانا کسانی که مردان و زنان با ایمان را مورد آزار و شکنجه قرار دادند و توبه نکردند، پس برای آنان عذاب دوزخ

و همچنین عذاب سوزان است. (۱۱) همانا برای کسانی که اهل ایمان و عمل صالح هستند، باغ‌هایی بهشتی است که نهرها از زیر آن جاری است، این است رستگاری بزرگ. (۱۲) همانا قهر و مجازات پروردگارت شدید است. (۱۳) بی تردید اوست که (آفرینش را) آغاز می‌کند و باز می‌گرداند. (۱۴) و هموست بخشنده و دوستدار (مؤمنین). (۱۵) صاحب عرش و دارای مجد و عظمت. (۱۶) آنچه را اراده کند حتماً انجام می‌دهد. (۱۷) آیا سرگذشت آن سپاه به تو رسیده است؟ (۱۸) (سپاه) فرعون و ثمود. (۱۹) آری، کافران (پیوسته) در تکذیب (حق) هستند. (۲۰) و خداوند از هر سو بر ایشان احاطه دارد. (۲۱) آری آن قرآن مجید است. (۲۲) که در لوحی محفوظ ثبت است. (۲۳)

الطارق

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) سوگند به آسمان و ستاره طارق. (۲) و تو چه دانی که طارق چیست؟ (۳) ستاره ای است درخشانده. (۴) (به اینها سوگند که) هیچ کس نیست مگر آنکه بر او نگهبانی است. (۵) پس انسان بنگرد که از چه آفریده شده است. (۶) از آبی جهنده آفریده شده است. (۷) که از بین کمر و سینه بیرون می‌آید. (۸) همانا او بر باز گرداندنش تواناست. (۹) روزی که اسرار آشکار شود. (۱۰) پس برای انسان، هیچ قدرتی (از درون) و یآوری (از بیرون) نیست. (۱۱) سوگند به آسمان باران‌زا. (۱۲) سوگند به زمین که (برای خروج گیاهان) برشکافته است. (۱۳) که همانا این قرآن سخنی است قاطع. (۱۴) و هزل و شوخی نیست. (۱۵) همانا کافران پیوسته نیرنگ می‌کنند. (۱۶) و من نیز تدبیر می‌کنم. (۱۷) پس کافران را مهلت ده و اندک زمانی آنان را به خود واگذار. (۱۸)

الأعلى

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) نام پروردگار بلندمرتبه ات را به پاکی یاد کن. (۲) همان که آفرید و سامان بخشید. (۳) و آنکه (هر چیز را) اندازه ای نهاد و هدایت کرد. (۴) آنکه (گیاه) چراگاه را رویانید. (۵) و سرانجام آن را خشک و تیره کرد. (۶) ما تو را به قرائت درست و امی داریم، پس فراموش نخواهی کرد. (۷) مگر آنچه خدا بخواهد که او بی گمان آشکار و نهان را می‌داند. (۸) و ما تو را برای آسان‌ترین (راه دعوت) آماده می‌سازیم. (۹) پس تذکر بده، (البته) اگر تذکر مفید افتد. (۱۰) هر کس خشیت الهی داشته باشد، بزودی پند گیرد. (۱۱) و بدبخت‌ترین افراد از آن دوری کند. (۱۲) همان کس که به آتش بزرگ درافتد. (۱۳) پس در آنجا نه بمیرد و نه زندگانی کند. (۱۴) به راستی رستگار شد آن کس که خود را (از پلیدی‌ها) پاک گردانید. (۱۵) نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گذارد. (۱۶) ولی شما زندگی دنیا را ترجیح می‌دهید. (۱۷) و حال آنکه آخرت بهتر و ماندگارتر است. (۱۸) این سخن در کتب آسمانی پیشین نیز آمده است. (۱۹) کتاب‌های ابراهیم و

الغاشیه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) آیا خبر آن حادثه فراگیر به تو رسیده است؟ (۲) در آن روز، چهره هایی خوار و زبونند. (۳) (با آنکه) تلاش کرده و رنج برده اند. (۴) (اما) به آتشی سوزان در آیند. (۵) و از چشمه ای جوشان نوشانده شوند. (۶) و خوراکی جز خار خشک و تلخ ندارند. (۷) که نه فربه کند و نه گرسنگی را از میان برد. (۸) در چنین روزی چهره هایی خرم باشند. (۹) از کوشش خود خشنود. (۱۰) در بهشت برین (جای دارند). (۱۱) در آنجا سخن بیهوده ای نشنوند. (۱۲) در آنجا چشمه ای جاری است. (۱۳) در آنجا تختهایی است برافراشته. (۱۴) و سبوهایی چیده شده، (۱۵) و بالشهایی ردیف شده، (۱۶) و فرش هایی گسترده شده. (۱۷) آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ (۱۸) و به آسمان، که چگونه برافراشته شده؟ (۱۹) و به کوه که چگونه برپا داشته شده؟ (۲۰) و به زمین که چگونه گسترده شده است؟ (۲۱) پس تذکر بده که همانا تو تذکر دهنده ای، (۲۲) و بر آنان سیطره و تسلطی نداری (که به ایمان آوردن مجبورشان کنی). (۲۳) مگر آن کس که روی گرداند و کفر پیشه کرد. (۲۴) که خداوند او را به بزرگترین عذاب مجازات می کند. (۲۵) همانا بازگشت آنان به سوی ماست. (۲۶) آنگاه حسابشان بر ماست. (۲۷)

الفجر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) به سپیده دم سوگند. (۲) به شبهای ده گانه سوگند. (۳) به زوج و فرد سوگند. (۴) به شب سوگند آنگاه که سپری شود. (۵) آیا (در این سوگندها) برای اهل خرد، سوگندی مهم نیست؟ (۶) آیا ندیدی که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ (۷) (همان قوم) ارم، (شهری) که دارای بناهای ستون دار بود. (۸) (بناهایی) که مانندش در دیگر شهرها ساخته نشده بود. (۹) و با قوم ثمود که در وادی خود تخته سنگها را (برای ساختن خانه) می بریدند. (۱۰) و با فرعون، صاحب قدرت و سپاه عظیم. (۱۱) آنها که در شهرها طغیانگری کردند. (۱۲) و در آن، فساد و تباهی افزودند. (۱۳) پس پروردگارت تازیانه عذاب بر آنان فرود آورد. (۱۴) همانا پروردگارت در کمین گاه است. (۱۵) اما انسان، (طبعش چنین

است که) هرگاه پروردگارش او را بیازماید و گرامیش داشته و نعمتش دهد، (مغرور گشته و) می گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته است. (۱۶) ولی هرگاه او را بیازماید و روزی او را تنگ سازد، می گوید: پروردگارم مرا خوار کرده کرده است. (۱۷) این چنین نیست؛ بلکه شما یتیم را گرامی نمی دارید. (۱۸) و یکدیگر را بر اطعام بینوایان ترغیب نمی کنید. (۱۹) و میراث را (به حق و ناحق) یکجا می خورید. (۲۰) و مال را بسیار دوست دارید. (۲۱) چنان نیست، (که می پندارید، بلکه) آنگاه که زمین به شدت درهم کوبیده شود. (۲۲) و (فرمان) پروردگارت با فرشتگان صف در صف فرارسد. (۲۳) در آن روز دوزخ را حاضر کنند، در آن روز انسان متذکر شود ولی این تذکر چه سودی برایش دارد؟ (۲۴) (در آن روز انسان) می گوید: ای کاش برای زندگی (امروز) چیزی از پیش فرستاده بودم. (۲۵) پس در آن روز هیچکس به مانند عذاب او عذاب نکند. (۲۶) و هیچکس چون به بند کشیدن او، در بند نکشد. (۲۷) هان ای روح آرام یافته! (۲۸) به سوی پروردگارت بازگرد که تو از او راضی و او از تو راضی است. (۲۹) پس در زمره ی بندگان من در آی. (۳۰) و به بهشت من داخل شو! (۳۱)

البلد

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) به این شهر (مکه) سوگند. (۲) در حالی که تو در این شهر ساکن هستی. (۳) به پدر، و فرزندی که پدید آورد، سوگند. (۴) همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم. (۵) آیا می پندارد که هرگز احدی بر او قدرت ندارد؟ (۶) می گوید: مال فراوانی تباه کردم. (۷) آیا گمان می کند احدی او را ندیده است؟ (۸) آیا برای او دو چشم قرار ندادیم. (۹) و یک زبان و دو لب؟ (۱۰) و دو راه (خیر و شر) را به او نمایانندیم. (۱۱) اما او در آن گردنه سخت قدم نگذاشت. (۱۲) و چه می دانی که آن گردنه چیست؟ (۱۳) آزاد کردن برده. (۱۴) یا غذا دادن

به روز گرسنگی. (۱۵) به یتیمی خویشاوند. (۱۶) یا بینوایی خاک نشین. (۱۷) سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و همدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده اند. (۱۸) آنان اصحاب یمین هستند. (۱۹) و کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند اصحاب شومی و شقاوت هستند. (۲۰) بر آنان آتشی سرپوشیده و فراگیر احاطه دارد. (۲۱)

الشمس

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) به خورشید سوگند و گسترش نور آن. (۲) به ماه سوگند، آنگاه که از پی خورشید در آید. (۳) به روز سوگند آنگاه که زمین را روشن سازد. (۴) به شب سوگند، آنگاه که زمین را بپوشاند. (۵) به آسمان سوگند و آنکه آن را بنا کرد. (۶) به زمین سوگند و آنکه آن را گسترانید. (۷) به نفس سوگند و آنکه آن را سامان داد. (۸) پس پلیدی ها و پاکی هایش را به او الهام کرد. (۹) به راستی رستگار شد، آن کس که نفس خود را تزکیه کرد. (۱۰) و بی شک محروم و ناامید گشت هر کس که آن را به پلیدی آلود. (۱۱) قوم نمود از روی سرکشی، (پیامبرشان را) تکذیب کردند. (۱۲) آنگاه که شقی ترین آنها (برای کشتن ناقه) به پا خاست. (۱۳) پس پیامبر خدا به آنان گفت: ناقه خدا و آبشخورش را (حرمت نهید). (۱۴) پس او را تکذیب کردند و ناقه را کشتند و پروردگارشان به خاطر این گناه، آنان را درهم کوبید و با خاک یکسانشان کرد. (۱۵) و خداوند از عاقبت کار خود بیم ندارد. (۱۶)

اللیل

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) به شب سوگند، آنگاه که (زمین را در پرده ای سیاه) فرو پوشاند. (۲) به روز سوگند، آنگاه که روشن شود. (۳) سوگند به آن کس که نر و ماده را آفرید. (۴) همانا تلاش های شما پراکنده است. (۵) اما آن که انفاق کرد و پروا داشت، (۶) و پاداش نیک (روز جزا) را تصدیق کرد. (۷) به زودی ما او را برای پیمودن بهترین راه آماده خواهیم کرد. (۸) ولی آنکه بخل ورزید و خود را بی نیاز پنداشت. (۹) و پاداش نیک (روز جزا) را تکذیب نمود. (۱۰) پس او را به پیمودن دشوارترین راه خواهیم انداخت. (۱۱) و چون هلاک شد، دارایی اش برای او کارساز نخواهد بود. (۱۲) همانا هدایت (مردم) بر عهده ماست. (۱۳) و بی شک آخرت و دنیا از آن ماست. (۱۴) پس شما را

از آتشی که زبانه می کشد بیم دادم.(۱۵)(آتشی که) جز بدبخت ترین افراد در آن در نیاید.(۱۶)همان که (حق را) تکذیب کرد و روی بر تافت.(۱۷)ولی با تقوی ترین مردم از آن آتش دور داشته خواهد شد.(۱۸)همان که مال خود را می بخشد تا پاک شود.(۱۹)در حالی که برای احدی (از کسانی که به آنان مال می بخشد)، نعمت و منتهی که باید جزا داده شود، نزد او نیست.(۲۰)جز رضای پروردگار بلند مرتبه اش، نمی طلبد.(۲۱)و به زودی خشنود شود.(۲۲)

الضحی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱)به روشنایی آغاز روز سو گند.(۲)به شب سو گند آنگاه که آرامش بخشد.(۳)پروردگارت تو را وانگذاشته و خشم نگرفته است.(۴)همانا آخرت برای تو بهتر از دنیا است.(۵)و به زودی پروردگارت (چیزی) به تو عطا کند که خشنود شوی.(۶)آیا تو را یتیم نیافت، پس پناه داد و سامانت بخشید.(۷)و تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد.(۸)و تو را تهی دست یافت و بی نیاز کرد.(۹)حال که چنین است) پس بر یتیم قهر و تندی مکن.(۱۰)و سائل را از خود مران.(۱۱)و نعمت پروردگارت را (برای سپاس) باز گو کن.(۱۲)

الشرح

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱)(ای پیامبر!) آیا به تو شرح صدر عطا نکردیم؟(۲)و بار سنگین ات را از (دوش) تو برنداشتیم؟(۳)آن (بار گرانی) که برای تو کمرشکن بود.(۴)و نام تو را بلند (آوازه) گردانیدیم.(۵)پس (بدان که) با هر سختی آسانی است.(۶)آری، با هر دشواری آسانی است.(۷)پس هر وقت (از کاری) فراغت یافتی (برای کار جدید) خود را به تعب انداز.(۸)و با رغبت و اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور.(۹)

التین

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱)به انجیر و زیتون سو گند.(۲)و به طور سینا سو گند.(۳)و به این شهر (مکه) امن سو گند.(۴)همانا ما انسان را در بهترین قوام و نظام آفریدیم.(۵)سپس او را به پایین ترین مرحله بازگردانیدیم.(۶)مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند که برای آنان پاداشی قطع ناشدنی و همیشگی است.(۷)پس بعد از این، چه چیز سبب می شود قیامت را تکذیب کنی؟(۸)آیا خدا بهترین حکم کنندگان نیست؟(۹)

العلق

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱)بخوان به نام پروردگارت که (هستی را) آفرید.(۲)او (که) انسان را از خون بسته آفرید.(۳)بخوان که پروردگارت تو از همه گرامی تر است.(۴)او که با قلم آموخت.(۵)آنچه را انسان نمی دانست به او آموخت.(۶)نه چنین است (که می پندارند). بی گمان آدمی طغیان می کند.(۷)چون خود را بی نیاز می بیند.(۸)همانا بازگشت همه به سوی پروردگار توست.(۹)آیا دیدی آن که منع می کند.(۱۰)بنده ای را که نماز می خواند.(۱۱)آیا اندیشیده ای که اگر (آن بنده) بر طریق هدایت باشد؟(۱۲)یا به تقوی سفارش کند. (سزای نهی کننده او جز آتش نیست)(۱۳)آیا اندیشیده ای که اگر تکذیب کند و روی برتابد (فقط خود را هلاک ساخته است)؟(۱۴)آیا او نمی داند که خداوند می بیند؟(۱۵)چنین نیست (که

او می پندارد.) اگر از کار خلافت دست باز ندارد موی پیشانی او را سخت بگیریم.(۱۶) موی پیشانی دورگویی خطا کار را.
(۱۷) پس او اهل محفلش را (به یاری) بخواند.(۱۸) ما هم بزودی مأمورن دوزخ را فرامی خوانیم.(۱۹) حاشا از او پیروی مکن و سجده کن و (به خدا) تقرب جوی.(۲۰)

القدر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱) همانا ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.(۲) و تو چه دانی که شب قدر چیست؟(۳) شب قدر از هزار ماه بهتر است.(۴) در آن شب، فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان برای انجام هر کاری فرود آیند.(۵) (آن شب) تا طلوع فجر، (سراسر) سلام و درود است.(۶)

البینه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱) کسانی که کفر ورزیدند از اهل کتاب و مشرکان، (از راه انحرافی خود) دست برندارند تا آنکه دلیل روشنی برایشان بیاید.(۲) پیامبری از سوی خدا که کتب (آسمانی) را تلاوت کند.(۳) در آن ها نوشته هایی استوار و با ارزش است.(۴) کسانی که به آنان کتاب داده شد متفرق نشدند مگر بعد از آنکه برهان روشن برایشان آمد.(۵) به اهل کتاب فرمانی داده نشده جز آنکه خدا را پرستند در حالی که دین را برای او خالص ساخته و گرایش به حق داشته باشند و نماز را به پا دارند و زکات پردازند و این است دین استوار.(۶) همانا کسانی از اهل کتاب و مشرکین که کافر شدند، در آتش دوزخند، در آن جاودانه اند. آنانند بدترین مخلوقات.(۷) بی شک کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند آنانند خود بهترین مخلوقات.(۸) پاداش آنان گروه در نزد پروردگارشان، باغهای جاودانه ای است که زیر آن نهرها جاری است. (آنان) برای همیشه در بهشت جاودانه اند، خدا از آنان راضی است و آنان نیز از او راضی. این مقام مخصوص کسی است که از پروردگارش خشیت دارد.(۹)

الزلزله

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱) آن گاه که زمین به لرزش شدید خود لرزانده شود.(۲) و زمین بارهای سنگین خود را بیرون افکند.(۳) و انسان بگوید: زمین را چه شده است؟ (که اینگونه سخت می لرزد).(۴) در آن روز زمین خبرهای خود را بازگو کند.(۵) چرا که پروردگارت به آن وحی کرده است.(۶) در آن روز مردم به طور پراکنده (از قبرها) بیرون آیند تا کارهایشان به آنان نشان داده شود.(۷) پس هر کس به مقدار ذره ای کار نیک کرده باشد همان را ببیند.(۸) و هر کس هم وزن ذره ای کار بد کرده باشد آن را

العادیات

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) سوگند به اسبان دهنده که (در میدان جهاد) نفسشان به شماره افتاد. (۲) و (به هنگام تاختن، از برخورد نعل اسبان با سنگ های بیابان) به شدت برق افروزند. (۳) و صبحگاهان بر دشمن هجوم برند. (۴) و گرد و غبار برانگیزند. (۵) و در میان معرکه و جمع دشمنان در آمده اند. (۶) همانا انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است. (۷) و بی شک بر این (ناسپاسی) گواه است. (۸) و همانا او علاقه شدیدی به مال دارد. (۹) آیا انسان نمی داند که وقتی آنچه در گورهاست برانگیخته شود. (۱۰) و آنچه در سینه هاست فاش شود. (۱۱) همانا خداوند در آن روز به کارشان آگاه است. (۱۲)

الفارعه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) حادثه کوبنده. (۲) آن حادثه کوبنده چیست؟ (۳) و تو چه دانی آن حادثه کوبنده چیست؟ (۴) روزی که مردم مانند پروانه ها پراکنده باشند. (۵) پس هر کس کفه های (عمل خیرش در) ترازویش سنگین باشد، (۶) پس هر کس کفه های (عمل خیرش در) ترازویش سنگین باشد، (۷) پس او در زندگی رضایت بخشی است. (۸) ولی هر کس کفه های (کار خیرش در) ترازویش سبک باشد، (۹) پس در آغوش آتش است. (۱۰) و تو چه دانی آن چیست؟ (۱۱) آتشی سوزان. (۱۲)

التکائر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) فزون طلبی (و تفاخر) شما را سرگرم کرد. (۲) تا آنجا که به زیارت مقبره ها رفتید. (۳) چنین نیست (که می پندارید) به زودی خواهید فهمید. (۴) باز چنین نیست (که می پندارید)، در آینده خواهید دانست. (۵) چنین نیست (که می پندارید)، اگر شما (به آخرت) علم یقینی داشتید. (۶) قطعاً دوزخ را می دیدید. (۷) سپس آن را با عین یقین می دیدید. (۸) سپس در آن روز از نعمت ها سؤال خواهید شد. (۹)

العصر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) به روزگار سوگند. (۲) همانا انسان در خسارت است. (۳) مگر آنان که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده و یکدیگر را به حق و استقامت سفارش می کنند. (۴)

الهمزه

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) وای بر هر عیب جوی طعنه زن. (۲) او خیال می کند که اموالش او را جاودان ساخته است. (۳) او خیال می کند که اموالش او را جاودان ساخته است. (۴) چنین نیست (که می پندارد) قطعاً او در (آتش) شکننده ای افکنده شود. (۵) و تو چه دانی که (آتش) خوردکننده چیست؟ (۶) آتش افروخته الهی، (۷) که بر دلها راه یابد. (۸) آن آتش بر آنان فرو بسته شده (و راه گریزی از آن نیست). (۹) در ستونهایی بلند و کشیده. (۱۰)

الفیل

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱) آیا ندیدی که پرودگارت با یاران فیل (کسانی که سوار فیل شده و برای انهدام مکه آمده بودند) چه کرد؟(۲) آیا نیرنگشان را بی اثر نساخت؟(۳) خداوند بر سر آنان پرندگان را فوج فوج فرستاد.(۴) که بر آنان سنگریزه هایی از گل سفت پرتاب کردند.(۵) پس آنان را مثل گاه خورد شده قرار داد.(۶)

قریش

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱) برای الفت دادن قریش (به این سرزمین، سپاه فیل را نابود کردیم تا مقدمه ای برای ظهور اسلام باشد).(۲) الفت آنان در سفرهای زمستانی و تابستانی.(۳) پس (به شکرانه این نعمت) باید پرورگار این خانه را پرستش کنند.(۴) همان که آنان را از گرسنگی (و قحطی نجات داد و) سیرشان کرد و از ترس (دشمن) امانشان داد.(۵)

الماعون

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱) آیا کسی که قیامت را انکار می کند دیده ای؟(۲) و دیگران را بر اطعام مسکین تشویق نمی کند.(۳) و دیگران را بر اطعام مسکین تشویق نمی کند.(۴) پس وای به حال نماز گزاران.(۵) آنان که از نمازشان غافلند.(۶) آنان که پیوسته ریا می کنند.(۷) و از دادن زکات (و وسایل ضروری زندگی) بازمی دارند.(۸)

الکوثر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱) همانا ما به تو خیر کثیر عطا کردیم.(۲) پس برای پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن.(۳) همانا دشمن تو بی نسل و دم بریده است.(۴)

الکافرون

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱) بگو: ای کافران! (۲) من نمی پرستم آنچه شما می پرستید.(۳) و نه شما می پرستید آنچه من می پرستم.(۴) و نه من می پرستم آنچه را شما پرستش کرده اید.(۵) و نه شما می پرستید آنچه را من می پرستم.(۶) (حال که چنین است) آیین شما برای خودتان و آیین من برای خودم.(۷)

النصر

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱) هنگامی که نصرت الهی فرا رسید.(۲) مردم را دیدی که دسته دسته در دین خدا وارد می شوند.(۳) پس باید سپاسگزارانه پروردگارت را تنزیه کنی و از او آمرزش بخواه که او توبه پذیر است.(۴)

المسد

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.(۱) بریده باد دو دست ابولهب و نابود باد.(۲) نه دارائیش و نه آنچه بدست آورد، به حالش

سودی نکرد. (۳) به زودی به آتشی شعله ور درآید. (۴) (همراه) زنش، آن هیزم کش (آتش افروز). (۵) (در حالی که) در گردنش ریشمانی از لیف خرما است. (۶)

الإِخْلَاصُ

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) بگو: او خداوند یگانه است. (۲) خداوندی که مقصود همگان است. (۳) فرزند نیاورده و فرزند کسی نیست. (۴) و هیچ همتایی برای او نباشد. (۵)

الفَلَقُ

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم. (۲) از شرّ آفریده هایش. (۳) و از شرّ تاریکی شب، آنگاه که همه جا را فراگیرد. (۴) و از شرّ افسون گرانی که در گره ها می دمند. (۵) و از شرّ هر حسود آنگاه که حسد ورزد. (۶)

النَّاسِ

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. (۱) (ای پیامبر!) بگو: پناه می برم به پروردگار آدمیان. (۲) پادشاه آدمیان. (۳) معبود آدمیان. (۴) از شرّ وسوسه شیطان. (۵) آن که اندیشه بد در دل مردمان افکند. (۶) از جنس جن باشد یا انسان. (۷)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

